

قوم و علوم اجتماعی

در کلام الله

(از مجموعه کلام خدا را اینگونه درک کنیم)

جلد ۸



گرد آوری و تحریشه : شهروز حسنی

القوم و علوم اجتماعی در کلام الله



ای پسیچ!

هرگاه پرچم محمد رسول الله
را برافق عالم زدی
حق داری استراحت کنی
جاوید الافر راجه احمد متولیان

ابتدا فکر میگردم که مملکت
وزیر دانا میخواهد بعد فکر گردم
شاید شاه دانا میخواهد
اما اکنون میفهمم
ملت دانا میخواهد

امیر کبیر هنگام تبعید



برگزیده از سری من میتوانی من میتوانم کنم

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

قوم و امور اجتماعی در
کلام الله

کلام خدا را اینگونه درک کنیم
روشی نوین درس آموزی از محضر قرآن مجید

گردآوری و تحسیله از شهرroz حسنی

سرشناسه : حسنی، شهروز، - ۱۳۶۰
عنوان و نام پدید آور مجموعه کلام خدا را اینگونه درک کنیم(روشی نوین درس آموزی از
محضر قرآن مجید) قوم و امور اجتماعی در کلام الله
گردآوری و تحسیله شهروز حسنی .
مشخصات نشر : تهران - شهروز حسنی ۱۳۹۵
مشخصات ظاهری : صفحه ۳۷۵ : ۵/۲۱*۵/۱۴ س م
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۰۴-۶۸۲۹-۳
وضعیت فهرستنویسی : فیپا.
عنوان دیگر : قوم و امور اجتماعی در کلام الله
موضوع : قرآنی بررسی و شناخت
شناسنامه افزوده :
رده بندی کنگره : BP ۱۳۹۵ / ۱۰۴ ح ۸۵ / BP
رده بندی دیوبی : ۲۹۷/۱۵۹
شماه کتابشناس. مل. : ۴۵۶۷۰۱۲

نام کتاب : قوم و امور اجتماعی در کلام الله
گردآوری و تالیف : شهروز حسنی
ناشر : مولف شهروز حسنی
ویراستار : مليحه شاهسون
چاپ اول : ۱۳۹۵ نسخه
تیراز: ۵۰۰ نسخه
چاپ و صحافی : ری
قیمت : ۱۰۰۰۰ تومان (بابت هزینه کاغذ و چاپ و توزیع) و صلوات بر محمد و آل
محمد برای محتوا
آدرس : ری - خیابان ۲۴ متری جنب اداره پست پلاک ۱۳ طبقه ۱
تلفن : ۵۵۹۶۱۰۲۲

پست الکترونیک : HASAN7947@MAILFA.COM

سایت اینترنتی : SHAKERIN۳۱۳.IR

هر گونه بهره برداری و نشر ، با نیت فی سبیل الله، آزاد و مورد منت است به برکت صلوات بر
محمد و آل محمد .

تقدیم به همه کسانی که کلمات الله را باور
کرده و به آن ایمان آورده و همه هستی مادی
خود را (مال و جان و فرزند و...) در راه
اعتلای آن هزینه کردند و اعلام بیزاری از
کسانی که وجود پلید خود را پشت ظاهر زیبای
قرآن پنهان کرده و منافقانه (برای کسب
دنیای فانی) از پشت به آن خنجر می زند.

فهرست

۸	مقدمه
۲۲	معاجز در کلام الله
۲۳	قوم ۳۷۸ مرتبه
۱۰۱	فوج در کلام الله
۱۰۱	افواج در کلام الله
۱۰۱	فریق در کلام الله
۱۰۸	طائف در کلام الله
۱۱۶	عاکف در کلام الله
۱۱۸	عکف در کلام الله
۱۱۸	معکوف
۱۱۹	صحاب و مشتقاش در کلام الله
۱۲۲	اصحاب در کلام الله
۱۳۵	حزب در کلام الله
۱۳۶	احزاب در کلام الله
۱۳۸	عشیره در کلام الله
۱۳۹	خلد در کلام الله
۱۴۲	خالد و مشتقاش در کلام الله
۱۵۷	خلود در کلام الله
۱۵۷	ذری در کلام الله
۱۶۴	آخر در کلام الله (به معنای دیگر)

۱۶۶.....	آخرین
۱۶۸.....	اخ در کلام الله برادر و خواهر
۱۷۰.....	روابط خانوادگی در قرآن
۱۷۲.....	ردف در کلام الله به معنب ردیفی کنار هم
۱۷۲.....	رادف
۱۷۳.....	مله
۱۷۵.....	ملت
۱۷۷.....	اهل در کلام الله
۲۰۰.....	مدین
۲۰۶.....	قبیله
۲۰۸.....	فرقه
۲۱۶.....	فریق
۲۲۳.....	نفر واحد شمارش
۲۲۳.....	دار
۲۳۰.....	فئه
۲۳۲.....	عشر
۲۳۳.....	تذر ذر به معنی کاشتن
۲۳۵.....	یدزr
۲۳۷.....	ذار
۲۳۷.....	دابه
۲۴۱.....	داب
۲۴۱.....	دابر
۲۴۲.....	دبر تدبیر یعنی دیرین گونه شناسی و سیر تکوینی مفهوم به نوعی ریشه شناسی
۲۴۷.....	ذریت
۲۵۰.....	اناس

۲۵۲	قربی
۲۵۲	قریه
۲۶۰	قرب قربی
۲۷۵	ادبار
۲۷۷	دبیر کسی که گذشته آن موضوع را می‌شناسد.
۲۷۷	صحاب
۲۷۸	صحاب اصحاب
۲۹۰	صاحب
۲۹۴	آل
۲۹۸	قوم در کلام الله
۲۹۹	رهط
۳۰۰	مواطن
۳۰۰	شیع
۳۰۲	فصیله
۳۰۲	بیت در کلام الله
۳۰۷	بیوت در کلام الله
۳۱۴	سجد و مشتقاتش در قرآن
۳۲۷	مسجد در کلام الله
۳۳۳	مساجد در کلام الله
۳۳۵	ساجد در کلام الله
۳۳۶	عمره و مشتقاتش در قرآن
۳۴۰	سقف در کلام الله
۳۴۱	نصر در کلام الله
۳۴۲	قصر
۳۴۳	قصور
۳۴۳	وسائل منزل

٣٤٣	اعضاء خانواده غلم
٣٤٤	غلام
٣٤٦	حول
٣٤٩	ایلاف
٣٥٠	آباء
٣٥٤	اسی
٣٥٥	ابوی
٣٥٦	بعض
٣٧٦	نسل

مقدمه

می گویند قرآن بزرگترین معجزه الهی و جاوید(برای همه مکانها و همه زمانها) است . یعنی :

معجزه ای بزرگتر از شفای مریضها توسط حضرت عیسی (ع) است .

معجزه ای بزرگتر از زنده کردن مردگان توسط حضرت عیسی (ع) است.

معجزه ای بزرگتر از شکافت دریا توسط موسی (ع) آنگونه که مردم آن عصر را به حیرت واداشت .

معجزه ای بزرگتر از مار شدن عصا آنگونه که موسی را چنان به وحشت انداخت که پا به فرار گذاشت و ...

سوال : چرا با خواندن قرآن چنین حسی به اکثر ما دست نمی دهد ؟

سوال : اشکال از دریافت ماست یا (نعمود بالله) از معجزه بودن قرآن ؟

ذلک الکتابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِلْمُتّقِينَ (البقرة/٢) آن کتاب با عظمتی است که شک در آن راه ندارد؛ و مایه هدایت پرهیزکاران است. الَّذِينَ يَؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (البقرة/٣) (پرهیزکاران) کسانی هستند که به غیب [=آنچه از حس پوشیده و پنهان است] ایمان می آورند؛ و نماز را برپا می دارند؛ و از تمام نعمتها و مواهبی که به آنان روزی داده ایم، انفاق می کنند.

در خصوص این مجموعه موارد زیر به استحضار می رسد :

-
- ۱- دروازه این جهان عظیم ، اراده ما برای متقین شدن است و تازه بعد از اتخاذ این اراده است که شرط یومنون بالغیب را باید در دستور کارمان قرار دهیم .
- ۲- ام الکتاب یعنی این کتاب ، مادر سایر کتابها باید باشد ، نه برعکس . یعنی ما با مطالعه سایر کتابها نمی توانیم به کنه قرآن پی ببریم بلکه با درک قرآن می توانیم به حق یا باطل بودن (درست یا غلط بودن) سایر کتب پی ببریم . ام الکتاب یا مادر همه کتابهای حق و هدایت ، قرآن است پس پرداختن به اصل همیشه ما را از فرعیات (علوم مرسوم دانشگاهی و حوزوی) غنی می کند .
- ۳- در برخورد با قرآن مسلمانان به چند دسته تقسیم می شوند: برخی قرآن را طوطی وار می خوانند گویی مسابقه ای است که چه کسی سریعتر روخوانی می کند .
- برخی گویی قرآن وسیله ای برای چه چه، است و در بستر آن ، صدای خود را و صوت خود را برای خلق خدا ، تبلیغ می کنند .
- برخی قرآن را چنان پیچیده و ثقیل می کنند که غیر مستقیم به سایر مردم می گویند شما سر در نمی آورید ، سراغ قرآن نیایید ، همان ما ها ، با آن سر و کار داریم ، کافی است شماها فقط اطاعت کننده ما باشید . شما هر چه می خواهید از خود مها بپرسید لازم نیست مستقیم با قرآن طرف باشید . (البته شاید در اعصار گذشته که مردم فرصت و حوصله و انگیزه یاد گرفتن نداشتند ، می شد اینگونه مردم را راکد و مسکوت کرد ولی در این عصر هرگز . در عصری که عامه مردم تازه مزه شیرین تفکر و عبادت و کنجکاوی دانش را درک کرده اند و در بسیاری از علوم حتی جلوتر از مشاهیر ، اعلام نظر می کنند انحصارها شکسته شده است .

برخی هم آیات مبهم قرآن(نسبت به درک ناقص خودشان) را می گیرند و مدام روی آن مانور می دهند پس و پیش آن را هم نمی گویند و به قصد مسخره کردن کاملا شیک قرآن را مسخره می کنند . (معاندانی که با آیات جهاد و قصاص در قرآن مشکل دارند و سعی می کنند خودشان را صلح طلب و اخلاق مند معرفی کنند ، که البته نزد اهل معرفت و زمان شناس فربیشان رنگی ندارد)

برخی فقط به دنبال صناعات ادبی و ظاهر شیک و آهنگین قرآن می روند و فقط از آن قسمت قرآن لذت می برند و به بقیه اش کاری ندارند و اشتغال به ظاهر قرآن ، آنها را از کشف باطن آن غافل کرده است .

برخی قرآن را برای پز دادن می خواهند به دانشمندان غربی خرد می گیرند که شما خزعلاتی که می بافید در مقابل قرآن ما هیچ ارزشی ندارد ولی در عمل حاضر می شوند تابع دستورالعملهای همان خزعلات گویان باشند ، این دسته همان غربزدگان ، لیبرال مسلک ، بعضًا مقدس ماب هستند.

برخی به یک مفهوم قرآن می چسبند اگر چه در آن نکته خاص از خیلی ها جلوترند ولی از درک و اشراف کاملتر قرآن باز می مانند گویی ظرف معرفتشان اندازه یک لیوان است ، برخی از مداحان جزء این دسته اند .

برخی چنان قرآن را در مجلدهای شکیل و زر ورق می نگارند و چاپ می کنند گویی ارزش آیات آن و مفاهیم متعلقه تغییر می کند .

برخی دهها چاپ قرآن ، دهها مجلد ، دهها نرم افزار و از آن را تهیه می کنند و انبار می کنند ولی میل نزدیک شدن به آن را ندارند یا بهتر بگوئیم خداوند لیاقت بهره مندی از قرآن را به آنها نمی دهد .

۴- قرآن خیلی متکبر و با حیا است، محال است به متکبر چیزی بیاموزد ، تا فرد به واقع خاشع نشود، اثلا راهش نمی دهد ، حتی اگر آن فرد اصرار داشته باشد که از قرآن سر در آورد، چنان آن مطالعه را برایش عذاب آور می کند که مجبور به فرار شود و در یک کلام ، قرآن ، نا محرم را از خود می راند .

۵- این مجموعه از آن جهت مورد توجه است که پردازش به سخن الله است نه یک اندیشمند بشری و الله کسی است که از ابتدا بوده و همیشه هست و تا ابد خواهد بود و همه نظامات این جهان ، را او طراحی کرده است، لذا توجه به سخنان طراح اصلی عالم برای کشف راهها و راه حلهای مصائبی که گرفتار آن هستیم امری بسیار واجب است.

۶- شرط محرومیت را باید جست و آن جز تسلیم شدن در برابر خدا و وارد شدن به عباداللهی نیست ، که هر کس وارد این قلمرو شود ، خداوند همچون هادی و مربی و ربوبیت کننده عالی ، یکی یکی ، نشانی ها (آیات) رادر مسیرش قرار می دهد و یکی یکی آیه های قرآن را برایش رمز گشایی می کند .

۷- در ادامه تجربه این شخص حقیر را از مواجهه با قرآن خدمتتان بازگو می کنم شاید مورد توجهتان قرار گیرد یا به کارتان آید .

در مطالعات قرآنی رسیدم به این آیه : **فَقَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ وَكَلَّا آتَيْنَا حُكْمًا وَعِلْمًا وَسَحَرْنَا مَعَ دَاوُودَ الْجِبَالَ يَسَبّحُنَ وَالظَّيرَ وَكُنَّا فَاعِلِينَ (الأنبياء/٧٩)** ما (حکم واقعی) آن را به سلیمان فهماندیم؛ و به هر یک از آنان (شاپیستگی) داوری، و علم فراوانی دادیم؛ و کوهها و پرندگان را با داود مسخر ساختیم، که (همراه او) تسبیح (خدا) می گفتند؛ و ما این کار را انجام دادیم!

ما به سلیمان فهماندیم!!!!!! ما !!!! یعنی چی ؟ (با خودم می گفتم : خدا یا چه داری می گویی ؟ من خودم دارم می فهمم کسی به من چیزی نمی فهمانه و حالا تو به من می گویی ، فهمیده هات را من به تو فهماندم و ...) این آیه را گذاشتمن کنار آیه " وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى (الأنفال/۱۷) و این تو نبودی (ای پیامبر که تیر را) انداختی؛ بلکه خدا انداخت! " ، دیگه قفل کردم، ۳ ماه سر کار بودم تا بلکه قسمتی از معنی این آیه را بفهمم و در آن مدت جرات و توان نزدیکی به قرآن را نداشتم .

در خلوت خود با خدا راز و نیاز می کردم و به او می گفتم : خدا یا من که فلان و فلان و فلان هستم . چرا جرات باز کردن و خواندن کلام تو را ندارم !!!

بعدها که فرق اصالت ابژه (متعلق شناسایی : چیزی که باید شناخته شود) و اصالت سوژه (فاعل شناسا : کسی که قادر است آن چیز را بشناسد) را در فلسفه درک کردم تازه متوجه شدم از چه مهلکه ای نجات پیدا کردم .(مهلکه غیر بینی و خود بینی به جای حق بینی(از منظر خدا دیدن)) و خواسته یا نخواسته چنان منت بزرگی به من عطا شده است، الله می فرماید : ما به سلیمان (ع) فهماندیم و به (پدرش) داود (ع) نفهماندیم به برادرش آدونیا نفهماندیم . و ... خلاصه اینکه **همین ۲ کلمه** مرا **تسلیم قرآن کرد** اواخر آن موضوع کارم به جایی رسیده بود که گستاخانه و طلبکارانه به خدا می گفتم: باید به من هم بفهمانی همانطور که به سلیمان فهماندی و اگرنه به عدالت شهادت نمی دم و ... سبحان الله ، الحمد لله ، لا اله الا الله ، الله اکبر ، استغفرالله ربی واتوب اليک خدا یا

نعمت‌های را شکر، داده و نداده ات را شکر اشتباهات و گناهان همه ما را ببخش.

-۸ موضع فهم، پیچیده ترین مسئله انسانه است، که همه تلاش‌هایشان را حول این موضوع اختصاص داده اند.

فقط اینقدر به شما بگویم که تاریخ اسلام ای ما شا الله قاری و حافظ قرآن داشته و دارد. چرا با وجود همه آنها وضع مسلمانان این طوری است (به جای پیشو ایشان را خودن همواره تابع اند و توجیه گر) نکته: تا خداوند، در ما لیاقت فهم آیه را نبیند، فهم آن را به ما اعطای نمی‌کند، حالا هر چقدر هم که زور بزنیم بهترین قرائت و بهترین حفظ را انجام بدیم فایده ندارد باید لیاقت فهم را در خودمان ایجاد کنیم و آن هم فقط یک فرمول دارد، که در حدیث قدسی آورده است: به آنچه می‌دانی عمل کن تا آنچه نمی‌دانی را به تو یاد دهم. عمل به حق راه فهم ما را باز می‌کند. با یکدیگر دعا کنیم یا الله خودت آنچه صلاح می‌دانی را به ما بفهمان.

-۹ لذا مجموعه حاضر تلاشی است برای درک جزئی تر، کلمات قرآنی (درک جزئی، دروازه و مقدمه فهم کلی تر، است) که الله در آخرین ورژن کتاب الهی به بشر نازل کرده است و به همین خاطر توصیه می‌کنیم، هنگام مطالعه کتاب مقدس مدام این دعا را با خود تکرار کنید که خدا یا تو به من بفهمان، باشد تا لایق آن شده باشیم که مشیت او به فهم و تعالیٰ ما تعلق گیرد.

-۱۰ ملاک فهم، بر مرکز الله قرار دارد و او به هر کس که بخواهد و به هر مقدار که بخواهد از این نور جاری و حکمت باقی بهره مند می‌کند و نعمت صیرورت خود را نصیبیش می‌کند امید است زمینه ای فراهم شود

ما لایق شویم و خدا عنایتی کند و به ما هم فهمانده شود آنگونه که به سلیمان و سایر انبیا و ائمه و صالحین و صدیقین بشر فهمانده شد.

۱۱- راز کار اینجاست، فهم را فقط از الله طلب کنید، آنچه او به شما می دهد ارزش دارد. قرآن ظاهری دارد و باطنی ، پس از یک مدت انس با قرآن اگر شما را لایق دید و کم کم حجاب خود را برایتان برمی دارد و بر بطن آن محرم می کند ، کم کم اعجاز را با سلول سلول جسم و ذره ذره روحتان درک می کنید . و خوش آن حال حق ، یا محول الحول و الاحوال .

۱۲- اتفاقات و تجربیات عجیبی در زندگی تان احساس می کنید، به شما یقین می دهم که از درون مطمئن می شوید که جهت آن حق و درست است و کمال و سعادت را در پی دارد ولو همه مردم ، خلافش را بگویند و این همان نعمت فرقان است که : **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلُ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيَكْفُرُ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرُ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ** (الأنفال/ ۲۹) ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر تقوای الهی را داشته باشید (تقوا را اینطور تصور کنید که همه جا یک دوربین بسته شده که پشت آن کارگزاران خداوند یا اثلا خود خداوند در حال روئیت فکر و عمل شماست) و این باعث شود از صراط مستقیم ، انحراف نکنید ، و حالا برای شما وسیله‌ای جهت جدا ساختن حق از باطل قرار می دهد؛ (روشن بینی خاصی که در پرتو آن، حق را از باطل خواهید شناخت؛) و گناهانتان را می پوشاند؛ و شما را می آمرزد؛ و خداوند صاحب فضل و بخشش عظیم است!

۱۳- اساس این روش در فهم قرآن این است که مخاطب یک کلمه از قرآن را مرکز توجه قرار دهد و آن را مانند نخ تسبیح در نظر بگیرد و همه

آیات مرتبط با آن را مطالعه کند و در همه آن آیات، سعی کند رابطه سایر موضوعات مورد اشاره آیه با آن کلمه خاص را درک کند. در پایان فهمی از آن کلمه در ذهنش می نشیند که مصدق حديث امام صادق(ع) است که می فرماید: قرآن را با قرآن تفسیر کنید. البته درک بسیاری از کلمات قرآن با این روش بسیار آسان می گردد و نیاز به هیچگونه توضیحی نیست لیکن برای اینکه با شرایط عصری و برخی مصادیق عامه هم تطبیقی صورت گیرد به طور مختصر توضیحی ارائه می گردد. که پژوهنده گرامی باید توجه کند که آن توضیح صرفا از منظر نگارنده است و خدای ناکرده حمل بر کلام الله نکند.

۱۴ - برای ورود به حوزه نظریه و نظریه پردازی نیاز به یک چهارچوب مفهومی معتبر و قوی داریم ، باتفاق همه عقلای پیشینی و امروز جهان ، تنها منبعی که کامل است ، هیچ اشکالی به آن وارد نیست قرآن مجید می باشد .

۱۵ - منطق توحیدی اساس تقسیم بندی و گردآوری این مجموعه است یعنی تقسیم بندی همه موضوعات عالم جعل به دو تایی های حق و باطل و زدن باطل و اقامه حق تا ان شاء الله تفکر در شکل درست خود، به علم در وجودان ما تبدیل شود. انشا الله

۱۶ - از شما مخاطب عزیز تقاضا می کنم هیچ عجله ای برای تمام کردن این مجموعه نکنید بگذارید آرام آرام به جانتان بشیند و آنچه از الهامات و نکته های عقلی و علمی که با خواندن این مجموعه به ذهنتان متبادر می شود ، حتما در جایی ثبت و ضبط کنید ، تا ان شا الله در وبسایت مرجعی که برای این منظور راه اندازی می گردد به اسم خودتان ثبت شود ، امید اینکه کم کم آن گنجینه بزرگ معرفتی منشعب از ام

الكتاب ساخته شود که سایر بندگان خدا هم از آن استفاده مکفى را ببرند و گره گشای، مسئله و مشکلی بگردد.

۱۷- الله در قرآن کریم کامل ترین و جامعترین و بهترین کلامات زبان هر قوم را برای انتقال مفهومش انتخاب کرده است لذا گاهی در برابر یک کلمه ای که ما می شناسیم در قرآن چندین کلمه وجود دارد مثلماً ما در برابر همه کلمات صدر، قلب، فواد، شغاف کلمه دل را به کار می بریم حال آنکه هر کدام از کلمات بار معنایی خود و جایگاه خاص خود را در نظام معرفت حق دارا می باشند، لذا وقتی به این موارد بر خوردید به خودمان اشکال بگیریم و سعی کنیم ما خود را همراه معارف قرآنی کنیم . نه اینکه با مقاومت و تعصب جاهلی بر زبان فارسی در برابر قرآن، از حکمت‌های آن محروم شویم .

۱۸- ایامی که درگیر مباحثات و جدل‌های علمی هستم با تمام گوشت و پوست و استخوانم درک کردم که مشکل اصلی در این است که جامعه علمی ما، در مفهوم کلمات با هم تعارض دارند، یعنی به اصطلاح در ترمینولوژی ، ریشه شناسی واژه ها با یکدیگر مشکل داریم، بسیاری از مدرنیستها مدام کلمه علم (که واژه ای قرآنی است) را به کار می بردند ولی در اصل منظورشان ساینس است ... لذا این مجموعه برای مقدمه ورود به مباحث تكمیلی از واجبات است که بدانیم واقعاً منظور الله از کلمه علم چه بوده ، کاملترین فهم زمانی به وجود می یاد که همه جاهایی که الله این کلمه را به کار برد است دقیق بررسی کنیم .

۱۹- پس از گردآوری و تالیف کتاب (فرضیه شجره و خلقت نخستین انسان، ها) بسیاری مدام از بنده حقیر می پرسیدند ، شما چگونه این مفاهیم را کنار قرار می دهید و من فقط آنها را به خود قرآن، ارجاع می

دادم و اینکه در محضر قرآن تسلیم باشند . فکر می کنم توضیحات بالا جوابی برای سوال آن عزیزان باشد .

۲۰ - لازم به ذکر است متن آیات و ترجمه آنها از نسخه مورد تائید آیت الله مکارم شیرازی اقتباس شده است و اینکه هر جا احساس کردید برای فهم آیه به اطلاعات بیشتری نیاز دارید حتما به کتاب آیات پیوسته قرآن مراجعه کرده و آیات پس و پیش آن را مد نظر قرار دهید و باز اگر اقناع نشدید به کتب تفسیر و شان نزول مراجعه فرمائید . و نکته بعدی اینکه : ترجمه ها ، ترجمه مرسوم هست و با توجه به مفاهیم جدیدی که درک می شود اشتباهاتی در آن یافت می شود . لذا اصل برای ما خود متن عربی قرآن است .

۲۱ - اگر این روش تدریس قرآن در جامعه مقبول افتاد حتی می تواند جایگزین دروس عربی و قرآن و تعلیمات دینی و تعلیمات اجتماعی و امور تربیتی و تا قسمتی هم ادبیات و تاریخ در دوره های تحصیلی آموزش و پرورش شود .

۲۲ - که از نتایج تبعی آن می توان اصلاح فرهنگ زبانی عامه پس از ۲ نسل را انتظار داشت . چون هم اکنون در زبان عوام بسیاری از لغات قرآنی به غلط جا افتاده که باید اصلاح شود .

۲۳ - امیدوارم این تلاش باعث شود جامعه ولای شیعیان جهان به درجه ای از فقاهت برسند که لایق محضر امام مهدی موعود صاحب الزمان(ع) بشوند .

۲۴ - این مجموعه تلاش مقدماتی برای ترمینولوژی واژه های قرآنی است که در ادامه با نوع جدیدی از فهرست بندی موضوعی کلمات مرتبط تجربه بسیار دلپذیری را از درک آیات قرآن نصیب مخاطب می کند هر کدام از این کلمات می تواند تا سطوح بسیار پیشرفته تری کار پژوهشی و

علمی را در برگیرد که خود به خود با انباشت آن پژوهشها زمینه برای تعریف یک رشته دانشگاهی در علوم انسانی به وجود می‌آید و این رویه ان شا الله پایه، اسلامی کردن علوم دانشگاهها و توحیدی کردن علوم تشییعی فعلی را در آینده رقم بزند.

۲۵ - و دیگر اینکه خواهشا این مجموعه را به اینجانب نسبت ندهید بنده به اندازه دانه ریگی از اقیانوس بی کران معرفت این کتاب جاوید بهره بردم و تجربه خودم را در فهم بهتر و موثرتر از کلام الله را در این مجموعه تدوین کرده ام لذا همه ضعفهای احتمالی را به حساب حقارت بنده در این عرصه بگذارید . و همه بزرگی ها را به حساب آفریننده این کلمات . ولی بالاخره باید کاری می شد، ۱۴۰۰ سال است خداوند همه راه حل های زندگی سالم و صالح را فرستاده و ما هنوز در مقدمات معارف دست و پا می زنیم .

۲۶ - اصرار داریم که اصطلاح "کلام الله" "مکرر و مکرر بیان بشود تا خوب در اذهان و افکار بنشینند در اینصورت ما و عامه مردم عادت می کنیم که در مقابل کلام نفر ۱ نفر ۲ و نفر ۱۰۰ ام به دنبال درک کلام الله در آن موضوع برویم و آن را فصل الخطاب بپذیریم که قطعاً همان صراط المستقیم است .

۲۷ - با توجه به آیه زیر، ارزش والای قرآن را درک کنیم ، که در این صورت برای درک آن تا آخر دنیا هم اگر لازم باشد می رویم .

لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَائِبًا مُتَصَدِّقًا مِنْ خَشِيَّةِ اللَّهِ
وَتِلْكَ الْأُمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (الحشر/۲۱)

اگر این قرآن را بر کوهی نازل می‌کردیم، می‌دیدی که در برابر آن خاشع می‌شود و از خوف خدا می‌شکافد! اینها مثالهایی است که برای مردم می‌زنیم، شاید در آن بیندیشید!

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهُلْ مِنْ مُّذَكَّرٍ(القمر/۴۰)

ما قرآن را برای یادآوری آسان ساختیم؛ آیا کسی هست که متذکر شود؟!

عَلَمَ الْقُرْآنَ(الرحمن/۲)

قرآن را تعلیم فرمود،

۲۸ - در لحظه لحظه مطالعه این مجموعه فقط ذهنتان را متوجه ، درک حضور خداوند کنید ، موضوعات فلسفی وجود و ... را به وقتی دیگر ، به بعدها واگذارید تا حظ مطالعه آیات الله را از دست ندهید .

۲۹ - آیه : وَقُرْأَنًا فَرَقْنَا لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا(الإسراء/۶)

و قرآنی که آیاتش را از هم جدا کردیم، تا آن را با درنگ بر مردم بخوانی؛ و آن را بتدریج نازل کردیم.

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِتُثَبَّتَ بِهِ فُؤَادُكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا(الفرقان/۳۲)

و کافران گفتند: «چرا قرآن یکجا بر او نازل نمی‌شود؟!» این بخارط آن است که قلب تو را بوسیله آن محکم داریم، و (از این رو) آن را به تدریج بر تو خواندیم.

۳۰ - طبق آیه ، مَنْ كَانَ يَرِيدُ حَرْثَ الْأَخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ يَرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ(شوری/۲۰)

کسی که زراعت آخرت را بخواهد، به کشت او برکت و افزایش می‌دهیم و بر محصولش می‌افزاییم؛ و کسی که فقط کشت دنیا را بطلبید، کمی از آن به او می‌دهیم اما در آخرت هیچ بهره‌ای ندارد!

۳۱ - باید انتخاب کنید ، دو راهی ای که در همه مراحل زندگیتان با آن روبه رو می شوید ، گزینه یک دنیا ، گزینه ۲ آخرت گزینه ۳ رکود و بی انتخابی و هدر دادن همه چیز ، گزینه ۴ هر دو .

۳۲ - بعد از نگارش کتاب فرضیه شجره و خلقت نخستین انسانها به این نتیجه رسیدم که ما با بحران مفاهیم کلمات قرآنی و ترجمه های مخدوش از قرآن رو به رو هستیم و کلماتی را به جای کلمات قرآنی به عنوان ترجمه به کار می بریم که نه تنها معنا را منتقل نمی کند بلکه حجابی بر معنای کلمات قرآنی است

۳۳ - شاید الله ، این وظیفه مهم را به دوش ما پارسی زبان ها قرار داده است تا ترجمه ای صحیح و کامل از قرآن تهیه کنیم،که از روی آن بشود به همه زبانها ترجمه کرد . و از این رهگذر حجت بر تمام انسانها تمام شود . و دیگر هیچکس در دنیا بهانه ای ندارد که چرا پیامبر خدا به زبان ما پیامی نفرستاده است. چون خیلی بزرگتر از آنها تمدن ایرانی است، که می بایست چنین ادعایی کند ، لیکن همه اقوام پارسی تسلیم امر الهی شده اند و به هر زبانی که الله پیامبرش را بفرستد رزق هدایت خود را جستجو می کنند و ان شا الله می یابند .

۳۴ - قبل از تصمیم به انتشار عمومی این اثر ، استخاره ای از قرآن گرفتم که این آیه آمد ، تفسیرش با مخاطبان **فَإِنَّمَا يَسْرُنَاهُ بِلِسَانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَتُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لُدَّاً**(مریم/۹۷) و ما فقط آن [= قرآن] را بر زبان تو (پیامبر خاتم (ص)) آسان ساختیم تا

پرهیزگاران را بوسیله آن بشارت دهی، و دشمنان سرخست را با آنان انذار کنی.

۳۵- در ویراست اول این مجموعه بنا داریم صرفاً لیست آیات موضوعی را بدون توضیح یا تفسیر خاص بیاوریم چون بسیاری از مردم می‌خواهند کلام خدا را خالص و بی مزاحم بخوانند لیکن در ویراست‌های بعدی توضیحات لازم و تفسیر و سایر برداشتهای منطقی نیز آورده می‌شود تا موضوع قوام بگیرد .

۳۶- یک تقاضایی هم از صاحبان علم و فضل دارم اینکه چراغ این مسیر را با نظرات و بازخوردها و پیشنهادها و اصلاحگریهای خود روش نگه دارند و چنانچه مطلب جدیدی را یافتند یا آیه‌ای در فهرست موضوعی از قلم افتاده (نعموز بالله) که باید اضافه شود یا اشکالی در این پژوهش کشف کردند منت گذارند و با ایمیل hasan7947@mailfa.com اعلام فرمایند .

۳۷- و نکته آخر اینکه بی دریغ نسبت به مباحث قرآنی برای اعتلای خود و سپس تبلیغ آن به سایرین همت ورزید تا ان شا الله خودمان و ملت‌های ایمان را از مهجویریت نسبت به کلام خداوند در آوریم .(چون آنچه در جهان واقع جریان دارد قرآن و کلام خداوند است و هر چه غیر آن است وجه باطل نفسانیات انسانهاست که البته موجب ضلالت جامعه امروز ما شده است)

۳۸- مزید منت است، کسی علاقه و توان و وقت و امکان لازم را دارد ، رحمت ترجمه این مجموعه را به زبان محلی خود و حتی زبان سایر ملت‌ها بکشد تا رسالت امه وسط بودن خود را ، نسبت به سایر انسانها ، انجام داده باشیم . ان شا الله

- ۳۹ - و آرزویم این است که روزی به جای رشته های دانشگاهی فعلی رشته هایی با عنایوین هر یک از کلمات قرآنی جایگزین شود . توفیق دنیا و آخره را برای همه شما آرزومندم . والسلام

معاجز در کلام الله

وَالَّذِينَ سَعَوا فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ (الحج / ۵۱)

و آنها که در (محو) آیات ما تلاش کردند، و چنین می پنداشتند که می توانند بر اراده حتمی ما غالب شوند، اصحاب دوزخند!«

وَالَّذِينَ سَعَوا فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مِنْ رِجْزِ أَلِيمٍ (سبأ / ۵)

و کسانی که سعی در (تکذیب) آیات ما داشتند و گمان کردند می توانند از حوزه قدرت ما بگریزند، عذابی بد و دردناک خواهند داشت!

وَالَّذِينَ يَسْعَوْنَ فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ (سبأ / ۳۸)

و کسانی که برای انکار و ابطال آیات ما تلاش می‌کنند و می‌پنداشند از چنگ قدرت ما فرار خواهند کرد، در عذاب (الله) احضار می‌شوند!

قوم ۳۷۸ مرتبه

وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنفُسَكُمْ بِاِتْخَادِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلَىٰ بَارِئِكُمْ فَاقْتُلُوا أَنفُسَكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ عِنْدَ بَارِئِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَابُ الرَّحِيمُ^(البقرة/۵۴)

و زمانی را که موسی به قوم خود گفت: «ای قوم من! شما با انتخاب گوساله (برای پرسش) به خود ستم کردید! پس توبه کنید؛ و به سوی خالق خود باز گردید! و خود را [=یکدیگر را] به قتل برسانید! این کار، برای شما در پیشگاه پورددگارتان بهتر است.» سپس خداوند توبه شما را پذیرفت؛ زیرا که او توبه‌پذیر و رحیم است.

وَإِذْ أَسْتَسْقَى مُوسَى لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكِ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ أَثْنَتَانِ عَشْرَةً عَيْنًا قَدْ غَلَمْ كُلُّ أَنْاسٍ مَشْرَبَهُمْ كُلُّوا وَأَشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَلَا تَعْنُوا فِي الْأَرْضِ^(البقرة/۶۰)

و (به یاد آورید) زمانی را که موسی برای قوم خویش، آب طلبید، به او دستور دادیم: «عصای خود را بر آن سنگ مخصوص بزن!» ناگاه دوازده چشمۀ آب از آن جوشید؛ آن گونه که هر یک (از طوایف دوازده‌گانه بنی اسرائیل)، چشمۀ مخصوص خود را

می‌شناختند! (و گفتیم): «از روزیهای الهی بخورید و بیاشامید! و در زمین فساد نکنید!»

وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقَرَةً قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا هُزُواً قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ (البقرة/٦٧)

و (به یاد آورید) هنگامی را که موسی به قوم خود گفت: «خداؤند به شما دستور می‌دهد ماده‌گاوی را ذبح کنید (و قطعه‌ای از بدن آن را به مقتولی که قاتل او شناخته نشده بزنید، تا زنده شود و قاتل خویش را معرفی کند؛ و غوغای خاموش گردد).» گفتند: «آیا ما را مسخره می‌کنی؟» (موسی) گفت: «به خدا پناه می‌برم از اینکه از جاهلان باشم!»

وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْلَا يَكْلُمُنَا اللَّهُ أَوْ تَأْتِينَا آيَةً كَذِلِكَ قَالَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِثْلُهُمْ تَشَابَهَتْ قُلُوبُهُمْ قَدْ بَيِّنَاللَّهُ أَيَّاتِ لِقَوْمٍ يَوْقِنُونَ (البقرة/١١٨)

افراد ناآگاه گفتند: «چرا خدا با ما سخن نمی‌گوید؟! و یا چرا آیه و نشانه‌ای برای خود ما نمی‌آید؟!» پیشینیان آنها نیز، همین گونه سخن می‌گفتند؛ دلها و افکارشان مشابه یکدیگر است؛ ولی ما (به اندازه کافی) آیات و نشانه‌ها را برای اهل یقین (و حقیقت‌جویان) روشن ساخته‌ایم.

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يُنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَخْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَاحِ وَالسَّخَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (البقرة/١٦٤)

در آفرینش آسمانها و زمین، و آمد و شد شب و روز، و کشتیهایی که در دریا به سود مردم در حرکتند، و آبی که خداوند از آسمان نازل کرده، و با آن، زمین را پس از مرگ، زنده نموده، و انواع جنبندگان را در آن گستردده، و (همچنین) در تغییر مسیر

بادها و ابرهایی که میان زمین و آسمان مسخرند، نشانه‌هایی است (از ذات پاک خدا و

یگانگی او) برای مردمی که عقل دارند و می‌اندیشنند!

فَإِنْ طَلَقُهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدِ حَتَّىٰ تَنكِحَ رَوْجًا غَيْرَهُ فَإِنْ طَلَقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ

يَتَرَاجِعَا إِنْ ظَنَّا أَنْ يَقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ وَتِلْكُ حُدُودُ اللَّهِ يَبْيَنُهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ(البقرة/۲۳۰)

اگر (بعد از دو طلاق و رجوع، بار دیگر) او را طلاق داد، از آن به بعد، زن بر او حلال نخواهد بود؛ مگر اینکه همسر دیگری انتخاب کند (و با او، آمیزش جنسی نماید. در این صورت)، اگر (همسر دوم) او را طلاق گفت، گناهی ندارد که بازگشت کنند؛ (و با همسر اول، دوباره ازدواج نماید؛) در صورتی که امید داشته باشند که حدود الهی را محترم می‌شمرند. اینها حدود الهی است که (خدا) آن را برای گروهی که آگاهند، بیان می‌نماید.

حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاءِ الْوُسْطَىٰ وَقُوْمُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ(البقرة/۲۳۸)

در انجام همه نمازها، (به خصوص) نماز وسطی [= نماز ظهر] کوشای بشید! و از روی خضوع و اطاعت، برای خدا بپاخیزید!

وَلَمَّا تَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجَنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبَرًا وَبَتْ أَفْدَامَنَا وَأَنْصَرْنَا عَلَى الْقَوْمِ

الْكَافِرِينَ(البقرة/۲۵۰)

و هنگامی که در برابر (**جالوت*) و سپاهیان او قرار گرفتند گفتند: «پروردگار! پیمانه شکیبایی و استقامت را بر ما بربیز! و قدمهای ما را ثابت بدار! و ما را بر جمعیت کافران، پیروز بگردان!

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ أَتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّي الَّذِي يُخْبِي وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أَخْبِي وَأَمِيتُ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ

فَأَتَ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبَهِتَ الَّذِي كَفَرَ وَاللَّهُ لَا يَهِدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ(البقرة/۲۵۸)

آیا ندیدی (و آگاهی نداری از) کسی [= نمود] که با ابراهیم در باره پروردگارش محاجه و گفتگو کرد؟ زیرا خداوند به او حکومت داده بود؛ (و بر اثر کمی ظرفیت، از

باده غرور سرمست شده بود؛) هنگامی که ابراهیم گفت: «خدای من آن کسی است که زنده می‌کند و می‌میراند.» او گفت: «من نیز زنده می‌کنم و می‌میرانم!» (و برای اثبات این کار و مشتبه ساختن بر مردم دستور داد دو زندانی را حاضر کردند، فرمان آزادی یکی و قتل دیگری را داد) ابراهیم گفت: «خداوند، خورشید را از افق مشرق می‌آورد؛ (اگر راست می‌گویی که حاکم بر جهان هستی تویی)، خورشید را از مغرب بیاور!» (در اینجا) آن مرد کافر، مبهوت و وامانده شد. و خداوند، قوم ستمگر را هدایت نمی‌کند.

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمُنْ وَالْأَذَى كَالَّذِي يَنْفِقُ مَالَهُ رِئَةُ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَإِلَّا فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يُقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ(البقرة/۲۶۴)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بخشش‌های خود را با منت و آزار، باطل نسازید! همانند کسی که مال خود را برای نشان دادن به مردم، انفاق می‌کند؛ و به خدا و روز رستاخیز، ایمان نمی‌آورد؛ (کار او) همچون قطعه سنگی است که بر آن، (قشر نازکی از) خاک باشد؛ (و بذرها در آن افسانده شود) و رگیار باران به آن برسد، و همه خاکها و بذرها را بشوید،) و آن را صاف (و خالی از خاک و بذر) رها کند. آنها از کاری که انجام داده‌اند، چیزی به دست نمی‌آورند؛ و خداوند، جمعیت کافران را هدایت نمی‌کند.

الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَّاً لَا يُقْوِمُونَ إِلَّا كَمَا يُقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَّا وَأَخْلَلَ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحْرَمَ الرِّبَّا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةً مِنْ رَبِّهِ فَأَنْتَهَى فَلَهُ مَا سَأَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ(البقرة/۲۷۵)

کسانی که ربا می‌خورند، (در قیامت) برنمی‌خیزند مگر مانند کسی که بر اثر تماس شیطان، دیوانه شده (و نمی‌تواند تعادل خود را حفظ کند؛ گاهی زمین می‌خورد، گاهی بپا می‌خیزد). این، به خاطر آن است که گفتند: «داد و ستد هم مانند ربا است (و تفاوتی میان آن دو نیست).» در حالی که خدا بیع را حلال کرده، و ربا را حرام! (زیرا

فرق میان این دو، بسیار است). و اگر کسی اندرز الهی به او رسد، و (از رباخواری) خودداری کند، سودهایی که در سابق [= قبل از نزول حکم تحریم] به دست آورده، مال اوست؛ (و این حکم، گذشته را شامل نمی‌گردد؛) و کار او به خدا واگذار می‌شود؛ (و گذشته او را خواهد بخشید). اما کسانی که بازگردند (و بار دیگر مرتكب این گناه شوند)، اهل آتشند؛ و همیشه در آن می‌مانند.

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَاءِنْتُم بِدَيْنِ إِلَى أَجْلٍ مُسْمَى فَأَكْتُبُوهُ وَلَيُكْتَبْ بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ
بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلِمَهُ اللَّهُ فَلَيُكْتَبْ وَلَيُمْلِلَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلَيُتَّقِ
الَّهُ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْئًا فَإِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًًا أَوْ ضَعِيفًًا أَوْ لَا يَسْتَطِعُ
أَنْ يَمْلِلَ هُوَ فَلَيُمْلِلَ وَلَيُكْتَبَ بِالْعَدْلِ وَاسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ
فَرَجُلٌ وَامْرَأَانِ مِمَّنْ تَرْضُونَ مِنَ الشَّهِداءِ أَنْ تَضْلِلَ إِخْدَاهُمَا فَتُنَذَّرُ كُلُّ إِخْدَاهُمَا الْأُخْرَى وَلَا
يَأْبَ الشَّهِداءِ إِذَا مَا دُعُوا وَلَا تَسْأَمُوا أَنْ تَكْتُبُوهُ صَغِيرًًا أَوْ كَبِيرًًا إِلَى أَجْلِهِ ذَلِكُمْ أَقْسَطُ عِنْدَ
الَّهِ وَأَقْوَمُ لِلشَّهَادَةِ وَأَذْنَى الَّلَّا تَرْتَبُوا إِلَى أَنْ تَكُونَ تَجَارَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيُسَيِّرُ
عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ الَّا تَكْتُبُوهَا وَأَشْهِدُوا إِذَا تَبَايعُتُمْ وَلَا يَضَارَ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ وَإِنْ تَفْعَلُوا فَإِنَّهُ
فُسُوقٌ بِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيَعْلَمُكُمُ اللَّهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ(البقرة/۲۸۲)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که بدھی مدتداری (به خاطر وام یا داد و ستد) به یکدیگر پیدا کنید، آن را بنویسید! و باید نویسنده‌ای از روی عدالت، (سند را) در میان شما بنویسید! و کسی که قدرت بر نویسنده‌گی دارد، باید از نوشتن همان طور که خدا به او تعلیم داده- خودداری کند! پس باید بنویسد، و آن کس که حق بر عهده اوست، باید املا کند، و از خدا که پروردگار اوست بپرهیزد، و چیزی را فروگذار ننماید! و اگر کسی که حق بر ذمه اوست، سفیه (یا از نظر عقل) ضعیف (و مجنوں) است، یا (به خاطر لال بودن)، توانایی بر املا کردن ندارد، باید ولی او (به جای او)، با رعایت عدالت، املا کند! و دو نفر از مردان (عادل) خود را (بر این حق) شاهد بگیریدا و اگر دو مرد نبودند، یک مرد و دو زن، از کسانی که مورد رضایت و اطمینان شما هستند، انتخاب کنید! (و این دو زن، باید با هم شاهد قرار گیرند)، تا اگر یکی انحرافی

یافت، دیگری به او یادآوری کند. و شهود نباید به هنگامی که آنها را (برای شهادت) دعوت می‌کنند، خودداری نمایند! و از نوشتن (بدهی خود)، چه کوچک باشد یا بزرگ، ملول نشود (هر چه باشد بنویسید)! این، در نزد خدا به عدالت نزدیکتر، و برای شهادت مستقیم تر، و برای جلوگیری از تردید و شک (و نزاع و گفتگو) بهتر می‌باشد؛ مگر اینکه داد و ستد نقدی باشد که بین خود، دست به دست می‌کنید. در این صورت، گناهی بر شما نیست که آن را ننویسید. ولی هنگامی که خرید و فروش (نقدی) می‌کنید، شاهد بگیرید! و نباید به نویسنده و شاهد، (به خاطر حقگویی)، زیانی برسد (و تحت فشار قرار گیرند)! و اگر چنین کنید، از فرمان پروردگار خارج شده‌اید. از خدا بپرهیزید! و خداوند به شما تعليم می‌دهد؛ خداوند به همه چیز داناست.

لَا يَكْلُفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا أَكْسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذُنَا إِنْ تَسْبِينَا
أَوْ أَخْطَلْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَأَغْفِرْ عَنَّا وَأَغْفِرْ لَنَا وَأَرْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ
الْكَافِرِينَ (آل عمران/۲۸۶)

خداوند هیچ کس را، جز به اندازه تواناییش، تکلیف نمی‌کند. (انسان)، هر کار (نیکی) را انجام دهد، برای خود انجام داده؛ و هر کار (بدی) کند، به زیان خود کرده است. (مؤمنان می‌گویند): پروردگار!! اگر ما فراموش یا خطا کردیم، ما را مُواخذه مکن! پروردگار!! تکلیف سنگینی بر ما قرار مده، آن چنان که (به خاطر گناه و طغیان)، بر کسانی که پیش از ما بودند، قرار دادی! پروردگار!! آنچه طاقت تحمل آن را نداریم، بر ما مقرر مدار! و آثار گناه را از ما بشوی! ما را ببخش و در رحمت خود قرار ده! تو مولا و سرپرست مایی، پس ما را بر جمعیت کافران، پیروز گردان!

كَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ وَشَهَدُوا أَنَّ الرَّسُولَ حَقٌّ وَجَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ
وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (آل عمران/۸۶)

چگونه خداوند جمعیتی را هدایت می‌کند که بعد از ایمان و گواهی به حقانیت رسول و آمدن نشانه‌های روشن برای آنها، کافر شدند؟! و خدا، جمعیت ستمکاران را هدایت نخواهد کرد!

مَثَلُّ مَا يَنْفِقُونَ فِي هَذِهِ الْحَيَاةِ الْتُّبِيَا كَمَثَلِ رِيحٍ فِيهَا صِرٌّ أَصَابَتْ حَرْثَ قَوْمٍ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَأَهْلَكَتْهُ وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِنَّ أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ(آل عمران/۱۷)

آنچه آنها در این زندگی پست دنیوی اتفاق می‌کنند، همانند باد سوزانی است که به زراعت قومی که بر خود ستم کرده (و در غیر محل و وقت مناسب، کشت نموده‌اند)، بوزد؛ و آن را نابود سازد. خدا به آنها ستم نکرده؛ بلکه آنها، خودشان به خویشتن ستم می‌کنند.

إِنْ يَمْسِسُكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَ الْفُقُومَ قَرْحٌ مِثْلُهُ وَتُلْكَ الْأَيَامُ نُذَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَاللَّهُ لَا يِحِبُّ الظَّالِمِينَ(آل عمران/۱۴۰)

اگر (در میدان احمد)، به شما جراحتی رسید (و ضربه‌ای وارد شد)، به آن جمعیت نیز (در میدان بدر)، جراحتی همانند آن وارد گردید. و ما این روزها(ی پیروزی و شکست) را در میان مردم می‌گردانیم؛ (و این خاصیت زندگی دنیاست-) تا خدا، افرادی را که ایمان آورده‌اند، بداند (و شناخته شوند)؛ و خداوند از میان شما، شاهدانی بگیرد. و خدا ظالمان را دوست نمی‌دارد.

وَمَا كَانَ قَوْلَهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبَّتْ أَقْدَامَنَا وَأَنْصَرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ(آل عمران/۱۴۷)

سخنšان تنها این بود که: «پروردگار! گناهان ما را ببخش! و از تندرویهای ما در کارها، چشم‌پوشی کن! قدمهای ما را استوار بدار! و ما را بر جمعیت کافران، پیروز گردان!

مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يَحْرُقُونَ الْكِلَمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَاسْمَعْ غَيْرَ مُسْمَعٍ
وَرَأَيْنَا لَيْا بِالْسِنَتِهِمْ وَطَعْنَا فِي الدِّينِ وَلَوْ آتَهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا وَأَطْعَنَا وَاسْمَعْ وَانْظَرْنَا لَكَانَ
خَيْرًا لَهُمْ وَأَفْوَمَ وَلَكِنْ لَعْنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَمَ يَؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا(النساء/٤٦)

بعضی از یهود، سخنان را از جای خود، تحریف می‌کنند؛ و (به جای اینکه بگویند: «شنیدیم و اطاعت کردیم»)، می‌گویند: «شنیدیم و مخالفت کردیم! و (نیز می‌گویند): بشنو! که هرگز نشنوی! و (از روی تمسخر می‌گویند): راعنا [= ما را تحمیق کن!]» تا با زبان خود، حقایق را بگردانند و در آیین خدا، طعنه زنند. ولی اگر آنها (به جای این همه لجاجت) می‌گفتند: «شنیدیم و اطاعت کردیم؛ و سخنان ما را بشنو و به ما مهلت ده (تا حقایق را درک کنیم)»، برای آنان بهتر، و با واقعیت سازگارتر بود. ولی خداوند، آنها را بخاطر کفرشان، از رحمت خود دور ساخته است؛ از این رو جز عده کمی ایمان نمی‌آورند.

أَيْنَمَا تَكُونُوا يَدِرْكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كَنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُشَيَّدَةٍ وَإِنْ تُصِبُّهُمْ حَسَنَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ
مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَإِنْ تُصِبُّهُمْ سَيِّئَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِكَ قُلْ كُلُّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ فَمَالِ
الْقَوْمِ لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ حَدِيثًا(النساء/٧٨)

هر جا باشید، مرگ شما را درمی‌یابد؛ هر چند در برجهای محکم باشید! و اگر به آنها [= منافقان] حسنی (و پیروزی) برسد، می‌گویند: «این، از ناحیه خداست.» و اگر سیئه (و شکستی) برسد، می‌گویند: «این، از ناحیه توست.» بگو: «همه اینها از ناحیه خداست.» پس چرا این گروه حاضر نیستند سخنی را درک کنند؟!

إِلَّا الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَى قَوْمٍ بَيْتَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيَثَاقٌ أَوْ جَاءُوكُمْ حَسِيرَتْ صُدُورُهُمْ أَنْ
يَقَاتِلُوكُمْ أَوْ يَقَاتِلُوا قَوْمَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَسَلَطَهُمْ عَلَيْكُمْ فَلَقَاتِلُوكُمْ فَإِنِ اغْتَرَّلُوكُمْ فَلَمْ
يَقَاتِلُوكُمْ وَالْقَوْمُ إِلَيْكُمُ السَّلَامَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا(النساء/٩٠)

مگر آنها که با همپیمانان شما، پیمان بسته‌اند؛ یا آنها که به سوی شما می‌آیند، و از پیکار با شما، یا پیکار با قوم خود ناتوان شده‌اند؛ (نه سر جنگ با شما دارند، و نه

توانایی مبارزه با قوم خود). و اگر خداوند بخواهد، آنان را بر شما مسلط می‌کند تا با شما پیکار کنند. پس اگر از شما کناره‌گیری کرده و با شما پیکار ننمودند، (بلکه) پیشنهاد صلح کردند، خداوند به شما اجازه نمی‌دهد که معرض آنان شوید.

سَتَّاجِدُونَ أَخْرَيْنَ يَرِيدُونَ أَنْ يَأْمُنُوكُمْ وَيَأْمُنُوا قَوْمَهُمْ كُلُّ مَا رُدُوا إِلَى الْفِتْنَةِ أَرْكِسُوا فِيهَا فَإِنْ لَمْ يَعْتَرِلُوكُمْ وَيَلْقُوا إِلَيْكُمُ السَّلَامَ وَيَكْتُوا أَيْدِيهِمْ فَخُذُوهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ قَيْقَتُمُوهُمْ وَأَوْلَئِكُمْ جَعَلْنَا لَكُمْ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا مِبْيَنًا(النساء/۹۱)

بزوودی جمعیت دیگری را می‌یابید که می‌خواهند هم از ناحیه شما در امان باشند، و هم از ناحیه قوم خودشان (که مشرکند. لذا نزد شما ادعای ایمان می‌کنند؛ ولی) هر زمان آنان را به سوی فتنه (و بت پرستی) بازگردانند، با سر در آن فرو می‌روند! اگر از درگیری با شما کنار نرفتند و پیشنهاد صلح نکردند و دست از شما نکشیدند، آنها را هر جا یافتید اسیر کنید و (یا) به قتل برسانید! آنها کسانی هستند که ما برای شما، تسلط آشکاری نسبت به آنان قرار داده‌ایم.

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يُقْتَلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطًّا وَمَنْ قُتِلَ مُؤْمِنًا خَطًّا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَى أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَدِّقُوا فَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوًّا لَكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيشَاقٌ فَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَى أَهْلِهِ وَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرِينِ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِنَ اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا(النساء/۹۲)

هیچ فرد بالایمانی مجاز نیست که مؤمنی را به قتل برساند، مگر اینکه این کار از روی خطأ و اشتباه از او سر زند؛ (در عین حال)، کسی که مؤمنی را از روی خطأ به قتل رساند، باید یک بردۀ مؤمن را آزاد کند و خوبهایی به کسان او بپردازد؛ مگر اینکه آنها خوبهای را ببخشند. و اگر مقتول، از گروهی باشد که دشمنان شما هستند (و کافرند)، ولی مقتول بالایمان بوده، (تنها) باید یک بردۀ مؤمن را آزاد کند (و پرداختن خوبهای لازم نیست). و اگر از جمعیتی باشد که میان شما و آنها پیمانی برقرار است، باید

خونبهای او را به کسان او بپردازد، و یک بردۀ مؤمن (نیز) آزاد کند. و آن کس که دسترسی (به آزاد کردن برده) ندارد، دو ماه پی در پی روزه می‌گیرد. این، (یک نوع تخفیف، و) توبه الهی است. و خداوند، دانا و حکیم است.

وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَمُونُوا تَأْمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْمُونَ كَمَا تَأْمُونُ وَتَرْجُونَ مِنْ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيًّا حَكِيمًا (النساء/۱۰۴)

و در راه تعقیب دشمن، (هرگز) سست نشوید! (زیرا) اگر شما درد و رنج می‌بینید، آنها نیز همانند شما درد و رنج می‌بینند؛ ولی شما امیدی از خدا دارید که آنها ندارند؛ و خداوند، دانا و حکیم است.

وَيَسْتَفْتُونَكَ فِي النِّسَاءِ قُلِ اللَّهُ يَفْتِيَكُمْ فِيهِنَّ وَمَا يَنْتَى عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ فِي يَتَامَى النِّسَاءِ الَّتَّى لَا تُؤْتُونَهُنَّ مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَتَرْغَبُونَ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ وَالْمُسْتَضْعَفَاتِ مِنَ الْوُلْدَانِ وَأَنْ تَقُومُوا لِلْيَتَامَى بِالْقِسْطِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِهِ عَلِيًّا (النساء/۱۲۷)

از تو درباره حکم زنان سؤال می‌کنند؛ بگو: «خداوند درباره آنان به شما پاسخ می‌دهد: آنچه در قرآن درباره زنان یتیمی که حقوقشان را به آنها نمی‌دهید، و می‌خواهید با آنها ازدواج کنید، و نیز آنچه درباره کودکان صغیر و ناتوان برای شما بیان شده است، (قسمتی از سفارش‌های خداوند در این زمینه می‌باشد؛ و نیز به شما سفارش می‌کند که) با یتیمان به عدالت رفتار کنید! و آنچه از نیکیهای انجام می‌دهید؛ خداوند از آن آگاه است (و به شما پاداش شایسته می‌دهد).

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُحِلُّوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا أَمْيَنَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ يُبَتَّغُونَ فَضْلًا مِنْ رِبِّهِمْ وَرِضْوَانًا وَإِذَا حَلَّتُمْ فَاصْطَادُوا وَلَا يَجِرِّمَنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا وَتَعَاوُنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالْتَّقْوَى وَلَا تَعَاوُنُوا عَلَى الْإِلْئَمِ وَالْعَدْوَانِ وَأَنْقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (المائدۀ/۲)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شعائر و حدود الهی (و مراسم حج را محترم بشمریدا و مخالفت با آنها) را حلال ندانید! و نه ماه حرام را، و نه قربانیهای بی‌نشان و نشاندار را،

و نه آنها را که به قصد خانه خدا برای به دست آوردن فضل پروردگار و خشنودی او می‌آیند! اما هنگامی که از احرام بیرون آمدید، صیدکردن برای شما مانع ندارد. و خصومت با جمعیتی که شما را از آمدن به مسجد الحرام (در سال حدبیه) بازداشتند، نباید شما را وادار به تعدی و تجاوز کنند! و (همواره) در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاوون کنید! و (هرگز) در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید! و از (مخالفت فرمان) خدا پرهیزید که مجازات خدا شدید است!

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شَهِداءِ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ عَلَى أَلَا^(۸)
تَعْدِلُوا اغْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (المائدة/۸)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همواره برای خدا قیام کنید، و از روی عدالت، گواهی دهید! دشمنی با جمعیتی، شما را به گناه و ترک عدالت نکشاند! عدالت کنید، که به پرهیزگاری نزدیکتر است! و از (معصیت) خدا بپرهیزید، که از آنچه انجام می‌دهید، با خبر است!

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ هُمْ قَوْمٌ أَنْ يَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيهِمْ^(۱۱)
فَكَفَأَيْدِيهِمْ عَنْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَعَلَى اللَّهِ فَلِيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (المائدة/۱۱)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نعمتی را که خدا به شما بخشدید، به یاد آورید؛ آن زمان که جمعی (از دشمنان)، قصد داشتند دست به سوی شما دراز کنند (و شما را از میان بردارند)، اما خدا دست آنها را از شما باز داشت! از خدا بپرهیزید! و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند!

وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِيْهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيْكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ^(۲۰)
مُلُوَّكًا وَأَتَأَكُمْ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ (المائدة/۲۰)

(به یاد آورید) هنگامی را که موسی به قوم خود گفت: «ای قوم من! نعمت خدا را بر خود متذکر شوید هنگامی که در میان شما، پیامبرانی قرار داد؛ (و زنجیر بندگی و

اسارت فرعونی را شکست) و شما را حاکم و صاحب اختیار خود قرار داد؛ و به شما چیزهایی بخشید که به هیچ یک از جهانیان نداده بود!

يا قَوْمٍ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتَدُوا عَلَى أَدْبَارِ كُمْ فَتَنَقْلِبُوا
خَاسِرِينَ(المائدة/٢١)

ای قوم! به سرزمین مقدسی که خداوند برای شما مقرر داشته، وارد شوید! و به پشت سر خود بازنگردید (و عقب گرد نکنید) که زیانکار خواهید بود!»

فَالْأُولُوا يَا مُوسَى إِنَّ فِيهَا قَوْمًا جَبَارِينَ وَإِنَّا لَنْ نَدْخُلُهَا حَتَّى يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِنْ يَخْرُجُوا
مِنْهَا فَإِنَّا ذَاهِلُونَ(المائدة/٢٢)

گفتند: «ای موسی! در آن (سرزمین)، جمعیتی (نیرومند و) ستمگرند؛ و ما هرگز وارد آن نمی‌شویم تا آنها از آن خارج شوند؛ اگر آنها از آن خارج شوند، ما وارد خواهیم شد!»

فَالَّرَبُّ إِنِّي لَا أُمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي وَأَخِي فَافْرُقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ(المائدة/٢٥)
(موسی) گفت: «برور دگار! من تنها اختیار خودم و برادرم را دارم، میان ما و این جمعیت گنهکار، جدایی بیفکن!»

فَالَّفَانِهَا مُحْرَمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيمُونَ فِي الْأَرْضِ فَلَا تَأْسِ عَلَى الْقَوْمِ
الْفَاسِقِينَ(المائدة/٢٦)

خداوند (به موسی) فرمود: «این سرزمین (قدس)، تا چهل سال بر آنها ممنوع است (و به آن نخواهند رسید)؛ پیوسته در زمین (در این بیان)، سرگردان خواهند بود؛ و در باره (سرنوشت) این جمعیت گنهکار، غمگین مباش!»

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَخْرُنْكَ الَّذِينَ يَسْأَلُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ وَلَمْ
تُؤْمِنْ قُلُوبُهُمْ وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَاعُونَ لِقَوْمٍ آخَرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ
يَخْرُقُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ يَقُولُونَ إِنْ أُوتِيتُمْ هَذَا فَحُدُوْهُ وَإِنْ لَمْ تُؤْتَهُ فَاحْذَرُوا وَمَنْ

۳۵ قوم (علوم اجتماعی) در کلام الله

بِرِّ اللَّهِ فِتْنَتُهُ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا أَوْلَئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَطْهَرَ قَلْوبَهُمْ
لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْنٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ(المائدة/٤١)

ای فرستاده (خدا)! آنها که در مسیر کفر شتاب می‌کنند و با زبان می‌گویند: «ایمان آوردیم» و قلب آنها ایمان نیاورده، تو را اندوهگین نسازند! و (همچنین) گروهی از یهودیان که خوب به سخنان تو گوش می‌دهند، تا دستاویزی برای تکذیب تو بیابند؛ آنها جاسوسان گروه دیگری هستند که خودشان نزد تو نیامده‌اند؛ آنها سخنان را از مفهوم اصلیش تحریف می‌کنند، و (به یکدیگر) می‌گویند: «اگر این (که ما می‌خواهیم) به شما داده شد (و محمد بر طبق خواسته شما داوری کرد)، بپذیرید، و گرن (از او) دوری کنید!» (ولی) کسی را که خدا (بر اثر گناهان پی‌درپی او) بخواهد مجازات کند، قادر به دفاع از او نیستی؛ آنها کسانی هستند که خدا نخواسته دلهایشان را پاک کند؛ در دنیا رسوایی، و در آخرت مجازات بزرگی نصیبشان خواهد شد.

أَفَحُكْمُ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِّقَوْمٍ يُوقَنُونَ(المائدة/٥٠)

آیا آنها حکم جاهلیت را (از تو) می‌خواهند؟! و چه کسی بهتر از خدا، برای قومی که اهل یقین هستند، حکم می‌کند؟!

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أُولَيَاءَ بَعْضُهُمْ أُولَيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ
مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ(المائدہ/٥١)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! یهود و نصاری را ولی (و دوست و تکیه‌گاه خود)، انتخاب نکنید! آنها اولیای یکدیگرند؛ و کسانی که از شما با آنان دوستی کنند، از آنها هستند؛ خداوند، جمعیت ستمکار را هدایت نمی‌کند

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يُرْتَدَ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يَحِمِّلُهُمْ وَيَحِبُّونَهُ
أَذْلَلُهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّهُ عَلَى الْكَافِرِينَ يَجْاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَا إِيمَانٍ
ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ(المائدہ/٥٤)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هر کس از شما، از آیین خود بازگردد، (به خدا زیانی نمی‌رساند؛ خداوند جمعیتی را می‌آورد که آنها را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند، در برابر مؤمنان متواضع، و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند؛ آنها در راه خدا جهاد می‌کنند، و از سرزنش هیچ ملامتگری هراسی ندارند. این، فضل خداست که به هر کس پخواهد (و شایسته بییند) می‌دهد؛ و (فضل) خدا وسیع، و خداوند داناست.

وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَي الصَّنَاءِ اتَّخَذُوهَا هُرُواً وَلَعِبًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ (المائدة/٥٨)

آنها هنگامی که (اذان می‌گویید، و مردم را) به نماز فرا می‌خواهید، آن را به مسخره و بازی می‌گیرند؛ این بخاطر آن است که آنها جمعی نایخوردند.

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلْغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعُلْ فَمَا بَلَّغْتَ رَسْالَتَهُ وَاللَّهُ أَعْلَمُ

يَعِصُّمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (المائدة/٦٧)

ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً (به مردم) برسان! و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای! خداوند تو را از (خطرات احتمالی) مردم، نگاه می‌دارد؛ و خداوند، جمیعت کافران (لوجج) را هدایت نمی‌کند.

كُلُّ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَى شَيْءٍ حَتَّى تُقْيِيمُوا التَّوْرَأَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِّنْ رِّبِّكُمْ وَلَيَزِدُنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رِّبِّكَ طَغْيَانًا وَكُفْرًا فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ

ای اهل کتاب! شما هیچ آیین صحیحی ندارید، مگر اینکه تورات و انجیل و آنچه را از طرف پروردگارستان بر شما نازل شده است، برپا دارید. ولی آنچه بر تو از سوی پروردگارت نازل شده، (نه تنها مایه بیداری آنها نمی‌گردد، بلکه) بر طغیان و کفر سیاستی، از آنها می‌افزاید. بنابراین، از این قوم کاف، (و مخالفت آنها)، غمگن میاش!

فَلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابَ لَا تَعْلُو فِي دِينِكُمْ عَيْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَبَعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلَّوْا مِنْ قَبْلٍ
وَأَضَلُّوا كَثِيرًا وَضَلَّوْا عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ (المائدة/٧٧)

بگو: «ای اهل کتاب! در دین خود، غلو (و زیاده روی) نکنید! و غیر از حق نگویید! و از هوسهای جمعیتی که پیشتر گمراه شدند و دیگران را گمراه کردند و از راه راست منحرف گشتند، پیروی ننمایید!»

وَمَا لَنَا لَا تُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا جاءَنَا مِنَ الْحَقِّ وَتَطْمَعُ أُنْ يَدْخِلَنَا رَبُّنَا مَعَ الْقَوْمِ
الصَّالِحِينَ (المائدة/٨٤)

چرا ما به خدا و آنچه از حق به ما رسیده است، ایمان نیاوریم، در حالی که آرزو داریم پروردگارمان ما را در زمرة صالحان قرار دهد؟!»

فَدَسْأَلَهُمْ قَوْمٌ مِنْ قَبْلِكُمْ ثُمَّ أَصْبَحُوا بِهَا كَافِرِينَ (المائدة/١٠٢)

جمعی از پیشینیان شما، از آن سوال کردند؛ و سپس با آن به مخالفت برخاستند.
(ممکن است شما هم چنین سرنوشتی پیدا کنید.)

فَإِنْ عُذْرَ عَلَى أَنَّهُمَا اسْتَحْقَاقًا إِثْمًا فَأَخْرَانِ يَقُوْمَانِ مَقَامَهُمَا مِنَ الَّذِينَ اسْتَحْقَ عَلَيْهِمُ الْأُوْلَائِينَ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ لَشَهَادَتِنَا أَحَقُّ مِنْ شَهَادَتِهِمَا وَمَا اعْتَدَنَا إِنَّا إِذَا لَمْنَا الظَّالِمِينَ (المائدة/١٠٧)

و اگر اطلاعی حاصل شود که آن دو، مرتکب گناهی شده‌اند (و حق را کتمان کرده‌اند)، دو نفر از کسانی که نسبت به میت، اولی هستند، به جای آنها قرار می‌گیرند، و به خدا سوگند یاد می‌کنند که: «گواهی ما، از گواهی آن دو، به حق نزدیکتر است! و ما تجاوزی نکرده‌ایم؛ که اگر چنین کرده باشیم، از ظالمان خواهیم بود!»
ذَلِكَ أَذْنَى أَنْ يَأْتُوا بِالشَّهَادَةِ عَلَى وَجْهِهَا أَوْ يَخَافُوا أَنْ تُرَدَّ أَيمَانُ بَعْدَ أَيمَانِهِمْ وَأَنْقُوا اللَّهَ وَاسْمُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ (المائدة/١٠٨)

این کار، نزدیکتر است به اینکه گواهی بحق دهنده، (و از خدا بترسند)، و یا (از مردم) بترسند که (دروغشان فاش گردد، و) سوگندهایی جای سوگندهای آنها را بگیرد. از (مخالفت) خدا بپرهیزید، و گوش فرا دهید! و خداوند، جمعیت فاسقان را هدایت نمی‌کند.

فَقُطِعَ دَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ(الأنعام/٤٥)

و (به این ترتیب)، دنباله (زندگی) جمعیتی که ستم کرده بودند، قطع شد. و ستایش مخصوص خداوند، پروردگار جهانیان است.

فَلْ أَرَأَيْتَمْ إِنْ أَنَا كُمْ عَذَابُ اللَّهِ بَعْتَهُ أَوْ جَهَرَةً هَلْ يَهْكُ إِلَّا الْقَوْمُ الظَّالِمُونَ(الأنعام/٤٧)

بگو: «به من خبر دهید اگر عذاب خدا بطور ناگهانی (و پنهانی) یا آشکارا به سراغ شما بیاید، آیا جز جمعیت ستمکار هلاک می‌شوند؟!»

وَكَذَبَ بِهِ قَوْمُكَ وَهُوَ الْحَقُّ قُلْ لَسْتُ عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ(الأنعام/٦٦)

قوم و جمعیت تو، آن (آیات الهی) را تکذیب و انکار کردند، در حالی که حق است! (به آنها) بگو: «من مسؤول (ایمان‌آوردن) شما نیستم! (وظیفه من، تنها ابلاغ رسالت است، اجبار شما بر ایمان).»

وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثِ غَيْرِهِ وَإِمَّا يُنْسِيَنَكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ(الأنعام/٦٨)

هرگاه کسانی را دیدی که آیات ما را استهزا می‌کنند، از آنها روی بگردان تا به سخن دیگری بپردازند! و اگر شیطان از یاد تو ببرد، هرگز پس از یادآمدن با این جمعیت ستمگر منشین!

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِإِبْرَاهِيمَ أَزْرِ أَتَتَّخِذُ أَصْنَامًا آلَهَةً إِنِّي أَرَاكَ وَقَوْمَكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ(الأنعام/٧٤)

(به خاطر بیاورید) هنگامی را که ابراهیم به پدرش [= عمویش] «آزر» گفت: «آیا بتنهای را معبدان خود انتخاب می‌کنی؟! من، تو و قوم تو را در گمراهی آشکاری می‌بینم.»

فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِغًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفْلَقَ لَئِنْ لَمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأُكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ(الأنعام/٧٧)

و هنگامی که ماه را دید که (سینه افق را) می‌شکافد، گفت: «این خدای من است؟»
اما هنگامی که (آن هم) غروب کرد، گفت: «اگر پروردگارم مرا راهنمایی نکند، مسلما
از گروه گمراهان خواهم بود.»

فَلَمَّا رأى الشَّمْسَ بِإِذْغَاءٍ قَالَ هَذَا رَبِّي هَذَا أَكْبَرُ فَلَمَّا أَفْلَتْ قَالَ يَا قَوْمٍ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ (الأنعام/٧٨)

و هنگامی که خورشید را دید که (سینه افق را) می‌شکافت، گفت: «این خدای من
است؟ این (که از همه) بزرگتر است!» اما هنگامی که غروب کرد، گفت: «ای قوم من
از شریکهایی که شما (برای خدا) می‌سازید، بیزارم!

وَحَاجَةُ قَوْمٍ قَالَ أَتُحَاجِجُونِي فِي اللَّهِ وَقَدْ هَدَانِ وَلَا أَخَافُ مَا تُشْرِكُونَ بِهِ إِلَّا أُنْ يَشَاءُ
رَبِّي شَيْئًا وَسِعَ رَبِّي كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ (الأنعام/٨٠)

ولی قوم او [=ابراهیم]، با وی به گفتگو و سیز پرداختند؛ گفت: «آیا درباره خدا با من
گفتگو و سیز می‌کنید؟! در حالی که خداوند، مرا با دلایل روشن هدایت کرده؛ و من
از آنچه شما همتای (خدا) قرار می‌دهید، نمی‌ترسم (و به من زیانی نمی‌رسانند)! مگر
پروردگارم چیزی را بخواهد! وسعت آگاهی پروردگارم همه چیز را در بر می‌گیرد؛ آیا
متذکر (و بیدار) نمی‌شوید؟!

وَتَلَكَ حُجَّتُنَا آتَيْنَاهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَى قَوْمِهِ تَرْفُعٌ دَرَجَاتٍ مَنْ نَشَاءُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ
عَلِيهِمْ (الأنعام/٨٣)

اینها دلایل ما بود که به ابراهیم در برابر قومش دادیم! درجات هر کس را بخواهیم (و
شایسته بدانیم)، بالا می‌بریم؛ پروردگار تو، حکیم و داناست.

أَوْلَئِكَ الَّذِينَ أَتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ فَإِنْ يَكْفُرُ بِهَا هُوَ لَا يُفْلِتُ وَكَلَّا لَهَا قَوْمًا
لَيُسُوءُ بِهَا بَكَافِرِينَ (الأنعام/٨٩)

آنها کسانی هستند که کتاب و حکم و نبوت به آنان دادیم؛ و اگر (بفرض) نسبت به آن کفر ورزند، (آیین حق زمین نمی‌ماند؛ زیرا) کسان دیگر را نگاهبان آن می‌سازیم که نسبت به آن، کافر نیستند.

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ الْأَبْرَ وَالْبَحْرِ قَدْ فَصَلَّنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (الأنعام/۹۷)

او کسی است که ستارگان را برای شما قرار داد، تا در تاریکیهای خشکی و دریا، به وسیله آنها راه یابید! ما نشانه‌های خود را برای کسانی که می‌دانند، (و اهل فکر و اندیشه‌اند) بیان داشتیم!

وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌ وَمُسْتَوْدَعٌ قَدْ فَصَلَّنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ (الأنعام/۹۸)

او کسی است که شما را از یک نفس آفرید! و شما دو گروه هستید: بعضی پایدار (از نظر ایمان یا خلقت کامل)، و بعضی ناپایدار؛ ما آیات خود را برای کسانی که می‌فهمند، تشریح نمودیم!

وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَنَا بِهِ نَبَاتٌ كُلُّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَصِرًا نُخْرِجُ مِنْهُ حَبَّاً مُتَرَكِّبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِنْ طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّاتٌ مِنْ أَعْنَابٍ وَالْزَيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُشْتَبِّهًا وَغَيْرَ مُشْتَبِّهٍ انْظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ إِنَّ فِي ذَلِكُمْ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (الأنعام/۹۹)

او کسی است که از آسمان، آبی نازل کرد، و به وسیله آن، گیاهان گوناگون رویاندیم؛ و از آن، ساقه‌ها و شاخه‌های سبز، خارج ساختیم؛ و از آنها دانه‌های متراکم، و از شکوفه نخل، شکوفه‌هایی با رشتہ‌های باریک بیرون فرستادیم؛ و باغهایی از انواع انگور و زیتون و انار، (گاه) شبیه به یکدیگر، و (گاه) بی‌شباهت! هنگامی که میوه می‌دهد، به میوه آن و طرز رسیدنش بنگرید که در آن، نشانه‌هایی (از عظمت خدا) برای افراد با ایمان است!

وَكَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ وَلِيَقُولُوا دَرَسْتَ وَلِنُبَيِّنَ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (الأنعام/۱۰۵)

و اینچنان آیات (خود) را تشریح می کنیم؛ بگذار آنها بگویند: «تو درس خوانده ای (و آنها را از دیگری آموخته ای)»! می خواهیم آن را برای کسانی که آماده درک حقایقند، روشن سازیم.

وَهَذَا صِرَاطٌ رَّبِّكَ مُسْتَقِيمًا فَدْ فَصَلَنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَذَكَّرُونَ (الأنعام/۱۲۶)

و این راه مستقیم (و سنت جاویدان) پروردگار توست؛ ما آیات خود را برای کسانی که پند می گیرند، بیان کردیم!

وَرَبُّكَ الْغَنِيُّ دُو الرَّحْمَةِ إِنْ يَشَاءُ يَذْهِنِكُمْ وَيَسْتَحْلِفُ مِنْ بَعْدِكُمْ مَا يَشَاءُ كَمَا أَنْشَأْكُمْ
مِنْ ذُرَيْهٖ قَوْمٌ آخَرِينَ (الأنعام/۱۳۳)

پروردگارت بی نیاز و مهربان است؛ (پس به کسی ستم نمی کند؛ بلکه همه، نتیجه اعمال خود را می گیرند؛) اگر بخواهد، همه شما را می برد؛ سپس هر کس را بخواهد جانشین شما می سازد؛ همان طور که شما را از نسل اقوام دیگری به وجود آورد.

قُلْ يَا قَوْمٍ اعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانِتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ إِنَّهُ
لَا يَفْلِحُ الظَّالِمُونَ (الأنعام/۱۳۵)

بگو: «ای قوم من! هر کار در قدرت دارید بکنید! من (هم به وظیفه خود) عمل می کنم؛ اما بزوی خواهید دانست چه کسی سرانجام نیک خواهد داشت (و پیروزی با چه کسی است؟ اما) به یقین، ظالمان رستگار نخواهند شد!»

وَمِنَ الْإِبْلِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْبَقَرِ اثْنَيْنِ قُلْ الَّذِكَرَيْنِ حَرَمٌ أُمُّ الْأَنْثَيْنِ أَمَا اشْتَمَلتُ عَلَيْهِ
أَرْحَامُ الْأَنْثَيْنِ أَمْ كُنْتُمْ شَهِدَاءً إِذْ وَصَاكُمُ اللَّهُ بِهَذَا فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا
لِيُضِلَّ النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (الأنعام/۱۴۴)

واز شتر یک جفت، و از گاو هم یک جفت (برای شما آفرید)؛ بگو: «کدامیک از اینها را خدا حرام کرده است؟ نرها یا ماده ها را؟ یا آنچه را شکم ماده ها دربرگرفته؟ یا هنگامی که خدا شما را به این موضوع توصیه کرد، شما گواه (بر این تحریم) بودید؟! پس چه

کسی ستمکارت است از آن کس که بر خدا دروغ می‌بندد ، تا مردم را از روی جهل گمراه سازد؟! خداوند هیچ گاه ستمگران را هدایت نمی‌کند»

فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ رَبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ وَلَا يَرَدُّ بِأَسْهُ عَنِ الْقَوْمِ
المُجْرِمِينَ(الأعراف/۱۴۷)

اگر تو را تکذیب کنند (و این حقایق را نپذیرند)، به آنها بگو: «پروردگار شما، رحمت گسترده‌ای دارد؛ اما مجازات او هم از مجرمان دفع شدنی نیست! (و اگر ادامه دهید کیفر شما حتمی است)

فَلْ مَنْ حَرَمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هَيْ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي
الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ(الأعراف/۳۲)

بگو: «چه کسی زینتهای الهی را که برای بندگان خود آفریده، و روزیهای پاکیزه را حرام کرده است؟!» بگو: «اینها در زندگی دنیا، برای کسانی است که ایمان آورده‌اند، (اگر چه دیگران نیز با آنها مشارکت دارند؛ ولی) در قیامت، خالص (برای مؤمنان) خواهد بود.» این گونه آیات (خود) را برای کسانی که آگاهند، شرح می‌دهیم!

وَإِذَا صُرِفتَ أَبْصَارُهُمْ تَلْقَاءَ أَصْحَابِ النَّارِ قَالُوا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ
الظَّالِمِينَ(الأعراف/۴۷)

و هنگامی که چشمشان به دوزخیان می‌افتد می‌گویند: «پروردگار! ما را با گروه ستمگران قرار مده!»

وَلَقَدْ جِئْنَاهُمْ بِكِتَابٍ فَصَلَنَاهُ عَلَى عِلْمٍ هُدَى وَرَحْمَةً لِقَوْمٍ يَؤْمِنُونَ(الأعراف/۵۲)
ما کتابی برای آنها آوردیم که (اسرار و رموز) آن را با آگاهی شرح دادیم؛ (کتابی) که مایه هدایت و رحمت برای جمعیتی است که ایمان می‌آورند.
وَالْأَبْلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ يَإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبَثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا كَذَلِكَ نُصَرَّفُ الْآيَاتِ
لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ(الأعراف/۵۸)

سرزمین پاکیزه و شیرین)، گیاهش به فرمان پروردگار می‌روید؛ اما سرزمینهای بد طبیعت (و شوره‌زار)، جز گیاه ناچیز و بی‌ارزش، از آن نمی‌روید؛ این گونه آیات (خود) را برای آنها که شکرگزارند، بیان می‌کنیم!

لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِيْ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٌ غَيْرُهُ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابٌ يُومٌ عَظِيمٌ (الأعراف/۵۹)

ما نوح را به سوی قومش فرستادیم؛ او به آنان گفت: «ای قوم من! (تنها) خداوند یگانه را پرستش کنید، که معبدی جز او برای شما نیست! (و اگر غیر او را عبادت کنید)، من بر شما از عذاب روز بزرگی می‌ترسم!»

فَالَّمَّا مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَأَكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (الأعراف/۶۰)

(ولی) اشراف قومش به او گفتند: «ما تو را در گمراهی آشکاری می‌بینیم!»

فَالَّا يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي ضَلَالٌ وَلَكُنِي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ (الأعراف/۶۱)

گفت: «ای قوم من! هیچ گونه گمراهی در من نیست؛ ولی من فرستاده‌ای از جانب پروردگار جهانیانم!

فَكَذَبُوهُ فَأَنْجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ فِي الْفُلُكِ وَأَغْرَقْنَا الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا عَمِينَ (الأعراف/۶۴)

اما سرانجام او را تکذیب کردند؛ و ما او و کسانی را که با او در کشتی بودند، رهایی بخشیدیم؛ و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، غرق کردیم؛ چه اینکه آنها گروهی نابینا (کوردل) بودند.

وَإِلَى عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٌ غَيْرُهُ أَقْلَمْ تَنَّقُونَ (الأعراف/۶۵)

و به سوی قوم عاد، برادرشان «هود» را (فرستادیم)؛ گفت: «ای قوم من! (تنها) خدا را پرستش کنید، که جز او معبدی برای شما نیست! آیا پرهیزگاری پیشه نمی‌کنید؟!»

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي سَفَاهَةٍ وَإِنَّا لَنَظَنُّكَ مِنَ الْكَاذِبِينَ (الأعراف/۶۶)

اشراف کافر قوم او گفتند: «ما تو را در سفاهت (و نادانی و سبک معزی) می بینیم، و ما مسلمان تو را از دروغگویان می دانیم!»

قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي سَفَاهَةٍ وَلَكِنَّى رَسُولُ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ (الأعراف/۶۷)

گرفت: «ای قوم من! هیچ گونه سفاهتی در من نیست؛ ولی فرستادهای از طرف پروردگار جهانیانم.

أَوْعَجَبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَلَى رَجُلٍ مِنْكُمْ لِيُنذِيرَكُمْ وَإِذْ كُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلْفَاءَ مِنْ بَعْدِ قَوْمٍ نُوحٍ وَرَادَكُمْ فِي الْخَلْقِ بَسْطَةً فَإِذْ كُرُوا أَلَّاهُ اللَّهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (الأعراف/۶۹)

آیا تعجب کرده‌اید که دستور آگاه کننده پروردگارتان به وسیله مردی از میان شما به شما برسد تا (از مجازات الهی) بیمتان دهد؟! و به یاد آورید هنگامی که شما را جانشینان قوم نوح قرار داد؛ و شما را از جهت خلقت (جسمانی) گسترش (و قدرت) داد؛ پس نعمتهای خدا را به یاد آورید، شاید رستگار شوید!

وَإِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمَ اغْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتُكُمْ بَيِّنَةً مِنْ رَبِّكُمْ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ فَذَرُوهَا تَأْكُلُ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمْسُوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذُكُمْ عَذَابُ أَلِيمٍ (الأعراف/۷۳)

و به سوی (قوم) شمود، برادرشان صالح را (فرستادیم)؛ گفت: «ای قوم من! (تنها) خدا را بپرستید، که جز او، معبودی برای شما نیست! دلیل روشنی از طرف پروردگارتان برای شما آمده: این «ناقه» الهی برای شما معجزه‌ای است؛ او را به حال خود واگذارید که در زمین خدا (از علفهای بیابان) بخورد! و آن را آزار نرسانید، که عذاب دردناکی شما را خواهد گرفت!

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لِلَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِمَنْ آمَنَ مِنْهُمْ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ صَالِحًا مُرْسَلٌ مِنْ رَبِّهِ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلَ بِهِ مُؤْمِنُونَ (الأعراف/۷۵)

(ولی) اشراف متکبر قوم او، به مستضعفانی که ایمان آورده بودند، گفتند: «آیا (براستی) شما یقین دارید که صالح از طرف پروردگارش فرستاده شده است؟!» آنها گفتند: «ما به آنچه او بدان مأموریت یافته، ایمان آورده‌ایم.»

فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ بِرَسَالَةِ رَبِّي وَنَصَحَّتْ لَكُمْ وَلَكِنْ لَا تُجِبُونَ النَّاصِحِينَ (الأعراف/٧٩)

(صالح) از آنها روی برتابت؛ و گفت: «ای قوم! من رسالت پروردگارم را به شما ابلاغ کردم، و شرط خیرخواهی را انجام دادم، ولی (چه کنم که) شما خیرخواهان را دوست ندارید!»

وَلُوṭًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ الْعَالَمِينَ (الأعراف/٨٠)

و (به خاطر آورید) لوط را، هنگامی که به قوم خود گفت: «آیا عمل بسیار زشتی را انجام می‌دهید که هیچیک از جهانیان، پیش از شما انجام نداده است؟!

إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُسْرِفُونَ (الأعراف/٨١)

آیا شما از روی شهوت به سراغ مردان می‌روید، نه زنان؟! شما گروه اسرافکار (و منحرفی) هستید!

وَمَا كَانَ جَوابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوهُمْ مِنْ قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أَنَاسٌ يَتَطَهَّرُونَ (الأعراف/٨٢)

ولی پاسخ قومش چیزی جز این نبود که گفتند: «اینها را از شهر و دیار خود بیرون کنید، که اینها مردمی هستند که پاکدامنی را می‌طلبدن (و با ما هم‌صدرا نیستند)»

وَإِلَى مَدِينَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتُكُمْ بَيْنَ أَنْ رَبَّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (الأعراف/٨٥)

و به سوی مدین، برادرشان شعیب را (فرستادیم)، گفت: «ای قوم من! خدا را بپرستید، که جز او معبودی ندارید! دلیل روشنی از طرف پروردگارتان برای شما آمده است؛ بنابر این، حق پیمانه و وزن را ادا کنید! و از اموال مردم چیزی نکاهید! و در روی زمین، بعد از آنکه (در پرتو ایمان و دعوت انبیاء) اصلاح شده است، فساد نکنید! این برای شما بهتر است اگر با ایمان هستید!

فَالْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَتُخْرِجَنَّكَ يَا شَعِيبُ وَاللَّذِينَ آمَنُوا مَعَكَ مِنْ قَرِيبِنَا أَوْ لَتَعُودُنَّ فِي مِلَيْتَنَا قَالَ أَوَأَنُو كُنَّا كَارِهِينَ (الأعراف/٨٨)

ashraf zormand و متکبر از قوم او گفتند: «ای شعیب! به یقین، تو و کسانی را که به تو ایمان آورده‌اند، از شهر و دیار خود بیرون خواهیم کرد، یا به آیین ما بازگردید!» گفت: «آیا (می‌خواهید ما را بازگردانیم) اگر چه مایل نباشیم؟!

قَدِ افْتَرَنَا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا إِنْ عُدْنَا فِي مِلَيْتَكُمْ بَعْدَ إِذْ تَجَانَ اللَّهُ مِنْهَا وَمَا يَكُونُ لَنَا أَنْ تَعُودَ فِيهَا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّنَا وَسَيَعْ رَبُّنَا كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ (الأعراف/٨٩)

اگر ما به آیین شما بازگردیم، بعد از آنکه خدا ما را از آن نجات بخشیده، به خدا دروغ بسته‌ایم؛ و شایسته نیست که ما به آن بازگردیم مگر اینکه خدایی که پروردگار ماست بخواهد؛ علم پروردگار ما، به همه چیز احاطه دارد. تنها بر خدا توکل کرده‌ایم. پروردگار! میان ما و قوم ما بحق داوری کن، که تو بهترین داورانی!

وَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَئِنِ اتَّبَعْتُمْ شَعِيبًا إِنَّكُمْ إِذَا لَخَاسِرُونَ (الأعراف/٩٠)

ashraf zormand از قوم او که کافر شده بودند گفتند: «اگر از شعیب پیروی کنید، شما هم زیانکار خواهید شد!»

فَتَوَلَّى غَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمٍ لَقَدْ أَبْغَتُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَتَصَحَّثُ لَكُمْ فَكَيْفَ آسَى عَلَى قَوْمٍ كَافِرِينَ (الأعراف/٩٣)

۴۷ قوم (علوم اجتماعی) در کلام الله

سپس از آنان روی بر تافت و گفت: «ای قوم من! من رسالت‌های پروردگارم را به شما ابلاغ کردم و برای شما خیرخواهی نمودم؛ با این حال، چگونه بر حال قوم بی‌ایمان تأسف بخورم؟!»

أَفَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمُنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ (الأعراف/٩٩)

آیا آنها خود را از مکر الهی در امان می‌دانند؟! در حالی که جز زیانکاران، خود را از مکر (و مجازات) خدا ایمن نمی‌دانند!

قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمٍ فِرْعَوْنَ إِنَّ هَذَا لَسْتَ أَحَدًا عَلَيْمٌ (الأعراف/١٠٩)

اطرافیان فرعون گفتند: «بی‌شک، این ساحری ماهر و دانا است!

وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمٍ فِرْعَوْنَ أَتَدْرُ مُوسَى وَقَوْمَهُ لِيُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَيَدْرِكَ وَآلَهَتَكَ
قَالَ سَنُقْتَلُ أَبْنَاءَهُمْ وَنَسْتَخْيِي نِسَاءَهُمْ وَإِنَّا فَوْقُهُمْ قَاهِرُونَ (الأعراف/١٢٧)

و اشراف قوم فرعون (به او) گفتند: «آیا موسی و قومش را رها می‌کنی که در زمین فساد کنند، و تو و خدایانت را رها سازد؟!» گفت: «بزوی پسرانشان را می‌کشیم، و دخترانشان را زنده نگه می‌داریم (تا به ما خدمت کنند)؛ و ما بر آنها کاملاً مسلطیم!»

قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُو بِاللَّهِ وَاصْبِرُو إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ
وَالْأَعَاقِبُ لِلْمُتَّقِينَ (الأعراف/١٢٨)

موسی به قوم خود گفت: «از خدا یاری جو بید، و استقامت پیشه کنید، که زمین از آن خداست، و آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد، واگذار می‌کند؛ و سرانجام (نیک برای پرهیز کاران است!)»

فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَالْجَرَادَ وَالْقَمَلَ وَالصَّفَادَعَ وَالدَّمَ آيَاتٍ مُّفَصَّلَاتٍ فَأَسْتَكْبِرُوا وَكَانُوا
فَوْمًا مُجْرِمِينَ (الأعراف/١٣٣)

سپس (بلاه را پشت سر هم بر آنها نازل کردیم): طوفان و ملخ و آفت گیاهی و قورباغه‌ها و خون را - که نشانه‌هایی از هم جدا بودند - بر آنها فرستادیم؛ (ولی باز بیدار نشدند، و) تکبر ورزیدند، و جمعیت گنهکاری بودند!

**وَأُرْثَنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يَسْتَعْفَفُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا أَلَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَتَمَّتْ
كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَى عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَدَمَرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْغُونُ وَقَوْمُهُ
وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ(الأعراف/١٣٧)**

و مشرقها و مغربها پر برکت زمین را به آن قوم به ضعف کشانده شده (زیر زنجیر
ظلم و ستم)، واگذار کردیم؛ و عده نیک پروردگارت بر بنی اسرائیل، با خاطر صبر و
استقامتی که به خرج دادند، تحقق یافت؛ و آنچه فرعون و فرعونیان (از کاخهای
مجلل) می‌ساختند، و آنچه از باغهای داربستدار فراهم ساخته بودند، در هم کوبیدیم!
**وَجَاؤَنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَنْتُوا عَلَى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَى أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَا مُوسَى
اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ أَلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ(الأعراف/١٣٨)**

و بنی اسرائیل را (سالم) از دریا عبور دادیم؛ (ناگاه) در راه خود به گروهی رسیدند که
اطراف بتهاشان، با تواضع و خضوع، گرد آمده بودند. (در این هنگام، بنی اسرائیل) به
موسی گفتند: «تو هم برای ما معبدی قرار ده، همان‌گونه که آنها معبدان (و
خدایانی) دارند!» گفت: «شما جمعیتی جاھل و نادان هستید!
**وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَّنَاهَا بِعَشْرِ فَتَّمَ مِيقَاتَ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَى
لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبَعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ(الأعراف/١٤٢)**

و ما با موسی، سی شب و عده گذاشتیم؛ سپس آن را با ده شب (دیگر) تکمیل نمودیم؛
به این ترتیب، میعاد پروردگارش (با او)، چهل شب تمام شد. و موسی به برادرش
هارون گفت: «جانشین من در میان قوم باش. و (آنها) را اصلاح کن! و از روش
مفشدان، پیروی منما!»

**وَكَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَاحِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْعِظَةً وَتَفْصِيلاً لِكُلِّ شَيْءٍ فَخُدُّهَا بِقُوَّةٍ وَأَمْرٍ
قَوْمَكَ يَأْخُذُوا بِأَحْسَنِهَا سَأْرِيْكُمْ دَارَ الْفَاسِقِينَ(الأعراف/١٤٥)**

و برای او در الواح اندرزی از هر موضوعی نوشتیم؛ و بیانی از هر چیز کردیم - «پس آن را جدیت بگیر! و به قوم خود بگو: به نیکوترين آنها عمل کنند! (و آنها که به مخالفت برخیزند، کیفرشان دوزخ است؟) و بزوی جایگاه فاسقان را به شما نشان خواهم داد!»

وَاتَّحَدَ قَوْمٌ مُوسَىٰ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ حُلِيَّهُمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُوارٌ أَلْمٌ يَرَوَا أَنَّهُ لَا يَكُلُّهُمْ وَلَا يَهْدِيهِمْ سَيِّلًا اتَّحَذُوهُ وَكَانُوا ظَالِمِينَ (الأعراف/۱۴۸)

القوم موسی بعد (از رفتن) او (به میعادگاه خدا)، از زیورهای خود گوساله‌ای ساختند؛ جسد بی‌جانی که صدای گوساله داشت! آیا آنها نمی‌دیدند که با آنان سخن نمی‌گوید، و به راه (راست) هدایتشان نمی‌کند؟! آن را (خدای خود) انتخاب کردند، و ظالم بودند!

وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَىٰ إِلَى قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسْفًا قَالَ يَسِّمَا خَلَفَتُمُونِي مِنْ بَعْدِي أَعْجِلْتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ وَالْقَى الْأَلْوَاحَ وَأَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجْرِهُ إِلَيْهِ قَالَ أَبْنَ أَمَّ إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَطْعَفُونِي وَكَانُوا يَقْتُلُونَنِي فَلَا تُشْمِتُ بِي الْأَغْدَاءَ وَلَا تَجْعَلُنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (الأعراف/۱۵۰)

و هنگامی که موسی خشمگین و اندوهناک به سوی قوم خود بازگشت، گفت: «پس از من، بد جانشینانی برایم بودید (و آیین مرا ضایع کردید)! آیا در مرود فرمان پروردگارتان (و تمدید مدت میعاد او)، عجله نمودید (و زود قضاوت کردید؟!)» سپس الواح را افکند، و سر برادر خود را گرفت (و با عصبانیت) به سوی خود کشید؛ او گفت: «فرزنند مادرم! این گروه، مرا در فشار گذارند و ناتوان کردند؛ و نزدیک بود مرا بکشنند، پس کاری نکن که دشمنان مرا شماتت کنند و مرا با گروه ستمکاران قرار مدها!»

وَأَخْتَارَ مُوسَىٰ قَوْمَهُ سَبَعِينَ رَجُلًا لِمِيقَاتِنَا فَلَمَّا أَحَدَنَهُمُ الرَّجْفَةُ قَالَ رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُمْ مِنْ قَبْلٍ وَإِبَايَ أَتَهْلَكْنَا بِمَا فَعَلَ السُّفَهَاءُ مِنَا إِنْ هِيَ إِلَّا فِتْنَتُكَ تُضْلِلُ بِهَا مَنْ تَشَاءُ وَتَهْدِي مَنْ تَشَاءُ أَنْتَ وَلِيَنَا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ (الأعراف/۱۵۵)

موسی از قوم خود، هفتاد تن از مردان را برای میعادگاه ما برگزید؛ و هنگامی که زمین لرزه آنها را فرا گرفت (و هلاک شدند)، گفت: «پروردگار!! اگر می‌خواستی، می‌توانستی آنها و مرا پیش از این نیز هلاک کنی! آیا ما را به آنچه سفیه‌انمان انجام

داده‌اند، (مجازات و) هلاک می‌کنی؟! این، جز آزمایش تو، چیز دیگر نیست؛ که هر کس را بخواهی (و مستحق بدانی)، به وسیله آن گمراه می‌سازی؛ و هر کس را بخواهی (و شایسته ببینی)، هدایت می‌کنی! تو ولی مایی، و ما را بیامرز، بر ما رحم کن، و تو بهترین آمرزندگانی!

وَمِنْ قَوْمٍ مُوسَىٰ أَمَّةٌ يَهُدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ (الأعراف/١٥٩)

و از قوم موسی، گروهی هستند که به سوی حق هدایت می‌کنند؛ و به حق و عدالت حکم می‌نمایند.

وَقَطْعَنَاهُمُ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ أَسْبَاطًا أَمَّمًا وَأُوحِيَنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ إِذْ اسْتَسْقَاهُ قَوْمُهُ أَنِ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَلَمْ يَجِدْ مِنْهُ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ غَيْرًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَسْرَبَهُمْ وَظَلَّنَا عَلَيْهِمُ الْعَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّ وَالسَّلَوَىٰ كُلُّوا مِنْ طَيَّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمْنَا وَلَكُنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (الأعراف/١٦٠)

ما آنها را به دوازده گروه -که هر یک شاخه‌ای (از دودمان اسرائیل) بود - تقسیم کردیم. و هنگامی که قوم موسی (در بیابان) از او تقاضای آب کردند، به او وحی فرستادیم که: «عصای خود را بر سنگ بزن!» ناگهان دوازده چشمۀ از آن بیرون جست؛ آنچنان که هر گروه، چشمۀ و آبشخور خود را می‌شناخت. و ابر را بر سر آنها سایبان ساختیم؛ و بر آنها «من» و «سلوی» فرستادیم؛ (و به آنان گفتیم): از روزیهای پاکیزه‌ای که به شما داده‌ایم، بخورید! (و شکر خدا را بجا آورید! آنها نافرمانی و ستم کردند؛ ولی) به ما ستم نکردند، لکن به خودشان ستم می‌نمودند.

وَإِذْ قَالَتْ أَمَّةٌ مِنْهُمْ لِمَ تَعِظُّونَ قَوْمًا اللَّهُ مُهَلِّكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا قَالُوا مَعْذِرَةً إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ (الأعراف/١٦٤)

و (به یاد آر) هنگامی را که گروهی از آنها (به گروه دیگر) گفتند: «چرا جمعی (گنهکار) را اندرز می‌دهید که سرانجام خداوند آنها را هلاک خواهد کرد، یا به عذاب شدیدی گرفتار خواهد ساخت؟! (آنها را به حال خود واگذارید تا نابود شوند!)» گفتند:

«(این اندرزها، برای اعتذار (و رفع مسؤولیت) در پیشگاه پروردگار شماست؛ بعلاوه شاید آنها (بپذیرند، و از گناه باز ایستند، و تقوی پیشه کنند!) وَلَوْ شِئْنَا لِرَفَعَنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمِثْلُهُ كَمَثْلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ تَرْكُهُ يَلْهَثُ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَأَفَصْصُ الْقَصَاصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (الأعراف/١٧٦)

و اگر می خواستیم، (مقام) او را با این آیات (و علوم و دانشها) بالا می بردیم؛ (اما اجبار، بر خلاف سنت ماست؛ پس او را به حال خود رها کردیم) و او به پستی گرایید، و از هوای نفس پیروی کردا! مثل او همچون سگ (هار) است که اگر به او حمله کنی، دهانش را باز، و زبانش را برون می آورده، و اگر او را به حال خود واگذاری، باز همین کار را می کند؛ (گویی چنان تشننه دنیاپرستی است که هرگز سیراب نمی شود! (این مثل گروهی است که آیات ما را تکذیب کردند؛ این داستانها را (برای آنها) بازگو کن، شاید بیندیشند (و بیدار شوند)!

سَاءَ مَثَلًا الْقَوْمُ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَأَنفَسَهُمْ كَانُوا يَظْلِمُونَ (الأعراف/١٧٧)
چه بد مثلی دارند گروهی که آیات ما را تکذیب کردند؛ و آنها تنها به خودشان ستم می نمودند!

قُلْ لَا أَمِلُكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ كُنْتُ أَغْلَمُ الْغَيْبَ لَا سُتُّكُرْتُ مِنْ
الْخَيْرِ وَمَا مَسَنَى السُّوءُ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (الأعراف/١٨٨)

بگو: «من مالک سود و زیان خویش نیستم، مگر آنچه را خدا بخواهد؛ (و از غیب و اسرار نهان نیز خبر ندارم، مگر آنچه خداوند اراده کند؛) و اگر از غیب باخبر بودم، سود فراوانی برای خود فراهم می کردم، و هیچ بدی (و زیانی) به من نمی رسید؛ من فقط بیمدهنده و بشارتدهنده ام برای گروهی که ایمان می آورند! (و آماده پذیرش حقند) وَإِذَا لَمْ تَأْتِهِمْ بِآيَةٍ قَالُوا لَوْلَا اجْتَبَيْتَهَا قُلْ إِنَّمَا أَتَبْعِي مَا يُوحَى إِلَى مِنْ رَّبِّي هَذَا بَصَائِرُ مِنْ رَّبِّكُمْ وَهُدَى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (الأعراف/٣٢)

هنگامی که (در نزول وحی تاخیر افتاد، و) آیه‌ای برای آنان نیاوری، می‌گویند: «چرا خودت (از پیش خود) آن را برنگزیدی؟!» بگو: «من تنها از چیزی پیروی می‌کنم که بر من وحی می‌شود؛ این وسیله بینایی از طرف پروردگارتن، و مایه هدایت و رحمت است برای جمعیتی که ایمان می‌آورند.

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُنْ مُغِيرًا بِغَمَّةٍ أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّىٰ يَغِيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (الأنفال/۵۳)

این، بخاطر آن است که خداوند، هیچ نعمتی را که به گروهی داده، تغییر نمی‌دهد؛ جز آنکه آنها خودشان را تغییر دهند؛ و خداوند، شنوای و داناست!

وَإِمَّا تَخَافَنَ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَأَنْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يِحِبُّ الْحَائِنِينَ (الأنفال/۵۸)

و هرگاه (با ظهور نشانه‌هایی)، از خیانت گروهی بیم داشته باشی (که عهد خود را شکسته، حمله غافلگیرانه کنند)، بطور عادلانه به آنها اعلام کن که پیمانشان لغو شده است؛ زیرا خداوند، خائنان را دوست نمی‌دارد!

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يُغْلِبُو الْفَالَّا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِإِنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يُفْقَهُونَ (الأنفال/۶۵)

ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ (با دشمن) تشویق کن! هرگاه بیست نفر با استقامات از شما باشند، بر دویست نفر غلبه می‌کنند؛ و اگر صد نفر باشند، بر هزار نفر از کسانی که کافر شدند، پیروز می‌گردند؛ چرا که آنها گروهی هستند که نمی‌فهمند!

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهُدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ أَوْوا وَنَصَرُوا أَوْنِكَ بَعْضُهُمُ أُولَئِي بَعْضٍ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلَايَتُهُمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ يَهَاجِرُوا وَإِنْ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ إِلَّا عَلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيَثَاقٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (الأنفال/۷۲)

کسانی که ایمان آوردن و هجرت نمودند و با اموال و جانهای خود در راه خدا جهاد کردند، و آنها که پناه دادند و یاری نمودند، آنها یاران یکدیگرند؛ و آنها که ایمان آوردن و مهاجرت نکردند، هیچ گونه ولایت [= دوستی و تعهدی] در برابر آنها ندارید تا هجرت کنند! و (تنها) اگر در (حفظ) دین (خود) از شما یاری طلبند، بر شماست که آنها را یاری کنید، جز بر ضد گروهی که میان شما و آنها، پیمان (ترک مخاصمه) است؛ و خداوند به آنچه عمل می‌کنید، بیناست!

وَإِنْ أَخَذَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَ كَفَّاجِرْهُ حَتَّىٰ يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلَغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ
بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ (التوبه/٦)

و اگر یکی از مشرکان از تو پناهندگی بخواهد، به او پناه ده تا سخن خدا را بشنود (و در آن بیندیشد)! سپس او را به محل امنش برسان، چرا که آنها گروهی ناآگاهند!
 فَإِنْ تَأْبِيَا وَأَقَمُوا الصَّلَاةَ وَأَتَوْا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَنُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ
 يَعْلَمُونَ (التوبه/١١)

(ولی) اگر توبه کنند، نماز را برپا دارند، و زکات را بپردازنند، برادر دینی شما هستند؛ و ما آیات خود را برای گروهی که می‌دانند (و می‌اندیشنند)، شرح می‌دهیم!
 أَلَا تُقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَهُمُوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَهُمْ بَدَءُوكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ أَتَخْشَوْهُمْ
 فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشُوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (التوبه/١٣)

آیا با گروهی که پیمانهای خود را شکستند، و تصمیم به اخراج پیامبر گرفتند، پیکار نمی‌کنید؟! در حالی که آنها نخستین بار (پیکار با شما را) آغاز کردند؛ آیا از آنها می‌ترسید؟! با اینکه خداوند سزاوارتر است که از او بترسید، اگر مؤمن هستید!
 فَاتَّلُوْهُمْ يَعْدِبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيْكُمْ وَيَخْزِهُمْ وَيَنْصُرُكُمْ عَلَيْهِمْ وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ
 مُؤْمِنِينَ (التوبه/١٤)

با آنها پیکار کنید، که خداوند آنان را به دست شما مجازات می‌کند؛ و آنان را رسوا می‌سازد؛ و سینه گروهی از مؤمنان را شفا می‌بخشد؛ و بر قلب آنها مرهم می‌نهد)

أَجَعْلَتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ أَمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُنَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْفَوْمَ الظَّالِمِينَ (التوبه/۱۹)

آیا سیراب کردن حجاج، و آباد ساختن مسجد الحرام را، همانند (عمل) کسی قرار دادید که به خدا و روز قیامت ایمان آورده، و در راه او جهاد کرده است؟! (این دو)، نزد خدا مساوی نیستند! و خداوند گروه ظالمان را هدایت نمی کند!

قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَرْوَاحُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالُ أَقْتَرْفَتُمُوهَا وَتَجَارَةُ تَخْشُونَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنَ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَصُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْفَوْمَ الْفَاسِقِينَ (التوبه/۲۴)

بگو: «اگر پدران و فرزندان و برادران و همسران و طایفه شما، و اموالی که به دست آورده‌اید، و تجاری که از کساد شدنش می‌ترسید، و خانه هائی که به آن علاقه دارید، در نظرتان از خداوند و پیامبرش و جهاد در راهش محبوتر است، در انتظار باشید که خداوند عذابش را بر شما نازل کند؛ و خداوند جمعیت نافرمانبردار را هدایت نمی کند! إنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ يَضَلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا يَحْلُونَهُ عَامًا وَيَحْرُمُونَهُ عَامًا لِيُوَاطِئُوا عِدَّةً مَا حَرَمَ اللَّهُ فَيَحِلُّوا مَا حَرَمَ اللَّهُ زِينٌ لَهُمْ سُوءٌ أَغْمَالِهِمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْفَوْمَ الْكَافِرِينَ (التوبه/۳۷)

نسیء [= جا به جا کردن و تأخیر ماههای حرام]، افزایشی در کفر (بشرکان) است؛ که با آن، کافران گمراه می‌شوند؛ یک سال، آن را حلال، و سال دیگر آن را حرام می‌کنند، تا به مقدار ماههایی که خداوند تحريم کرده بشود (و عدد چهار ماه، به پندارشان تکمیل گردد)؛ و به این ترتیب، آنچه را خدا حرام کرده، حلال بشمرند. اعمال زشتستان در نظرشان زیبا جلوه داده شده؛ و خداوند جمعیت کافران را هدایت نمی کند! إِلَّا تَنْفَرُوا يَعْدِنُكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَبَسْتَبِيلٍ قَوْمًا غَيْرُكُمْ وَلَا تَنْرُوْهُ شَيْئًا وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (التوبه/۳۹)

اگر (به سوی میدان جهاد) حرکت نکنید، شما را مجازات در دنکی می‌کند، و گروه دیگری غیر از شما را به جای شما قرار می‌دهد؛ و هیچ زیانی به او نمی‌رسانید؛ و خداوند بر هر چیزی تواناست!

فُلْ أَنْفِقُوا طُغْعَا أُوْ كَرْهَا لَنْ يَنْقَبَّلَ مِنْكُمْ إِنَّكُمْ كُنْتُمْ قَوْمًا فَاسِقِينَ(التبعة/۵۳)

بغو: «انفاق کنید؛ خواه از روی میل باشد یا اکراه، هرگز از شما پذیرفته نمی‌شود؛ چرا که شما قوم فاسقی بودید!»

وَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنَّهُمْ لَمِنْكُمْ وَمَا هُمْ مِنْكُمْ وَلَكُنْهُمْ قَوْمٌ يَفْرَقُونَ(التبعة/۵۶)

آنها به خدا سوگند می‌خورند که از شما هستند، در حالی که از شما نیستند؛ ولی آنها گروهی هستند که می‌ترسند (و به خاطر ترس از فاش شدن اسرارشان دروغ می‌گویند)!

أَلْمَ يَأْتِهِمْ بَأْ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَوْمٌ نُوحٌ وَعَادٍ وَثَمُودٍ وَقَوْمٌ إِبْرَاهِيمَ وَاصْحَابِ مَدْئِنَ وَالْمُؤْتَنِعَاتِ أَتَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيظْلِمُهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنفَسَهُمْ يظْلِمُونَ(التبعة/۷۰)

آیا خبر کسانی که پیش از آنها بودند، به آنان نرسیده است؟! «قوم نوح» و «عاد» و «ثمود» و «قوم ابراهیم» و «اصحاب مدین» [= قوم شعیب] و «شهرهای زیر و رو شده» [= قوم لوط]، پیامبرانشان دلایل روشن برای آنان آوردند، (ولی نپذیرفتند) خداوند به آنها ستم نکرد، اما خودشان بر خویشتن ستم می‌کردند!

إِسْتَغْفِرْ لَهُمْ أُوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يُغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ(التبعة/۸۰)

چه برای آنها استغفار کنی، و چه نکنی، (حتی) اگر هفتاد بار برای آنها استغفار کنی، هرگز خدا آنها را نمی‌آمرزد! چرا که خدا و پیامبرش را انکار کردنده، و خداوند جمعیت فاسقان را هدایت نمی‌کند!

يَخْلِفُونَ لَكُمْ إِنْتَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِنْ تَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَرْضَى عَنِ الْقَوْمِ

الفاسقين (التوبه ۹۶)

برای شما قسم یاد می کنند تا از آنها راضی شوید؛ اگر شما از آنها راضی شوید، خداوند (هرگز) از جمعیت فاسقان راضی نخواهد شد!

أَفَمَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَى تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أُمْ مَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَى شَفَاعَةٍ جُرْفٍ هَارٍ فَانْهَارَ بِهِ فِي نَارٍ جَهَنَّمَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الطَّالِمِينَ (التوبه ۱۰۹)

آیا کسی که شالوده آن را بر تقوای الهی و خشنودی او بنا کرده بهتر است، یا کسی که اساس آن را بر کنار پر تگاه سستی بنا نموده که ناگهان در آتش دوزخ فرومی ریزد؟ و خداوند گروه ستمگران را هدایت نمی کند!

وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ حَتَّىٰ يَبْيَنَ لَهُمْ مَا يَتَّقُونَ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (التوبه ۱۱۵)

چنان نبود که خداوند قومی را، پس از آن که آنها را هدایت کرد (و ایمان آوردن) گمراه (و مجازات) کند؛ مگر آنکه اموری را که باید از آن بپرهیزند، برای آنان بیان نماید (و آنها مخالفت کنند)؛ زیرا خداوند به هر چیزی داناست!

وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيُنْفِرُوا كَافَةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فُرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوْا فِي الدِّينِ وَلِيُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ (التوبه ۱۲۲)

شایسته نیست مؤمنان همگی (بسوی میدان جهاد) کوچ کنند؛ چرا از هر گروهی از آنان، طایفه‌ای کوچ نمی کند (و طایفه‌ای در مدینه بماند)، تا در دین (و معارف و احکام اسلام) آگاهی یابند و به هنگام یازگشت بسوی قوم خود، آنها را بیم دهند؟! شاید (از مخالفت فرمان پروردگار) بترسند، و خودداری کنند!

وَإِذَا مَا أُنْزِلَتْ سُورَةً نَظَرَ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ هُلْ يَرَأُكُمْ مِنْ أَحَدٍ ثُمَّ أَنْصَرَفُوا صَرَافَ اللَّهِ قُلُوبَهُمْ بِإِنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ (التوبه ۱۲۷)

و هنگامی که سوره‌ای نازل می‌شود، بعضی از آنها [=منافقان] به یکدیگر نگاه می‌کنند و می‌گویند: «آیا کسی شما را می‌بیند؟ (اگر از حضور پیامبر بیرون رویم، کسی متوجه ما نمی‌شود!)» سپس منصرف می‌شوند (و بیرون می‌روند؛ خداوند دلهایشان را (از حق) منصرف ساخته؛ چرا که آنها، گروهی هستند که نمی‌فهمند (و بی‌دانند)! **هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَرَةً مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السَّنِينَ وَالْحِسَابَ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ يَفْصِلُ الْأَيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ** (یونس/۵)

او کسی است که خورشید را روشنایی، و ماه را نور قرار داد؛ و برای آن منزلگاه‌هایی مقدر کرد، تا عدد سالها و حساب (کارها) را بدانید؛ خداوند این را جز حق نیافریده؛ او آیات (خود را) برای گروهی که اهل دانشند، شرح می‌دهد!

إِنَّ فِي اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَقَّهُونَ (یونس/۶)

مسلمان در آمد و شد شب و روز، و آنچه خداوند در آسمانها و زمین آفریده، آیات (و نشانه‌هایی) است برای گروهی که پرهیز‌گارند (و حقایق را می‌بینند).

وَلَقَدْ أَهْلَكَنَا الْقُرُونُ مِنْ قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا كَذَلِكَ نَجَزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ (یونس/۱۳)

ما امتهای پیش از شما را، هنگامی که ظلم کردند، هلاک نمودیم؛ در حالی که پیامبرانشان دلایل روش برای آنها آوردند، ولی آنها ایمان نیاورند؛ این‌گونه گروه مجرمان را کیفر می‌دهیم!

إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٌ أُنْزَلَنَا مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّى إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازْيَنَتْ وَطَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَنْ لَمْ تَعْنِ بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْأَيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (یونس/۲۴)

مثل زندگی دنیا، همانند آبی است که از آسمان نازل کرده‌ایم؛ که در پی آن، گیاهان (گوناگون) زمین -که مردم و چهارپایان از آن می‌خورند- می‌روید؛ تا زمانی که زمین، زیبایی خود را یافته و آراسته می‌گردد، و اهل آن مطمئن می‌شوند که می‌توانند از آن بهره‌مند گردند، (ناگهان) فرمان ما، شب‌هنگام یا در روز، (برای نایودی آن) فرامی‌رسد؛ (سرما یا صاعقه‌ای را بر آن مسلط می‌سازیم)؛ و آنچنان آن را درو می‌کنیم که گویی دیروز هرگز (چنین کشتزاری) نبوده است! این گونه، آیات خود را برای گروهی که می‌اندیشنند، شرح می‌دهیم!

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَلْيَلَ لِسْتُكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ(یونس/۶۷)

او کسی است که شب را برای شما آفرید، تا در آن آرامش بیابید؛ و روز را روشنی بخش (تا به تلاش زندگی پردازید) در اینها نشانه‌هایی است برای کسانی که گوش شنوای دارند!

وَأَتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأً نُوحٍ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنْ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكُمْ مَقَامٍ وَتَذَكِيرِي بِآيَاتِ اللَّهِ فَعَلَى اللَّهِ تَوَكِّلْتُ فَأَجْحِمُوا أُمْرُكُمْ وَشُرُكَاءُكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ أُمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً ثُمَّ افْضُوا إِلَيْ وَلَا تُنْظِرُونَ(یونس/۷۱)

سرگذشت نوح را بر آنها بخوان! در آن هنگام که به قوم خود گفت: «ای قوم من! اگر تذکرات من نسبت به آیات الهی، بر شما سنگین (و غیر قابل تحمل) است، (هر کار از دستتان ساخته است بکنید). من بر خدا توکل کرده‌ام! فکر خود، و قدرت معبدوها ایتان را جمع کنید؛ سپس هیچ بر شما پوشیده نماند؛ (تمام جوانب کارتان را بنگرید؛)

سپس به حیات من پایان دهید، و (لحظه‌ای) مهلتم ندهید! (اما توانایی ندارید!) **ثُمَّ بَعْثَنَا مِنْ بَعْدِهِ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءُوهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ كَذِلِكَ نَطَبَعُ عَلَى قُلُوبِ الْمُعْنَدِينَ**(یونس/۷۴)

سپس بعد از نوح، رسولانی به سوی قومشان فرستادیم؛ آنان دلایل روشن برایشان آوردن؛ اما آنها، به چیزی که پیش از آن تکذیب کرده بودند، ایمان نیاوردند! اینچنین بر دلهای تجاوز کاران مهر می‌نهیم (تا چیزی را در ک نکنند)!

ثُمَّ بَعْثَنَا مِنْ بَعْدِهِمْ مُوسَىٰ وَهَارُونَ إِلَيْ فِرْغُونَ وَمَلِئِهِ بِآيَاتِنَا فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُجْرِمِينَ(یونس/۷۵)

بعد از آنها، موسی و هارون را با آیات خود به سوی فرعون و اطرافیانش فرستادیم؛ اما آنها تکبر کردند (و زیر بار حق نرفتند؛ چرا که) آنها گروهی مجرم بودند!

فَمَا آمَنَ لِمُوسَىٰ إِلَّا ذُرْيَةٌ مِنْ قَوْمِهِ عَلَىٰ خَوْفٍ مِنْ فِرْغُونَ وَمَلِئِهِمْ أُنْ يَفْتَنَهُمْ وَإِنَّ فِرْغُونَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ(یونس/۸۳)

(در آغاز)، هیچ کس به موسی ایمان نیاورد، مگر گروهی از فرزندان قوم او؛ (آن هم) با ترس از فرعون و اطرافیانش، مبادا آنها را شکنجه کند؛ زیرا فرعون، برتری جویی در زمین داشت؛ و از اسرافکاران بود!

وَقَالَ مُوسَىٰ يَا قَوْمِيْ إِنْ كُنْتُمْ آمِنْتُمْ بِاللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا إِنْ كُنْتُمْ مُسْلِمِينَ(یونس/۸۴)
موسی گفت: «ای قوم من! اگر شما به خدا ایمان آوردهاید، بر او توکل کنید اگر تسلیم فرمان او هستید!»

فَقَالُوا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ(یونس/۸۵)

گفتند: «تنها بر خدا توکل داریم؛ پروردگار! ما را مورد شکنجه گروه ستمنگر قرار مدها!

وَتَجَنَّبَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ(یونس/۸۶)

و ما را با رحمت از (دست) قوم کافر رهایی بخشن!

وَأَوْحَيْنَا إِلَيْ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أُنْ تَبَوَّأ لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بِيُوتَاجْعَلُوا بِيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ(یونس/۸۷)

و به موسی و برادرش وحی کردیم که: «برای قوم خود، خانه‌هایی در سرزمین مصر انتخاب کنید؛ و خانه‌هایتان را مقابل یکدیگر (و متمرکز) قرار دهید! و نماز را برپا دارید! و به مؤمنان بشارت ده (که سرانجام پیروز می‌شوند!)»

فَأَوْلَىٰ كَانَتْ فَرِيْهُ أَمَّنَتْ فَنَفَعَهَا إِيمَانُهَا إِلَّا قُوْمَ يَوْنُسَ لَمَّا آمَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَتَعَنَّاهُمْ إِلَى حِينِ (یونس/۹۸)
چرا هیچ یک از شهرها و آبادیها ایمان نیاورند که (ایمانشان بموقع باشد، و) به حالشان مفید افتاد؟! مگر قوم یونس، هنگامی که آنها ایمان آورند، عذاب رسوا کننده را در زندگی دنیا از آنان برطرف ساختیم؛ و تا مدت معینی [=پایان زندگی و اجلشان] آنها را بهره‌مند ساختیم.

قُلِ انْظُرُوا مَآذًا فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَمَا تُغْنِي الْآيَاتُ وَالنُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ (یونس/۱۰۱)

بگو: «نگاه کنید چه چیز (از آیات خدا و نشانه‌های توحیدش) در آسمانها و زمین است!» اما این آیات و انذارها به حال کسانی که (به خاطر لجاجت) ایمان نمی‌آورند مفید نخواهد بود!

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ إِنَّى لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ (هود/۲۵)

ما نوح را بسوی قومش فرستادیم (نهختین بار به آنها گفت): «من برای شما بیمدهنده‌ای آشکارم!

فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا نَرَأَكَ إِلَّا بَشَرًا مِثْلَنَا وَمَا نَرَأَكَ اتَّبَعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَادُلَنَا بِإِلَي الرَّأْيِ وَمَا نَرَى لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ بِلْ نَظَنَّكُمْ كَاذِبِينَ (هود/۲۷)

اشراف کافر قومش (در پاسخ او) گفتند: «ما تو را جز بشری همچون خودمان نمی‌بینیم! و کسانی را که از تو پیروی کرده‌اند، جز گروهی ارادل ساده‌لوح، مشاهده نمی‌کنیم؛ و برای شما فضیلتی نسبت به خود نمی‌بینیم؛ بلکه شما را دروغگو تصور می‌کنیم!»

قالَ يَا قَوْمٍ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَآتَانِي رَحْمَةً مِنْ عِنْدِهِ فَعُمِّيَتْ عَلَيْكُمْ أَنْلِزْمُكُمُوهَا وَأَنْتُمْ لَهَا كَارِهُونَ (هود/۲۸)

(نوح) گفت: «اگر من دلیل روشنی از پروردگارم داشته باشم، و از نزد خودش رحمتی به من داده باشد - و بر شما مخفی مانده - (آیا باز هم رسالت مرا انکار می‌کنید؟! آیا ما می‌توانیم شما را به پذیرش این دلیل روشن مجبور سازیم، با اینکه شما کراحت دارید؟!

وَيَا قَوْمٍ لَا أَسْلَكُمْ عَلَيْهِ مَالًا إِنْ أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الْذِينَ آمَنُوا إِنَّهُمْ مُلَاقُو رَبِّهِمْ وَلَكِنِّي أَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ (هود/۲۹)

ای قوم! من به خاطر این دعوت، اجر و پاداشی از شما نمی‌طلیم؛ اجر من، تنها بر خداست! و من، آنها را که ایمان آورده‌اند، (بخاطر شما) از خود طرد نمی‌کنم؛ چرا که آنها پروردگارشان را ملاقات خواهند کرد؛ (اگر آنها را از خود برانم، در دادگاه قیامت، خصم من خواهند بود؛) ولی شما را قوم جاهلی می‌بینم!

وَيَا قَوْمٍ مَنْ يُنْصَرِنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ طَرَدُهُمْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (هود/۳۰)

ای قوم! چه کسی مرا در برابر (مجازات) خدا یاری می‌دهد اگر آنان را طرد کنم؟! آیا اندیشه نمی‌کنید؟!

وَأَوْحِيَ إِلَى نُوحٍ أَنَّهُ لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ إِلَّا مَنْ قَدْ آمَنَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ (هود/۳۶)

به نوح وحی شد که: «جز آنها که (تاکنون) ایمان آورده‌اند، دیگر هیچ کس از قوم تو ایمان نخواهد آوردا! پس، از کارهایی که می‌کردند، غمگین مباش! وَيَصْنَعُ الْفُلْكَ وَكُلَّمَا مَرَ عَلَيْهِ مَلَأَ مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ قَالَ إِنْ تَسْخِرُوا مِنَا فَإِنَا نَسْخَرُ مِنْكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ (هود/۳۸)

او مشغول ساختن کشته بود، و هر زمان گروهی از اشراف قومش بر او می‌گذشتند، او را مسخره می‌کردند؛ (ولی نوح) گفت: «اگر ما را مسخره می‌کنید، ما نیز شما را همین‌گونه مسخره خواهیم کرد!»

وَقِيلَ يَا أَرْضُ إِلَيْيِ مَاءَكِ وَيَا سَمَاءَ أَقْلِعِي وَغَيْضَ الْمَاءِ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَاسْتَوْتَ عَلَى
الْجُودِي وَقِيلَ بُعْدًا لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ(هود/٤٤)

و گفته شد: «ای زمین، آبی را فرو برا! و ای آسمان، خودداری کن! و آب فرو نشست و کار پایان یافت و (کشته) بر (دامنه کوه) جودی، پهلو گرفت؛ و (در این هنگام)، گفته شد:» دور باد قوم ستمگر (از سعادت و نجات و رحمت خدا!)

تِلْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنْتَ وَلَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ هَذَا
فَاصِرٌ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ(هود/٤٩)

اینها از خبرهای غیب است که به تو (ای پیامبر) وحی می‌کنیم؛ نه تو، و نه قومت، اینها را پیش از این نمی‌دانستید! بنابر این، صبر و استقامت کن، که عاقبت از آن برهیزگاران است!

وَإِلَى عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا
مُفْتَرُونَ(هود/٥٠)

(ما) به سوی (قوم) عاد، برادرشان «هود» را فرستادیم؛ (به آنها) گفت: «ای قوم من! خدا را پرسش کنید، که معبودی جز او برای شما نیست! شما فقط تهمت می‌زنید (و بتها را شریک او می‌خوانید)!

يَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا عَلَى الَّذِي فَطَرَنِي أَفَلَا تَعْقِلُونَ(هود/٥١)
ای قوم من! من از شما برای این (رسالت)، پاداشی نمی‌طلبم؛ پاداش من، تنها بر کسی است که مرا آفریده است؛ آیا نمی‌فهمید؟!

وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبِّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يَرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدُّكُمْ قُوَّةً إِلَى
قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ(هود/٥٢)

و ای قوم من! از پروردگار تان طلب آمر زش کنید، سپس به سوی او بازگردید، تا (باران) آسمان را پی در پی بر شما بفرستد؛ و نیرویی بر نیرویتان بیفزاید! و گنه کارانه، روی (از حق) بر نتابید!»

فَإِنْ تَوَلُّوْا فَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَيْكُمْ وَيُسْتَخْلِفُ رَبِّيْ قَوْمًا عَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّونَهُ شَيْئًا إِنَّ رَبِّيْ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِظٌ(هود/۵۷)

پس اگر روی برگردانید، من رسالتی را که مأمور بودم به شما رساندم؛ و پروردگارم گروه دیگری را جانشین شما می کند؛ و شما کمترین ضرری به او نمی رسانید؛ پروردگارم حافظ و نگاهبان هر چیز است!»

وَأَتَيْعُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ عَادًا كَفَرُوا رَبَّهُمْ أَلَا بُعْدًا لِعَادٍ قَوْمٌ هُودٌ(هود/۶۰)

آنان، در این دنیا و روز قیامت، لعنت (و نام ننگینی) بدنبال دارند! بدانید «عاد» نسبت به پروردگارشان کفر ورزیدند! دور باد «عاد» - قوم هود - (از رحمت خدا، و خیر و سعادت)!

وَإِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمٌ اغْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرْ كُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تُوَبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّيَ قَرِيبٌ مُجِيبٌ(هود/۶۱)

وبسوی قوم «ثمود»، برادرشان «صالح» را (فرستادیم)؛ گفت: «ای قوم من! خدا را پرستش کنید، که معبدی جز او برای شما نیست! اوست که شما را از زمین آفرید، و آبادی آن را به شما واگذاشت! از او آمر زش بطلبید، سپس به سوی او بازگردید، که پروردگارم (به بندگان خود) نزدیک، و اجابت کننده (خواسته های آنها) است!»

قَالَ يَا قَوْمٍ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّيْ وَآتَانِي مِنْهُ رَحْمَةً فَمَنْ يُنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ عَصَيْتُهُ فَمَا تَرِيدُونَنِي غَيْرَ تَحْسِيْرٍ(هود/۶۳)

گفت: «ای قوم! اگر من دلیل آشکاری از پروردگارم داشته باشم، و رحمتی از جانب خود به من داده باشد (نمی توانم از ابلاغ رسالت او سر پیچی کنم)؟! اگر من نافرمانی او

کنم، چه کسی می‌تواند مرا در برابر وی یاری دهد؟! پس، (سخنان) شما، جز اطمینان به زیانکار بودنتان، چیزی بر من نمی‌افزاید!

وَيَا قَوْمٍ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ فَدَرَوْهَا تَأْكُلُ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمْسُوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذُكُمْ عَذَابٌ قَرِيبٌ (هود/۶۴)

ای قوم من! این «ناقه» خداوند است، که برای شما نشانه‌ای است؛ بگذارید در زمین خدا به چرا مشغول شود؛ هیچ گونه آزاری به آن نرسانید، که بزوودی عذاب خدا شما را خواهد گرفت!«

فَلَمَّا رَأَى أَيْدِيهِمْ لَا تَصِلُ إِلَيْهِ نَكِيرَهُمْ وَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَخَفْ إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَيْكُمْ قَوْمٌ لُّوطٌ (هود/۷۰)

(اما) هنگامی که دید دست آنها به آن نمی‌رسد (و از آن نمی‌خورند، کار) آنها را زشت شمرد؛ و در دل احساس ترس نمود. به او گفتند: «ترس! ما به سوی قوم لوط فرستاده شده‌ایم!»

فَلَمَّا ذَهَبَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الرَّؤْعُ وَجَاءَتْهُ الْبُشْرَى يَجَادِلُنَا فِي قَوْمٍ لُّوطٍ (هود/۷۴)
هنگامی که ترس ابراهیم فرو نشست، و بشارت به او رسید، درباره قوم لوط با ما مجادله می‌کرد...

وَجَاءَهُ قَوْمٌ يَهْرَعُونَ إِلَيْهِ وَمِنْ قَبْلٍ كَانُوا يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ قَالَ يَا قَوْمٍ هَؤُلَاءِ بَنَاتِي هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُخْرُونَ فِي ضَيْفِي أَلَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَّشِيدٌ (هود/۷۸)
قوم او (بقصد مزاحمت میهمانان) بسرعت به سراغ او آمدند - و قبلًا کارهای بد انجام می‌دادند- گفت: «ای قوم من! اینها دختران منند؛ برای شما پاکیزه‌ترند! (با آنها ازدواج کنید؛ و از زشتکاری چشم بپوشید!) از خدا بترسید؛ و مرا در مورد میهمانانم رسوا نسازید! آیا در میان شما یک مرد فهمیده و آگاه وجود ندارد؟!»

إِلَيْ مَدِينَ أَخَاهُمْ شَعِيبًا قَالَ يَا قَوْمٍ اغْبَدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ وَلَا تَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيرَانَ إِنَّى أَرَاكُمْ بِخَيْرٍ وَإِنَّى أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابٌ يُومٌ مُحِيطٌ (هود/۸۴)

و بسوی «مدین» برادرشان شعیب را (فرستادیم)؛ گفت: «ای قوم من! خدا را پرستش کنید، که جز او، معبود دیگری برای شما نیست! پیمانه و وزن را کم نکنید (و دست به کم فروشی نزنید)! من (هم اکنون) شما را در نعمت می‌بینم؛ (ولی) از عذاب روز فراغیر، بر شما بیمناکم!

وَيَا قَوْمٍ أُوفُوا الْمِكَيْالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أُشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْنَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (هود/۸۵)

و ای قوم من! پیمانه و وزن را با عدالت، تمام دهید! و بر اشیاء (و اجناس) مردم، عیب نگذارید؛ و از حق آنان نکاهید! و در زمین به فساد نکوشید!

قَالَ يَا قَوْمٍ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَرَزْقَنِي مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَخْالِفَكُمْ إِلَىٰ مَا أَنْهَاكُمْ عَنْهُ إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ (هود/۸۸)

گفت: «ای قوم! به من بگویید، هرگاه من دلیل آشکاری از پروردگارم داشته باشم، و رزق (و موهبت) خوبی به من داده باشد، (آیا می‌توانم بر خلاف فرمان او رفتار کنم؟!) من هرگز نمی‌خواهم چیزی که شما را از آن باز می‌دارم، خودم مرتکب شوم! من جز اصلاح -تا آنجا که توانایی دارم- نمی‌خواهم! و توفیق من، جز به خدا نیست! بر او توکل کردم؛ و به سوی او بازمی‌گردم!

وَيَا قَوْمٍ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقٌ إِنْ يَصِيَّبُكُمْ مِثْلُ مَا أَصَابَ قَوْمَ نُوحٍ أَوْ قَوْمَ هُودٍ أَوْ قَوْمَ صَالِحٍ وَمَا قَوْمُ لُوطٍ مِنْكُمْ بِعَيْدٍ (هود/۸۹)

و ای قوم من! دشمنی و مخالفت با من، سبب نشود که شما به همان سرنوشتی که قوم نوح یا قوم هود یا قوم صالح گرفتار شدند، گرفتار شوید! و قوم لوط از شما چندان دور نیست!

قَالَ يَا قَوْمٍ أَرْهَطْتِ أَغْرِيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَاتَّخَذْتُمُوهُ وَرَاءَكُمْ ظِهْرًا إِنَّ رَبَّيْ بِمَا تَعْمَلُونَ مُحِيطٌ (هود/۹۲)

گفت: «ای قوم! آیا قبیله کوچک من، نزد شما عزیزتر از خداوند است؟! در حالی که فرمان او را پشت سر انداخته اید! پروردگارم به آنچه انجام می دهید، احاطه دارد (و آگاه است)!

وِيَا قَوْمٍ اغْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِنَّمْ إِنِّي عَامِلٌ سَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يَخْزِيهِ وَمَنْ هُوَ كَاذِبٌ وَارْتَقِبُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ(هود/۹۳)

ای قوم! هر کاری از دستتان ساخته است، انجام دهید، من هم کار خود را خواهم کرد؛ و بزودی خواهید دانست چه کسی عذاب خوارکننده به سراغش می آید، و چه کسی دروغگوست! شما انتظار بکشید، من هم در انتظارم!»

يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ وَبَيْسَ الْوِرْدُ الْمَوْرُوذُ(هود/۹۸)

روز قیامت، او در پیش‌پیش قومش خواهد بود؛ و (به جای چشم‌های زلال بهشت) آنها را وارد آتش می کند! و چه بد آشخوری است (آتش)، که بر آن وارد می شوند! اقتلُوا يُوسُفَ أَوِ اطْرَحُوهُ أَرْضًا يَخْلُ لَكُمْ وَجْهٌ أَبِيكُمْ وَتَكُونُوا مِنْ بَعْدِهِ قَوْمًا صَالِحِينَ(یوسف/۹)

یوسف را بکشید؛ یا او به سرزمین دوردستی بیفکنید؛ تا توجه پدر، فقط به شما باشد؛ و بعد از آن، (از گناه خود توبه می کنید؛ و) افراد صالحی خواهید بود! قَالَ لَآ يَأْتِيْكُمَا طَعَامٌ تُرْزَقَاهُ إِلَّا تَبَاتَكُمَا بِتَأْوِيلِهِ قَبْلَ أَنْ يَأْتِيْكُمَا ذَلِكُمَا مِمَّا عَلَمَنِي رَبِّي إِنِّي تَرَكْتُ مِلَّةَ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ(یوسف/۳۷)

(یوسف) گفت: «پیش از آنکه جیره غذایی شما فرا رسد، شما را از تعبیر خوابتان آگاه خواهیم ساخت. این، از دانشی است که پروردگارم به من آموخته است. من آیین قومی را که به خدا ایمان ندارند، و به سرای دیگر کافرند، ترک گفتم (و شایسته چنین موهبتی شدم)!

يَا بَنِي اذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا تَيَأسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْأَسُ مِنْ رَوْحٍ اللَّهِ إِلَّا الْفَوْمُ الْكَافِرُونَ(یوسف/۸۷)

پس‌رانم! بروید، و از یوسف و برادرش جستجو کنید؛ و از رحمت خدا مأیوس نشوید؛ که تنها گروه کافران، از رحمت خدا مأیوس می‌شوند!»
 حتیٰ إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسْلُ وَظَنَّوْا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِبُوا جَاءَهُمْ نَصْرًا فَنَجَّى مَنْ نَشَاءَ وَلَا يَرَدُ
 بِأَسْنَانِ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ (یوسف/۱۱۰)

(پیامبران به دعوت خود، و دشمنان آنها به مخالفت خود همچنان ادامه دادند) تا آنگاه که رسولان مأیوس شدند، و (مردم) گمان کردند که به آنان دروغ گفته شده است؛ در این هنگام، یاری ما به سراغ آنها آمد؛ آنان را که خواستیم نجات یافتند؛ و مجازات و عذاب ما از قوم گنهکار بازگردانده نمی‌شود!

لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِأُولَى الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يَفْتَرَى وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدِيهِ وَتَقْسِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدُّى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يَؤْمِنُونَ (یوسف/۱۱۱)

در سرگذشت آنها درس عبرتی برای صاحبان اندیشه بود! اینها داستان دروغین نبود، بلکه (وحی آسمانی است، و) هماهنگ است با آنچه پیش روی او (از کتب آسمانی پیشین) قرار دارد؛ و شرح هر چیزی (که پایه سعادت انسان است)؛ و هدایت و رحمتی است برای گروهی که ایمان می‌آورند!

وَهُوَ الَّذِي مَدَ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيًّا وَأَنْهَارًا وَمِنْ كُلِّ الشَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ يَعْشِي اللَّلَيْلَ النَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (الرعد/۳)

و او کسی است که زمین را گسترد؛ و در آن کوهها و نهرهایی قرار داد؛ و در آن از تمام میوه‌ها دو جفت آفرید؛ (پرده سیاه) شب را بر روز می‌پوشاند؛ در اینها آیاتی است برای گروهی که تفکر می‌کنند!

وَفِي الْأَرْضِ قِطْعٌ مُتَجَاوِرَاتٌ وَجَنَّاتٌ مِنْ أَغْنَابٍ وَرَزْعٍ وَتَخِيلٌ صِنْوانٌ وَغَيْرٌ صِنْوانٌ يَسْتَهِي بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَتُفَضِّلُ بَعْضَهَا عَلَى بَعْضٍ فِي الْأَكْلِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (الرعد/۴)

و در روی زمین، قطعاتی در کنار هم قرار دارد که با هم متفاوتند؛ و (نیز) با غهایی از انگور و زراعت و نخلها، (و درختان میوه گوناگون) که گاه بر یک پایه می‌رویند و گاه بر دو پایه؛ (و عجیب‌تر آنکه) همه آنها از یک آب سیراب می‌شوند! و با این حال، بعضی از آنها را از جهت میوه بر دیگری برتری می‌دهیم؛ در اینها نشانه‌هایی است برای گروهی که عقل خوبی را به کار می‌گیرند!

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا أَنْزَلْتَ عَلَيْهِ آيَةً مِنْ رَبِّهِ إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلَكُلُّ قَوْمٍ هَادٍ(الرعد/۷)

کسانی که کافر شدند می‌گویند: «چرا آیه (و معجزه‌ای) از پروردگارش بر او نازل نشده؟!» تو فقط بیم دهنده‌ای! و برای هر گروهی هدایت کننده‌ای است (و اینها همه بهانه است، نه برای جستجوی حقیقت)!

لَهُ مُعَقَّبَاتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَغِيرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يَغِيرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٰ(الرعد/۱۱)

برای انسان، مأمورانی است که بی در بی، از پیش رو، و از پشت سرش او را از فرمان خدا [=حوادث غیر حتمی] حفظ می‌کنند؛ (اما) خداوند سرنوشت هیچ قوم (و ملتی) را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند! و هنگامی که خدا اراده سوئی به قومی (بخاطر اعمالشان) کند، هیچ چیز مانع آن نخواهد شد؛ و جز خدا، سرپرستی نخواهد داشت!

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسْتَانِ قَوْمِهِ لِيَبَيِّنَ لَهُمْ فَيَضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ أَعْزَيزُ الْحَكِيمِ(الإبراهیم/۴)

ما هیچ پیامبری را، جز به زبان قومش، نفرستادیم؛ تا (حقایق را) برای آنها آشکار سازد؛ سپس خدا هر کس را بخواهد (و مستحق بداند) گمراه، و هر کس را بخواهد (و شایسته بداند) هدایت می‌کند؛ و او توانا و حکیم است.

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلْمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكَرْهُمْ بِأَيَامِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ(الإبراھیم/۵)

ما موسی را با آیات خود فرستادیم؛ (و دستور دادیم): قومت را از ظلمات به نور بیرون آرا! و «ایام الله» را به آنان یاد آور! در این، نشانه‌هایی است برای هر صبر کننده شکرگزار!

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمَهِ اذْكُرُوا نَعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ أَنْجَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُوْمُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ وَيَدْبِحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَخْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ(الإبراھیم/۶)

و (به خاطر بیاور) هنگامی را که موسی به قومش گفت: «نعمت خدا را بر خود به یاد داشته باشد، زمانی که شما را از (چنگال) آل فرعون رهایی بخشید! همانها که شما را به بدترین وجهی عذاب می‌کردند، پسرانتان را سر می‌بریدند، و زنانتان را (برای خدمتگاری) زنده می‌گذاشتند؛ و در این، آزمایش بزرگی از طرف پروردگارتن برای شما بود!»

الَّمْ يَأْتِكُمْ نَبَأً الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ قَوْمٌ نُوحٌ وَعَادٌ وَثَمُودٌ وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا اللَّهُ جَاءَهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَرَدَوْا أَيْدِيهِمْ فِي أَفْوَاهِهِمْ وَقَالُوا إِنَّا كَفَرْنَا بِمَا أَرْسَلْنَا بِهِ وَإِنَّا لَفِي شَكٍّ مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ مُرِيبٌ(الإبراھیم/۹)

آیا خبر کسانی که پیش از شما بودند، به شما نرسید؟! «قوم نوح» و «عاد» و «تمود» و آنها که پس از ایشان بودند؛ همانها که جز خداوند از آنان آگاه نیست؛ پیامبرانشان دلایل روشن برای آنان آوردند، ولی آنها (از روی تعجب و استهزا) دست بر دهان گرفتند و گفتند: «ما به آنچه شما به آن فرستاده شده‌اید، کافریم! و نسبت به آنچه ما را به سوی آن می‌خوانید، شک و تردید داریم!»

الَّمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَلُوا نِعْمَةَ اللَّهِ كُفَرًا وَأَحَلُوا قَوْمَهُمْ ذَارَ الْبَوَارِ(الإبراھیم/۲۸)

آیا ندیدی کسانی را که نعمت خدا را به کفران تبدیل کردن، و قوم خود را به سرای نیستی و نابودی کشاندند؟!

رَبَّنَا أَغْرِّ لَيْ وَلِوَالِدَيْ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُولُ الْجِسَابُ (الإِبْرَاهِيمُ/٤١)
پروردگار! من و پدر و مادرم و همه مؤمنان را، در آن روز که حساب برپا می‌شود،
بیامرز!

لَقَالُوا إِنَّمَا سُكِّرْتَ أَبْصَارُنَا بَلْ نَحْنُ قَوْمٌ مَسْخُورُونَ (الحجـر/١٥)

باز می‌گویند: «ما را چشم‌بندی کرده‌اند؛ بلکه ما (سر تا پا) سحر شده‌ایم!»
فَأَلَّوْا إِنَّا أَرْسِلْنَا إِلَيْ قَوْمٍ مُجْرِمِينَ (الحجـر/٥٨)

گفتند: «ما به سوی قومی گنہکار مأموریت یافته‌ایم (تا آنها را هلاک کنیم)!
قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ (الحجـر/٦٢)

(لوط) گفت: «شما گروه ناشناسی هستید!»

يَنْبِتُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعُ وَالرِّيزُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ وَمِنْ كُلِّ النَّمَرَاتِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَا يَةً
لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (النـحل/١١)

خداآوند با آن (آب باران)، برای شما زراعت و زیتون و نخل و انگور، و از همه میوه‌ها
می‌رویاند؛ مسلما در این، نشانه روشنی برای اندیشمندان است.

وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالقَمَرَ وَالْجُوْمُ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَا يَاتٍ
لِقَوْمٍ يَغْلِبُونَ (النـحل/١٢)

او شب و روز و خورشید و ماه را مسخر شما ساخت؛ و ستارگان نیز به فرمان او مسخر
شما بیند؛ در این، نشانه‌هایی است (از عظمت خدا)، برای گروهی که عقل خود را به کار
می‌گیرند!

وَمَا ذَرَأْ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُخْتَلِفًا أُلَوَانُهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَا يَةً لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ (النـحل/١٣)

(علاوه بر این)، مخلوقاتی را که در زمین به رنگ‌های گوناگون آفریده نیز مسخر (فرمان

شما) ساخت؛ در این، نشانه روشنی است برای گروهی که متذکر می‌شوند!

بِتَوَارِي مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيْمَسِكُهُ عَلَى هُوَنِ أَمْ يَدْسُهُ فِي التَّرَابِ أَلَا سَاءَ

مَا يَحْكُمُونَ(النحل/۵۹)

بخاطر بشارت بدی که به او داده شده، از قوم و قبیله خود متواری می‌گردد؛ (و
نمی‌داند) آیا او را با قبیل ننگ نگهدارد، یا در خاک پنهانش کند؟! چه بد حکم
می‌کنند!

وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتَبْيَنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ

يُؤْمِنُونَ(النحل/۶۴)

ما قرآن را بر تو نازل نکردیم مگر برای اینکه آنچه را در آن اختلاف دارند، برای آنها
روشن کنی؛ و (این قرآن) مایه هدایت و رحمت است برای قومی که ایمان می‌آورند!
وَاللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ

يُسْمَعُونَ(النحل/۶۵)

خداآند از آسمان، آبی فرستاد؛ و زمین را، پس از آنکه مرده بود، حیات بخشید! در
این، نشانه روشنی است برای جمعیتی که گوش شنوا دارند!

وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَخَذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ

يُعْقِلُونَ(النحل/۶۷)

و از میوه‌های درختان نخل و انگور، مسکرات (ناپاک) و روزی خوب و پاکیزه می‌گیرید؛
در این، نشانه روشنی است برای جمعیتی که اندیشه می‌کنند!

ثُمَّ كُلِّي مِنْ كُلِّ الشَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبْلَ رَبِّكِ ذُلْلًا يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ

الْوَاهْنَةُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ(النحل/۶۹)

سپس از تمام ثمرات (و شیره گلهای) بخور و راههایی را که پروردگارت برای تو تعیین
کرده است، براحتی بپیما! «از درون شکم آنها، نوشیدنی با رنگ‌های مختلف خارج

می شود که در آن، شفا برای مردم است؛ به یقین در این امر، نشانه روشی است برای جمعیتی که می‌اندیشنند.

أَلْمْ يَرَوَا إِلَى الطَّيْرِ مُسَخَّرَاتٍ فِي جَوَ السَّمَاءِ مَا يَمْسِكُهُنَّ إِلَّا اللَّهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ
لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ(التحل / ۷۹)

آیا آنها به پرندگانی که بر فراز آسمانها نگهداشته شده، نظر نیفکنند؟ هیچ کس جز خدا آنها را نگاه نمی‌دارد؛ در این امر، نشانه‌هایی (از عظمت و قدرت خدا) است برای کسانی که ایمان می‌آورند!

ذَلِكَ بِإِنَّهُمْ اسْتَحْبُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَإِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ
الْكَافِرِينَ(التحل / ۱۰۷)

این به خاطر آن است که زندگی دنیا (و پست را) بر آخرت ترجیح دادند؛ و خداوند افراد بی‌ایمان (لجوچ) را هدایت نمی‌کند.

هَوَلَاءِ قَوْمًا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ الَّهُ لَوْلَا يَأْتُونَ عَلَيْهِمْ بِسُلْطَانٍ بَيْنِ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ
أَفْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا(الكهف / ۱۵)

این قوم ما هستند که معبدوها بی‌ای بزرگی از خدا انتخاب کرده‌اند؛ چرا دلیل آشکاری (بر این کار) نمی‌آورند؟! و چه کسی ظالمتر است از آن کس که بر خدا دروغ بیندد؟!
حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَعْرِبَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَغْرُبُ فِي عَيْنِ حَمِئَةٍ وَوَجَدَ عِنْدَهَا قَوْمًا قَلَّا يَا ذَا
الْقَرْنَيْنِ إِمَّا أَنْ تُعَذِّبَ وَإِمَّا أَنْ تَتَّخِذَ فِيهِمْ حُسْنًا(الكهف / ۸۶)

تا به غروبگاه آفتاب رسید؛ (در آن جا) احساس کرد (و در نظرش مجسم شد) که خورشید در چشم‌هه تیره و گل‌آلودی فرو می‌رود؛ و در آن جا قومی را یافت، گفتیم:
«ای ذوقرنین! آیا می‌خواهی (آنان) را مجازات کنی، و یا روش نیکویی در مورد آنها انتخاب نمایی؟»

حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَطْلِعَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَطْلُعُ عَلَى قَوْمٍ لَمْ يَجْعَلْ لَهُمْ مِنْ دُونِهَا
سِرْتًا(الكهف / ۹۰)

تا به خاستگاه خورشید رسید؛ (در آن جا) دید خورشید بر جمعیتی طلوع می‌کند که در برابر (تابش) آفتاب، پوششی برای آنها قرار نداده بودیم (و هیچ گونه سایبانی نداشتند).

حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ بَيْنَ السَّدَّيْنِ وَجَدَ مِنْ دُونِهِمَا قَوْمًا لَا يَكَادُونَ يُفْقَهُونَ قَوْلًا(الكهف/۹۳)
 (و همچنان به راه خود ادامه داد) تا به میان دو کوه رسید؛ و در کنار آن دو (کوه) قومی را یافت که هیچ سخنی را نمی‌فهمیدند (و زبانشان مخصوص خودشان بود)!
 فَخَرَجَ عَلَىٰ قَوْمِهِ مِنَ الْمِحْرَابِ فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِمْ أَنْ سَبَّحُوا بُكْرَةً وَعَشِيًّا(مریم/۱۱)

او از محراب عبادتش به سوی مردم بیرون آمد؛ و با اشاره به آنها گفت: «(بشكرانه این موهبت)، صبح و شام خدا را تسبیح گویید!»

فَأَتَتْهُ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَِيَا(مریم/۲۷)
 (مریم) در حالی که او را در آغوش گرفته بود، نزد قومش آورد؛ گفتند: «ای مریم! کار بسیار عجیب و بدی انجام دادی!

فَإِنَّمَا يَسِّرَنَا هُنَّا كَلِيلُونَ لِتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَتُنذِيرَ بِهِ قَوْمًا لُدَّا(مریم/۹۷)
 و ما فقط آن [=قرآن] را بر زبان تو آسان ساختیم تا پرهیزگاران را بوسیله آن بشرط دهی، و دشمنان سرسخت را با آنان انذار کنی.

وَأَضَلَّ فِرْعَوْنُ قَوْمَهُ وَمَا هَدَى(طه/۷۹)
 فرعون قوم خود را گمراه ساخت؛ و هرگز هدایت نکرد!
 وَمَا أَعْجَلَكَ عَنْ قَوْمِكَ يَا مُوسَى(طه/۸۳)

ای موسی! چه چیز سبب شد که از قومت پیشی گیری، و (برای آمدن به کوه طور) عجله کنی؟!

فَالَّذِي أَنْتَ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ وَأَضَلَّهُمُ السَّامِرِي(طه/۸۵)
 فرمود: «ما قوم تو را بعد از تو، آزمودیم و سامری آنها را گمراه ساخت!»

فَرَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ عَصْبَانَ أَسِقَا قَالَ يَا قَوْمِي أَلْمٌ يَعِدُكُمْ رَبُّكُمْ وَعَدًا حَسِنًا أَفَطَالَ عَلَيْكُمُ الْعَهْدُ أَمْ أَرَدْتُمْ أَنْ يَحِلَّ عَلَيْكُمْ عَذَابٌ مِّنْ رَبِّكُمْ فَأَخْلَفْتُمْ مَوْعِدِي (طه/۸۶)

موسی خشمگین و اندوهناک به سوی قوم خود بازگشت و گفت: «ای قوم من! مگر پروردگارتان وعده نیکویی به شما نداد؟! آیا مدت جدایی من از شما به طول انجامید، یا می خواستید غصب پروردگارتان بر شما نازل شود که با وعده من مخالفت کردید؟!»

فَأَلْوَا مَا أَخْلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمُلْكِنَا وَلَكُنَا حُمْلَنَا أُوزَارًا مِّنْ زِينَةِ الْقَوْمِ فَقَدْنَاهَا فَكَذَلِكَ الْقَوْمِ السَّابِقِيِّ (طه/۸۷)

گفتند: «ما به میل و اراده خود از وعده تو تخلف نکردیم؛ بلکه مقداری از زیورهای قوم را که با خود داشتیم افکنديم!» و سامری اينچنین القا کرد...

وَلَقَدْ قَالَ لَهُمْ هَارُونٌ مِّنْ قَبْلٍ يَا قَوْمٍ إِنَّمَا فُتِّنْتُمْ بِهِ وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِي وَأَطْبِعُوا أُمْرِي (طه/۹۰)

و پیش از آن، هارون به آنها گفته بود: «ای قوم من! شما به این وسیله مورد آزمایش قرار گرفته اید! پروردگار شما خداوند رحمان است! پس، از من پیروی کنید، و فرمانم را اطاعت نمایید!»

وَكَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ طَالِمَةً وَأَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ (الأَنْبِيَاء/۱۱)

چه بسیار آبادیهای ستمگری را در هم شکستیم؛ و بعد از آنها، قوم دیگری روی کار آوردیم!

إِذْ قَالَ لِأَيْبِهِ وَقَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ (الأَنْبِيَاء/۵۲)

آن هنگام که به پدرش (آزر) و قوم او گفت: «این مجسمه های بی روح چیست که شما همواره آنها را پرستش می کنید؟!»

وَلُوطًا آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَتَجْيِيَةً مِّنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبَائِثَ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا سَوْءِيْ فَاسِقِيْنَ (الأَنْبِيَاء/۷۴)

و لوط را (به یاد آور) که به او حکومت و علم دادیم؛ و از شهری که اعمال زشت و

کشیف انجام می‌دادند، رهایی بخشیدیم؛ چرا که آنها مردم بد و فاسقی بودند!

وَتَصْرُّنَاهُ مِنَ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمٌ سُوءٌ فَأَعْرَقْنَاهُمْ

اجماعین (الأنبياء/۷۷)

و او را در برابر جمعیتی که آیات ما را تکذیب کرده بودند یاری دادیم؛ چرا که قوم

بدی بودند؛ از این رو همه آنها را غرق کردیم!

وَدَاؤُودٌ وَسُلَيْمَانٌ إِذْ يُحْكِمُانِ فِي الْحَرْثِ إِذْ نَفَّشَتْ فِيهِ غَنَمُ الْقَوْمِ وَكَانَ لِحُكْمِهِمْ

شاهیدین (الأنبياء/۷۸)

و داؤود و سلیمان را (به خاطر بیاور) هنگامی که درباره کشتزاری که گوسفندان بی

شبان قوم، شبانگاه در آن چریده (و آن را تباہ کرده) بودند، داوری می‌کردند؛ و ما بر

حکم آنان شاهد بودیم.

إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ عَابِدِينَ (الأنبياء/۱۰۶)

در این، ابلاغ روشنی است برای جمعیت عبادت‌کنندگان!

وَإِنْ يَكْذِبُوكَ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ قَبْلَهُمْ قَوْمٌ نُوحٌ وَعَادٌ وَثَمُودٌ (الحج/۴۲)

اگر تو را تکذیب کنند، (امر تازه‌ای نیست؛) پیش از آنها قوم نوح و عاد و ثمود

(پیامبرانشان را) تکذیب کردنند.

وَقَوْمٌ إِبْرَاهِيمَ وَقَوْمٌ لُوطٌ (الحج/۴۳)

و همچنین قوم ابراهیم و قوم لوط؛

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِي اغْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا

تَتَّقُونَ (المؤمنون/۲۳)

و ما نوح را بسوی قومش فرستادیم؛ او به آنها گفت: «ای قوم من! خداوند یکتا را

بپرستید، که جز او معبدی برای شما نیست! آیا (از پرستش بتها) پرهیز نمی‌کنید؟!

فَقَالَ الْمُتَلِّأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْكُمْ يَرِيدُ أَنْ يَنْفَضِّلَ عَلَيْكُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَنْزَلَ مَلَائِكَةً مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأُولَئِينَ (المؤمنون/۲۴)

جمعیت اشرافی (و مغورو) از قوم نوح که کافر بودند گفتند: «این مرد جز بشری همچون شما نیست، که می خواهد بر شما برتری جوید! اگر خدا می خواست (پیامبری بفرستد) فرشتگانی نازل می کرد؛ ما چنین چیزی را هرگز در نیاکان خود نشنیده ایم! فَإِذَا اسْتَوَيْتَ أَنْتَ وَمَنْ مَعَكَ عَلَى الْفُلْكِ فَلُولِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي نَجَّانَا مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (المؤمنون/۲۸)

و هنگامی که تو و همه کسانی که با تو هستند بر کشتی سوار شدید، بگو: «ستایش برای خدایی است که ما را از قوم ستمگر نجات بخشید!»

وَقَالَ الْمُتَلِّأُ مِنْ قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَدَّبُوا بِلِقَاءَ الْآخِرَةِ وَأَتْرَفَنَاهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْكُمْ يَا كُلُّ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ (المؤمنون/۳۳)

ولی اشرافیان (خودخواه) از قوم او که کافر بودند، و دیدار آخرت را تکذیب می کردند، و در زندگی دنیا به آنان ناز و نعمت داده بودیم، گفتند: «این بشری است مثل شما؛ از آنچه می خورید می خورد؛ و از آنچه می نوشید می نوشید! (پس چگونه می تواند پیامبر باشد؟!)

فَأَخَذْتُهُمُ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ فَجَعَلْنَاهُمْ غَثَاءَ فَبَعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (المؤمنون/۴۱)

سرانجام صیحه آسمانی آنها را بحق فرو گرفت؛ و ما آنها را همچون خاشاکی بر سیلاط قرار دادیم؛ دور باد قوم ستمگر (از رحمت خدا)!

نُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرَى كُلَّ مَا جَاءَ أَمَّةً رَسُولُهَا كَدَّبُوهُ فَأَتَبْعَنَا بَعْضَهُمْ بَعْضًا وَجَعَلْنَاهُمْ أَخَادِيثَ فَبَعْدًا لِلْقَوْمِ لَا يُؤْمِنُونَ (المؤمنون/۴۴)

سپس رسولان خود را یکی پس از دیگری فرستادیم؛ هر زمان رسولی برای (هدایت) قومی می آمد، او را تکذیب می کردند؛ ولی ما این امتهای سرکش را یکی پس از

دیگری هلاک نمودیم، و آنها را احادیثی قرار دادیم (چنان محو شدن که تنها نام و گفتگویی از آنان باقی ماند). دور باد (از رحمت خدا) قومی که ایمان نمی‌آورند!

إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلِئِهِ فَاسْتَكْبِرُوا وَكَانُوا قَوْمًا غَالِيْنَ (المؤمنون/٤٦)

بسوی فرعون و اطرافیان اشرافی او؛ اما آنها تکبر کردند، و آنها مردمی برتری جوی بودند.

فَقَالُوا أَنُؤْمِنُ لِبَشَرِينَ مِثْلِنَا وَقَوْمُهُمَا لَنَا عَابِدُونَ (المؤمنون/٤٧)

آنها گفتند: «آیا ما به دو انسان همانند خودمان ایمان بیاوریم، در حالی که قوم آنها برده‌گان ما هستند؟!»

رَبِّ فَلَأَتَحْعَلْنِي فِي الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (المؤمنون/٩٤)

پروردگار من! مرا (در این عذابها) با گروه ستمگران قرار مده!

فَأَلَوْا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكَانَ قَوْمًا ضَالِّيْنَ (المؤمنون/١٠٦)

می‌گویند: «پروردگار!! بدختی ما بر ما چیره شد، و ما قوم گمراهی بودیم!

وَقَالَ الَّذِيْنَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا إِفْتَرَاهُ وَأَغَانَةٌ عَلَيْهِ قَوْمٌ آخَرُونَ فَقَدْ جَاءُوا ظُلْمًا وَرَوْرًا (الفرقان/٤)

و کافران گفتند: «این فقط دروغی است که او ساخته، و گروهی دیگر او را بر این کار یاری داده‌اند.» آنها (با این سخن)، ظلم و دروغ بزرگی را مرتکب شدند.

فَأَلَوْا سُبْخَانَكَ مَا كَانَ يُنْبَغِي لَنَا أَنْ نَتَخَذَ مِنْ دُونِكَ مِنْ أُولَيَاءِ وَلَكِنْ مَتَعَثَّهُمْ وَأَبَاءُهُمْ حَتَّىٰ نَسُوا الدِّكْرَ وَكَانُوا قَوْمًا بُورًا (الفرقان/١٨)

(در پاسخ) می‌گویند: «منزهی تو! برای ما شایسته نبود که غیر از تو اولیایی برگزینیم، ولی آنان و پدرانشان را از نعمتها برخوردار نمودی تا اینکه (به جای شکر نعمت) یاد تو را فراموش کردند و تباہ و هلاک شدند.»

وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي أَتَخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا (الفرقان/٣٠)

و پیامبر عرضه داشت: «پروردگار! قوم من قرآن را رها کردند».

فَقُلْنَا اذْهَبَا إِلَى الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا فَدَمَرْنَا هُمْ تَدْمِيرًا (الفرقان/۳۶)

و گفتیم: «به سوی این قوم که آیات ما را تکذیب کردند بروید!» (اما آن مردم به مخالفت برخاستند) و ما به شدت آنان را درهم کوبیدیم!

وَقَوْمَ نُوحٍ لَمَّا كَذَبُوا الرَّسُولَ أَعْرَفْنَا هُمْ وَجَعَلْنَا هُمْ لِلنَّاسِ آيَةً وَأَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ عَذَابًا أَلِيمًا (الفرقان/۳۷)

و قوم نوح را هنگامی که رسولان (ما) را تکذیب کردند غرق نمودیم، و آنان را درس عبرتی برای مردم قرار دادیم؛ و برای ستمگران عذاب دردناکی فراهم ساخته ایم!
إِذْ نَادَى رَبُّكَ مُوسَى أَنِ ائْتِ الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (الشعراء/۱۰)

(به خاطر بیاور) هنگامی را که پروردگارت موسی را ندا داد که به سراغ قوم ستمگر برو...

قَوْمٌ فِرْغَوْنَ أَلَا يَتَّقُونَ (الشعراء/۱)

قوم فرعون، آیا آنان (از مخالفت فرمان پروردگار) پرهیز نمی کنند؟!

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا تَعْبُدُونَ (الشعراء/۷۰)

هنگامی که به پدر و قومش گفت: «چه چیز را می پرستید؟!»

كَذَبْتَ قَوْمٌ نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ (الشعراء/۱۰۵)

قوم نوح رسولان را تکذیب کردند،

قَالَ رَبِّ إِنَّ قَوْمِي كَذَبُونِ (الشعراء/۱۱۷)

گفت: «پروردگار! قوم من، مرا تکذیب کردند!

كَذَبْتَ قَوْمٌ لُوطٌ الْمُرْسَلِينَ (الشعراء/۱۶۰)

قوم لوط فرستادگان (خدا) را تکذیب کردند،

وَتَذَرُّوْنَ مَا خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ أَرْوَاحِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ (الشعراء/۱۶۶)

۷۹ قوم (علوم اجتماعی) در کلام الله

و همسرانی را که پروردگار تان برای شما آفریده است رها می‌کنید؟! (حقاً) شما قوم
تجاورگری هستید!»

الَّذِي يَرَكَ حِينَ تَقْوُمُ(الشعراء/٢١٨)

همان کسی که تو را به هنگامی که (برای عبادت) برمی‌خیزی می‌بیند؛
وأَدْخِلْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجْ بِيَضَاءِ مِنْ غَيْرِ سُوءِ فِي تِسْعَ آيَاتٍ إِلَى فِرْعَوْنَ وَقَوْمِهِ
إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ(النمل/١٢)

و دستت را در گربیانت داخل کن؛ هنگامی که خارج می‌شود، سفید و درخشنده است
بی آنکه عیبی در آن باشد؛ این در زمرة معجزات نه‌گانه‌ای است که تو با آنها بسوی
فرعون و قومش فرستاده می‌شوی؛ آنان قومی فاسق و طغیانگرند!»

وَجَدْنَهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَرَبِّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ
فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْدَنَونَ(النمل/٢٤)

او و قومش را دیدم که برای غیر خدا -خورشید- سجده می‌کنند؛ و شیطان اعمالشان
را در نظرشان جلوه داده، و آنها را از راه بازداشت، و از این رو هدایت نمی‌شوند!»

وَصَدَّهَا مَا كَانَتْ تَعْبُدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنَّهَا كَانَتْ مِنْ قَوْمٍ كَافِرِينَ(النمل/٤٣)
و او را از آنچه غیر از خدا می‌پرسید بازداشت، که او [= ملکه سبا] از قوم کافران بود.
فَالَّ يا قَوْمِ لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ بِالسَّيِئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ لَوْلَا تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهُ لَعَلَّكُمْ
تُرْحَمُونَ(النمل/٤٦)

(صالح) گفت: «ای قوم من! چرا برای بدی قبل از نیکی عجله می‌کنید (و عذاب الهی
را می‌طلبید نه رحمت او را)! چرا از خداوند تقاضای آمرزش نمی‌کنید تا شاید
مشمول رحمت (او) شوید!؟!»

فَالَّوَا اطَّيَرْنَا بِكَ وَبِمَنْ مَعَكَ قَالَ طَائِرُكُمْ عِنْدَ اللَّهِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تُفْتَنُونَ(النمل/٤٧)

آنها گفتند: «ما تو را و کسانی که با تو هستند به فال بد گرفتیم!» (صالح) گفت: «فال نیک و) بد شما نزد خداست (و همه مقدرات به قدرت او تعیین می‌گردد؛ بلکه شما گروهی هستید فریب خورده!

فَإِنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ مَكْرُهِمْ أَنَا دَمَرْنَا هُمْ وَقَوْمُهُمْ أَجْمَعِينَ(النمل/٥١)
بنگر عاقبت توطئه آنها چه شد، که ما آنها و قومشان همگی را نابود کردیم؛
فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَّةٌ بِمَا ظَلَمُوا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَا يَأْيُدُ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ(النمل/٥٢)

این خانه‌های آنهاست که بخاطر ظلم و ستمشان خالی مانده؛ و در این نشانه روشنی است برای کسانی که آگاهند!

وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ وَأَنْتُمْ تُنْصِرُونَ(النمل/٥٤)
و لوط را (به یاد آور) هنگامی که به قومش گفت: «آیا شما به سراغ کار بسیار زشتی می‌روید در حالی که (نتایج شوم آن را) می‌بینید؟!

أَئِنْكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ(النمل/٥٥)
آیا شما بجای زنان، از روی شهوت به سراغ مردان می‌روید؟! شما قومی نادانید!
فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوا آلَ لُوطٍ مِنْ قَرْيَاتِكُمْ إِنَّهُمْ أَنْاسٌ يَتَّهَرُّونَ(النمل/٥٦)

آنها پاسخی جز این نداشتند که (به یکدیگر) گفتند: «خاندان لوط را از شهر و دیار خود بیرون کنید، که اینها افرادی پاکدامن هستند!»
أَمَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ مَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُنْتِسُوا شَجَرَهَا إِلَّا مَعَ اللَّهِ بِلْ هُمْ قَوْمٌ يَعْدِلُونَ(النمل/٦٠)

(آیا بتھایی که معبد شما هستند بهترند) یا کسی که آسمانها و زمین را آفریده؟! و برای شما از آسمان، آبی فرستاد که با آن، باغهایی زیبا و سرورانگیز رویاندیم؛ شما هرگز قدرت نداشتید درختان آن را برویانید! آیا معبد دیگری با خداست؟! نه، بلکه

آنها گروهی هستند که (از روی نادانی، مخلوقات را) همطراز (پورددگارشان) قرار می‌دهند!

أَلَمْ يرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا اللَّيلَ لِيَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِراً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ(النمل/۸۶)

یا ندیدند که ما شب را برای آرامش آنها قرار دادیم و روز را روشنی بخش؟! در این امور نشانه‌های روشنی است برای کسانی که ایمان می‌آورند (و آماده قبول حقند).

نَتَلُو عَلَيْكَ مِنْ نَبِإِ مُوسَى وَفِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ(القصص/۳)

ما از داستان موسی و فرعون بحق بر تو می‌خوانیم، برای گروهی که (طالب حقند و ایمان می‌آورند!

فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبُّ نَجَنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ(القصص/۲۱)

موسی از شهر خارج شد در حالی که ترسان بود و هر لحظه در انتظار حادثه‌ای؛ عرض کرد: «پورددگار!! مرا از این قوم ظالم رهایی بخش!»

فَخَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَيْيَ يَدْعُوكَ لِيَحْزِيَكَ أُجْزَ مَا سَقَيْتَ لَنَا

فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْفَصَصَ قَالَ لَا تَحْفَنْ نَجْوَتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ(القصص/۲۵)

ناگهان یکی از آن دو (زن) به سراغ او آمد در حالی که با نهایت حیا گام برمنی داشت،

گفت: «پدرم از تو دعوت می‌کند تا مزد آب دادن (به گوسفندان) را که برای ما انجام

دادی به تو بپردازد.» هنگامی که موسی نزد او [= شعیب] آمد و سرگذشت خود را

شرح داد، گفت: «نترس، از قوم ظالم نجات یافتنی!»

اسْلَكْ يَدَكَ فِي جَبِيكَ تَخْرُجْ بِيَضَاءِ مِنْ عَيْرِ سُوءِ وَاضْمُمْ إِلَيْكَ جَنَاحَكَ مِنَ الرَّهْبِ

فَذَانِكَ بُرْهَانَنِ مِنْ رَبِّكَ إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ(القصص/۳۲)

دستت را در گریبان خود فروبر، هنگامی که خارج می‌شود سفید و درخشنده است

بدون عیب و نقص؛ و دستهای را بر سینه‌های بگذار، تا ترس و وحشت از تو دور شود!

این دو [= معجزه عصا و ید بیضا] برهان روشن از پروردگارت بسوی فرعون و اطرافیان اوست، که آنان قوم فاسقی هستند!»

وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الطُّورِ إِذْ نَادِيَنَا وَلَكِنْ رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَا أَتَاهُمْ مِنْ نَذِيرٍ
مِنْ قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ(القصص/۴۶)

تو در کنار طور نبودی زمانی که ما ندا دادیم؛ ولی این رحمتی از سوی پروردگارت بود (که این اخبار را در اختیار تو نهاد) تا بوسیله آن قومی را انذار کنی که پیش از تو هیچ انذار کننده‌ای برای آنان نیامده است؛ شاید متذکر شوند!

فَإِنْ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَأَعْلَمُ أَنَّمَا يَتَبَعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَمَنْ أَضَلُّ مِنْ مَنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ
هُدًى مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْفَوْقَمَ الظَّالِمِينَ(القصص/۵۰)

اگر این پیشنهاد تو را نپذیرند، بدآن که آنان تنها از هوشهای خود پیروی می‌کنند و آیا گمراهتر از آن کس که پیروی هوای نفس خویش کرده و هیچ هدایت الهی را نپذیرفت، کسی پیدا می‌شود؟! مسلمان خداوند قوم ستمگر را هدایت نمی‌کند!

إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنَ قَوْمٍ مُؤْسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَآتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنْتُوءُ
بِالْعَصْبَةِ أُولَى الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ(القصص/۷۶)

قارون از قوم موسی بود، اما بر آنان ستم کرد؛ ما آنقدر از گنجها به او داده بودیم که حمل کلیدهای آن برای یک گروه زورمند مشکل بودا! (به خاطر آورید) هنگامی را که قومش به او گفتند: «ای همه شادی مغوررانه مکن، که خداوند شادی‌کنندگان مغور را دوست نمی‌دارد!»

فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يَرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ
قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٌّ عَظِيمٌ(القصص/۷۹)

(روزی قارون) با تمام زینت خود در برابر قومش ظاهر شد، آنها که خواهان زندگی دنیا بودند گفتند: «ای کاش همانند آنچه به قارون داده شده است ما نیز داشتیم! به راستی که او بهره عظیمی دارد!»

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخْذَهُمُ الطُّوفَانُ
وَهُمْ ظَالِمُونَ(العنکبوت/۱۴)

و ما نوح را بسوی قومش فرستادیم؛ او را در میان آنان هزار سال مگر پنجاه سال، درنگ کرد؛ اما سرانجام طوفان و سیلاب آنان را فراگرفت در حالی که ظالم بودند.

وَإِبْرَاهِيمَ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ(العنکبوت/۱۶)

ما ابراهیم را (نیز) فرستادیم، هنگامی که به قومش گفت: «خدا را پرستش کنید و از (عذاب) او بپرهیزید که این برای شما بهتر است اگر بدانید!

فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا اقْتُلُوهُ أَوْ حَرْقُوهُ فَأَنْجَاهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَؤْمِنُونَ(العنکبوت/۲۴)

اما جواب قوم او [= ابراهیم] جز این نبود که گفتند: «او را بکشید یا بسوزانید!» ولی خداوند او را از آتش رهایی بخشید؛ در این ماجرا نشانه‌هایی است برای کسانی که ایمان می‌آورند.

وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَخْدِ مِنَ الْعَالَمِينَ(العنکبوت/۲۸)

و لوط را فرستادیم هنگامی که به قوم خود گفت: «شما عمل بسیار زشتی انجام می‌دهید که هیچ یک از مردم جهان پیش از شما آن را انجام نداده است! ائِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ وَتَقْطَعُونَ السَّبِيلَ وَتَأْتُونَ فِي نَادِيكُمُ الْمُنْكَرَ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَئِنَا بِعَذَابِ اللَّهِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ(العنکبوت/۲۹)

آیا شما به سراغ مردان می‌روید و راه (تداویم نسل انسان) را قطع می‌کنید و در مجلسستان اعمال ناپسند انجام می‌دهید؟! «اما پاسخ قومش جز این نبود که گفتند: اگر راست می‌گویی عذاب الهی را برای ما بباور!

قَالَ رَبُّ أَنْصَرْنِي عَلَى الْقَوْمِ الْمُفْسِدِينَ(العنکبوت/۳۰)

(لوط) عرض کرد: «پروردگار!! مرا در برابر این قوم تبهکار یاری فرمای!»

وَلَقَدْ تَرَكْنَا مِنْهَا آيَةً بَيْنَهَا لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (العنکبوت/۳۵)

و از این آبادی نشانه روشنی (و درس عبرتی) برای کسانی که می‌اندیشند باقی گذاریدم!

وَإِلَى مَدِينَ أَخَاهُمْ شَعِيبًا فَقَالَ يَا قَوْمٍ اعْبُدُوا اللَّهَ وَارْجُوا الْيَوْمَ الْآخِرَ وَلَا تَعْنُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (العنکبوت/۳۶)

و ما بسوی «مدنین»، برادرشان «شعیب» را فرستادیم؛ گفت: «ای قوم من! خدا را بپرستید، و به روز بازپسین امیدوار باشید، و در زمین فساد نکنید!»

أَوْلَمْ يَكْفِهِمْ أَنَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ يَتْلُى عَلَيْهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَرَحْمَةً وَذِكْرَنِي لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (العنکبوت/۵۱)

آیا برای آنان کافی نیست که این کتاب را بر تو نازل کردیم که پیوسته بر آنها تلاوت می‌شود؟! در این، رحمت و تذکری است برای کسانی که ایمان می‌آورند (و این معجزه بسیار واضحی است).

وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يَنْلِسُ الْمُجْرِمُونَ (الروم/۱۲)

آن روز که قیامت برپا می‌شود، مجرمان در نومیدی و غم و اندوه فرو می‌روند!

وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يَوْمَئِذٍ يَتَفَرَّقُونَ (الروم/۱۴)

آن روز که قیامت برپا می‌گردد، (مردم) از هم جدا می‌شوند؛ وَمِنْ آیاتِهِ أَنْ حَقَّ لَكُمْ مِنْ أَنفُسِكُمْ أَرْوَاحُكُمْ لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (الروم/۲۱)

و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میانتان مودت و رحمت قرار داد؛ در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند!

وَمِنْ آيَاتِهِ مَتَامِكُمْ بِاللَّيلِ وَالنَّهارِ وَابْتَغَاوُكُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ
يَسْمَعُونَ(الروم/۲۳)

و از نشانه‌های او خواب شما در شب و روز است و تلاش و کوشش‌ستان برای بهره‌گیری از فضل پروردگار (و تأمین معاش)؛ در این امور نشانه‌هایی است برای آنان که گوش شنو دارند!

وَمِنْ آيَاتِهِ يَرِيْكُمُ الْبَرْقَ حَوْفًا وَطَمْعًا وَيَنَزِّلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُحْسِي بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا
إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ(الروم/۲۴)

و از آیات او این است که برق و رعد را به شما نشان می‌دهد که هم مایه ترس و هم امید است (ترس از صاعقه، و امید به نزول باران)، و از آسمان آبی فرو می‌فرستد که زمین را بعد از مردنش بوسیله آن زنده می‌کند؛ در این نشانه‌هایی است برای جمعیتی که می‌اندیشنند!

ضَرَبَ لَكُمْ مَثَلًا مِنْ أَنفُسِكُمْ هَلْ لَكُمْ مِنْ مَا مَلَكْتُ أَيْمَانُكُمْ مِنْ شُرَكَاءَ فِي مَا رَزَقْنَاكُمْ
فَأَنْتُمْ فِيهِ سَوَاءٌ تَحَافُونَهُمْ كَخِيفَتِكُمْ أَنفُسُكُمْ كَذِلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ
يَعْقِلُونَ(الروم/۲۸)

خداؤند مثالی از خودتان، برای شما زده است: آیا (اگر مملوک و برده‌ای داشته باشید)، این برده‌های شما هرگز در روزی‌هایی که به شما داده‌ایم شریک شما می‌باشند؛ آنچنان که هر دو مساوی بوده و از تصرف مستقل و بدون اجازه آنان بیم داشته باشید، آن گونه که در مورد شرکای آزاد خود بیم دارید؟! اینچنین آیات خود را برای کسانی که تعقل می‌کنند شرح می‌دهیم.

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ
يَؤْمِنُونَ(الروم/۳۷)

آیا ندیدند که خداوند روزی را برای هر کس بخواهد گستردۀ یا تنگ می‌سازد؟! در این نشانه‌هایی است برای گروهی که ایمان می‌آورند.

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَيْ قَوْمِهِمْ فَجَاءُوهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَانْتَقَمْنَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرَمُوا
وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ (الروم/٤٧)

و پیش از تو پیامبرانی را بسوی قومشان فرستادیم؛ آنها با دلایل روشن به سراغ قوم خود رفتند، ولی (هنگامی که اندرزها سودی نداد) از مجرمان انتقام گرفتیم (و مؤمنان را یاری کردیم)؛ و یاری مؤمنان، همواره حقی است بر عهده ما!

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَا أَنَاهُمْ مِنْ نَذِيرٍ مِنْ قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ
يَهْتَدُونَ (السجده/٣)

ولی آنان می‌گویند: «(محمد) آن را بدروغ به خدا بسته است»، اما این سخن حقی است از سوی پروردگارت تا گروهی را انذار کنی که پیش از تو هیچ انذار‌کننده‌ای برای آنان نیامده است، شاید (پند گیرند و) هدایت شوند!

لِتُنذِرَ قَوْمًا مَا أَنذَرَ آبَاؤهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ (یس/٦)

تا قومی را بیم دهی که پدرانشان انذار نشدن، از این رو آنان غافلند!

فَأَلْوَا طَيْرُكُمْ مَعَكُمْ أُئِنْ دُكْرُتُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُسْرِفُونَ (یس/١٩)

(رسولان) گفتند: «شومی شما از خودتان است اگر درست بیندیشید، بلکه شما گروهی اسراف‌کارید!»

وَجَاءَ مِنْ أَفْصَى الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا قَوْمٍ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ (یس/٢٠)

و مردی (با ایمان) از دورترین نقطه شهر با شتاب فرا رسید، گفت: «ای قوم من! از فرستادگان (خدا) پیروی کنید!

قِيلَ اذْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ (یس/٢٦)

(سرانجام او را شهید کردند و) به او گفته شد: «وارد بهشت شو!» گفت: «ای کاش قوم من می‌دانستند...

وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى قَوْمِهِ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ جُنْدٍ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا كُنَّا مُنْزِلِينَ (یس/٢٨)

و ما بعد از او بر قومش هیچ لشکری از آسمان نفرستادیم، و هرگز سنت ما بر این نبود؛

وَمَا كَانَ لَنَا عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ بَلْ كُنْتُمْ قَوْمًا طَاغِيْنَ (الصفات/ ۳۰)

ما هیچ گونه سلطه‌ای بر شما نداشتیم، بلکه شما خود قومی طغیانگر بودید!

إِذْ قَالَ لِأَيْبِهِ وَقَوْمِهِ مَاذَا تَعْبُدُونَ (الصفات/ ۸۵)

هنگامی که به پدر و قومش گفت: «اینها چیست که می‌پرستید؟!»

وَتَحْيَيْنَاهُمَا وَقَوْمَهُمَا مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ (الصفات/ ۱۱۵)

و آن دو و قومشان را از اندوه بزرگ نجات دادیم!

إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَلَا تَتَّقُونَ (الصفات/ ۱۲۴)

به خاطر بیاور هنگامی را که به قومش گفت: «آیا تقوا پیشه نمی‌کنید؟!

كَذَّبُتْ قَبْلَهُمْ قَوْمٌ نُوحٌ وَعَادٌ وَفِرْغُونُ ذُو الْأُوتَادِ (ص/ ۱۲)

پیش از آنان قوم نوح و عاد و فرعون صاحب قدرت (پیامبران ما را) تکذیب کردند!

وَثَمُودٌ وَقَوْمٌ لُوطٌ وَأَصْحَابُ الْأَيْكَةِ أُولَئِكَ الْأَخْرَابُ (ص/ ۱۳)

و (نیز) قوم ثمود و لوط و اصحاب الأیکه [= قوم شعیب]، اینها احزابی بودند (که به تکذیب پیامبران برخاستند)!

فُلْ يَا قَوْمٌ اعْمَلُوا عَلَى مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ (الزمر/ ۳۹)

بگو: «ای قوم من! شما هر چه در توان دارید انجام دهید، من نیز به وظیفه خود عمل می‌کنم؛ اما بزودی خواهید دانست...

الَّهُ يَتَوَقَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَى عَلَيْهَا

الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَى إِلَى أَجْلٍ مُسَمًّى إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (الزمر/ ۴۲)

خداؤند ارواح را به هنگام مرگ قبض می‌کند، و ارواحی را که نمرده‌اند نیز به هنگام خواب می‌گیرد؛ سپس ارواح کسانی که فرمان مرگشان را صادر کرده نگه می‌دارد و

ارواح دیگری را (که باید زنده بمانند) بازمی‌گرداند تا سرآمدی معین؛ در این امر نشانه‌های روشنی است برای کسانی که اندیشه می‌کنند!

أَوْلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ(الزمر/۵۲)

آیا آنها ندانستند که خداوند روزی را برای هر کس بخواهد گسترده یا تنگ می‌سازد؟! در این، آیات و نشانه‌هایی است برای گروهی که ایمان می‌آورند.

كَذَّبُتْ قَبْلَهُمْ قَوْمٌ نُوحٌ وَالْأَحْرَابُ مِنْ بَعْدِهِمْ وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ وَجَادُوا بِالْبَاطِلِ لِيَدْحِضُوا بِالْحَقَّ فَأَخَذُوهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابٌ(غافر/۵)

پیش از آنها قوم نوح و اقوامی که بعد از ایشان بودند (پیامبرانشان را) تکذیب کردند؛ و هر امتی در پی آن بود که توطئه کند و پیامبرش را بگیرد (و آزار دهد)، و برای محو حق به مجادله باطل دست زدند؛ اما من آنها را گرفتم (و سخت مجازات کردم)؛ بین که مجازات من چگونه بودا!

يَا قَوْمٍ لَكُمُ الْمُلْكُ الْيَوْمَ ظَاهِرِينَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ يُنْصَرِنَا مِنْ بَأْسِ اللَّهِ إِنْ جَاءَنَا قَالَ فِرْعَوْنُ مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا أُرَى وَمَا أَهْدِيْكُمْ إِلَّا سَبِيلَ الرَّشَادِ(غافر/۲۹)

ای قوم من! امروز حکومت از آن شماست و در این سرزمین پیروزی‌ید؛ اگر عذاب خدا به سراغ ما آید، چه کسی ما را یاری خواهد کرد؟!» فرعون گفت: «من جز آنچه را معتقدم به شما ارائه نمی‌دهم، و شما را جز به راه صحیح راهنمایی نمی‌کنم! (دستور، همان قتل موسی است!)»

وَقَالَ الَّذِي آمَنَ يَا قَوْمٍ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ مِثْلَ يَوْمِ الْأَحْرَابِ(غافر/۳۰)

آن مرد با ایمان گفت: «ای قوم من! من بر شما از روزی همانند روز (عذاب) اقوام پیشین بیمناکم!

مِثْلَ دَأْبِ قَوْمٍ نُوحٌ وَغَادِ وَمُمُودٌ وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِلْعِبَادِ(غافر/۳۱)

۸۹ قوم (علوم اجتماعی) در کلام الله

و از عادتی همچون عادت قوم نوح و عاد و ثمود و کسانی که بعد از آنان بودند (از شرک و کفر و طغیان) می‌ترسم؛ و خداوند ظلم و ستمی بر بندگانش نمی‌خواهد.

وَيَا قَوْمٍ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ يَوْمَ التَّنَادِ(غافر/۳۲)

ای قوم من! من بر شما از روزی که مردم یکدیگر را صدا می‌زنند (و از هم یاری می‌طلبند و صدایشان به جایی نمی‌رسد) بیمناکم!

وَقَالَ الَّذِي آمَنَ يَا قَوْمٍ أَتَيْعُونَ أَهْدِكُمْ سَبِيلَ الرَّشادِ(غافر/۳۸)

کسی که (از قوم فرعون) ایمان آورده بود گفت: «ای قوم من! از من پیروی کنید تا شما را به راه درست هدایت کنم.

يَا قَوْمٍ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ ذَارُ الْقُرْبَارِ(غافر/۳۹)

ای قوم من! این زندگی دنیا، تنها متع زودگذری است؛ و آخرت سرای همیشگی است!

وَيَا قَوْمٍ مَا لِي أَدْغُوكُمْ إِلَى النَّجَاءِ وَتَدْعُونَنِي إِلَى النَّارِ(غافر/۴۱)

ای قوم من! چرا من شما را به سوی نجات دعوت می‌کنم، اما شما مرا بسوی آتش فرامی خوانید؟!

كِتَابٌ فُصِّلَتْ: آيَاتُهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِقَوْمٍ يَغْلَمُونَ(فصلت/۳)

كتابی که آیاتش هر مطلبی را در جای خود بازگو کرده، در حالی که فصیح و گویاست برای جمعیتی که آگاهند!

أَفَنَضَرِبُ عَنْتُمُ الذِّكْرَ صَفْحًا أَنْ كُنْتُمْ قَوْمًا مُسْرِفِينَ(الزخرف/۵)

ایا این ذکر [= قرآن] را از شما بازگیریم بخاطر اینکه قومی اسرافکارید؟!

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأُلِيِّيهِ وَقَوْمِهِ إِنِّي بَرَأَ مِمَّا تَعْبُدُونَ(الزخرف/۲۶)

و به خاطر بیاور هنگامی را که ابراهیم به پدرش [= عمویش آزر] و قومش گفت: «من از آنچه شما می‌پرستید بیزارم.

وَإِنَّهُ لَذُكْرٌ لَكَ وَلِقَوْمِكَ وَسَوْفَ تُسْأَلُونَ(الزخرف/۴۴)

و این مایه یادآوری (و عظمت) تو و قوم تو است و بزودی سؤال خواهد شد.

وَنَادَىٰ فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ الَّيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِنْ
تَحْتِي أَفْلَأَ تُبَصِّرُونَ(الزخرف/۵۱)

فرعون در میان قوم خود ندا داد و گفت: «ای قوم من! آیا حکومت مصر از آن من نیست، و این نهرها تحت فرمان من جریان ندارد؟ آیا نمی بینید؟

فَاسْتَخَفَ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ(الزخرف/۵۴)

(فرعون) قوم خود را سبک شمرد، در نتیجه از او اطاعت کردند؛ آنان قومی فاسق بودند!

وَلَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّونَ(الزخرف/۵۷)

و هنگامی که درباره فرزند مریم مثلی زده شد، ناگهان قوم تو بخاطر آن داد و فریاد راه انداختند.

وَقَالُوا أَلَّا هَيْتُنَا خَيْرٌ أُمٌّ هُوَ مَا ضَرَبَوْهُ لَكَ إِلَّا جَدَلًا بَلْ هُمْ قَوْمٌ حَصِيمُونَ(الزخرف/۵۸)

و گفتند: «آیا خدایان ما بهترند یا او [= مسیح آ!]؟ (اگر معبدان ما در دورخند، مسیح نیز در دوزخ است، چرا که معیوب واقع شده)!» ولی آنها این مثل را جز از طریق جدال (ولجاج) برای تو نزدند؛ آنان گروهی کینه تو ز و پرخاشگرند!

وَقَيْلِهِ يَا رَبِّ إِنَّ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ لَا يُؤْمِنُونَ(الزخرف/۸۸)

آنها چگونه از شکایت پیامبر که می گوید: «پروردگار! اینها قومی هستند که ایمان نمی آورند» (غافل می شوند!؟)

وَلَقَدْ فَتَّا قَبْلَهُمْ قَوْمٌ فِرْعَوْنَ وَحَاجَهُمْ رَسُولٌ كَرِيمٌ(الدخان/۱۷)

ما پیش از اینها قوم فرعون را آزمودیم و رسول بزرگواری به سراغشان آمد،

فَدَعَا رَبَّهُ أَنَّ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ مُجْرِمُونَ(الدخان/۲۲)

(آنها هیچ یک از این پندها را نپذیرفتند، و موسی) به پیشگاه پروردگارش عرضه

داشت: اینها قومی مجرمند!

كَذِلِكَ وَأُولَئِنَّا هَا قَوْمًا آخَرِينَ (الدخان/۲۸)

اینچنین بود ماجرا آنان! و ما (اموال و حکومت) اینها را میراث برای اقوام دیگری
قرار دادیم!

أَهُمْ خَيْرٌ أُمْ قَوْمٌ تَبْعِي وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ أَهْلَكَنَاهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ (الدخان/۳۷)

آیا آنان بهترند یا قوم «تبع» و کسانی که پیش از آنها بودند؟! ما آنان را هلاک کردیم،
چرا که مجرم بودند!

وَفِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبْثُثُ مِنْ ذَائِبٍ آیاتٍ لِّقَوْمٍ يَوْقِنُونَ (الجاثیة/۴)

و نیز در آفرینش شما و جنبندگانی که (در سراسر زمین) پراکنده ساخته، نشانه‌هایی
است برای جمعیتی که اهل یقینند.

وَأَخْتِلَافِ اللَّيلِ وَالنَّهَارِ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ رِزْقٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا
وَتَصْرِيفِ الرِّياحِ آیاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (الجاثیة/۵)

و نیز در آمد و شد شب و روز، و رزق (و بارانی) که خداوند از آسمان نازل کرده و
بوسیله آن زمین را بعد از مردنش حیات بخشیده و همچنین در وزش بادها، نشانه‌های
روشنی است برای گروهی که اهل تفکرند!

وَسَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ إِنَّ فِي ذِلِكَ لَآیاتٍ لِّقَوْمٍ
يَتَفَكَّرُونَ (الجاثیة/۱۳)

او آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است همه را از سوی خودش مسخر شما ساخته؛
در این نشانه‌های (مهمی) است برای کسانی که اندیشه می‌کنند!

فُلُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يُرْجُونَ أَيَامَ اللَّهِ لِيَجِزِي قَوْمًا بِمَا كَانُوا
يَكْسِبُونَ (الجاثیة/۱۴)

به مؤمنان بگو: «کسانی را که امید به ایام الله [= روز رستاخیز] ندارند مورد عفو قرار دهنده تا خداوند هر قومی را به اعمالی که انجام می‌دادند جزا دهد!»

هذا بصائر للناس وهمة لِقَوْمٍ يوقنون (الجاثية/ ۲۰)

این (قرآن و شریعت آسمانی) وسایل بینایی و مایه هدایت و رحمت است برای مردمی که (به آن) یقین دارند!

وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا أَفَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي شُتَّلَى عَلَيْكُمْ فَاسْتَكْبِرُتُمْ وَكُنْتُمْ قَوْمًا مُجْرِمِينَ (الجاثية/ ۳۱)

اما کسانی که کافر شدند (به آنها گفته می‌شود): مگر آیات من بر شما خوانده نمی‌شد و شما استکبار کردید و قوم مجرمی بودید؟!

فَلْ أَرَأَيْتُمْ إِنَّ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَكَفَرْتُمْ بِهِ وَتَشَهَّدَ شَاهِدٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى مِثْلِهِ فَآمَنَ وَاسْتَكْبَرُتُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَبْدِي الْفَوْمَ الظَّالِمِينَ (الأحقاف/ ۱۰)

بگو: «به من خبر دهید اگر این قرآن از سوی خدا باشد و شما به آن کافر شوید، در حالی که شاهدی از بنی اسرائیل بر آن شهادت دهد، و او ایمان آورد و شما استکبار کنید (چه کسی گمراهتر از شما خواهد بود؟)! خداوند گروه ستمگر را هدایت نمی‌کند!»

وَإِذْكُرْ أَخَا عَادٍ إِذْ أَنْذَرَ قَوْمَهُ بِالْحَقَافِ وَقَدْ خَلَتِ النُّدُرُ مِنْ بَيْنِ يَدِيهِ وَمِنْ خَلْفِهِ أَلَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهُ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمِ عَظِيمٍ (الأحقاف/ ۲۱)

(سرگذشت هود) برادر قوم عاد را یاد کن، آن زمان که قومش را در سرزمین «احقاف» بیم داد در حالی که پیامبران زیادی قبل از او در گذشته‌های دور و نزدیک آمده بودند که: جز خدای یگانه را نپرستید! (و گفت): من بر شما از عذاب روزی بزرگ می‌ترسم! قالَ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَأَبْلَغُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ وَلَكِنِّي أَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ (الأحقاف/ ۲۳)

گفت: «علم (آن) تنها نزد خداست (و او می‌داند چه زمانی شما را مجازات کند); من آنچه را به آن فرستاده شده‌ام به شما می‌رسانم، (وظیفه من همین است!) ولی شما را قومی می‌بینیم که پیوسته در نادانی هستید!»

تُدْمِرُ كُلَّ شَيْءٍ بِأَمْرِ رَبِّهَا فَأَصْبَحُوا لَا يَرَى إِلَّا مَسَاكِنُهُمْ كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ(الأحقاف/٢٥)

همه چیز را بفرمان پروردگارش در هم میکوبد و نایبود میکند (آری) آنها صحیح کردند در حالی که چیزی جز خانه‌هایشان به چشم نمی‌خورد؛ ما این‌گونه گروه مجرمان را کیفر می‌دهیم!

وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنْصِتُوا فَلَمَّا فُضِّلَ وَلَوْا إِلَى قَوْمِهِمْ مُنْذَرِينَ(الأحقاف/٢٩)

(به یاد آور) هنگامی که گروهی از جن را به سوی تو متوجه ساختیم که قرآن را بشنوند؛ وقتی حضور یافتند به یکدیگر گفتند: «خاموش باشید و بشنوید!» و هنگامی که پایان گرفت، به سوی قوم خود بازگشتند و آنها را بیم دادند!

فَأَلَوْا يَا قَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أَنْزَلْنَا مِنْ بَعْدِ مُوسَى مُصَدَّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَى طَرِيقٍ مُسْتَقِيمٍ(الأحقاف/٣٠)

گفتند: «ای قوم ما! ما کتابی را شنیدیم که بعد از موسی نازل شده، هماهنگ با نشانه‌های کتابهای پیش از آن، که به سوی حق و راه راست هدایت می‌کند.

يَا قَوْمَنَا أَجِيبُوا داعِيَ اللَّهِ وَآمِنُوا بِهِ يَغْفِرُ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيَحِرِّكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ(الأحقاف/٣١)

ای قوم ما! دعوت کننده الهی را اجابت کنید و به او ایمان آورید تا گناهانتان را ببخشد و شما را از عذابی در دناک پناه دهد!

فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ كَانُهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يُلْبِثُو إِلَّا سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ بَلَاغٌ فَهَلْ يَهْلَكُ إِلَى الْفَوْمُ الْفَاسِقُونَ(الأحقاف/٣٥)

پس صبر کن آن گونه که پیامبران «اولو العزم» صبر کردند، و برای (عذاب) آنان شتاب مکن! هنگامی که وعده‌هایی را که به آنها داده می‌شود ببینند، احساس می‌کنند که گویی فقط ساعتی از یک روز (در دنیا) توقف داشتند؛ این ابلاغی است برای همگان؛ آیا جز قوم فاسق هلاک می‌شوند؟!

هَا أَنْتُمْ هُؤلَاءِ تُدْعَوْنَ لِتُنْتَفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخَلُ وَمَنْ يَبْخَلْ فَإِنَّمَا يَبْخَلُ عَنْ نَفْسِهِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ وَأَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ وَإِنْ تَنْتَوْلُوا يَسْتَبْدِلُ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ(محمد/۳۸)

آری، شما همان گروهی هستید که برای اتفاق در راه خدا دعوت می‌شوید، بعضی از شما بخل می‌ورزند؛ و هر کس بخل ورزد، نسبت به خود بخل کرده است؛ و خداوند بی‌نیاز است و شما همه نیازمندید؛ و هرگاه سرپیچی کنید، خداوند گروه دیگری را جای شما می‌آورد پس آنها مانند شما نخواهند بود (و سخاوتمندانه در راه خدا اتفاق می‌کنند).

بَلْ ظَنَنتُمْ أَنْ لَنْ يُنْقَلِبَ الرَّسُولُ وَالْمُؤْمِنُونَ إِلَى أَهْلِيهِمْ أَبْدًا وَرَبِّنَ ذَلِكَ فِي قَلْوبِكُمْ
وَظَنَنتُمْ طَنَنَ السَّوْءِ وَكُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا(الفتح/۱۲)

ولی شما گمان کردید پیامبر و مؤمنان هرگز به خانواده‌های خود بازخواهند گشت؛ و این (پندار غلط) در دلهای شما زینت یافته بود و گمان بد کردید؛ و سرانجام (در دام شیطان افتادید) و هلاک شدید!

فَلِلْمُحَاجَفِينَ مِنَ الْأَعْرَابِ سَتَدْعَوْنَ إِلَى قَوْمٍ أُولَى بِأَنَّهُمْ شَدِيدٌ تُقَاتِلُوهُمْ أَوْ يَسْلِمُونَ
فَإِنْ تُطِيعُوْنَ يُؤْتُكُمُ اللَّهُ أَجْرًا حَسَنًا وَإِنْ تَنْتَوْلُوا كَمَا تَوَلَّتُمْ مِنْ قَبْلٍ يَعْذِبُكُمْ عَذَابًا
أَلِيمًا(الفتح/۱۶)

به متخلفان از اعراب بگو: «بزودی از شما دعوت می‌شود که بسوی قومی نیرومند و جنگجو بروید و با آنها پیکار کنید تا اسلام بیاورند؛ اگر اطاعت کنید، خداوند پاداش

نیکی به شما می‌دهد؛ و اگر سرپیچی نمایید - همان گونه که در گذشته نیز سرپیچی کردید- شما را با عذاب در دنکی کیفر می‌دهد!»

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَيْأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ(الحجرات/۶)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر شخص فاسقی خبری برای شما بیاورد، درباره آن تحقیق کنید، مبادا به گروهی از روی نادانی آسیب برسانید و از کرده خود پشیمان شوید!

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخِرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابِرُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الِاسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ(الحجرات/۱۱)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نباید گروهی از مردان شما گروه دیگر را مسخره کنند، شاید آنها از اینها بهتر باشند؛ و نه زنانی زنان دیگر را، شاید آنان بهتر از اینان باشند؛ و یکدیگر را مورد طعن و عیبجویی قرار ندهید و با القاب زشت و ناپسند یکدیگر را یاد نکنید، بسیار بد است که بر کسی پس از ایمان نام کفرآمیز بگذارد؛ و آنها که توبه نکنند، ظالم و ستمگرند!

كَذَّبُتْ قَبْلَهُمْ قَوْمٌ نُوحٌ وَاصْحَابُ الرَّسُولِ وَنَمُوذُ(ق/۱۲)

پیش از آنان قوم نوح و «اصحاب الرس» [= قومی که در یمامه زندگی می‌کردند و پیامبری به نام حنظلله داشتند] و قوم ثمود (پیامبرانشان را) تکذیب کردند،

وَاصْحَابُ الْأَيْكَهِ وَقَوْمٌ تَبَيَّعَ كُلُّ كَذَّبَ الرَّسُولَ فَحَقٌّ وَعِيدٌ(ق/۱۴)

و «اصحاب الایکه» [= قوم شعیب] و قوم تبع (که در سرزمین یمن زندگی می‌کردند)، هر یک از آنها فرستادگان الهی را تکذیب کردند و وعده عذاب درباره آنان تحقق یافت!

إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ(الذاريات/۲۵)

در آن زمان که بر او وارد شدند و گفتند: «سلام بر تو!» او گفت: «سلام بر شما که جمعیتی ناشناخته‌اید!»

فَأَلْوَا إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْ قَوْمٍ مُجْرِمِينَ(الذاريات/٣٢)

گفتند: «ما به سوی قوم مجرمی فرستاده شده‌ایم...»

وَقَوْمٌ نُوحٌ مِنْ قَبْلٍ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ(الذاريات/٤٦)

همچنین قوم نوح را پیش از آنها هلاک کردیم، چرا که قوم فاسقی بودند!

أَتَوَاصَوْ بِهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ(الذاريات/٥٣)

آیا یکدیگر را به آن سفارش می‌کردند (که همه چنین تهمتی بزنند)! نه، بلکه آنها قومی طغیانگرند.

أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَحْلَامُهُمْ بِهَذَا أَمْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ(الطور/٣٢)

آیا عقلهایشان آنها را به این اعمال دستور می‌دهد، یا قومی طغیانگرند؟

وَقَوْمٌ نُوحٌ مِنْ قَبْلٍ إِنَّهُمْ كَانُوا هُمْ أَظْلَمٌ وَأَطْغَى(النجم/٥٢)

و نیز قوم نوح را پیش از آنها، چرا که آنان از همه ظالمتر و طغیانگرتر بودند!

كَذَّبُتْ قَبْلَهُمْ قَوْمٌ نُوحٌ فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا وَقَالُوا مَجْنُونٌ وَازْدُجَرٌ(القمر/٩)

پیش از آنها قوم نوح تکذیب کردند، (آری) بنده ما (نوح) را تکذیب کرده و گفتند: «او دیوانه است!» و (با انواع آزارها از ادامه رسالتش) بازداشته شد.

كَذَّبَتْ قَوْمٌ لُوطٌ بِالنَّدْرِ(القمر/٣٣)

قوم لوط اندارها (ی در پیامبرشان) را تکذیب کردند،

أَلَمْ تَرِ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْ قَوْمًا عَصِّبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَا هُمْ مِنْكُمْ وَلَا مِنْهُمْ وَيَخْلِفُونَ عَلَى

الْكَذِبِ وَهُمْ يَعْلَمُونَ(المجادلة/١٤)

آیا ندیدی کسانی را که طرح دوستی با گروهی که مورد غضب خدا بودند ریختند؟ آنها نه از شما هستند و نه از آنان! سوگند دروغ یاد می‌کنند (که از شما هستند) در حالی که خودشان می‌دانند (دروغ نمی‌گویند)!

لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يَوَادُونَ مَنْ حَادَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ وَيَدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ حَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أُلَّا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (المجادلة/٢٢)

هیچ قومی را که ایمان به خدا و روز رستاخیز دارند نمی‌یابی که با دشمنان خدا و رسولش دوستی کنند، هر چند پدران یا فرزندان یا برادران یا خویشاوندانشان باشند؛ آنان کسانی هستند که خدا ایمان را بر صفحه دلهایشان نوشته و با روحی از ناحیه خودش آنها را تقویت فرموده، و آنها را در باغهایی از بهشت وارد می‌کند که نهرها از زیر (درختانش) جاری است، جاودانه در آن می‌مانند؛ خدا از آنها خشنود است، و آنان نیز از خدا خشنودند؛ آنها «حزب الله»‌اند؛ بداینید «حزب الله» پیروزان و رستگارانند.

لَأَنَّمُ أَشَدُ رَهْبَةً فِي صُدُورِهِمْ مِنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَقْهَرُونَ (الحشر/١٣)

وحشت از شما در دلهای آنها بیش از ترس از خداست؛ این به خاطر آن است که آنها گروهی نادانند!

لَا يَقَاتُلُنَّكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي قُرْيٍ مُحَصَّنَةٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ جُدُرٍ بِأَسْهُمْ بَيْنَهُمْ شَدِيدٌ تَحْسِبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يُعْقِلُونَ (الحشر/١٤)

آنها هرگز با شما بصورت گروهی نمی‌جنگند جز در دژهای محکم یا از پشت دیوارها! پیکارشان در میان خودشان شدید است، (اما در برابر شما ضعیف!) آنها را متحد می‌پنداشی، در حالی که دلهایشان پراکنده است؛ این به خاطر آن است که آنها قومی هستند که تعقل نمی‌کنند!

فَدَّ كَانَتْ لَكُمْ أَسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَا بُرَاءٌ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبْدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحْدَهُ إِلَّا قَوْلُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَا أُمْلِكُ لَكَ مِنْ شَيْءٍ رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَتَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ(المتحنة/٤)

برای شما سرمشق خوبی در زندگی ابراهیم و کسانی که با او بودند وجود داشت، در آن هنگامی که به قوم (مشرک) خود گفتند: «ما از شما و آنچه غیر از خدا می‌پرسیدیم بیزاریم؛ ما نسبت به شما کافریم؛ و میان ما و شما عداوت و دشمنی همیشگی آشکار شده است؛ تا آن زمان که به خدای یگانه ایمان بیاورید! -جز آن سخن ابراهیم که به پدرش [= عمویش آزر] گفت (و وعده داد) که برای تو آمرزش طلب می‌کنم، و در عین حال در برابر خداوند برای تو مالک چیزی نیستم (و اختیاری ندارم)! -پروردگار!! ما بر تو توکل کردیم و به سوی تو بازگشتم، و همه فراموشها بسوی تو است!

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا عَصِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ فَدَيَسُوْا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَهِسَّ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ(المتحنة/١٣)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! با قومی که خداوند آنان را مورد غضب قرار داده دوستی نکنید؛ آنان از آخرت مأیوسند همان‌گونه که کفار مدفون در قبرها مأیوس می‌باشند! وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ لِمَ تُؤْدُونَنِي وَقَدْ تَعْلَمُونَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ فَلَمَّا رَأَعُوا أَزَاعَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ(الصف/٥)

(به یاد آورید) هنگامی را که موسی به قومش گفت: «ای قوم من! چرا مرا آزار می‌دهید با اینکه می‌دانید من فرستاده خدا به سوی شما هستم؟» هنگامی که آنها از حق منحرف شدند، خداوند قلوبشان را منحرف ساخت؛ و خدا فاسقان را هدایت نمی‌کند!

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُوَ يَدْعُу إِلَى الإِسْلَامِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ(الصف/٧)

چه کسی ظالمتر است از آن کس که بر خدا دروغ بسته در حالی که دعوت به اسلام می‌شود؟! خداوند گروه ستمکاران را هدایت نمی‌کند!

مَثَلُ الَّذِينَ حَمَلُوا الشَّوَاهِ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَدَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ(الجمعة/۵)

کسانی که مکلف به تورات شدند ولی حق آن را ادا نکردند، مانند درازگوشی هستند که کتابهایی حمل می‌کند، (آن را بر دوش می‌کشد اما چیزی از آن نمی‌فهمد)! گروهی که آیات خدا را انکار کردند مثال بدی دارند، و خداوند قوم ستمگر را هدایت نمی‌کند!

سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفِرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ(المنافقون/۶)

برای آنها تفاوت نمی‌کند، خواه استغفار برایشان کنی یا نکنی، هرگز خداوند آنان را نمی‌بخشد؛ زیرا خداوند قوم فاسق را هدایت نمی‌کند!

وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لَيْ إِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَتَجَنَّبَتِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلَهِ وَتَجَنَّبَتِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ(التحريم/۱۱)

و خداوند برای مؤمنان، به همسر فرعون مثل زده است، در آن هنگام که گفت: «پروردگارا! خانه‌ای برای من نزد خودت در بهشت بساز، و مرا از فرعون و کار او نجات ده و مرا از گروه ستمگران رهایی بخش!»

سَخَرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَتَمَانِيَهُ أَيَامٍ حُسُومًا فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَى كَانُهُمْ أَعْجَازٌ نَخْلٌ خَاوِيَةٌ(الحاقة/۷)

(خداوند) این تندباد بنیان کن را هفت شب و هشت روز پی در پی بر آنها مسلط ساخت، (و اگر آنجا بودی) می‌دیدی که آن قوم همچون تننه‌های پوسیده و تو خالی درختان نخل در میان این تند باد روی زمین افتاده و هلاک شده‌اند!

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ أَنْ أَنذِرْ قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيهِمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ(نوح/۱)

ما نوح را به سوی قومش فرستادیم و گفتیم: «قوم خود را انذار کن پیش از آنکه عذاب دردنایک به سراغشان آید!»

فَالَّتِي قَوْمٍ إِنَّى لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ(نوح/۲)

گفت: «ای قوم! من برای شما بیمدهنده آشکاری هستم،

فَالَّرَّبُّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمَيِ لَيْلًا وَتَهَارًا(نوح/۵)

(نوح) گفت: «پروردگارا! من قوم خود را شب و روز (بسوی تو) دعوت کردم،
إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقْوُمُ أَذَى مِنْ ثُلُثَيَ الْلَّيلِ وَبِصَفَةٍ وَثُلُثَةَ وَطَائِفَةٍ مِنَ الَّذِينَ مَغَكَّبُوا إِلَيْهِ الْلَّيلُ وَالنَّهَارُ غَلِيمٌ أَنْ لَنْ تُخْصُوهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ فَاقْرَءُوهُ مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ غَلِيمٌ وَاللَّهُ يَقْدِرُ الْلَّيلَ وَالنَّهَارَ غَلِيمٌ أَنْ لَنْ تُخْصُوهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ فَاقْرَءُوهُ مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ غَلِيمٌ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضٌ وَآخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَآخَرُونَ يَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَءُوهُ مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَاتُّوا الزَّكَاةَ وَأَفْرِضُوا اللَّهَ قَرْضاً حَسَنَاً وَمَا تُقْدِمُوا إِلَّا نَفْسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجْدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ وَأَعْظَمُ أَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ(المزمول/۲۰)

پروردگارت می داند که تو و گروهی از آنها که با تو هستند نزدیک دو سوم از شب یا نصف یا ثلث آن را به پا می خیزند؛ خداوند شب و روز را اندازه گیری می کند؛ او می داند که شما نمی توانید مقدار آن را (به دقت) اندازه گیری کنید (برای عبادت کردن)، پس شما را بخشید؛ اکنون آنچه برای شما میسر است قرآن بخوانید او می داند بزویدی گروهی از شما بیمار می شوند، و گروهی دیگر برای به دست آوردن فضل الهی (و کسب روزی) به سفر می روند، و گروهی دیگر در راه خدا جهاد می کنند (و از تلاوت قرآن بازمی مانند)، پس به اندازه ای که برای شما ممکن است از آن تلاوت کنید و نماز را بر پا دارید و زکات بپردازید و به خدا «قرض الحسنة» دهید [= در راه او انفاق نمایید] و (بدانید) آنچه را از کارهای نیک برای خود از پیش می فرستید نزد خدا به

۱۰۱ قوم (علوم اجتماعی) در کلام الله

بهترین وجه و بزرگترین پاداش خواهید یافت؛ و از خدا آمرزش بطلبید که خداوند آمرزند و مهربان است!

فوج در کلام الله

هذا فَوْجٌ مُّقْتَحِمٌ مَعَكُمْ لَا مَرْحَبًا بِهِمْ إِنَّهُمْ صَالُو النَّارِ(ص/۵۹)

(به آنان گفته می شود): این گروهی است که همراه شما وارد دوزخ می شوند (اینها همان سران گمراهیند)، خوشامد بر آنها مباد، همگی در آتش خواهند سوخت!

تَكَادُ تَمَيِّزُ مِنَ الْغَيْظِ كُلَّمَا أُلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلُهُمْ خَرَزَتْهَا أَلْمٌ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ(الملک/۸)

نزدیک است (دوزخ) از شدت غضب پاره پاره شود، هر زمان که گروهی در آن افکنده می شوند، نگهبانان دوزخ از آنها می پرسند: «مگر بیم دهنده الهی به سراغ شما نیامد؟!»

افواج در کلام الله

يُوْمَ يَنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا(النَّبَأ/۱۸)

روزی که در «صور» دمیده می شود و شما فوج فوج (به محشر) می آید!

وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا(النصر/۲)

و ببینی مردم گروه گروه وارد دین خدا می شوند،

فریق در کلام الله

أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يَحْرُفُونَهُ مِنْ بَعْدِ

مَا عَقْلُهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ(البقرة/۷۵)

آیا انتظار دارید به (آئین) شما ایمان بیاورند، با اینکه عده‌ای از آنان، سخنان خدا را می‌شنیدند و پس از فهمیدن، آن را تحریف می‌کردند، در حالی که علم و اطلاع داشتند؟!

ثُمَّ أَنْتُمْ هُوَلَاءِ تَقْتَلُونَ أَنفُسَكُمْ وَتُتْحَرِّجُونَ فَرِيقًا مِنْكُمْ مِنْ دِيَارِهِمْ تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِمْ بِالْإِثْمِ وَالْعَدْوَانِ وَإِنْ يَأْتُوكُمْ أُسَارَى تُفَادُوهُمْ وَهُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجُهُمْ أَفْتَؤُمْنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا حُزْنٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَرَدُّونَ إِلَى أَشَدِ الْعَذَابِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ(البقرة/۸۵)

اما این شما هستید که یکدیگر را می‌کشید و جمعی از خودتان را از سرزمنیشان بیرون می‌کنید؛ و در این گناه و تجاوز، به یکدیگر کمک می‌نمایید؛ (و اینها همه نقض پیمانی است که با خدا بسته‌اید) در حالی که اگر بعضی از آنها به صورت اسیران نزد شما آیند، فدیه می‌دهید و آنان را آزاد می‌سازید! با اینکه بیرون ساختن آنان بر شما حرام بود. آیا به بعضی از دستورات کتاب آسمانی ایمان می‌آورید، و به بعضی کافر می‌شوید؟! برای کسی از شما که این عمل (تبعیض در میان احکام و قوانین الهی) را انجام دهد، جز رسوایی در این جهان، چیزی نخواهد بود، و روز رستاخیز به شدیدترین عذابها گرفتار می‌شوند. و خداوند از آنچه انجام می‌دهید غافل نیست.

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَنَقَيَّنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرِيمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدْسِ أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنفُسَكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَقَرِيقًا كَذَبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتَلُونَ(البقرة/۸۷)

ما به موسی کتاب (تورات) دادیم؛ و بعد از او، پیامبرانی پشت سر هم فرستادیم؛ و به عیسی بن مریم دلایل روشن دادیم؛ و او را به وسیله روح القدس تأیید کردیم. آیا چنین نیست که هر زمان، پیامبری چیزی بر خلاف هوای نفس شما آورد، در برابر او تکبر کردید (و از ایمان آوردن به او خودداری نمودید)؛ پس عده‌ای را تکذیب کرده، و جمعی را به قتل رساندید؟!

أَوْكُلُمَا غَاهِدُوا عَهْدًا نَبَذَهُ فَرِيقٌ مِنْهُمْ بِلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (البقرة/ ۱۰۰)

و آیا چنین نیست که هر بار آنها [یهود] پیمانی (با خدا و پیامبر) بستند، جمعی آن را دور افکنند (و مخالفت کردند). آری، بیشتر آنان ایمان نمی آورند.

وَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ نَبَذَ فَرِيقٌ مِنَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ
كِتَابَ اللَّهِ وَرَأَ ظُهُورَهُمْ كَانُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (البقرة/ ۱۰۱)

و هنگامی که فرستاده‌ای از سوی خدا به سراغشان آمد، و با نشانه‌هایی که نزد آنها بود مطابقت داشت، جمعی از آنان که به آنها کتاب (آسمانی) داده شده بود، کتاب خدا را پشت سر افکنند؛ گویی هیچ از آن خبر ندارند!!

الَّذِينَ أَتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَنَّهُمْ وَإِنَّ فَرِيقًا مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ
وَهُمْ يَعْلَمُونَ (البقرة/ ۱۴۶)

کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده‌ایم، او [= پیامبر] را همچون فرزندان خود می‌شناسند؛ (ولی) جمعی از آنان، حق را آگاهانه کتمان می‌کنند!

وَلَا تَأْكُلُوا أُمُوالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتَدْلُوْا بِهَا إِلَى الْحَكَمِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أُمُوالِ النَّاسِ
بِالْإِلْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (البقرة/ ۱۸۸)

و اموال یکدیگر را به باطل (و ناحق) در میان خود نخورید! و برای خوردن بخشی از اموال مردم به گناه، (قسمتی از) آن را (به عنوان رشوه) به قصاصات ندهید، در حالی که می‌دانید (این کار، گناه است)!

أَلْمَ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أَوْتُوا نَصِيبًا مِنَ الْكِتَابِ يَدْعُونَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ لِيُحَكِّمَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ يَتَوَلَّ
فَرِيقٌ مِنْهُمْ وَهُمْ مُعْرِضُونَ (آل عمران/ ۲۳)

آیا ندیدی کسانی را که بهره‌ای از کتاب (آسمانی) داشتند، به سوی کتاب الهی دعوت شدند تا در میان آنها داوری کند، سپس گروهی از آنان، (با علم و آگاهی)، روی می‌گردانند، در حالی که (از قبول حق) اعراض دارند؟

وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يُلْوُنَ الْسِنَتَهُمْ بِالْكِتَابِ لِتَخْسِبُوهُ مِنَ الْكِتَابِ وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ
وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ (آل
عمران/۷۸)

در میان آنها [= یهود] کسانی هستند که به هنگام تلاوت کتاب (خدا)، زبان خود را چنان می‌گردانند که گمان کنید (آنچه را می‌خوانند)، از کتاب (خدا) است؛ در حالی که از کتاب (خدا) نیست! (و با صراحت) می‌گویند: «آن از طرف خداست!» با اینکه از طرف خدا نیست، و به خدا دروغ می‌بنند در حالی که می‌دانند!

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تُطِيعُوا فَرِيقًا مِنَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ يَرْدُو كُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ
كَافِرِينَ (آل عمران/۱۰۰)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر از گروهی از اهل کتاب، (که کارشان نفاق افکنی و شعله‌ور ساختن آتش کینه و عداوت است) اطاعت کنید، شما را پس از ایمان، به کفر بازمی‌گردانند.

أَلْمَ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كَعْوَأْ يَكُفُّوا أَيْدِيْكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاءَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمْ
الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشُونَ النَّاسَ كَحْشِيَّةَ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ حَشِيَّةً وَقَالُوا رَبَّنَا لَمْ كَتَبْتَ
عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْلَا أَخْرَجْتَنَا إِلَى أَخْلِقِ قَرِيبٍ قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقَى وَلَا
تُظْلَمُونَ فَتِيلًا (النساء/۷۷)

آیا ندیدی کسانی را که (در مکه) به آنها گفته شد: «فعلاً» دست از جهاد بدارید! و نماز را برپا کنید! و زکات بپردازید!» (اما آنها از این دستور، ناراحت بودند)، ولی هنگامی که (در مدینه) فرمان جهاد به آنها داده شد، جمعی از آنان، از مردم می‌ترسیدند، همان گونه که از خدا می‌ترسند، بلکه بیشتر! و گفتند: «پروردگار! چرا جهاد را بر ما مقرر داشتی؟! چرا این فرمان را تا زمان نزدیکی تأخیر نینداختی؟!» به آنها بگو: «سرمایه زندگی دنیا، ناچیز است او سرای آخرت، برای کسی که پرهیزگار باشد، بهتر است! و به اندازه رشته شکاف هسته خرمایی، به شما ستم نخواهد شد!

لَقَدْ أَخَذَنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَأَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ رُسُلًا كُلُّمَا جَاءَهُمْ رَسُولٌ بِمَا لَآتَاهُمْ فَرِيقًا كَذَبُوا وَفَرِيقًا يَقْتَلُونَ (المائدہ/۷۰)

ما از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم؛ و رسولانی به سوی آنها فرستادیم؛ (ولی) هر زمان پیامبری حکمی بر خلاف هوسها و دلخواه آنها می‌آورد، عده‌ای را تکذیب می‌کردند؛ و عده‌ای را می‌کشند.

وَكَيْفَ أَخَافُ مَا أُشْرَكْتُمْ وَلَا تَخَافُونَ أَنَّكُمْ أُشْرَكْتُمْ بِاللَّهِ مَا لَمْ يَنَزِّلْ بِهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا فَأَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأُمْنِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (آل‌اعمٰ/۸۱)

چگونه من از بتهای شما بترسم؟! در حالی که شما از این نمی‌ترسید که برای خدا، همتایی قرار داده‌اید که هیچ گونه دلیلی درباره آن، بر شما نازل نکرده است! (راست بگویید) کدام یک از این دو دسته (بتپرستان و خداپرستان)، شایسته‌تر به این‌نی (از مجازات) هستند اگر می‌دانید؟!

فَرِيقًا هَذِي وَفَرِيقًا حَقٌّ عَلَيْهِمُ الضَّالَّةُ إِنَّهُمْ اتَّخَذُوا الشَّيَاطِينَ أُولِيَّاءَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَيَحْسِنُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ (الأعراف/۳۰)

جمعی را هدایت کرده؛ و جمعی (که شایستگی نداشته‌اند)، گمراهی بر آنها مسلم شده است. آنها (کسانی هستند که) شیاطین را به جای خداوند، اولیای خود انتخاب کردند؛ و گمان می‌کنند هدایت یافته‌اند!

كَمَا أَخْرَجَكَ رِبُّكَ مِنْ بَيْتِكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ لَكَارِهُونَ (الأنفال/۵)

همان گونه که خدا تو را بحق از خانه (به سوی میدان بدر)، بیرون فرستاد، در حالی که گروهی از مؤمنان ناخشنود بودند (ولی سرانجامش پیروزی بودا ناخشنودی عده‌ای از چگونگی تقسیم غنایم بدر نیز چنین است)!

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلٍ وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدُمَا إِلَى الْحُسْنَى وَاللَّهُ يَشْهُدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (التوبہ/۱۰۷)

(گروهی دیگر از آنها) کسانی هستند که مسجدی ساختند برای زیان (به مسلمانان)، و (تقویت) کفر، و تفرقه‌افکنی میان مؤمنان، و کمینگاه برای کسی که از پیش با خدا و پیامبرش مبارزه کرده بود؛ آنها سوگند یاد می‌کنند که: «جز نیکی (و خدمت)، نظری نداشته‌ایم!» اما خداوند گواهی می‌دهد که آنها دروغگو هستند!

لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ أَتَبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِنْ بَعْدِ مَا كَادَ يَرِيْغُ قُلُوبُ فَرِيقٍ مِنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ بِهِمْ رَءُوفٌ رَحِيمٌ(التوبه/۱۱۷)

مسلمان خداوند رحمت خود را شامل حال پیامبر و مهاجران و انصار، که در زمان عسرت و شدت (در جنگ تبوک) از او پیروی کردند، نمود؛ بعد از آنکه نزدیک بود دلهای گروهی از آنها، از حق منحرف شود (و از میدان جنگ بازگردند)؛ سپس خدا توبه آنها را پذیرفت، که او نسبت به آنان مهربان و رحیم است!

مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ كَالْأَعْمَى وَالْأَصَمِ وَالْبَصِيرِ وَالسَّمِيعِ هُلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا أَفَلَا تَذَكَّرُونَ(هود/۲۴)

حال این دو گروه [= مؤمنان و منکران]، حال «نابینا و کر» و «بینا و شنوا» است؛ آیا این دو، همانند یکدیگرند؟ آیا پند نمی‌گیرند؟

ثُمَّ إِذَا كَشَفَ الضُّرَّ عَنْكُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِنْكُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ(النحل/۵۴)

(اما) هنگامی که ناراحتی و رنج را از شما برطرف می‌سازد، ناگاه گروهی از شما برای پروردگارشان همتا قائل می‌شوند.

وَإِذَا تُنْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتَنَا بَيَّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَقَامًا وَأَحْسَنُ نَدِيًّا(مریم/۷۳)

و هنگامی که آیات روشن ما بر آنان خوانده می‌شود، کافران به مؤمنان می‌گویند: «کدام یک از دو گروه [= ما و شما] جایگاهش بهتر، و جلسات انس و مشورتش زیباتر، و بخشش او بیشتر است؟!»

إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا أَمَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ (المؤمنون/ ۱۰۹)

(فراموش کردهاید) گروهی از بندگانم می‌گفتند: پروردگار!! ما ایمان آوردیم؛ ما را ببخش و بر ما رحم کن؛ و تو بهترین رحم کنندگانی!

وَيَقُولُونَ أَمَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَأَطْعَنَا ثُمَّ يَتَوَلَّ فَرِيقٌ مِنْهُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَمَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ (النور/ ۴۷)

آنها می‌گویند: «به خدا و پیامبر ایمان داریم و اطاعت می‌کنیم!» ولی بعد از این ادعای گروهی از آنان رویگردان می‌شوند؛ آنها (در حقیقت) مؤمن نیستند!

وَإِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيُحَكَمَ بَيْنَهُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ مُعْرِضُونَ (النور/ ۴۸)

و هنگامی که از آنان دعوت شود که بسوی خدا و پیامبرش بیایند تا در میانشان داوری کند، ناگهان گروهی از آنان رویگردان می‌شوند!

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَى شَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ فَإِذَا هُمْ فَرِيقَانِ يُخْتَصِمُونَ (النمل/ ۴۵)

ما به سوی «شمود»، برادرشان «صالح» را فرستادیم که: خدای یگانه را بپرسید! اما آنان به دو گروه تقسیم شدند که به مخاصمه پرداختند.

وَإِذَا مَسَ النَّاسَ ضُرٌّ دَعَوْا رَبَّهُمْ مُنِيبِينَ إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا أَذَاهُمْ مِنْهُ رَحْمَةً إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ بِرَبِّهِمْ يَسْرِكُونَ (الروم/ ۳۳)

هنگامی که رنج و زیانی به مردم برسد، پروردگار خود را می‌خوانند و توبه‌کنان بسوی او بازمی‌گردند؛ اما همین که رحمتی از خودش به آنان بچشاند، بناگاه گروهی از آنان نسبت به پروردگارشان مشرك می‌شوند.

وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يَا أَهْلَ يَسْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَأَرْجِعُوا وَبِسْتَأْذِنْ فَرِيقٌ مِنْهُمُ الَّتِي يَقُولُونَ إِنَّ بِيَوْتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِنْ يَرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا (الأحزاب/ ۱۳)

و (نیز) به خاطر آورید زمانی را که گروهی از آنها گفتند: «ای اهل یثرب (ای مردم مدینه)! اینجا جای توقف شما نیست؛ به خانه‌های خود بازگردید!» و گروهی از آنان از پیامبر اجازه بازگشت می‌خواستند و می‌گفتند: «خانه‌های ما بی‌حفظ است!»، در حالی که بی‌حفظ نبود؛ آنها فقط می‌خواستند (از جنگ) فرار کنند.

وَأَنْزَلَ اللَّذِينَ ظَاهِرُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ صَيَاصِيهِمْ وَقَدَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّغْبَ فَرِيقًا تَقْتَلُونَ وَتَأْسِرُونَ فَرِيقًا (الأحزاب/۲۶)

و خداوند گروهی از اهل کتاب [= یهود] را که از آنان [= مشرکان عرب] حمایت کردند از قلعه‌های محکم‌شان پایین کشید و در دلهایشان رعب افکند؛ (و کارشان به جایی رسید که) گروهی را به قتل می‌رساندید و گروهی را اسیر می‌کردید!

وَلَقَدْ صَدَقَ عَلَيْهِمْ إِنْلِيسُ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (سبأ/۲۰)

(آری) بیقین، ابلیس گمان خود را درباره آنها محقق یافت که همگی از او پیروی کردند جز گروه اندکی از مؤمنان!

وَكَذَلِكَ أُوحِيَنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِتُنْذِرَ أُمَّ الْقَرَى وَمَنْ حَوْلَهَا وَتُنذِرَ يَوْمَ الْجَمْعِ لَا رَيْبٌ فِيهِ فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ (شوری/۷)

و این گونه قرآنی عربی [= فصیح و گویا] را بر تو وحی کردیم تا «ام‌القری» [= مکه] و مردم پیرامون آن را انذار کنی و آنها را از روزی که همه خلائق در آن روز جمع می‌شوند و شک و تردید در آن نیست بترسانی؛ گروهی در بهشتند و گروهی در آتش سوزان!

طائف در کلام الله

چیزی در حد توریست و زائر امروزی

۱۰۹ قوم (علوم اجتماعی) در کلام الله

وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَعَهَدْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ
وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهَرَا بَيْتِي لِلطَّائِفَيْنَ وَالْعَاقِفَيْنَ وَالرَّكْعَ السُّجُودِ(البقرة/۱۲۵)

و (به خاطر بیاورید) هنگامی که خانه کعبه را محل بازگشت و مرکز امن و امان برای مردم قرار دادیم! و (برای تجدید خاطره)، از مقام ابراهیم، عبادتگاهی برای خود انتخاب کنید! و ما به ابراهیم و اسماعیل امر کردیم که: «خانه مرا برای طوفانندگان و مجاوران و رکوع کنندگان و سجده کنندگان، پاک و پاکیزه کنید!»

وَدَّتْ طَائِفَةٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَضْلُونَكُمْ وَمَا يَضْلُونَ إِلَى آنفُسِهِمْ وَمَا يَشْعُرُونَ(آل

عمران/۶۹)

جمعی از اهل کتاب (از یهود)، دوست داشتند (و آرزو می کردند) شما را گمراه کنند؛ (اما آنها باید بدانند که نمی توانند شما را گمراه سازند)، آنها گمراه نمی کنند مگر خودشان را، و نمی فهمند!

وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ آمِنُوا بِالَّذِي أُنْزِلَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَجْهُ النَّهَارِ وَأَكْفُرُوا
آخِرَةً لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ(آل عمران/۷۲)

و جمعی از اهل کتاب (از یهود) گفتند: «(بروید در ظاهر) به آنچه بر مؤمنان نازل شده، در آغاز روز ایمان بیاورید؛ و در پایان روز، کافر شوید (و باز گردید)! شاید آنها (از آیین خود) بازگردند! (زیرا شما را، اهل کتاب و آگاه از بشارات آسمانی پیشین می دانند؛ و این توطئه کافی است که آنها را متزلزل سازد).

إِذْ هَمَّتْ طَائِفَتَانِ مِنْكُمْ أَنْ تَفْشِلَ اللَّهُ وَلِيهِمَا وَعَلَى اللَّهِ فَلِيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ(آل
عمران/۱۲۲)

(و نیز به یاد آور) زمانی را که دو طایفه از شما تصمیم گرفتند سستی نشان دهند (و از وسط راه بازگردند)؛ و خداوند پشتیبان آنها بود (و به آنها کمک کرد که از این فکر بازگردند)؛ و افراد بایمان، باید تنها بر خدا توکل کنند!

ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِ الْغَمْ أَمْنَةً نُعَاصِي طَائِفَةً مِنْكُمْ وَطَائِفَةً قَدْ أَهْمَتُهُمْ أَنْفُسُهُمْ يَظْنُونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ طَنَ الْجَاهِلِيَّةِ يَقُولُونَ هَلْ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ مِنْ شَيْءٍ قُلْ إِنَّ الْأَمْرَ كُلُّهُ لِلَّهِ يَعْلَمُ فِي أَنْفُسِهِمْ مَا لَا يَبْدُونَ لَكَ يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَا قُتِلْنَا هَاهُنَا قُلْ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَى مَصَارِعِهِمْ وَلِيَبْتَلِي اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلِيَمْحَصَّنَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ(آل عمران/۱۵۴)

سپس بدنبال این غم و اندوه، آرامشی بر شما فرستاد. این آرامش، بصورت خواب سبکی بود که (در شب بعد از حادثه احمد)، گروهی از شما را فرا گرفت؛ اما گروه دیگری در فکر جان خویش بودند؛ (و خواب به چشمانشان نرفت). آنها گمانهای نادرستی - همچون گمانهای دوران جاهلیت- درباره خدا داشتند؛ و می‌گفتند: «آیا چیزی از پیروزی نصیب ما می‌شود؟!» بگو: «همه کارها (و پیروزیها) به دست خداست!» آنها در دل خود، چیزی را پنهان می‌دارند که برای تو آشکار نمی‌سازند؛ می‌گویند: «اگر ما سهمی از پیروزی داشتیم، در اینجا کشته نمی‌شیم!» بگو: «اگر هم در خانه‌های خود بودید، آنها بیکار شده بود، قطعاً به سوی آرامگاه‌های خود، بیرون می‌آمدند (و آنها را به قتل می‌رساندند). و اینها برای این است که خداوند، آنچه در سینه‌هایتان پنهان دارید، بیازماید؛ و آنچه را در دلهای شما (از ایمان) است، خالص گرداند؛ و خداوند از آنچه در درون سینه‌های است، با خبر است.

وَيَقُولُونَ طَاغِيَّةٌ فَإِذَا بَرَزُوا مِنْ عِنْدِكَ بَيْتٌ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ غَيْرَ الَّذِي تَقُولُ وَاللَّهُ يَكْتُبُ مَا بَيْتُوْنَ فَأَغْرِضُ عَنْهُمْ وَتَوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا(النساء/۸۱)

آنها در حضور تو می‌گویند: «فرمانبرداریم»؛ اما هنگامی که از نزد تو بیرون می‌روند، جمعی از آنان بر خلاف گفته‌های تو، جلسات سری شبانه تشکیل می‌دهند؛ آنچه را در این جلسات می‌گویند، خداوند می‌نویسد. اعتنایی به آنها نکن! (و از نقشه‌های آنان وحشت نداشته باش!) و بر خدا توکل کن! کافی است که او یار و مدافعان تو باشد.

وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقْمَتْ لَهُمُ الصَّلَاءَ فَلَتَقْمِ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ مَعَكَ وَلَيَخْدُوا أَسْلِحَتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا فَلَيُكُونُوا مِنْ وَرَائِكُمْ وَلَتَأْتِ طَائِفَةً أُخْرَى لَمْ يَصْلَوْ فَلَيَصْلَوْ مَعَكَ وَلَيَخْدُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَهُمْ وَذَلِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمْلِئُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ كَانَ بِكُمْ أَذْيَ مِنْ مَطْرٍ أَوْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَنْ تَضَعُوا أَسْلِحَتِكُمْ وَخَدُوا حِذْرَكُمْ إِنَّ اللَّهَ أَعْدَ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا(النساء / ۲۰)

و هنگامی که در میان آنها باشی، و (در میدان جنگ) برای آنها نماز را برپا کنی، باید دسته‌ای از آنها با تو (به نماز) برخیزند، و سلاحهایشان را با خود برگیرند؛ و هنگامی که سجده کردند (و نماز را به پایان رسانند)، باید به پشت سر شما (به میدان نبرد) بروند، و آن دسته دیگر که نماز نخوانده‌اند (و مشغول پیکار بوده‌اند)، بیایند و با تو نماز بخوانند، آنها باید وسایل دفاعی و سلاحهایشان (را در حال نماز) با خود حمل کنند؛ (زیرا) کافران آرزو دارند که شما از سلاحها و متعاهه‌ای خود غافل شوید و یکباره به شما هجوم آورند. و اگر از باران ناراحتید، و یا بیمار (و مجروح) هستید، مانع ندارد که سلاحهای خود را بر زمین بگذارید؛ ولی وسایل دفاعی (مانند زره و خود را) با خود بردارید خداوند، عذاب خوارکننده‌ای برای کافران فراهم ساخته است.

وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُ لَهُمَّتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ أَنْ يَضْلُوكَ وَمَا يَضْلُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يُضْرِبُونَكَ مِنْ شَيْءٍ وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَمَكَ مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا(النساء / ۱۳)

اگر فضل و رحمت خدا شامل حال تو نبود، گروهی از آنان تصمیم داشتند تو را گمراه کنند؛ اما جز خودشان را گمراه نمی‌کنند؛ و هیچ‌گونه زیانی به تو نمی‌رسانند. و خداوند، کتاب و حکمت بر تو نازل کرد؛ و آنچه را نمی‌دانستی، به تو آموخت؛ و فضل خدا بر تو (همواره) بزرگ بوده است.

أَنْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَنْزَلَ الْكِتَابَ عَلَى طَائِفَتَيْنِ مِنْ قَبْلِنَا وَإِنْ كُنَّا عَنْ دِرَاسَتِهِمْ لَعَافِلِينَ(الأنعام / ۱۵۶)

(ما این کتاب را با این امتیازات نازل کردیم) تا نگویید: «کتاب آسمانی تنها بر دو طایفه پیش از ما [= یهود و نصاری] نازل شده بود؛ و ما از بحث و بررسی آنها بی خبر بودیم!»

وَإِنْ كَانَ طَائِفَةٌ مِّنْكُمْ آمَنُوا بِالَّذِي أُرْسِلْتُ بِهِ وَطَائِفَةٌ لَمْ يُؤْمِنُوا فَاصْبِرُوا حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ (الأعراف/۸۷)

و اگر گروهی از شما به آنچه من به آن فرستاده شده‌ام ایمان آورده‌اند، و گروهی ایمان نیاورده‌اند، صبر کنید تا خداوند میان ما داوری کند، که او بهترین داوران است!

إِنَّ الَّذِينَ آتَقْوَا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَدَّكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ (الأعراف/۲۰۱)
پرهیزگاران هنگامی که گرفتار و سوشه‌های شیطان شوند، به یاد (خدا و پاداش و کیفر او) می‌افتد؛ و (در پرتو یاد او، راه حق را می‌بینند) و ناگهان بینا می‌گردد.

وَإِذْ يُعَذِّبُكُمُ اللَّهُ إِخْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ وَتَوَدُونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشُّوَكَةِ تَكُونُ لَكُمْ وَيَرِيدُ اللَّهُ أَنْ يَحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ (الأنفال/۷)

و (به یاد آرید) هنگامی را که خداوند به شما و عده داد که یکی از دو گروه [= کاروان تجاری قریش، یا لشکر مسلح آنها] نصیب شما خواهد بود؛ و شما دوست می‌داشتید که کاروان (غیر مسلح) برای شما باشد (و بر آن پیروز شوید)؛ ولی خداوند می‌خواهد حق را با کلمات خود تقویت، و ریشه کافران را قطع کند؛ (از این رو شما را بر خلاف میلتان با لشکر قریش درگیر ساخت، و آن پیروزی بزرگ نصیبتان شد).

لَا تَعْذِرُوا قَدْ كَفَرُتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ إِنْ تَعْفُ عَنْ طَائِفَةٍ مِّنْكُمْ نُعَذِّبْ طَائِفَةً بِإِنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ (التوبه/۶۶)

(بگو): عذر خواهی نکنید (که بیهوده است؛ چرا که) شما پس از ایمان آوردن، کافر شدید! اگر گروهی از شما را (بخاطر توبه) مورد عفو قرار دهیم، گروه دیگری را عذاب خواهیم کرد؛ زیرا مجرم بودند!

فَإِنْ رَجَعُكَ اللَّهُ إِلَى طَائِفَةٍ مِنْهُمْ فَاسْتَأْذِنُوكَ لِلْخُرُوجِ فَقُلْ لَنْ تَخْرُجُوا مَعِي أَبْدًا وَلَنْ تُقَاتِلُوا مَعِي عَدُوًا إِنَّكُمْ رَضِيْتُمْ بِالْقَعْدَةِ أَوْلَ مَرَّةٍ فَأَفْعَدُوكُمْ مَعَ الْحَالَفِينَ (التوبه/۸۳)

هرگاه خداوند تو را بسوی گروهی از آنان بازگرداند، و از تو اجازه خروج (بسوی میدان جهاد) بخواهند، بگو: «هیچ گاه با من خارج نخواهید شد! و هرگز همراه من، با دشمنی نخواهید جنگید! شما نخستین بار به کناره‌گیری راضی شدید، اکنون نیز با متزلحفان (مانید!»

وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيُنْفِرُوا كَافِةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَخْدُرُونَ (التوبه/۱۲۲)

شایسته نیست مؤمنان همگی (بسوی میدان جهاد) کوچ کنند؛ چرا از هر گروهی از آنان، طایفه‌ای کوچ نمی‌کند (و طایفه‌ای در مدینه بماند)، تا در دین (و معارف و احکام اسلام) آگاهی یابند و به هنگام بازگشت بسوی قوم خود، آنها را بیم دهند؟! شاید (از مخالفت فرمان پروردگار) بترسند، و خودداری کنند!

وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهِرْ بَيْتِي لِلطَّائِفَيْنِ وَالْقَائِمَيْنِ وَالرُّكْعَ السُّجُودِ (الحج/۲۶)

(به خاطر بیاور) زمانی را که جای خانه (کعبه) را برای ابراهیم آماده ساختیم (تا خانه را بنا کند؛ و به او گفتیم): چیزی را همتای من قرار مده! و خانه‌ام را برای طوف‌کنندگان و قیام‌کنندگان و رکوع‌کنندگان و سجود‌کنندگان (از آلدگی بتها و از هر گونه آلدگی) پاک ساز!

الرَّازِيَّةُ وَالرَّازِيَّةُ فَاجْلِدُوكُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدٍ وَلَا تَأْخُذْ كُمْ بِهِمَا رَأْفَةً فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَيُسْهِدْ عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (النور/۲)

هر یک از زن و مرد زناکار را صد تازیانه بزنید؛ و نباید رافت (و محبت کاذب) نسبت به آن دو شما را از اجرای حکم الهی مانع شود، اگر به خدا و روز جزا ایمان داریدا و باید گروهی از مؤمنان مجازاتشان را مشاهده کنند!

إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيعًا يُسْتَضْعِفُ طَائِفَةً مِّنْهُمْ يَذْبَحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَخْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ (القصص/٤)

فرعون در زمین برتری جویی کرد، و اهل آن را به گروههای مختلفی تقسیم نمود؛ گروهی را به ضعف و ناتوانی می‌کشاند، پسرانشان را سر می‌برید و زنانشان را (برای کنیزی و خدمت) زنده نگه می‌داشت؛ او به یقین از مفسدان بود!

وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ يَا أَهْلَ يِثْرَبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوهُ وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِّنْهُمُ الَّتِي يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِنْ يَرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا (الأحزاب/١٣)

و (نیز) به خاطر آورید زمانی را که گروهی از آنها گفتند: «ای اهل یثرب (ای مردم مدینه)! اینجا جای توقف شما نیست؛ به خانه‌های خود بازگردید!» و گروهی از آنان از پیامبر اجازه بازگشت می‌خواستند و می‌گفتند: «خانه‌های ما بی‌حفظ است!»، در حالی که بی‌حفظ نبود؛ آنها فقط می‌خواستند (از جنگ) فرار کنند.

وَإِنْ طَائِفَاتٍ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ افْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمْ مَا فِي إِنْ بَغْتَ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتَلُوا الَّتِي تَبَغَّى حَتَّىٰ تَفَئِءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَأَتَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعُدْلِ وَأَشْبِطُوا إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ الْمُقْسِطِينَ (الحجرات/٩)

و هرگاه دو گروه از مؤمنان با هم به نزاع و جنگ پردازند، آنها را آشتبه دهید؛ و اگر یکی از آن دو بر دیگری تجاوز کند، با گروه متتجاوز پیکار کنید تا به فرمان خدا بازگردد؛ و هرگاه بازگشت (و زمینه صلح فراهم شد)، در میان آن دو به عدالت صلح برقرار سازید؛ و عدالت پیشه کنید که خداوند عدالت پیشگان را دوست می‌دارد.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُوْنُوا أَنْصَارُ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ فَآمَنَتْ طَائِفَةٌ مِّنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَفَرَتْ طَائِفَةٌ فَأَيَّدَنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ (الصف/٤)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! یاوران خدا باشید همان‌گونه که عیسی بن مریم به حواریون گفت: «چه کسانی در راه خدا یاوران من هستند؟!» حواریون گفتند: «ما

یاوران خدایم» در این هنگام گروهی از بنی اسرائیل ایمان آورند و گروهی کافر شدند؛ ما کسانی را که ایمان آورده بودند در برابر دشمنانشان تأیید کردیم و سرانجام بر آنان پیروز شدند!

فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِّنْ رَّبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ(القلم/۱۹)

اما عذابی فraigیر (شب هنگام) بر (تمام) باع آنها فرود آمد در حالی که همه در خواب بودند،

إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَذْنَى مِنْ ثُلَّتِ الْلَّيلِ وَنِصْفَهُ وَثُلَّتَهُ وَطَائِفَةً مِّنَ الَّذِينَ مَعَكَ
وَاللَّهُ يَقْدِرُ الْأَلَيلَ وَالنَّهَارَ عَلَمَ أَنْ لَنْ تُخْصُوهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلَمَ
أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضَى وَآخَرُونَ يَضْرُبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَآخَرُونَ
يَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَاتُّوا الزَّكَاةَ وَأَفْرِضُوا اللَّهَ قَرْضاً
حَسَنَاً وَمَا تُقْدِمُوا لِأَنفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَأَعْظَمُ أَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ
إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ(المزمول/۲۰)

برور دگارت می داند که تو و گروهی از آنها که با تو هستند نزدیک دو سوم از شب یا نصف یا ثلث آن را به پا می خیزند؛ خداوند شب و روز را اندازه گیری می کند؛ او می داند که شما نمی توانید مقدار آن را (به دقت) اندازه گیری کنید (برای عبادت کردن)، پس شما را بخشید؛ اکنون آنچه برای شما میسر است قرآن بخوانید او می داند بزودی گروهی از شما بیمار می شوند، و گروهی دیگر برای به دست آوردن فضل الهی (و کسب روزی) به سفر می روند، و گروهی دیگر در راه خدا جهاد می کنند (و از تلاوت قرآن بازمی مانند)، پس به اندازه ای که برای شما ممکن است از آن تلاوت کنید و نماز را بر پا دارید و زکات بپردازید و به خدا «قرض الحسنة» دهید [= در راه او انفاق نمایید] و (بدانید) آنچه را از کارهای نیک برای خود از پیش می فرستید نزد خدا به بهترین وجه و بزرگترین پاداش خواهید یافت؛ و از خدا آمرزش بطلبید که خداوند آمرزنده و مهربان است!

عَاكِفُ دَرْ كَلامِ اللهِ

وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَعَهِدْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ
وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهَرَا بَيْتِي لِلطَّائِفَيْنَ وَالْعَاكِفِيْنَ وَالرُّكْعَ السُّجُودِ(البقرة/١٢٥)

و (به خاطر بیاورید) هنگامی که خانه کعبه را محل بازگشت و مرکز امن و امان برای مردم قرار دادیم! و (برای تجدید خاطره)، از مقام ابراهیم، عبادتگاهی برای خود انتخاب کنید! و ما به ابراهیم و اسماعیل امر کردیم که: «خانه مرا برای طوفانندگان و مجاوران و رکوع کنندگان و سجده کنندگان، پاک و پاکیزه کنید!»

أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفِثُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ عِلْمَ اللَّهِ أَنْكُمْ
كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ فَالآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَإِيَّنُوكُمْ مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ
وَكُلُّوا وَاشْرُبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتَمُّوا
الصِّيَامَ إِلَى الْلَّيْلِ وَلَا تَبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا
تَفْرَبُوهَا كَذَلِكَ يَبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ(البقرة/١٨٧)

آمیزش جنسی با همسرانتان، در شب روزهایی که روزه می‌گیرید، حلال است. آنها لباس شما هستند؛ و شما لباس آنها (هر دو زینت هم و سبب حفظ یکدیگرید). خداوند می‌دانست که شما به خود خیانت می‌کردید؛ (و این کار ممنوع را انجام می‌دادید)، پس توبه شما را پذیرفت و شما را بخشید. اکنون با آنها آمیزش کنید، و آنچه را خدا برای شما مقرر داشته، طلب نمایید! و بخورید و بیاشامید، تا رشته سپید صبح، از رشته سیاه (شب) برای شما آشکار گردد! سپس روزه را تا شب، تکمیل کنید! و در حالی که در مساجد به اعتکاف پرداخته‌اید، با زنان آمیزش نکنید! این، مرزهای الهی است؛ پس به آن نزدیک نشوید! خداوند، این چنین آیات خود را برای مردم، روشن می‌سازد، باشد که پرهیزکار گرددند!

فَأُلَوَّنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَيْنا مُوسَى(طه/٩١)

ولی آنها گفتند: «ما همچنان گرد آن می‌گردیم (و به پرستش گوساله ادامه می‌دهیم) تا موسی به سوی ما بازگردد!»

قالَ فَادْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أُنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ وَإِنَّ لَكَ مَوْعِدًا لَنْ تُخْلِفَهُ وَانظُرْ إِلَى إِلَهِكَ الَّذِي ظَلَّتْ عَلَيْهِ عَاكِفًا لَنَحْرَقْنَاهُ ثُمَّ لَنَسْقِنَاهُ فِي الْأَيْمَ نَسْفًا(طه/۹۷)

(موسی) گفت: «برو، که بهره تو در زندگی دنیا این است که (هر کس با تو نزدیک شود) بگوئی «با من تماس نگیر!» و تو میعادی (از عذاب خدا) داری، که هرگز تخلف نخواهد شد! (اکنون) بنگر به این معبدوت که پیوسته آن را پرستش می‌کردم! و بین ما آن را نخست می‌سوزانیم؛ سپس ذرات آن را به دریا می‌پاشیم!

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ(الأبياء/۵۲)

آن هنگام که به پدرش (آزر) و قوم او گفت: «این مجسمه‌های بی‌روح چیست که شما همواره آنها را پرستش می‌کنید؟!»

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ وَمَنْ يَرِدْ فِيهِ بِالْخَادِ بِظُلْمٍ نُدْقَهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ(الحج/۲۵)

کسانی که کافر شدند، و مؤمنان را از راه خدا بازداشتند، و (همچنین) از مسجد الحرام، که آن را برای همه مردم، برابر قراردادیم، چه کسانی که در آنجا زندگی می‌کنند یا از نقاط دور وارد می‌شوند (مستحق عذابی دردناکند)؛ و هر کس بخواهد در این سرزمین از راه حق منحرف گردد و دست به ستم زند، ما از عذابی دردناک به او می‌چشانیم!

فَأَلْوَا تَعْبُدُ أَصْنَاماً فَنَنْظُلُ لَهَا عَاكِفِينَ(الشعراء/۷۱)

گفتند: «بتهایی را می‌پرستیم، و همه روز ملازم عبادت آنهاییم.»

عکف در کلام الله

وَجَاءُوكُمْ بِبَيْنِ إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَى أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ إِلَهٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ (الأعراف: ۱۳۸)

و بنی اسرائیل را (سالم) از دریا عبور دادیم؛ (ناگاه) در راه خود به گروهی رسیدند که اطراف بتهاشان، با تواضع و خضوع، گرد آمده بودند. (در این هنگام، بنی اسرائیل) به موسی گفتند: «تو هم برای ما معبدی فرار ده، همان گونه که آنها معبدان (و خدایانی) دارند!» گفت: «شما جمعیتی جاہل و نادان هستید!

معکوف

هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوْكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهَدْيٌ مَعْكُوفٌ أَنْ يَبْلُغَ مَحْلَهُ وَلَوْلَا رِجَالٌ مُؤْمِنُونَ وَسَاءَ مُؤْمِنَاتٍ لَمْ تَعْلَمُوهُمْ أَنْ تَطْئُوهُمْ فَتُصْبِيْكُمْ مِنْهُمْ مَعَرَّةً بِغَيْرِ عِلْمٍ لِيَدْخُلَ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَبَنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (الفتح: ۲۵)

آنها کسانی هستند که کافر شدند و شما را از (زیارت) مسجد الحرام و رسیدن قربانیهایتان به محل قربانگاه بازداشتند؛ و هرگاه مردان و زنان با ایمانی در این میان بدون آگاهی شما، زیر دست و پا، از بین نمی‌رفتند که از این راه عیب و عاری ناآگاهانه به شما می‌رسید، (خداؤند هرگز مانع این جنگ نمی‌شد)! هدف این بود که خدا هر کس را می‌خواهد در رحمت خود وارد کند؛ و اگر مؤمنان و کفار (در مکه) از هم جدا می‌شدند، کافران را عذاب دردناکی می‌کردیم!

صحاب و مشتقاش در کلام الله

يَصْحَبُونَ (الأنبياء/٤٣)

آیا آنها خدایانی دارند که می‌توانند در برابر ما از آنان دفاع کنند؟! (این خدایان ساختگی، حتی) نمی‌توانند خودشان را یاری دهند (تا چه رسید به دیگران)؛ و نه از ناچیه ما با نیز وی، یاری می‌شوند!

وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئاً وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ
وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَى وَالْجَارِ الْجُنُبُ وَالصَّاحِبِ بِالْجُنُبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ
إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالاً فَخُورًا (النِّسَاء ٣٦)

و خدا را بپرستید! و هیچ چیز را همتای او قرار ندهید! و به پدر و مادر، نیکی کنید؛ همچنین به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان، و همسایه نزدیک، و همسایه دور، و دوست و همنشین، و امандگان در سفر، و برگانی که مالک آنها هستید؛ زیرا خداوند، کسی را که متکبر و فخر فروش است، (و از ادای حقوق دیگران سرباز می‌زند)، دوست ننمی‌دارد.

بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنَّى يَكُونُ لَهُ وَلَدٌ وَلَمْ تَكُنْ لَهُ صَاحِبَةٌ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ
بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيهِمْ (الأنعام / ١٠١)

آنکه همسری نداشته، و همه چیز را آفریده؛ و او به همه چیز داناست.

أوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِهِمْ مِنْ جَنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ (الأعراف/١٨٤)

آیا فکر نکردند که همنشین آنها [=پیامبر] هیچ‌گونه (اثری از) جنون ندارد؟! (بس چگونه چنین نسبت ناروایی به او می‌دهند؟!) او فقط بیم دهنده آشکاری است (که مردم را متوجه وظایفشان می‌سازد).

إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيَ اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ

لِصَاحِبِيهِ لَا تَخْرُنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيْدِهِ بِجُنُودِ لَمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ

كَلِمَةً الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ(التوبه/٤٠)

اگر او را یاری نکنید، خداوند او را یاری کرد؛ (و در مشکلترين ساعات، او را تنها نگذاشت؛) آن هنگام که کافران او را (از مکه) بیرون کردند، در حالی که دومین نفر بود (و یک نفر بيشتر همراه نداشت)؛ در آن هنگام که آن دو در غار بودند، و او به همراه خود می گفت: «غم مخور، خدا با ماست!» در اين موقع، خداوند سكينه (و آرامش) خود را بر او فرستاد؛ و با لشکرهایی که مشاهده نمی کردید، او را تقویت نمود؛ و گفتار (و هدف) کافران را پایین قرار داد، (و آنها را با شکست مواجه ساخت)؛ و سخن خدا (و آيین او)، بالا (و پیروز) است؛ و خداوند عزيز و حکیم است!

يَا صَاحِبَيِ السَّجْنِ أَرْبَابُ مُتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أُمِّ اللَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ(يوسف/٣٩)

ای دوستان زندانی من! آیا خدایان پراکنده بهترند، یا خداوند یکتای پیروز؟!

يَا صَاحِبَيِ السَّجْنِ أَمَا أَحَدُكُمَا فَيَسْقُى رَبَّهُ حَمْرًا وَأَمَا الْآخَرُ فَيَصْلِبُ فَتَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْ

رَأْسِهِ قُضِيَ الْأَمْرُ الَّذِي فِيهِ سَنْسَقْتِيَانِ(يوسف/٤١)

ای دوستان زندانی من! اما یکی از شما (دو نفر، آزاد می شود؛ و) ساقی شراب برای صاحب خود خواهد شد؛ و اما دیگری به دار آویخته می شود؛ و پرندگان از سر او می خورند! و مطلبی که درباره آن (از من) نظر خواستید، قطعی و حتمی است!»

وَكَانَ لَهُ ثَمَرٌ فَقَالَ لِصَاحِبِيهِ وَهُوَ يَحَاوِرُهُ أَنَا أَكْثُرُ مِنْكَ مَا لِي وَأَعْزُ نَفْرًا(الكهف/٣٤)

صاحب اين باغ، درآمد فراوانی داشت، به همین جهت، به دوستش در حالی که با او گفتگو می کرد- چنین گفت: «من از نظر ثروت از تو برتر، و از نظر نفرات نیرومندترم!» قالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَهُوَ يَحَاوِرُهُ أَكْفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقْتَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّاكَ

رَجُلًا(الكهف/٣٧)

دوست (با ایمان) وی - در حالی که با او گفتگو می کرد - گفت: «آیا به خدایی که تو را از خاک، و سپس از نطفه آفرید، و پس از آن تو را مرد کاملی قرار داد ، کافر شدی؟!»
 قالَ إِنْ سَأَلْتُكَ عَنْ شَيْءٍ بَعْدَهَا فَلَا تُصَاحِبِنِي ۝ قَدْ بَلَغْتَ مِنْ لَذَّتِي عَذْرًا(الكهف/۷۶)
 (موسی) گفت: «بعد از این اگر درباره چیزی از تو سؤال کردم، دیگر با من همراهی نکن؛ (زیرا) از سوی من معدور خواهی بود!»

وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلَى أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطْعِهِمَا وَصَاحِبَهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنْابَ إِلَى ثُمَّ إِلَى مَرْجِعِكُمْ فَأَنْبَثْتُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ(لقمان/۱۵)

و هرگاه آن دو، تلاش کنند که تو چیزی را همتای من قرار دهی، که از آن آگاهی نداری (بلکه می دانی باطل است)، از ایشان اطاعت مکن، ولی با آن دو، در دنیا به طرز شایسته‌ای رفتار کن؛ و از راه کسانی پیروی کن که توبه‌کنان به سوی من آمده‌اند؛ سپس بازگشت همه شما به سوی من است و من شما را از آنچه عمل می‌کردید آگاه می‌کنم.

قُلْ إِنَّمَا أَعْظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَسْئَنَى وَفَرَادَى ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا مَا يُصَاحِبِكُمْ مِنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَكُمْ بَيْنَ يَدِي عَذَابٍ شَدِيدٍ(سبأ/۴۶)

بغو: «شما را تنها به یک چیز اندرز می‌دهم، و آن اینکه: دو نفر دو نفر یا یک نفر یک نفر برای خدا قیام کنید، سپس بیندیشید این دوست و همنشین شما [= محمد] هیچ گونه جنونی ندارد؛ او فقط بیم‌دهنده شما در برابر عذاب شدید (الله) است!»

مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَى(النجم/۲)

که هرگز دوست شما [= محمد «ص»] منحرف نشده و مقصد را گم نکرده است،
 فَنَادَوْا صَاحِبَهُمْ فَتَسَاطَىٰ فَعَقَرَ(القمر/۲۹)

آنها یکی از یاران خود را صدا زدند، او به سراغ این کار آمد و (ناقه را) پی کرد!
 فَأَصْبَرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْحُوتِ إِذْ نَادَىٰ وَهُوَ مَكْفُولٌ(القلم/۴۸)

اکنون که چنین است صبر کن و منتظر فرمان پروردگارت باش، و مانند صاحب ماهی [= یونس] مباش (که در تقاضای مجازات قومش عجله کرد و گرفتار مجازات ترک اولی شد) در آن زمان که با نهایت اندوه خدا را خواند.

وَصَاحِبِتِهِ وَأَخِيهِ (المعارج/۱۲)

و همسر و برادرش راه

وَأَنَّهُ تَعَالَى جَدُّ رَبِّنَا مَا أَتَحَدَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا (الجن/۳)

و اینکه بلند است مقام باعظمت پروردگار ما، و او هرگز برای خود همسر و فرزندی انتخاب نکرده است!

وَصَاحِبِتِهِ وَبَنِيهِ (عبس/۳۶)

و زن و فرزندانش؛

وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ (التكوير/۲۲)

و مصاحب شما [= پیامبر] دیوانه نیست!

اصحاب در کلام الله

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (البقرة/۳۹)
و کسانی که کافر شدند، و آیات ما را دروغ پنداشتند اهل دوزخند؛ و همیشه در آن خواهند بود.

بَلَى مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَخَاطَطَ بِهِ حَطِيقَتُهُ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (البقرة/۸۱)

آری، کسانی که کسب گناه کنند، و آثار گناه، سراسر وجودشان را بپوشاند، آنها اهل آتشند؛ و جاودانه در آن خواهند بود.

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (البقرة/۸۲)

و آنها که ایمان آورده، و کارهای شایسته انجام داده‌اند، آنان اهل بهشتند؛ و همیشه در آن خواهند ماند.

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحُقْقِ يَشِيرًا وَتَذَيِّرًا وَلَا تُسْأَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ(البقرة/١١٩)

ما تو را به حق، برای بشارت و بیم دادن (مردم جهان) فرستادیم؛ و تو مسئول (گمراهی) دوزخیان (پس از ابلاغ رسالت) نیستی!

يَسَّأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٌ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ وَكَبِيرٌ وَصَدٌّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفُرٌ بِهِ
وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا يَرَأُونَ
يَقَاتِلُونَكُمْ حَتَّىٰ يَرُدُّوْكُمْ عَنِ دِينِكُمْ إِنِّي أَسْتَطَاعُو وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيُمَتَّ وَهُوَ
كَافِرٌ فَأَوْلَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَوْلَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا
خَالِدُونَ(البقرة/٢١٧)

از تو، در باره جنگ کردن در ماه حرام، سؤال می‌کنند؛ بگو: «جنگ در آن، (گناهی) بزرگ است؛ ولی جلوگیری از راه خدا (و گرایش مردم به آیین حق) و کفر ورزیدن نسبت به او و هتك احترام مسجد الحرام، و اخراج ساکنان آن، نزد خداوند مهمتر از آن است؛ و ایجاد فتنه، (و محیط نامساعد، که مردم را به کفر، تشویق و از ایمان بازمی‌دارد) حتی از قتل بالاتر است. و مشرکان، پیوسته با شما می‌جنگند ، تا اگر بتوانند شما را از آیینتان برگردانند؛ ولی کسی که از آیینش برگردد ، و در حال کفر بمیرد، تمام اعمال نیک (گذشته) او، در دنیا و آخرت، برپاد می‌رود؛ و آنان اهل دوزخند؛ و همیشه در آن خواهند بود.

**اللَّهُ وَلِيَ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولَئِكُمُ الطَّاغُوتُ
يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أَوْلَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ**(البقرة/٢٥٧)

خداؤند، ولی و سرپرست کسانی است که ایمان آورده‌اند، آنها را از ظلمتها، به سوی نور بیرون می‌برد. (اما) کسانی که کافر شدند، اولیای آنها طاغوتها هستند؛ که آنها را از نور، به سوی ظلمتها بیرون می‌برند؛ آنها اهل آتشند و همیشه در آن خواهند ماند.

الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ
يَأْتُهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَخْلَى اللَّهُ أَلْيَعَ وَحَرَمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ
فَأَنْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا
خَالِدُونَ(البقرة/۲۷۵)

کسانی که ربا می خورند، (در قیامت) برنمی خیزند مگر مانند کسی که بر اثر تماس شیطان، دیوانه شده (و نمی تواند تعادل خود را حفظ کند؛ گاهی زمین می خورد، گاهی پیا می خیزد). این، به خاطر آن است که گفتند: «داد و ستد هم مانند ربا است (و تفاوتی میان آن دو نیست.)» در حالی که خدا بیع را حلال کرده، و ربا را حرام! (زیرا فرق میان این دو، بسیار است). و اگر کسی اندرز الهی به او رسد، و (از رباخواری) خودداری کند، سودهایی که در سابق [= قبل از نزول حکم تحریم] به دست آورده، مال اوست؛ (و این حکم، گذشته را شامل نمی گردد؛) و کار او به خدا واگذار می شود؛ (و گذشته او را خواهد بخشید). اما کسانی که بازگردن (و بار دیگر مرتكب این گناه شوند)، اهل آتشند؛ و همیشه در آن می مانند.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِي عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أُولَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ
النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ(آل عمران/۱۱۶)

کسانی که کافر شدند، هرگز نمی توانند در پناه اموال و فرزندانشان، از مجازات خدا در امان بمانند! آنها اصحاب دوز خند؛ و جاودانه در آن خواهند ماند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ أَمِنُوا بِمَا نَزَّلَنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا
فَنَرُدُّهَا عَلَى أَدْبَارِهَا أَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعَنَّا أَصْحَابَ السَّبَّتِ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ
مَقْعُولًا(النساء/۴۷)

ای کسانی که کتاب (خدا) به شما داده شده! به آنچه (بر پیامبر خود) نازل کردیم - و هماهنگ با نشانه هایی است که با شمامت- ایمان بیاورید، پیش از آنکه صورتهایی را محو کنیم، سپس به پشت سر بازگردانیم، یا آنها را از رحمت خود دور سازیم، همان

۱۲۵ قوم (علوم اجتماعی) در کلام الله

گونه که «اصحاب سبت» [= گروهی از تبهکاران بنی اسرائیل] را دور ساختیم؛ و فرمان خدا، در هر حال انجام شدنی است!

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ(المائدة/ ۱۰)

و کسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند، اهل دوزخند.

إِنَّى أَرِيدُ أَنْ تَبُوءَ بِإِثْمِي وَإِثْمِكَ فَتَنَوَّنَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ وَذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ(المائدة/ ۲۹)

من می خواهم تو با گناه من و خودت (از این عمل) بازگردی (و بار هر دو گناه را به دوش کشی)؛ و از دوزخیان گردی. و همین است سزای ستمکاران!

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ(المائدة/ ۸۶)

و کسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند، همانها اهل دوزخند.

فُلْ أَنْدَعْنَا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يُنْفَعُنَا وَلَا يُضُرُّنَا وَتُرَدَّ عَلَى أَعْقَابِنَا بَعْدَ إِذْ هَدَانَا اللَّهُ كَلَّذِي اسْتَهْوَنَةُ الشَّيَاطِينُ فِي الْأَرْضِ حَيْرَانَ لَهُ أَصْحَابٌ يَدْعُونَهُ إِلَى الْهُدَى أَئْتَنَا قُلْ إِنَّ هَذِي اللَّهُ هُوَ الْهُدَى وَأَمِرْنَا لِنُسْلِمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ(الأنعام/ ۷۱)

بغو: «ایا غیر از خدا، چیزی را بخوانیم (و عبادت کنیم) که نه سودی به حال مال دارد، نه زیانی؛ و (به این ترتیب)، به عقب برگردیم بعد از آنکه خداوند ما را هدایت کرده است؟! همانند کسی که بر اثر وسوسه‌های شیطان، در روی زمین راه را گم کرده، و سرگردان مانده است؛ در حالی که یارانی هم دارد که او را به هدایت دعوت می‌کنند (و می‌گویند): به سوی ما بیا!» بگو: «تنها هدایت خداوند، هدایت است؛ و ما دستور دادیم که تسليیم پروردگار عالمیان باشیم.

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا حَالَدُونَ(الأعراف/ ۳۶)

و آنها که آیات ما را تکذیب کنند، و در برابر آن تکبر ورزند، اهل دوزخند؛ جاودانه در آن خواهند ماند.

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وَسِعَهَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (الأعراف/٤٢)

و کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند - البته هیچ کس را جز به اندازه توکاناییش تکلیف نمی‌کنیم - آنها اهل بهشتند؛ و جاودانه در آن خواهند ماند.

وَنَادَى أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابَ النَّارِ أَنْ قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدْنَا رَبَّنَا حَقًّا فَهَلْ وَجَدْنُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا قَالُوا نَعَمْ فَأَذْنَنَّ مُؤْذِنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ (الأعراف/٤٤)

و بهشتیان دوزخیان را صدا می‌زنند که: «آنچه را پروردگارمان به ما وعده داده بود، همه را حق یافتیم؛ آیا شما هم آنچه را پروردگارتان به شما وعده داده بود حق یافتید؟!» در این هنگام، ندادهنهای در میان آنها ندا می‌دهد که: «لعنت خدا بر ستمگران باد!

وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى الْأَغْرَافِ رِجَالٌ يَعْرُفُونَ كُلًا بِسِيمَاهُمْ وَنَادُوا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَمْ يَدْخُلُوهَا وَهُمْ يَطْمَعُونَ (الأعراف/٤٦)

و در میان آن دو [= بهشتیان و دوزخیان]، حجابی است؛ و بر «اعراف» مردانی هستند که هر یک از آن دو را از چهره‌شان می‌شناسند؛ و به بهشتیان صدا می‌زنند که: «درود بر شما باد!» اما داخل بهشت نمی‌شوند، در حالی که امید آن را دارند.

وَإِذَا صُرِفتُ أَبْصَارُهُمْ تَلَقَّأَ أَصْحَابُ النَّارِ قَالُوا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (الأعراف/٤٧)

و هنگامی که چشمشان به دوزخیان می‌افتد می‌گویند: «پروردگار! ما را با گروه ستمگران قرار مدها!»

وَنَادَى أَصْحَابُ الْأَغْرَافِ رِجَالًا يَعْرُفُونَهُمْ بِسِيمَاهُمْ قَالُوا مَا أَغْنَى عَنْكُمْ جَمْعُكُمْ وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ (الأعراف/٤٨)

و اصحاب اعراف، مردانی (از دوزخیان را) که از سیماشان آنها را می‌شناسند، صدای زنند و می‌گویند: «(دیدید که) گردآوری شما (از مال و ثروت و آن و فرزند) و تکبرهای شما، به حالتان سودی نداد!»

وَنَادَى أَصْحَابُ النَّارِ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ أَفِيضُوا عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ أَوْ مِمَّا رَزَقْنَا اللَّهُ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ خَرَّمَهُمَا عَلَى الْكَافِرِينَ (الأعراف / ۵۰)

و دوزخیان، بهشتیان را صدا می‌زنند که: «(محبت کنید) و مقداری آب، یا از آنچه خدا به شما روزی داده، به ما ببخشید!» آنها (در پاسخ) می‌گویند: «خداآوند اینها را بر کافران حرام کرده است!»

أَلْمَ يَأْتِهِمْ تَبَأْ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَوْمٌ نُوحٌ وَعَادٍ وَثَمُودٍ وَقَوْمٌ إِبْرَاهِيمَ وَأَصْحَابُ مَدْيَنَ وَالْمُؤْتَفِكَاتِ أَتَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنفَسَهُمْ يَظْلِمُونَ (التوبه / ۷۰)

آیا خبر کسانی که پیش از آنها بودند، به آنان نرسیده است؟! «قوم نوح» و «عاد» و «ثمود» و «قوم ابراهیم» و «اصحاب مدین» [= قوم شعیب] و «شهرهای زیر و رو شده» [= قوم لوط]، پیامبرانشان دلایل روشن برای آنان آوردند، (ولی نپذیرفتند؛ خداوند به آنها ستم نکرد، اما خودشان بر خویشتن ستم می‌کردند!

مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أُولَى قُرْبَى مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ (التوبه / ۱۳)

برای پیامبر و مؤمنان، شایسته نبود که برای مشرکان (از خداوند) طلب آمرزش کنند، هر چند از نزدیکانشان باشند؛ (آن هم) پس از آنکه بر آنها روشن شد که این گروه، اهل دوزخند!

لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَى وَرَبِّيَادَهُ وَلَا يَرْهُقُ وُجُوهُهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذَلَّهُ أَوْلَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا حَالِدُونَ (يونس / ۲۶)

کسانی که نیکی کردند، پاداش نیک و افزون بر آن دارند؛ و تاریکی و ذلت، چهره‌هایشان را نمی‌پوشاند؛ آنها اهل بهشتند، و جاودانه در آن خواهند ماند.

وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَرَأَهُ سَيِّئَاتٍ بِمِثْلِهَا وَتَرْهُفُهُمْ ذِلَّةٌ مَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ غَاصِمٍ كَانُوا أَغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ قِطْعًا مِنَ اللَّيلِ مُظْلِمًا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (یونس/۲۷)

اما کسانی که مرتكب گناهان شدند، جزای بدی بمقدار آن دارند؛ و ذلت و خواری، چهره آنان را می‌پوشاند؛ و هیچ چیز نمی‌تواند آنها را از (مجازات) خدا نگه دارد! (چهره‌هایشان آنچنان تاریک است که) گویی با پاره‌هایی از شب تاریک، صورت آنها پوشیده شده! آنها اهل دوزخند؛ و جاودانه در آن خواهند ماند!

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَخْبَتُوا إِلَى رَبِّهِمْ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (هود/۲۳)

کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند و در برابر پروردگارشان خضعو و خشوع کردند، آنها اهل بهشتند؛ و جاودانه در آن خواهند ماند!

وَإِنْ تَعْجَبْ فَعَجَبْ قَوْلُهُمْ إِذَا كُنَّا تُرَايَا إِنَّا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ الْأَغْلَالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (الرعد/۵)

و اگر (از چیزی) تعجب می‌کنی، عجیب گفتار آنهاست که می‌گویند: «آیا هنگامی که ما خاک شدیم، (بار دیگر زنده می‌شویم و) به خلقت جدیدی بازمی‌گردیم؟!» آنها کسانی هستند که به پروردگارشان کافر شده‌اند؛ و آنان غل و زنجیرها در گردنشان است؛ و آنها اهل دوزخند، و جاودانه در آن خواهند ماند!

وَإِنْ كَانَ أَصْحَابُ الْأَيْكَهُ لَظَالِمِينَ (الحجر/۷۸)

«اصحاب الأیکه» [= صاحبان سرزمهنهای پردرخت = قوم شعیب] مسلمما قوم ستمنگری بودند!

وَلَقَدْ كَذَبَ أَصْحَابُ الْحِجْرِ الْمُرْسَلِينَ (الحجر/۸۰)

۱۲۹ قوم (علوم اجتماعی) در کلام الله

و «اصحاب حجر» [= قوم ثمود] پیامبران را تکذیب کردند!

أمَّ حَسِيبَتْ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَّبًا(الكهف/۹)

آیا گمان کردی اصحاب کهف و رقیم از آیات عجیب ما بودند؟!

فَلْ كُلُّ مُتَرَبِّصٍ فَتَرَبَّصُوا فَسَتَّلَمُونَ مِنْ أَصْحَابُ الصَّرَاطِ السُّوَى وَمَنِ

اهتَدَى(طه/۱۳۵)

بگو: «همه (ما و شما) در انتظاریم! (ما در انتظار وعده پیروزی، و شما در انتظار شکست ما!) حال که چنین است، انتظار بکشید! اما بزودی می‌دانید چه کسی از اصحاب صراط مستقیم، و چه کسی هدایت یافته است!

وَأَصْحَابُ مَدْيَنَ وَكُذَّبَ مُوسَى فَأَمْلَيْتُ لِلْكَافِرِينَ ثُمَّ أَخْذَتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ

نَكِيرٌ(الحج/۴۴)

و اصحاب مدین (قوم شعیب)، و نیز موسی (از سوی فرعونیان) تکذیب شد؛ اما من به کافران مهلت دادم، سپس آنها را مجازات کردم. دیدی چگونه (عمل آنها را) انکار نمودم (و چگونه به آنان پاسخ گفتم)؟!

وَالَّذِينَ سَعَوا فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أَوْئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ(الحج/۵۱)

و آنها که در (محو) آیات ما تلاش کردند، و چنین می‌پنداشتند که می‌توانند بر اراده حتمی ما غالب شوند، اصحاب دوز خند!»

أَصْحَابُ الْجَنَّةِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مُسْتَقْرًّا وَأَحْسَنَ مَقِيلًا(الفرقان/۲۴)

بهشتیان در آن روز قرارگاهشان از همه بهتر، و استراحتگاهشان نیکوتر است!

وَعَادًا وَثَمُودًا وَأَصْحَابَ الرَّسْ وَقُرُونًا بَيْنَ ذَلِكَ كَثِيرًا(الفرقان/۳۸)

(همچنین) قوم عاد و ثمود و اصحاب الرس [= گروهی که درختان صنوبر را می‌پرستیدند] و اقوام بسیار دیگری را که در این میان بودند، هلاک کردیم!

فَلَمَّا تَرَاهُ الْجَمْعَانِ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَى إِنَّا لَمُذْرُكُونَ(الشعراء/۶۱)

هنگامی که دو گروه یکدیگر را دیدند، یاران موسی گفتند: «ما در چنگال فرعونیان گرفتار شدیم!»

کَذَبٌ أَصْحَابُ الْأَيَّكَةِ الْمُرْسَلِينَ (الشعراء/١٧٦)

اصحاب ایکه [= شهری نزدیک مدین] رسولان (خدا) را تکذیب کردند.

فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَصْحَابَ السَّفِينَةِ وَجَعَلْنَاهَا آيَةً لِلْغَالِمِينَ (العنکبوت/١٥)

ما او و سرنشینان کشتی را رهایی بخشیدیم، و آن را آیتی برای جهانیان قرار دادیم!

إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًا إِنَّمَا يَدْعُو حِزْبَهُ لِيُكُوْنُوا مِنْ أَصْحَابِ
السَّعِيرِ (فاطر/٤)

البته شیطان دشمن شمامست، پس او را دشمن بدانید، او فقط حزبیش را به این دعوت می‌کند که اهل آتش سوزان (جهنم) باشند!

وَأَضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ (یس/١٣)

و برای آنها، اصحاب قریه (انطاکیه) را مثال بزن هنگامی که فرستادگان خدا به سوی آنان آمدند؛

إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْأَيُّومَ فِي شُغْلٍ فَاكِهُونَ (یس/٥٥)

بهشتیان، امروز به نعمتهاخدا مشغول و مسرورند.

وَتَمُودُ وَقَوْمٌ لُوطٌ وَأَصْحَابُ الْأَيَّكَةِ أُولَئِكَ الْأَحْزَابُ (ص/١٣)

و (نیز) قوم ثمود و لوط و اصحاب ایکه [= قوم شعیب]، اینها احزابی بودند (که به تکذیب پیامبران برخاستند)!

وَإِذَا مَسَ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِنْهُ نَسِيَ مَا كَانَ يَدْعُو إِلَيْهِ
مِنْ قَبْلٍ وَجَعَلَ لِلَّهِ أَنْدَادًا لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِهِ قُلْ تَمَسَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا إِنَّكَ مِنْ أَصْحَابِ
النَّارِ (الزمر/٨)

هنگامی که انسان را زیانی رسد، پروردگار خود را می‌خواند و بسوی او باز می‌گردد؛ اما هنگامی که نعمتی از خود به او عطا کند، آنچه را به خاطر آن قبلًا خدا را می‌خواند از یاد می‌برد و برای خداوند همتایانی قرارمی‌دهد تا مردم را از راه او منحرف سازد؛ بگو: «چند روزی از کفرت بهره‌گیر که از دوزخیانی!»

وَكَذِلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ أَصْحَابُ النَّارِ(غافر/٤)

و این گونه فرمان پروردگارت درباره کسانی که کافر شدند مسلم شده که آنها همه اهل آتشند!

لَا جَرَمَ أَنَّمَا تَدْعُونَنِي إِلَيْهِ لَيْسَ لَهُ دَعْوَةٌ فِي الدُّنْيَا وَلَا فِي الْآخِرَةِ وَأَنَّ مَرَدَّنَا إِلَى اللَّهِ وَأَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ(غافر/٤٣)

قطعاً آنچه مرا بسوی آن می‌خوانید، نه دعوت (و حاکمیتی) در دنیا دارد و نه در آخرت؛ و تنها بازگشت ما در قیامت بسوی خداست؛ و مسرفان اهل آتشند!

أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا جَزَاءٌ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ(الأحقاف/١٤)

آنها اهل بهشتند و جاودانه در آن می‌مانند؛ این پاداش اعمالی است که انجام می‌دادند.

أُولَئِكَ الَّذِينَ نَتَقَبَّلُ عَنْهُمْ أَخْسَنَ مَا عَمِلُوا وَتَنَجَاوَرُ عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ فِي أَصْحَابِ الْجَنَّةِ

وَعَدَ الصَّدِيقُ الَّذِي كَانُوا يَوْغَدُونَ(الأحقاف/١٦)

آنها کسانی هستند که ما بهترین اعمالشان را قبول می‌کنیم و از گناهانشان می‌گذریم و در میان بهشتیان جای دارند؛ این وعده راستی است که وعده داده می‌شدند.

كَذَبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمٌ نُوحٍ وَأَصْحَابُ الرَّسُّ وَنَمُودُ(ق/١٢)

پیش از آنان قوم نوح و «اصحاب الرس» [= قومی که در یمامه زندگی می‌کردند و پیامبری به نام حنظلله داشتند] و قوم ثمود (پیامبرانشان را) تکذیب کردند،

وَأَصْحَابُ الْأَيْكَهِ وَقَوْمُ تَبَعٍ كُلُّ كَذَبَ الرَّسُّلَ حَقْقٌ وَعِيدٌ(ق/١٤)

و «اصحاب الايكه» [= قوم شعیب] و قوم تبع (که در سرزمین یمن زندگی می‌کردند)، هر یک از آنها فرستادگان الهی را تکذیب کردند و وعده عذاب درباره آنان تحقق یافت!

فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا دُنْوًا مِثْلَ دُنْوَبِ أَصْحَابِهِمْ فَلَا يُسْتَغْلِلُونَ(الذاريات/۵۹)

و برای کسانی که ستم کردند، سهم بزرگی از عذاب است همانند سهم یارانشان (از اقوام ستمگر پیشین)؛ بنابر این عجله نکنند!

فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ(الواقعة/۸)

(نخست) سعادتمندان و خجستگان (هستند)؛ چه سعادتمندان و خجستگانی!

وَأَصْحَابُ الْمَشَأْمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشَأْمَةِ(الواقعة/۹)

گروه دیگر شقاوتمندان و شومانند، چه شقاوتمندان و شومانی!

وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ(الواقعة/۲۷)

و اصحاب یمین و خجستگان، چه اصحاب یمین و خجستگانی!

لِأَصْحَابِ الْيَمِينِ(الواقعة/۳۸)

اینها همه برای اصحاب یمین است،

وَأَصْحَابُ الشَّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشَّمَالِ(الواقعة/۴۱)

و اصحاب شمال، چه اصحاب شمالی (که نامه اعمالشان به نشانه جرمشان به دست چپ آنها داده می شود)!

وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ(الواقعة/۹۰)

اما اگر از اصحاب یمین باشد،

فَسَلَامٌ لَكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ(الواقعة/۹۱)

(به او گفته می شود): سلام بر تو از سوی دوستانت که از اصحاب یمینند!

وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّدِيقُونَ وَالشَّهِدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ أَجْرُهُمْ وَتُورُهُمْ

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ(الحديد/۱۹)

کسانی که به خدا و رسولانش ایمان آورده‌ند، آنها صدیقین و شهدا نزد پروردگارشانند؛ برای آنان است پاداش (اعمال)شان و نور (ایمان)شان؛ و کسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند، آنها دوزخیانند.

لَنْ تُغْنِي عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أُولَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ^(المجادلة/١٧)

هرگز اموال و اولادشان آنها را از عذاب الهی حفظ نمی‌کند؛ آنها اهل آتشند و جاودانه در آن می‌مانند!

لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفَائِزُونَ^(الحشر/٢٠)

هرگز دوزخیان و بهشتیان یکسان نیستند؛ اصحاب بهشت رستگار و پیروزند!
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا عَضِيبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قُدُّمٌ يَسِّعُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَسِّعُ
الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُوْرِ^(المتحنة/١٣)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! با قومی که خداوند آنان را مورد غضب قرار داده دوستی نکنید؛ آنان از آخرت مأیوسند همان‌گونه که کفار مدفون در قبرها مأیوس می‌باشند!
وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا وَبِئْسَ
الْمَصِيرُ^(التغابن/١٠)

اما کسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند اصحاب دوزخند، جاودانه در آن می‌مانند، و (سرانجام آنها) سرانجام بدی است!

وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ^(الملک/١٠)

و می‌گویند: «اگر ما گوش شنوا داشتیم یا تعقل می‌کردیم، در میان دوزخیان نبودیم!»
فَاغْتَرَّفُوا بِذَنْبِهِمْ فَسُحْقًا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ^(الملک/١١)

اینجاست که به گناه خود اعتراف می‌کنند؛ دور باشند دوزخیان از رحمت خدا!
إِنَّا بِلُؤْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ^(القلم/١٧)

ما آنها را آزمودیم، همان گونه که «صاحبان باغ» را آزمایش کردیم، هنگامی که سوگند یاد کردند که میوه‌های باغ را صحبت‌گاهان (دور از چشم مستمندان) بچینند.

وَمَا جَعْلَنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مُلَائِكَةً وَمَا جَعْلَنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِّلَّذِينَ كَفَرُوا لِيُسْتَقِيقُنَّ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ وَبِزُدَادِ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا وَلَا يُرْتَابَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ وَالْمُؤْمِنُونَ وَلِيُقُولُ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْكَافِرُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهِمْ ذَلِكَ يَضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَمَا يَعْلَمُ جُنُودُ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْبَشَرِ (المدثر/ ۳۱)

مأموران دوزخ را فقط فرشتگان (عداب) قرار دادیم، و تعداد آنها را جز برای آزمایش کافران معین نکردیم تا اهل کتاب [= یهود و نصاری] یقین پیدا کنند و بر ایمان مؤمنان بیفزاید، و اهل کتاب و مؤمنان (در حقانیت این کتاب آسمانی) تردید به خود راه ندهند، و بیماردلان و کافران بگویند: «خدا از این توصیف چه منظوری دارد؟!» (آری) این گونه خداوند هر کس را بخواهد گمراه می‌سازد و هر کس را بخواهد هدایت می‌کند! و لشکریان پروردگارت را جز او کسی نمی‌داند، و این جز هشدار و تذکری برای انسانها نیست!

إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ (المدثر/ ۳۹)

مگر «اصحاب یمین» (که نامه اعمالشان را به نشانه ایمان و تقویاشان به دست راستشان می‌دهند)!

فَتَلَ أَصْحَابُ الْأَخْدُودِ (البروج/ ۴)

مرگ بر شکنجه‌گران صاحب گودال (آتش)،

أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمَيَمَنَةِ (البلد/ ۱۸)

آنها «اصحاب یمین»‌اند (که نامه اعمالشان را به دست راستشان می‌دهند)!

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشَأْمَةِ (البلد/ ۱۹)

و کسانی که آیات ما را انکار کرده‌اند افرادی شومند (که نامه اعمالشان به دست چپشان داده می‌شود).

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَللَّهُ تَعَالَى كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفَيْلِ (الفيل/١)

آیا ندیدی پروردگارت با فیل سواران [= لشکر ابرهه که برای نابودی کعبه آمده بودند]
چه کرد؟!

حزب در کلام الله

وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ (المائدة/٥٦)

و کسانی که ولایت خدا و پیامبر او و افراد بایمان را بپذیرند، پیروزند؛ (زیرا) حزب و جمعیت خدا پیروز است.

ثُمَّ بَعْثَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصَى لِمَا لَيْسُوا أَمْدَاءِ (الكهف/١٢)

سپس آنان را برانگیختیم تا بدانیم (و این امر آشکار گردد که) کدام یک از آن دو گروه، مدت خواب خود را بهتر حساب کرده‌اند.

فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زَبْرًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ (المؤمنون/٥٣)

اما آنها کارهای خود را در میان خویش به پراکندگی کشاندند، و هر گروهی به راهی رفتند؛ (و عجب اینکه) هر گروه به آنچه نزد خود دارند خوشحالند!

مِنَ الَّذِينَ قَرَفُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ (الروم/٣٢)

از کسانی که دین خود را پراکنده ساختند و به دسته‌ها و گروه‌ها تقسیم شدند! و (عجب اینکه) هر گروهی به آنچه نزد آنهاست (دلبسته) و خوشحالند!

إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُو حِزْبَهُ لِيُكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ

السَّعِيرِ (فاتاطر/٤)

البته شیطان دشمن شمامست، پس او را دشمن بدانید؛ او فقط حزبیش را به این دعوت می‌کند که اهل آتش سوزان (جهنم) باشند!

اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنْسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أَوْلَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ إِلَّا إِنَّ حِزْبَ
الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ (المجادلة/۱۹)

شیطان بر آنان مسلط شده و یاد خدا را از خاطر آنها برده؛ آنان حزب شیطانند! بدانید
حزب شیطان زیانکاراند!

لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يَوَادُونَ مَنْ حَادَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا أَبْأَاءَهُمْ أُوْ
أَبْنَاءَهُمْ أُوْ إِخْوَانَهُمْ أُوْ عَشِيرَاتَهُمْ أَوْلَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيْدِيهِمْ بِرُوحٍ مِنْهُ
وَيَدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ حَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ
أَوْلَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ إِلَّا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (المجادلة/۲۲)

هیچ قومی را که ایمان به خدا و روز رستاخیز دارند نمی‌یابی که با دشمنان خدا و رسولش دوستی کنند، هر چند پدران یا فرزندان یا برادران یا خویشاوندانشان باشند؛ آنان کسانی هستند که خدا ایمان را بر صفحه دلهایشان نوشته و با روحی از ناحیه خودش آنها را تقویت فرموده، و آنها را در باغهایی از بهشت وارد می‌کند که نهرها از زیر (درختانش) جاری است، جاودانه در آن می‌مانند؛ خدا از آنها خشنود است، و آنان نیز از خدا خشنودند؛ آنها «حزب الله»‌اند؛ بدانید «حزب الله» پیروزان و رستگاراند.

احزاب در کلام الله

أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَيَتَلَوُهُ شَاهِدٌ مِنْهُ وَمَنْ قَبْلِهِ كِتَابٌ مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً
أَوْلَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرُ بِهِ مِنَ الْأَحْزَابِ فَالنَّارُ مَوْعِدُهُ فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِنْهُ إِنَّهُ
الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ (هود/۱۷)

آیا آن کس که دلیل آشکاری از پروردگار خویش دارد، و بدنیال آن، شاهدی از سوی او می‌باشد، و پیش از آن، کتاب موسی که پیشوا و رحمت بود (گواهی بر آن می‌دهد، همچون کسی است که چنین نباشد؟! آنها [= حق طلبان و حقیقت‌جویان] به او (که دارای این ویژگیهای است)، ایمان می‌آورند! و هر کس از گروه‌های مختلف به او کافر

شود، آتش و عده‌گاه اوست! پس، تردیدی در آن نداشته باش که آن حق است از بروزدگارت! ولی بیشتر مردم ایمان نمی‌آورند!

وَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَفْرَحُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمِنَ الْأَحْزَابِ مَنْ يُنْكِرُ بَعْضَهُ قُلْ إِنَّمَا أَمْرُتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ وَلَا أُشْرِكَ بِهِ إِلَيْهِ أَدْعُو وَإِلَيْهِ مَا أَبِ (الرعد/۳۶)

کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده‌ایم، از آنچه بر تو نازل شده، خوشحالند؛ و بعضی از احزاب (و گروه‌ها)، قسمتی از آن را انکار می‌کنند؛ بگو: «من مأمورم که «الله» را پرسیم؛ و شریکی برای او قائل نشوم! به سوی او دعوت می‌کنم؛ و بازگشت من بسوی اوقت!»

فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَسْهُدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ (مریم/۳۷)
ولی (بعد از او) گروه‌هایی از میان پیروانش اختلاف کردند؛ وای به حال کافران از مشاهده روز بزرگ (رس تاخیز)!

يَخْسِبُونَ الْأَحْزَابَ لَمْ يَذْهِبُوا وَإِنْ يَأْتِ الْأَحْزَابُ يَوْدُوا لَوْ أَنَّهُمْ بَادُونَ فِي الْأَعْرَابِ
يَسَّالُونَ عَنْ أَنْبَائِكُمْ وَأَوْ كَانُوا فِي كُمْ مَا قَاتَلُوا إِلَّا قَلِيلًا (الأحزاب/۲۰)
آنها گمان می‌کنند هنوز لشکر احزاب نرفته‌اند؛ و اگر برگردند (از ترس آنان) دوست می‌دارند در میان اعراب بادیه‌نشین پراکنده (و پنهان) شوند و از اخبار شما جویا گردند؛ و اگر در میان شما باشند جز اندکی پیکار نمی‌کنند!

وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادُهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا (الأحزاب/۲۲)

(اما) مؤمنان وقتی لشکر احزاب را دیدند گفتند: «این همان است که خدا و رسولش به ما وعده داده، و خدا و رسولش راست گفته‌اند!» و این موضوع جز بر ایمان و تسلیم آنان نیفزود.

جُنْدُ مَا هَنَالِكَ مَهْزُومٌ مِّنَ الْأَحْزَابِ (ص/۱۱)

(آری) اینها لشکر کوچک شکست خورده‌ای از احزابند!

وَثَمُودٌ وَقَوْمٌ لُوطٌ وَاصْحَابُ الْأَيْكَةِ أُولَئِكَ الْأَحْزَابُ(ص/۱۳)

و (نیز) قوم ثمود و لوط و اصحاب الایکه [= قوم شعیب]، اینها احزابی بودند (که به تکذیب پیامبران برخاستند)!

كَذَّبُتْ فَلَبِّهِمْ قَوْمُ نُوحٍ وَالْأَحْزَابُ مِنْ بَعْدِهِمْ وَهُمْتَ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ وَجَادُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ فَأَخْذَتْهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابُ(غافر/۵)

پیش از آنها قوم نوح و اقوامی که بعد از ایشان بودند (پیامبرانشان را) تکذیب کردند؛ و هر امته در پی آن بود که توطئه کند و پیامبرش را بگیرد (و آزار دهد)، و برای محو حق به مجادله باطل دست زدند؛ اما من آنها را گرفتم (و سخت مجازات کردم)؛ بین که مجازات من چگونه بود!

وَقَالَ اللَّهُ أَمَنَ يَا قَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ مِثْلَ يَوْمِ الْأَحْزَابِ(غافر/۳۰)

آن مرد بایمان گفت: «ای قوم من! من بر شما از روزی همانند روز (عذاب) اقوام پیشین بیمناکم!

فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْيِمِ(الزخرف/۴۵)
ولی گروههایی از میان آنها (درباره مسیح) اختلاف کردند (و بعضی او را خدا پنداشتند)؛ وای بر کسانی که ستم کردند از عذاب روزی دردناک!

عشیره در کلام الله

قُلْ إِنْ كَانَ آباؤكُمْ وَأَبْناؤكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَرْوَاحُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالُ افْتَرَقْتُمُوهَا وَتِجَارَةُ تَخْشَونَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ(التوبه/۲۴)

بگو: «اگر پدران و فرزندان و برادران و همسران و طایفه شما، و اموالی که به دست آوردهاید، و تجاری که از کساد شدنش میترسید، و خانه هائی که به آن علاقه دارید،

در نظرخان از خداوند و پیامبرش و جهاد در راهش محبوبتر است، در انتظار باشد که خداوند عذابش را بر شما نازل کند؛ خداوند جمعیت نافرمانبردار را هدایت نمی‌کند!

يَدْعُو لَمَنْ ضَرَّهُ أَقْرَبُ مِنْ نَفْعِهِ لِبِئْسَ الْمَوَىٰ وَلِبِئْسَ الْعَشِيرُ (الحج/۱۳)

او کسی را می‌خواند که زیانش از نفعش نزدیکتر است؛ چه بد مولا و یاوری، و چه بد مونس و معاشری!

وَأَنْدَرَ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ (الشعراء/۲۱۴)

و خویشاوندان نزدیکت را انداز کن!

لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يَوَادُونَ مَنْ حَادَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أَوْ لَيْكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيْدِهِمْ بِرُوحٍ مِنْهُ وَيَدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ حَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أَوْ لَيْكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (المجادلة/۲۲)

هیچ قومی را که ایمان به خدا و روز رستاخیز دارند نمی‌یابی که با دشمنان خدا و رسولش دوستی کنند، هر چند پدران یا فرزندان یا برادران یا خویشاوندانشان باشند؛ آنان کسانی هستند که خدا ایمان را بر صفحه دلهایشان نوشته و با روحی از ناحیه خودش آنها را تقویت فرموده، و آنها را در باگهایی از بهشت وارد می‌کند که نهراها از زیر (درختانش) جاری است، جاودانه در آن می‌مانند؛ خدا از آنها خشنود است، و آنان نیز از خدا خشنودند؛ آنها «حزب الله»‌اند؛ بدایید «حزب الله» پیروزان و رستگارانند.

خلد در کلام الله

وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهُثُ أَوْ تَسْرُكُهُ يَلْهُثُ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَأَفْصَصُ الْفَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (الأعراف/۱۷۶)

و اگر می خواستیم، (مقام) او را با این آیات (و علوم و دانشها) بالا می بردیم؛ (اما اجبار، بر خلاف سنت ماست؛ پس او را به حال خود رها کردیم) و او به پستی گرایید، و از هوای نفس پیروی کرد! مثل او همچون سگ (هار) است که اگر به او حمله کنی، دهانش را باز، و زبانش را برون می آورد، و اگر او را به حال خود واگذاری، باز همین کار را می کند؛ (گویی چنان تشنۀ دنیاپرستی است که هرگز سیراب نمی شودا (این مثل گروهی است که آیات ما را تکذیب کردند؛ این داستانها را (برای آنها) بازگو کن، شاید بیندیشند (و بیدار شوند)!

ثُمَّ قِيلَ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا دُؤْلُوا عَذَابَ الْخُلْدِ هُلْ تُجَرَّوْنَ إِلَّا بِمَا كَنْتُمْ تَكْسِيْعُونَ (يونس/٥٢)

سپس به کسانی که ستم کردند گفته می شود: عذاب ابدی را بچشید! آیا جز به آچه انجام می دادید کیفر داده می شوید؟!»

فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدُمْ هُلْ أَذْكَرَ عَلَى شَجَرَةِ الْخَلْدِ وَمَلِكٌ لَا يَبْلُى (طه/١٢٠)

ولی شیطان او را وسوسه کرد و گفت: «ای آدم! آیا می خواهی تو را به درخت زندگی جاوید، و ملکی بی زوال راهنمایی کنم؟!»

وَمَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِنْ قَبْلِكَ الْخُلْدَ إِلَّا إِنْ مِتَ فَهُمُ الْخَالِدُونَ (الأنبياء/٣٤)

پیش از تو (نیز) برای هیچ انسانی جاودانگی قرار ندادیم؛ (وانگهی آنها که انتظار مرگ تو را می کشند)، آیا اگر تو بمیری، آنان جاوید خواهند بود؟!

فَلْ أَذْكَرْ خَيْرًا مِنْ جَنَّةَ الْخُلْدِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقِنُونَ كَانَتْ لَهُمْ جَزَاءً وَمَصِيرًا (الفرقان/١٥)

(ای پیامبر!) بگو: «آیا این بهتر است یا بهشت جاویدانی که به پرهیزگاران وعده داده شده؟! بهشتی که پاداش اعمال آنها، و قرارگاهشان است.»

يَضَاعِفُ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدُ فِيهِ مُهَاجِنًا (الفرقان/٦٩)

عذاب او در قیامت مضاعف می گردد، و همیشه با خواری در آن خواهد ماند!

۱۴۱ قوم (علوم اجتماعی) در کلام الله

وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعْلَكُمْ تَخْلُدُونَ (الشعراء/۱۲۹)

و قصرها و قلعه‌های زیبا و محکم بنا می‌کنید شاید در دنیا جاودانه بمانید؟!
فَدُوقُوا بِمَا نَسِيَّتُمْ لِقاءً يُؤْمِكُمْ هَذَا إِنَّا نَسِيَّنَاكُمْ وَدُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (السجده/۱۴)

(و به آنها می‌گوییم): بچشید (عذاب جهنم را)! بخارط اینکه دیدار امروزتان را فراموش کردید، ما نیز شما را فراموش کردیم؛ و بچشید عذاب جاودان را به خاطر اعمالی که انجام می‌دادید!

ذَلِكَ جَرَاءَ أَعْدَاءِ اللَّهِ النَّارُ لَهُمْ فِيهَا دَارُ الْخُلْدِ جَرَاءَ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ (فصلت/۲۸)

این آتش کیفر دشمنان خدا است، سرای جاویدشان در آن خواهد بود، کیفری است بخارط اینکه آیات ما را انکار می‌کردند.

يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانُ مُخَلَّدُونَ (الواقعة/۱۷)

نوجوانانی جاودان (در شکوه و طراوت) پیوسته گردانگرد آنان می‌گردند،
وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانُ مُخَلَّدُونَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَنْثُورًا (الإنسان/۱۹)
و بر گردشان (برای پذیرایی) نوجوانانی جاودانی می‌گردند که هرگاه آنها را ببینی گمان می‌کنی مروارید پراکنده‌اندا!

يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أُخْلَدَهُ (الهمزة/۳)

او گمان می‌کند که اموالش او را جاودانه می‌سازد!

خالد و مشتقاتش در کلام الله

وَبِشَّرَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَاحَتِ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأَتُوا بِهِ مُتَشَابِهًًا وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطْهَرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (آل‌بقرة/۲۵)

به کسانی که ایمان آورده، و کارهای شایسته انجام داده‌اند، بشرط ده که با غهایی از بهشت برای آنهاست که نهرها از زیر درختانش جاریست. هر زمان که میوه‌ای از آن، به آنان داده شود، می‌گویند: «این همان است که قبلاً به ما روزی داده شده بود.(ولی اینها چقدر از آنها بهتر و عالیتر است).» و میوه‌هایی که برای آنها آورده می‌شود، همه از نظر خوبی و زیبایی) یکسانند. و برای آنان همسرانی پاک و پاکیزه است، و جاودانه در آن خواهند بود.

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (آل‌بقرة/۳۹)

و کسانی که کافر شدند، و آیات ما را دروغ پنداشتند اهل دوزخند؛ و همیشه در آن خواهند بود.

بَلَى مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (آل‌بقرة/۸۱)

آری، کسانی که کسب گناه کنند، و آثار گناه، سراسر وجودشان را بپوشاند، آنها اهل آتشند؛ و جاودانه در آن خواهند بود.

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (آل‌بقرة/۸۲)

و آنها که ایمان آورده، و کارهای شایسته انجام داده‌اند، آنان اهل بهشتند؛ و همیشه در آن خواهند ماند.

خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَحْقَفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ (آل‌بقرة/۱۶۲)

همیشه در آن (لعن و دوری از رحمت پروردگار) باقی می‌مانند؛ نه در عذاب آنان تخفیف داده می‌شود، و نه مهلتی خواهند داشت!

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٌ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدُّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ
وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ القُتْلِ وَلَا يَرَأُونَ
يَقَاتِلُونَكُمْ حَتَّىٰ يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنْ اسْتَطَاعُوا وَمَنْ يُرَتِّدِ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيُمْتَهِنَ وَهُوَ
كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطْتُ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا
خَالِدُونَ(البقرة/۲۱۷)

از تو، در باره جنگ کردن در ماه حرام، سؤال می‌کنند؛ بگو: «جنگ در آن، (گناهی) بزرگ است؛ ولی جلوگیری از راه خدا (و گرایش مردم به آیین حق) و کفر ورزیدن نسبت به او و هتك احترام مسجد الحرام، و اخراج ساکنان آن، نزد خداوند مهمتر از آن است؛ و ایجاد فتنه، (و محیط نامساعد، که مردم را به کفر، تشویق و از ایمان بازمی‌دارد) حتی از قتل بالاتر است. و مشرکان، پیوسته با شما می‌جنگند، تا اگر بتوانند شما را از آیینتان برگردانند؛ ولی کسی که از آیینش برگردد، و در حال کفر بمیرد، تمام اعمال نیک (گذشته) او، در دنیا و آخرت، برباد می‌رود؛ و آنان اهل دوزخند؛ و همیشه در آن خواهند بود.

اللَّهُ وَلِيَ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلْمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولَئِكُمُ الطَّاغُوتُ
يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلْمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا **خَالِدُونَ**(البقرة/۲۵۷)
خداوند، ولی و سرپرست کسانی است که ایمان آورده‌اند؛ آنها را از ظلمتها، به سوی نور بیرون می‌برد. (اما) کسانی که کافر شدند، اولیای آنها طاغوتها هستند؛ که آنها را از نور، به سوی ظلمتها بیرون می‌برند؛ آنها اهل آتشند و همیشه در آن خواهند ماند.

الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَّا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسْ ذَلِكَ
بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَّا وَأَخْلَى اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَمَ الرِّبَّا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةً مِنْ رَبِّهِ
فَأَنْتَهَى فَلَهُ مَا سَأَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا
خَالِدُونَ(البقرة/۲۷۵)

کسانی که ربا می‌خورند، (در قیامت) برنمی‌خیزند مگر مانند کسی که بر اثر تماس شیطان، دیوانه شده (و نمی‌تواند تعادل خود را حفظ کند؛ گاهی زمین می‌خورد، گاهی پیا می‌خیزد). این، به خاطر آن است که گفتند: «داد و ستد هم مانند ربا است (و تفاوتی میان آن دو نیست).» در حالی که خدا بیع را حلال کرده، و ربا را حرام! (زیرا فرق میان این دو، بسیار است). و اگر کسی اندرز الهی به او رسد، و (از رباخواری) خودداری کند، سودهایی که در سابق [= قبل از نزول حکم تحريم] به دست آورده، مال اوست؛ (و این حکم، گذشته را شامل نمی‌گردد؛) و کار او به خدا و اگذار می‌شود؛ (و گذشته او را خواهد بخشید). اما کسانی که بازگردند (و بار دیگر مرتكب این گناه شوند)، اهل آتشند؛ و همیشه در آن می‌مانند.

**فَلْ أَوْبِئُكُمْ بِخَيْرٍ مِّنْ ذَلِكُمْ لِلَّذِينَ أَتَقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
خَالِدِينَ فِيهَا وَأَرْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ** (آل عمران/۱۵)

بگو: «آیا شما را از چیزی آگاه کنم که از این (سرمایه‌های مادی)، بهتر است؟» برای کسانی که پرهیزگاری پیشه کرده‌اند، (و از این سرمایه‌ها، در راه مشروع و حق و عدالت، استفاده می‌کنند)، در نزد پروردگارشان (در جهان دیگر)، باغهایی است که نهرها از پای درختانش می‌گذرد؛ همیشه در آن خواهند بود؛ و همسرانی پاکیزه، و خشنودی خداوند (نصیب آنهاست). و خدا به (امور) بندگان، بیناست.

خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَحْفَفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ (آل عمران/۸۸)

همواره در این لعن (و طرد و نفرین) می‌مانند؛ مجازاتشان تخفیف نمی‌یابد؛ و به آنها مهلت داده نمی‌شود.

وَأَمَّا الَّذِينَ أَبْيَضُتُ وُجُوهُهُمْ فَفِي رَحْمَةِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (آل عمران/۱۰۷)

و اما آنها که چهره‌هایشان سفید شده، در رحمت خداوند خواهند بود؛ و جاودانه در آن می‌مانند.

۱۴۵ قوم (علوم اجتماعی) در کلام الله

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُعْنِي عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أُولَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ
هُمْ فِيهَا حَالِدُونَ (آل عمران/۱۱۶)

کسانی که کافر شدند، هرگز نمی‌توانند در پناه اموال و فرزندانشان، از مجازات خدا در امان بمانند! آنها اصحاب دوزخند؛ و جاودانه در آن خواهند ماند.

أُولَئِكَ جَزَاؤُهُمْ مَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَجَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ حَالِدِينَ فِيهَا وَنِعْمَ
أَجْرٌ الْغَامِلِينَ (آل عمران/۱۳۶)

آنها پاداششان آمرزش پروردگار، و بهشتهایی است که از زیر درختانش، نهرها جاری است؛ جاودانه در آن می‌مانند؛ چه نیکو است پاداش اهل عمل!

لَكِنِ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ حَالِدِينَ فِيهَا نُزُّلًا مِنْ عِنْدِ
اللَّهِ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ لِلْأَنْبَارِ (آل عمران/۱۹۸)

ولی کسانی (که ایمان دارند،) از پروردگارشان می‌پرهیزند، برای آنها باگهایی از بهشت است، که از زیر درختانش نهرها جاری است؛ همیشه در آن خواهند بود. این، نخستین پذیرایی است که از سوی خداوند به آنها می‌رسد؛ و آنچه در نزد خداست، برای نیکان بهتر است!

تُلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَطِعُ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يَدْخُلُهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
حَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (النساء/۱۳)

اینها مرزهای الهی است؛ و هر کس خدا و پیامبرش را اطاعت کند، (و قوانین او را محترم بشمرد،) خداوند وی را در باگهایی از بهشت وارد می‌کند که همواره، آب از زیر درختانش جاری است؛ جاودانه در آن می‌مانند؛ و این، پیروزی بزرگی است؛ و منْ يَعْصِي اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يَدْخُلُهُ نَارًا حَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ
مُهِينٌ (النساء/۱۴)

و آن کس که نافرمانی خدا و پیامبرش را کند و از مرزهای او تجاوز نماید، او را در آتشی وارد می‌کند که جاودانه در آن خواهد ماند؛ و برای او مجازات خوارکندهای است.

**وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُذَخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ
فِيهَا أَبْدًا لَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَنُذَخِلُهُمْ ظِلَّاً ضَلِيلًا**(النساء/۵۷)

و کسانی که ایمان آوردهند و کارهای شایسته انجام دادند، بزودی آنها را در باگهایی از بهشت وارد می‌کنیم که نهرها از زیر درختانش جاری است؛ همیشه در آن خواهند ماند؛ و همسرانی پاکیزه برای آنها خواهد بود؛ و آنان را در سایه‌های گسترده (و فرح بخش) جای میدهیم.

**وَمَنْ يَقْتُلُ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزِاؤهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَصِيبَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَلَعْنَةُ وَأَعْذَّ لَهُ
عَذَابًا عَظِيمًا**(النساء/۹۳)

و هر کس، فرد با ایمانی را از روی عمد به قتل برساند، مجازات او دوزخ است؛ در حالی که جاودانه در آن می‌ماند؛ و خداوند بر او غضب می‌کند؛ و او را از رحمتش دور می‌سازد؛ و عذاب عظیمی برای او آمده ساخته است.

**وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُذَخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ
فِيهَا أَبْدًا وَعَدَ اللَّهِ حَقًا وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا**(النساء/۱۲۲)

و کسانی که ایمان آوردهاند و اعمال صالح انجام داده‌اند، بزودی آن را در باگهایی از بهشت وارد می‌کنیم که نهرها از زیر درختانش جاری است؛ جاودانه در آن خواهند ماند. وعده حق خداوند است و کیست که در گفتار و وعده‌هایش، از خدا صادقت

باشد؟!

إِلَّا طَرِيقَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبْدًا وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا(النساء/۱۶۹)
مگر به راه دوزخ! که جاودانه در آن خواهند ماند؛ و این کار برای خدا آسان است!

۱۴۷ قوم (علوم اجتماعی) در کلام الله

ترَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يَتَوَلَّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُنْسَأُ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنْفُسُهُمْ أَنْ سَخَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ (المائدة/ ۸۰)

بسیاری از آنها را می‌بینی که کافران (و بتپرستان) را دوست می‌دارند (و با آنها طرح دوستی می‌ریزنند)؛ نفس (سرکش) آنها، چه بد اعمالی از پیش برای (معد) آنها فرستاد! که نتیجه آن، خشم خداوند بود؛ و در عذاب (الهی) جاودانه خواهند ماند.

فَأَتَابُهُمُ اللَّهُ بِمَا قَالُوا جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ (المائدة/ ۸۵)

خداوند بخاطر این سخن، به آنها باغهایی از بهشت پاداش داد که از زیر درختانش، نهرها جاری است؛ جاودانه در آن خواهند ماند؛ و این است جزای نیکوکاران!

قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمُ يُنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقَهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبْدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (المائدة/ ۱۱۹)

خداوند می‌گوید: «امروز، روزی است که راستی راستگویان، به آنها سود می‌بخشد؛ برای آنها باغهایی از بهشت است که نهرها از زیر (درختان) آن می‌گذرد، و تا ابد، جاودانه در آن می‌مانند؛ هم خداوند از آنها خشنود است، و هم آنها از خدا خشنودند؛ این، رستگاری بزرگ است!»

وَيَوْمَ يُحْشِرُهُمْ جَمِيعًا يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ قَدِ اسْتَكْثَرْتُمْ مِنَ الْإِنْسِ وَقَالَ أُولِيَّوْهُمْ مِنَ الْإِنْسِ رَبَّنَا اسْتَمْتَعْ بَعْضُنَا بِبَعْضٍ وَبَلَغْنَا أَجْلَنَا الَّذِي أَجْلَتْ لَنَا قَالَ النَّارُ مَثْوَاكُمْ خَالِدِينَ فِيهَا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ (الأعراف/ ۱۲۸)

در آن روز که (خدا) همه آنها را جمع و محشور می‌سازد، (می‌گوید): ای جمعیت شیاطین و جن! شما افراد زیادی از انسانها را گمراه ساختید! دوستان و پیروان آنها از میان انسانها می‌گویند: «پروردگار! هر یک از ما دو گروه [= پیشوایان و پیروان گمراه] از دیگری استفاده کردیم؛ (ما به لذات هوس آلود و زودگذر رسیدیم؛ و آنها بر ما حکومت کردند؛) و به اجلی که برای ما مقرر داشته بودی رسیدیم.» (خداوند)

می گوید: «آتش جایگاه شماست؛ جاودانه در آن خواهید ماند، مگر آنچه خدا بخواهد.»
پروردگار تو حکیم و داناست.

فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبَدِّي لَهُمَا مَا وُرِى عَنْهُمَا مِنْ سَوْأَتِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رِبُّكُمَا
عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكِيْنَ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْحَالِدِيْنَ (الأعراف/ ۲۰)

سپس شیطان آن دو را وسوسه کرد، تا آنچه را از اندامشان پنهان بود، آشکار سازد؛ و
گفت: «پروردگارتان شما را از این درخت نهی نکرده مگر با خاطر اینکه (اگر از آن
بخورید)، فرشته خواهید شد، یا جاودانه (در بهشت) خواهید ماند!»

وَالَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا
خَالِدُونَ (الأعراف/ ۳۶)

و آنها که آیات ما را تکذیب کنند، و در برابر آن تکبر ورزند، اهل دوزخند؛ جاودانه در
آن خواهند ماند.

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا
خَالِدُونَ (الأعراف/ ۴۲)

و کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند - البته هیچ کس را جز به اندازه
تواناییش تکلیف نمی‌کنیم - آنها اهل بهشتند؛ و جاودانه در آن خواهند ماند.

مَا كَانَ لِلْمُسْرِكِينَ أَنْ يَعْمَرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَى أَنفُسِهِمْ بِالْكُفْرِ أُولَئِكَ حَبَطَ
أَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ (التوبه/ ۱۷)

بشرکان حق ندارند مساجد خدا را آباد کنند در حالی که به کفر خویش گواهی
می‌دهند؛ آنها اعمالشان نابود (و بی‌ارزش) شده؛ و در آتش (دوزخ)، جاودانه خواهند
ماند!

خَالِدِيْنَ فِيهَا أَبْدًا إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ (التوبه/ ۲۲)

همواره و تا ابد در این باگها (و در میان این نعمتها) خواهند بود؛ زیرا پاداش عظیم نزد
خداآند است!

أَلْمٌ يَعْلَمُوا أَنَّهُ مَنْ يَحَادِدُ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ حَالِدًا فِيهَا ذَلِكَ الْخِزْيُ
الْعَظِيمُ(التوبه/۶۳)

آیا نمی‌دانند هر کس با خدا و رسولش دشمنی کند، برای او آتش دوزخ است؛ جاودانه
در آن می‌ماند؟! این، همان رسایی بزرگ است!

وَعَدَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ حَالِدِينَ فِيهَا هِيَ حَسْبُهُمْ وَلَعَنْهُمُ
اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ(التوبه/۶۸)

خداوند به مردان و زنان منافق و کفار، وعده آتش دوزخ داده؛ جاودانه در آن خواهد
ماند - همان برای آنها کافی است! - و خدا آنها را از رحمت خود دور ساخته؛ و عذاب
همیشگی برای آنهاست!

وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ حَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ
طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ وَرِضْوَانٍ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ(التوبه/۷۲)
خداوند به مردان و زنان بایمان، باغهایی از بهشت وعده داده که نهرها از زیر
درختانش جاری است؛ جاودانه در آن خواهد ماند؛ و مسکن‌های پاکیزه‌ای در
بهشت‌های جاودان (نصیب آنها ساخته)؛ و (خشندودی و) رضای خدا، (از همه اینها) برتر
است؛ و پیروزی بزرگ، همین است!

أَعْدَ اللَّهُ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ حَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ الْفَوْزُ
الْعَظِيمُ(التوبه/۸۹)

خداوند برای آنها باغهایی از بهشت فراهم ساخته که نهرها از زیر درختانش جاری
است؛ جاودانه در آن خواهد بود؛ و این است رستگاری (و پیروزی) بزرگ!
وَالسَّيَّاَقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ
وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعْدَ اللَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ حَالِدِينَ فِيهَا أَبْدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ
الْعَظِيمُ(التوبه/۱۰۰)

پیشگامان نخستین از مهاجرین و انصار، و کسانی که به نیکی از آنها پیروی کردند، خداوند از آنها خشنود گشت، و آنها (نیز) از او خشنود شدند؛ و با غایبی از بهشت برای آنان فراهم ساخته، که نهرها از زیر درختانش جاری است؛ جاودانه در آن خواهند ماند؛ و این است پیروزی بزرگ!

لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةً وَلَا يَرْهُقُ وُجُوهُهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذَلَّةٌ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (یونس/۲۶)

کسانی که نیکی کردند، پاداش نیک و افزون بر آن دارند؛ و تاریکی و ذلت، چهره‌هایشان را نمی‌پوشاند؛ آنها اهل بهشتند، و جاودانه در آن خواهند ماند.

وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا وَتَرْهُقُهُمْ ذَلَّةٌ مَا لَهُمْ مِنْ عَاصِمٍ كَانُمَا أَعْشَيْتُ وُجُوهُهُمْ قِطْعًا مِنَ اللَّيلِ مُظْلِمًا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (یونس/۲۷)

اما کسانی که مرتكب گناهان شدند، جزای بدی بمقدار آن دارند؛ و ذلت و خواری، چهره آنان را می‌پوشاند؛ و هیچ چیز نمی‌تواند آنها را از (مجازات) خدا نگه دارد! چهره‌هایشان آنچنان تاریک است که) گویی با پاره‌هایی از شب تاریک، صورت آنها پوشیده شده! آنها اهل دوزخند؛ و جاودانه در آن خواهند ماند!

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَخْبَتُوا إِلَى رَبِّهِمْ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (هود/۲۳)

کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند و در برابر پروردگارشان خضع و خشوع کردند، آنها اهل بهشتند؛ و جاودانه در آن خواهند ماند!

خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَالٌ لِمَا يَرِيدُ (هود/۱۰۷)

جاودانه در آن خواهند ماند، تا آسمانها و زمین برپاست؛ مگر آنچه پروردگارت بخواهد! پروردگارت هر چه را بخواهد انجام می‌دهد!

وَأَمَّا الَّذِينَ سَعَدُوا فِي الْجَنَّةِ حَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرَ مَجْدُودٍ(هود/۱۰۸)

اما آنها که خوشبخت و سعادتمند شدند، جاودانه در بهشت خواهند ماند، تا آسمانها و زمین برپاست، مگر آنچه پروردگارت بخواهد! بخششی است قطع نشدنی!
وَإِنْ تَعْجِبْ فَعَجِبْ قَوْلُهُمْ إِذَا كُنَّا تُرَابًا إِنَّا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ الْأَغْلَالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَأُولَئِكَ الصَّحَابُ النَّارُ هُمْ فِيهَا حَالِدُونَ(الرعد/۵)

و اگر (از چیزی) تعجب می کنی، عجیب گفتار آنهاست که می گویند: «آیا هنگامی که ما خاک شدیم، (بار دیگر زنده می شویم و) به خلقت جدیدی بازمی گردیم؟!» آنها کسانی هستند که به پروردگارشان کافر شده‌اند؛ و آنان غل و زنجیرها در گردشان است؛ و آنها اهل دوزخند، و جاودانه در آن خواهند ماند!

وَأَذْخِلَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ حَالِدِينَ فِيهَا يَإِذْنِ رَبِّهِمْ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ(الإبراهيم/۲۳)

و کسانی را که ایمان آورند و اعمال صالح انجام دادند، به باگهای بهشت وارد می کنند؛ باگهایی که نهرها از زیر درختانش جاری است؛ به اذن پروردگارشان، جاودانه در آن می مانند؛ و تحیت آنها در آن، «سلام» است.

فَادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ حَالِدِينَ فِيهَا قَلِيلٌ سَمْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ(النحل/۲۹)

(به آنها گفته می شود): اکنون از درهای جهنم وارد شوید در حالی که جاودانه در آن خواهید بود! چه جای بدی است جایگاه مستکبران!

حَالِدِينَ فِيهَا لَا يُبْغُونَ عَنْهَا حِلْوًا(الكهف/۱۰۸)

آنها جاودانه در آن خواهند ماند؛ و هرگز تقاضای نقل مکان از آن جا نمی کنند!
جَنَّاتٌ عَذْنٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ حَالِدِينَ فِيهَا وَذِلِكَ جَزَاءٌ مَنْ تَزَكَّى(طه/۷۶)
باگهای جاویدان بهشت، که نهرها از زیر درختانش جاری است، در حالی که همیشه در آن خواهند بود؛ این است پاداش کسی که خود را پاک نماید!

خالدینِ فیه وسأة لَهُمْ يوْم الْقِيامَةِ حِمْلًا (طه/۱۰۱)

در حالی که جاودانه در آن خواهد ماند؛ و بدباری است برای آنها در روز قیامت!

وَمَا جَعَلْنَاهُمْ جَسَدًا لَا يَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَمَا كَانُوا خَالِدِينَ (الأنبياء/۸)

آنان را پیکرهایی که غذا نخورند قرار ندادیم! عمر جاودان هم نداشتند!

وَمَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِنْ قَبْلِكَ الْخُلْدَ أَفَإِنْ مِتَّ فَهُمُ الْخَالِدُونَ (الأنبياء/۳۴)

پیش از تو (نیز) برای هیچ انسانی جاودانگی قرار ندادیم؛ (وانگهی آنها که انتظار مرگ تو را می کشند)، آیا اگر تو بمیری، آنان جاوید خواهد بود؟!

لَوْ كَانَ هُؤُلَاءِ الَّهُمَّ مَا وَرَدُوهَا وَكُلُّ فِيهَا خَالِدُونَ (الأنبياء/۹۹)

اگر اینها خدایانی بودند، هرگز وارد آن نمی شدند! در حالی که همگی در آن جاودانه خواهند بود.

لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا وَهُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ أَنفُسُهُمْ خَالِدُونَ (الأنبياء/۱۰۲)

آنها صدای آتش دوزخ را نمی شوند؛ و در آنچه دلشان بخواهد، جاودانه متنعم هستند.

الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (المؤمنون/۱۱)

(وارثانی) که بهشت برین را ارث می برند، و جاودانه در آن خواهند ماند!

وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ (المؤمنون/۱۰۳)

و آنان که وزنه اعمالشان سبک باشد، کسانی هستند که سرمایه وجود خود را از دست داده، در جهنم جاودانه خواهند ماند!

لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ خَالِدِينَ كَانَ عَلَى رِبِّكَ وَعْدًا مَسْتُوفًا (الفرقان/۱۶)

هر چه بخواهند در آنجا برایشان فراهم است؛ جاودانه در آن خواهند ماند؛ این وعدهای است مسلم که پروردگارت بر عهده گرفته است!

خَالِدِينَ فِيهَا حَسَنَتْ مُسْتَقْرًا وَمَقَامًا (الفرقان/۷۶)

در حالی که جاودانه در آن خواهند ماند؛ چه قرارگاه و محل اقامت خوبی!
 وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّنَّهُمْ مِنَ الْجَنَّةِ عُرَفًا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
خَالِدِينَ فِيهَا يَغْمَ أَجْرُ الْعَالَمِلِينَ(العنکبوت/۵۸)

و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دادند، آنان را در غرفه‌هایی از بهشت
 جای می‌دهیم که نهرها در زیر آن جاری است؛ جاودانه در آن خواهند ماند؛ چه خوب
 است پاداش عمل کنندگان!

خَالِدِينَ فِيهَا وَعْدَ اللَّهِ حَقًّا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ(لقمان/۹)

جاودانه در آن خواهند ماند؛ این وعده حتمی الهی است؛ و اوست عزیز و حکیم
 (شکستن‌پذیر و دانا).

خَالِدِينَ فِيهَا أَبْدًا لَا يَجِدُونَ وَلِيَا وَلَا نَصِيرًا(الأحزاب/۶۵)

در حالی که همواره در آن تا ابد می‌مانند، و ولی و یاوری نخواهند یافت!
 قِيلَ ادْخُلُوا أُبُوابَ جَهَنَّمَ **خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ**(الزمر/۷۲)
 به آنان گفته می‌شود: «از درهای جهنم وارد شوید، جاودانه در آن بمانید؛ چه بد
 جایگاهی است جایگاه متکبران!»
 وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقُوا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمِرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا وَفُتِحَتْ أُبُوابُهَا وَقَالَ لَهُمْ
 حَزَّتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طَبِيعُمْ فَادْخُلُوهَا **خَالِدِينَ**(الزمر/۷۳)

و کسانی که تقوای الهی پیشه کردند گروه گروه به سوی بهشت برده می‌شوند؛
 هنگامی که به آن می‌رسند درهای بهشت گشوده می‌شود و نگهبانان به آنان
 می‌گویند: «سلام بر شما! گوارایتان باد این نعمتها! داخل بهشت شوید و جاودانه
 بمانید!»

ادْخُلُوا أُبُوابَ جَهَنَّمَ **خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ**(غافر/۷۶)

از درهای جهنم وارد شوید و جاودانه در آن بمانید؛ و چه بد است جایگاه متکبران!

يَطَافُ عَلَيْهِمْ بِصِحَّافٍ مِنْ ذَهَبٍ وَأَنْوَابٍ وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنفُسُ وَتَأْذُنُ الْأَعْيُنُ وَأَنْتُمْ فِيهَا حَالِدُونَ (الزخرف/۷۱)

(این در حالی است که) ظرفهای (غذا) و جامهای طلائی (شراب طهور) را گردآورد آنها می‌گردانند؛ و در آن (بهشت) آنچه دلها می‌خواهد و چشمها از آن لذت می‌برد موجود است؛ و شما همیشه در آن خواهید ماند!

إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي عَذَابِ جَهَنَّمِ حَالِدُونَ (الزخرف/۷۴)

(ولی) مجرمان در عذاب دوزخ جاودانه می‌مانند.

أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ حَالِدِينَ فِيهَا جَرَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (الأحقاف/۱۴)

آنها اهل بهشتند و جاودانه در آن می‌مانند؛ این پاداش اعمالی است که انجام می‌دادند. مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ أَسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَدَدٌ لِلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسلٍ مُصَقَّى وَلَهُمْ فِيهَا مِنْ كُلِّ الشَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ كَمَنْ هُوَ حَالِدٌ فِي النَّارِ وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَعَ أُمْقَاءَهُمْ (محمد/۱۵) توصیف بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده، چنین است: در آن نهرهایی از آب صاف و خالص که بدبو نشده، و نهرهایی از شیر که طعم آن دگرگون نگشته، و نهرهایی از شراب (طهور) که مایه لذت نوشندگان است، و نهرهایی از عسل مصفاست، و برای آنها در آن از همه انواع میوه‌ها وجود دارد؛ و (از همه بالاتر) آمرزشی است از سوی پروردگارشان! آیا اینها همانند کسانی هستند که همیشه در آتش دوزخند و از آب جوشان نوشانده می‌شوند که اندرونشان را از هم متلاشی می‌کند؟!

لِيَدْخُلَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ حَالِدِينَ فِيهَا وَيَكْفُرُ عَنْهُمْ سَيَّاتِهِمْ وَكَانَ ذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ فَوْزًا عَظِيمًا (الفتح/۵)

هدف (دیگر از آن فتح مبین) این بود که مردان و زنان با ایمان را در باغهایی (از بهشت) وارد کند که نهرها از زیر (درختانش) جاری است، در حالی که جاودانه در آن می‌مانند، و گناهانشان را می‌بخشد، و این نزد خدا رستگاری بزرگی است!

يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ بُشْرَاكُمُ الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ حَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ(الحدید/۱۲)

(این پاداش بزرگ) در روزی است که مردان و زنان با ایمان را می‌نگری که نورشان پیش رو و در سمت راستشان بسرعت حرکت می‌کند (و به آنها می‌گویند): بشارت باد بر شما امروز به باگهایی از بهشت که نهرها زیر (درختان) آن جاری است؛ جاودانه در آن خواهید ماند! و این همان رستگاری بزرگ است!

لَنْ تُغْنِي عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا أَوْلَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا حَالِدُونَ(المجادلة/۱۷)

هرگز اموال و اولادشان آنها را از عذاب الهی حفظ نمی‌کند، آنها اهل آتشند و جاودانه در آن می‌مانند!

لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يَوَادُونَ مَنْ حَادَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءُهُمْ أَوْ أَبْنَاءُهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أَوْ لَتَكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيْدِهِمْ بِرُوحٍ مِنْهُ وَيَدْخُلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ حَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أَوْلَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ(المجادلة/۲۲)

هیچ قومی را که ایمان به خدا و روز رستاخیز دارند نمی‌یابی که با دشمنان خدا و رسولش دوستی کنند، هر چند پدران یا فرزندان یا برادران یا خویشاوندانشان باشند؛ آنان کسانی هستند که خدا ایمان را بر صفحه دلهایشان نوشته و با روحی از ناحیه خودش آنها را تقویت فرموده، و آنها را در باگهایی از بهشت وارد می‌کند که نهرها از زیر (درختانش) جاری است، جاودانه در آن می‌مانند؛ خدا از آنها خشنود است، و آنان نیز از خدا خشنودند؛ آنها «حزب الله»‌اند؛ بدایید «حزب الله» پیروزان و رستگارانند.

فَكَانَ عَاقِبَتَهُمَا أَنَّهُمَا فِي النَّارِ حَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ(الحشر/۱۷)

سرانجام کارشان این شد که هر دو در آتش دوزخ خواهند بود، جاودانه در آن می‌مانند؛ و این است کیفر ستمکاران!

يَوْمَ يَجْمِعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ ذَلِكَ يَوْمُ التَّغَابِنِ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يَكُفَّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيَدْخُلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ حَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ
الْعَظِيمُ(التغابن/۹)

این در زمانی خواهد بود که همه شما را در روز اجتماع [= روز رستاخیز] گردآوری می‌کند؛ آن روز روز تغابن است (روز احساس خسارت و پشیمانی)! و هر کس به خدا ایمان بیاورد و عمل صالح انجام دهد، گناهان او را می‌بخشد و او را در باگهایی از بهشت که نهرها از زیر درختانش جاری است وارد می‌کند، جاودانه در آن می‌مانند؛ و این پیروزی بزرگ است!

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ حَالِدِينَ فِيهَا وَبِئْسَ
الْمَصِيرُ(التغابن/۱۰)

اما کسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند اصحاب دوز خند، جاودانه در آن می‌مانند، و (سرانجام آنها) سرانجام بدی است!

رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يَدْخُلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ حَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُ رِزْقًا(الطلاق/۱۱)

رسولی به سوی شما فرستاده که آیات روشن خدا را بر شما تلاوت می‌کند تا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، از تاریکیها بسوی نور خارج سازد! و هر کس به خدا ایمان آورده و اعمال صالح انجام دهد، او را در باگهایی از بهشت وارد سازد که از زیر (درختانش) نهرها جاری است، جاودانه در آن می‌مانند، و خداوند روزی نیکویی برای او قرار داده است!

إِلَّا بَلَاغًا مِنَ اللَّهِ وَرِسَالَاتِهِ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ حَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا(الجن/۲۳)

تنها وظیفه من ابلاغ از سوی خدا و رساندن رسالات اوست؛ و هر کس نافرمانی خدا و رسولش کند، آتش دوزخ از آن اوست و جاودانه در آن می‌مانند!

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ حَالِدِينَ فِيهَا أُولَئِكَ هُمُ شَرُّ الْبَرِّيَّةِ (البينة/٦)

کافران از اهل کتاب و مشرکان در آتش دوزخند، جاودانه در آن می‌مانند؛ آنها بدترین مخلوقاتند!

جَزَاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ حَالِدِينَ فِيهَا أَبْدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ (البينة/٨)

پاداش آنها نزد پروردگارشان باگهای بهشت جاویدان است که نهرها از زیر درختانش جاری است؛ همیشه در آن می‌مانند! (هم) خدا از آنها خشنود است و (هم) آنها از خدا خشنودند؛ و این (مقام والا) برای کسی است که از پروردگارش بترسد!

خلود در کلام الله

اَدْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ (ق/٣٤)

(به آنان گفته می‌شود): بسلامت وارد بهشت شوید، امروز روز جاودانگی است!

ذری در کلام الله

وَإِذْ ابْتَلَى إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَاماً قَالَ وَمَنْ ذُرِّيَّتِي
قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ (آل عمران/١٢٤)

(به خاطر آورید) هنگامی که خداوند، ابراهیم را با وسائل گوناگونی آزمود. و او به خوبی از عهده این آزمایشها برآمد. خداوند به او فرمود: «من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم!» ابراهیم عرض کرد: «از دودمان من (نیز امامانی قرار بدها!)» خداوند فرمود:

«پیمان من، به ستمکاران نمی‌رسد! (و تنها آن دسته از فرزندان تو که پاک و معصوم باشند، شایسته این مقامند)».

رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرْيَتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَأَرْنَا مَنَاسِكَنَا وَتَبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ السَّوَابُ الرَّحِيمُ(البقرة/۱۲۸)

پروردگار! ما را تسلیم فرمان خود قرار ده! و از دودمان ما، امتنی که تسلیم فرمانت باشند، به وجود آور! و طرز عبادتمان را به ما نشان ده و توبه ما را بپذیر، که تو توبه‌پذیر و مهریانی!

أَيُوَدُّ أَخْدُكُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِنْ نَخِيلٍ وَأَغْنَابٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ الشَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرْيَةٌ ضَعْفَاءُ فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ كَذَلِكَ يَبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَكَرَّرُونَ(البقرة/۲۶۶)

آیا کسی از شما دوست دارد که باعی از درختان خرما و انگور داشته باشد که از زیر درختان آن، نهرها بگذرد، و برای او در آن (باغ)، از هر گونه میوه‌ای وجود داشته باشد، در حالی که به سن پیری رسیده و فرزندانی (کوچک و) ضعیف دارد؛ (در این هنگام، گردبادی (کوبنده)، که در آن آتش (سوزانی) است، به آن برخورد کند و شعله‌ور گردد و بسوزد؟! (همین طور است حال کسانی که انفاقه‌ای خود را، با ریا و منت و آزار، باطل می‌کنند). این چنین خداوند آیات خود را برای شما آشکار می‌سازد؛ شاید بیندیشید (و با اندیشه، راه حق را بیابید)!

ذُرْيَةٌ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ غَلِيمٌ(آل عمران/۳۴)

آنها فرزندان و (دودمانی) بودند که (از نظر پاکی و تقوا و فضیلت)، بعضی از بعض دیگر گرفته شده بودند؛ و خداوند، شنوا و داناست (و از کوشش‌های آنها در مسیر رسالت خود، آگاه می‌باشد).

فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعَتْهَا أَنْتَى وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعَتْ وَلَيْسَ الدَّكَرُ كَالْأَنْثَى وَإِنِّي سَمِيعَتْهَا مَرْيِمٌ وَإِنِّي أُعِيدُهَا بِكَ وَذُرْيَتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ(آل عمران/۳۶)

ولی هنگامی که او را به دنیا آورد، (و او را دختر یافت،) گفت: «خداؤند! من او را دختر آوردم - ولی خدا از آنچه او به دنیا آورده بود، آگاهتر بود - و پسر، همانند دختر نیست. دختر نمی‌تواند وظیفه خدمتگزاری معبد را همانند پسر انجام دهد). من او را مریم نام گذاردم؛ و او و فرزندانش را از (وسوسه‌های) شیطان رانده شده، در پناه تو قرار می‌دهم.»

هُنَالِكَ دَعَاهُ زَكَرِيَا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرْيَةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ (آل عمران/۳۸)

در آنجا بود که زکریا، (با مشاهده آن همه شایستگی در مریم)، پروردگار خویش را خواند و عرض کرد: «خداؤند! از طرف خود، فرزند پاکیزه‌ای (نیز) به من عطا فرما، که تو دعا را می‌شنوی!»

وَلِيُّخُشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكُوا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرْيَةً صِغَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلَيَتَقُوا اللَّهُ وَلِيُقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا (النساء/۹)

کسانی که اگر فرزندان ناتوانی از خود بیادگار بگذارند از آینده آنان می‌ترسند، باید (از ستم درباره یتیمان مردم) بترسند! از (مخالفت) خدا بپرهیزنند، و سخنی استوار بگویند.

وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ كَلَّا هَدَيْنَا وَتُوْحَدَ هَدَيْنَا مِنْ قَبْلٍ وَمِنْ ذُرْيَتِهِ دَاوُودَ وَسَلِيمَانَ وَأَيُوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَى وَهَارُونَ وَكَذِلِكَ تَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (الأَنْعَام/۸۴)

و اسحاق و یعقوب را به او [=ابراهیم] بخشیدیم؛ و هر دو را هدایت کردیم؛ و نوح را (نیز) پیش از آن هدایت نمودیم؛ و از فرزندان او، داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون را (هدایت کردیم)؛ این گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم!

وَمِنْ أَبَائِهِمْ وَذُرْيَاتِهِمْ وَإِخْوَانِهِمْ وَاجْتَبَيْنَاهُمْ وَهَدَيْنَاهُمْ إِلَى صِرَاطِ مُسْتَقِيمِ (الأَنْعَام/۸۷)

و از پدران و فرزندان و برادران آنها (افرادی را برتری دادیم) و برگزیدیم و به راه راست، هدایت نمودیم.

وَرَبُّكَ الْغَنِيُّ ذُو الرَّحْمَةِ إِنْ يَشَاءُ يَدْهِبُكُمْ وَيَسْتَخِلْفُ مِنْ بَعْدِكُمْ مَا يَشَاءُ كَمَا أَنْشَأَكُمْ
مِنْ دُرْرِيَّةٍ قَوْمٌ آخَرِينَ (آل‌نَعَام/۱۳۳)

پروردگارت بی‌نیاز و مهربان است؛ (پس به کسی ستم نمی‌کند؛ بلکه همه، نتیجه اعمال خود را می‌گیرند؛) اگر بخواهد، همه شما را می‌برد؛ سپس هر کس را بخواهد جانشین شما می‌سازد؛ همان‌طور که شما را از نسل اقوام دیگری به وجود آورد.

وَإِذْ أَخَدَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ طَهُورِهِمْ دُرْرِيَّهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنفُسِهِمْ أَلْسُنُ
بِرْبِكُمْ قَالُوا بَلِي شَهَدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ (الأعراف/۱۷۲)
و (به خاطر بیاور) زمانی را که پروردگارت از پشت و صلب فرزندان آدم، ذریه آنها را برگرفت، و آنها را گواه بر خویشن ساخت؛ (و فرمود): «آیا من پروردگار شما نیستم؟» گفتند: «آری، گواهی می‌دهیم!» (چنین کرد مبادا) روز رستاخیز بگویید: «ما از این، غافل بودیم؛ (و از پیمان فطری توحید بی‌خبر ماندیم)!!

أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أُشْرَكَ أَبَاؤُنَا مِنْ قَبْلٍ وَكُنَّا دُرْرِيَّةً مِنْ بَعْدِهِمْ أَفْتَهَلُكُنَا بِمَا فَعَلَ
الْمُبْطِلُونَ (الأعراف/۱۷۳)

یا بگویید: «پدرانمان پیش از ما مشرک بودند، ما هم فرزندانی بعد از آنها بودیم؛ (و چاره‌ای جز پیروی از آنان نداشیم؛) آیا ما را به آنچه باطل گرایان انجام دادند مجازات می‌کنی؟!»

فَمَا آمَنَ لِمُوسَى إِلَّا دُرْرِيَّةٌ مِنْ قَوْمِهِ عَلَى خَوْفٍ مِنْ فِرْعَوْنَ وَمَلِئِيهِمْ أَنْ يُفْتَنُهُمْ وَإِنَّ
فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ (يونس/۸۳)

(در آغاز)، هیچ کس به موسی ایمان نیاورد، مگر گروهی از فرزندان قوم او، (آن هم) با ترس از فرعون و اطرافیانش، مبادا آنها را شکنجه کنند؛ زیرا فرعون، برتری جویی در زمین داشت؛ و از اسرافکاران بود!

جَنَّاتٌ عَذْنٌ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ أَبَائِهِمْ وَأَرْوَاجِهِمْ وَدُرْرِيَّاتِهِمْ وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ
عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ (الرعد/۲۳)

(همان) باغهای جاویدان بهشتی که وارد آن می‌شوند؛ و همچنین پدران و همسران و فرزندان صالح آنها؛ و فرشتگان از هر دری بر آنان وارد می‌گردند...

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّنْ قَبْلِكَ وَجَعَلْنَا لَهُمْ أَرْوَاجًا وَدُرْرِيَّةً وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِي بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ لِكُلِّ أَجْلٍ كِتَابٌ (الرعد/۳۸)

ما پیش از تو (نیز) رسولانی فرستادیم؛ و برای آنها همسران و فرزندانی قرار دادیم؛ و هیچ رسولی نمی‌توانست (از پیش خود) معجزه‌ای بیاورد، مگر بفرمان خدا! هر زمانی نوشته‌ای دارد (و برای هر کاری، موعدی مقرر است)!

رَبَّنَا إِنِّي أُسْكَنْتُ مِنْ ذُرْرٍ تِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيَقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِّنَ النَّاسِ تَهُوِي إِلَيْهِمْ وَأَرْقَفْهُمْ مِّنَ الشَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يُشَكُّرُونَ (الإِبراهیم/۳۷) پروردگار! من بعضی از فرزندانم را در سرزمین بی‌آب و علفی، در کنار خانه‌ای که حرم توست، ساکن ساختم تا نماز را بربا دارند؛ تو دلهای گروهی از مردم را متوجه آنها ساز؛ و از ثمرات به آنها روزی ده؛ شاید آنان شکر تو را بجای آورند!

رَبَّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرْرٍ تِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ (الإِبراهیم/۴۰)

پروردگار! مرا بربا کننده نماز قرار ده، و از فرزندانم (نیز چنین فرما)، پروردگار! دعای مرا بپذیر!

ذُرْرِيَّةً مِّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا (الإِسْرَاء/۳)

ای فرزندان کسانی که با نوح (بر کشتی) سوار کردیم! او بندۀ شکرگزاری بود. (شما هم مانند او باشید، تا نجات یابیدا)

قَالَ أَرْأَيْتَكَ هَذَا الَّذِي كَرَمْتَ عَلَى لَنِينَ أَخْرَتِنِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَأُخْتِنَكَنَ ذُرْرِيَّتَهُ إِلَّا قَلِيلًا (الإِسْرَاء/۶۲)

(سپس) گفت: «به من بگو، این کسی را که بر من برتری داده‌ای (به چه دلیل بوده است؟) اگر مرا تا روز قیامت زنده بگذاری، همه فرزندانش را، جز عده کمی، گمراه و ریشه‌کن خواهم ساخت!»

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِأَدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِنْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ
أَفَتَتَحِدُونَهُ وَدُرْرِيَّتَهُ أُولِيَاءِ مِنْ دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا(الكهف/ ۵۰)

به یاد آرید زمانی را که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده کنید!» آنها همگی سجده کردند جز ابلیس -که از جن بود- و از فرمان پروردگارش بیرون شد آیا (با این حال،) او و فرزندانش را به جای من اولیای خود انتخاب می‌کنید، در حالی که آنها دشمن شما هستند؟! (فرمانبرداری از شیطان و فرزندانش به جای اطاعت خدا،) چه جایگزینی بدی است برای ستمکاران!

أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ دُرْرِيَّةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِنْ
دُرْرِيَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَائِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تَنَلَّى عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُوا
سُجَّدًا وَبَكَيْا(مریم/ ۵۸)

آنها پیامبرانی بودند که خداوند مشمول نعمتشان قرار داده بود، از فرزندان آدم، و از کسانی که با نوح بر کشتی سوار کردیم، و از دودمان ابراهیم و یعقوب، و از کسانی که هدایت کردیم و برگزیدیم. آنها کسانی بودند که وقتی آیات خداوند رحمان بر آنان خوانده می‌شد به خاک می‌افتدند، در حالی که سجده می‌کردند و گریان بودند.

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هُبْ لَنَا مِنْ أَرْوَاحِنَا وَدُرْرِيَّاتِنَا فُرَّةَ أَغْيَنِ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ
إِمَاماً(الفرقان/ ۷۴)

و کسانی که می‌گویند: «پروردگار! از همسران و فرزندانمان مایه روشنی چشم ما قرارده، و ما برای پرهیزگاران پیشوای گردان!»

وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَجَعَلْنَا فِي دُرْرِيَّةِ التَّبُوَّةِ وَالْكِتَابَ وَآتَيْنَاهُ أَجْرَهُ فِي الدُّنْيَا
وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ(العنکبوت/ ۲۷)

و (در اواخر عمر)، اسحاق و یعقوب را به او بخشیدیم و نبوت و کتاب آسمانی را در دودمانش قرار دادیم و پاداش او را در دنیا دادیم و او در آخرت از صالحان است!

وَآيَةُ لَهُمْ أَنَا حَمَلْنَا دُرْرِيَّتَهُمْ فِي الْفُلْكِ الْمَسْخُونِ(یس/ ۴۱)

نشانه‌ای (دیگر از عظمت پروردگار) برای آنان است که ما فرزندانشان را در کشتیهایی بر (از وسایل و بارها) حمل کردیم.

وَجَعْلَنَا ذُرْيَتَهُ هُمُ الْبَاقِينَ (الصافات/۷۷)

و فرزندانش را همان بازماندگان (روی زمین) قرار دادیم،
وَبَارَكْنَا عَلَيْهِ وَعَلَى إِسْحَاقَ وَمِنْ ذُرْيَتِهِمَا مُحْسِنٌ وَظَالِمٌ لِنَفْسِهِ مُبِينٌ (الصافات/۱۱۳)
ما به او و اسحاق برکت دادیم؛ و از دودمان آن دو، افرادی بودند نیکوکار و افرادی
آشکارا به خود ستم کردند!

رَبَّنَا وَأَذْخِلْهُمْ جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ أَبَائِهِمْ وَأَرْوَاحِهِمْ وَدُرْبًا تِهِمْ
إِنَّكَ أَنْتَ الْغَرِيزُ الْحَكِيمُ (غافر/۸)

پروردگار!! آنها را در باغهای جاویدان بهشت که به آنها وعده فرمودهای وارد کن،
همچنین از پدران و همسران و فرزندانشان هر کدام که صالح بودند، که تو توانا و
حکیمی!

وَوَصَّيْنَا إِلِّيْسَانَ بِوَالَّدِيهِ إِحْسَانًا حَمَلْتَهُ أُمَّهُ كُرْهًا وَوَضَعْنَهُ كُرْهًا وَحَمْلَهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ
شَهْرًا حَتَّى إِذَا بَلَغَ أُشْدَهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبُّ أُوزِعْنِي أَنْ أُشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي
أَنْعَمْتَ عَلَى وَعَلَى وَالَّدِي وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحَ لِي فِي ذُرْيَتِي إِنِّي تُبَثِّ
إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ (الأحقاف/۱۵)

ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند، مادرش او را با ناراحتی
حمل می‌کند و با ناراحتی بر زمین می‌گذارد؛ و دوران حمل و از شیر بازگرفتنش سی
ماه است؛ تا زمانی که به کمال قدرت و رشد برسد و به چهل سالگی بالغ گردد
می‌گوید: «پروردگار!! مرا توفیق ده تا شکر نعمتی را که به من و پدر و مادرم دادی بجا
آورم و کار شایسته‌ای انجام دهم که از آن خشنود باشی، و فرزندان مرا صالح گردان؛
من به سوی تو بازمی‌گردم و توبه می‌کنم، و من از مسلمانانم!»

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعُتْهُمْ دُرُّ رِيْتَهُمْ بِإِيمَانٍ الْحَقْنَا بِهِمْ دُرُّ رِيْتَهُمْ وَمَا أَلْتَنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ (الطور/۲۱)

کسانی که ایمان آوردن و فرزندانشان به پیروی از آنان ایمان اختیار کردند، فرزندانشان را (در بهشت) به آنان ملحق می‌کنیم؛ و از (پاداش) عملشان چیزی نمی‌کاهیم؛ و هر کس در گرو اعمال خوبش است!

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا فِي دُرُّ رِيْتِهِمَا النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ فَمِنْهُمْ مُهْتَدٍ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ (الحديد/۲۶)

ما نوح و ابراهیم را فرستادیم، و در دودمان آن دو نبوت و کتاب قرار دادیم؛ بعضی از آنها هدایت یافته‌اند و بسیاری از آنها گنهکارند.

آخر در کلام الله (به معنای دیگر)

أَيَامًا مَعْدُودَاتٍ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّهُ مِنْ أَيَامٍ أُخْرَ وَعَلَى الَّذِينَ يطِيقُونَهُ فِدْيَةً طَعَامٌ مِسْكِينٌ فَمَنْ تَطَوعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (البقرة/۱۸۴)

چند روز محدودی را (باید روزه بدارید) و هر کس از شما بیمار یا مسافر باشد تعدادی از روزهای دیگر را (روزه بدارد) و بر کسانی که روزه برای آنها طاقت‌فرساست؛ (همچون بیماران مزمن، و پیرمردان و پیرزنان)، لازم است کفاره بدهند: مسکینی را اطعام کنند؛ و کسی که کار خیری انجام دهد، برای او بهتر است؛ و روزه داشتن برای شما بهتر است اگر بدانید!

شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ فَمَنْ شَهَدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمِّمْهُ وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّهُ مِنْ أَيَامٍ أُخْرَ يَرِيدُ اللَّهُ بِكُمْ الْيُسْرَ وَلَا يَرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكَمِّلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُتَكَبَّرُوا اللَّهُ عَلَى مَا هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (البقرة/۱۸۵)

(روزه، در چند روز معدود) ماه رمضان است؛ ماهی که قرآن، برای راهنمایی مردم، و نشانه‌های هدایت، و فرق میان حق و باطل، در آن نازل شده است. پس آن کس از شما که در ماه رمضان در حضر باشد، روزه بدارد! و آن کس که بیمار یا در سفر است، روزه‌ای دیگری را به جای آن، روزه بگیرد! خداوند، راحتی شما را می‌خواهد، نه رحمت شما! هدف این است که این روزها را تکمیل کنید؛ و خدا را بر اینکه شما را هدایت کرده، بزرگ بشمرید؛ باشد که شکرگزاری کنید!

الَّذِينَ يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ (الحجر/٩٦)

همانها که معبد دیگری با خدا قرار دادند؛ اما بزودی می‌فهمند!

لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَقْعُدَ مَدْمُومًا مَحْذُولًا (الإسراء/٢٢)

هرگز معبد دیگری را با خدا قرار مده، که نکوهیده و بی‌یار و یاور خواهی نشست!

ذَلِكَ مَا أُوحَىٰ إِلَيْكَ رَبِّكَ مِنَ الْجِكْمَةِ وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتُنَقِّلَ فِي جَهَنَّمَ مَلُوْمًا مَدْحُورًا (الإسراء/٣٩)

این (احکام)، از حکمت‌هایی است که پروردگارت به تو وحی فرستاده؛ و هرگز معبدی با خدا قرار مده، که در جهنم افکنده می‌شوی، در حالی که سرزنش شده، و رانده (درگاه خدا) خواهی بود!

ثُمَّ حَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَالًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا

ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ (المؤمنون/١٤)

سپس نطفه را بصورت علقه [= خون بسته]، و علقه را بصورت مضغه [= چیزی شبیه گوشت جویده شده]، و مضغه را بصورت استخوانهایی درآورده؛ و بر استخوانها گوشت پوشاندیم؛ سپس آن را آفرینش تازه‌ای دادیم؛ پس بزرگ است خدایی که بهترین آفرینندگان است!

وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ

الْكَافِرُونَ (المؤمنون/١١٧)

و هر کس معبد دیگری را با خدا بخواند - و مسلمان هیچ دلیلی بر آن نخواهد داشت-

حساب او نزد پروردگارش خواهد بود؛ یقیناً کافران رستگار نخواهند شد!

وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَرْزُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يُلْقَ أَثْمًا (الفرقان/٦٨)

و کسانی که معبد دیگری را با خداوند نمی خوانند؛ و انسانی را که خداوند خونش را حرام شمرده، جز حق نمی کشنند؛ و زنا نمی کنند؛ و هر کس چنین کند، مجازات سختی خواهد دید!

فَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَكُونَ مِنَ الْمُعَذَّبِينَ (الشعراء/٢١٣)

(ای پیامبر!) هیچ معبدی را با خداوند مخوان، که از معذبین خواهی بود!

وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (القصص/٨٨)

معبد دیگری را با خدا مخوان، که هیچ معبدی جز او نیست؛ همه چیز جز ذات (پاک) او فانی می شود؛ حاکمیت تنها از آن اوست؛ و همه بسوی او بازگردانده می شوید!

الَّذِي جَعَلَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَالْقِيَاهُ فِي الْعَذَابِ الشَّدِيدِ (ق/٢٦)

همان کسی که معبد دیگری با خدا قرار داده، (آری) او را در عذاب شدید بیفکنید!

وَلَا تَجْعَلُوا مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ إِنَّى لَكُمْ مِنْهُ تَذِيرٌ مُبِينٌ (الذاريات/٥١)

و با خدا معبد دیگری قرار ندهید، که من برای شما از سوی او بیمدهنده‌ای آشکارم!

آخرین

سَتَجِدُونَ آخَرِينَ يَرِيدُونَ أَنْ يَأْمُنُوكُمْ وَيَأْمُنُوا قَوْمَهُمْ كُلَّ مَا رُدُوا إِلَى الْفِتْنَةِ أُرْكِسُوا فِيهَا فَإِنْ لَمْ يَعْتَلُوكُمْ وَيَلْقَوْا إِلَيْكُمُ السَّلَامَ وَيَكْفُوا أَيْدِيهِمْ فَحَذُوْهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقْتُلُوهُمْ وَأُولَئِكُمْ جَعَلْنَا لَكُمْ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا مُبِينًا (النساء/٩١)

بزودی جمعیت دیگری را می‌یابید که می‌خواهند هم از ناحیه شما در امان باشند، و هم از ناحیه قوم خودشان (که مشرکند). لذا نزد شما ادعای ایمان می‌کنند؛ ولی) هر زمان آنان را به سوی فتنه (و بت پرستی) بازگردانند، با سر در آن فرو می‌روند! اگر از درگیری با شما کنار نرفتند و پیشنهاد صلح نکردند و دست از شما نکشیدند، آنها را هر جا یافتید اسیر کنید و (یا) به قتل برسانید! آنها کسانی هستند که ما برای شما، تسلط آشکاری نسبت به آنان قرار داده‌ایم.

إِنْ يَشَا يَدْهِبُكُمْ أَيْهَا النَّاسُ وَيَأْتِ بِآخَرِينَ وَكَانَ اللَّهُ عَلَى ذَلِكَ قَدِيرًا (النساء/۱۳۳)

ای مردم! اگر او بخواهد، شما را از میان می‌برد و افراد دیگری را (به جای شما) می‌آورد، و خداوند، بر این کار تواناست.

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزُنْكَ الَّذِينَ يَسْأَلُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ وَلَمْ تُؤْمِنْ قُلُوبُهُمْ وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَاعُونَ لِقَوْمٍ آخَرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ يَحْرَقُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِيعِهِ يَقُولُونَ إِنْ أُوتِيتُمْ هَذَا فَخَدُوهُ وَإِنْ لَمْ تُؤْتُهُ فَاحْذَرُوا وَمَنْ يَرِدِ اللَّهُ فِتْنَةً فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا أُولَئِكَ الَّذِينَ لَمْ يَرِدِ اللَّهُ أَنْ يَطْهِرَ قُلُوبَهُمْ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْنٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ (المائدہ/۴۱)

ای فرستاده (خدا)! آنها که در مسیر کفر شتاب می‌کنند و با زبان می‌گویند: «ایمان آوردیم» و قلب آنها ایمان نیاورده، تو را اندوهگین نسازند! و (همچنین) گروهی از یهودیان که خوب به سخنان تو گوش می‌دهند، تا دستاویزی برای تکذیب تو بیابند؛ آنها جاسوسان گروه دیگری هستند که خودشان نزد تو نیامده‌اند؛ آنها سخنان را از مفهوم اصلیش تحریف می‌کنند، و (به یکدیگر) می‌گویند: «اگر این (که ما می‌خواهیم) به شما داده شد (و محمد بر طبق خواسته شما داوری کرد)، بپذیرید، و گرنه (از او) دوری کنید!» (ولی) کسی را که خدا (بر اثر گناهان پی‌درپی او) بخواهد مجازات کند، قادر به دفاع از او نیستی؛ آنها کسانی هستند که خدا نخواسته دلهایشان را پاک کند؛ در دنیا رسوایی، و در آخرت مجازات بزرگی نصیبشان خواهد شد.

وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا أَسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْحَيَلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ
وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَوْمَ
إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ(الأفال / ۶۰)

هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها [= دشمنان، آماده سازیدا و (همچنین) اسبهای ورزیده (برای میدان نبرد)، تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید! و (همچنین) گروه دیگری غیر از اینها را، که شما نمی‌شناسید و خدا آنها را می‌شناسد! و هر چه در راه خدا (و تقویت بنیه دفاعی اسلام) انفاق کنید، بطور کامل به شما بازگردانده می‌شود، و به شما ستم نخواهد شد!

وَآخَرِينَ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ(ص / ۳۸)

و گروه دیگری (از شیاطین) را در غل و زنجیر (تحت سلطه او) قرار دادیم،

وَآخَرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يُلْحَقُوا بِهِمْ وَمَوْالِيَ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ(الجمعة / ۳)

و (همچنین) رسول است بر گروه دیگری که هنوز به آنها ملحق نشده‌اند؛ و او عزیز و حکیم است!

اخ در کلام الله برادر و خواهر

وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمُ الرُّبْعُ مِمَّا
تَرَكُنَ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يَوصِينَ بِهَا أَوْ دِينٍ وَلَهُنَّ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكْتُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وَلَدٌ فَإِنْ
كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الشَّمْنُ مِمَّا تَرَكْتُمْ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ تُوَصُّنَ بِهَا أَوْ دِينٍ وَإِنْ كَانَ رَجُلٌ
يورَثُ كَلَالَةً أَوْ امْرَأَةً وَلَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتٌ فَلِكُلٌّ وَاحِدٌ مِنْهُمَا السَّدُسُ فَإِنْ كَانُوا أَكْثَرُ مِنْ
ذَلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الْثُلُثِ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يَوصَى بِهَا أَوْ دِينٍ غَيْرَ مُضَارٌ وَصِيَّةٌ مِنَ اللَّهِ
وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَلِيمٌ(النساء / ۱۲)

و برای شما، نصف میراث زنانタン است، اگر آنها فرزندی نداشته باشند؛ و اگر فرزندی داشته باشند، یک چهارم از آن شمامست؛ پس از انجام وصیتی که کرده‌اند، و ادائی دین

(آنها). و برای زنان شما، یک چهارم میراث شمامست، اگر فرزندی نداشته باشید؛ و اگر برای شما فرزندی باشد، یک هشتم از آن آنهاست؛ بعد از انجام وصیتی که کرده‌اید، و ادای دین. و اگر مردی بوده باشد که کلاله [= خواهر یا برادر] از او ارث می‌برد، یا زنی که برادر یا خواهری دارد، سهم هر کدام، یک ششم است (اگر برادران و خواهران مادری باشند)؛ و اگر بیش از یک نفر باشند، آنها در یک سوم شریکند؛ پس از انجام وصیتی که شده، و ادای دین؛ بشرط آنکه (از طریق وصیت و اقرار به دین)، به آنها ضرر نزند. این سفارش خدادست؛ و خدا دانا و بربار است.

حُرّمَتْ عَلَيْكُمْ أَمَهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخْوَاتُكُمْ وَعَمَاتُكُمْ وَحَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَأَمَهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخْوَاتُكُمْ مِنَ الرَّضَاعَةِ وَأَمَهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِبِكُمْ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ مِنْ نِسَائِكُمُ اللَّاتِي دَحَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا دَحَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَخَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأُنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأَخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا(النساء ۲۳)

حرام شده است بر شما، مادرانتان، و دختران، و خواهران، و عممه‌ها، و خاله‌ها، و دختران برادر، و دختران خواهر شما، و مادرانی که شما را شیر داده‌اند، و خواهران رضاعی شما، و مادران همسرانتان، و دختران همسرتان که در دامان شما پرورش یافته‌اند از همسرانی که با آنها آمیزش جنسی داشته‌اید - و چنانچه با آنها آمیزش جنسی نداشته‌اید، (دختران آنها) برای شما مانع ندارد - و (همچنین) همسرهای پسرانتان که از نسل شما هستند (نه پسرخوانده‌ها) - و (نیز حرام است بر شما) جمع میان دو خواهر کنید؛ مگر آنچه در گذشته واقع شده؛ چرا که خداوند، امرزنده و مهربان است.

وَلَمَّا جَهَرَهُمْ بِجَهَاهِهِمْ قَالَ أَئْتُونِي بِأُخْ لَكُمْ مِنْ أُبِيكُمْ أَلَا تَرَوْنَ أَنِّي أُوفِي الْكَيْلَ وَأَنَا خَيْرُ الْمُنْزَلِينَ(یوسف ۵۹)

و هنگامی که (یوسف) بارهای آنان را آماده ساخت، گفت: «(نوبت آینده) آن برادری را که از پدر دارید، نزد من آورید! آیا نمی‌بینید من حق پیمانه را ادا می‌کنم، و من بهترین میزان هستم؟!

قَالُوا إِنْ يُسْرِقُ فَمَنْ سَرَقَ أَخْ لَهُ مِنْ قَبْلٍ فَأُسْرَهَا يوْسُفُ فِي نَفْسِهِ وَلَمْ يَبْدِهَا لَهُمْ قَالَ أَنْتُمْ شَرُّ مَكَانًا وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَصِفُونَ (یوسف/۷۷)

(برادران) گفتند: «اگر او [بنیامین] دزدی کند، (جای تعجب نیست؛) برادرش (یوسف) نیز قبل از او دزدی کرد» یوسف (سخت ناراحت شد، و) این (ناراحتی) را در درون خود پنهان داشت، و برای آنها آشکار نکرد؛ (همین اندازه) گفت: «شما (از دیدگاه من،) از نظر منزلت بدترین مردمید! و خدا از آنچه توصیف می‌کنید، آگاهتر است!»

روابط خانوادگی در قرآن

حُرّمَتْ عَلَيْكُمْ أَمَهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخْوَاتُكُمْ وَعَمَاتُكُمْ وَحَلَّاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأُخْرَ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَأَمَهَاتُكُمْ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخْوَاتُكُمْ مِنَ الرَّضَاعَةِ وَأَمَهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِبُكُمْ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ مِنْ نِسَائِكُمْ اللَّاتِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَمْ تَكُنُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَّا لِلْبَنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمِعُوا بَيْنَ الْأَخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُورًا رَحِيمًا (النساء/۲۳)

حرام شده است بر شما، مادرانتان، و دختران، و خواهران، و عمه‌ها، و خاله‌ها، و دختران برادر، و دختران خواهر شما، و مادرانی که شما را شیر داده‌اند، و خواهران رضاعی شما، و مادران همسرانتان، و دختران همسرتان که در دامان شما پرورش یافته‌اند از همسرانی که با آنها آمیزش جنسی داشته‌اید - و چنانچه با آنها آمیزش جنسی نداشته‌اید، (دختران آنها) برای شما مانع ندارد - و (همچنین) همسرهای پسرانتان که از نسل شما هستند (نه پسرخوانده‌ها) - و (نیز حرام است بر شما) جمع میان دو خواهر کنید؛ مگر آنچه در گذشته واقع شده؛ چرا که خداوند، آمرزنده و مهربان است.

لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى أَنفُسِكُمْ أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ بَيْوِتِكُمْ أَوْ بَيْوِتِ أَبَائِكُمْ أَوْ بَيْوِتِ أَمَهَاتِكُمْ أَوْ بَيْوِتِ إِخْوَانِكُمْ أَوْ بَيْوِتِ أَخْوَاتِكُمْ أَوْ بَيْوِتِ أَعْمَامِكُمْ أَوْ بَيْوِتِ عَمَّاتِكُمْ أَوْ بَيْوِتِ أَخْوَالِكُمْ أَوْ بَيْوِتِ خَالَاتِكُمْ أَوْ مَا مَلَكُتُمْ مَفَاتِحَهُ أَوْ صَدِيقِكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَأْكُلُوا جَمِيعًا أَوْ أَشْتَانًا فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَى أَنفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةً كَذَلِكَ يَبْيَنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (النور/۶۱)

بر نابینا و افراد لنگ و بیمار گناهی نیست (که با شما هم غذا شوند)، و بر شما نیز گناهی نیست که از خانه‌های خودتان [خانه‌های فرزندان یا همسرانتان که خانه خود شما محسوب می‌شود بدون اجازه خاصی] غذا بخورید؛ و همچنین خانه‌های پدرانتان، یا خانه‌های عموها یا مادرانتان، یا خانه‌های داییها یا خانه‌های خاله‌ها یا خانه‌های عمدهایتان، یا خانه‌های عمه‌هایتان، یا خانه‌های داییهایتان، یا خانه‌های خاله‌های خاله‌هایتان، یا خانه‌ای که کلیدش در اختیار شماست، یا خانه‌های دوستانتان، بر شما گناهی نیست که بطور دسته جمعی یا جداگانه غذا بخورید؛ و هنگامی که داخل خانه‌ای شدید، بر خویشن سلام کنید، سلام و تحيیتی از سوی خداوند، سلامی پربرکت و پاکیزه! این

گونه خداوند آیات را برای شما روشن می‌کند، باشد که بیندیشید!

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَخْلَقْنَا لَكَ أَرْوَاحَكَ اللَّتِي آتَيْتَ أُجُورَهُنَّ وَمَا مَلَكْتُ مِمَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَيْكَ وَبَنَاتِ عَمَّاتِكَ وَبَنَاتِ خَالِكَ وَبَنَاتِ خَالِتِكَ اللَّتِي هَاجَرْنَ مَعَكَ وَأَمْرَأَهُمْ مُؤْمِنَةً إِنْ وَهَبْتَ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرَادَ النَّبِيُّ أَنْ يَسْتَنِكْحَهَا حَالِصَةً لَكَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ قَدْ عَلِمْنَا مَا فَرَضْنَا عَلَيْهِمْ فِي أَرْوَاحِهِمْ وَمَا مَلَكْتَ أَيْمَانَهُمْ لِكِيلًا يُكَوِّنَ عَلَيْكَ حَرَجٌ وَكَانَ اللَّهُ عَفُورًا رَحِيمًا (الأحزاب/۵۰)

ای پیامبر! ما همسران تو را که مهرشان را پرداخته‌ای برای تو حلال کردیم، و همچنین کنیزانی که از طریق غنایمی که خدا به تو بخشیده است مالک شده‌ای و دختران عموی تو، و دختران عمه‌ها، و دختران دایی تو، و دختران خاله‌ها که با تو مهاجرت کردند (ازدواج با آنها برای تو حلال است) و هرگاه زن با ایمانی خود را به

پیامبر ببخشد (و مهری برای خود نخواهد) چنانچه پیامبر بخواهد می‌تواند او را به همسری برگزیند؛ اما چنین ازدواجی تنها برای تو مجاز است نه دیگر مؤمنان؛ ما می‌دانیم برای آنان در مورد همسرانشان و کنیزانشان چه حکمی مقرر داشته‌ایم (و مصلحت آنان چه حکمی را ایجاب می‌کند)؛ این بخاطر آن است که مشکلی (در ادای رسالت) بر تو نباشد (و از این راه حامیان فزونتری فراهم سازی)؛ و خداوند آمرزنده و مهربان است!

ردف در کلام الله به معنب ردیفی کنار هم

إِذْ تَسْتَغْيِثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمْدُّكُمْ بِأَلْفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ (الأنفال/٩)
 (به خاطر بیاورید) زمانی را (که از شدت ناراحتی در میدان بدر،) از پروردگارتان کمک می‌خواستید؛ و او خواسته شما را پذیرفت (و گفت): من شما را با یکهزار از فرشتگان، که پشت سر هم فرود می‌آیند، یاری می‌کنم.

قُلْ عَسَى أُنْ يَكُونَ رَدِيفًا لَكُمْ بَعْضُ الَّذِي تَسْتَعْجِلُونَ (النمل/٧٢)

بگو: «شاید پاره‌ای از آنچه درباره آن شتاب می‌کنید، نزدیک و در کنار شما باشد!»

رادف

تَسْبَحُهَا الرَّأْدِفَةُ (النازعات/٧)

و بدنبال آن، حادثه دومین [=صیحه عظیم محسرا] رخ می‌دهد،

وَمَنْ يَرْغِبُ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ وَلَقَدِ اصْطَفَيْنَا فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ
أَمِنَ الصَّالِحِينَ(البقرة/۱۳۰)

چز افراد سفیه و نادان، چه کسی از آیین ابراهیم، (با آن پاکی و درخشندگی)، روی گردان خواهد شد؟! ما او را در این جهان برگزیدیم؛ و او در جهان دیگر، از صالحان است.

وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنْ
الْمُشْرِكِينَ(البقرة/۱۳۵)

(اهل کتاب) گفتند: «يهودی یا مسیحی شوید، تا هدایت یابید!» بگو: «(این آیینهای تحریف شده، هرگز نمی‌تواند موجب هدایت گردد،) بلکه از آیین خالص ابراهیم پیروی کنید! و او هرگز از مشرکان نبود!»

قُلْ صَدَقَ اللَّهُ فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ(آل عمران/۹۵)
بگو: «خدا راست گفته (و اینها در آیین پاک ابراهیم نبوده) است. بنا بر این، از آیین ابراهیم پیروی کنید، که به حق گرایش داشت، و از مشرکان نبود!»
وَمَنْ أَحْسَنُ دِيَنًا مِنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَاتَّخَذَ
اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا(النساء/۱۲۵)

دین و آیین چه کسی بهتر است از آن کس که خود را تسلیم خدا کند، و نیکوکار باشد، و پیرو آیین خالص و پاک ابراهیم گردد؟ و خدا ابراهیم را به دوستی خود، انتخاب کرد.

وَلَا تَسْبُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسْبُوا اللَّهَ عَدُوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيَّنَا لِكُلِّ أُمَّةٍ
عَمَلَاهُمْ ثُمَّ إِلَى رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيَنَتَّهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ(آلأنعام/۱۰۸)

(به معبد) کسانی که غیر خدا را می‌خوانند دشنام ندهید، مبادا آنها (نیز) از روی (ظلم) و جهل، خدا را دشنام دهند! اینچنانی برای هر امتی عملشان را زینت دادیم

سپس بازگشت همه آنان به سوی پروردگارشان است؛ و آنها را از آنچه عمل می‌کردند، آگاه می‌سازد (و پاداش و کیفر می‌دهد).

فَلِإِنَّنِي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيمًا مِلَّةً إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (آل عمران/۱۶۱)

بگو: «پروردگارم را به راه راست هدایت کرده؛ آیینی پابرجا (و ضامن سعادت دین و دنیا)؛ آیین ابراهیم؛ که از آیینهای خرافی روی برگرداند؛ و از مشرکان نبود.»
وَلَا عَلَى الَّذِينَ إِذَا مَا أُتُوكُ لِتَخْمِلُهُمْ قُلْتَ لَا أَجِدُ مَا أَحْمِلُكُمْ عَلَيْهِ تَوْلَوْا وَأَغْيِنُهُمْ تَقْيِضُ مِنَ الدَّمْعِ حَزْنًا أَلَا يَجِدُوا مَا يَنْفِقُونَ (آل عمران/۹۲)

و (نیز) ایرادی نیست بر آنها که وقتی نزد تو آمدند که آنان را بر مرکبی (برای جهاد) سوار کنی، گفتی: «مرکبی که شما را بر آن سوار کنم، ندارم!» (از نزد تو) بازگشتند در حالی که چشمانشان از اندوه اشکبار بود؛ زیرا چیزی نداشتند که در راه خدا انفاق کنند (و با آن به میدان بروند)

فَالَّا يَأْتِيكُمَا طَعَامٌ تُرْزَقَانِهِ إِلَّا تَبَأْتُكُمَا بِتَأْوِيلِهِ قَبْلَ أَنْ يَأْتِيكُمَا ذَلِكُمَا مِمَّا عَلِمْنِي رَبِّي إِنِّي تَرَكْتُ مِلَّةً قَوْمٍ لَا يَؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ (یوسف/۳۷)

(یوسف) گفت: «پیش از آنکه جیره غذایی شما فرا رسد، شما را از تعبیر خوابتان آگاه خواهم ساخت. این، از دانشی است که پروردگارم به من آموخته است. من آیین قومی را که به خدا ایمان ندارند، و به سرای دیگر کافرند، ترک گفتم (و شایسته چنین موهبتی شدم)!

وَاتَّبَعْتُ مِلَّةً آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ مَا كَانَ لَنَا أَنْ نُشْرِكَ بِاللَّهِ مِنْ شَيْءٍ ذَلِكَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَيْنَا وَعَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ (یوسف/۳۸)

من از آیین پدرانم ابراهیم و اسحاق و یعقوب پیروی کردم! برای ما شایسته نبود چیزی را همتای خدا قرار دهیم؛ این از فضل خدا بر ما و بر مردم است؛ ولی بیشتر مردم شکرگزاری نمی‌کنند!

ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنِ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (التحل / ۱۲۳)

سپس به تو وحی فرستادیم که از آیین ابراهیم -که ایمانی خالص داشت و از مشرکان نبود- پیروی کن!

وَجَاهَهُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جَهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاءَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ (الحج / ۷۸)

و در راه خدا جهاد کنید، و حق جهادش را ادا نمایید! او شما را برگزید، و در دین (اسلام) کار سنگین و سختی بر شما قرار ندارد؛ از آیین پدرتان ابراهیم پیروی کنید؛ خداوند شما را در کتابهای پیشین و در این کتاب آسمانی «مسلمان» نامید، تا پیامبر گواه بر شما باشد، و شما گواهان بر مردم! پس نماز را برپا دارید، و زکات را بدھید، و به خدا تمسک جویید، که او مولا و سرپرست شماست! چه مولای خوب، و چه یاور شایسته‌ای!

مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي الْمِلَّةِ الْآخِرَةِ إِنْ هَذَا إِلَّا اخْتِلَاقٌ (ص / ۷)

ما هرگز چنین چیزی در آیین دیگری نشنیده‌ایم؛ این تنها یک آئین ساختگی است!

ملت

وَلَنْ تَرْضَى غَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَى
وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ أُهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٌّ وَلَا
نَصِيرٌ (آل‌بقرة / ۱۲۰)

هرگز یهود و نصاری از تو راضی نخواهند شد، (تا به طور کامل، تسلیم خواسته‌های آنها شوی، و) از آیین (تحریف یافته) آنان، پیروی کنی. بگو:

«هدايت، تنها هدايت الهی است!» و اگر از هوی و هوشهای آنان پیروی کنی، بعد از آنکه آگاه شدهای، هیچ سرپرست و یاوری از سوی خدا برای تو نخواهد بود.

قالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَئْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَتُخْرِجَنَّكَ يَا شَعِيبُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَكَ مِنْ قَرِيْتَنَا أُو لَتَعُودُنَّ فِي مِلَّتِنَا قَالَ أَوْلَوْ كُنَّا كَارِهِينَ(الأعراف/۸۸)

ashraf زورمند و متکبر از قوم او گفتند: «ای شعیب! به یقین، تو و کسانی را که به تو ایمان آورده‌اند، از شهر و دیار خود بیرون خواهیم کرد، یا به آیین ما بازگردید!» کفت: «آیا (می‌خواهید ما را بازگردانیم) اگر چه مایل نباشیم؟!

قَدِ افْتَرَيْنَا عَلَى اللَّهِ كَذِيْنَا إِنْ عُدْنَا فِي مِلَّتِكُمْ بَعْدَ إِذْ نَجَّانَا اللَّهُ مِنْهَا وَمَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَعُودَ فِيهَا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّنَا وَسَعَ رَبُّنَا كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبِّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ(الأعراف/۸۹)

اگر ما به آیین شما بازگردیم، بعد از آنکه خدا ما را از آن نجات بخشیده، به خدا دروغ بسته‌ایم؛ و شایسته نیست که ما به آن بازگردیم مگر اینکه خدایی که پروردگار ماست بخواهد؛ علم پروردگار ما، به همه چیز احاطه دارد. تنها بر خدا توکل کرده‌ایم. پروردگار!! میان ما و قوم ما بحق داوری کن، که تو بهترین داورانی!»

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَتُخْرِجَنَّكُمْ مِنْ أَرْضِنَا أُو لَتَعُودُنَّ فِي مِلَّتِنَا فَأُوخَى إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنْهَلْكَنَّ الظَّالِمِينَ(الإبراهيم/۱۳)

(ولی) کافران به پیامبران خود گفتند: «ما قطعاً شما را از سرزمین خود بیرون خواهیم کرد، مگر اینکه به آیین ما بازگردید!» در این حال، پروردگارشان به آنها وحی فرستاد که: «ما ظالمان را هلاک می‌کنیم!

۱۷۷ قوم (علوم اجتماعی) در کلام الله

إِنَّهُمْ إِنْ يَظْهِرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ أَوْ يَعِدُوكُمْ فِي مِلَّتِهِمْ وَلَنْ تُقْلِحُوهَا إِذَا
أَبْدَأُوا (الكهف / ۲۰)

چرا که اگر آنان از وضع شما آگاه شوند، سنگسارتان می‌کنند؛ یا شما را به آیین خویش بازمی‌گردانند؛ و در آن صورت، هرگز روی رستگاری را نخواهید دید!»

اهل در کلام الله

مَا يَوْدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكُينَ أَنْ يَنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِنْ
رَبِّكُمْ وَاللَّهُ يَخْتَصُ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (البقرة / ۱۰۵)

کافران اهل کتاب، و (همچنین) مشرکان، دوست ندارند که از سوی خداوند، خیر و برکتی بر شما نازل گردد؛ در حالی که خداوند، رحمت خود را به هر کس بخواهد، اختصاص می‌دهد؛ و خداوند، صاحب فضل بزرگ است.

وَلَدَ كَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِنْ عِنْدِ أَنفُسِهِمْ
مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَأَغْفُلُوا وَاصْفَحُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
قَدِيرٌ (البقرة / ۱۰۹)

بسیاری از اهل کتاب، از روی حسد -که در وجود آنها ریشه دوانده- آرزو می‌کردند شما را بعد از اسلام و ایمان، به حال کفر باز گردانند؛ با اینکه حق برای آنها کاملاً روشن شده است. شما آنها را عفو کنید و گذشت نمایید؛ تا خداوند فرمان خودش (فرمان جهاد) را بفرستد؛ خداوند بر هر چیزی تواناست.

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ التَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ
وَالْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأَمْتَعْهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرْهُ إِلَى عَذَابِ النَّارِ وَبَئْسَ
الْمَصِيرُ (البقرة / ۱۲۶)

و (به یاد آورید) هنگامی را که ابراهیم عرض کرد: «پروردگار! این سرزمین را شهر امنی قرار ده! و اهل آن را آنها که به خدا و روز بازپسین، ایمان آورده‌اند- از ثمرات (گوناگون)، روزی ده!» (گفت): «ما دعای تو را اجابت کردیم؛ و مؤمنان را از انواع برکات، بهره‌مند ساختیم؛ اما به آنها که کافر شدند، بهره کمی خواهیم داد؛ سپس آنها را به عذاب آتش می‌کشانیم؛ و چه بد سرانجامی دارند»

إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَمَا أَهْلَبَ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ فَمَنِ اضطُرَّ إِلَيْهِ بَاغِ
وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ(البقرة/۱۷۳)

خداآوند، تنها (گوشت) مردار، خون، گوشت خوک و آنچه را نام غیر خدا به هنگام ذبح بر آن گفته شود، حرام کرده است. (ولی) آن کس که مجبور شود، در صورتی که ستمگر و متجاوز نباشد، گناهی بر او نیست؛ (و می‌تواند برای حفظ جان خود، در موقع ضرورت، از آن بخورد؛) خداوند بخشنده و مهریان است.

وَأَتَمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أَخْصِرْتُمْ فَمَا أَسْتَيْسِرَ مِنَ الْهَدْيٍ وَلَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّىٰ
يَبْلُغَ الْهَدْيٍ مَحْلَلٌ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذْيَ مِنْ رَأْسِهِ فَفِدِيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ
أَوْ نُسُكٍ فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَمَنْ تَمَّنَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجَّ فَمَا أَسْتَيْسِرَ مِنَ الْهَدْيٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ
فَصِيَامٌ ثَلَاثَةُ أَيَّامٍ فِي الْحَجَّ وَسَبْعَةٌ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشَرَةً كَامِلَةً ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلُهُ
حَاضِرٍ الْمَسْجِدُ الْحَرَامُ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ(البقرة/۱۹۶)

و حج و عمره را برای خدا به اتمام برسانید! و اگر محصور شدید، (و مانع مانند ترس از دشمن یا بیماری، اجازه نداد که پس از احرام بستن، وارد مکه شوید)، آنچه از قربانی فراهم شود (ذبح کنید، و از احرام خارج شوید)! و سرهای خود را نتراشید، تا قربانی به محلش برسد (و در قربانگاه ذبح شود)! و اگر کسی از شما بیمار بود، و یا ناراحتی در سر داشت، (و ناچار بود سر خود را بتراشد)، باید فدیه و کفاره‌ای از قبیل روزه یا صدقه یا گوسفنده بدهد! و هنگامی که (از بیماری و دشمن) در امان بودید، هر کس با ختم عمره، حج را آغاز کند، آنچه از قربانی برای او میسر است (ذبح کند)! و هر که نیافت، سه روز در ایام حج، و هفت روز هنگامی که باز می‌گردید، روزه بدارد! این، ده روز

کامل است. (البته) این برای کسی است که خانواده او، نزد مسجد الحرام نباشد [=] اهل مکه و اطراف آن نباشد. از خدا بپرهیزید! و بدانید که او، سخت کیفر است! یسأّلونكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٌ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدٌّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجِ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا يَرَأُونَ يَقَاتِلُونَكُمْ حَتَّىٰ يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنْ اسْتَطَاعُوا وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيُمْتَأْذِنُهُ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبَطْتَ أَعْمَالَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا حَالِدُونَ (البقرة/۲۱۷)

از تو، در باره جنگ کردن در ماه حرام، سؤال می‌کنند؛ بگو: «جنگ در آن، (گناهی) بزرگ است؛ ولی جلوگیری از راه خدا (و گرایش مردم به آیین حق) و کفر ورزیدن نسبت به او و هتك احترام مسجد الحرام، و اخراج ساکنان آن، نزد خداوند مهمتر از آن است؛ و ایجاد فتنه، (و محیط نامساعد، که مردم را به کفر، تشویق و از ایمان بازمی‌دارد) حتی از قتل بالاتر است. و مشرکان، پیوسته با شما می‌جنگند، تا اگر بتوانند شما را از آیینتان برگردانند؛ ولی کسی که از آیینش برگردد، و در حال کفر بمیرد، تمام اعمال نیک (گذشته) او، در دنیا و آخرت، برباد می‌رود؛ و آنان اهل دوز خند؛ و همیشه در آن خواهند بود.

فَلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهُ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أُرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلُّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ (آل عمران/۶۴)

بگو: «ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است؛ که جز خداوند یگانه را نپرسیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم؛ و بعضی از ما، بعضی دیگر را غیر از خدای یگانه- به خدایی نپذیرد.» هرگاه (از این دعوت)، سرباز زنند، بگویید: «گواه باشید که ما مسلمانیم!»

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تُحَاجِّونَ فِي إِنْرَاهِيمَ وَمَا أُنْزِلَتِ التَّوْرَاةُ وَالْإِنْجِيلُ إِلَّا مِنْ بَعْدِهِ أَفَلَا
تَعْقِلُونَ(آل عمران/۶۵)

ای اهل کتاب! چرا درباره ابراهیم، گفتگو و نزاع می کنید (و هر کدام، او را پیرو آیین خودتان معرفی می نمایید)؟! در حالی که تورات و انجیل، بعد از او نازل شده است! آیا اندیشه نمی کنید؟!

وَدَّتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَضْلُّونَكُمْ وَمَا يَضْلُّونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ(آل عمران/۶۹)

جمعی از اهل کتاب (از یهود)، دوست داشتند (و آرزو می کردند) شما را گمراه کنند؛ اما آنها باید بدانند که نمی توانند شما را گمراه سازند، آنها گمراه نمی کنند مگر خودشان را، و نمی فهمند!

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ(آل عمران/۷۰)

ای اهل کتاب! چرا به آیات خدا کافر می شوید، در حالی که (به درستی آن) گواهی می دهد؟!

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَخَلِّمُونَ(آل عمران/۷۱)

ای اهل کتاب! چرا حق را با باطل (می زمیزید) و مشتبه می کنید (تا دیگران نفهمند و گمراه شوند)، و حقیقت را پوشیده می دارید در حالی که می دانید؟!

وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ آمِنُوا بِالَّذِي أُنْزِلَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَجْهَ النَّهَارِ وَأَكْفَرُوا
آخِرَةً لَعَنْهُمْ يَرْجِعُونَ(آل عمران/۷۲)

و جمعی از اهل کتاب (از یهود) گفتند: «بروید در ظاهر» به آنچه بر مؤمنان نازل شده، در آغاز روز ایمان بیاورید؛ و در پایان روز، کافر شوید (و باز گردید) شاید آنها (از آیین خود) بازگردند! (زیرا شما را، اهل کتاب و آگاه از بشارات آسمانی پیشین می دانند؛ و این توطئه کافی است که آنها را متزلزل سازد).

وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنْهُ بِقِنْطَارٍ يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ وَمَنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنْهُ بِدِينَارٍ لَا يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ فَإِنَّمَا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمَّيْمَنِ سَبِيلٌ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِيبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ (آل عمران/۷۵)

و در میان اهل کتاب، کسانی هستند که اگر ثروت زیادی به رسم امانت به آنها بسپاری، به تو باز می‌گردانند؛ و کسانی هستند که اگر یک دینار هم به آنان بسپاری، به تو باز نمی‌گردانند؛ مگر تا زمانی که بالای سر آنها ایستاده (و بر آنها مسلط) باشی! این بخاطر آن است که می‌گویند: «ما در برابر امیین [= غیر یهودا، مسؤول نیستیم.» و بر خدا دروغ می‌بنند؛ در حالی که می‌دانند (این سخن دروغ است).

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ شَهِيدٌ عَلَى مَا تَعْمَلُونَ (آل عمران/۹۸)

بگو: «ای اهل کتاب! چرا به آیات خدا کفر می‌ورزید؟! و خدا گواه است بر اعمالی که انجام می‌دهید!»

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَصْدُونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ تَبْغُونَهَا عِوْجًا وَأَنْتُمْ شُهَدَاءُ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (آل عمران/۹۹)

بگو: «ای اهل کتاب! چرا افرادی را که ایمان آورده‌اند، از راه خدا بازمی‌دارید، و می‌خواهید این راه را کج سازید؟! در حالی که شما (به درستی این راه) گواه هستید؛ و خداوند از آنچه انجام می‌دهید، غافل نیست!»

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أَخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتَؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ (آل عمران/۱۱۰)

شما بهترین امتی بودید که به سود انسانها آفریده شده‌اند؛ (چه اینکه) امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید. و اگر اهل کتاب، (به چنین برنامه و آیین

در خشانی)، ایمان آورند، برای آنها بهتر است! (ولی تنها) عده کمی از آنها با ایمانند، و بیشتر آنها فاسقند، و خارج از اطاعت پروردگار)

لَيْسُوا سَوَاءٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أَمْ قَائِمَةٌ يَتَّلَعَّنَ آيَاتُ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ (آل عمران/۱۱۳)

آنها همه یکسان نیستند؛ از اهل کتاب، جمعیتی هستند که (به حق و ایمان) قیام می‌کنند؛ و پیوسته در اوقات شب، آیات خدا را می‌خوانند؛ در حالی که سجده می‌نمایند.

وَإِذْ عَدَتْ مِنْ أَهْلِكَ تُبَوَّئُ الْمُؤْمِنِينَ مَقَاعِدَ لِلِّقَاتَالِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (آل عمران/۱۲۱)

و (به یاد آور) زمانی را که صبحگاهان، از میان خانواده خود، جهت انتخاب اردوگاه جنگ برای مؤمنان، بیرون رفتی! و خداوند، شنوا و داناست (گفتگوهای مختلفی را که درباره طرح جنگ گفته می‌شد، می‌شنید؛ و اندیشه‌هایی را که بعضی در سر می‌پروراندند، می‌دانست).

وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ خَاشِعِينَ لِلَّهِ لَا يَشْتَرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ (آل عمران/۱۹۹)

و از اهل کتاب، کسانی هستند که به خدا، و آنچه بر شما نازل شده، و آنچه بر خودشان نازل گردیده، ایمان دارند؛ در برابر (فرمان) خدا خاضعنده؛ و آیات خدا را به بهای ناچیزی نمی‌فروشنند. پاداش آنها، نزد پروردگارشان است. خداوند، سریع الحساب است. (تمام اعمال نیک آنها را به سرعت حساب می‌کند، و پاداش می‌دهد).

وَمَنْ لَمْ يُسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ فَتَيَاتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُمْ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَإِنْكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَأَتُوهُنَّ أَجْوَهُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرَ مُسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتٍ أَخْدَانٍ فَإِذَا أَحْصِنَ

فَإِنْ أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْسَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ الْعَنْتَ مِنْكُمْ وَأَنْ تَصْرِفُوا حَيْرَ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ(النساء ۲۵)

و آنها که توانایی ازدواج با زنان (آزاد) پاکدامن بایمان را ندارند، می‌توانند با زنان پاکدامن از بردهگان بایمانی که در اختیار دارید ازدواج کنند - خدا به ایمان شما آگاه‌تر است؛ و همگی اعضای یک پیکرید - آنها را با اجازه صاحبان آنان تزویج نمایید، و مهرشان را به خودشان بدھید؛ به شرط آنکه پاکدامن باشند، نه بطور آشکار مرتكب زنا شوند، و نه دوست پنهانی بگیرند. و در صورتی که «محضنه» باشند و مرتكب عمل منافی عفت شوند، نصف مجازات زنان آزاد را خواهند داشت. این (اجازه ازدواج با کنیزان) برای کسانی از شمامست که بترسند (از نظر غریزه جنسی) به زحمت بیفتند؛ و (با این حال نیز) خودداری (از ازدواج با آنان) برای شما بهتر است. و خداوند، آمرزنده و مهربان است.

وَإِنْ خَفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أُهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أُهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيًّا حَبِيرًا(النساء ۳۵)

و اگر از جدایی و شکاف میان آن دو (همسر) بیم داشته باشد، یک داور از خانواده شوهر، و یک داور از خانواده زن انتخاب کنید (تا به کار آنان رسیدگی کنند). اگر این دو داور، تصمیم به اصلاح داشته باشند، خداوند به توافق آنها کمک می‌کند؛ زیرا خداوند، دانا و آگاه است (و از نیات همه، با خبر است).

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدِّوَا الْأَمَانَاتِ إِلَى أُهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعُدْلِ إِنَّ اللَّهَ يُعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا(النساء ۵۸)

خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانتها را به صاحبانش بدھید! و هنگامی که میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید! خداوند، اندرزهای خوبی به شما می‌دهد! خداوند، شنوای و بیناست.

وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالسَّنَاءِ وَالْوُلَادِ إِنَّ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقُرْيَهِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا (النساء/۷۵)

چرا در راه خدا، و (در راه) مردان و زنان و کودکانی که (به دست ستمگران) تضعیف شده‌اند، پیکار نمی‌کنید؟! همان افراد (ستمیدهای) که می‌گویند: «پروردگار! ما را از این شهر (مکه)، که اهلش ستمگرنند، بیرون ببر! و از طرف خود، برای ما سریرستی قرار ده! و از جانب خود، یار و یاوری برای ما تعیین فرما!

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يُقْتَلَ مُؤْمِنًا إِلَى حَطَأً وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَأً فَتَحْرِيرُ رَقَبَهُ مُؤْمِنَةٌ وَدِيَهُ مُسَامَهٌ إِلَى أَهْلِهِ إِلَى أَنْ يَصَدِّقُوا فَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوًّا لَكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَهُ مُؤْمِنَةٌ وَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ فَدِيَهُ مُسَامَهٌ إِلَى أَهْلِهِ وَتَحْرِيرُ رَقَبَهُ مُؤْمِنَةٌ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيامُ شَهْرَيْنِ مُتَبَاعِيْنِ تَوْبَهٌ مِنَ اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيًّا حَكِيمًا (النساء/۹۲)

هیچ فرد با ایمانی محاذ نیست که مؤمنی را به قتل برساند، مگر اینکه این کار از روی خطأ و اشتباه از او سر زند؛ (و در عین حال)، کسی که مؤمنی را از روی خطأ به قتل رساند، باید یک بردۀ مؤمن را آزاد کند و خوبهایی به کسان او بپردازد؛ مگر اینکه آنها خوبهای را ببخشند. و اگر مقتول، از گروهی باشد که دشمنان شما هستند (و کافرند)، ولی مقتول با ایمان بوده، (تنها) باید یک بردۀ مؤمن را آزاد کند (و پرداختن خوبهای لازم نیست). و اگر از جمعیتی باشد که میان شما و آنها پیمانی برقرار است، باید خوبهای او را به کسان او بپردازد، و یک بردۀ مؤمن (نیز) آزاد کند. و آن کس که دسترسي (به آزاد کردن بردۀ) ندارد، دو ماه پی در پی روزه می‌گیرد. این، (یک نوع تخفیف، و) توبه الهی است. و خداوند، دانا و حکیم است.

لَيْسَ بِأَمَانِيْكُمْ وَلَا أَمَانِيْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ يَعْمَلُ سُوءًا يَجْزَ بِهِ وَلَا يَجِدُ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيَا وَلَا نَصِيرًا (النساء/۱۲۳)

(فضیلت و برتری) به آرزوهای شما و آرزوهای اهل کتاب نیست؛ هر کس عمل بدی انجام دهد، کیفر داده می‌شود؛ و کسی را جز خدا، ولی و یاور خود نخواهد یافت.

يَسَّأْلُكَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَنْ تُنَزِّلَ عَلَيْهِمْ كِتَابًا مِنَ السَّمَاءِ فَقَدْ سَأَلُوا مُوسَى أَكْبَرَ مِنْ ذَلِكَ فَقَالُوا أَرِنَا اللَّهَ جَهَرًا فَأَخَذْنَاهُمُ الصَّاعِقَةَ بِظُلْمِهِمْ ثُمَّ أَنْجَدُوا الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَيِّنَاتُ فَعَمِّلُوْنَا عَنْ ذَلِكَ وَآتَيْنَا مُوسَى سُلْطَانًا مُبِينًا(النساء/۱۵۳)

اهل کتاب از تو می‌خواهند کتابی از آسمان (یکجا) بر آنها نازل کنی؛ (در حالی که این یک بهانه است؛ آنها از موسی، بزرگتر از این را خواستند، و گفتند: «خدا را آشکارا به ما نشان ده!» و بخارط این ظلم و ستم، صاعقه آنها را فرا گرفت. سپس گوساله (سامری) را، پس از آن همه دلایل روشن که برای آنها آمد، (به خدایی) انتخاب کردند، ولی ما از آن درگذشتیم (و عفو کردیم) و به موسی، برهان آشکاری دادیم.

وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا(النساء/۱۵۹)

و هیچ یک از اهل کتاب نیست مگر اینکه پیش از مرگش به او [= حضرت مسیح] ایمان می‌آورد؛ و روز قیامت، بر آنها گواه خواهد بود.

يَا أَهْلَ الْكِتَابَ لَا تَغْلِبُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقُّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ الْقَاهَا إِلَى مَرِيمَ وَرُوحٌ مِنْهُ فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةٌ أَنْتُهُوا خَيْرًا لَكُمْ إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهٌ وَاحِدٌ سُبْحَانَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا(النساء/۱۷۱)

ای اهل کتاب! در دین خود، غلو (و زیاده روی) نکنید! و در باره خدا، غیر از حق نگویید! مسیح عیسی بن مریم فقط فرستاده خدا، و کلمه (و مخلوق) اوست، که او را به مریم القا نمود؛ و روحی (شایسته) از طرف او بود. بنابر این، به خدا و پیامبران او، ایمان بباوریدا و نگویید: «(خداؤند) سه‌گانه است!» (از این سخن) خودداری کنید که برای شما بهتر است! خدا، تنها معبد یگانه است؛ او منزه است که فرزندی داشته

باشد؛ (بلکه) از آن اوست آنچه در آسمانها و در زمین است؛ و برای تدبیر و سربرستی آنها، خداوند کافی است.

حرّمت عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَمَا أَهْلَلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمُوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبَعُ إِلَّا مَا ذَكَيْتُمْ وَمَا دُبِحَ عَلَى النُّصُبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَرْلَامِ ذِلِّكُمْ فِسْقُ الْيَوْمِ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشُوْهُمْ وَاخْشُوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيَتِ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنِ اضطَرَّ فِي مَحْمَصَةٍ غَيْرَ مُتَجَانِفٍ لِإِلَمٍ فَإِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ(المائدة/۳)

گوشت مردار، و خون، و گوشت خوک، و حیواناتی که به غیر نام خدا ذبح شوند، و حیوانات خفه شده، و به زجر کشته شده، و آنها که بر اثر پرت شدن از بلندی بمیرند، و آنها که به ضرب شاخ حیوان دیگری مرده باشند، و باقیمانده صید حیوان درنده -مگر آنکه (موقعه به آن حیوان برسید، و آن را سرببرید- و حیواناتی که روی بتها (یا در برابر آنها) ذبح می شوند، (همه) بر شما حرام شده است؛ و (همچنین) قسمت کردن گوشت حیوان به وسیله چوبه های تیر مخصوص بخت آزمایی؛ تمام این اعمال، فسق و گناه است -امروز، کافران از (زوال) آیین شما، مایوس شدند؛ بنابر این، از آنها نترسید! و از (مخالفت) من بترسید! امروز، دین شما را کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم- اما آنها که در حال گرسنگی، دستشان به غذای دیگری نرسد، و متمایل به گناه نباشند، (مانع ندارد که از گوشت های ممنوع بخورند؛) خداوند، آمرزنده و مهریان است.

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يَبْيَنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُحْفَوْنَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ(المائدة/۱۵)

ای اهل کتاب! پیامبر ما، که بسیاری از حقایق کتاب آسمانی را که شما کتمان می کردید روشن می سازد، به سوی شما آمد؛ و از بسیاری از آن، (که فعلا افشاری آن مصلحت نیست)، صرف نظر می نماید. (آری)، از طرف خدا، نور و کتاب آشکاری به سوی شما آمد.

يا أهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يَبْيَنُ لَكُمْ عَلَىٰ فَتْرَةٍ مِنَ الرُّسُلِ أَنْ تَقُولُوا مَا جَاءَنَا مِنْ بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ(المائدة/۱۹)

ای اهل کتاب! رسول ما، پس از فاصله و فترتی میان پیامبران، به سوی شما آمد؛ در حالی که حقایق را برای شما بیان می کند؛ تا مبادا (روز قیامت) بگویید: «نه بشارت دهنده ای به سراغ ما آمد، و نه بیم دهنده ای!» (هم اکنون، پیامبر) بشارت دهنده و بیم دهنده، به سوی شما آمد! و خداوند بر همه چیز تواناست.

وَلِيَحُكِّمُ أَهْلُ الْإِنْجِيلِ بِمَا أُنزِلَ اللَّهُ فِيهِ وَمَنْ لَمْ يَحُكِّمْ بِمَا أُنزِلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ(المائدة/۴۷)

اهل انجیل [= پیروان مسیح] نیز باید به آنچه خداوند در آن نازل کرده حکم کنند؛ و کسانی که بر طبق آنچه خدا نازل کرده حکم نمی کنند، فاسقند.

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ هَلْ تَنْقُمُونَ مِنَا إِلَّا أَنْ أَمَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِنَا أَكْثَرَكُمْ فَأَسِقُونَ(المائدة/۵۹)

بگو: «ای اهل کتاب! آیا به ما خرد می گیرید؟ (مگر ما چه کرده ایم) جز اینکه به خداوند یگانه، و به آنچه بر ما نازل شده، و به آنچه پیش از این نازل گردیده، ایمان آورده ایم. و این، بخاطر آن است که بیشتر شما، از راه حق، خارج شده اید.»

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ آمَّنُوا وَأَنَّفُوا لَكَفَرُنَا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَاهُمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ(المائدة/۶۵)

و اگر اهل کتاب ایمان بیاورند و تقوا پیشه کنند، گناهان آنها را می بخشیم؛ و آنها را در باغهای بر نعمت بهشت، وارد می سازیم.

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ حَتَّىٰ تُقِيمُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغِيَّاً وَكُفَّارًا فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ(المائدة/۶۸)

ای اهل کتاب! شما هیچ آیین صحیحی ندارید، مگر اینکه تورات و انجیل و آنچه را از طرف پروردگارتن بر شما نازل شده است، بربا دارید. ولی آنچه بر تو از سوی پروردگارت نازل شده، (نه تنها مایه بیداری آنها نمی‌گردد، بلکه) بر طغیان و کفر بسیاری از آنها می‌افزاید. بنابر این، از این قوم کافر، (و مخالفت آنها)، غمگین مباش!

**فَلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِنَّكُمْ عَيْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَبَرَّغُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلَّوْا مِنْ قَبْلِ
وَأَضَلُّوا كَثِيرًا وَضَلُّوا عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ**(المائدہ/۷۷)

بگو: «ای اهل کتاب! در دین خود، غلو (و زیاده روی) نکنید! و غیر از حق نگویید! و از هوسهای جمعیتی که پیشتر گمراه شدند و دیگران را گمراه کردند و از راه راست منحر گشتند، پیروی ننمایید!»

**لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَدْتُمُ الْأَيْمَانَ فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ
عَشَرَةِ مَسَاكِينَ مِنْ أُوسَطِ مَا تُطْعِمُونَ أَهْلِيْكُمْ أَوْ كِسْوَتِهِمْ أَوْ تَخْرِيرِ رَقَبَةٍ فَمَنْ لَمْ
يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَلِكَ كَفَارَةً أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ وَاحْفَظُوا أَيْمَانِكُمْ كَذَلِكَ يَبْيَنُ اللَّهُ
لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ**(المائدہ/۸۹)

خداؤند شما را بخاطر سوگندهای بیهوده (و خالی از اراده)، مؤاخذه نمی‌کند؛ ولی در برابر سوگندهایی که (از روی اراده) محکم کرده‌اید، مؤاخذه می‌نماید. کفاره این‌گونه قسمها، اطعام ده نفر مستمند، از غذاهای معمولی است که به خانواده خود می‌دهید؛ یا لباس پوشاندن بر آن ده نفر؛ یا آزاد کردن یک برد؛ و کسی که هیچ کدام از اینها را نیابد، سه روزه می‌گیرد؛ این، کفاره سوگندهای شمامست به هنگامی که سوگند یاد می‌کنید (و مخالفت می‌نمایید). و سوگندهای خود را حفظ کنید (و نشکنید)!

خداؤند آیات خود را این چنین برای شما بیان می‌کند، شاید شکر او را بجا آوریدا!
**فَلْ لَا أَجِدُ فِي مَا أَوْحَى إِلَى مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا
أَوْ لَحْمَ حِنْزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا أَهْلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمِنْ اضْطَرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ**

رَبَّكَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ(الأنعام/۱۴۵)

بگو: «در آنچه بر من وحی شده، هیچ غذای حرامی نمی‌یابم؛ بجز اینکه مردار باشد، یا خونی که (از بدن حیوان) بیرون ریخته، یا گوشت خوک -که اینها همه پلیدند- یا حیوانی که به گناه، هنگام سر بریدن، نام غیر خدا [= نام بتها] بر آن برده شده است.» اما کسی که مضطرب (به خوردن این محramat) شود، بی آنکه خواهان لذت باشد و یا زیاده روی کند (گناهی بر او نیست؟؛ زیرا پروردگارت، آمرزنه مهریان است.

وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّبِيٍّ إِلَّا أَخْذَنَا أَهْلَهَا بِالْأَبْسَاءِ وَالضَّرَاءِ لَعَلَّهُمْ يَضَرَّعُونَ (الأعراف/۹۴)

و ما در هیچ شهر و آبادی پیامبری نفرستادیم مگر اینکه اهل آن را به ناراحتیها و خسارتها گرفتار ساختیم؛ شاید (به خود آیند، و به سوی خدا) بازگردند و تضرع کنند! وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقُوا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنْ كَذَبُوا فَأَخَذَنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكُسُبُونَ (الأعراف/۹۶)

و اگر اهل شهرها و آبادیها، ایمان می‌آورند و تقوا پیشه می‌کردن، برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم؛ ولی (آنها حق را) تکذیب کردن؛ ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم.

أَفَمِنْ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَنْ يَأْتِيهِمْ بِأَسْنَانٍ بَيَاتًاٌ وَهُمْ نَائِمُونَ (الأعراف/۹۷)

آیا اهل این آبادیها، از این ایمنند که عذاب ما شبانه به سراغ آنها باید در حالی که در خواب باشند؟!

أَوَمِنْ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَنْ يَأْتِيهِمْ بِأَسْنَانٍ ضُحَىٌ وَهُمْ يَلْعَبُونَ (الأعراف/۹۸)

آیا اهل این آبادیها، از این ایمنند که عذاب ما هنگام روز به سراغشان باید در حالی که سرگرم بازی هستند؟!

أَوَلَمْ يَهْدِ لِلَّذِينَ يَرِثُونَ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ أَهْلِهَا أَنْ لَوْ نَشَاءُ أَصْبَنَاهُمْ بِذِنْبِهِمْ وَنَطْبَعُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ (الأعراف/۱۰۰)

آیا کسانی که وارث روی زمین بعد از صاحبان آن می‌شوند، عبرت نمی‌گیرند که اگر بخواهیم، آنها را نیز به گناهانشان هلاک می‌کنیم، و بر دلهایشان مهر می‌نهیم تا صدای حق را) نشنوند؟!

فَالَّذِي فِرِعَوْنُ أَمْنَسْتُمْ بِهِ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ إِنَّ هَذَا لَمَكْرٌ مَكْرُّ تُمُّوْهُ فِي الْمَدِينَةِ لِتُخْرِجُوا مِنْهَا أَهْلَهَا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ(الأعراف/۱۲۳)

فرعون گفت: «آیا پیش از آنکه به شما اجازه دهم، به او ایمان آورده؟! حتماً این نیرنگ و توطئه‌ای است که در این شهر (و دیار) چیده‌اید، تا اهلش را از آن بیرون کنید؛ ولی بزودی خواهید دانست!

وَمِمَّنْ حَوْلَكُمْ مِنَ الْأَغْرَابِ مُنَافِقُونَ وَمِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَى النَّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ تَخْنُ نَعْلَمُهُمْ سَعْدَنَبْهُمْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ يَرَدُونَ إِلَى عَذَابِ عَظِيمٍ(التوبه/۱۰۱)

و از (میان) اعراب بادیه‌نشین که اطراف شما هستند، جمعی منافقند؛ و از اهل مدینه (نیز)، گروهی سخت به نفاق پای بندند. تو آنها را نمی‌شناسی، ولی ما آنها را می‌شناسیم. بزودی آنها را دو بار مجازات می‌کنیم (مجازاتی با رسایی در دنیا، و مجازاتی به هنگام مرگ)؛ سپس بسوی مجازات بزرگی (در قیامت) فرستاده می‌شوند.

إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٌ أَنْزَلَنَا مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَطَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّىٰ إِذَا أَخْذَتِ الْأَرْضُ رُحْرُقَهَا وَأَرَيْتَ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَنْ لَمْ تَعْنِ بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقُوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ(يونس/۲۴)

مثل زندگی دنیا، همانند آبی است که از آسمان نازل کرده‌ایم؛ که در پی آن، گیاهان (گوناگون) زمین -که مردم و چهارپایان از آن می‌خورند- می‌روید؛ تا زمانی که زمین، زیبایی خود را یافته و آراسته می‌گردد، و اهل آن مطمئن می‌شوند که می‌توانند از آن بهره‌مند گردند، (ناگهان) فرمان ما، شب‌هنگام یا در روز، (برای نابودی آن) فرامی‌رسد؛ (سرما یا صاعقه‌ای را بر آن مسلط می‌سازیم)؛ و آنچنان آن را درو می‌کنیم که گویی

دیروز هرگز (چنین کشتزاری) نبوده است! این گونه، آیات خود را برای گروهی که می‌اندیشند، شرح می‌دهیم!

وَنَادَىٰ نُوحٌ رَّبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِيٰ وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ (هود/۴۵)

نوح به پروردگارش عرض کرد: «پروردگار! پسرم از خاندان من است؛ و وعده تو (در مورد نجات خاندانم) حق است؛ و تو از همه حکم‌کنندگان برتری!»

فَالَّى يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلْنِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعِظُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِيِّينَ (هود/۴۶)

فرمود: «ای نوح! او از اهل تو نیست! او عمل غیر صالح است [= فرد ناشایسته‌ای است!] پس، آنچه را از آن آگاه نیستی، از من مخواه! من به تو اندرز می‌دهم تا از جاهلان نباشی!!»

فَأَلْوَا أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَحِيدٌ (هود/۷۳)

گفتند: «آیا از فرمان خدا تعجب می‌کنی؟! این رحمت خدا و برکاتش بر شما خانواده است؛ چرا که او ستوده و والا است!»

فَالَّى هِيَ رَاوَدَتْنِي عَنْ نَفْسِي وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِنْ أَهْلِهَا إِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ قُبْلِ فَصَدَقَتْ وَهُوَ مِنَ الْكَاذِبِينَ (یوسف/۲۶)

(یوسف) گفت: «او مرا با اصرار به سوی خود دعوت کردا» و در این هنگام، شاهدی از خانواده آن زن شهادت داد که: «اگر پیراهن او از پیش رو پاره شده، آن آن راست می‌گوید، و او از دروغگویان است.

وَقَالَ لِفْتَانِيهِ اجْعَلُوا بِضَاعَتَهُمْ فِي رِحَالِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَعْرِفُونَهَا إِذَا أُنْقَلَبُوا إِلَى أَهْلِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (یوسف/۶۲)

(سپس) به کارگزاران خود گفت: «آنچه را بعنوان قیمت پرداخته‌اند، در بارهایشان

بگذارید! شاید پس از بازگشت به خانواده خویش، آن را بشناسند؛ و شاید برگردند!»

وَلَمَّا فَتَحُوا مَتَاعَهُمْ وَجَدُوا بِضَاعَتِهِمْ رُدَّتْ إِلَيْهِمْ قَالُوا يَا أَبَانَا مَا نَبْغِي هَذِهِ بِضَاعَتْنَا رُدَّتْ

إِلَيْنَا وَمَمِيرُ أَهْلَنَا وَتَحْفَظُ أَخَانَا وَتَرْدَادُ كَيْلَ بَعِيرٍ ذَلِكَ كَيْلٌ يَسِيرٌ (یوسف/۶۵)

و هنگامی که متاع خود را گشودند، دیدند سرمایه آنها به آنها بازگردانده شده! گفتند:

«پدر! ما دیگر چه میخواهیم؟! این سرمایه ماست که به ما باز پس گردانده شده است!

(پس چه بهتر که برادر را با ما بفرستی؛) و ما برای خانواده خویش مواد غذایی

می‌آوریم؛ و برادرمان را حفظ خواهیم کرد؛ و یک بار شتر زیادتر دریافت خواهیم

داشت، این پیمانه (بار) کوچکی است!»

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ

فَيُنْظَرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا أَفَلَا

تَعْقِلُونَ (یوسف/۱۰۹)

و ما نفرستادیم پیش از تو، جز مردانی از اهل آبادیها که به آنها وحی می‌کردیم! آیا

(مخالفان دعوت تو)، در زمین سیر نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که پیش از آنها

بودند چه شد؟! و سرای آخرت برای پرهیز کاران بهتر است! آیا فکر نمی‌کنید؟!

وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرِيبٍ إِلَّا وَلَهَا كِتَابٌ مَغْلُومٌ (الحجر/۴)

ما اهل هیچ شهر و دیاری را هلاک نکردیم مگر اینکه اجل معین (و زمان تغییر

ناپذیری) داشتند!

وَجَاءَ أَهْلُ الْمَدِينَةِ يَسْتَثِرُونَ (الحجر/۶۷)

(از سوی دیگر)، اهل شهر (از ورود میهمانان با خبر شدند، و بطرف خانه لوط) آمدند

در حالی که شادمان بودند.

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا

تَعْلَمُونَ (النحل/۴۳)

و پیش از تو، جز مردانی که به آنها وحی می‌کردیم، نفرستادیم! اگر نمی‌دانید، از آگاهان بپرسید (تا تعجب نکنید از اینکه پیامبر اسلام از میان همین مردان برانگیخته شده است)!

فَأَنْطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا رَكِبَا فِي السَّفِينَةِ خَرَقَهَا قَالَ أَخْرَقْتَهَا لِتُنْقِرَ أَهْلَهَا لَفَدْ جِئْتَ شَيْئًا إِمْرًا(الكهف/۷۱)

آن دو به راه افتادند؛ تا آن که سوار کشته شدند، (حضر) کشتی را سوراخ کرد. (موسی) گفت: «آیا آن را سوراخ کردی که اهلش را غرق کنی؟! راستی که چه کار بدی انجام دادی!»

فَأَنْطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا أَتَيَا أَهْلَ قَرْيَةٍ اسْتَطَعُمَا أَهْلَهَا فَأَبْوَا أَنْ يَضَيِّفُوهُمَا فَوَحَدَا فِيهَا جِدَارًا
بِرِيدُ أَنْ يُنْقَضَ فَأَقَامَهُ قَالَ لَوْ شِئْتَ لَا تَخْذُنَتْ عَلَيْهِ أَجْرًا(الكهف/۷۷)

باز به راه خود ادامه دادند تا به مردم قریه‌ای رسیدند؛ از آنان خواستند که به ایشان غذا دهند؛ ولی آنان از مهمان کردنشان خودداری نمودند؛ (با این حال) در آن جا دیواری یافتند که می‌خواست فروزیزد؛ و (آن مرد عالم) آن را برپا داشت. (موسی) گفت: «(لاقل) می‌خواستی در مقابل این کار مزدی بگیری!»

وَادْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذْ انْتَبَدَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا(مریم/۱۶)

و در این کتاب (آسمانی)، مریم را یاد کن، آن هنگام که از خانواده‌اش جدا شد، و در ناحیه شرقی (بیت المقدس) قرار گرفت؛

وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا(مریم/۵۵)

او همواره خانواده‌اش را به نماز و زکات فرمان می‌داد؛ و همواره مورد رضایت پروردگارش بود.

وَاجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِنْ أَهْلِي(طه/۲۹)

و وزیری از خاندانم برای من قرار ده...

إِذْ تَمْسِي أُخْتُكَ فَتَقُولُ هَلْ أَذْلَكُمْ عَلَى مَنْ يَكْفُلُهُ فَرَجَعْنَاكَ إِلَى أَمْكَ كَيْ تَقْرَ عَيْنُهَا
وَلَا تَحْزَنْ وَقَتَلْتَ نَفْسًا فَنَجَّيْنَاكَ مِنَ الْغَمَّ وَقَتَلَنَاكَ فُتُونًا فَأَبْشِتَ سِنِينَ فِي أَهْلٍ مَدِينَ
ثُمَّ جِئْتَ عَلَى قَدَرٍ يَا مُوسَى(طه/٤٠)

در آن هنگام که خواهرت (در نزدیکی کاخ فرعون) راه می‌رفت و می‌گفت: «آیا کسی را به شما نشان دهم که این نوزاد را کفالت می‌کند (و دایه خوبی برای او خواهد بود)!» پس تو را به مادرت بازگرداندیم، تا چشمش به تو روشن شود؛ و غمگین نگردد! و تو یکی (از فرعونیان) را کشتی؛ اما ما تو را از اندوه نجات دادیم! و بارها تو را آزمودیم! پس از آن، سالیانی در میان مردم «مدین» توقف نمودی؛ سپس در زمان مقدر (برای فرمان رسالت) به این جا آمدی، ای موسی!

وَأَمْرُ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ
لِلنَّقْوَى(طه/١٣٢)

خانواده خود را به نماز فرمان ده؛ و بر انجام آن شکیبا باش! از تو روزی نمی‌خواهیم؛ (بلکه) ما به تو روزی می‌دهیم؛ و عاقبت نیک برای تقواست!

وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا
تَعْلَمُونَ(الأنبياء/٧)

ما پیش از تو، جز مردانی که به آنان وحی می‌کردیم، نفرستادیم! (همه انسان بودند، و از جنس بشر!) اگر نمی‌دانید، از آگاهان بپرسید.

فَاسْتَجِبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرٌّ وَآتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا
وَذِكْرَى لِلْعَابِدِينَ(الأنبياء/٨٤)

ما دعای او را مستجاب کردیم؛ و ناراحتیهایی را که داشت برطرف ساختیم؛ و خاندانش را به او بازگرداندیم؛ و همانندشان را بر آنها افروزدیم؛ تا رحمتی از سوی ما تذکری برای عبادت‌کنندگان باشد.

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بَيْوِتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْنِسُوا وَتُسَمِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا
ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ(النور/۲۷)

ای کسانی که ایمان آورده اید! در خانه هایی غیر از خانه خود وارد نشوید تا اجازه
بگیرید و بر اهل آن خانه سلام کنید؛ این برای شما بهتر است؛ شاید متذکر شوید!
فَالْتَّ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أُعِزَّةَ أَهْلِهَا أَذَلَّهُ وَكَذَلِكَ
يَفْعَلُونَ(النمل/۳۴)

گفت: پادشاهان هنگامی که وارد منطقه آبادی شوند آن را به فساد و تباہی می کشند،
و عزیزان آنجا را ذلیل می کنند؛ (آری) کار آنان همین گونه است!

فَالْأُولَا تَقَاسَمُوا بِاللَّهِ لَنْبِيَّتَهُ وَأَهْلَهُ ثُمَّ لَقُوْلَنَ لَوْلِيهِ مَا شَهَدَنَا مَهْلِكَ أَهْلِهِ وَإِنَّا
لَصَادِقُونَ(النمل/۴۹)

آنها گفتند: «بیایید قسم یاد کنید به خدا که بر او [= صالح] و خانواده اش شبیخون
می زنیم (و آنها را به قتل می رسانیم)؛ سپس به ولی دم او می گوییم: ما هرگز از
هلاکت خانواده او خبر نداشتیم و در این گفتار خود صادق هستیم!»
إِنَّ فِرْغَوْنَ عَلَى فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شَيْئًا يَسْتَضْعِفُ طَائِفَةً مِنْهُمْ يَدْبَحُ أَبْنَاءَهُمْ
وَيَسْتَخْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ(القصص/۴)

فرعون در زمین برتری جویی کرد، و اهل آن را به گروههای مختلفی تقسیم نمود؛
گروهی را به ضعف و ناتوانی می کشاند، پسرانشان را سر می برد و زنانشان را (برای
کنیزی و خدمت) زنده نگه می داشت؛ او به یقین از مفسدان بود!

وَحَرَّمَنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْلِ فَقَاتَ هُلْ أَذْلُكُمْ عَلَى أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ وَهُمْ لَهُ
نَاصِحُونَ(القصص/۱۲)

ما همه زنان شیرده را از پیش بر او حرام کردیم (تا تنها به آغوش مادر بازگردد)؛ و
خواهرش (که بیتابی مأموران را برای پیدا کردن دایه مشاهده کرد) گفت: «آیا شما را

به خانواده‌ای راهنمایی کنم که می‌توانند این نوزاد را برای شما کفالت کنند و خیرخواه او باشند؟!»

وَدَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَىٰ حِينَ غَفْلَةٍ مِّنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يُقْتَلَيْنَ هَذَا مِنْ شِيعَتِهِ وَهَذَا مِنْ عَدُوِّهِ فَاسْتَغَاثَهُ الَّذِي مِنْ شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ فَوَكَزَهُ مُوسَى فَقَضَى عَلَيْهِ قَالَ هَذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ عَدُوٌّ مُضِلٌّ مُبِينٌ(القصص/۱۵)

او به هنگامی که اهل شهر در غفلت بودند وارد شهر شد؛ ناگهان دو مرد را دید که به جنگ و نزاع مشغولند؛ یکی از پیروان او بود (و از بنی اسرائیل)، و دیگری از دشمنانش، آن که از پیروان او بود در برابر دشمنش از وی تقاضای کمک نمود؛ موسی مشت محکمی بر سینه او زد و کار او را ساخت (و بر زمین افتاد و مرد)؛ موسی گفت: «این (نزاع شما) از عمل شیطان بود، که او دشمن و گمراه‌کننده آشکاری است»

وَلَكِنَّا أَنْشَأْنَا قُرُونًا فَتَطَوَّلُ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ وَمَا كُنْتَ ثَاوِيَا فِي أَهْلِ مَدِينَ تَتْلُو عَلَيْهِمْ آياتِنَا وَلَكِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ(القصص/۴۵)

ولی ما اقوامی را در اعصار مختلف خلق کردیم، و زمانهای طولانی بر آنها گذشت (که آثار انبیا از دلهایشان محو شد؛ پس تو را با کتاب آسمانیت فرستادیم)! تو هرگز در میان مردم مدين اقامت نداشتی تا (از وضع آنان آگاه باشی و) آیات ما را برای آنها [= مشرکان مکه] بخوانی، ولی ما بودیم که تو را فرستادیم (و این آیات را در اختیارت قراردادیم)!

إِنَّا مُنْزِلُونَ عَلَىٰ أَهْلِ هَذِهِ الْقَرْيَةِ رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُدُونَ(العنکبوت/۳۴)
ما بر اهل این شهر و آبادی به خاطر گناهانشان، عذابی از آسمان فرو خواهیم ریخت!
وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالْتِي هِي أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَتُؤْلُوا آمَنًا بِالَّذِي أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَأُنْزِلَ إِلَيْكُمْ وَإِلَهُنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ(العنکبوت/۴۶)

با اهل کتاب جز به روشی که از همه نیکوتر است مجادله نکنید، مگر کسانی از آنان که ستم کردند؛ و (به آنها) بگویید: «ما به تمام آنچه از سوی خدا بر ما و شما نازل شده ایمان آورده‌ایم، و معبود ما و شما یکی است، و ما در برابر او تسليم هستیم!»

وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرَبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَأَرْجِعُوْا وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِّنْهُمُ النَّبِيَّ
يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا غَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِغَوْرَةٍ إِنْ يَرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا (الأحزاب/۱۳)

و (نیز) به خاطر آورید زمانی را که گروهی از آنها گفتند: «ای اهل یثرب (ای مردم مدینه)! اینجا جای توقف شما نیست؛ به خانه‌های خود بازگردید!» و گروهی از آنان از پیامبر اجازه بازگشت می‌خواستند و می‌گفتند: «خانه‌های ما بی‌حافظ است!»، در حالی که بی‌حافظ نبود؛ آنها فقط می‌خواستند (از جنگ) فرار کنند.

وَأَنْزَلَ اللَّذِينَ ظَاهِرُوهُمْ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ صَيَاصِيهِمْ وَقَدَّفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّغْبَ فَرِيقًا
تَقْتَلُونَ وَتَأْسِرُونَ فَرِيقًا (الأحزاب/۲۶)

و خداوند گروهی از اهل کتاب [= یهود] را که از آنان [= مشرکان عرب] حمایت کردند از قلعه‌های محکم‌شان پایین کشید و در دلهایشان رعب افکند؛ (و کارشان به جایی رسید که) گروهی را به قتل می‌رساندید و گروهی را اسیر می‌کردید!

فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَّةً وَلَا إِلَى أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ (یس/۵۰)

(چنان غافلگیر می‌شوند که حتی) نمی‌توانند وصیتی کنند یا به سوی خانواده خود بازگردند!

كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِّنْ قَرْنِ فَنَادُوا وَلَاتَ حِينَ مَنَاصِ (ص/۳)

چه بسیار اقوامی را که پیش از آنها هلاک کردیم؛ و به هنگام نزول عذاب فریاد می‌زندند (و کمک می‌خواستند) ولی وقت نجات گذشته بود!

وَوَهَبْنَا لَهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنَّا وَذَكْرَى لِأُولَى الْأَلْبَابِ (ص/۴۳)

و خانواده‌اش را به او بخشیدیم، و همانند آنها را بر آنان افزودیم، تا رحمتی از سوی ما باشد و تذکری برای اندیشمندان.

إِنَّ ذَلِكَ لَحْقٌ تَخَاصُّمٌ أَهْلِ النَّارِ (ص/٦٤)

این یک واقعیت است گفتگوهای خصمانه دوزخیان!

بَلْ ظَنَّتُمْ أَنْ لَنْ يُنْقَلِبَ الرَّسُولُ وَالْمُؤْمِنُونَ إِلَى أَهْلِيْهِمْ أَبْدًا وَرَبِّنَ ذَلِكَ فِي قُلُوبِكُمْ
وَظَنَّتُمْ ظَنَّ السَّوَءِ وَكُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا (الفتح/١٢)

ولی شما گمان کردید پیامبر و مؤمنان هرگز به خانواده‌های خود بازخواهند گشت؛ و
این (پندار غلط) در دلهای شما زینت یافته بود و گمان بد کردید؛ و سرانجام (در دام
شیطان افتادید و) هلاک شدید!

فَرَاغَ إِلَى أَهْلِهِ فَجَاءَ بِعِجْلٍ سَمِينٍ (الذاريات/٢٦)

سپس پنهانی به سوی خانواده خود رفت و گوساله فربه (و بربان شده‌ای را برای آنها)
آورد،

فَأَلَوْا إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ (الطور/٢٦)

می‌گویند: «ما در میان خانواده خود ترسان بودیم (مبارا گناهان آنها دامن ما را
بگیرد)!

إِلَّا يَعْلَمُ أَهْلُ الْكِتَابِ أَلَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِّنْ فَضْلِ اللَّهِ وَأَنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتَيْهِ
مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (الحديد/٢٩)

تا اهل کتاب بدانند که قادر بر چیزی از فضل خدا نیستند، و تمام فضل (و رحمت) به
دست اوست، به هر کس بخواهد آن را می‌بخشد؛ و خداوند دارای فضل عظیم است!
هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَّتُمْ أَنْ
يَخْرُجُوا وَظَنَّوْا أَنَّهُمْ مَانِعُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْسِبُوْا وَقَدْفَ
فِي قُلُوبِهِمُ الرُّغْبَةِ يَخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاغْتَبِرُوا يَا أُولَى
الْأَبْصَارِ (الحشر/٢)

او کسی است که کافران اهل کتاب را در نخستین برخورد (با مسلمانان) از
خانه‌هایشان بیرون راند! گمان نمی‌کردید آنان خارج شوند، و خودشان نیز گمان

می کردند که دژهای محکمshan آنها را از عذاب الهی مانع می شود؛ اما خداوند از آنجا که گمان نمی کردند به سراغشان آمد و در دلهایشان ترس و وحشت افکند، بگونه ای که خانه های خود را با دست خویش و با دست مؤمنان ویران می کردند؛ پس عبرت بگیرید ای صاحبان چشم!

مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقَرْبَىٰ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَإِنِّي السَّبِيلٌ كَمَا يَكُونُ دُولَةٌ بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَأَنْتُهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (الحشر ۷/)

آنچه را خداوند از اهل این آبادیها به رسولش بازگرداند، از آن خدا و رسول و خویشاوندان او، و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان است، تا (این اموال عظیم) در میان ثروتمندان شما دست به دست نگردد! آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید (و اجرا کنید)، و از آنچه نهی کرده خودداری نمایید؛ و از (مخالفت) خدا بپرهیزید که خداوند کیفرش شدید است!

أَلْمَ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نَاقَوْنَا يَقُولُونَ لِإِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَئِنْ أُخْرِجْتُمْ لَنَخْرُجُنَّ مَعَكُمْ وَلَا نُطِيعُ فِيهِمْ أَحَدًا وَإِنْ قُوْتِلْتُمْ لَنَنْصُرَنَّكُمْ وَاللَّهُ يَسْهُدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (الحشر ۱۱/)

آیا منافقان را ندیدی که پیوسته به برادران کفارشان از اهل کتاب می گفتند: «هرگاه شما را (از وطن) بیرون کنند، ما هم با شما بیرون خواهیم رفت و هرگز سخن هیچ کس را درباره شما اطاعت نخواهیم کرد؛ و اگر با شما پیکار شود، یاریتان خواهیم نمود!» خداوند شهادت می دهد که آنها دروغگویانند!

وَمَا يَذُكُرُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَىٰ وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ (المدثر ۵۶/)

و هیچ کس پند نمی گیرد مگر اینکه خدا بخواهد؛ او اهل تقوا و اهل آمرزش است!

ثُمَّ ذَهَبَ إِلَى أَهْلِهِ يَتَمَطَّى (القيامة ۳۳/)

سپس بسوی خانواده خود بازگشت در حالی که متکبرانه قدم برمی داشت!

وَإِذَا أُنْقَلَبُوا إِلَى أَهْلِهِمْ أُنْقَلَبُوا فَكِهِينَ(المطففين/٣١)

و چون به سوی خانواده خود بازمی گشتند مسورو و خندان بودند،

وَيَنْقُلِبُ إِلَى أَهْلِهِ مَسْرُورًا(الانشقاق/٩)

و خوشحال به اهل و خانواده اش بازمی گردد.

إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا(الانشقاق/١٣)

چرا که او در میان خانواده اش پیوسته (از کفر و گناه خود) مسورو بود!

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِّينَ

حَتَّىٰ تَأْتِيهِمُ الْبَيِّنَاتُ(البيينة/١)

کافران از اهل کتاب و مشرکان (می گفتند): دست از آیین خود برنمی دارند تا دلیل

روشنی برای آنها بباید،

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أُولَئِكَ هُمْ

شَرُّ الْبَرِيَّةِ(البيينة/٦)

کافران از اهل کتاب و مشرکان در آتش دوزخند، جاودانه در آن می مانند؛ آنها بدترین

مخلوقاتند!

مدین

وَإِلَى مَدِينَ أَخَاهُمْ شَعِيبًا قَالَ يَا قَوْمَ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٌ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتُكُمْ بَيِّنَاتٌ

مِنْ رَبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أُشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ

إِصْنَاحَهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ(الأعراف/٨٥)

و به سوی مدین، برادرشان شعیب را (فرستادیم)، گفت: «ای قوم من! خدا را بپرسید،

که جز او معبدی ندارید! دلیل روشنی از طرف پروردگارتان برای شما آمده است؛

بنابر این، حق پیمانه و وزن را ادا کنید! و از اموال مردم چیزی نکاهید! و در روی

زمین، بعد از آنکه (در پرتو ایمان و دعوت انبیاء) اصلاح شده است، فساد نکنید! این برای شما بهتر است اگر با ایمان هستید!

فَالَّذِي فِي الْأَرْضِ مُرَدُّوْهُ إِلَيْنَا لَمْ يَكُنْ مَرْتُمُوهُ فِي الْمَدِينَةِ لِتُخْرِجُوا مِنْهَا أَهْلَهَا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ (الأعراف/۱۲۳)

فرعون گفت: «آیا پیش از آنکه به شما اجازه دهم، به او ایمان آور دید؟! حتماً این نیرنگ و توطئه‌ای است که در این شهر (و دیار) چیده‌اید، تا اهلش را از آن بیرون کنید؛ ولی بزودی خواهید دانست!

أَلَمْ يَأْتِهِمْ بَنَآ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَوْمٌ نُوحٌ وَغَادٍ وَثَمُودٍ وَقَوْمٍ إِبْرَاهِيمَ وَاصْحَابِ مَدْيَنَ وَالْمُؤْتَفِكَاتِ أَتَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيظْلِمُهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنفَسُهُمْ يَظْلِمُونَ (التوبه/۷۰)

آیا خبر کسانی که پیش از آنها بودند، به آنان نرسیده است؟! «قوم نوح» و «عاد» و «ثمود» و «قوم ابراهیم» و «اصحاب مدین» [= قوم شعیب] و «شهرهای زیر و رو شده» [= قوم لوط]: پیامبرانشان دلایل روشن برای آنان آوردند، (ولی نپذیرفتند؛ خداوند به آنها ستم نکرد، اما خودشان بر خویشتن ستم می‌کردند!

وَمِمَّنْ حَوَلَكُمْ مِنَ الْأَغْرَابِ مُنَافِقُونَ وَمِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَى النَّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ وَنَحْنُ نَعْلَمُهُمْ سَنُعَذِّبُهُمْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ يَرَدُونَ إِلَى عَذَابِ عَظِيمٍ (التوبه/۱۰۱)

و از (میان) اعراب بادیه‌نشین که اطراف شما هستند، جمعی منافقند؛ و از اهل مدینه (نیز)، گروهی سخت به نفاق پای بندند. تو آنها را نمی‌شناسی، ولی ما آنها را می‌شناسیم. بزودی آنها را دو بار مجازات می‌کنیم (مجازاتی با رسایی در دنیا، و مجازاتی به هنگام مرگ)؛ سپس بسوی مجازات بزرگی (در قیامت) فرستاده می‌شوند.

مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوَلَهُمْ مِنَ الْأَغْرَابِ أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا يَرْعِيوا بِإِنْفُسِهِمْ عَنْ نَفْسِهِ ذِلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يَصِيبُهُمْ ظَلَماً وَلَا نَصَبَّ وَلَا مَحْمَصَةً فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا

يَطْلُونَ مَوْطِنًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَتَأْلُونَ مِنْ عَدُوٍّ نَّىلًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيقُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ (التوبه/ ۱۲۰)

سزاوار نیست که اهل مدینه، و بادیهنشینانی که اطراف آنها هستند، از رسول خدا تخلف جویند؛ و برای حفظ جان خویش، از جان او چشم بپوشند! این بخاطر آن است که هیچ تشنگی و خستگی، و گرسنگی در راه خدا به آنها نمی‌رسد و هیچ گامی که موجب خشم کافران می‌شود برنمی‌دارند، و ضربه‌ای از دشمن نمی‌خورند، مگر اینکه به خاطر آن، عمل صالحی برای آنها نوشته می‌شود؛ زیرا خداوند پاداش نیکوکاران را تباہ نمی‌کند!

وَإِلَى مَدِينَ أَخَاهُمْ شَعِيبًا قَالَ يَا قَوْمِ اغْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٌ غَيْرُهُ وَلَا تَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ إِنِّي أَرَاكُمْ بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُحِيطٍ (هود/ ۸۴)

و بسوی «مدین» برادرشان شعیب را (فرستادیم)؛ گفت: «ای قوم من! خدا را پرستش کنید، که جز او، معبد دیگری برای شما نیست! پیمانه و وزن را کم نکنید (و دست به کم فروشی نزنید)! من (هم اکنون) شما را در نعمت می‌بینم؛ (ولی) از عذاب روز فraigیر، بر شما بیمناکم!

كَأَنْ لَمْ يَغْنُوا فِيهَا أَلَا بُعْدًا لِمَدِينَ كَمَا بَعِدَتْ نَمُودُ (هود/ ۹۵)

آنچنان که گویی هرگز از ساکنان آن (دیار) نبودند! دور باد مدین (و اهل آن) از رحمت خدا، همان گونه که قوم ثمود دور شدند!

وَقَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَةِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ تُرَاوِدُ فَتَاهَا عَنْ نَفْسِهِ قَدْ شَعَفَهَا حُبًّا إِنَّا لَنَرَاهَا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (یوسف/ ۳۰)

(این جریان در شهر منعکس شد؛) گروهی از زنان شهر گفتند: «همسر عزیز، جوانش [= غلامش] را بسوی خود دعوت می‌کند! عشق این جوان، در اعماق قلبش نفوذ کرده، ما او را در گمراهی آشکاری می‌بینیم!»

وَجَاءَ أَهْلُ الْمَدِينَ يَسْتَبَشِرُونَ (الحجر/ ۶۷)

(از سوی دیگر)، اهل شهر (از ورود میهمانان با خبر شدند، و بطرف خانه لوط) آمدند در حالی که شادمان بودند.

وَكَذِلِكَ بَعْنَاهُمْ لِيَسْأَلُوا بَيْنَهُمْ قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ كَمْ لَيْشْتُمْ قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أُوْبَغَصَ يَوْمٍ
قَالُوا رَبُّكُمْ أَغْلَمُ بِمَا لَيْشْتُمْ فَابْعَثُوا أَحَدَكُمْ بِوَرْقَكُمْ هَذِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ فَلَيَنْظُرْ أَيْهَا أَزْكَى
طَعَامًا فَلَيَأْتِكُمْ بِرِزْقٍ مِنْهُ وَلَيَتَلَطَّفَ وَلَا يَشْعُرُنَّ بِكُمْ أَحَدًا(الكهف/۱۹)

این گونه آنها را (از خواب) برانگیختیم تا از یکدیگر سؤال کنند؛ یکی از آنها گفت: «چه مدت خوابیدید؟!» گفتند: «یک روز، یا بخشی از یک روز!» و چون نتوانستند مدت خوابشان را دقیقاً بدانند) گفتند: «پروردگارتن از مدت خوابتان آگاهتر است! اکنون یک نفر از خودتان را با این سکه‌ای که دارید به شهر بفرستید، تا بنگرد کدام یک از آنها غذای پاکیزه‌تری دارند، و مقداری از آن برای روزی شما بیاورد. اما باید دقت کند، و هیچ کس را از وضع شما آگاه نسازد...»

وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا
صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغاَ أُشْدَهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنْزَهُمَا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ وَمَا فَعَلْتُهُ عَنْ
أُمْرِي ذَلِكَ تَأْوِيلٌ مَا لَمْ تَسْطِعْ عَلَيْهِ صَبَرًا(الكهف/۸۲)

و اما آن دیوار، از آن دو نوجوان یتیم در آن شهر بود؛ و زیر آن، گنجی متعلق به آن دو وجود داشت؛ و پدرشان مرد صالحی بود؛ و پروردگار تو می‌خواست آنها به حد بلوغ برسند و گنجشان را استخراج کنند؛ این رحمتی از پروردگارت بود؛ و من آن (کارها) را خودسرانه انجام ندادم؛ این بود راز کارهایی که نتوانستی در برابر آنها شکیبایی به خرج دهی!»

إِذْ تَمَشِي أَخْتُكَ فَتَقُولُ هُلْ أَذْلَكُمْ عَلَى مَنْ يَكْفُلُهُ فَرَجَعَنَاكَ إِلَى أُمَّكَ كَيْ تَقْرَأَ عَيْنَهَا
وَلَا تَحْزَنَ وَقَتَلْتَ نَفْسًا فَنَجَّيْنَاكَ مِنَ الْغَمِّ وَقَتَلْتَكَ فَتُوْنَا فَلَبِثْتَ سِنِينَ فِي أَهْلِ مَدْيَنَ

لَمْ جِئْتَ عَلَى قَدْرٍ يَا مُوسَى(طه/۴۰)

در آن هنگام که خواهرت (در نزدیکی کاخ فرعون) راه می‌رفت و می‌گفت: «آیا کسی را به شما نشان دهم که این نوزاد را کفالت می‌کند (و دایه خوبی برای او خواهد بود)!» پس تو را به مادرت بازگرداندیم، تا چشمش به تو روشن شود؛ و غمگین نگردد! و تو یکی (از فرعونیان) را کشتنی؛ اما ما تو را از اندوه نجات دادیم! و بارها تو را آزمودیم! پس از آن، سالیانی در میان مردم «مدین» توقف نمودی؛ سپس در زمان مقدار (برای فرمان رسالت) به این جا آمدی، ای موسی!

وَأَصْحَابُ مَدْيَنَ وَكَذَبَ مُوسَى فَأَمْلَيْتُ لِلْكَافِرِينَ ثُمَّ أَخْذَتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرٌ(الحج ۴۴)

و اصحاب مدین (قوم شعیب)؛ و نیز موسی (از سوی فرعونیان) تکذیب شد؛ اما من به کافران مهلت دادم، سپس آنها را مجازات کردم. دیدی چگونه (عمل آنها را) انکار نمودم (و چگونه به آنان پاسخ گفتم)؟!

وَكَانَ فِي الْمَدِينَةِ تِسْعَةُ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يَصِلُّونَ(النمل ۴۸)
و در آن شهر، نه گروهک بودند که در زمین فساد می‌کردند و اصلاح نمی‌کردند.
وَدَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَى حِينِ عَقْلٍ مِّنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجَلَيْنِ يَقْتَلُانِ هَذَا مِنْ شَيْعَتِهِ وَهَذَا مِنْ عَدُوِّهِ فَاسْتَغَاثَهُ الَّذِي مِنْ شَيْعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ فَوَكَرَهُ مُوسَى فَقَضَى عَلَيْهِ قَالَ هَذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ عَدُوٌّ مُضِلٌّ مُبِينٌ(القصص ۱۵)

او به هنگامی که اهل شهر در غفلت بودند وارد شهر شد؛ ناگهان دو مرد را دید که به جنگ و نزاع مشغولند؛ یکی از پیروان او بود (و از بنی اسرائیل)، و دیگری از دشمنانش، آن که از پیروان او بود در برابر دشمنش از وی تقاضای کمک نمود؛ موسی مشت محکمی بر سینه او زد و کار او را ساخت (و بر زمین افتاد و مرد)؛ موسی گفت: «این (نزاع شما) از عمل شیطان بود، که او دشمن و گمراه‌کننده آشکاری است»

فَأَصْبَحَ فِي الْمَدِينَةِ خَائِفًا يَتَرَقَّبُ فَإِذَا الَّذِي اسْتَنْصَرَهُ بِالْأَمْسِ يَسْتَصْرِخُهُ قَالَ لَهُ مُوسَى إِنَّكَ لَغَوِيٌّ مُبِينٌ(القصص ۱۸)

موسی در شهر ترسان بود و هر لحظه در انتظار حادثه‌ای (و در جستجوی اخبار)، ناگهان دید همان کسی که دیروز از او یاری طلبیده بود فریاد می‌زند و از او کمک می‌خواهد، موسی به او گفت: «تو آشکارا انسان (ماجراجو و) گمراهی هستی!»

وَجَاءَ رَجُلٌ مِّنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ يَسْعَى فَالَّتِي مُوسَى إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتِمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَأَخْرَجْتُ إِنِّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ(القصص / ۲۰)

(در این هنگام) مردی با سرعت از دورترین نقطه شهر [= مرکز فرعونیان] آمد و گفت: «ای موسی! این جمعیت برای کشتن تو به مشورت نشسته‌اند؛ فوراً از شهر خارج شو، که من از خیرخواهان توأم!»

وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَاءَ مَدْيِنَ قَالَ عَسَى رَبِّي أَنْ يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ(القصص / ۲۲)

و هنگامی که متوجه جانب مدین شد گفت: «امیدوارم پروردگارم مرا به راه راست هدایت کند!»

وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيِنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِّنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ امْرَأَتَيْنِ تَذَوَّدَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَأَ نَسْقِي حَتَّى يَصْدِرَ الرُّغَاءُ وَأُبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ(القصص / ۲۳)

و هنگامی که به (چاه) آب مدین رسید، گروهی از مردم را در آنجا دید که چهارپایان خود را سیراب می‌کنند؛ و در کنار آنان دوزن را دید که مراقب گوسفندان خوبیشند (و به چاه نزدیک نمی‌شوند؛ موسی) به آن دو گفت: «کار شما چیست؟ (چرا گوسفندان خود را آب نمی‌دهید؟!)» گفتند: «ما آنها را آب نمی‌دهیم تا چوپانها همگی خارج شوند؛ و پدر ما پیرمرد کهنه‌سالی است (و قادر بر این کارها نیست).!»

وَلَكِنَّا أَنْشَأَنَا قُرُونًا فَقَطَّلَوْلَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ وَمَا كُنْتَ ثَاوِيَا فِي أَهْلِ مَدْيِنَ تَتَلَوَ عَلَيْهِمْ آياتِنَا وَلَكِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ(القصص / ۴۵)

ولی ما اقوامی را در اعصار مختلف خلق کردیم، و زمانهای طولانی بر آنها گذشت (که آثار انبیا از دلهایشان محو شد؛ پس تو را با کتاب آسمانیت فرستادیم)! تو هرگز در میان مردم مدین اقامتم نداشتی تا (از وضع آنان آگاه باشی و) آیات ما را برای آنها [=

مشرکان مکهٔ بخوانی، ولی ما بودیم که تو را فرستادیم (و این آیات را در اختیارت قرار دادیم)!

وَإِلَيْ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شَعِيبًا فَقَالَ يَا قَوْمِ اغْبُدُوا اللَّهَ وَارْجُوا الْيَوْمَ الْآخِرَ وَلَا تَعْثُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ(العنکبوت/۳۶)

و ما بسوی «مدین»، برادرشان «شعیب» را فرستادیم، گفت: «ای قوم من! خدا را پیرستید، و به روز بازپسین امیدوار باشید، و در زمین فساد نکنید!»
لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُعَرِّيَنَّكُمْ بِهِمْ ثُمَّ لَا يَجَاوِرُونَكُمْ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا(الأحزاب/۶۰)

اگر منافقان و بیماردلان و آنها که اخبار دروغ و شایعات بی اساس در مدینه پخش می کنند دست از کار خود بر ندارند، تو را بر ضد آنان می شورانیم، سپس جز مدت کوتاهی نمی توانند در کنار تو در این شهر بمانند!

وَجَاءَ مِنْ أَفْصَى الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ(یس/۲۰)
 و مردی (با ایمان) از دورترین نقطه شهر با شتاب فرا رسید، گفت: «ای قوم من! از فرستادگان (خدا) پیروی کنید!

يَقُولُونَ لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَغْرِيَ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَلَلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ(المنافقون/۸)
 آنها می گویند: «اگر به مدینه بازگردیم، عزیزان ذلیلان را بیرون می کنند!» در حالی که عزت مخصوص خدا و رسول او و مؤمنان است؛ ولی منافقان نمی دانند!

قبیله

فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبَدِّي لَهُمَا مَا وُرِي عَنْهُمَا مِنْ سَوْأَتِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكِيَنِي أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ(الأعراف/۲۰)

سپس شیطان آن دو را وسوسه کرد، تا آنچه را از اندامشان پنهان بود، آشکار سازد؛ و گفت: «پروردگارتان شما را از این درخت نمی نکرده مگر بخاطر اینکه (اگر از آن بخورید)، فرشته خواهید شد، یا جاودانه (در بهشت) خواهید ماند!»

فَدَلَّهُمَا بِعُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوَاءُهُمَا وَطَفِقَا يُحْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلْمَ أَنْهَكُمَا غَنْ تِلْكُمَا الشَّجَرَةِ وَأَقْلَ لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُّبِينٌ^(الأعراف/٢٢)

و به این ترتیب، آنها را با فریب (از مقامشان) فرودآورد. و هنگامی که از آن درخت چشیدند، اندامشان [= عورتشان] بر آنها آشکار شد؛ و شروع کردند به قرار دادن برگهای (درختان) بهشتی بر خود، تا آن را بپوشانند. و پروردگارشان آنها را نداد داد که: «آیا شما را از آن درخت نمی نکردم؟! و نگفتم که شیطان برای شما دشمن آشکاری است؟!»

يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يَوْمَى سَوَاتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّفَوَى ذَلِكَ خَيْرٌ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَكَّرُونَ^(الأعراف/٢٦)

ای فرزندان آدم! لباسی برای شما فرستادیم که اندام شما را می بوشاند و مایه زینت شمامست؛ اما لباس پرهیزگاری بهتر است! اینها (همه) از آیات خداست، تا متذکر (نعمتها) او) شوند!

يَا بَنِي آدَمَ لَا يَقْتِنَنُكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبْوَيْكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِبَرِيهِمَا سَوَاتِهِمَا إِنَّهُ يَرَكُمْ هُوَ وَقِبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أُولَيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ^(الأعراف/٢٧)

ای فرزندان آدم! شیطان شما را نفریبد، آن گونه که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد، و لباسشان را از تنشان بیرون ساخت تا عورتشان را به آنها نشان دهد! چه اینکه او و همکرانش شما را می بینند از جایی که شما آنها را نمی بینید؛ (اما بدانید) ما شیاطین را اولیای کسانی قرار دادیم که ایمان نمی آورند!

فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتْ لَهُمَا سَوْا نَهْمَةٍ وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ
فَغَوَى (طه ۱۲۱)

سرانجام هر دو از آن خوردن، (و لباس بهشتیشان فرو ریخت)، و عورتشان آشکار گشت و برای پوشاندن خود، از برگهای (درختان) بهشتی جامه دوختند! (آری) آدم پروردگارش را نافرمانی کرد، و از پاداش او محروم شد!

فرقه

وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمُ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْنَاكُمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ (البقرة/۵۰)

و (به خاطر بیاورید) هنگامی را که دریا را برای شما شکافتیم؛ و شما را نجات دادیم؛ و فرعونیان را غرق ساختیم؛ در حالی که شما تماسا می کردید.

وَإِذْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَالْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (البقرة/۵۳)

و (نیز به خاطر آورید) هنگامی را که به موسی، کتاب و وسیله تشخیص (حق از باطل) را دادیم؛ تا هدایت شوید.

وَاتَّبَعُوا مَا تَنْتَلُو الشَّيَاطِينُ عَلَى مُلْكِ سُلَيْمَانَ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا
يَعْلَمُونَ النَّاسَ السُّخْرَ وَمَا أُنْزِلَ عَلَى الْمُلَكَيْنِ بِتَابِلَ هَارُوتَ وَمَارُوتَ وَمَا يَعْلَمَانِ مِنْ أَخْدِ
حَثَّيْ يَقُولُ إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يَفْرَقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ
وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَخْدِ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَعْلَمُونَ مَا يَضْرُبُهُمْ وَلَا يُنْفَعُهُمْ وَلَقَدْ عَلِمُوا
لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَالِقٍ وَلَبِئْسٍ مَا شَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا
يَعْلَمُونَ (البقرة/۱۰۲)

و (یهود) از آنچه شیاطین در عصر سلیمان بر مردم می خواندند پیروی کردند. سلیمان هرگز (دست به سحر نیالود؛ و) کافر نشد؛ ولی شیاطین کفر ورزیدند؛ و به مردم سحر آموختند. و (نیز یهود) از آنچه بر دو فرشته بابل «هاروت» و «ماروت»، نازل شد پیروی کردند. (آن دو، راه سحر کردن را، برای آشنایی با طرز ابطال آن، به مردم یاد

می دادند. و) به هیچ کس چیزی یاد نمی دادند، مگر اینکه از پیش به او می گفتند: «ما وسیله آزمایشیم کافر نشو! (و از این تعلیمات، سوء استفاده نکن!)» ولی آنها از آن دو فرشته، مطالبی را می آموختند که بتوانند به وسیله آن، میان مرد و همسرش جایی بیفکنند؛ ولی هیچ گاه نمی توانند بدون اجازه خداوند، به انسانی زیان برسانند. آنها قسمت‌هایی را فرامی گرفتند که به آنان زیان می‌رسانید و نفعی نمی‌داد. و مسلمان می‌دانستند هر کسی خریدار این گونه متاع باشد، در آخرت بهره‌های خواهد داشت. و چه رشت و ناپسند بود آنچه خود را به آن فروختند، اگر می‌دانستند!!

فُوْلُوا أَمَّنَا بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَى وَعِيسَى وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرَّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (آل‌بقرة/۱۳۶)

بگویید: «ما به خدا ایمان آورده‌ایم؛ و به آنچه بر ما نازل شده؛ و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و پیامبران از فرزندان او نازل گردید ، و (همچنین) آنچه به موسی و عیسی و پیامبران (دیگر) از طرف پروردگار داده شده است، و در میان هیچ یک از آنها جایی قائل نمی‌شویم، و در برابر فرمان خدا تسليم هستیم؛ (و تعصبات نژادی و اغراض شخصی، سبب نمی‌شود که بعضی را پذیریم و بعضی را رها کنیم).»

شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ فَمَنْ شَهَدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمِّمْ وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّهُ مِنْ أَيَّامٍ أُخْرَ يَرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يَرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلَتُكَمِّلُوا الْعِدَّةَ وَلَتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (آل‌بقرة/۱۸۵)

(روزه)، در چند روز محدود) ماه رمضان است؛ ماهی که قرآن، برای راهنمایی مردم ، و نشانه‌های هدایت، و فرق میان حق و باطل، در آن نازل شده است. پس آن کس از شما که در ماه رمضان در حضر باشد، روزه بدارد! و آن کس که بیمار یا در سفر است، روزه‌ای دیگری را به جای آن، روزه بگیرد! خداوند، راحتی شما را می‌خواهد، نه

زحمت شما را! هدف این است که این روزها را تکمیل کنید؛ و خدا را بر اینکه شما را هدایت کرده، بزرگ بشمرید؛ باشد که شکرگزاری کنید!

آمنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلُّ آمِنٍ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكَتُبِهِ وَرَسُولِهِ لَا نُفَرَّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا عَفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ (البقرة/٢٨٥)

پیامبر، به آنچه از سوی پروردگارش بر او نازل شده، ایمان آورده است. (و او، به تمام سخنان خود، کاملاً مؤمن می‌باشد). و همه مؤمنان (نیز)، به خدا و فرشتگان او و کتابهای و فرستادگانش، ایمان آورده‌اند؛ (و می‌گویند): ما در میان هیچ یک از پیامبران او، فرق نمی‌گذاریم (و به همه ایمان داریم). و (مؤمنان) گفتند: «ما شنیدیم و اطاعت کردیم، پروردگار! (انتظار) آمرزش تو را (داریم)؛ و بازگشت (ما) به سوی توست.»

مِنْ قَبْلِ هُدَىِ النَّاسِ وَأَنْزَلَ الْفُرْقَانَ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ دُوْلُ انتِقامٍ (آل عمران/٤)

پیش از آن، برای هدایت مردم فرستاد؛ و (نیز) کتابی که حق را از باطل مشخص می‌سازد، نازل کرد؛ کسانی که به آیات خدا کافر شدند، کیفر شدیدی دارند؛ و خداوند (برای کیفر بدکاران و کافران لجوج)، توانا و صاحب انتقام است.

قُلْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَى وَعِيسَى وَالنَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرَّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَتَحْنُّ لَهُ مُسْلِمُونَ (آل عمران/٨٤)

بغو: «به خدا ایمان آورده‌یم؛ و (همچنین) به آنچه بر ما و بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسپاط نازل گردیده؛ و آنچه به موسی و عیسی و (دیگر) پیامبران، از طرف پروردگارشان داده شده است؛ ما در میان هیچ یک از آنان فرقی نمی‌گذاریم؛ و در برابر (فرمان) او تسلیم هستیم.»

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفْرَقُوا وَإِذْ كُنْتُمْ أَغْدَاءً
فَالْأَفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حَفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَدْتُمْ مِنْهَا
كَذَلِكَ يَبْيَنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهَتَّدُونَ (آل عمران/۱۰۳)

و همگی به ریسمان خدا [= قرآن و اسلام، و هرگونه وسیله وحدت]، چنگ زنید ، و پراکنده نشوید! و نعمت (بزرگ) خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید، او میان دلهای شما، الفت ایجاد کرد، و به برکت نعمت او، برادر شدید! و شما بر لب حفره‌ای از آتش بودید، خدا شما را از آن نجات داد؛ این چنین، خداوند آیات خود را برای شما آشکار می‌سازد؛ شاید پذیرای هدایت شوید.

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأَوْلَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ
غَظِيمٌ (آل عمران/۱۰۵)

و مانند کسانی نباشد که پراکنده شدند و اختلاف کردند؛ (آن هم) پس از آنکه نشانه‌های روشن (پروردگار) به آنان رسید! و آنها عذاب عظیمی دارند.

وَإِنْ يَتَفَرَّقَا يَغْنِي اللَّهُ كُلُّا مِنْ سَعْتِهِ وَكَانَ اللَّهُ وَاسِعًا حَكِيمًا (النساء/۱۳۰)

(اما) اگر (راهی برای اصلاح در میان خود نیابند، و) از هم جدا شوند، خداوند هر کدام از آنها را با فضل و کرم خود، بی‌نیاز می‌کند؛ و خداوند، دارای فضل و کرم، و حکیم است.

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَيَرِيدُونَ أَنْ يَفْرَقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ
بِعَضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَيَرِيدُونَ أَنْ يَتَخَذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا (النساء/۱۵۰)

کسانی که خدا و پیامبران او را انکار می‌کنند، و می‌خواهند میان خدا و پیامبرانش تبعیض قائل شوند، و می‌گویند: «به بعضی ایمان می‌آوریم، و بعضی را انکار می‌کنیم» و می‌خواهند در میان این دو، راهی برای خود انتخاب کنند...

وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَلَمْ يَفْرَقُوا بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ أُولَئِكَ سَوْفَ يُؤْتَيْهِمْ أَجُورَهُمْ
وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (النساء/۱۵۲)

(ولی) کسانی که به خدا و رسولان او ایمان آورده، و میان احده از آنها فرق نمی‌گذارند، پاداششان را خواهد داد؛ خداوند، آمرزنده و مهربان است.

فَالَّرَبُّ إِنِّي لَا أُمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي وَأَخِي فَأُفْرُقُ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ (المائدة/ ۲۵)

(موسی) گفت: «پروردگار! من تنها اختیار خودم و برادرم را دارم، میان ما و این جمعیت گنهکار، جدایی بیفکن!»

وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقُ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَاتُكُمْ بِهِ لَعْلَكُمْ تَتَّقُونَ (الأనعام/ ۱۵۳)

این راه مستقیم من است، از آن پیروی کنید! و از راههای پراکنده (و انحرافی) پیروی نکنید، که شما را از طریق حق، دور می‌سازد! این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش می‌کند، شاید پرهیزگاری پیشه کنید!»

إِنَّ الَّذِينَ فَرَقُوا دِيَنَهُمْ وَكَانُوا شَيْعًا لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أُمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يَنْبَئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ (الأنعام/ ۱۵۹)

کسانی که آین خود را پراکنده ساختند، و به دسته‌های گوناگون (و مذاهب مختلف) تقسیم شدند، تو هیچ گونه رابطه‌ای با آنها نداری! سر و کار آنها تنها با خداست؛ سپس خدا آنها را از آنجه انجام می‌دادند، با خبر می‌کند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَتَّقُوا اللَّهُ يَجْعَلُ لَكُمْ فُرْقًا نَا وَيَكْفُرُ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرُ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (الأنفال/ ۲۹)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر از (مخالفت فرمان) خدا پرهیزید، برای شما وسیله‌ای جهت جدا ساختن حق از باطل قرارمی‌دهد؛ (روشن‌بینی خاصی که در پرتو آن، حق را از باطل خواهید شناخت؛) و گناهانتان را می‌پوشاند؛ و شما را می‌زمزد؛ و خداوند صاحب فضل و بخشش عظیم است!

۲۱۳ قوم (علوم اجتماعی) در کلام الله

وَأَغْلَمُوا أَنَّمَا عَنْمِمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَةً وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمُسَاكِينِ وَأَئِنِ السَّبِيلُ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ الْقَعْدَى الْجَمْعَانَ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ(الأنفال/۴۱)

بدانید هرگونه غنیمتی به دست آورید، خمس آن برای خدا، و برای پیامبر، و برای ذی القربی و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه (از آنها) است، اگر به خدا و آنچه بر بندۀ خود در روز جدایی حق از باطل، روز درگیری دو گروه (با ایمان و بی ایمان) = روز جنگ بدر] نازل کردیم، ایمان آورده‌اید؛ و خداوند بر هر چیزی تووانست!

وَبِحَلْفُونَ بِاللَّهِ إِنَّهُمْ لَمِنْكُمْ وَمَا هُمْ مِنْكُمْ وَلَكِنَّهُمْ قَوْمٌ يَفْرَقُونَ(التوبه/۵۶)

آنها به خدا سوگند می‌خورند که از شما هستند، در حالی که از شما نیستند؛ ولی آنها گروهی هستند که می‌ترسند (و به خاطر ترس از فاش شدن اسرارشان دروغ می‌گویند)!

وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيُنْفِرُوا كَافَةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ(التوبه/۱۲۲)

شایسته نیست مؤمنان همگی (بسوی میدان جهاد) کوچ کنند؛ چرا از هر گروهی از آنان، طایفه‌ای کوچ نمی‌کند (و طایفه‌ای در مدینه بماند)، تا در دین (و معارف و احکام اسلام) آگاهی یابند و به هنگام بازگشت بسوی قوم خود، آنها را بیم دهند؟! شاید (از مخالفت فرمان پروردگار) بترسند، و خودداری کنند!

يَا صَاحِبَ السَّجْنِ أَرْبَابُ مُتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أُمِّ اللَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ(یوسف/۳۹)

ای دوستان زندانی من! آیا خدایان پراکنده بهترند، یا خداوند یکتای پیروز؟!
وَقَالَ يَا بَنِي لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ وَادْخُلُوا مِنْ أُبُوبَابٍ مُتَفَرِّقَةٍ وَمَا أَغْنَى عَنْكُمْ مِنْ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِنِّي الْحَكَمٌ إِلَّا لِلَّهِ عَلَيْهِ تَوْكِلْتُ وَعَلَيْهِ فَلِيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ(یوسف/۶۷)
و (هنگامی که می‌خواستند حرکت کنند، یعقوب) گفت: «فرزندان من! از یک در وارد نشوید؛ بلکه از درهای متفرق وارد گردید (تا توجه مردم به سوی شما جلب نشود)!

(من با این دستور،) نمی‌توانم حادثه‌ای را که از سوی خدا حتمی است، از شما دفع کنم! حکم و فرمان، تنها از آن خداست! بر او توکل کرده‌ام؛ و همه مตوكلان باید بر او توکل کنند!»

وَقُرْأَنَا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَتَرَكَنَاهُ تَنْزِيلًا(الإسراء/١٠٦)

و قرآنی که آیاتش را از هم جدا کردیم، تا آن را با درنگ بر مردم بخوانی؛ و آن را بتدریج نازل کردیم.

قالَ يَا ابْنَ أَمَّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَمْ تَرْقِبْ قَوْلِي(طه/٩٤)

(هارون) گفت: «ای فرزند مادرم! [= ای برادر!] ریش و سر مرا مگیر! من ترسیدم بگویی تو میان بنی اسرائیل تفرقه انداختی، و سفارش مرا به کار نبستی!»

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى وَهَارُونَ الْفُرْقَانَ وَضِيَاءً وَذِكْرًا لِلْمُنْتَقَيْنَ(الأنبياء/٤٨)

ما به موسی و هارون، «فرقان» [= وسیله جدا کردن حق از باطل] و نور، و آنچه مایه یادآوری برای پرهیزگاران است، دادیم.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيُكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا(الفرقان/١)

زوال ناپذیر و پر برکت است کسی که قرآن را بر بندهاش نازل کرد تا بیمدهنده جهانیان باشد.

فَأَوْحَيْنَا إِلَيْ مُوسَى أَنِ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ فَانْفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالْطَّوْدِ
الْعَظِيمِ(الشعراء/٤٣)

و بدنبال آن به موسی وحی کردیم: «عصایت را به دریا بزن!» (عصایش را به دریا زد)، و دریا از هم شکافته شد، و هر بخشی همچون کوه عظیمی بودا

وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يَوْمَئِذٍ يَتَفَرَّقُونَ(الروم/١٤)

آن روز که قیامت برپا می‌گردد، (مردم) از هم جدا می‌شوند؛

مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيَعاً كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدِيهِمْ فَرِحُونَ(الروم/۳۲)

از کسانی که دین خود را پراکنده ساختند و به دسته‌ها و گروه‌ها تقسیم شدند! و (عجب اینکه) هر گروهی به آنچه نزد آنهاست (دلبسته و) خوشحالند!

شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أُوحِيَنَا إِلَيْكُمْ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أُقِيمُوا الدِّينُ وَلَا تَنْفَرُّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَعْلَمُ بِإِيمَانِهِمْ مَنْ يَسَّأَءُ وَهُمْ بَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يَنْبِئُ^{شوری ۱۳}

آیینی را برای شما تشریع کرد که به نوح توصیه کرده بود؛ و آنچه را بر تو وحی فرستادیم و به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش کردیم این بود که: دین را برپا دارید و در آن تفرقه ایجاد نکنید! و بر مشرکان گران است آنچه شما آنان را به سویش دعوت می کنید! خداوند هر کس را بخواهد برمی گزیند، و کسی را که به سوی او بازگردد هدایت می کند.

وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعْنَاهُمْ وَلَوْلَا كَلِمَةً سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ إِلَى أَجْلِ مُسَمَّى لَقْضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ أُرِثُوا الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ^{مریب شوری ۱۴}

آنان پراکنده نشدند مگر بعد از آنکه علم و آگاهی به سراغشان آمد؛ و این تفرقه جویی با خاطر انحراف از حق (و عداوت و حسد) بود؛ و اگر فرمانی از سوی پروردگارت صادر نشده بود که تا سرآمد معینی (زنده و آزاد) باشند، در میان آنها داوری می شد؛ و کسانی که بعد از آنها وارثان کتاب شدند نسبت به آن در شک و تردیدند، شکی همراه با بدینی!

فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أُمِّ حَكِيمٍ(الدخان/۴)

در آن شب هر امری بر اساس حکمت (الهی) تدبیر و جدا می گردد.

فَالْفَارِقَاتِ فَرِقًا(المرسلات/۴)

و آنها که جدا می کنند،

وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَيِّنَاتُ (البيانة/٤)

أهل کتاب (نیز در دین خدا) اختلاف نکردند مگر بعد از آنکه دلیل روشن برای آنان
آمد!

فريق

أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يَحْرُّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ
مَا عَقْلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ (البقرة/٧٥)

آیا انتظار دارید به (آئین) شما ایمان بیاورند، با اینکه عده‌ای از آنان، سخنان خدا را
می‌شنیدند و پس از فهمیدن، آن را تحریف می‌کردند، در حالی که علم و اطلاع
داشتند؟!

ثُمَّ أَنْتُمْ هُوَلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنفُسَكُمْ وَتُتْحِرِّجُونَ فَرِيقًا مِنْكُمْ مِنْ دِيَارِهِمْ تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِمْ
بِالْإِثْمِ وَالْعَدْوَانِ وَإِنْ يَأْتُوكُمْ أَسَارَى تُفَادُوهُمْ وَهُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجُهُمْ أَفَتُؤْمِنُونَ
بِيَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِيَعْضٍ فَمَا جَرَأَءَ مَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا حِزْبُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا
وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَرَدُّونَ إِلَى أَشَدِ الْعَذَابِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (البقرة/٨٥)

اما این شما هستید که یکدیگر را می‌کشید و جمعی از خودتان را از سرمیشان
بیرون می‌کنید؛ و در این گناه و تجاوز، به یکدیگر کمک می‌نمایید؛ (و اینها همه نقض
پیمانی است که با خدا بسته‌اید) در حالی که اگر بعضی از آنها به صورت اسیران نزد
شما آیند، فدیه می‌دهید و آنان را آزاد می‌سازید! با اینکه بیرون ساختن آنان بر شما
حرام بود، آیا به بعضی از دستورات کتاب آسمانی ایمان می‌آورید، و به بعضی کافر
می‌شوید؟! برای کسی از شما که این عمل (تبییض در میان احکام و قوانین الهی) را
انجام دهد، جز رسوای در این جهان، چیزی نخواهد بود، و روز رستاخیز به شدیدترین
عذابها گرفتار می‌شوند. و خداوند از آنچه انجام می‌دهید غافل نیست.

۲۱۷ قوم (علوم اجتماعی) در کلام الله

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَقَفَّيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسْلِ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرِيمَ الْبَيْتَاتِ
وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُّسِ أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَأَ تَهْوَى أَنْفُسُكُمُ اسْتَكْبَرْتُمْ فَقَرِيقًا
كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتَلُونَ (البقرة/۸۷)

ما به موسی کتاب (تورات) دادیم؛ و بعد از او، پیامبرانی پشت سر هم فرستادیم؛ و به عیسی بن مریم دلایل روشن دادیم؛ و او را به وسیله روح القدس تأیید کردیم. آیا چنین نیست که هر زمان، پیامبری چیزی بر خلاف هوای نفس شما آورد، در برابر او تکبر کردید (واز ایمان آوردن به او خودداری نمودید)؛ پس عده‌ای را تکذیب کرد، و جمعی را به قتل رسانید؟!

أَوَكُلَّمَا غَاهَدُوا عَهْدًا بَيْنَهُمْ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَلْأَسُ أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (البقرة/۱۰۰)

و آیا چنین نیست که هر بار آنها [یهود] پیمانی (با خدا و پیامبر) بستند، جمعی آن را دور افکندند (و مخالفت کردند). آری، بیشتر آنان ایمان نمی‌آورند.

وَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ يَنْبَدَأُ فَرِيقٌ مِنَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ
كِتَابَ اللَّهِ وَرَأَءَ ظُلُمُورِهِمْ كَانُوكُمْ لَا يَعْلَمُونَ (البقرة/۱۰۱)

و هنگامی که فرستاده‌ای از سوی خدا به سragشان آمد، و با نشانه‌هایی که نزد آنها بود مطابقت داشت، جمعی از آنان که به آنها کتاب (آسمانی) داده شده بود، کتاب خدا را پشت سر افکندند؛ گویی هیچ از آن خبر ندارند!!

الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَإِنَّ فَرِيقًا مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ
وَهُمْ يَعْلَمُونَ (البقرة/۱۴۶)

کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده‌ایم، او [= پیامبر] را همچون فرزندان خود می‌شناسند؛ (ولی) جمعی از آنان، حق را آگاهانه کتمان می‌کنند!

وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحَكَمِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ
بِالْأَنْثِمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (البقرة/۱۸۸)

و اموال یکدیگر را به باطل (و ناحق) در میان خود نخورید! و برای خوردن بخشی از اموال مردم به گناه، (قسمتی از) آن را (به عنوان رشوه) به قصاصات ندهید، در حالی که می‌دانید (این کار، گناه است)!

أَلْمَ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِنَ الْكِتَابِ يَدْعُونَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ لِيَحُكِّمَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ يَتَوَلَّ
فَرِيقٌ مِنْهُمْ وَهُمْ مُعْرِضُونَ (آل عمران/۲۳)

آیا ندیدی کسانی را که بهره‌ای از کتاب (آسمانی) داشتند، به سوی کتاب الهی دعوت شدند تا در میان آنها داوری کند، سپس گروهی از آنان، (با علم و آگاهی)، روی می‌گردانند، در حالی که (از قبول حق) اعراض دارند؟

وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يُلْوُنَ الْسِنَتَهُمْ بِالْكِتَابِ لِتَخْسِبُوهُ مِنَ الْكِتَابِ وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ (آل عمران/۷۸)

در میان آنها [= یهود] کسانی هستند که به هنگام تلاوت کتاب (خدا)، زبان خود را چنان می‌گردانند که گمان کنید (آنچه را می‌خوانند)، از کتاب (خدا) است؛ در حالی که از کتاب (خدا) نیست! (و با صراحت) می‌گویند: «آن از طرف خداست!» با اینکه از طرف خدا نیست، و به خدا دروغ می‌بندند در حالی که می‌دانند!

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تُطِيعُوا فَرِيقًا مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ يَرْدُو كُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كَافِرِينَ (آل عمران/۱۰۰)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر از گروهی از اهل کتاب، (که کارشناس نفاق افکنی و شعله‌ور ساختن آتش کینه و عداوت است) اطاعت کنید، شما را پس از ایمان، به کفر بازمی‌گردانند.

أَلْمَ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُوا أَيْدِيْكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَأَتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمْ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشُونَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَقَالُوا رَبَّنَا لَمْ كُتَّبْتَ

۲۱۹ قوم (علوم اجتماعی) در کلام الله

عَلَيْنَا الْقِتَالُ لَوْلَا أَحَرَّتَنَا إِلَى أَجْلٍ قَرِيبٍ قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا فَلِيلٌ وَالآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقَى وَلَا تُظْلِمُونَ فَتِيَّلًا(النساء/۷۷)

آیا ندیدی کسانی را که (در مکه) به آنها گفته شد: «فعلاً» دست از جهاد بدارید! و نماز را برپا کنید! و زکات بپردازید!» (اما آنها از این دستور، ناراحت بودند)، ولی هنگامی که (در مدینه) فرمان جهاد به آنها داده شد، جمعی از آنان، از مردم می‌ترسیدند، همان گونه که از خدا می‌ترسند، بلکه بیشتر! و گفتند: «پروردگار! چرا جهاد را بر ما مقرر داشتی؟! چرا این فرمان را تا زمان نزدیکی تأخیر نینداختی؟!» به آنها بگو: «سرمایه زندگی دنیا، ناچیز است او سرای آخرت، برای کسی که پرهیزگار باشد، بهتر است! و به اندازه رشته شکاف هسته خرمایی، به شما ستم نخواهد شد!

لَقَدْ أَحَدَنَا مِيقَاتُكُنَّا بَنِي إِسْرَائِيلَ وَأَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ رُسُلًا كُلُّمَا جَاءَهُمْ رَسُولٌ بِمَا لَأَتَهُوَيْ
أَنفُسُهُمْ فَرِيقًا كَذَبُوا وَفَرِيقًا يَقْتَلُونَ(المائدہ/۷۰)

ما از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم؛ و رسولانی به سوی آنها فرستادیم؛ (ولی) هر زمان پیامبری حکمی بر خلاف هوشهای دلخواه آنها می‌آورد، عده‌ای را تکذیب می‌کردند؛ و عده‌ای را می‌کشتنند.

وَكَيْفَ أَخَافُ مَا أُشْرَكْتُمْ وَلَا تَخَافُونَ أَنَّكُمْ أُشْرَكْتُمْ بِاللَّهِ مَا لَمْ يَنْزَلْ بِهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا
فَأَئِ الْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ(آل‌آل‌النَّعَم/۸۱)

چگونه من از بتهای شما بترسم؟! در حالی که شما از این نمی‌ترسید که برای خدا، همتایی قرار داده‌اید که هیچ گونه دلیلی درباره آن، بر شما نازل نکرده است! (راست بگویید) کدام یک از این دو دسته (بت‌پرستان و خداپرستان)، شایسته‌تر به اینی (از مجازات) هستند اگر می‌دانید؟!

فَرِيقًا هَذِي وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّالَّةُ إِنَّهُمْ أَتَخَذُوا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ اللَّهِ
وَيَحْسِبُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ(الأعراف/۳۰)

جمعی را هدایت کرده؛ و جمعی (که شایستگی نداشته‌اند)، گمراهی بر آنها مسلم شده است. آنها (کسانی هستند که) شیاطین را به جای خداوند، اولیای خود انتخاب کردن؛ و گمان می‌کنند هدایت یافته‌اند!

كَمَا أُخْرَجَكَ رَبُّكَ مِنْ بَيْتِكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ لَكَارِهُونَ (الأنفال/٥)

همان‌گونه که خدا تو را بحق از خانه (به سوی میدان بدر)، بیرون فرستاد، در حالی که گروهی از مؤمنان ناخشنود بودند (ولی سرانجامش پیروزی بود! ناخشنودی عده‌ای از چگونگی تقسیم غنایم بدر نیز چنین است)!

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلٍ وَلِيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدَنَا إِلَى الْحُسْنَى وَاللَّهُ يَشْهُدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (التوبه/٧٠)
 (گروهی دیگر از آنها) کسانی هستند که مسجدی ساختند برای زیان (به مسلمانان)، و (تقویت) کفر، و تفرقه‌افکنی میان مؤمنان، و کمینگاه برای کسی که از پیش با خدا و پیامبرش مبارزه کرده بود؛ آنها سوگند یاد می‌کنند که: «جز نیکی (و خدمت)، نظری نداشته‌ایم!» اما خداوند گواهی می‌دهد که آنها دروغگو هستند!

لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةٍ الْعُسْرَةِ مِنْ بَعْدِ مَا كَادَ يَرِيْغُ قُلُوبُ فَرِيقٍ مِنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ بِهِمْ رَءُوفٌ رَحِيمٌ (التوبه/١١٧)

مسلمان خداوند رحمت خود را شامل حال پیامبر و مهاجران و انصار، که در زمان عسرت و شدت (در جنگ تبوک) از او پیروی کردند، نمود؛ بعد از آنکه نزدیک بود دلهای گروهی از آنها، از حق منحرف شود (و از میدان جنگ بازگردند)؛ سپس خدا توبه آنها را پذیرفت، که او نسبت به آنان مهربان و رحیم است!

مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ كَالْأَعْمَى وَالْأَصَمِّ وَالْبَصِيرِ وَالسَّمِيعِ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا أَقْلَامَ تَذَكَّرُونَ (هود/٢٤)

حال این دو گروه [= مؤمنان و منکران]، حال «تابینا و کر» و «بینا و شنوا» است؛ آیا این دو، همانند یکدیگرند؟ آیا پند نمی‌گیرند؟

ثُمَّ إِذَا كَشَفَ الْضَّرَّ عَنْكُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِنْكُمْ يَرْبِهِمْ يُشْرِكُونَ(النحل/۵۴)

(اما) هنگامی که ناراحتی و رنج را از شما برطرف می‌سازد، ناگاه گروهی از شما برای پروردگارشان همتا قائل می‌شوند.

وإِذَا تُنْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَئِ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَقَامًا وَأَحْسَنَ نَدِيًّا(مریم/۷۳)

و هنگامی که آیات روشن ما بر آنان خوانده می‌شود، کافران به مؤمنان می‌گویند: «کدام یک از دو گروه [= ما و شما] جایگاهش بهتر، و جلسات انس و مشورتش زیباتر، و بخشش او بیشتر است؟!»

إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَأَرْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ(المؤمنون/۱۰۹)

(فراموش کرده‌اید) گروهی از بندگانم می‌گفتند: پروردگار!! ما ایمان آوردیم؛ ما را ببخش و بر ما رحم کن؛ و تو بهترین رحم کنندگانی!

وَيَقُولُونَ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَأطْعَنَا ثُمَّ يَتَوَّى فَرِيقٌ مِنْهُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَمَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ(النور/۴۷)

آنها می‌گویند: «به خدا و پیامبر ایمان داریم و اطاعت می‌کنیم!» ولی بعد از این ادعا، گروهی از آنان رویگردان می‌شوند؛ آنها (در حقیقت) مؤمن نیستند!

وإِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ مُعْرِضُونَ(النور/۴۸)

و هنگامی که از آنان دعوت شود که بسوی خدا و پیامبرش بیایند تا در میانشان داوری کند، ناگهان گروهی از آنان رویگردان می‌شوند

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ فَإِذَا هُمْ فَرِيقَانِ يُخْتَصِّمُونَ(النمل/۴۵)

ما به سوی «تمود»، برادرشان «صالح» را فرستادیم که: خدای یگانه را بپرسید! اما آنان به دو گروه تقسیم شدند که به مخاصمه پرداختند.

وَإِذَا مَسَ النَّاسَ ضُرٌّ دَعَوْا رَبَّهُمْ مُنِيبِينَ إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا أَذَاقَهُمْ مِنْهُ رَحْمَةً إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ بِرِبِّهِمْ يَشْرِكُونَ (الروم/۳۳)

هنگامی که رنج و زیانی به مردم برسد، پروردگار خود را می‌خوانند و توبه‌کنان بسوی او بازمی‌گردند؛ اما همین که رحمتی از خودش به آنان بچشاند، بناگاه گروهی از آنان نسبت به پروردگارشان مشرك می‌شوند.

وَإِذْ قَاتَ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرَبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِنْهُمُ الَّتِي يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بَعْوَرَةٌ إِنَّا فِرَارٌ (الأحزاب/۱۳)

و (نیز) به خاطر آورید زمانی را که گروهی از آنها گفتند: «ای اهل یثرب (ای مردم مدینه)! اینجا جای توقف شما نیست؛ به خانه‌های خود بازگردید!» و گروهی از آنان از پیامبر اجازه بازگشت می‌خواستند و می‌گفتند: «خانه‌های ما بی‌حفظ است!»، در حالی که بی‌حفظ نبود؛ آنها فقط می‌خواستند (از جنگ) فرار کنند.

وَأَنْزَلَ اللَّذِينَ ظَاهِرُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ صَيَاصِيهِمْ وَقَدَّفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّغْبَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَتَأْسِرُونَ فَرِيقًا (الأحزاب/۲۶)

و خداوند گروهی از اهل کتاب [= یهود] را که از آنان [= مشرکان عرب] حمایت کردند از قلعه‌های محکم‌شان پایین کشید و در دلهایشان رعب افکند؛ (و کارشان به جایی رسید که) گروهی را به قتل می‌رساندید و گروهی را اسیر می‌کردید!

وَلَقَدْ صَدَقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ طَنَّةً فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (سبأ/۲۰)

(آری) بیقین، ابلیس گمان خود را درباره آنها محقق یافت که همگی از او پیروی کردند جز گروه اندکی از مؤمنان!

وَكَدَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِتُنذِرَ أُمَّ الْقَرَى وَمَنْ حَوْلَهَا وَتُنذِرَ يَوْمَ الْجَمْعِ لَا رَيْبٌ

فِيهِ فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ (شوری/۷)

و این گونه قرآنی عربی [= فصیح و گویا] را بر تو وحی کردیم تا «ام‌القری» [= مکه] و مردم پیامون آن را انذار کنی و آنها را از روزی که همه خلائق در آن روز جمع

می‌شوند و شک و تردید در آن نیست بترسانی؛ گروهی در بهشتند و گروهی در آتش سوزان!

نفر واحد شمارش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ أَوْحَى إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا(الجن/۱)

بگو: به من وحی شده است که جمعی از جن به سخنانم گوش فراداده‌اند، سپس گفته‌اند: «ما قرآن عجیبی شنیده‌ایم...»

دار

قُلْ إِنْ كَانَتْ لَكُمُ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ(البقرة/۹۴)

بگو: «اگر آن (چنان که مدعی هستید) سرای دیگر در نزد خدا، مخصوص شماست نه سایر مردم، پس آرزوی مرگ کنید اگر راست می‌گویید!»

وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعْبٌ وَلَهُوَ وَلَلَّهُدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّمَّونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ(الأنعام/۳۲)

زندگی دنیا، چیزی جز بازی و سرگرمی نیست! و سرای آخرت، برای آنها که پرهیزگارند، بهتر است! آیا نمی‌اندیشید؟!

لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَهُوَ وَلِهِمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ(الأنعام/۱۲۷)

برای آنها (در بهشت) خانه امن و امان نزد پروردگارشان خواهد بود؛ و او، ولی و یاور آنهاست بخاطر اعمال (نیکی) که انجام می‌دادند.

قُلْ يَا قَوْمٍ اغْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانِتُكُمْ إِنِّي عَامِلٌ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ إِنَّهُ لَا يَفْلِحُ الظَّالِمُونَ (الأعراف/۱۳۵)

بگو: «ای قوم من! هر کار در قدرت دارید بکنید! من (هم به وظیفه خود) عمل می‌کنم؛ اما بزودی خواهید دانست چه کسی سرانجام نیک خواهد داشت (و پیروزی با چه کسی است! اما) به یقین، ظالمان رستگار نخواهند شد!»

فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ (الأعراف/۷۸)

سرانجام زمین لرزه آنها را فرا گرفت؛ و صبحگاهان، (تنها) جسم بی‌جانشان در خانه‌هاشان باقی مانده بود.

فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ (الأعراف/۹۱)

سپس زمین لرزه آنها را فرا گرفت؛ و صبحگاهان بصورت اجسامی بی‌جان در خانه‌هاشان مانده بودند.

وَكَبَّنَا لَهُ فِي الْأَلْوَاحِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْعِظَةً وَتَفْصِيلًا لِكُلِّ شَيْءٍ فَخُدُّهَا بِقُوَّةٍ وَأَمْرٌ قَوْمَكَ يَأْخُذُوا بِأَخْسَنِهَا سَأْرِيكُمْ دَارَ الْفَاسِقِينَ (الأعراف/۱۴۵)

و برای او در الواح اندرزی از هر موضوعی نوشتمیم؛ و بیانی از هر چیز کردیم -«پس آن را با جدیت بگیر! و به قوم خود بگو: به نیکوترین آنها عمل کنند! (و آنها که به مخالفت برخیزند، کیفرشان دوزخ است؛) و بزودی جایگاه فاسقان را به شما نشان خواهیم داد!» فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ وَرَثُوا الْكِتَابَ يَأْخُذُونَ عَرَضَ هَذَا الْأَذْنَى وَيَقُولُونَ سَيَقْرُرُ لَنَا إِنْ يَأْتِيهِمْ عَرَضٌ مِثْلُهُ يَأْخُذُوهُ أَلَمْ يُؤْخُذْ عَلَيْهِمْ مِيثَاقُ الْكِتَابِ أَنْ لَا يَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ وَدَرَسُوا مَا فِيهِ وَالْدَّارُ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقَوْنَ أَلَّا تَعْقِلُونَ (الأعراف/۱۶۹)

پس از آنها، فرزندانی جای آنها را گرفتند که وارد کتاب (آسمانی، تورات) شدند؛ (اما با این حال)، متعال این دنیا پست را گرفته، (بر اطاعت فرمان خدا ترجیح می‌دهند) و می‌گویند: «(اگر ما گنهکاریم توبه می‌کنیم و) بزودی بخشیده خواهیم شد!» اما اگر متعال دیگری همانند آن به دستشان بیفت، آن را (نیز) می‌گیرند، (و باز حکم خدا را

پشت سر می‌افکنند). آیا پیمان کتاب (خدا) از آنها گرفته نشده که بر خدا (دروغ نبینند، و) جز حق نگویند، و آنان بارها آنرا خوانده‌اند؟! و سرای آخرت برای پرهیزگاران بهتر است، آیا نمی‌فهمید؟!

وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (یونس/۲۵)

و خداوند به سرای صلح و سلامت دعوت می‌کند؛ و هر کس را بخواهد (و شایسته و لایق ببیند)، به راه راست هدایت می‌نماید.

فَعَرَّوْهَا فَقَالَ تَمَتَّعُوا فِي دَارِكُمْ ثَلَاثَةً أَيَامٍ ذَلِكَ وَعْدٌ غَيْرُ مَكْذُوبٍ (ہود/۶۵)

(اما) آنها آن (ناقه) را از پای در آوردندا و (صالح به آنها) گفت: «(مهلت شما تمام شد!) سه روز در خانه‌هایتان بپرده‌مند گردید؛ (و بعد از آن، عذاب الهی فرا خواهد رسید؛ این وعده‌ای است که دروغ نخواهد بود!»

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ مِنْ أَهْلِ الْفَرِيْقَ أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيُنِظِّرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا أَفَلَا تَعْقِلُونَ (یوسف/۱۰۹)

و ما نفرستادیم پیش از تو، جز مردانی از اهل آبادیها که به آنها وحی می‌کردیم! آیا (مخالفان دعوت تو)، در زمین سیر نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که پیش از آنها بودند چه شد؟! و سرای آخرت برای پرهیزگاران بهتر است! آیا فکر نمی‌کنید؟!

وَالَّذِينَ صَرَّبُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقْمَوْا الصَّلَاهَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقَنَاهُمْ سِرًا وَغَلَانِيَةً وَيَدْرَءُونَ

بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةِ أَوْلَئِكَ لَهُمْ عَقْبَى الدَّارِ (الرعد/۲۲)

و آنها که بخارط ذات (پاک) پروردگارشان شکیباًی می‌کنند؛ و نماز را برپا می‌دارند؛ و از آنچه به آنها روزی داده‌ایم، در پنهان و آشکار، انفاق می‌کنند؛ و با حسنات، سیئات را از میان می‌برند؛ پایان نیک سرای دیگر، از آن آنهاست...

سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عَقْبَى الدَّارِ (الرعد/۲۴)

(و به آنان می‌گویند): سلام بر شما بخاطر صبر و استقامتان! چه نیکوست سرانجام آن سرا (ی جاویدان)!

وَالَّذِينَ يُنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أُنْ يَوْصَلَ وَيَفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ (الرعد/۲۵)

آنها که عهد الهی را پس از محکم کردن می‌شکنند، و پیوندهایی را که خدا دستور به برقراری آن داده قطع می‌کنند، و در روی زمین فساد می‌نمایند، لعنت برای آنهاست؛ و بدی (و مجازات) سرای آخر!

وَلَوْ أَنَّ قُرْآنًا سَيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قُطِّعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كُلِّمَ بِهِ الْمَوْتَىٰ تَلْ لِلَّهِ الْأَمْرُ جَمِيعًا أَفَمْ يَبْيَسُ الَّذِينَ آمَنُوا أَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَهُدَى النَّاسَ جَمِيعًا وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا تُصْبِيْهُمْ بِمَا صَنَعُوا قَارِعَةً أَوْ تَحْلُّ قَرِيبًا مِنْ دَارِهِمْ حَتَّىٰ يَأْتِيَ وَعْدُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْلُفُ الْمِيعَادَ (الرعد/۳۱)

اگر بوسیل؛ قرآن، کوهها به حرکت درآیند یا زمینها قطعه قطعه شوند، یا بوسیل؛ آن با مردگان سخن گفته شود، (باز هم ایمان نخواهند آورد!) ولی همه کارها در اختیار خداست! آیا آنها که ایمان آورده‌اند نمی‌دانند که اگر خدا بخواهد همه مردم را (به اجبار) هدایت می‌کند (اما هدایت اجباری سودی ندارد)! و پیوسته بلاهای کوبندهای بر کافران بخاطر اعمالشان وارد می‌شود، و یا بنزدیکی خانه آنها فروд می‌آید، تا وعده (نهایی) خدا فرا رسد؛ به یقین خداوند در وعد؛ خود تخلف نمی‌کند!

وَقَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلِلَّهِ الْمَكْرُ جَمِيعًا يَعْلَمُ مَا تَحْكِسُ بِكُلِّ نَفْسٍ وَسَيَعْلَمُ الْكُفَّارُ لِمَنْ عَقْبَى الدَّارِ (الرعد/۴۲)

پیش از آنان نیز کسانی طرحها و نقشه‌ها کشیدند؛ ولی تمام طرحها و نقشه‌ها از آن خداست! او از کار هر کس آگاه است؛ و بزویدی کفار می‌دانند سرانجام (نیک و بد) در سرای دیگر از آن کیست!

أَلْمَ تَرِ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحْلَوْا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ (الإبراهیم/۲۸)

آیا ندیدی کسانی را که نعمت خدا را به کفران تبدیل کردند، و قوم خود را به سرای نیستی و نابودی کشانند؟!

وَقِيلَ لِلّذِينَ آتُوكُمْ مَا ذَاقُوا مَذَاقًا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا خَيْرًا لِلّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَلَذَّارٌ
الْآخِرَةِ خَيْرٌ وَلَيَغُمَ دَارُ الْمُتَقِّيِّينَ(النحل / ۳۰)

(ولی هنگامی که) به پرهیزگاران گفته می شد: «پروردگار شما چه چیز نازل کرده است؟» می گفتند: «خیر (و سعادت)» (آری)، برای کسانی که نیکی کردند، در این دنیا نیکی است؛ و سرای آخرت از آن هم بهتر است؛ و چه خوب است سرای پرهیزگاران!

فَأَنْتَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا أَتَيَا أَهْلَ قَرْيَةٍ اسْتَطَعُمَا أَهْلَهَا فَأَبْوَا أَنْ يُضَيِّقُوهُمَا فَوَجَدَا فِيهَا جِدَارًا
بِرِيدٍ أَنْ يُنْقَضَ فَأَقَامَهُ قَالَ لَوْ شِئْتَ لَا تَتَحَذَّثْ عَلَيْهِ أَجْرًا(الكهف/ ۷۷)

باز به راه خود ادامه دادند تا به مردم قریه ای رسیدند؛ از آنان خواستند که به ایشان غذا دهند؛ ولی آنان از مهمان کردنشان خودداری نمودند؛ (با این حال) در آن جا دیواری یافتند که می خواست فروریزد؛ و (آن مرد عالم) آن را بربا داشت. (موسی) گفت: «(لاقل) می خواستی در مقابل این کار مزدی بگیری!»

وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِعَلَامِينَ يَتِيمَينِ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا
صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغا أُشْدَهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنْزَهُمَا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ وَمَا فَعَلْتُهُ عَنْ
أُمْرِي ذَلِكَ تَأْوِيلٌ مَا لَمْ تَسْطِعْ عَلَيْهِ صَبَرًا(الكهف/ ۸۲)

و اما آن دیوار، از آن دو نوجوان یتیم در آن شهر بود؛ و زیر آن، گنجی متعلق به آن دو وجود داشت؛ و پدرشان مرد صالحی بود؛ و پروردگار تو می خواست آنها به حد بلوغ برستند و گنجشان را استخراج کنند؛ این رحمتی از پروردگارت بود؛ و من آن (کارها) را خودسرانه انجام ندادم؛ این بود راز کارهایی که نتوانستی در برابر آنها شکیبایی به خرج دهی!»

وَقَالَ مُوسَى رَبِّي أَعْلَمُ بِمَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ مِنْ عِنْدِهِ وَمَنْ تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ إِنَّهُ لَا يَفْلِحُ الظَّالِمُونَ^(القصص/۳۷)

موسی گفت: «پروردگارم از حال کسانی که هدایت را از نزد او آورده‌اند، و کسانی که عاقبت نیک سرازی دنیا و آخرت) از آن آنهاست آگاهتر است! مسلمان ظالمان رستگار نخواهند شد!»

وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَاحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفَسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يِحِبُّ الْمُفْسِدِينَ^(القصص/۷۷)

و در آنچه خدا به تو داده، سرای آخرت را بطلب؛ و بهرهات را از دنیا فراموش مکن؛ و همان‌گونه که خدا به تو نیکی کرده نیکی کن؛ و هرگز در زمین در جستجوی فساد مباش، که خدا مفسدان را دوست ندارد!

فَخَسَقَنَا بِهِ وَبِدَارِهِ الْأَرْضَ فَمَا كَانَ لَهُ مِنْ فِئَةٍ يُنْصَرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُنْتَصِرِينَ^(القصص/۸۱)

سپس ما، او و خانه‌اش را در زمین فرو برديم، و گروهی نداشت که او را در برابر عذاب الهی یاري کنند، و خود نیز نمی‌توانست خویشن را یاري دهد.

تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يَرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُنْتَقَيِّنِ^(القصص/۸۳)

(آری)، این سرای آخر تو را (تنها) برای کسانی قرارمی‌دهیم که اراده برتری جویی در زمین و فساد را ندارند؛ و عاقبت نیک برای پرهیزگاران است!

فَكَذَبُوهُ فَأَخَذْتُهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَائِمِينَ^(العنکبوت/۳۷)

(ولی) آنها او را تکذیب کردند، و به این سبب زلزله آنان را فراگرفت، و بامدادان در خانه‌های خود به رو در افتاده و مرده بودند!

وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوَ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِ الْحَيَاةُ الْأَوَّلَى كَانُوا يَعْلَمُونَ^(العنکبوت/۶۴)

۲۲۹ قوم (علوم اجتماعی) در کلام الله

این زندگی دنیا چیزی جز سرگرمی و بازی نیست؛ و زندگی واقعی سرای آخرت است،
اگر می‌دانستند!

يَدِبُّ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يُرْجَعُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِمَّا
تَعْدُونَ(السجده/۵)

امور این جهان را از آسمان به سوی زمین تدبیر می‌کند؛ سپس در روزی که مقدار آن هزار سال از سالهایی است که شما می‌شمرید بسوی او بالا می‌رود (و دنیا پایان می‌یابد).

وَإِنْ كَنْتَ تُرِدُّنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالدَّارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعْدَ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنْكُنَّ أُجْرًا
عظیماً(الأحزاب/۲۹)

و اگر شما خدا و پیامبرش و سرای آخرت را می‌خواهید، خداوند برای نیکوکاران شما پاداش عظیمی آماده ساخته است.«

الَّذِي أَخْلَنَا دَارَ الْمَقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لَا يَمْسِنَا فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمْسِنَا فِيهَا
لُغُوبٌ(فاطر/۳۵)

همان کسی که با فضل خود ما را در این سرای اقامت (جاویدان) جای داد که نه در آن رنجی به ما می‌رسد و نه سستی و واماندگی!

إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الدَّارِ(ص/۴۶)

ما آنها را با خلوص ویژه‌ای خالص کردیم، و آن یادآوری سرای آخرت بود!
يَا قَوْمٍ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ(غافر/۳۹)

ای قوم من! این زندگی دنیا، تنها متع زودگذری است، و آخرت سرای همیشگی است!
يَوْمَ لَا يُنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعْذِرَتُهُمْ وَلَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ(غافر/۵۲)

روزی که عذرخواهی ظالمان سودی به حاشان نمی‌بخشد؛ و لعنت خدا برای آنها، و خانه (و جایگاه) بد نیز برای آنان است.

ذَلِكَ جَزَاءُ أَغْدَاءِ اللَّهِ النَّارُ لَهُمْ فِيهَا دَارُ الْخَلْدِ جَزَاءٌ بِمَا كَانُوا بِأَيَاتِنَا يَجْحَدُونَ (فصلت/۲۸)

این آتش کیفر دشمنان خدا است، سرای جاویدشان در آن خواهد بود، کیفری است بخارط اینکه آیات ما را انکار می کردند.

وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يَحْبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَى أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقَ س্ُথَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُقْلِحُونَ (الحشر/۹)

و برای کسانی است که در این سرا [= سرزمین مدينه] و در سرای ايمان پيش از مهاجران مسكن گزیدند و کسانی را که به سویشان هجرت کنند دوست می دارند، و در دل خود نیازی به آنچه به مهاجران داده شده احساس نمی کنند و آنها را بر خود مقدم می دارند هر چند خودشان بسیار نیازمند باشند؛ کسانی که از بخل و حرص نفس خویش باز داشته شده‌اند رستگارانند!

فَتَه

فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهْرٍ فَمَنْ شَرَبَ مِنْهُ فَلَيَسْ مُنْتَهٍ وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنْ إِلَّا مَنْ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَلَمَّا جَاءَهُمْ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجَنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظْنُونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُو اللَّهِ كَمْ مِنْ فِتَّةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِتَّةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ (آل‌بقرة/۲۴۹)

و هنگامی که طالوت (به فرماندهی لشکر بنی اسرائیل منصب شد، و سپاهیان را با خود بیرون برد، به آنها گفت: «خداؤند، شما را به وسیله یک نهر آب، آزمایش می کند؛ آنها (که به هنگام تشنجی)، از آن بنوشند، از من نیستند؛ و آنها که جز یک پیمانه با دست خود، بیشتر از آن نخورند، از من هستند» جز عده کمی، همگی از آن آب

نوشیدند. سپس هنگامی که او، و افرادی که با او ایمان آورده بودند، (و از بوته آزمایش، سالم بهدر آمدند)، از آن نهر گذشتند، (از کمی نفرات خود، ناراحت شدند؛ و عده‌ای) گفتند: «امروز، ما توانایی مقابله با («جالوت»*) و سپاهیان او را نداریم.» اما آنها که می‌دانستند خدا را ملاقات خواهند کرد (و به روز رستاخیز، ایمان داشتند) گفتند: «چه بسیار گروه‌های کوچکی که به فرمان خدا، بر گروه‌های عظیمی پیروز شدند!» و خداوند، با صابران و استقامت‌کنندگان) است.

قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةً فِي فِئَتَيْنِ النَّقَاتَا فِتْنَةٌ تَقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَآخْرَى كَافِرَةً بِرَوْنَهْمَ مِثْلَيهِمْ رَأَى الْعَيْنِ وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصْرِهِ مَنْ يَشَاءُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِأُولَى الْأَبْصَارِ(آل عمران/۱۳)

در دو گروهی که (در میدان جنگ بدر)، با هم رو به رو شدند، نشانه (و درس عبرتی) برای شما بود: یک گروه، در راه خدا نبرد می‌کرد؛ و جمع دیگری که کافر بود، (در راه شیطان و بت)، در حالی که آنها (گروه مؤمنان) را با چشم خود، دو برابر آنچه بودند، می‌دیدند. (و این خود عاملی برای وحشت و شکست آنها شد). و خداوند، هر کس را بخواهد (و شایسته بداند)، با یاری خود، تأیید می‌کند. در این، عبرتی است برای بینایان!

وَمَنْ يُوَلِّهِمْ يَوْمَئِذٍ دَبَرَهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِِقْتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّزًا إِلَى فِئَهٖ فَفَدَ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبَئْسَ الْمَصِيرُ(الأفال/۱۶)

و هر کس در آن هنگام به آنها پشت کند -مگر آنکه هدفش کناره‌گیری از میدان برای حمله مجدد، و یا به قصد پیوستن به گروهی (از مجاهدان) بوده باشد- (چنین کسی) به غضب خدا گرفتار خواهد شد؛ و جایگاه او جهنم، و چه بد جایگاهی است! یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيْتُمْ فِئَهً فَأَثْبِتُوا وَإِذْ كُرُوا اللَّهُ كَثِيرًا لَعَلَكُمْ تُفْلِحُونَ(الأفال/۴۵)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که (در میدان نبرد) با گروهی رو به رو می‌شوید، ثابت قدم باشید! و خدا را فراوان یاد کنید، تا رستگار شوید!

وَلَمْ تَكُنْ لَهُ فِئَةٌ يُنْصَرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مُنْتَصِرًا (الكهف/٤٣)
و گروهی نداشت که او را در برابر (عذاب) خداوند یاری دهنده؛ و از خودش (نیز)
نمی‌توانست یاری گیرد.

فَخَسَقَنَا بِهِ وَبِدَارِهِ الْأَرْضَ فَمَا كَانَ لَهُ مِنْ فِئَةٍ يُنْصَرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مِنْ
الْمُنْتَصِرِينَ (القصص/٨١)

سپس ما، او و خانه‌اش را در زمین فرو بردمیم، و گروهی نداشت که او را در برابر عذاب
الهی یاری کنند، و خود نیز نمی‌توانست خویشتن را یاری دهد.

معشر

وَيَوْمَ يُحْشِرُهُمْ جَمِيعًا يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ فَدِ اسْتَكْثَرْتُمْ مِنَ الْإِنْسِ وَقَالَ أُولِيُّؤُهُمْ مِنَ الْإِنْسِ
رَبَّنَا اسْتَمْتَعَ بَعْضُنَا بِبَعْضٍ وَبَلَغْنَا أَجَلَنَا الَّذِي أَجَلْنَا لَنَا قَالَ النَّارُ مَنْتَوْا كُمْ خَالِدِينَ فِيهَا إِلَّا
مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ (الأعراف/١٢٨)

در آن روز که (خدا) همه آنها را جمع و محشور می‌سازد، (می‌گوید): ای جمعیت
شیاطین و جن! شما افراد زیادی از انسانها را گمراه ساختید! دوستان و پیروان آنها از
میان انسانها می‌گویند: «پروردگار! هر یک از ما دو گروه [= پیشوایان و پیروان گمراه]
از دیگری استفاده کردیم؛ (ما به لذات هوس آلود و زودگذر رسیدیم؛ و آنها بر ما
حکومت کردند؛) و به اجلی که برای ما مقرر داشته بودی رسیدیم.» (خداوند)
می‌گوید: «آتش جایگاه شمامست؛ جاودانه در آن خواهید ماند، مگر آنچه خدا بخواهد»
پروردگار تو حکیم و داناست.

يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنَّمَا يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتٍ وَيَنْذِرُونَكُمْ لِقاءَ
يُوْمَكُمْ هَذَا قَالُوا شَهِدْنَا عَلَى أَنفُسِنَا وَغَرَّنَهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَشَهِدُوا عَلَى أَنفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا
كَافِرِينَ (الأعراف/١٣٠)

(در آن روز به آنها می‌گوید): ای گروه جن و انس! آیا رسولانی از شما به سوی شما نیامدند که آیات مرا برایتان بازگو می‌کردند، و شما را از ملاقات چنین روزی بیم می‌دادند؟! آنها می‌گویند: «بر ضد خودمان گواهی می‌دهیم؛ (آری)، ما بد کردیم» و زندگی (پر زرق و برق) دنیا آنها را فریب داد؛ و به زیان خود گواهی می‌دهند که کافر بودند!

يا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنْ أَسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أُقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ (الرحمن/۳۳)

ای گروه جن و انس! اگر می‌توانید از مرزهای آسمانها و زمین بگذرید، پس بگذرید، ولی هرگز نمی‌توانید، مگر با نیرویی (فوق العاده)!

تذر ذر به معنی کاشتن

وَلَنْ تَسْتَطِعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمْلِئُوا كُلَّ الْمَيْلِ فَتَذَرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ وَإِنْ تُصْلِحُوا وَتَتَقَوَّلُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُورًا رَحِيمًا (النساء/۱۲۹)

شما هرگز نمی‌توانید (از نظر محبت قلبی) در میان زنان، عدالت برقرار کنید، هر چند کوشش نمایید! ولی تمایل خود را بکلی متوجه یک طرف نسازید که دیگری را بصورت زنی که شوهرش را از دست داده درآورید! و اگر راه صلاح و پرهیزگاری پیش گیرید، خداوند آمرزنده و مهربان است.

وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمٍ فِرْعَوْنَ أَنَّذَرُ مُوسَى وَقَوْمَهُ لِيُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَيَذَرُكَ وَآلَهَتْكَ قَالَ سَنُقْتَلُ أَبْنَاءَهُمْ وَنَسْتَخْبِي نِسَاءَهُمْ وَإِنَّا فَوْقُهُمْ قَاهِرُونَ (الأعراف/۱۲۷)

و اشراف قوم فرعون (به او) گفتند: «آیا موسی و قومش را رها می‌کنی که در زمین فساد کنند، و تو و خدایانت را رها سازد؟!» گفت: «بزوی پسرانشان را می‌کشیم، و دخترانشان را زنده نگه می‌داریم (تا به ما خدمت کنند)؛ و ما بر آنها کاملاً مسلطیم!»

وَاضْرِبْ لَهُمْ مَثَلَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلَنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ
هَشِيمًا تَذَرُّوهُ الرِّيَاحُ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا(الكهف/٤٥)

(ای پیامبر!) زندگی دنیا را برای آنان به آبی تشبیه کن که از آسمان فرو می فرستیم؛ و
بوسیله آن، گیاهان زمین (سرسیز می شود و) در هم فرومیرود. اما بعد از مدتی
می خشکد؛ و بادها آن را به هر سو پراکنده می کند؛ و خداوند بر همه چیز تواناست!

وَزَكَرِيَا إِذْ نَادَى رَبَّهِ رَبَّ لَا تَذَرْنِي فَرِدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ(الأنبياء/٨٩)

و زکریا را (به یاد آور) در آن هنگام که پروردگارش را خواند (و عرض کرد): «پروردگار
من! مرا تنها مگذار (و فرزند برومندی به من عطا کن)؛ و تو بهترین وارثانی!»

وَتَذَرُّونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ رِبُّكُمْ مِنْ أَرْوَاحِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ غَادُونَ(الشعراء/١٦٦)

و همسرانی را که پروردگارتان برای شما آفریده است رها می کنید؟! (حقا) شما قوم
تجاورگری هستید!»

أَتَدْعُونَ بَعْلًا وَتَذَرُّونَ أَخْسَنَ الْخَالِقِينَ(الصفات/١٢٥)

آیا بت «بعل» را می خوانید و بهترین آفریدگارها را رها می سازید؟!

مَا تَذَرُّ مِنْ شَيْءٍ أَتَتْ عَلَيْهِ إِلَّا جَعَلْتُهُ كَالرَّمِيمِ(الذاريات/٤٢)

که بر هیچ چیز نمی گذشت مگر اینکه آن را همچون استخوانهای پوسیده می ساخت.

وَقَالُوا لَا تَذَرْنِنَّ الْهَيْكَلَمْ وَلَا تَذَرْنِنَّ وَدَّا وَلَا سُواعَّا وَلَا يَغُوثَ وَيَعُوقَ وَتَسْرُّا(نوح/٢٣)

و گفتند: دست از خدایان و بتهای خود برندارید (به خصوص) بتهای «ود»، «سوع»،
«یغوث»، «یعوق» و «نسر» را رها نکنید!

وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دِيَارًا(نوح/٢٦)

نوح گفت: «پروردگار! هیچ یک از کافران را بر روی زمین باقی مگذار!

إِنَّكَ إِنْ تَذَرْهُمْ يَضْلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَارًا(نوح/٢٧)

۲۳۵ قوم (علوم اجتماعی) در کلام الله

چرا که اگر آنها را باقی بگذاری، بندگانت را گمراه می‌کنند و جز نسلی فاجر و کافر به وجود نمی‌آورند!

لَا تُبْقِي وَلَا تَذَرُ (المدثر/۲۸)

(آتشی است که) نه چیزی را باقی می‌گذارد و نه چیزی را رها می‌سازد!

وَتَذَرُّونَ الْآخِرَةَ (القيامة/۲۱)

و آخرت را رها می‌کنید!

یذر

وَالَّذِينَ يَتَوَفَّونَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصُنَ بِأَنفُسِهِنَ أَرْبَعَةً أَشْهُرٍ وَعَشْرًا فَإِذَا بَلَغُنَ أَجْلَهُنَ قَلَّا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنفُسِهِنَ بِالْمَعْرُوفِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ حَبِيرٌ (البقرة/۲۳۴)

و کسانی که از شما می‌میرند و همسرانی باقی می‌گذارند، باید چهار ماه و ده روز، انتظار بکشند (و عده نگه دارند)! و هنگامی که به آخر مدت شان رسیدند، گناهی بر شما نیست که هر چه می‌خواهند، در باره خودشان به طور شایسته انجام دهند (و با مرد دلخواه خود، ازدواج کنند). و خدا به آنچه عمل می‌کنید، آگاه است.

وَالَّذِينَ يَتَوَفَّونَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا وَصِيهَةً لِأَزْوَاجِهِمْ مَتَاعًا إِلَى الْحَوْلِ غَيْرَ إِخْرَاجٍ فَإِنْ خَرَجْنَ قَلَّا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْنَ فِي أَنفُسِهِنَ مِنْ مَعْرُوفٍ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (البقرة/۲۴۰)

و کسانی که از شما در آستانه مرگ قرارمی‌گیرند و همسرانی از خود به جا می‌گذارند، باید برای همسران خود وصیت کنند که تا یک سال، آنها را (با پرداختن هزینه زندگی) بهره‌مند سازند؛ به شرط اینکه آنها (از خانه شوهر) بیرون نروند (و اقدام به ازدواج مجدد نکنند). و اگر بیرون روند، (حقی در هزینه ندارند؛ ولی) گناهی بر شما

نیست نسبت به آنچه در باره خود، به طور شایسته انجام می‌دهند. و خداوند، توانا و حکیم است.

مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يُمِيزَ الْخَيْثَ مِنَ الطَّيْبِ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلَعُكُمْ عَلَىٰ الْغَيْبِ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مِنْ رُسُلِهِ مَنْ يُشَاءُ فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُؤْمِنُوا وَتَنْقُوا فَلَكُمْ أَجْرٌ غَظِيمٌ(آل عمران/۱۷۹)

چنین نبود که خداوند، مؤمنان را به همان‌گونه که شما هستید واگذارد؛ مگر آنکه ناپاک را از پاک جدا سازد. و نیز چنین نبود که خداوند شما را از اسرار غیب، آگاه کند (تا مؤمنان و منافقان را از این راه بشناسید؛ این بر خلاف سنت الهی است؛) ولی خداوند از میان رسولان خود، هر کس را بخواهد بر می‌گزیند؛ (و قسمتی از اسرار نهان را که برای مقام رهبری او لازم است، در اختیار او می‌گذارد). پس (اکنون که این جهان، بوته آزمایش پاک و ناپاک است،) به خدا و رسولان او ایمان بیاورید! و اگر ایمان بیاورید و تقوا پیشه کنید، پاداش بزرگی برای شماست.

وَقَالَ الْمُتَلِّ مِنْ قَوْمٍ فِرْعَوْنَ أَتَنْذِرُ مُوسَى وَقَوْمَهُ لِيُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَيَذَرُكَ وَآلَهَتَكَ
قالَ سَيُقْتَلُ أَبْنَاءُهُمْ وَتَسْتَحْيِي نِسَاءُهُمْ وَإِنَا فَوْقُهُمْ قَاهِرُونَ(الأعراف/۱۲۷)

و اشراف قوم فرعون (به او) گفتند: «آیا موسی و قومش را رها می‌کنی که در زمین فساد کنند، و تو و خدایانت را سازد؟!» گفت: «بزوی پسرانشان را می‌کشیم، و دخترانشان را زنده نگه می‌داریم (تا به ما خدمت کنند)؛ و ما بر آنها کاملاً مسلطیم!»

مَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَلَا هَادِي لَهُ وَيَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ(الأعراف/۱۸۶)

هر کس را خداوند (به جرم اعمال زشتیش) گمراه سازد، هدایت کننده‌ای ندارد؛ و آنها را در طغيان و سرکشی شان رها می‌سازد، تا سرگردان شوند!

فَيَذَرُهُمْ قَاعِدِينَ صَفَصَفَ(طه/۱۰۶)

سپس زمین را صاف و هموار و بی‌آب و گیاه رها می‌سازد...

فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَرْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَرْوَاجًا يَدْرُوْكُمْ
فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ(شوری ۱۱)

او آفریننده آسمانها و زمین است و از جنس شما همسرانی برای شما قرار داد و
جفتها بی از چهارپایان آفرید؛ و شما را به این وسیله [= بوسیله همسران] افزاید می کند؛
هیچ چیز همانند او نیست و او شنوا و بیناست!

إِنَّ هَؤُلَاءِ يَحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذَرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا(الإنسان/۲۷)

آنها زندگی زودگذر دنیا را دوست دارند، در حالی که روز سختی را پشت سر خود رها
می کنند!

ذار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالذَّارِيَاتِ ذَرْوًا(الذاريات/۱)

سوگند به بادهایی که (ابرهای را) به حرکت درمی آورند،

دابه

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَخِلَافِ اللَّيلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا
يُنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَخْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ
كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ
يَعْقِلُونَ(البقرة/۱۶۴)

در آفرینش آسمانها و زمین، و آمد و شد شب و روز، و کشتیهایی که در دریا به سود
مردم در حرکتند، و آبی که خداوند از آسمان نازل کرده، و با آن، زمین را پس از
مرگ، زنده نموده، و انواع جنبندگان را در آن گستردده، و (همچنین) در تغییر مسیر
بادها و ابرهایی که میان زمین و آسمان مسخرند، نشانههایی است (از ذات پاک خدا و
یگانگی او) برای مردمی که عقل دارند و می اندیشنند!

وَمَا مِنْ دَآبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٌ يطِيرُ بِجَنَاحِيهِ إِلَّا أُمُّهُ أَمْثَالُكُمْ مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ
مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَى رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ^(الأنعام/ ۳۸)

هیچ جنبندهای در زمین، و هیچ پرندهای که با دو بال خود پرواز می‌کند، نیست مگر اینکه امتهای همانند شما هستند. ما هیچ چیز را در این کتاب، فرو گذار نکردیم؛ سپس همگی به سوی پروردگارشان محسور می‌گردند.

وَمَا مِنْ دَآبَةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقْرَهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلُّ فِي كِتَابٍ
مُبِينٍ^(هود/ ۶)

هیچ جنبندهای در زمین نیست مگر اینکه روزی او بر خداست! او قرارگاه و محل نقل و انتقالش را می‌داند؛ همه اینها در کتاب آشکاری ثبت است! [در لوح محفوظ ، در کتاب علم خدا]

إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ مَا مِنْ دَآبَةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ
مُسْتَقِيمٍ^(هود/ ۵۶)

من، بر «الله» که پروردگار من و شماست، توکل کرده‌ام! هیچ جنبندهای نیست مگر اینکه او بر آن تسلط دارد؛ (اما سلطه‌ای با عدالت! چرا که) پروردگار من بر راه راست است!

وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ دَآبَةٍ وَالْمَلَائِكَةُ وَهُنْ لَا
يَسْتَكْبِرُونَ^(النحل/ ۴۹)

(نه تنها سایه‌ها، بلکه) تمام آنچه در آسمانها و زمین از جنبندها وجود دارد، و همچنین فرشتگان، برای خدا سجده می‌کنند و تکبر نمی‌ورزند.

وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِظُلْمِهِمْ مَا تَرَكَ عَلَيْهَا مِنْ دَآبَةٍ وَلَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَى أَجَلٍ مُسَمَّى
فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَفْدِمُونَ^(النحل/ ۶۱)

و اگر خداوند مردم را بخاطر ظلمشان مجازات می‌کرد، جنبندهای را بر پشت زمین باقی نمی‌گذارد؛ ولی آنها را تا زمان معینی به تأخیر می‌اندازد. و هنگامی که اجلشان فرا رسد، نه ساعتی تأخیر می‌کنند، و نه ساعتی پیشی می‌گیرند.

وَاللَّهُ خَالِقُ كُلَّ دَابَّةٍ مِّنْ مَاءٍ فَمِنْهُمْ مَنْ يَمْسِي عَلَى رِجْلَيْنِ وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْسِي عَلَى أَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ(النور/٤٥)

و خداوند هر جنبندهای را از آبی آفرید؛ گروهی از آنها بر شکم خود راه می‌روند، و گروهی بر دو پای خود، و گروهی بر چهار پا راه می‌روند؛ خداوند هر چه را بخواهد می‌آفریند، زیرا خدا بر همه چیز تواناست!

وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أُخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ(النمل/٨٢)

و هنگامی که فرمان عذاب آنها رسد (و در آستانه رستاخیز قرار گیرند)، جنبندهای را از زمین برای آنها خارج می‌کنیم که با آنان تکلم می‌کند (و می‌گوید) که مردم به آیات ما ایمان نمی‌آورند.

وَكَأَيْنِ مِنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْغَلِيمُ(العنکبوت/٦٠)

چه بسا جنبندهای که قدرت حمل روزی خود را ندارد، خداوند او و شما را روزی می‌دهد؛ او شنوا و داناست.

خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوَّهَا وَالْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيٌّ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَأَنْزَلَنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتَنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٌ(لقمان/١٠)

(او) آسمانها را بدون ستونی که آن را ببینید آفرید، و در زمین کوههایی افکند تا شما را نلرزاند (و جایگاه شما آرام باشد) و از هر گونه جنبندهای روی آن منتشر ساخت؛ و از آسمان آبی نازل کردیم و بوسیله آن در روی زمین انواع گوناگونی از جفتهای گیاهان پر ارزش رویاندیم.

فَلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَلَّهُمْ عَلَىٰ مَوْتِهِ إِلَّا دَآبَةً الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنْسَاتَهُ فَلَمَّا حَرَّ
تَبَيَّنَتِ الْحِنْ أَنْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَيْثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ(سبأ/۱۴)

(با این همه جلال و شکوه سلیمان) هنگامی که مرگ را بر او مقرر داشتیم، کسی آنها را از مرگ وی آگاه نساخت مگر جنبنده زمین [=موریانه] که عصای او را می خورد (تا شکست و پیکر سلیمان فرو افتاد)، هنگامی که بر زمین افتاد جنیان فهمیدند که اگر از غیب آگاه بودند در عذاب خوارکننده باقی نمی ماندند!

وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَىٰ ظَهَرِهَا مِنْ دَآبَةٍ وَلَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ
أَجْلٍ مُسَمًّى فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِعِبَادِهِ بَصِيرًا(فاتر/۴۵)

اگر خداوند مردم را به سبب کارهایی که انجام داده اند مجازات کند، جنبندهای را بر پشت زمین باقی نخواهد گذاشت! ولی (به لطفش) آنها را تا سرآمد معینی تأخیر می اندازد (و مهلت اصلاح می دهد) اما هنگامی که اجل آنان فرا رسد، (خداوند هر کس را به مقتضای عملش جزا می دهد) او نسبت به بندگانش بیناست (و از اعمال و نیات همه آگاه است)!

وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَثَّ فِيهِمَا مِنْ دَآبَةٍ وَهُوَ عَلَىٰ جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ
وَقِدِيرٌ(شوری/۲۹)

و از آیات اوست آفرینش آسمانها و زمین و آنچه از جنبندها در آنها منشر نموده؛ و او هرگاه بخواهد بر جمع آنها توانست!

وَفِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبْثُ مِنْ دَآبَةٍ آيَاتٌ لِقَوْمٍ يُوقَنُونَ(الجاثیة/۴)

و نیز در آفرینش شما و جنبندها کی (در سراسر زمین) پراکنده ساخته، نشانه هایی است برای جمعیتی که اهل یقینند.

داب

کَدَأْبٍ أَلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ (آل عمران/۱۱)

(عادت آنان در انکار و تحریف حقایق)، همچون عادت آل فرعون و کسانی است که پیش از آنها بودند؛ آیات ما را تکذیب کردند، و خداوند آنها را به (کیفر) گناهانشان گرفت؛ و خداوند، شدید العقاب است.

كَدَأْبٍ أَلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَبُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَعْرَقْنَا أَلِ فِرْعَوْنَ وَكُلًّا كَانُوا ظَالِمِينَ (الأنفال/۵۴)

این، (درست) شبیه (حال) فرعونیان و کسانی است که پیش از آنها بودند؛ آیات پروردگارشان را تکذیب کردند؛ ما هم بخارط گناهانشان، آنها را هلاک کردیم، و فرعونیان را غرق نمودیم؛ و همه آنها ظالم (و ستمگر) بودند!

قَالَ تَزَرَّعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَأْبًا فَمَا حَصَدْتُمْ فَدَرُوهُ فِي سُبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَأْكُلُونَ (يوسف/۴۷)

گفت: «هفت سال با جدیت زراعت می‌کنید؛ و آنچه را درو کردید، جز کمی که می‌خورید، در خوشتهای خود باقی بگذارید (و ذخیره نمایید).

مِثْلَ دَأْبٍ قَوْمٌ نُوحٌ وَعَادٌ وَثَمُودٌ وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِلْعِبَادِ (غافر/۳۱)
و از عادتی همچون عادت قوم نوح و عاد و شمود و کسانی که بعد از آنان بودند (از شرک و کفر و طغیان) می‌ترسم؛ و خداوند ظلم و ستمی بر بندگانش نمی‌خواهد.

دابر

فَقْطَعَ دَأْبُرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (الأنعام/۴۵)

و (به این ترتیب)، دنباله (زندگی) جمعیتی که ستم کرده بودند، قطع شد. و ستایش مخصوص خداوند، پروردگار جهانیان است.

فَأَنْجِينَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِّنَا وَقَطَعْنَا دَابِرَ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا وَمَا كَانُوا مُؤْمِنِينَ (الأعراف/۷۲)

سرانجام، او و کسانی را که با او بودند، برحمت خود نجات بخشیدیم؛ و ریشه کسانی که آیات ما را تکذیب کردند و ایمان نیاوردند، قطع کردیم!

وَإِذْ يَعْدُكُمُ اللَّهُ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ وَتَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشَّوْكَةِ تَكُونُ لَكُمْ وَيَرِيدُ اللَّهُ أَنْ يَحِقَّ الْحَقُّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ (الأنفال/۷)

و (به یاد آرید) هنگامی را که خداوند به شما وعده داد که یکی از دو گروه [کاروان تجاری قریش، یا لشکر مسلح آنها] نصیب شما خواهد بود؛ و شما دوست می داشتید که کاروان (غیر مسلح) برای شما باشد (و بر آن پیروز شوید)؛ ولی خداوند می خواهد حق را با کلمات خود تقویت، و ریشه کافران را قطع کند؛ (از این رو شما را بر خلاف میلتان با لشکر قریش درگیر ساخت، و آن پیروزی بزرگ نصیبتان شد).

وَقَضَيْنَا إِلَيْهِ ذَلِكَ الْأَمْرَ أَنَّ دَابِرَ هُؤُلَاءِ مَقْطُوعٌ مُصْبِحِينَ (الحجر/۶۶)

و ما به لوط این موضوع را وحی فرستادیم که صحگاهان، همه آنها ریشه کن خواهند شد.

دبر تدبیر یعنی دیرین گونه شناسی و سیر تکوینی مفهوم به نوعی ریشه شناسی

آفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا (النساء/۸۲)
آیا درباره قرآن نمی‌اندیشند؟! اگر از سوی غیر خدا بود، اختلاف فراوانی در آن می‌یافتدند.

وَمَنْ يَوْلَمْ يُوْمَنِدِ دُبْرَهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِقِنَالٍ أَوْ مُتَحَيِّزًا إِلَى فِتْنَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ
وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (الأنفال/۱۶)

و هر کس در آن هنگام به آنها پشت کند -مگر آنکه هدفش کناره‌گیری از میدان برای حمله مجدد، و یا به قصد پیوستن به گروهی (از مجاهدان) بوده باشد- (چنین کسی)

به غضب خدا گرفتار خواهد شد؛ و جایگاه او جهنم، و چه بد جایگاهی است!

لَقَدْ نَصَرْتُكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَبِيُومٍ حُنِينٍ إِذْ أَعْجَبَتُكُمْ كُثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ

شَيْئًا وَضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحْبَتْ ثُمَّ وَلَيْتُمْ مُدْبِرِينَ (التوبه/۲۵)

خداوند شما را در جاهای زیادی یاری کرد (و بر دشمن پیروز شدید)؛ و در روز حنین (نیز یاری نمود)؛ در آن هنگام که فزوئی جمعیتتان شما را مغور ساخت، ولی (این فزوئی جمعیت) هیچ به دردتان نخورد و زمین با همه وسعتش بر شما تنگ شده؛ سپس پشت (به دشمن) کرده، فرار نمودید!

إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يَدْبَرُ

الْأَمْرَ مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (یونس/۳)

پروردگار شما، خداوندی است که آسمانها و زمین را در شش روز [= شش دوران] آفرید؛ سپس بر تخت (قدرت) قرار گرفت، و به تدبیر کار (جهان) پرداخت؛ هیچ شفاعت کننده‌ای، جز با اذن او نیست؛ این است خداوند، پروردگار شما! پس او را پرستش کنید! آیا متذکر نمی‌شوید؟!

فَلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمْنٌ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَمَنْ يَخْرُجُ الْحَيَّ مِنَ

الْمَيِّتِ وَيَخْرُجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيَّ وَمَنْ يَدْبَرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقْلٌ أَفَلَا

تَتَّقُونَ (یونس/۳۱)

بگو: «چه کسی شما را از آسمان و زمین روزی می‌دهد؟ یا چه کسی مالک (و خالق)

گوش و چشمهاست؟ و چه کسی زنده را از مرده، و مرده را از زنده بیرون می‌آورد؟ و

چه کسی امور (جهان) را تدبیر می‌کند؟» بزودی (در پاسخ) می‌گویند: «خدا»، بگو:

«پس چرا تقوا تقوا پیشه نمی‌کنید (و از خدا نمی‌ترسید)؟!

وَاسْتَبِقَا الْبَابَ وَقَدَّتْ قَمِصَهُ مِنْ دُبْرٍ وَالْفَيَا سَيِّدَهَا لَدَى الْبَابِ قَالَتْ مَا جَزَاءُ مَنْ أَرَادَ
بِأَهْلِكَ سُوءًا إِلَّا أَنْ يَسْجُنَ أَوْ عَذَابٌ أَلِيمٌ(یوسف/۲۵)

و هر دو به سوی در، دوپند (در حالی که همسر عزیز، یوسف را تعقیب می کرد)؛ و پیراهن او را از پشت (کشید) و پاره کرد. و در این هنگام، آقای آن زن را دم در یافتندا! آن زن گفت: «کیفر کسی که بخواهد نسبت به اهل تو خیانت کند، جز زندان و یا عذاب دردنگ، چه خواهد بود؟!»

وَإِنْ كَانَ قَمِصَهُ قَدَّ مِنْ دُبْرٍ فَكَذَبَتْ وَهُوَ مِنَ الصَّادِقِينَ(یوسف/۲۷)

و اگر پیراهنش از پشت پاره شده، آن زن دروغ می گوید، و او از راستگویان است.»

فَلَمَّا رَأَى قَمِصَهُ قَدَّ مِنْ دُبْرٍ قَالَ إِنَّهُ مِنْ كَيْدِكُنَّ إِنَّ كَيْدِكُنَّ عَظِيمٌ(یوسف/۲۸)

هنگامی که (عزیز مصر) دید پیراهن او [= یوسف] از پشت پاره شده، گفت: «این از مکروحیه شما زنان است، که مکروحیه شما زنان، عظیم است! اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلُّ يَجْرِي لِأَجْلِ مُسَمَّى يَدِبْرُ الْأَمْرَ يَفْصِلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءَ رِبِّكُمْ تُوقَنُونَ(الرعد/۲)

خدا همان کسی است که آسمانها را، بدون ستونهایی که برای شما دیدنی باشد، برافراشت، سپس بر عرش استیلا یافت (و زمام تدبیر جهان را در کف قدرت گرفت)؛ و خورشید و ماه را مسخر ساخت، که هر کدام تا زمان معینی حرکت دارند! کارها را او تدبیر می کند؛ آیات را (برای شما) تشریح می نماید؛ شاید به لقای پروردگاران یقین پیدا کنید!

وَتَالَّهِ لَا كِيدَنَ أَصْنَامُكُمْ بَعْدَ أَنْ تُوَلُوا مُدْبِرِينَ(الأنبياء/۵۷)

و به خدا سوگند، در غیاب شما، نقشه ای برای نابودی بتهاستان می کشم!»

أَفَلَمْ يَدْبَرُوا الْقَوْلَ أَمْ جَاءَهُمْ مَا لَمْ يَأْتِ أَبَاءَهُمُ الْأُولَئِينَ(المؤمنون/۶۸)

آیا آنها در این گفتار نیندیشیدند، یا اینکه چیزی برای آنان آمده که برای نیاکانشان نیامده است؟!

وَأْلَقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَآهَا تَهْنَزَ كَانَهَا جَانٌّ وَلَىٰ مُدْبِرًا وَلَمْ يَعْقِبْ يَا مُوسَى لَا تَخَفْ إِنِّي لَا
يَخَافُ لَدَى الْمُرْسَلُونَ(النمل/۱۰)

و عصایت را بیفکن! -هنگامی که (موسی) به آن نگاه کرد، دید (با سرعت) همچون
ماری به هر سو می‌دود (ترسید و) به عقب برگشت، و حتی پشت سر خود را نگاه
نکرد- ای موسی! نترس، که رسولان در نزد من نمی‌ترستند!

إِنَّكَ لَا تُسْمِعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تُسْمِعُ الصَّمَدَ الدُّغَاءَ إِذَا وَلَوْا مُدْبِرِينَ(النمل/۸۰)

مسلمان تو نمی‌توانی سخنت را به گوش مردگان برسانی، و نمی‌توانی کران را هنگامی
که روی برمی‌گردانند و پشت می‌کنند فراخوانی!

وَأَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَآهَا تَهْنَزَ كَانَهَا جَانٌّ وَلَىٰ مُدْبِرًا وَلَمْ يَعْقِبْ يَا مُوسَى أُقْبِلَ وَلَا
تَخَفْ إِنَّكَ مِنَ الْأَمِينِينَ(القصص/۳۱)

عصایت را بیفکن!» هنگامی که (عصا را افکند و) دید همچون ماری با سرعت حرکت
می‌کند، ترسید و به عقب برگشت، و حتی پشت سر خود را نگاه نکرد! ندا آمد: «برگرد
و نترس، تو در امان هستی!

فَإِنَّكَ لَا تُسْمِعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تُسْمِعُ الصَّمَدَ الدُّغَاءَ إِذَا وَلَوْا مُدْبِرِينَ(الروم/۵۲)

تو نمی‌توانی صدای خود را به گوش مردگان برسانی، و نه سخنت را به گوش کران
هنگامی که روی برگردانند و دور شوند!

يَدِبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِّمَّا
تَعْدُونَ(السجده/۵)

امور این جهان را از آسمان به سوی زمین تدبیر می‌کند؛ سپس در روزی که مقدار آن
هزار سال از سالهایی است که شما می‌شمرید بسوی او بالا می‌رود (و دنیا پایان
می‌یابد).

فَتَوَلَّوَا عَنْهُ مُدْبِرِينَ(الصفات/۹۰)

آنها از او روی برتابته و به او پشت کردن (و بسرعت دور شدن).

كِتَابُ اَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدِيَّ بِرُوا آيَاتِهِ وَلَيَتَدَكَّرَ اُولُو الْأَلْبَابِ (ص/۲۹)

این کتابی است پربرکت که بر تو نازل کرده‌ایم تا در آیات آن تدبر کنند و خردمندان متذکر شوند!

يَوْمَ تُوَلَّوْنَ مُدْبِرِينَ مَا لَكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ غَاصِمٍ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ (غافر/۳۳)

همان روزی که روی می‌گردانید و فرار می‌کنید؛ اما هیچ پناهگاهی در برابر عذاب خداوند برای شما نیست؛ و هر کس را خداوند (بخاطر اعمالش) گمراه سازد، هدایت‌کننده‌ای برای او نیست!

أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَفْفَالَهَا (محمد/۲۴)

آیا آنها در قرآن تدبر نمی‌کنند، یا بر دلهایشان قفل نهاده شده است؟!

سَيِّئُهُمُ الْجَمْعُ وَيُؤْلُونَ الدُّبُرَ (القمر/۴۵)

(ولی بدانند) که بزودی جمعشان شکست می‌خورد و پا به فرامی‌گذارند!

تَنَذِّغُونَ أَدْبَرَ وَتَوَلَّي (المعارج/۱۷)

و کسانی را که به فرمان خدا پشت کردن صدا می‌زنند،

ثُمَّ أَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ (المدثر/۲۳)

سپس پشت (به حق) کرد و تکبر ورزید،

وَاللَّيْلِ إِذْ أَدْبَرَ (المدثر/۳۳)

و به شب، هنگامی که (دامن برچیند و) پشت کند،

فَالْمُدْبِرَاتِ أَمْرًا (النازعات/۵)

و آنها که امور را تدبیر می‌کنند!

ذریت

وَإِذْ أَبْتَلَى إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرْرِيٍّ
قَالَ لَا يَتَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ(البقرة/۱۲۴)

(به خاطر آورید) هنگامی که خداوند، ابراهیم را با وسائل گوناگونی آزمود. و او به خوبی از عهده این آزمایشها برآمد. خداوند به او فرمود: «من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم!» ابراهیم عرض کرد: «از دودمان من (نیز امامانی قرار بدہا)» خداوند فرمود: «پیمان من، به ستمکاران نمی‌رسد! (و تنها آن دسته از فرزندان تو که پاک و معصوم باشند، شایسته این مقامند)».

رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرْرِيْتَنَا أَمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَأَرْنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ
أَنْتَ التَّوَابُ الرَّحِيمُ(البقرة/۱۲۸)

پروردگار! ما را تسلیم فرمان خود قرار ده! و از دودمان ما، امتی که تسلیم فرمانت باشند، به وجود آور! و طرز عبادتمان را به ما نشان ده و توبه ما را بپذیر، که تو توبه‌پذیر و مهربانی!

فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّنَا وَصَعَتْهَا أَنْتَنِي وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعَتْ وَلَيْسَ الدَّكَرُ كَالْأَنْثَى
وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّي أَعْبَدُهَا بِكَ وَذُرْرِيْتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ(آل عمران/۳۶)
ولی هنگامی که او را به دنیا آورد، (و او را دختر یافت)، گفت: «خداؤند! من او را دختر آوردم - ولی خدا از آنجه او به دنیا آورده بود، آگاهتر بود - و پسر، همانند دختر نیست.
(دختر نمی‌تواند وظیفه خدمتگزاری معبد را همانند پسر انجام دهد). من او را مریم نام گذاردم؛ و او و فرزندانش را از (وسوشهای) شیطان رانده شده، در پناه تو قرار می‌دهم.»

وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ كَلَّا هَدَيْنَا وَتُوْحَدَ هَدَيْنَا مِنْ قَبْلٍ وَمِنْ ذُرْرِيْتِهِ ذَاوُودَ
وَسُئِيمَانَ وَأَيُوبَ وَبَوْسُفَ وَمُوسَى وَهَارُونَ وَكَذَلِكَ نَجَزِي الْمُحْسِنِينَ(الأعراف/۸۴)

و اسحاق و یعقوب را به او [=ابراهیم] بخشیدیم؛ و هر دو را هدایت کردیم؛ و نوح را (نیز) پیش از آن هدایت نمودیم؛ و از فرزندان او، داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون را (هدایت کردیم)، این‌گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم!

وَإِذْ أَخَدَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ طَهُورِهِمْ دُرْرِيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنفُسِهِمْ أَلْسُنُ
بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ(الأعراف/۱۷۲)
و (به خاطر بیاور) زمانی را که پروردگارت از پشت و صلب فرزندان آدم، ذریه آنها را برگرفت؛ و آنها را گواه بر خویشن ساخت؛ (و فرمود): «آیا من پروردگار شما نیستم؟» گفتند: «آری، گواهی می‌دهیم!» (چنین کرد مبادا) روز رستاخیز بگویید: «ما از این، غافل بودیم؛ (و از پیمان فطری توحید بی خبر ماندیم)!!

رَبَّنَا إِنِّي أُسْكَنْتُ مِنْ دُرْرِيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيَقِيمُوا الصَّلَاةَ
فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الشَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يُشْكُرُونَ(الإبراھیم/۳۷)
پروردگار!! من بعضی از فرزندانم را در سرزمین بی‌آب و علفی، در کنار خانه‌ای که حرم توست، ساکن ساختم تا نماز را بربا دارند؛ تو دلهای گروهی از مردم را متوجه آنها ساز؛ و از ثمرات به آنها روزی ده؛ شاید آنان شکر تو را بجای آورند!

رَبِّ الْجَلَلِيِّ مُقِيمِ الصَّلَاةِ وَمِنْ دُرْرِيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءَ(الإبراھیم/۴۰)

پروردگار؛ مرا بربا کننده نماز قرار ده، و از فرزندانم (نیز چنین فرما)، پروردگار؛ دعای
مرا بپذیر!

قَالَ أَرَأَيْتَكَ هَذَا الَّذِي كَرَمْتَ عَلَى لَنِنْ أَخْرَتْنِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَأَخْتَبِكَنَّ دُرْرِيَّتَهُ إِلَّا
قَلِيلًا(الإسراء/۶۲)

(سپس) گفت: «به من بگو، این کسی را که بر من برتری داده‌ای (به چه دلیل بوده است؟) اگر مرا تا روز قیامت زنده بگذاری، همه فرزندانش را، جز عده کمی، گمراه و ریشه‌کن خواهم ساخت!»

۲۴۹ قوم (علوم اجتماعی) در کلام الله

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةَ اسْجُدُوا لِأَدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِنْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ
أَفَتَتَّخِدُونَهُ وَدُرْرِيْتَهُ أُولِيَاءِ مِنْ دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا(الكهف/ ۵۰)

به یاد آرید زمانی را که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده کنید!» آنها همگی سجده کردند جز ابلیس -که از جن بود- و از فرمان پروردگارش بیرون شد آیا (با این حال،) او و فرزندانش را به جای من اولیای خود انتخاب می‌کنید، در حالی که آنها دشمن شما هستند؟! (فرمانبرداری از شیطان و فرزندانش به جای اطاعت خدا،) چه جایگزینی بدی است برای ستمکاران!

وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَجَعَلْنَا فِي دُرْرِيْتَهِ التُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ وَآتَيْنَاهُ أَجْرَهُ فِي الدُّنْيَا
وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ(العنکبوت/ ۲۷)

و (در اواخر عمر)، اسحاق و یعقوب را به او بخشیدیم و نبوت و کتاب آسمانی را در دودمانش قرار دادیم و پاداش او را در دنیا دادیم و او در آخرت از صالحان است!

وَآيَةُ لَهُمْ أَنَا حَمَلْنَا دُرْرِيْتَهُمْ فِي الْفُلُكِ الْمَسْحُونِ(یس/ ۴۱)

نشانه‌ای (دیگر از عظمت پروردگار) برای آنان است که ما فرزندانشان را در کشتیهایی پر (از وسایل و بارها) حمل کردیم.

وَجَعَلْنَا دُرْرِيْتَهُ هُمُ الْبَاقِينَ(الصافات/ ۷۷)

و فرزندانش را همان بازماندگان (روی زمین) قرار دادیم،

وَبَارِكْنَا عَلَيْهِ وَعَلَى إِسْحَاقَ وَمِنْ دُرْرِيْتَهِمَا مُحْسِنٌ وَظَالِمٌ لِنَفْسِهِ مُبِينٌ(الصافات/ ۱۱۳)
ما به او و اسحاق برکت دادیم؛ و از دودمان آن دو، افرادی بودند نیکوکار و افرادی آشکارا به خود ستم کردند!

وَوَصَّيْنَا إِلِّيْسَانَ بِوَالِدِيهِ إِحْسَانًا حَمَلْتُهُ أُمَّهُ كُرْهًا وَوَضَعْتُهُ كُرْهًا وَحَمَلْتُهُ وَفِصَالَهُ تَلَاثُونَ
شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشْدَهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبُّ أُوزِيْغَنِيْ أَنْ أَشْكُرَ بِعَمَّتَكَ الَّتِي
أَنْعَمْتَ عَلَىٰ وَالَّتِي وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحَ لِي فِي دُرْرِيْتِيْ إِنِّي تُبْتُ
إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ(الأحقاف/ ۱۵)

ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند، مادرش او را با ناراحتی حمل می‌کند و با ناراحتی بر زمین می‌گذارد؛ و دوران حمل و از شیر بازگرفتنش سی ماه است؛ تا زمانی که به کمال قدرت و رشد برسد و به چهل سالگی بالغ گردد می‌گوید: «پروردگار! مرا توفیق ده تا شکر نعمتی را که به من و پدر و مادرم دادی بجا آورم و کار شایسته‌ای انجام دهم که از آن خشنود باشی، و فرزندان مرا صالح گردان؛ من به سوی تو بازمی‌گردم و توبه می‌کنم، و من از مسلمانانم!»

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعُتُهُمْ ذُرْرٌ يَتُهُمْ يَأْيَمَانِ الْحَقْنَا بِهِمْ ذُرْرٌ يَتَهُمْ وَمَا أَلْتَنَاهُمْ مِنْ عَمَلٍ لِهِمْ
مِنْ شَيْءٍ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ (الطور/۲۱)

کسانی که ایمان آورند و فرزندانشان به پیروی از آنان ایمان اختیار کردن، فرزندانشان را (در بهشت) به آنان ملحق می‌کنیم؛ و از (پاداش) عملشان چیزی نمی‌کاهیم؛ و هر کس در گرو اعمال خویش است!

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعْلَنَا فِي ذُرْرٍ يَتَهُمْ مَالْبُوَّةَ وَالْكِتَابَ فَمِنْهُمْ مُهْتَدٍ وَكَثِيرٌ
مِنْهُمْ فَاسِقُونَ (الحدید/۲۶)

ما نوح و ابراهیم را فرستادیم، و در دودمان آن دو نبوت و کتاب قرار دادیم؛ بعضی از آنها هدایت یافته‌اند و بسیاری از آنها گنهکارند.

اناس

وَإِذْ أَسْتَسْقَى مُوسَى لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ أَلْثَنَاتَ عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ
عَلِمَ كُلُّ أَنَّاسٍ مَشْرِبَهُمْ كُلُّوا وَأَشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ
مُفْسِدِينَ (البقرة/۶۰)

و (به یاد آورید) زمانی را که موسی برای قوم خویش، آب طلبید، به او دستور دادیم: «عصای خود را بر آن سنگ مخصوص بزن!» ناگاه دوازده چشمۀ آب از آن جوشید،

آن‌گونه که هر یک (از طوایف دوازده‌گانه بنی اسرائیل)، چشمِه مخصوص خود را می‌شناختند! (و گفتیم): «از روزیهای الهی بخورید و بیاشامید! و در زمین فساد نکنید!»

وَمَا كَانَ جَوابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوهُمْ مِنْ قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أَنَاسٌ
يَتَطَهَّرُونَ (الأعراف/۸۲)

ولی پاسخ قومش چیزی جز این نبود که گفتند: «اینها را از شهر و دیار خود بیرون کنید، که اینها مردمی هستند که پاکدامنی را می‌طلبند (و با ما هم‌صدرا نیستند!)»

وَقَطَّعَنَاهُمُ الْأَنْتَى عَشْرَةً أَسْبَاطًا أَمَمًا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْ مُوسَى إِذْ اسْتَسْقَاهُ قَوْمُهُ أَنِ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَأَنْتَجَسْتَ مِنْهُ أَثْنَتَانِ عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ غَلِيمَ كُلُّ أَنَاسٍ مَسْرَبَهُمْ وَظَلَّلَنَا عَلَيْهِمُ الْعَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّ وَالسَّلَوَى كُلُّوا مِنْ طَيَّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمْنَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (الأعراف/۱۶۰)

ما آنها را به دوازده گروه - که هر یک شاخه‌ای (از دودمان اسرائیل) بود - تقسیم کردیم. و هنگامی که قوم موسی (در بیابان) از او تقاضای آب کردند، به او وحی فرستادیم که: «عصای خود را بر سنگ بزن!» ناگهان دوازده چشمِه از آن بیرون جست؛ آنچنان که هر گروه، چشمِه و آبشخور خود را می‌شناخت. و ابر را بر سر آنها سایبان ساختیم؛ و بر آنها «من» و «سلوی» فرستادیم؛ (و به آنان گفتیم): «از روزیهای پاکیزه‌ای که به شما داده‌ایم، بخورید! (و شکر خدا را بجا آورید! آنها نافرمانی و ستم کردند؛ ولی) به ما ستم نکردند، لکن به خودشان ستم می‌نمودند.

يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ أَنَاسٍ يَأْمَاهُمْ فَمَنْ أُوتَى كِتَابَهُ بِيمِينِهِ فَأُولَئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يَظْلِمُونَ قَتِيلًا (الإسراء/۷۱)

(به یاد آورید) روزی را که هر گروهی را با پیشوایشان می‌خوانیم! کسانی که نامه عملشان به دست راستشان داده شود، آن را (با شادی و سرور) می‌خوانند؛ و بقدر رشتہ شکاف هسته خرمایی به آنان ستم نمی‌شود!

لِنُخَيِّ بِهِ بَلْدَةً مَيْتًا وَسُنْقِيَّةً مِمَّا خَلَقْنَا أَنْعَامًا وَأَنَاسِيٌّ كَثِيرًا (الفرقان/۴۹)

تا بوسیله آن، سرزمین مردهای را زنده کنیم؛ و آن را به مخلوقاتی که آفریده ایم - چهارپایان و انسانهای بسیار - می‌نوشانیم.

فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوا آلَ لُوطٍ مِنْ قَرْيَاتُكُمْ إِنَّهُمْ أَنَاسٌ

يَتَّهَمُونَ (النمل/۵۶)

آنها پاسخی جز این نداشتند که (به یکدیگر) گفتند: «خاندان لوط را از شهر و دیار خود بیرون کنید، که اینها افرادی پاکدامن هستند!»

قری

وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْفَرَى إِلَى بَارِكُنَا فِيهَا فُرَى ظَاهِرَةً وَقَدَرَنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لَيَالِي وَأَيَامًا آمِنِينَ (سبأ/۱۸)

و میان آنها و شهرهایی که برکت داده بودیم، آبادیهای آشکاری قرار دادیم؛ و سفر در میان آنها را بطور متناسب (با فاصله نزدیک) مقرر داشتیم؛ (و به آنان گفتیم): شبها و روزها در این آبادیها با اینمی (کامل) سفر کنید!

قریه

وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُّوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُولُوا حَطَّةً نَعْفِرْ لَكُمْ حَطَّا يَا كُمْ وَسَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ (البقرة/۵۸)

و (به خاطر بیاورید) زمانی را که گفتیم: «در این شهر [= بیت المقدس] وارد شوید! و از نعمتهای فراوان آن، هر چه می‌خواهید بخورید! و از در (معبد بیت المقدس) با

خضوع و خشوع وارد گردید! و بگویید: «خداؤندا! گناهان ما را بریز!» تا خطاهای شما را ببخشیم؛ و به نیکوکاران پاداش بیشتری خواهیم داد.»

أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَّةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يَحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَّا تَهْهُمْ مِائَةً عَامٍ ثُمَّ بَعْثَةَ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتَ مِائَةً عَامٍ فَأَنْظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَسْتَسْنَهُ وَأَنْظُرْ إِلَى حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلْكَ آيَةً لِلنَّاسِ وَأَنْظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنْسِرُهَا ثُمَّ تَكْسُوهَا لَحْمًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ^(البقرة/ ۲۵۹)

یا همانند کسی که از کنار یک آبادی (ویران شده) عبور کرد، در حالی که دیوارهای آن، به روی سقفها فرو ریخته بود، (و اجساد و استخوانهای اهل آن، در هر سو پراکنده بود؛ او با خود) گفت: «چگونه خدا اینها را پس از مرگ، زنده می‌کند؟!» (در این هنگام،) خدا او را یکصد سال میراند؛ سپس زنده کرد؛ و به او گفت: «چقدر درنگ کرده؟» گفت: «یک روز؛ یا بخشی از یک روز.» فرمود: «نه، بلکه یکصد سال درنگ کرده! نگاه کن به غذا و نوشیدنی خود (که همراه داشتی، با گذشت سالها) هیچ‌گونه تغییر نیافته است! (خدایی که یک چنین مواد فاسدشدنی را در طول این مدت، حفظ کرده، بر همه چیز قادر است!) ولی به الاغ خود نگاه کن (که چگونه از هم متلاشی شده! این زنده شدن تو پس از مرگ، هم برای اطمینان خاطر توست، و هم) برای اینکه تو را نشانه‌ای برای مردم (در مورد معاد) قرار دهیم. (اکنون) به استخوانهای مرکب سواری خود نگاه کن که چگونه آنها را برداشته، به هم پیوند می‌دهیم، و گوشت بر آن می‌پوشانیم!» هنگامی که (این حقایق) بر او آشکار شد، گفت: «می‌دانم خدا بر هر کاری توانا است».

وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يُقْلُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا^(النساء/ ۷۵)

چرا در راه خدا، و (در راه) مردان و زنان و کودکانی که (به دست ستمگران) تضعیف شده‌اند، پیکار نمی‌کنید؟! همان افراد (ستمدهای) که می‌گویند: «پورودگار!! ما را از این شهر (مکه)، که اهلش ستمگرند، بیرون ببر! و از طرف خود، برای ما سربرستی قرار ده! و از جانب خود، بار و یاوری برای ما تعیین فرمای!

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ أَكَابِرَ مُجْرِمِيهَا لِيمْكُرُوا فِيهَا وَمَا يِمْكُرُونَ إِلَّا بِأَنفُسِهِمْ وَمَا يَشْعُرُونَ(الأنعام/۱۲۳)

و (نیز) این گونه در هر شهر و آبادی، بزرگان گنهکاری قرار دادیم؛ (افرادی که همه گونه قدرت در اختیارشان گذاریم؛ اما آنها سوء استفاده کرده، و راه خطا پیش گرفتند؛ و سرانجام کارشان این شد که به مکر (و فریب مردم) پرداختند؛ ولی تنها خودشان را فریب می‌دهند و نمی‌فهمند!

وَكَمْ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكَنَا هَا فَجَاءَهَا بَأْسُنَا بَيَانًاً أَوْ هُمْ قَاتِلُونَ(الأعراف/۴)

چه بسیار شهرها و آبادیها که آنها را (بر اثر گناه فراوانشان) هلاک کردیم! و عذاب ما شب‌هنگام، یا در روز هنگامی که استراحت کرده بودند، به سراغشان آمد.

وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا أَخْذَنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَصْرَفُونَ(الأعراف/۹۴)

و ما در هیچ شهر و آبادی پیامبری نفرستادیم مگر اینکه اهل آن را به ناراحتیها و خسارت‌ها گرفتار ساختیم؛ شاید (به خود آیند، و به سوی خدا) بازگردند و تصرع کنند! وَإِذْ قِيلَ لَهُمْ اسْكُنُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ وَكُلُّوْ مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ وَقُولُوا حِطَّةً وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا نَعْفِرْ لَكُمْ حَطِّيَّاتِكُمْ سَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ(الأعراف/۱۶۱)

و (به خاطر بیاورید) هنگامی را که به آنها گفته شد: «در این شهر [= بیت المقدس] ساکن شوید، و از هر جا (و به هر کیفیت) بخواهید، از آن بخورید (و بهره گیرید)! و بگویید: خداوند! گناهان ما را بربیز! و از در (بیت المقدس) با تواضع وارد شوید! که اگر چنین کنید، گناهان شما را می‌بخشم؛ و نیکوکاران را پاداش بیشتر خواهیم داد.»

وَاسْأَلْهُمْ عَنِ الْفَرِيْدَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةً الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ فِي السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيَّاتَهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرْعًا وَيَوْمَ لَا يَسْتِيْنُونَ لَا تَأْتِيهِمْ كَذَلِكَ نَبْلُوهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ(الأعراف/۱۶۳)

و از آنها درباره (سرگذشت) شهری که در ساحل دریا بود بپرس! زمانی که آنها در روزهای شنبه، تجاوز (و نافرمانی) خدا می کردند؛ همان هنگام که ماهیانشان، روز شنبه (که روز تعطیل و استراحت و عبادت بود، بر سطح آب)، آشکار می شدند؛ اما در غیر روز شنبه، به سراغ آنها نمی آمدند؛ این چنین آنها را به چیزی آزمایش کردیم که نافرمانی می کردند!

فَلَوْلَا كَانَتْ قَرْيَهُ آمَنَتْ فَنَعَهَا إِيمَانُهَا إِلَى قَوْمَ يُونُسَ لَمَّا آمَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الْخِرْزِيِّ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَتَعَنَّهُمْ إِلَى حِينٍ(يونس/۹۸)

چرا هیچ یک از شهرها و آبادیها ایمان نیاوردن که (ایمانشان بموقع باشد، و) به حالشان مفید افتاد؟ مگر قوم یونس، هنگامی که آنها ایمان آوردن، عذاب رسوا کننده را در زندگی دنیا از آنان برطرف ساختیم؛ و تا مدت معینی [= پایان زندگی و اجلشان] آنها را بهره مند ساختیم.

وَاسْأَلْهُمْ عَنِ الْفَرِيْدَةِ الَّتِي كَنَّا فِيهَا وَالْعِيرَ الَّتِي أَفْبَلْنَا فِيهَا وَإِنَّا لَصَادِقُونَ(یوسف/۸۲)

(و اگر اطمینان نداری)، از آن شهر که در آن بودیم سؤال کن، و نیز از آن قافله که با آن آمدیم (بپرس)! و ما (در گفتار خود) صادق هستیم!

وَمَا أَهْلَكَنَا مِنْ قَرْيَهٖ إِلَّا وَلَهَا كِتَابٌ مَعْلُومٌ(الحجر/۴)

ما اهل هیچ شهر و دیاری را هلاک نکردیم مگر اینکه اجل معین (و زمان تغییر ناپذیری) داشتند!

وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَهٖ كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَعَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَدَّاهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ(النحل/۱۱۲)

خداؤند (برای آنان که کفران نعمت می‌کنند)، مثلى زده است: منطقه آبادی که امن و آرام و مطمئن بود؛ و همواره روزیش از هر جا می‌رسید؛ اما به نعمتهای خدا ناسپاسی کردند؛ و خداوند به خاطر اعمالی که انجام می‌دادند، لباس گرستگی و ترس را بر انداشان پوشانید!

وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ تُهْلِكَ قَرْيَةً أَمْرَنَا مُتْرَفِيهَا فَسَقَوْا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَرْنَاهَا
تَدْمِيرًا (الإسراء/۱۶)

و هنگامی که بخواهیم شهر و دیاری را هلاک کنیم، نخست اوامر خود را برای «مترفین» (و ثروتمندان مست شهوت) آنچا، بیان می‌داریم، سپس هنگامی که به مخالفت برخاستند و استحقاق مجازات یافتنند، آنها را به شدت درهم می‌کوبیم.

وَإِنْ مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَوْ مُعَذَّبُوهَا عَذَابًا شَدِيدًا كَانَ ذَلِكَ
فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا (الإسراء/۵۸)

هیچ شهر و آبادی نیست مگر اینکه آن را پیش از روز قیامت هلاک می‌کنیم؛ یا (اگر گناهکارند)، به عذاب شدیدی گرفتارشان خواهیم ساخت؛ این، در کتاب الهی [= لوح محفوظ] ثبت است.

فَأَنْظَلَنَا حَتَّىٰ إِذَا أَتَيَا أَهْلَ قَرْيَةٍ اسْتَطَعُمَا أَهْلَهَا فَأَبْوَا أَنْ يُضَيِّفُوهُمَا فَوَجَدُنَا فِيهَا جِدَارًا
يَرِيدُ أَنْ يُنْقَصَ فَأَقَامَهُ قَالَ لَوْ شِئْتَ لَا تَحْدُثَ عَلَيْهِ أَجْرًا (الكهف/۷۷)

باز به راه خود ادامه دادند تا به مردم قریه‌ای رسیدند؛ از آنان خواستند که به ایشان غذا دهند؛ ولی آنان از مهمان کردنشان خودداری نمودند؛ (با این حال) در آن جا دیواری یافتند که می‌خواست فروریزد؛ و (آن مرد عالم) آن را بربا داشت. (موسی) گفت: «(لاقل) می‌خواستی در مقابل این کار مزدی بگیری!»

مَا آمَنَتْ قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَفَهُمْ يُؤْمِنُونَ (الأنباء/۶)

تمام آبادیهایی که پیش از اینها هلاک کردیم (تقاضای معجزات گوناگون کردند، و خواسته آنان عملی شد، ولی) هرگز ایمان نیاوردند؛ آیا اینها ایمان می‌آورند؟!

وَكَمْ فَصَمْنَا مِنْ قَرْبَهٖ كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ(الأنباء/١١)

چه بسیار آبادیهای ستمگری را در هم شکستیم؛ و بعد از آنها، قوم دیگری روی کار آوردیم!

وَلُوطًا آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَنَجَيَّنَاهُ مِنَ الْقَرْبَيْهِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْحَبَائِثَ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا سَوْءً فَاسِقِينَ(الأنباء/٧٤)

و لوط را (به یاد آور) که به او حکومت و علم دادیم؛ و از شهری که اعمال زشت و کشیف انجام می‌دادند، رهایی بخشیدیم؛ چرا که آنها مردم بد و فاسقی بودند!
وَحَرَامٌ عَلَى قَرْبَيْهِ أَهْلَكَنَاهَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ(الأنباء/٩٥)

وحرام است بر شهرها و آبادیهایی که (بر اثر گناه) نابودشان کردیم (که به دنیا بازگردنده)، آنها هرگز باز نخواهند گشت!

فَكَأَيْنِ مِنْ قَرْبَيْهِ أَهْلَكَنَاهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ فَهِيَ خَاوِيَّهٗ عَلَى عُرُوشِهَا وَبِئْرٍ مَعْطَلَةٍ وَقَصْرٍ مَشِيدٍ(الحج/٤٥)

چه بسیار شهرها و آبادیهایی که آنها را نابود و هلاک کردیم در حالی که (مردمش) ستمگر بودند، بگونه‌ای که بر سقفهای خود فروریخت! (نخست سقفها ویران گشت؛ و بعد دیوارها بر روی سقفها) و چه بسیار چاه پر آب که بی صاحب ماند؛ و چه بسیار قصرهای محکم و مرتفع!

وَكَأَيْنِ مِنْ قَرْبَيْهِ أَمْلَيْتُ لَهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ ثُمَّ أَخْذَتْهَا وَإِلَيَّ الْمَصِيرُ(الحج/٤٨)

و چه بسیار شهرها و آبادیهایی که به آنها مهلت دادم، در حالی که ستمگر بودند؛ (اما از این مهلت برای اصلاح خویش استفاده نکردند). سپس آنها را مجازات کردم؛ و بازگشت، تنها بسوی من است!

وَلَقَدْ أَتُوا عَلَى الْقَرْبَيْهِ الَّتِي أَمْطَرَتْ مَطَرَ السَّوْءِ أَفَلَمْ يَكُونُوا يَرَوْنَهَا بَلْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ نُشُورًا(الفرقان/٤٠)

آنها [= مشرکان مکه] از کنار شهری که باران شر [= بارانی از سنگهای آسمانی] بر آن باریده بود [= دیار قوم لوط] گذشتند؛ آیا آن را نمی‌دیدند؟! (آری، می‌دیدند) ولی به رستاخیز ایمان نداشتن!

وَلَوْ شِئْنَا لَبَعْثَتَنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ نَذِيرًا (الفرقان/٥١)

و اگر می‌خواستیم، در هر شهر و دیاری بیم‌دهنده‌ای برمی‌انگیختیم (ولی این کار لزومی نداشت).

وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا لَهَا مُنْذِرُونَ (الشعراء/٢٠٨)

ما هیچ شهر و دیاری را هلاک نکردیم مگر اینکه انذار‌کنندگانی (از پیامبران الهی) داشتند.

فَالَّتَّهُ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعِزَّةَ أَهْلِهَا أَذِلَّةً وَكَذِلِكَ يَفْعَلُونَ (النمل/٣٤)

گفت: پادشاهان هنگامی که وارد منطقه آبادی شوند آن را به فساد و تباہی می‌کشند، و عزیزان آنجا را ذلیل می‌کنند؛ (آری) کار آنان همین‌گونه است!

وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ بَطِرَتْ مَعِيشَتَهَا فَتَلَكَ مَسَاكِنَهُمْ لَمْ تُسْكَنْ مِنْ بَعْدِهِمْ إِلَّا قَلِيلًا وَكُنَّا نَحْنُ الْوَارِثُينَ (القصص/٥٨)

و چه بسیار از شهرها و آبادیهایی را که بر اثر فراوانی نعمت، مست و مغورو شده بودند هلاک کردیم! این خانه‌های آنهاست (که ویران شده)، و بعد از آنان جز اندکی کسی در آنها سکونت نکرد؛ و ما وارث آنان بودیم!

وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا إِنَّا مُهِلُّكُو أَهْلُ هَذِهِ الْقَرْيَةِ إِنَّ أَهْلَهَا كَانُوا طَالِمِينَ (العنکبوت/٣١)

و هنگامی که فرستادگان ما (از فرشتگان) بشرط (تولد فرزند) برای ابراهیم آوردند، گفتند: «ما اهل این شهر و آبادی را [و به شهرهای قوم لوط اشاره کردند] هلاک خواهیم کرد، چرا که اهل آن ستمگند!»

إِنَّا مَنْزِلُونَ عَلَىٰ أهْلِ هَذِهِ الْقَرْيَةِ رِجْرًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُدُونَ (العنكبوت/٣٤)

ما بر اهل این شهر و آبادی به خاطر گناهانشان، عذابی از آسمان فرو خواهیم ریخت!»

وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتَرْفُوهَا إِنَّا بِمَا أَرْسَلْنَا مِنْهُ كَافِرُونَ (سبأ/٣٤)

و ما در هیچ شهر و دیاری پیامبری بیمدهنده نفرستادیم مگر اینکه متوفین آنها (که

مست ناز و نعمت بودند) گفتند: «ما به آنچه فرستاده شده‌اید کافریم!»

وَاضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ (یس/۱۳)

و برای آنها، اصحاب قریه (انطاکیه) را مثال بزن هنگامی که فرستادگان خدا به سوی آنان آمدند؛

وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتَرْفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ
وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِمْ مُفْتَدُونَ (الزخرف/۲۳)

و این‌گونه در هیچ شهر و دیاری پیش از تو پیامبر انذار کننده‌ای نفرستادیم مگر اینکه ثروتمندان مست و معزور آن گفتند: «ما پدران خود را بر آئینی یافتیم و به آثار آنان اقتدا می‌کنیم.»

وَكَأَيْنُ مِنْ قَرْيَةٍ هِيَ أَشَدُّ فُؤَادًا مِنْ قَرْبَتِكَ الَّتِي أَخْرَجْتَكَ أَهْلَكُنَاهُمْ فَلَا نَاصِرٌ
لَهُمْ (محمد/۱۳)

و چه بسیار شهرهایی که از شهری که تو را بیرون کرد نیرومندتر بودند؛ ما همه آنها را نابود کردیم و هیچ یاوری نداشتند!

وَكَأَيْنُ مِنْ قَرْيَةٍ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرَسُلِهِ فَحَاسَبْنَاهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَعَذَّبْنَاهَا عَذَّابًا
نُكَرًا (الطلاق/۸)

چه بسیار شهرها و آبادیها که اهل آن از فرمان خدا و رسولانش سرپیچی کردند و ما بشدت به حسابشان رسیدیم و به مجازات کم‌نظیری گرفتار ساختیم!

قرب قربی

وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغْدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ
الشَّجَرَةَ فَتَمَّوْنَا مِنَ الطَّالِمِينَ(البقرة/٣٥)

و گفتیم: «ای آدم! تو با همسرت در بهشت سکونت کن؛ و از (نعمتهای) آن، از هر جا
می خواهید، گوارا بخورید؛ (اما) نزدیک این درخت نشوید؛ که از ستمگران خواهید شد.
وَإِذْ أَخَدْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَى
وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينَ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَاتَّوْرُوا الرِّزْكَاهَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا
مِنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُعْرِضُونَ(البقرة/٨٣)

و (به یاد آورید) زمانی را که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خداوند یگانه را
پرستش نکنید؛ و به پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و بینوایان نیکی کنید؛ و به مردم
نیک بگویید؛ نماز را برپا دارید؛ و زکات بدھید. سپس (با اینکه پیمان بسته بودید)
همه شما -جز عده کمی- سرپیچی کردید؛ و (از وفای به پیمان خود) روی گردن
شدید.

لَيْسَ الْبَرُّ أَنْ تُؤْلَوْا وُجُوهُكُمْ قِبْلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلِكِنَّ الْبَرُّ مَنْ أَمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ
الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّنَ وَأَتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى
وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَأَتَى الرِّزْكَاهَ وَالْمُؤْفَونَ
بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ وَجِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا
وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ(البقرة/١٧٧)

نیکی، (تنها) این نیست که (به هنگام نماز)، روی خود را به سوی مشرق و (یا) مغرب
کنید؛ (و تمام گفتگوی شما، در باره قبله و تغییر آن باشد؛ و همه وقت خود را
متصروف آن سازید؛ بلکه نیکی (و نیکوکار) کسی است که به خدا، و روز رستاخیز، و
فرشتگان، و کتاب (آسمانی)، و پیامبران، ایمان آورده؛ و مال (خود) را، با همه علاقه‌ای
که به آن دارد، به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و وامدارگان در راه و سائلان و

بردگان، انفاق می‌کند؛ نماز را برپا می‌دارد و زکات را می‌پردازد؛ و (همچنین) کسانی که به عهد خود به هنگامی که عهد بستند-وفا می‌کنند؛ و در برابر محرومیتها و بیماریها و در میدان جنگ، استقامت به خرج می‌دهند؛ اینها کسانی هستند که راست می‌گویند؛ و (گفتارشان با اعتقادشان همراهند است)؛ و اینها هستند پرهیزکاران!

**كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدُكُمُ الْمَوْتَ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا لِوَالِدَيْهِ وَالْأَقْرَبَيْنَ
بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ** (البقرة/۱۸۰)

بر شما نوشته شده: «هنگامی که یکی از شما را مرگ فرا رسد، اگر چیز خوبی [= مالی] از خود به جای گذارده، برای پدر و مادر و نزدیکان، بطور شایسته وصیت کندا این حقی است بر پرهیزکاران!»

أَحِلٌ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ عِلْمٌ اللَّهُ أَنْكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَكَلَّوَا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْحَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْحَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَيْمُوا الصِّيَامُ إِلَى اللَّيْلِ وَلَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا كَذِلِكَ يَبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ (البقرة/۱۸۷)

آمیزش جنسی با همسرانタン، در شب روزهایی که روزه می‌گیرید، حلال است. آنها لباس شما هستند؛ و شما لباس آنها (هر دو زینت هم و سبب حفظ یکدیگرید). خداوند می‌دانست که شما به خود خیانت می‌کردید؛ (و این کار منوع را انجام می‌دادید)، پس توبه شما را پذیرفت و شما را بخشید. اکنون با آنها آمیزش کنید، و آنچه را خدا برای شما مقرر داشته، طلب نمایید! و بخورید و بیاشامید، تا رشتہ سپید صبح، از رشتہ سیاه (شب) برای شما آشکار گردد! سپس روزه را تا شب، تکمیل کنید! و در حالی که در مساجد به اعتکاف پرداخته‌اید، با زنان آمیزش نکنید! این، مرزهای الهی است؛ پس به آن نزدیک نشوید! خداوند، این چنین آیات خود را برای مردم، روشن می‌سازد، باشد که پرهیزکار گردند!

يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يِنْفَقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلَّهِ الْحِلْمُ وَالْأُفْرَبِينَ وَالْيَتَامَى
وَالْمَسَاكِينَ وَإِنِّي السَّبِيلٌ وَمَا تَعْلَمُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ(البقرة/٢١٥)

از تو سؤال می‌کنند چه چیز اتفاق کنند؟ بگو: «هر خیر و نیکی (و سرمایه سودمند مادی و معنوی) که اتفاق می‌کنید، باید برای پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و مستمندان و درماندگان در راه باشد.» و هر کار خیری که انجام دهید، خداوند از آن آگاه است. (لازم نیست تظاهر کنید، او می‌داند).

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيطِ قُلْ هُوَ أَدَى فَاغْتَرَلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيطِ وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّى
يَطْهَرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأَتُوْهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمْرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَابِينَ وَيُحِبُّ
الْمُتَطَهِّرِينَ(البقرة/٢٢٢)

و از تو، در باره خون حیض سؤال می‌کنند، بگو: «چیز زیبار و آلوده‌ای است؛ از این رو در حالت قاعده‌گی، از آنان کناره‌گیری کنید! و با آنها نزدیکی ننمایید، تا پاک شوندا و هنگامی که پاک شدن، از طریقی که خدا به شما فرمان داده، با آنها آمیزش کنید! خداوند، توبه‌کنندگان را دوست دارد، و پاکان را (نیز) دوست دارد.

وَإِنْ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلٍ أَنْ تَمَسُّوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ
يَعْفُونَ أَوْ يَغْفِلُوا عَنِ الْكَاجَ وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلشَّكُورِ وَلَا تَنْسَوْا الْفَضْلَ بَيْتَكُمْ
إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ(البقرة/٢٣٧)

و اگر آنان را، پیش از آن که با آنها تماس بگیرید و (آمیزش جنسی کنید) طلاق دهید، در حالی که مهری برای آنها تعیین کرده‌اید، (لازم است) نصف آنچه را تعیین کرده‌اید (به آنها بدهید) مگر اینکه آنها (حق خود را) ببخشند؛ یا (در صورتی که صغیر و سفیه باشند، ولی آنها، یعنی) آن کس که گره ازدواج به دست اوست، آن را ببخشد. و گذشت کردن شما (و بخشیدن تمام مهر به آنها) به پرهیزکاری نزدیکتر است، و گذشت و نیکوکاری را در میان خود فراموش نکنید، که خداوند به آنچه انجام می‌دهید، بیناست!

۲۶۳ قوم (علوم اجتماعی) در کلام الله

إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يَبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِّنْهُ أَسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ وَمِنَ الْمُفَرِّبِينَ (آل عمران/۴۵)

(به یاد آورید) هنگامی را که فرشتگان گفتند: «ای مریم! خداوند تو را به کلمه‌ای [= وجود باعظمتی] از طرف خودش بشارت می‌دهد که نامش «مسیح، عیسی پسر مریم» است؛ در حالی که در این جهان و جهان دیگر، صاحب شخصیت خواهد بود؛ و از مقربان (الهی) است.

وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ نَافَقُوا وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا فَاتَّلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوِ ادْفَعُوا قَالُوا لَوْ نَعْلَمُ قِتَالًا لَاتَّبَعْنَاكُمْ هُمْ لِكُفَّارٍ يُومَئِذٍ أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ (آل عمران/۱۶۷)

و نیز برای این بود که منافقان شناخته شوند؛ آنها یکی که به ایشان گفته شد: «بیایید در راه خدا نبرد کنید! یا (حداقل) از حریم خود، دفاع نمایید!» گفتند: «اگر می‌دانستیم جنگی روی خواهد داد، از شما پیروی می‌کردیم. (اما می‌دانیم جنگی نمی‌شود.)» آنها در آن هنگام، به کفر نزدیکتر بودند تا به ایمان؛ به زبان خود چیزی می‌گویند که در دلهایشان نیست! و خداوند از آنچه کتمان می‌کنند، آگاهتر است.

الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عَهْدُ إِلَيْنَا أَلَا نُؤْمِنُ لِرَسُولِ حَتَّىٰ يَأْتِيَنَا بِقُرْبَانٍ تَأْكُلُهُ النَّارُ قُلْ قَدْ جَاءَكُمْ رُسُلٌ مِّنْ قَبْلِي بِالْبَيِّنَاتِ وَبِالَّذِي قُلْتُمْ فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (آل عمران/۱۸۳)

(اینها) همان کسانی (هستند) که گفتند: «خداوند از ما پیمان گرفته که به هیچ پیامبری ایمان نیاوریم تا (این معجزه را انجام دهد): یک قربانی بباورد، که آتش [= صاعقه آسمانی] آن را بخورد!» بگو: «پیامبرانی پیش از من، برای شما آمدند؛ و دلایل روشن، و آنچه را گفتید آوردنده؛ پس چرا آنها را به قتل رساندید اگر راست می‌گویید؟!»

لِلرّجَالِ نَصِيبٌ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأُفْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ
وَالْأُفْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مُفْرُوضًا(النساء/7)

برای مردان، از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان از خود بر جای می‌گذارند، سهمی است؛ و برای زنان نیز، از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان می‌گذارند، سهمی؛ خواه آن مال، کم باشد یا زیاد؛ این سهمی است تعیین شده و پرداختنی.

وَإِذَا حَضَرَ الْقِسْمَةَ أُولُو الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينُ فَارْزُقُوهُمْ مِنْهُ وَقُولُوا لَهُمْ قُوْلًا
مَعْرُوفًا(النساء/8)

و اگر بهنگام تقسیم (ارث)، خویشاوندان (و طبقه‌ای که ارث نمی‌برند) و یتیمان و مستمندان، حضور داشته باشند، چیزی از آن اموال را به آنها بدهید! و با آنان به طور شایسته سخن بگویید!

يُوصِيَكُمُ اللَّهُ فِي أُولَادِكُمْ لِلَّذِكُرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنْثَيَيْنِ فَإِنْ كَنَّ نِسَاءً فَوْقَ اُثْنَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلَّا
مَا تَرَكَ وَإِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ وَلِابْوَيْهِ إِلَكُلٌ وَاحِدٌ مِنْهُمَا السَّدُّسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ
كَانَ لَهُ وَلَدٌ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَوَرَثَهُ أُبُواهُ فَلَأُمَّهُ التَّلْثُلُ فَإِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلَأُمَّهُ السَّدُّسُ
مِنْ بَعْدِ وَصِيَّهُ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ أَبَاوُكُمْ وَأَنْبَأُكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيْهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ نَفْعًا فَرِيضَةً
مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا(النساء/11)

خداؤند در باره فرزنداتان به شما سفارش می‌کند که سهم (میراث) پسر، به اندازه سهم دو دختر باشد؛ و اگر فرزندان شما، (دو دختر و) بیش از دو دختر باشند، دو سوم میراث از آن آنهاست؛ و اگر یکی باشد، نیمی (از میراث)، از آن اوست. و برای هر یک از پدر و مادر او، یک ششم میراث است، اگر (میت) فرزندی داشته باشد؛ و اگر فرزندی نداشته باشد، و (تنها) پدر و مادر از او ارث برنده، برای مادر او یک سوم است (و بقیه از آن پدر است)؛ و اگر او برادرانی داشته باشد، مادرش یک ششم می‌برد (و پنج ششم باقیمانده، برای پدر است). (همه اینها)، بعد از انجام وصیتی است که او کرده، و بعد از

ادای دین است - شما نمی‌دانید پدران و مادران و فرزنداتان، کدامیک برای شما سودمندترند!- این فریضه الهی است؛ و خداوند، دانا و حکیم است.

وَلُكْلُّ جَعْلَنَا مَوَالِيٍّ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَفْرَجُونَ وَالَّذِينَ عَقَدْتَ أَيمَانُكُمْ فَآتُوهُمْ نَصِيبَهُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا(النساء/۳۳)

برای هر کسی، وارثانی قرار دادیم، که از میراث پدر و مادر و نزدیکان ارث ببرند؛ و (نیز) کسانی که با آنها پیمان بسته‌اید، نصیب‌شان را بپردازید! خداوند بر هر چیز، شاهد و ناظر است.

وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجُنُبِ وَإِنِّي السَّيِّلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يِحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا(النساء/۳۶)

و خدا را بپرستید! و هیچ‌چیز را همتای او قرار ندهید! و به پدر و مادر، نیکی کنید، همچنین به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان، و همسایه نزدیک، و همسایه دور، و دوست و همنشین، و اماندگان در سفر، و بردگانی که مالک آنها هستید؛ زیرا خداوند، کسی را که متکبر و فخر فروش است، (و از ادای حقوق دیگران سرباز می‌زند)، دوست نمی‌دارد.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَىٰ حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقْوُلُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَيِّلٍ حَتَّىٰ تَفْتَسِلُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَخَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَمْسُتُمُ النِّسَاءَ فَأَمْ مَأْ فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيْبًا فَمَسْحُوا بُوْجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًا عَفُورًا(النساء/۴۳)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در حال مستی به نماز نزدیک نشوید، تا بدانید چه می‌گویید! و همچنین هنگامی که جنب هستید -مگر اینکه مسافر باشید- تا غسل کنید. و اگر بیمارید، یا مسافر، و یا «قضای حاجت» کرده‌اید، و یا با زنان آمیزش جنسی داشته‌اید، و در این حال، آب (برای وضو یا غسل) نیافتید، با خاک پاکی تیم

کنید! (به این طریق که) صورتها و دستهایتان را با آن مسح نمایید. خداوند، بخشنده و آمرزند است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُوْنُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءِ اللَّهِ وَلَوْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ أُوْالَادِينَ
وَالْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ عَنْكُمْ أُوْفَقِيرًا فَإِنَّ اللَّهَ أَوْلَى بِهِمْ مَا فَلَّا تَشْعِيُوا الْهَوَى أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلُوْوا
أَوْ تُعْرِضُوا فِإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ حَبِيرًا (النساء ۱۳۵)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! کاملاً قیام به عدالت کنید! برای خدا شهادت دهید، اگر چه (این گواهی) به زیان خود شما، یا پدر و مادر و نزدیکان شما بوده باشد! (چرا که) اگر آنها غنی یا فقیر باشند، خداوند سزاوارتر است که از آنان حمایت کند. بنابراین، از هوی و هوس پیروی نکنید؛ که از حق، منحرف خواهید شد! و اگر حق را تحریف کنید، و یا از اظهار آن، اعراض نمایید، خداوند به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است.

لَنْ يَسْتَنِكُفَّ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَنِّدًا لِلَّهِ وَلَا الْمَلَائِكَةُ الْمُقْرَبُونَ وَمَنْ يُسْتَنِكُفْ عَنْ
عِبَادَتِهِ وَيَسْتَكْبِرُ فَسَيَحْشُرُهُمْ إِلَيْهِ جَمِيعًا (النساء ۱۷۲)

هرگز مسیح از این ابا نداشت که بنده خدا باشد؛ و نه فرشتگان مقرب او (از این ابا دارند). و آنها که از عبودیت و بندگی او، روی برتابند و تکبر کنند، بزودی همه آنها را (در قیامت) نزد خود جمع خواهد کرد.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُوْنُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءِ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمُنَّكُمْ شَنَآنٌ قَوْمٌ عَلَى أَلَّا
تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (المائدہ ۸)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همواره برای خدا قیام کنید، و از روی عدالت، گواهی دهید! دشمنی با جمعیتی، شما را به گناه و ترک عدالت نکشاند! عدالت کنید، که به پرهیزگاری نزدیکتر است! و از (معصیت) خدا بپرهیزید، که از آنچه انجام می‌دهید، با خبر است!

وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأً ابْنَى آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَبَا قُرْبًا فَتُقْبَلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يَتَقْبَلْ مِنَ
الآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقْبَلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ (المائدہ ۲۷)

و داستان دو فرزند آدم را بحق بر آنها بخوان: هنگامی که هر کدام، کاری برای تقرب (به پروردگار) انجام دادند؛ اما از یکی پذیرفته شد، و از دیگری پذیرفته نشد؛ (برادری که عملش مردود شده بود، به برادر دیگر) گفت: «به خدا سوگند تو را خواهم کشت!» (برادر دیگر) گفت: «من چه گناهی دارم؟ زیرا خدا، تنها از پرهیز کاران می‌پذیرد!

لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا إِلَيْهُودُ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا إِلَيْهِنَّ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى ذَلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قِسِّيسِينَ وَرَهْبَانًا وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ (المائدة/ ۸۲)

بطور مسلم، دشمنترین مردم نسبت به مؤمنان را، یهود و مشرکان خواهی یافت؛ و نزدیکترین دوستان به مؤمنان را کسانی می‌یابی که می‌گویند: «ما نصاری هستیم»؛ این بخاطر آن است که در میان آنها، افرادی عالم و تارک دنیا هستند؛ و آنها (در برابر حق) تکبر نمی‌ورزند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهَادَةَ بَيْنَكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدُكُمُ الْمَوْتَ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ أَوْ أَخْرَانِ مِنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أُنْتُمْ ضَرَبَتُمْ فِي الْأَرْضِ فَأَصَابَتُكُمْ مُصِيبَةُ الْمَوْتِ تُحْبِسُونَهُمَا مِنْ بَعْدِ الصَّلَاةِ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ إِنْ ارْتَشَمْ لَا نَشْرِي بِهِ ثَمَنًا وَلَوْ كَانَ ذَاقَ فُرُّقَيِّ وَلَا نَكْتُمُ شَهَادَةَ اللَّهِ إِنَّا إِذَا لَمْنَ الْآتِمِينَ (المائدة/ ۱۰۶)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که مرگ یکی از شما فرا رسد، در موقع وصیت باید از میان شما، دو نفر عادل را به شهادت بطلبد؛ یا اگر مسافرت کردید، و مصیبت مرگ شما فرا رسید، (و در آن جا مسلمانی نیافتید)، دو نفر از غیر خودتان را به گواهی بطلبید، و اگر به هنگام ادائی شهادت، در صدق آنها شک کردید، آنها را بعد از نماز نگاه می‌دارید تا سوگند یاد کنند که: «ما حاضر نیستیم حق را به چیزی بفروشیم، هر چند در مورد خویشاوندان ما باشد! و شهادت الهی را کتمان نمی‌کنیم، که از گناهکاران خواهیم بود!»

فَلْ تَعَاوَلُوا أَتْلُ مَا حَرَمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ إِلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدِينِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أُولَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرِزُقُكُمْ وَإِبَاهُمْ وَلَا تَقْرُبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَصَاحَبُكُمْ يَهُ لَعْنَكُمْ تَقْعِلُونَ (الأَنْعَام/۱۵۱)

بغو: «بیایید آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده است برایتان بخوانم: اینکه چیزی را شریک خدا قرار ندهید! و به پدر و مادر نیکی کنید! و فرزندانتان را از (ترس) فقر، نکشید! ما شما و آنها را روزی می‌دهیم؛ و نزدیک کارهای زشت نروید، چه آشکار باشد چه پنهان! و انسانی را که خداوند محترم شمرده، به قتل نرسانید! مگر بحق (و از روی استحقاق)، این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش کرده، شاید درک کنید!

وَلَا تَقْرُبُوا مَالَ الْيَتَيمِ إِلَّا بِالْتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّى يُلْغَ أُشْدَهُ وَأُوفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ
بِالْقِسْطِ لَا تُكْلِفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا فُرْبَى وَبِعَهْدِ اللَّهِ أُوفُوا
ذَلِكُمْ وَصَاحَبُكُمْ يَهُ لَعْنَكُمْ تَدَكَّرُونَ (الأَنْعَام/۱۵۲)

و به مال یتیم، جز به بهترین صورت (و برای اصلاح)، نزدیک نشوید، تا به حد رشد خود برسد! و حق پیمانه و وزن را بعدالت ادا کنید! -هیچ کس را، جز بمقدار تواناییش، تکلیف نمی‌کنیم- و هنگامی که سخنی می‌گویید، عدالت را رعایت نمایید، حتی اگر در مورد نزدیکان (شما) بوده باشد و به پیمان خدا وفا کنید، این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش می‌کند، تا متذکر شوید!

وَيَا آدُمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ فَكُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرُبَا هَذِهِ الشَّجَرَةِ
فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ (الأعراف/۱۹)

و ای آدم! تو و همسرت در بهشت ساکن شویدا و از هر جا که خواستید، بخوریدا اما به این درخت نزدیک نشوید، که از ستمکاران خواهید بود!»

قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ لَمِنَ الْمُفَرِّبِينَ (الأعراف/۱۴)

گفت: «آری، و شما از مقربان خواهید بود!»

وَأَغْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ خَمْسَةَ وَالرَّسُولُ وَلِذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينُ وَابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ أَمْتَمْ بِاللَّهِ وَمَا أَنْزَلَنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ النَّقَى الْجَمْعَانَ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ(الأنفال/۴۱)

بدانید هرگونه غنیمتی به دست آورید، خمس آن برای خدا، و برای پیامبر، و برای ذی القربی و یتیمان و مسکینان و اماماندگان در راه (از آنها) است، اگر به خدا و آنچه بر بندۀ خود در روز جدایی حق از باطل، روز درگیری دو گروه (با ایمان و بی ایمان) = روز جنگ بدر] نازل کردیم، ایمان آورده‌اید؛ و خداوند بر هر چیزی تووانست!

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرُبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا وَإِنْ حِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يَغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ(التوبه/۲۸)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! مشرکان ناپاکند؛ پس نباید بعد از امسال، نزدیک مسجد الحرام شوند! و اگر از فقر می‌ترسید، خداوند هرگاه بخواهد، شما را به کرمش بینیاز می‌سازد؛ (و از راه دیگر جبران می‌کند؛) خداوند دانا و حکیم است.

وَمِنَ الْأَغْرَابِ مَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَتَخَذِّلُ مَا يَنْفِقُ فُرُبَاتٍ عِنْدَ اللَّهِ وَصَلَواتٍ الرَّسُولُ أَلَا إِنَّهَا قُرْبَةٌ لَهُمْ سَيِّدُخَلْهُمُ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ(التوبه/۹۹)

گروهی (دیگر) از عربهای بادیه‌نشین، به خدا و روز رستاخیز ایمان دارند؛ و آنچه را انفاق می‌کنند، مایه تقرب به خدا، و دعای پیامبر می‌دانند؛ آگاه باشید اینها مایه تقرب آنهاست! خداوند بزودی آنان را در رحمت خود وارد خواهد ساخت؛ به یقین، خداوند آمرزنده و مهربان است!

مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أُولَى قُرْبَى مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ(التوبه/۱۱۳)

برای پیامبر و مؤمنان، شایسته نبود که برای مشرکان (از خداوند) طلب آمرزش کنند، هر چند از نزدیکانشان باشند؛ (آن هم) پس از آنکه بر آنها روشن شد که این گروه، اهل دوز خند!

فَإِنْ لَمْ تَأْتُونِي بِهِ فَلَا كَيْلَ لَكُمْ عِنْدِي وَلَا تَقْرَبُونِ(یوسف / ۶۰)

و اگر او را نزد من نیاورید، نه کیل (و پیمانه‌ای از غله) نزد من خواهید داشت؛ و نه
(اصلا) به من نزدیک شوید!»

وَلِلَّهِ عَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا أَمْرُ السَّاعَةِ إِلَّا كَلَمْحُ الْبَصَرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ(النحل / ۷۷)

غیب آسمانها و زمین، مخصوص خداست (و او همه را می‌داند)؛ و امر قیامت (بقدرتی
نزدیک و آسان است) درست همانند چشم برهم زدن، و یا از آن هم نزدیکتر؛ چرا که
خدا بر هر چیزی تواناست!

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَإِلِّيْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَا عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ عِظِّلَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونِ(النحل / ۹۰)

خداؤند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می‌دهد؛ و از فحشا و منکر و
ستم، نهی می‌کند؛ خداوند به شما اندرز می‌دهد، شاید متذکر شوید!

وَأَتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَإِنَّ السَّبِيلَ وَلَا تُبَدِّرْ تَبَذِيرًا(الإسراء / ۲۶)

و حق نزدیکان را بپرداز، و (همچنین حق) مستمند و وامانده در راه را! و هرگز اسراف
و تبذیر مکن،

وَلَا تَقْرَبُوا الزَّنَنِ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا(الإسراء / ۳۲)

ونزدیک زنا نشوید، که کار بسیار رشت، و بد راهی است!

وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتَيمِ إِلَّا بِالْيَتِيمِ هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أُشْدَهُ وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا(الإسراء / ۳۴)

و به مال یتیم، جز به بهترین راه نزدیک نشوید، تا به سر حد بلوغ رسد! و به عهد
(خود) وفا کنید، که از عهد سؤال می‌شود!

أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَى رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيْهُمْ أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا (الإِسْرَاء / ۵۷)

کسانی را که آنان می خوانند، خودشان وسیله‌ای (برای تقرب) به پروردگارشان می جویند، وسیله‌ای هر چه نزدیکتر؛ و به رحمت او امیدوارند؛ و از عذاب او می ترسند؛ چرا که عذاب پروردگارت، همواره در خور پرهیز و وحشت است!

إِنْ يَشَاءُ اللَّهُ وَإِذْكُرْ رَبَّكَ إِذَا نَسِيَتْ وَقُلْ عَسَى أَنْ يَهْدِيَنِ رَبِّي لِأَقْرَبَ مِنْ هَذَا رَشِيدًا (الكَهْف / ۲۴)

مگر اینکه خدا بخواهد! و هرگاه فراموش کردی، (جبان کن) و پروردگارت را به خاطر بیاور؛ و بگو: «امیدوارم که پروردگارم مرا به راهی روشنتر از این هدایت کندا»

فَأَرَدْنَا أَنْ يُبَدِّلُهُمَا رَبِّهِمَا خَيْرًا مِنْهُ رَكَأً وَأَقْرَبَ رُحْمًا (الكهف / ۸۱)

از این رو، خواستیم که پروردگارشان به جای او، فرزندی پاکتر و با محبت‌تر به آن دو بدهد!

وَنَادَيْنَا مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَقَرَبَنَاهُ نَجِيَا (مریم / ۵۲)

ما او را از طرف راست (کوه) طور فراخواندیم؛ و نجواکنان او را (به خود) نزدیک ساختیم؛

يَدْعُو لَمَنْ ضَرَّهُ أَقْرَبُ مِنْ نَفِيْهِ لَبِسْسَ الْمَوَى وَلَبِسْسَ الْعَشِيرِ (الحج / ۱۳)

او کسی را می خواند که زیانش از نفعش نزدیکتر است؛ چه بد مولا و یاوری، و چه بد مونس و معاشری!

وَلَا يَأْتِي أُولُو الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةُ أَنْ يَؤْتُوا أُولَى الْقُرْبَى وَالْمَسَاكِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِيَعْفُوا وَلِيصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ عَفُورٌ رَحِيمٌ (النور / ۲۲)

آنها که از میان شما دارای برتری (مالی) و وسعت زندگی هستند نباید سوگند یاد کنند که از انفاق نسبت به نزدیکان و مستمندان و مهاجران در راه خدا دریغ نمایند؛

آنها باید عفو کنند و چشم بپوشند؛ آیا دوست نمی‌دارید خداوند شما را ببخشد؟!
خداوند آمرزنه و مهربان است!

فَالْيَعْمَلُ وَإِنَّكُمْ إِذَا لَمْ يَنْأُوا مُقْرَبِينَ (الشعراء/٤٢)

گفت: «آری،) و در آن صورت شما از مقربان خواهید بود!»

وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ (الشعراء/٢١٤)

و خویشاوندان نزدیکت را انذار کن!

فَاتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَإِنَّ السَّبِيلَ ذَلِكَ حَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ
وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (الروم/٣٨)

پس حق نزدیکان و مسکینان و در راه ماندگان را ادا کن! این برای آنها که رضای خدا را می‌طلبند بهتر است، و چنین کسانی رستگارانند.

وَمَا أُمْوَالُكُمْ وَلَا أُولَادُكُمْ بِالَّتِي تُقْرِبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَى إِلَّا مَنْ أَمْنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ
أَهْمُمْ جَزَاءُ الْضَّعْفِ بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِي الْعُرْفَاتِ آمِنُونَ (سبأ/٣٧)

اموال و فرزندانتان هرگز شما را نزد ما مقرب نمی‌سازد، جز کسانی که ایمان بیاورند و عمل صالحی انجام دهند که برای آنان پاداش مضاعف در برابر کارهایی است که انجام داده‌اند؛ و آنها در غرفه‌های (بهشتی) در (نهایت) امنیت خواهند بود!

وَلَا تَرْرُ وَازِرَةٌ وَزْرَ أَخْرَى وَإِنْ تَدْعُ مُثْقَلَةً إِلَى حِمْلِهَا لَا يَحْمِلُ مِنْهُ شَيْءٌ وَلَوْ كَانَ ذَا
قُرْبَى إِنَّمَا تُنْدِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَمَنْ تَرَكَ كَيْ فَإِنَّمَا يَتَرَكَ
لِنَفْسِهِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ (فاطر/١٨)

هیچ گنهکاری بار گناه دیگری را بر دوش نمی‌کشد؛ و اگر شخص سنگین‌باری دیگری را برای حمل گناه خود بخواند، چیزی از آن را بر دوش نخواهد گرفت، هر چند از نزدیکان او باشد! تو فقط کسانی را بیهمی‌دهی که از پروردگار خود در پنهانی می‌ترسند و نماز را برپا می‌دارند؛ و هر کس پاکی (و تقوا) پیشه کند، نتیجه آن به خودش بازمی‌گردد؛ و بازگشت (همگان) به سوی خدادست!

أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أُولَيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيَقْرَبُونَا إِلَى اللَّهِ
رُلْفَى إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ
كَفَّارٌ(الزمر/۳)

آگاه باشید که دین خالص از آن خداست، و آنها که غیر خدا را اولیای خود قرار دادند و دلیلشان این بود که: «اینها را نمی پرستیم مگر بخاطر اینکه ما را به خداوند نزدیک کنند»، خداوند روز قیامت میان آنان در آنچه اختلاف داشتند داوری می کند؛ خداوند آن کس را که دروغگو و کفران کننده است هرگز هدایت نمی کند!

ذَلِكَ الَّذِي يَبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أُجْرًا إِلَّا
الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْتَى وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَزِدُ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ
شَكُورٌ(شوری/۲۳)

این همان چیزی است که خداوند بندگانش را که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند به آن نوید می دهد! بگو: «من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی کنم جز دوست داشتن نزدیکانم [= اهل بیتم]؛ و هر کس کار نیکی انجام دهد ، بر نیکی اش می افزاییم؛ چرا که خداوند آمرزنده و سپاسگزار است.

فَلَوْلَا نَصَرَهُمُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ قُرْبَانًا آلِهَةً بَلْ ضَلَّوْا عَنْهُمْ وَذَلِكَ إِفْكُهُمْ وَمَا
كَانُوا يُفْتَرُونَ(الأحقاف/۲۸)

پس چرا معبدانی را که غیر از خدا برگزیدند -به گمان اینکه به خدا نزدیکشان سازد- آنها را یاری نکردند؟! بلکه از میانشان گم شدند! این بود نتیجه دروغ آنها و آنچه افترا می بستند!

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَتَعَلَّمُ مَا تُوَسِّعُ سُبُّهُ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أُقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ
الْوَرِيدِ(ق/۱۶)

ما انسان را آفریدیم و وسوسه های نفس او را می دانیم، و ما به او از رگ قلبش نزدیکتریم!

فَقَرِّبْهُ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ(الذاريات/۲۷)

و نزدیک آنها گذارد، (ولی با تعجب دید دست بسوی غذا نمی‌برند) گفت: «آیا شما غذا نمی‌خورید؟!»

أُولَئِكَ الْمُقْرَبُونَ(الواقعة/۱۱)

آنها مقربانند!

وَتَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ وَلَكِنْ لَا تُبْصِرُونَ(الواقعة/۸۵)

و ما از شما به او نزدیکتریم ولی نمی‌بینید!

فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقْرَبِينَ(الواقعة/۸۸)

پس اگر او از مقربان باشد،

ما أفاء اللہ علی رَسُولِهِ مِنْ أهْلِ الْقَرَى فَلَلَهِ وَلِرَسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَإِنِ السَّبِيلَ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَكُمُ الرَّسُولُ فَحُدُودُهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَأَنْتُمْ هُوَا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ(الحشر/۷)

آنچه را خداوند از اهل این آبادیها به رسولش بازگرداند، از آن خدا و رسول و خویشاوندان او، و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان است، تا (این اموال عظیم) در میان شروتمندان شما دست به دست نگردد! آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید (و اجرا کنید)، و از آنچه نهی کرده خودداری نمایید؛ و از (مخالفت) خدا بپرهیزید که خداوند کیفرش شدید است!

يَشْهَدُهُ الْمُقْرَبُونَ(المطففين/۲۱)

که مقربان شاهد آنند!

عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقْرَبُونَ(المطففين/۲۸)

همان چشممهای که مقربان از آن می‌نوشنند.

يَتَيَمَّا ذَا مَقْرَبَيْهِ(البلد/۱۵)

ادبار

لَنْ يُضْرُوْكُمْ إِلَّا أَذْيٰ وَإِنْ يَقَاتِلُوكُمْ يوْلُوكُمُ الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يُنْصَرُونَ (آل عمران/۱۱)

آنها [= اهل کتاب، مخصوصاً] یهود هرگز نمی‌توانند به شما زیان برسانند، جز آزارهای مختصر؛ و اگر با شما پیکار کنند، به شما پشت خواهد کرد (و شکست می‌خورند؛ سپس کسی آنها را یاری نمی‌کند).

یا أَيُّهَا الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ أَمْنُوا بِمَا نَرَزَلَنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلٍ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهَهَا فَنَرَدُّهَا عَلَى أَدْبَارِهَا أَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعَنَّا أَصْحَابَ السَّبَبِ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا (النساء/۴۷)

ای کسانی که کتاب (خدا) به شما داده شده! به آنچه (بر پیامبر خود) نازل کردیم و هماهنگ با نشانه‌هایی است که با شمامست- ایمان بیاورید، پیش از آنکه صورت‌هایی را محظوظ کنیم، سپس به پشت سر بازگردانیم، یا آنها را از رحمت خود دور سازیم، همان گونه که «اصحاب سبت» [= گروهی از تبهکاران بنی اسرائیل] را دور ساختیم؛ و فرمان خدا، در هر حال انجام شدنی است!

یا قَوْمٌ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتَدُوا عَلَى أَدْبَارِكُمْ فَتَنَقْبِلُوْا خَاسِرِيْنَ (المائدہ/۲۱)

ای قوم! به سرزمین مقدسی که خداوند برای شما مقرر داشته، وارد شوید! و به پشت سر خود بازنگردید (و عقب گرد نکنید) که زیانکار خواهید بود!

یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيْتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا رَحْفًا فَلَا تُوْلُوهُمُ الْأَدْبَارَ (الأنفال/۱۵)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که با انبوه کافران در میدان نبرد رویه رو شوید، به آنها پشت نکنید (و فرار ننمایید)!

وَلَوْ تَرَى إِذْ يَتَوَقَّى الَّذِينَ كَفَرُوا الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُوْنَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ وَدُوْقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ (الأنفال/۵۰)

و اگر ببینی کافران را هنگامی که فرشتگان (مرگ)، جانشان را می‌گیرند و بر صورت و پشت آنها می‌زنند و (می‌گویند): بچشید عذاب سوزنده را (به حال آنان تأسف خواهی خورد)!

فَأَسْرِ بِإِهْلِكَ بِقِطْعٍ مِّنَ اللَّيْلِ وَاتَّبِعْ أَدْبَارَهُمْ وَلَا يُلْتَفِتْ مِنْكُمْ أَحَدٌ وَامْضُوا حَيْثُ تُؤْمَرُونَ(الحجر/٤٥)

پس، خانوادهات را در اوخر شب با خود بردار، و از اینجا ببر؛ و خودت به دنبال آنها حرکت کن؛ و کسی از شما به پشت سر خویش ننگرد؛ مأمور هستید بروید!»
وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكْيَنَةً أَنْ يُفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَفُرُّاً وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَوْا عَلَى أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا(الإسراء/٤٦)

و بر دلهایشان پوششهايی، تا آن را نفهمند؛ و در گوشهايشان سنگينی؛ و هنگامی که پروردگارت را در قرآن به یگانگی ياد می‌کنی، آنها پشت می‌کنند و از تو روی بر می‌گردانند.

وَلَقَدْ كَانُوا عَاهَدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ لَا يَوْلُونَ الْأَدْبَارَ وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا(الأحزاب/١٥)

(در حالی که) آنان قبل از این با خدا عهد کرده بودند که پشت به دشمن نکنند؛ و عهد الهی مورد سوال قرار خواهد گرفت (و در برابر آن مسئولند)!
إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُوا عَلَى أَدْبَارِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهَدَى الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمْلَى لَهُمْ(محمد/٢٥)

كسانی که بعد از روشن شدن هدایت برای آنها، پشت به حق کردند، شیطان اعمال زشتستان را در نظرشان زینت داده و آنان را با آرزوهای طولانی فریفته است!
فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّهُمُ الْمَلَائِكَةُ يُضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ(محمد/٢٧)

حال آنها چگونه خواهد بود هنگامی که فرشتگان (مرگ) بر صورت و پشت آنان می‌زنند و جانشان را می‌گیرند؟!

وَلَوْ قَاتَلُوكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا الْأَدْبَارُ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيَا وَلَا نَصِيرًا(الفتح/٢٢)

و اگر کافران (در سرزمین حدبیه) با شما پیکار می‌کردند بزودی فرار می‌کردند، سپس ولی و یاوری نمی‌یافتد!

وَمِنَ الْلَّيْلِ فَسَبَّحُهُ وَأَدْبَارَ السَّجُودِ(ق/٤٠)

و در بخشی از شب او را تسبیح کن، و بعد از سجده‌ها!

وَمِنَ الْلَّيْلِ فَسَبَّحُهُ وَإِدْبَارَ النَّجُومِ(الطور/٤٩)

(همچنین) به هنگام شب او را تسبیح کن و به هنگام پشت کردن ستارگان (و طلوع صبح)!

لَئِنْ أُخْرِجُوا لَا يُخْرُجُونَ مَعَهُمْ وَلَئِنْ قُوْتُلُوا لَا يُنْصَرُوْهُمْ وَلَئِنْ نَصَرُوْهُمْ لَيُوْلَىْنَ الْأَدْبَارَ
لَمَّا لَا يُنْصَرُوْنَ(الحشر/١٢)

اگر آنها را بیرون کنند با آنان بیرون نمی‌روند، و اگر با آنها پیکار شود یاریشان خواهند کرد، و اگر یاریشان کنند پشت به میدان کرده فرار می‌کنند؛ سپس کسی آنان را یاری نمی‌کند!

دبير کسی که گذشته آن موضوع را می‌شناسد.

صحب

أَمْ لَهُمْ أَلِهَةُ تَمْنَعُهُمْ مِنْ دُونِنَا لَا يَسْتَطِيْعُونَ نَصْرًا أَنْفُسِهِمْ وَلَا هُمْ مِنَ
يَصْحَّبُوْنَ(الأنبياء/٤٣)

آیا آنها خدایانی دارند که می‌توانند در برابر ما از آنان دفاع کنند؟! (این خدایان ساختگی، حتی) نمی‌توانند خودشان را یاری دهند (تا چه رسد به دیگران)؛ و نه از ناحیه ما با نیرویی یاری می‌شوندا

صحاب اصحاب

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (البقرة/٣٩)

و کسانی که کافر شدند، و آیات ما را دروغ پنداشتند اهل دوزخند؛ و همیشه در آن خواهند بود.

بَلَى مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَخْطَاطَ بِهِ حَطِيَّتَهُ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (البقرة/٨١)

آری، کسانی که کسب گناه کنند، و آثار گناه، سراسر وجودشان را بپوشاند، آنها اهل آتشند؛ و جاودانه در آن خواهند بود.

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (البقرة/٨٢)

و آنها که ایمان آورده، و کارهای شایسته انجام داده‌اند، آنان اهل بهشتند؛ و همیشه در آن خواهند ماند.

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَا تُسْأَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ (البقرة/١١٩)
ما تو را به حق، برای بشارت و بیم دادن (مردم جهان) فرستادیم؛ و تو مسئول (گمراهی) دوزخیان (پس از ابلاغ رسالت) نیستی!

يَسَّالُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٌ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدٌ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ
وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا يَرَأُونَ
يَقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنْ اسْتَطَاعُوا وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيُمْتَنَّ وَهُوَ
كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبَطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا
خَالِدُونَ (البقرة/٢١٧)

از تو، در باره جنگ کردن در ماه حرام، سؤال می‌کنند؛ بگو: «جنگ در آن، (گناهی) بزرگ است؛ ولی جلوگیری از راه خدا (و گرایش مردم به آیین حق) و کفر ورزیدن نسبت به او و هتك احترام مسجد الحرام، و اخراج ساکنان آن، نزد خداوند مهمتر از آن است؛ و ایجاد فتنه، (و محیط نامساعد، که مردم را به کفر، تشویق و از ایمان

بازمی دارد) حتی از قتل بالاتر است. و مشرکان، پیوسته با شما می جنگند ، تا اگر بتوانند شما را از آیینتان برگردانند؛ ولی کسی که از آیینش برگردد ، و در حال کفر بمیرد، تمام اعمال نیک (گذشته) او، در دنیا و آخرت، برباد می رود؛ و آنان اهل دوز خند؛ و همیشه در آن خواهد بود.

الَّهُ وَلِيَ الَّذِينَ آمَنُوا يَخْرُجُهُمْ مِنَ الظُّلْمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولَئِكُمُ الظَّاغُوتُ
يَخْرُجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلْمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا
خَالِدُونَ (البقرة/۲۵۷)

خداؤند، ولی و سرپرست کسانی است که ایمان آورده‌اند؛ آنها را از ظلمتها، به سوی نور بیرون می‌برد. (اما) کسانی که کافر شدند، اولیای آنها طاغوتها هستند؛ که آنها را از

نور، به سوی ظلمتها بیرون می‌برند؛ آنها اهل آتشند و همیشه در آن خواهند ماند.
الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسْ ذَلِكَ
يَأْتِهِمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَخْلَقَ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةً مِنْ رَبِّهِ
فَأَنْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ غَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا
خَالِدُونَ (البقرة/۲۷۵)

کسانی که ربا می خورند، (در قیامت) برنمی خیزند مگر مانند کسی که بر اثر تماس شیطان، دیوانه شده (و نمی تواند تعادل خود را حفظ کند؛ گاهی زمین می خورد، گاهی پیا می خیزد). این، به خاطر آن است که گفتند: «داد و ستد هم مانند ربا است (و تفاوتی میان آن دو نیست.)» در حالی که خدا بیع را حلال کرده، و ربا را حرام! (زیرا فرق میان این دو، بسیار است). و اگر کسی اندرز الهی به او رسد، و (از رباخواری) خودداری کند، سودهایی که در سابق [= قبل از نزول حکم تحریم] به دست آورده، مال اوست؛ (و این حکم، گذشته را شامل نمی گردد؛) و کار او به خدا واگذار می شود؛ (و گذشته او را خواهد بخشید). اما کسانی که بازگردند (و بار دیگر مرتکب این گناه شوند)، اهل آتشند؛ و همیشه در آن می مانند.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِي عَنْهُمْ أُمُوَالُهُمْ وَلَا أُولَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا حَالِدُونَ (آل عمران/۱۱۶)

کسانی که کافر شدند، هرگز نمی‌توانند در پناه اموال و فرزندانشان، از مجازات خدا در امان بمانند! آنها اصحاب دوزخند؛ و جاودانه در آن خواهند ماند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ أَمِنُوا بِمَا نَرَكَنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلٍ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدُّهَا عَلَى أَدْبَارِهَا أَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعَنَّا أَصْحَابَ السَّبْتِ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا (النساء/۴۷)

ای کسانی که کتاب (خدا) به شما داده شدها به آنچه (بر پیامبر خود) نازل کردیم و هماهنگ با نشانه‌هایی است که با شمامت- ایمان بیاورید، پیش از آنکه صورتهایی را محظی نمی‌نماییم، سپس به پشت سر بازگردانیم، یا آنها را از رحمت خود دور سازیم، همان گونه که «اصحاب سبت» [= گروهی از تبهکاران بنی اسرائیل] را دور ساختیم؛ و فرمان خدا، در هر حال انجام شدنی است!

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَدَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ (المائدۃ/۱۰)
و کسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند، اهل دوزخند.

إِنَّى أَرِيدُ أَنْ تَبُوءَ إِيَّا ثُمَّيْ وَإِثْمِكَ فَتَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ وَذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ (المائدۃ/۲۹)

من می‌خواهم تو با گناه من و خودت (از این عمل) بازگردی (و بار هر دو گناه را به دوش کشی)؛ و از دوزخیان گردی. و همین است سزای ستمکاران!

وَالَّذِينَ كَمَرُوا وَكَدَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ (المائدۃ/۸۶)
و کسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند، همانها اهل دوزخند.

۲۸۱ قوم (علوم اجتماعی) در کلام الله

فَلْ أَنْدَعُوهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُنَا وَلَا يَضُرُّنَا وَتَرَدَ عَلَى أَعْقَابِنَا بَعْدَ إِذْ هَذَا نَا اللَّهُ كَالَّذِي
اسْتَهْوَتْهُ الشَّيَاطِينُ فِي الْأَرْضِ حَيْرَانَ لَهُ أَصْحَابٌ يَدْعُونَهُ إِلَى الْهُدَىٰ أَئْتَنَا قُلْ إِنَّ هَذِي
اللَّهُ هُوَ الْهُدَىٰ وَأَمْرَنَا لِنُسْلِمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ (الأَنْعَامَ/۷۱)

بغو: «آیا غیر از خدا، چیزی را بخوانیم (و عبادت کنیم) که نه سودی به حال مال دارد، نه زیانی؛ و (به این ترتیب)، به عقب برگردیم بعد از آنکه خداوند ما را هدایت کرده است؟! همانند کسی که بر اثر وسوسه‌های شیطان، در روی زمین راه را گم کرده، و سرگردان مانده است؛ در حالی که یارانی هم دارد که او را به هدایت دعوت می‌کنند (و می‌گویند): به سوی ما بیا!» بگو: «تنها هدایت خداوند، هدایت است؛ و ما دستور دادیم که تسلیم پروردگار عالمیان باشیم.

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا
خَالِدُونَ (الأعراف/۳۶)

و آنها که آیات ما را تکذیب کنند، و در برابر آن تکبر ورزند، اهل دوزخند؛ جاودانه در آن خواهند ماند.

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ
فِيهَا خَالِدُونَ (الأعراف/۴۲)

و کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند -البته هیچ کس را جز به اندازه تواناییش تکلیف نمی‌کنیم- آنها اهل بهشتند؛ و جاودانه در آن خواهند ماند.

وَنَادَى أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابَ النَّارِ أَنْ قُدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدْنَا رَبُّنَا حَقًّا فَهُلْ وَجَدْنُمْ مَا
وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا قَالُوا نَعَمْ فَأَذْنَ مُؤْذَنْ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ (الأعراف/۴۴)
و بهشتیان دوزخیان را صدا می‌زنند که: «آنچه را پروردگارمان به ما وعده داده بود، همه را حق یافتیم؛ آیا شما هم آنچه را پروردگارتان به شما وعده داده بود حق یافتید؟!» در این هنگام، ندادهندۀ‌ای در میان آنها ندا می‌دهد که: «لعنت خدا بر ستمگران باد!

وَبَيْهِمَا حِجَابٌ وَعَلَى الْأَغْرَافِ رِجَالٌ يَعْرُفُونَ كُلًا بِسِيمَاهُمْ وَنَادُوا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَمْ يَدْخُلُوهَا وَهُمْ يَطْمَعُونَ (الأعراف/٤٦)

و در میان آن دو [= بهشتیان و دوزخیان،] حجابی است؛ و بر «اعراف» مردانی هستند که هر یک از آن دو را از چهره‌شان می‌شناسند؛ و به بهشتیان صدا می‌زنند که: «درود بر شما باد!» اما داخل بهشت نمی‌شوند، در حالی که امید آن را دارند.

وَإِذَا صُرِفتُ أَبْصَارُهُمْ تِلْقَاءَ أَصْحَابِ النَّارِ قَالُوا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (الأعراف/٤٧)

و هنگامی که چشم‌شان به دوزخیان می‌افتد می‌گویند: «پروردگار! ما را با گروه ستمنگران قرار مده!»

وَنَادَى أَصْحَابُ الْأَغْرَافِ رِجَالًا يَعْرُفُونَهُمْ بِسِيمَاهُمْ قَالُوا مَا أَغْنَى عَنْكُمْ جَمْعُكُمْ وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَكِبُرُونَ (الأعراف/٤٨)

و اصحاب اعراف، مردانی (از دوزخیان را) که از سیمایشان آنها را می‌شناسند، صدا می‌زنند و می‌گویند: «(دیدید که) گردآوری شما (از مال و ثروت و آن و فرزند) و تکبرهای شما، به حالتان سودی نداد!»

وَنَادَى أَصْحَابُ النَّارِ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ أَفِيضُوا عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ أَوْ مِمَّا رَزَقْنَاهُ اللَّهُ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَهُمَا عَلَى الْكَافِرِينَ (الأعراف/٥٠)

و دوزخیان، بهشتیان را صدا می‌زنند که: «(محبت کنید) و مقداری آب، یا از آنچه خدا به شما روزی داده، به ما ببخشید!» آنها (در پاسخ) می‌گویند: «خداوند اینها را بر کافران حرام کرده است!»

أَلَمْ يَأْتِهِمْ بَأْذِنِنَا مِنْ قَبْلِهِمْ قَوْمٌ نُوحٌ وَعَادٍ وَثَمُودٍ وَقَوْمٌ إِبْرَاهِيمَ وَأَصْحَابِ مَدْيَنَ وَالْمُؤْتَنِفَاتِ أَتَهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنفَسَهُمْ يَظْلِمُونَ (التوبه/٧٠)

آیا خبر کسانی که پیش از آنها بودند، به آنان نرسیده است؟! «قوم نوح» و «عاد» و «ثمود» و «قوم ابراهیم» و «اصحاب مدین» [= قوم شعیب] و «شهرهای زیر و رو شده» [= قوم لوطاً؛ پیامبرانشان دلایل روشن برای آنان آوردند، (ولی نپذیرفتند؛ خداوند به آنها ستم نکرد، اما خودشان بر خویشتن ستم می‌کرند!]

ما كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُسْرِكِينَ وَأَنُوْ كَانُوا أُولَى قُرْبَى مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ (التوبه/١٤٣)

برای پیامبر و مؤمنان، شایسته نبود که برای مشرکان (از خداوند) طلب آمرزش کنند، هر چند از نزدیکانشان باشند؛ (آن هم) پس از آنکه بر آنها روشن شد که این گروه، اهل دوزخند!

لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَى وَزِيَادَةً وَلَا يَرْهُقُ وُجُوهُهُمْ قَتْرٌ وَلَا ذِلَّةٌ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا حَالِدُونَ (يونس/٢٦)

کسانی که نیکی کردن، پاداش نیک و افزون بر آن دارند؛ و تاریکی و ذلت، چهره‌هایشان را نمی‌پوشاند؛ آنها اهل بهشتند، و جاودانه در آن خواهند ماند. وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَرَاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا وَتَرْهُقُهُمْ ذِلَّةٌ مَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ غَاصِمٍ كَانُوا أَعْشَيْتُ وُجُوهُهُمْ قِطْعًا مِنَ اللَّيْلِ مُظْلِمًا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا حَالِدُونَ (يونس/٢٧)

اما کسانی که مرتكب گناهان شدند، جزای بدی بمقدار آن دارند؛ و ذلت و خواری، چهره آنان را می‌پوشاند؛ و هیچ چیز نمی‌تواند آنها را از (مجازات) خدا نگه دارد! (چهره‌هایشان آنچنان تاریک است که) گویی با پاره‌هایی از شب تاریک، صورت آنها پوشیده شده! آنها اهل دوزخند؛ و جاودانه در آن خواهند ماند!

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَخْبَتُوا إِلَى رَبِّهِمْ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا حَالِدُونَ (هود/٢٣)

کسانی که ایمان آوردن و کارهای شایسته انجام دادند و در برابر پروردگارشان خصوص

و خشوع کردند، آنها اهل بهشتند؛ و جاودانه در آن خواهند ماند!

وَإِنْ تَعْجَبْ فَعَجَبْ قُولُهُمْ إِذَا كُنَّا تُرَابًا إِنَّا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ

وَأُولَئِكَ الْأَغْلَالُ فِي أَغْنَاقِهِمْ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (الرعد/۵)

و اگر (از چیزی) تعجب می کنی، عجیب گفتار آنهاست که می گویند: «آیا هنگامی که

ما خاک شدیم، (بار دیگر زنده می شویم و) به خلقت جدیدی بازمی گردیم؟!» آنها

کسانی هستند که به پروردگارشان کافر شده‌اند؛ و آنان غل و زنجیرها در گردنشان

است؛ و آنها اهل دوزخند، و جاودانه در آن خواهند ماند!

وَإِنْ كَانَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ لَظَاهِلِيْمِ (الحجر/۷۸)

«اصحاب الأیکه» [= صاحبان سرزمینهای پردرخت = قوم شعیب] مسلماً قوم ستمنگری

بودند!

وَلَقَدْ كَذَبَ أَصْحَابُ الْحِجْرِ الْمُرْسَلِيْنَ (الحجر/۸۰)

و «اصحاب حجر» [= قوم ثمود] پیامبران را تکذیب کردند!

أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا (الكهف/۹)

آیا گمان کردی اصحاب کهف و رقیم از آیات عجیب ما بودند؟!

فَلْ كُلُّ مُتَرَبِّصٍ فَتَرَبَّصُوا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصَّرَاطِ السُّوِّيِّ وَمَنْ

اهْتَدَى (طه/۱۳۵)

بگو: «همه (ما و شما) در انتظاریم! (ما در انتظار عدد پیروزی، و شما در انتظار

شکست ما!) حال که چنین است، انتظار بکشید! اما بزودی می‌دانید چه کسی از

اصحاب صراط مستقیم، و چه کسی هدایت یافته است!

وَأَصْحَابُ مَذْيَنَ وَكُذَّبَ مُوسَى فَأَمْلَيْتَ لِلْكَافِرِينَ ثُمَّ أَخْذَتُهُمْ فَكَيْفَةَ كَانَ

نَكِيرٌ (الحج/۴۴)

و اصحاب مدین (قوم شعیب)؛ و نیز موسی (از سوی فرعونیان) تکذیب شد؛ اما من به کافران مهلت دادم، سپس آنها را مجازات کردم. دیدی چگونه (عمل آنها را) انکار نمودم (و چگونه به آنان پاسخ گفتم)؟!

وَالَّذِينَ سَعَوا فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أَوْلَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ(الحج/٥١)

و آنها که در (محو) آیات ما تلاش کردند، و چنین می‌پنداشتند که می‌توانند بر اراده حتمی ما غالب شوند، اصحاب دوز خند!»

أَصْحَابُ الْجَنَّةِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مُسْتَقْرًا وَأَحْسَنُ مَقِيلًا(الفرقان/٢٤)

بهشتیان در آن روز قرارگاهشان از همه بهتر، و استراحتگاهشان نیکوتر است!

وَعَادًا وَثَمُودًا وَأَصْحَابَ الرَّسْوَنِ وَقُرُونًا بَيْنَ ذَلِكَ كَثِيرًا(الفرقان/٣٨)

(همچنین) قوم عاد و ثمود و اصحاب الرسن [= گروهی که درختان صنوبر را می‌پرستیدند] و اقوام بسیار دیگری را که در این میان بودند، هلاک کردیم!

فَلَمَّا تَرَاهُ الْجَمِيعَانِ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَى إِنَّا لَمُدْرَكُونَ(الشعراء/٦١)

هنگامی که دو گروه یکدیگر را دیدند، یاران موسی گفتند: «ما در چنگال فرعونیان گرفتار شدیم!»

كَذَبَ أَصْحَابُ الْأُيُكَةِ الْمُرْسَلِينَ(الشعراء/١٧٦)

اصحاب ایکه [= شهری نزدیک مدین] رسولان (خدا) را تکذیب کردند،

فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَصْحَابَ السَّفِينَةِ وَجَعَلْنَاهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ(العنکبوت/١٥)

ما او و سرنشینان کشتی را رهایی بخشیدیم، و آن را آیتی برای جهانیان قرار دادیم! **إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًا إِنَّمَا يَدْعُو حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ**

السَّعَيْرِ(فاطر/٤)

البته شیطان دشمن شماست، پس او را دشمن بدانید؛ او فقط حزبیش را به این دعوت می‌کند که اهل آتش سوزان (جهنم) باشند!

وَاضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا أَصْحَابَ الْفَرِيْدَةِ إِذْ جَاءُهُمَا الْمُرْسَلُونَ(یس/۱۳)

و برای آنها، اصحاب قریه (انطاکیه) را مثال بزن هنگامی که فرستادگان خدا به سوی آنان آمدند؛

إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغْلٍ فَاكِهُونَ(یس/۵۵)

بهشتیان، امروز به نعمت‌های خدا مشغول و مسرورند.

وَتَمُودُ وَقَوْمٌ لُوطٌ وَأَصْحَابُ الْأَيَكَةِ أَوْلَئِكَ الْأَحْزَابُ(ص/۱۳)

و (نیز) قوم ثمود و لوط و اصحاب الأیکه [= قوم شعیب]، اینها احزابی بودند (که به تکذیب پیامبران برخاستند)؛

وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا خَوَلَهُ نِعْمَةً مِنْهُ نَسِيَ مَا كَانَ يَدْعُو إِلَيْهِ مِنْ قَبْلٍ وَجَعَلَ لِلَّهِ أَنْدَادًا لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا إِنَّكَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ(الزمیر/۸)

هنگامی که انسان را زیانی رسد، پروردگار خود را می‌خواند و بسوی او باز می‌گردد؛ اما هنگامی که نعمتی از خود به او عطا کند، آنچه را به خاطر آن قبلًا خدا را می‌خواند از یاد می‌برد و برای خداوند همتایانی قرارمی‌دهد تا مردم را از راه او منحرف سازد؛ بگو: «چند روزی از کفرت بهره‌گیر که از دوزخیانی!»

وَكَذَلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ أَصْحَابُ النَّارِ(غافر/۶)

و این گونه فرمان پروردگارت درباره کسانی که کافر شدند مسلم شده که آنها همه اهل آتشند!

لَا جَرَمَ أَنَّمَا تَدْعُونَنِي إِلَيْهِ لَيْسَ لَهُ دَعْوَةٌ فِي الدُّنْيَا وَلَا فِي الْآخِرَةِ وَأَنَّ مَرَدَّنَا إِلَى اللَّهِ وَأَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ(غافر/۴۳)

قطعاً آنچه مرا بسوی آن می‌خوانید، نه دعوت (و حاکمیتی) در دنیا دارد و نه در آخرت؛ و تنها بازگشت ما در قیامت بسوی خداست؛ و مسروfan اهل آتشند!

أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا جَزَاءٌ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ(الأحقاف/۱۴)

آنها اهل بهشتند و جاودانه در آن می‌مانند؛ این پاداش اعمالی است که انجام می‌دادند.

أُولَئِكَ الَّذِينَ نَتَقَبَّلُ عَنْهُمْ أَخْسَنَ مَا عَمِلُوا وَنَتَجَاوِرُ عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ فی **أَصْحَابِ**

الْجَنَّةِ وَعَدْ الصَّدِيقِ الَّذِي كَانُوا يَوْعَدُونَ(الأحقاف/۱۶)

آنها کسانی هستند که ما بهترین اعمالشان را قبول می‌کنیم و از گناهانشان می‌گذریم و در میان بهشتیان جای دارند؛ این وعده راستی است که وعده داده می‌شدند.

كَذَّبُتْ قَبْلُهُمْ قَوْمٌ نُوحٌ وَأَصْحَابُ الرَّسُّ وَثَمُودٌ(ق/۱۲)

پیش از آنان قوم نوح و «اصحاب الرس» [= قومی که در یمامه زندگی می‌کردند و پیامبری به نام حنظله داشتند] و قوم ثمود (پیامبرانشان را) تکذیب کردند،

وَأَصْحَابُ الْأَيْكَهِ وَقَوْمُ تَبَّعٍ كُلُّ كَذَّبَ الرَّسُّلَ فَحَقَّ وَعِيدٌ(ق/۱۴)

و «اصحاب الايكه» [= قوم شعیب] و قوم تبع (که در سرزمین یمن زندگی می‌کردند)، هر یک از آنها فرستادگان الهی را تکذیب کردند و وعده عذاب درباره آنان تحقق یافت!

فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُنُوبًا مِثْلَ ذُنُوبِ أَصْحَابِهِمْ فَلَا يُسْتَغْلِلُونَ(الذاريات/۵۹)

و برای کسانی که ستم کردند، سهم بزرگی از عذاب است همانند سهم یارانشان (از اقوام ستمگر پیشین)، بنابر این عجله نکنند!

فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ(الواقعة/۸)

(نخست) سعادتمندان و خجستگان (هستند)، چه سعادتمندان و خجستگانی!

وَأَصْحَابُ الْمَسَأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَسَأَمَةِ(الواقعة/۹)

گروه دیگر شقاوتمندان و شومانند، چه شقاوتمندان و شومانی!

وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ(الواقعة/۲۷)

و اصحاب یمین و خجستگان، چه اصحاب یمین و خجستگانی!

لِأَصْحَابِ الْيَمِينِ(الواقعة/۳۸)

اینها همه برای اصحاب یمین است،

وَاصْحَابُ الشَّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشَّمَالِ (الواقعة/٤١)

و اصحاب شمال، چه اصحاب شمالی (که نامه اعمالشان به نشانه جرمشان به دست چپ آنها داده می شود)!

وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ (الواقعة/٩٠)

اما اگر از اصحاب یمین باشد،

فَسَلَامٌ لَكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ (الواقعة/٩١)

(به او گفته می شود): سلام بر تو از سوی دوستانت که از اصحاب یمینند!

وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّدِيقُونَ وَالشَّهِدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ أَجْرُهُمْ وَتُورُهُمْ
وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ (الحديد/١٩)

کسانی که به خدا و رسولاش ایمان آوردند، آنها صدیقین و شهدا نزد پروردگارشانند؛ برای آنان است پاداش (اعمال)شان و نور (ایمان)شان؛ و کسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند، آنها دوزخیانند.

لَنْ تُغْنِي عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أُولَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْءًا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا
خَالِدُونَ (المجادلة/١٧)

هرگز اموال و اولادشان آنها را از عذاب الهی حفظ نمی کند؛ آنها اهل آتشند و جاودانه در آن می مانند!

لَا يَسْتُوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفَائزُونَ (الحشر/٢٠)

هرگز دوزخیان و بهشتیان یکسان نیستند؛ اصحاب بهشت رستگار و پیروزند!
یا ایها الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا عَضِيبَ اللَّهِ عَلَيْهِمْ قَدْ يَئِسُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَئِسَ
الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُوْرِ (المتحنة/١٣)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! با قومی که خداوند آنان را مورد غضب قرار داده دوستی نکنید؛ آنان از آخرت مأیوسند همان‌گونه که کفار مدفون در قبرها مأیوس می‌باشند!

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا وَبِئْسٌ الْمَصِيرُ(التغابن/ ۱۰)

اما کسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند اصحاب دوزخند، جاودانه در آن می‌مانند، و (سرانجام آنها) سرانجام بدی است!

وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أُو نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ(الملک/ ۱۰)

و می‌گویند: «اگر ما گوش شنوا داشتیم یا تعقل می‌کردیم، در میان دوزخیان نبودیم!»

فَاعْتَرَفُوا بِذَنِبِهِمْ فَسُحْقًا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ(الملک/ ۱۱)

اینجاست که به گناه خود اعتراف می‌کنند؛ دور باشند دوزخیان از رحمت خدا!!

إِنَّا بِلَوْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا لِيَصْرِمُنَّا مُصْبِحِينَ(القلم/ ۱۷)

ما آنها را آزمودیم، همان‌گونه که «صاحبان باغ» را آزمایش کردیم، هنگامی که سوگند یاد کردند که میوه‌های باغ را صبحگاهان (دور از چشم مستمندان) بچینند.

وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَقِيقُنَّ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ وَبِزُدَادِ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا وَلَا يُرْتَابَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ وَالْمُؤْمِنُونَ وَلِيَقُولُ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْكَافِرُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهِمَا مَثَلًا كَذِلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يُشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يُشَاءُ وَمَا يَعْلَمُ جُنُودُ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرًا لِلْبَشَرِ(المدثر/ ۳۱)

مأموران دوزخ را فقط فرشتگان (عداب) قرار دادیم، و تعداد آنها را جز برای آزمایش کافران معین نکردیم تا اهل کتاب [= یهود و نصاری] یقین پیدا کنند و بر ایمان مؤمنان بیفزاید، و اهل کتاب و مؤمنان (در حقانیت این کتاب آسمانی) تردید به خود راه ندهند، و بیماردلان و کافران بگویند: «خدا از این توصیف چه منظوری دارد؟!» آری) این گونه خداوند هر کس را بخواهد گمراه می‌سازد و هر کس را بخواهد هدایت

می‌کندا و لشکریان پروردگارت را جز او کسی نمی‌داند، و این جز هشدار و تذکری برای انسانها نیست!

إِلَّا أَصْحَابُ الْيَمِينِ (المدثر/٣٩)

مگر «اصحاب یمین» (که نامه اعمالشان را به نشانه ایمان و تقویاشان به دست راستشان می‌دهند)!

قُتِلَ أَصْحَابُ الْأَخْدُودِ (البروج/٤)

مرگ بر شکنجه‌گران صاحب گودال (آتش)،

أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ (البلد/١٨)

آنها «اصحاب اليمين»‌اند (که نامه اعمالشان را به دست راستشان می‌دهند)!

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشَأْمَةِ (البلد/١٩)

و کسانی که آیات ما را انکار کرده‌اند افرادی شومند (که نامه اعمالشان به دست چپشان داده می‌شود).

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّمَا تَرَكَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ (الفيل/١)

آیا ندیدی پروردگارت با فیل سواران [= لشکر ایرنه که برای نابودی کعبه آمده بودند] چه کرد؟!

صاحب

وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدِينِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ
وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَى وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنْبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ
إِنَّ اللَّهَ لَا يِحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا (النساء/٣٦)

و خدا را بپرستید! و هیچ چیز را همتای او قرار ندهید! و به پدر و مادر، نیکی کنید؛ همچنین به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان، و همسایه نزدیک، و همسایه دور، و دوست و همنشین، و امандگان در سفر، و بردگانی که مالک آنها هستید؛ زیرا خداوند، کسی را که متکبر و فخر فروش است، (واز ادای حقوق دیگران سرباز می‌زند)، دوست نمی‌دارد.

بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنَّى يَكُونُ لَهُ وَلَدٌ وَلَمْ تَكُنْ لَهُ صَاحِبَةٌ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (الأنعم / ۱۰۱)

او پدید آورنده آسمانها و زمین است؛ چگونه ممکن است فرزندی داشته باشد؟! حال آنکه همسری نداشته، و همه چیز را آفریده؛ و او به همه چیز داناست.

أَوْلَمْ يَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِهِمْ مِنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ (الأعراف / ۱۸۴)

آیا فکر نکرند که همنشین آنها [= پیامبر] هیچ گونه (اثری از) جنون ندارد؟! (پس چگونه چنین نسبت ناروایی به او می‌دهند؟!) او فقط بیم دهنده آشکاری است (که مردم را متوجه وظایفشان می‌سازد).

إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيَ اثْتَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَخْرُنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سُكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيْدَهُ بِجُنُودِ لَمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (التوبه / ۴۰)

اگر او را یاری نکنید، خداوند او را یاری کرد؛ (و در مشکلترين ساعات، او را تنها نگذاشت؛) آن هنگام که کافران او را (از مکه) بیرون کردند، در حالی که دومین نفر بود (و یک نفر بیشتر همراه نداشت)؛ در آن هنگام که آن دو در غار بودند، و او به همراه خود می‌گفت: «غم مخور، خدا با ماست!» در این موقع، خداوند سکینه (و آرامش) خود را بر او فرستاد؛ و با لشکرهایی که مشاهده نمی‌کردید، او را تقویت نمود؛ و گفتار (و هدف) کافران را پایین قرار داد، (و آنها را با شکست مواجه ساخت)؛ و سخن خدا (و آیین او)، بالا (و پیروز) است؛ و خداوند عزیز و حکیم است!

يَا صَاحِبَيِ السُّجْنِ أَرْبَابُ مُتَفَرِّقُونَ حَيْرٌ أَمِ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ(یوسف/۳۹)

ای دوستان زندانی من! آیا خدایان پراکنده بهترند، یا خداوند یکتای پیروز؟!

يَا صَاحِبَيِ السُّجْنِ أَمَا أَحَدُكُمَا فَيَسْقِي رَبَّهُ خَمْرًا وَأَمَا الْآخَرُ فَيَصْلَبُ فَتَأْكُلُ الطَّيْرُ

مِنْ رَأْسِهِ قُضِيَ الْأَمْرُ الَّذِي فِيهِ تَسْفِيتِيَانِ(یوسف/۴۱)

ای دوستان زندانی من! اما یکی از شما (دو نفر، آزاد می‌شود؛ و) ساقی شراب برای صاحب خود خواهد شد؛ و اما دیگری به دار آویخته می‌شود؛ و پرندگان از سر او می‌خورند! و مطلبی که درباره آن (از من) نظر خواستید، قطعی و حتمی است!»

وَكَانَ لَهُ ثَمَرٌ فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَهُوَ يَحَاوِرُهُ أَنَا أَكْثُرُ مِنْكَ مَالًا وَأَغْرُّ نَفَرًا(الکهف/۳۴)

صاحب این باغ، درآمد فراوانی داشت؛ به همین جهت، به دوستش -در حالی که با او گفتگو می‌کرد- چنین گفت: «من از نظر ثروت از تو برتر، و از نظر نفرات نیرومندترم!»
قالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَمَنْوَ يَحَاوِرُهُ أَكْفَرْتُ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّاكَ رَجْلًا(الکهف/۳۷)

دوست (با ایمان) وی -در حالی که با او گفتگو می‌کرد- گفت: «آیا به خدایی که تو را از خاک، و سپس از نطفه آفرید، و پس از آن تو را مرد کاملی قرار داد، کافر شدی؟!
قالَ إِنْ سَائِلُكَ عَنْ شَيْءٍ بَعْدَهَا فَلَا تُصَاحِبِنِي ۝ قَدْ بَلَغْتَ مِنْ لَدْنِي غُدْرًا(الکهف/۷۶)

(موسی) گفت: «بعد از این اگر درباره چیزی از تو سوال کردم، دیگر با من همراهی نکن؛ (زیرا) از سوی من معدور خواهی بود!»

وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلَى أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطْعِهُمَا وَصَاحِبِهِمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَاتَّبَعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَى ثُمَّ إِلَى مَرْجِعِكُمْ فَأَنْبَئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ(القمان/۱۵)

و هرگاه آن دو، تلاش کنند که تو چیزی را همتای من قرار دهی، که از آن آگاهی نداری (بلکه می‌دانی باطل است)، از ایشان اطاعت مکن، ولی با آن دو، در دنیا به طرز شایسته‌ای رفتار کن؛ و از راه کسانی پیروی کن که توبه‌کنان به سوی من آمدۀ‌اند؛

سپس بازگشت همه شما به سوی من است و من شما را از آنچه عمل می‌کردید آگاه می‌کنم.

فَلِإِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِواحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَى وَفَرَادَى ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَكُمْ بَيْنَ يَدِي عَذَابٍ شَدِيدٍ(سبأ/٤٦)

بغو: «شما را تنها به یک چیز اندرز می‌دهم، و آن اینکه: دو نفر دو نفر یا یک نفر یک نفر برای خدا قیام کنید، سپس بیندیشید این دوست و همنشین شما [= محمد] هیچ گونه جنونی ندارد؛ او فقط بیمدهنده شما در برابر عذاب شدید (الله) است!»

مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَّى(النجم/٢)

که هرگز دوست شما [= محمد «ص»] منحرف نشده و مقصد را گم نکرده است، فَنَادُوا صَاحِبَهُمْ فَتَغَطَّى فَعَقَرَ(القمر/٢٩)

آنها یکی از یاران خود را صدا زدند، او به سراغ این کار آمد و (ناقه را) پی کرد! فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْحُوتِ إِذْ نَادَى وَهُوَ مَكْفُظُومٌ(القلم/٤٨) اکنون که چنین است صیر کن و منتظر فرمان پروردگارت باش، و مانند صاحب ماهی [= یونس] مباش (که در تقاضای مجازات قومش عجله کرد و گرفتار مجازات ترک اوی شد) در آن زمان که با نهایت اندوه خدا را خواند.

وَصَاحِبِتِهِ وَأَخِيهِ(المعارج/١٢)

و همسر و برادرش را،

وَأَنَّهُ تَعَالَى جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّحَدَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا(الجن/٣)

و اینکه بلند است مقام باعظمت پروردگار ما، و هرگز برای خود همسر و فرزندی انتخاب نکرده است!

وَصَاحِبِتِهِ وَبَنِيهِ(عبس/٣٦)

و زن و فرزندانش؛

وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ (التكوير/۲۲)

و مصاحب شما [= پیامبر] دیوانه نیست!

آل

وَإِذْ نَحْيَنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يَذْبَحُونَ أَنْتَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ (البقرة/۴۹)

و (نیز به یاد آورید) آن زمان که شما را از چنگال فرعونیان رهایی بخشیدیم؛ که همواره شما را به بدترین صورت آزار می‌دادند: پسران شما را سر می‌بریدند؛ و زنان شما را (برای کنیزی) زنده نگه می‌داشتند. و در اینها، آزمایش بزرگی از طرف پروردگارتان برای شما بود.

وَإِذْ فَرَقْنَا بَكُمُ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْنَاكُمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ (البقرة/۵۰)

و (به خاطر بیاورید) هنگامی را که دریا را برای شما شکافتیم؛ و شما را نجات دادیم؛ و فرعونیان را غرق ساختیم؛ در حالی که شما تماشا می‌کردید.

وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَى وَآلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (البقرة/۲۴۸)

و پیامبران به آنها گفت: «نشانه حکومت او، این است که (*صندوق عهد*) به سوی شما خواهد آمد. (همان صندوقی که) در آن، آرامشی از پروردگار شما، و یادگارهای خاندان موسی و هارون قرار دارد؛ در حالی که فرشتگان، آن را حمل می‌کنند. در این موضوع، نشانه‌ای (روشن) برای شمامست؛ اگر ایمان داشته باشد.»

کَدَأْبٍ آلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا فَأَخْذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ (آل عمران/۱۱)

(عادت آنان در انکار و تحریف حقایق)، همچون عادت آل فرعون و کسانی است که پیش از آنها بودند؛ آیات ما را تکذیب کردند، و خداوند آنها را به (کیفر) گناهانشان گرفت؛ و خداوند، شدید العقاب است.

إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ (آل عمران/۳۳)

خداوند، آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان برتری داد.

أُمْ يَحْسِدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا أَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ أَتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا (النساء/۵۴)

یا اینکه نسبت به مردم [= پیامبر و خاندانش]، و بر آنچه خدا از فضلش به آنان بخشدیده، حسد می‌ورزند؟ ما به آل ابراهیم، (که یهود از خاندان او هستند نیز)، کتاب و حکمت دادیم؛ و حکومت عظیمی در اختیار آنها [= پیامبران بنی اسرائیل] قرار دادیم.

وَلَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسَّيِّنَ وَنَقْصٍ مِنَ الشَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ (الأعراف/۱۳۰)
و ما نزدیکان فرعون (و قوم او) را به خشکسالی و کمبود میوه‌ها گرفتار کردیم، شاید متذکر گردد!

وَإِذْ أَنْجَيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يَقْتَلُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيِيْنَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ (الأعراف/۱۴۱)

(به خاطر بیاورید) زمانی را که از (چنگال) فرعونیان نجاتتان بخشدیدیم! آنها که پیوسته شما را شکنجه می‌دادند، پسرانتان را می‌کشتد، و زنانتان را (برای خدمتگاری) زنده می‌گذاشتند؛ و در این، آزمایش بزرگی از سوی خدا برای شما بود.

كَدَأْبٍ آلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ فَأَخْذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌ شَدِيدُ الْعِقَابِ (الأنفال/۵۲)

(حال این گروه مشرکان)، همانند حال نزدیکان فرعون، و کسانی است که پیش از آنان بودند؛ آنها آیات خدا را انکار کردند؛ خداوند هم آنان را به گناهانشان کیفر داد؛ خداوند قوی، و کیفرش شدید است

**كَذَّابٌ أَلِّيْرُعَونَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ فَأُهْلَكُنَا هُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَغْرَقُنَا
آلَ فِرْعَوْنَ وَكُلُّ كَانُوا ظَالِمِينَ** (الأنفال/۵۴)

این، (درست) شبیه (حال) فرعونیان و کسانی است که پیش از آنها بودند؛ آیات پروردگارشان را تکذیب کردند؛ ما هم بخارط گناهانشان، آنها را هلاک کردیم، و فرعونیان را غرق نمودیم؛ و همه آنها ظالم (و ستمگر) بودند!

**وَكَذَّلَكَ يَخْتَبِيكَ رَبُّكَ وَيَعْلَمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَخْادِيثِ وَيَتَمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَعَلَى آلِ
يَعْقُوبَ كَمَا أَتَمَّهَا عَلَى أَبْوَيْكَ مِنْ قَبْلٍ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبَّكَ عَلِيمٌ
حَكِيمٌ** (یوسف/۶)

و این گونه پروردگارت تو را برمی گزیند؛ و از تعبیر خوابها به تو می آموزد؛ و نعمتش را بر تو و بر خاندان یعقوب تمام و کامل می کند، همان گونه که پیش از این، بر پدرانت ابراهیم و اسحاق تمام کرد؛ به یقین، پروردگار تو دانا و حکیم است!»

**وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ أَنْجَاكُمْ مِنْ آلَ فِرْعَوْنَ يَسُوءُنَّكُمْ
سُوءَ الْعَذَابِ وَيَدْبَحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيِونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذِلِّكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ
عَظِيمٌ** (الإبراهیم/۶)

و (به خاطر بیاور) هنگامی را که موسی به قومش گفت: «نعمت خدا را بر خود به یاد داشته باشید، زمانی که شما را از (چنگال) آل فرعون رهایی بخشیدا همانها که شما را به بدترین وجهی عذاب می کردند، پسرانتان را سر می بردند، و زنانتان را (برای خدمتگاری) زنده می گذاشتند؛ و در این، آزمایش بزرگی از طرف پروردگارتان برای شما بود!»

إِلَّا آلَ لُوطٍ إِنَّا لَمُنْجُوْهُمْ أَجْمَعِينَ (الحجر/۵۹)

مگر خاندان لوط، که همگی آنها را نجات خواهیم داد...

فَلَمَّا جَاءَ آلَ لُوطٍ الْمُرْسَلُونَ (الحجر/٦١)

هنگامی که فرستادگان (خدا) به سراغ خاندان لوط آمدند...

بِرِّئْشِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ وَاجْعَلْهُ رَبَّ رَضِيَا (مریم/٤)

که وارث من و دودمان یعقوب باشد؛ و او را مورد رضایت قرار ده!»

فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوهَا آلَ لُوطٍ مِنْ قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أَنَاسٌ

يَتَطَهَّرُونَ (النمل/٥٦)

آنها پاسخی جز این نداشتند که (به یکدیگر) گفتند: «خاندان لوط را از شهر و دیار

خود ببرون کنید، که اینها افرادی پاکدامن هستند!»

فَأَلْتَقَطْهُ آلُ فِرْعَوْنَ لِيَكُونَ لَهُمْ عَذْوًا وَحَزْنًا إِنَّ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا كَانُوا

خَاطِئِينَ (القصص/٨)

(هنگامی که مادر بفرمان خدا او را به دریا افکند) خاندان فرعون او را از آب گرفتند، تا

سرانجام دشمن آنان و مایه اندوهشان گردد! مسلمان فرعون و هامان و لشکریانشان

خطاکار بودند.

يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِيبَ وَتَمَاثِيلَ وَجَفَانِ كَالْجَوَابِ وَقُدُورِ رَاسِيَاتِ اغْمَلُوا آلَ

دَاؤُودَ شُكْرًا وَقَلِيلًا مِنْ عِبَادِي الشَّكُورُ (سبأ/١٣)

آنها هر چه سليمان می خواست برایش درست می کردند: معبدها، تمثالها، ظروف بزرگ

غذا همانند حوضها، و دیگهای ثابت (که از بزرگی قابل حمل و نقل نبود؛ و به آنان

گفتیم): ای آل داودا شکر (این همه نعمت را) بجا آورید؛ ولی عده کمی از بندگان

من شکرگزارند!

وَقَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَتَقْتَلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَقَدْ

جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ وَإِنْ يُكَادِيْ فَعَلِيهِ كَذِيْهُ وَإِنْ يُكَادِيْ صَادِقًا يَصْبِكُمْ بَعْضُ الَّذِي

يَعِدُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَابٌ (غافر/٢٨)

و مرد مؤمنی از آل فرعون که ایمان خود را پنهان می‌داشت گفت: «آیا می‌خواهید مردی را بکشید بخاطر اینکه می‌گوید: پروردگار من «الله» است، در حالی که دلایل روشنی از سوی پروردگارتان برای شما آورده است؟! اگر دروغگو باشد، دروغش دامن خودش را خواهد گرفت؛ و اگر راستگو باشد، (لااقل) بعضی از عذابهای را که وعده می‌دهد به شما خواهد رسید؛ خداوند کسی را که اسرافکار و بسیار دروغگوست هدایت نمی‌کند.

فَوَقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتٍ مَا مَكَرُوا وَحَاقَ بِآلِ فِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ(غافر/٤٥)

خداآوند او را از نقشه‌های سوء آنها نگه داشت، و عذاب شدید بر آل فرعون وارد شد!
النَّارُ يَعْرَضُونَ عَلَيْهَا عَذُولًا وَعَشِيشًا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَذْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ(غافر/٤٦)

عذاب آنها آتش است که هر صبح و شام بر آن عرضه می‌شوند؛ و روزی که قیامت برپا شود (می‌فرماید): «آل فرعون را در سخت‌ترین عذابها وارد کنید!»

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَاصِبًا إِلَّا آلَ لُوطٍ نَجَّيْنَاهُمْ بِسَخْرٍ(القمر/٣٤)

ما بر آنها تنببدادی که ریگها را به حرکت درمی‌آورد فرستادیم (و همه را هلاک کردیم)، جز خاندان لوط را که سحرگاهان نجاتشان دادیم!

وَلَقَدْ جَاءَ آلَ فِرْعَوْنَ النُّذْرُ(القمر/٤١)

و (همچنین) انذارها و هشدارها (یکی پس از دیگری) به سراغ آل فرعون آمد،

قوم در کلام الله

رهط

قَالُوا يَا شُعِيبُ مَا نَفْقَهُ كَثِيرًا مِمَّا تَقُولُ إِنَّا لَنَرَاكَ فِينَا ضَعِيفًا وَلَوْلَا رَهْطُكَ لَرَجَمْنَاكَ وَمَا أُنْتَ عَلَيْنَا بِغَزِيزٍ(هود/۹۱)

گفتند: «ای شعیب! بسیاری از آنچه را می‌گویی، ما نمی‌فهمیم! و ما تو را در میان خود، ضعیف می‌یابیم؛ و اگر (بخاطر) قبیله کوچکت نبود، تو را سنگسار می‌کردیم؛ و تو در برابر ما قادری نداری!»

قَالَ يَا قَوْمِ أَرْهَطِي أَغْرِ عَلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَاتَّحَدُّمُهُ وَرَاءَكُمْ ظَهِيرًا إِنَّ رَبِّي بِمَا تَعْمَلُونَ مُحِيطٌ(هود/۹۲)

گفت: «ای قوم! آیا قبیله کوچک من، نزد شما عزیزتر از خداوند است؟! در حالی که (فرمان) او را پشت سر انداخته‌اید! پروردگارم به آنچه انجام می‌دهید، احاطه دارد (و آگاه است)!

وَكَانَ فِي الْمَدِيْنَةِ تِسْعَةُ رَهْطٍ يَفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يَصْلِحُونَ(النمل/۴۸)

و در آن شهر، نه گروهک بودند که در زمین فساد می‌کردند و اصلاح نمی‌کردند.

مواطن

لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنٍ كَثِيرَةٍ وَبِوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَغْجَبَتُكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحَبَتْ ثُمَّ وَلَيْسُ مُدْبِرِينَ(التوبه/۲۵)

خداوند شما را در جاهای زیادی یاری کرد (و بر دشمن پیروز شدید)؛ و در روز حنین (نیز یاری نمود)، در آن هنگام که فزونی جمعیتتان شما را مغروم ساخت، ولی (این فزونی جمعیت) هیچ به دردتان نخورد و زمین با همه وسعتش بر شما تنگ شده؛ سپس پشت (به دشمن) کرده، فرار نمودید!

شیع

فُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يُلْبِسَكُمْ شِعِيًّا
وَيَدْبِقَ بَعْضَكُمْ بِأَسْبَغٍ افْتَرَ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لَعَاهُمْ يَفْقَهُونَ (الأنعام/ ۶۵)

بگو: «او قادر است که از بالا یا از زیر پای شما، عذابی بر شما بفرستد؛ یا بصورت دسته‌های پراکنده شما را با هم بیامیزد؛ و طعم جنگ (و اختلاف) را به هر یک از شما بوسیله دیگری بچشاند.» بین چگونه آیات گوناگون را (برای آنها) بازگو می‌کنیم! شاید بفهمند (و بازگردند)!

إِنَّ الَّذِينَ تَرَقَّوْا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِعِيًّا لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أُمُرُّهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يَنْبَئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ (الأنعام/ ۱۵۹)

کسانی که آیین خود را پراکنده ساختند، و به دسته‌های گوناگون (و مذاهب مختلف) تقسیم شدند، تو هیچ گونه رابطه‌ای با آنها نداری! سر و کار آنها تنها با خداست؛ سپس خدا آنها را از آنچه انجام می‌دادند، با خبر می‌کند.

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي شِيعَ الْأُولَئِينَ (الحجر/ ۱۰)

ما پیش از تو (نیز) پیامبرانی در میان امتهای نخستین فرستادیم.

ثُمَّ لَنْتَزِعَنَّ مِنْ كُلِّ شِيعَةٍ أَيُّهُمْ أَشَدُ عَلَى الرَّحْمَنِ عِتَيَا (مریم/ ۶۹)

سپس از هر گروه و جمعیتی، کسانی را که در برابر خداوند رحمان از همه سرکش تر بوده‌اند، جدا می‌کنیم.

إِنَّ الَّذِينَ يَحْتُنُونَ أَنْ تَشْيِعَ الْفَاحِشَةَ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (النور/ ۱۹)

کسانی که دوست دارند زشتیها در میان مردم با ایمان شیوع یابد، عذاب دردناکی برای آنان در دنیا و آخرت است؛ و خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید!

۳۰۱ قوم (علوم اجتماعی) در کلام الله

إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَىٰ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيعًا يُسْتَضْعِفُ طَائِفَةً مِّنْهُمْ يَدْعُجُ أَبْنَاءَهُمْ وَيُسْتَحْبِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ (القصص/٤)

فرعون در زمین برتری جویی کرد، و اهل آن را به گروههای مختلفی تقسیم نمود؛ گروهی را به ضعف و ناتوانی می‌کشاند، پسرانشان را سر می‌برید و زنانشان را (برای کنیزی و خدمت) زنده نگه می‌داشت؛ او به یقین از مفسدان بود!

وَدَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَىٰ جِينِ غَفْلَةٍ مِّنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يُقْتَلَانِ هَذَا مِنْ شِيعَتِهِ وَهَذَا مِنْ عَدُوِّهِ فَاسْتَغَاثَاهُ الَّذِي مِنْ شِيعَتِهِ عَلَىٰ الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ فَوَكَرَهُ مُوسَىٰ فَقَضَىٰ عَلَيْهِ قَالَ هَذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ عَدُوٌّ مُضِلٌّ مُبِينٌ (القصص/١٥)

او به هنگامی که اهل شهر در غفلت بودند وارد شهر شد؛ ناگهان دو مرد را دید که به جنگ و نزاع مشغولند؛ یکی از پیروان او بود (و از بنی اسرائیل)، و دیگری از دشمنانش، آن که از پیروان او بود در برابر دشمنش از وی تقاضای کمک نمود؛ موسی مشت محکمی بر سینه او زد و کار او را ساخت (و بر زمین افتاد و مرد)؛ موسی گفت: «این (نزاع شما) از عمل شیطان بود، که او دشمن و گمراه‌کننده آشکاری است»

مِنَ الَّذِينَ فَرَقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدِيهِمْ فَرِحُونَ (الروم/٣٢)

از کسانی که دین خود را پراکنده ساختند و به دسته‌ها و گروه‌ها تقسیم شدند! و (عجب اینکه) هر گروهی به آنچه نزد آنهاست (دلبسته و) خوشحالند!

وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لِإِبْرَاهِيمَ (الصافات/٨٣)

و از پیروان او ابراهیم بود؛

فصیله

وَقَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ (المعارج/١٣)

و قبیله‌اش را که همیشه از او حمایت می‌کرد،

بیت در کلام الله

وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَعَهِدْنَا إِلَى

إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهَرَا بَيْتَنِي لِلطَّافِقِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكْعَ السُّجُودِ (البقرة/٢٥)

و (به خاطر بیاورید) هنگامی که خانه کعبه را محل بازگشت و مرکز امن و امان برای مردم قرار دادیم! و (برای تجدید خاطره)، از مقام ابراهیم، عبادتگاهی برای خود انتخاب کنید! و ما به ابراهیم و اسماعیل امر کردیم که: «خانه مرا برای طواف‌کنندگان و مجاوران و رکوع‌کنندگان و سجده‌کنندگان، پاک و پاکیزه کنید!»

وَإِذْ يُرْفعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقْبَلُ مِنَ إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ
الْعَلِيمُ (البقرة/١٢٧)

و (نیز به یاد آورید) هنگامی را که ابراهیم و اسماعیل، پایه‌های خانه (کعبه) را بالا می‌برندن، (و می‌گفتند): «پروردگار! از ما بپذیر، که تو شنو و دانایی!

إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَابِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اغْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطْوَّفَ
بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ (البقرة/١٥٨)

«صفا» و «مروه» از شعائر (و نشانه‌های) خداست! بنابراین، کسانی که حج خانه خدا و یا عمره انجام می‌دهند، مانع نیست که بر آن دو طواف کنند؛ (و سعی صفا و مروه انجام دهند. و هرگز اعمال بی‌رویه مشرکان، که بتها بی‌رسانند و کوه نصب کرده بودند، از موقعیت این دو مکان مقدس نمی‌کاهم)! و کسی که فرمان خدا را در انجام کارهای نیک اطاعت کند، خداوند (در برابر عمل او) شکرگزار، و (از افعال وی) آگاه است.

إِنَّ أُولَئِيَّتِي وَضَعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّهَ مُبَارِكًا وَهَدَى لِلْعَالَمِينَ (آل عمران/٩٦)
نخستین خانه‌ای که برای مردم (و نیایش خداوند) قرار داده شد، همان است که در سرزمین مکه است، که پر برکت، و مایه هدایت جهانیان است.

فِيهِ آیاتٌ بَيِّنَاتٌ مَقَامٌ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَلَلَّهُ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ (آل عمران/٩٧)
در آن، نشانه‌های روش، (از جمله) مقام ابراهیم است؛ و هر کس داخل آن [= خانه خدا] شود؛ در امان خواهد بود، و برای خدا بر مردم است که آهنگ خانه (او) کنند، آنها که توانایی رفتن به سوی آن دارند. و هر کس کفر ورزد (و حج را ترک کند، به خود زیان رسانده)، خداوند از همه جهانیان، بی‌نیاز است.

وَيَقُولُونَ طَاغِةٌ فَإِذَا بَرَزُوا مِنْ عِنْدِكَ بَيْتٌ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ غَيْرُ الَّذِي تَقُولُ وَاللَّهُ يَكْتُبُ مَا بَيْتُونَ فَأَغْرِضُنَّ عَنْهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا (النساء/٨١)

آنها در حضور تو می‌گویند: «فرمانبرداریم»؛ اما هنگامی که از نزد تو بیرون می‌روند، جمعی از آنان برخلاف گفته‌های تو، جلسات سری شبانه تشکیل می‌دهند؛ آنچه را در این جلسات می‌گویند، خداوند می‌نویسد. اعتنایی به آنها نکن! (و از نقشه‌های آنان وحشت نداشته باش!) و بر خدا توکل کن! کافی است که او یار و مدافع تو باشد.

وَمَنْ يَهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاعِمًا كَثِيرًا وَسَعْةً وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يَدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (النساء/١٠٠)

کسی که در راه خدا هجرت کند، جاهای امن فراوان و گسترده‌ای در زمین می‌یابد. و هر کس بعنوان مهاجرت به سوی خدا و پیامبر او، از خانه خود بیرون رود، سپس مرگش فرا رسد، پاداش او بر خدادست؛ و خداوند، آمرزنده و مهربان است.

يَسْتَخْفُونَ مِنَ النَّاسِ وَلَا يُسْتَخْفُونَ مِنَ اللَّهِ وَهُوَ مَعْهُمْ إِذْ يَبْيَتُونَ مَا لَا يُرْضَى مِنَ الْقُوْلِ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطًا (النساء/١٠٨)

آنها زشتکاری خود را از مردم پنهان می‌دارند؛ اما از خدا پنهان نمی‌دارند، و هنگامی که در مجالس شبانه، سخنرانی که خدا راضی نبود می‌گفتند، خدا با آنها بود، خدا به آنچه انجام می‌دهند، احاطه دارد.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُحِلُّوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَى وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا أَمْيَنَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنْ رَبِّهِمْ وَرِضْوَانًا وَإِذَا حَلَّتِمْ فَاصْطَادُوا وَلَا يَحْرُمَنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ أَنْ صَدُوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالْتَّقْوَى وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدُوْنَ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (المائدہ/۲)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شعائر و حدود الهی (و مراسم حج را محترم بشمرید) و مخالفت با آنها) را حلال ندانید! و نه ماه حرام را، و نه قربانیهای بی‌نشان و نشاندار را، و نه آنها را که به قصد خانه خدا برای به دست آوردن فضل پروردگار و خشنودی او می‌آیند! اما هنگامی که از احرام بیرون آمدید، صید کردن برای شما مانع ندارد. و خصومت با جمعیتی که شما را از آمدن به مسجد الحرام (در سال حدبیه) بازداشتند، نباید شما را وادار به تعدی و تجاوز کنند! و (همواره) در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعامل کنید! و (هرگز) در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید! و از (مخالفت فرمان) خدا پیرهیزید که مجازات خدا شدید است!

جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَاماً لِلنَّاسِ وَالشَّهْرُ الْحَرَامُ وَالْهَدْيَى وَالْقَلَائِدَ ذَلِكَ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (المائدہ/۹۷)

خداؤند، کعبه -بیت الحرام- را وسیله‌ای برای استواری و سامان بخشیدن به کار مردم قرار داده؛ و همچنین ماه حرام، و قربانیهای بی‌نشان، و قربانیهای نشاندار را، این گونه احکام (حساب شده و دقیق)، بخاطر آن است که بدانید خداوند، آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، می‌داند؛ و خدا به هر چیزی داناست.

كَمَا أَخْرَجَكَ رَبُّكَ مِنْ كَبِيْتِكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ فِرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ لَكَارِهُونَ (الأنفال/۵)
همان گونه که خدا تو را بحق از خانه (به سوی میدان بدر)، بیرون فرستاد، در حالی که گروهی از مؤمنان ناخشنود بودند (بولی سرانجامش پیروزی بود!) ناخشنودی عده‌ای از چگونگی تقسیم غنایم بدر نیز چنین است!

وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مَكَاءً وَتَصْدِيَةً فَذَوْقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ (الأنفال/۳۵)

(آنها که مدعی هستند ما هم نماز داریم)، نمازشان نزد خانه (خدا)، چیزی جز «سوت کشیدن» «کف زدن» نبود؛ پس بچشید عذاب (الهی) را بخاطر کفرتان!

فَالْأُولَا أَتَعْجِبُنَّ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحْمَةً اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ
مجید(هد) (۷۳)

گفتند: «آیا از فرمان خدا تعجب میکنی؟! این رحمت خدا و برکاتش بر شما خانواده است؛ چرا که او ستد و والا است»

وَرَأْوَدَتْهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَغَلَقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَادُ اللَّهِ إِنَّهُ
رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَى إِنَّهُ لَا يَفْلِحُ الظَّالِمُونَ (یوسف) (۲۳)

و آن زن که یوسف در خانه او بود، از او تمای کامجویی کرد؛ درها را بست و گفت: «بیا (بسوی آنچه برای تو مهیا است!)» (یوسف) گفت: «پناه می برم به خدا! او [= عزیز مصر] صاحب نعمت من است؛ مقام مرا گرامی داشته؛ (آیا ممکن است به او ظلم و خیانت کنم؟!) مسلمان ظالمان رستگار نمی شوند!»

رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرْبِتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي رَزْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُخْرَمَ رَبَّنَا لِيَقِيمُوا الصَّلَاةَ
فَاجْعُلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الشَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يُشْكُرُونَ (الإِبراهِيم) (۳۷)
پروردگار! من بعضی از فرزندانم را در سرزمین بی آب و علفی، در کنار خانه‌ای که حرم توست، ساکن ساختم تا نماز را برپا دارند؛ تو دلهای گروهی از مردم را متوجه آنها ساز؛ و از ثمرات به آنها روزی ده؛ شاید آنان شکر تو را بجای اورندا!

أُو يَكُونَ لَكَ بَيْتٌ مِنْ رُخْرُفٍ أَوْ تَرْقَى فِي السَّمَاءِ وَلَنْ نُؤْمِنَ لِرُقِيكَ حَتَّى تُنَزَّلَ عَلَيْنَا
كِتَابًا نَثَرَهُ قُلْ سُبْحَانَ رَبِّي هَلْ كُنْتَ إِلَّا بَشَرًا رَسُولًا (الإِسْرَاء) (۹۳)

یا برای تو خانه‌ای پر نقش و نگار از طلا باشد؛ یا به آسمان بالا روی؛ حتی اگر به آسمان روی، ایمان نمی‌آوریم مگر آنکه نامه‌ای بر ما فرود آوری که آن را بخوانیم! «بگو»: منزله است پروردگارم (از این سخنان بی معنی)! مگر من جز انسانی فرستاده خدا هستم؟!

وَإِذْ بَوَأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَظَهَرَ بَيْتِي لِلظَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ
وَالرُّكْعَيِ السُّجُودِ (الحج) (۲۶)

(به خاطر بیاور) زمانی را که جای خانه (کعبه) را برای ابراهیم آماده ساختیم (تا خانه را بنا کند؛ و به او گفتیم): چیزی را همتای من قرار مدها و خانه‌ام را برای طوف‌کنندگان و قیام‌کنندگان و رکوع‌کنندگان و سجود‌کنندگان (از آلودگی بتها و از هر گونه آلودگی) پاک ساز!

ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثِّهِمْ وَلِيُوقِّفُوا نُدُورَهُمْ وَلِيُطْوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ (الحج / ٢٩)

سپس، باید آلودگیها یشان را برطرف سازند؛ و به نذرهای خود وفا کنند؛ و بر گرد خانه گرامی کعبه، طواف کنند.

لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعٌ إِلَى أَجْلٍ مُسَمَّى ثُمَّ مَحِلُّهَا إِلَى الْبَيْتِ الْعَتِيقِ (الحج / ٣٣)

در آن (حیوانات قربانی)، منافعی برای شماست تا زمان معینی [= روز ذبح آنها] سپس محل آن، خانه قدیمی و گرامی (کعبه) است.

وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا (الفرقان / ٦٤)

کسانی که شبانگاه برای پروردگارشان سجد و قیام می کنند؛ وَ حَرَّمَنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْلِ فَقَالَتْ هَلْ أَذْلَكُمْ عَلَى أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ وَهُمْ لَهُ نَاصِحُونَ (القصص / ١٢)

ما همه زنان شیرده را از پیش بر او حرام کردیم (تا تنها به آغوش مادر بازگردد)؛ و خواهرش (که بیتابی مأموران را برای پیدا کردن دایه مشاهده کرد) گفت: «آیا شما را به خانواده‌ای راهنمایی کنم که می‌توانند این نوزاد را برای شما کفالت کنند و خیرخواه او باشند؟!»

مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أُولِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أُوهَنَ الْبَيْوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (العنکبوت / ٤١)

مثل کسانی که غیر از خدا را اولیای خود برگزیدند، مثل عنکبوت است که خانه‌ای برای خود انتخاب کرده؛ در حالی که سستترین خانه‌های خانه عنکبوت است اگر می‌دانستند!

وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَأَقْمِنَ الصَّلَاةَ وَأَتِينَ الرَّكَأَةَ وَأَطْعِنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيَذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيَطْهِرَكُمْ تَطْهِيرًا (الأحزاب / ٣٣)

و در خانه‌های خود بمانید، و همچون دوران جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید، و نماز را برپا دارید، و زکات را بپردازید، و خدا و رسولش را اطاعت کنید؛ خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.

فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِّنَ الْمُسْلِمِينَ (الذاريات/٣٦)

ولی جز یک خانواده با یمان در تمام آنها نیافتیم!

وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ (الطور/٤)

و سوگند به «بیت المعمور»،

وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتٍ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبُّ ابْنِ لَيْ عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ

وَتَجَنَّبِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلَهُ وَتَجَنَّبِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (التحريم/١١)

و خداوند برای مؤمنان، به همسر فرعون مثل زده است، در آن هنگام که گفت:

پروردگار! خانه‌ای برای من نزد خودت در بهشت بساز، و مرا از فرعون و کار او نجات

ده و مرا از گروه ستمگران رهایی بخش!«

رَبُّ أَغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَي وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَزِدُ الظَّالِمِينَ

إِلَّا تَبَارَأً (نوح/٢٨)

پروردگار! مرا، و پدر و مادرم و تمام کسانی را که با یمان وارد خانه من شدند، و

جمیع مردان و زنان با یمان را بیامرز؛ و ظالمان را جز هلاکت میفز!»

فَلَيَعْبُدُوا رَبَّهُذَا الْبَيْتِ (قریش/٣)

پس (بشکرانه این نعمت بزرگ) باید پروردگار این خانه را عبادت کنند،

بیوت در کلام الله

يَسَّالُونَكَ عَنِ الْأَهِلَّةِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ الْنَّاسِ وَالْحَجَّ وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ

ظُهُورُهَا وَلَكِنَّ الْبِرُّ مِنِ اتَّقَى وَأَتَوْا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ

تُفْلِحُونَ (البقرة/١٨٩)

در باره «هلالهای ماه» از تو سؤال می‌کنند؛ بگو: «آنها، بیان اوقات (و تقویم طبیعی)

برای (نظام زندگی) مردم و (تعیین وقت) حج است». و (آن چنان که در جاھلیت

مرسوم بود که به هنگام حج، که جامه احرام می‌پوشیدند، از در خانه وارد نمی‌شدند، و

از نقب پشت خانه وارد می‌شدند، نکنید!) کار نیک، آن نیست که از پشت خانه‌ها وارد

شوید؛ بلکه نیکی این است که پرهیزگار باشید! و از در خانه‌ها وارد شوید و تقوا پیشه

کنید، تا رستگار گردید!

وَرَسُولًا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّى قَدْ جَنَّتُكُمْ بِأَيَّهُ مِنْ رِبَّكُمْ أَتَى أَخْلَقُ لَكُمْ مِنَ الطَّيْنِ كَهْيَةً الطَّيْرِ فَأَنْفَخْ فِيهِ فَيَكُونُ طِيرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَأَبْرَئُ الْأَكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ وَأَخْيَ الْمُؤْتَمِ بِإِذْنِ اللَّهِ وَأَنْبَكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدَحْرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (آل عمران/۴۹)

و (او را به عنوان) رسول و فرستاده به سوی بنی اسرائیل (قرار داده، که به آنها می‌گوید): من نشانه‌ای از طرف پروردگار شما، برایتان آورده‌ام؛ من از گل، چیزی به شکل پرندۀ می‌سازم؛ سپس در آن می‌دمم و به فرمان خدا، پرندۀ‌ای می‌گردد. و به اذن خدا، کور مادرزاد و مبتلایان به برص [= پیسی] را بهمودی می‌بخشم؛ و مردگان را به اذن خدا زنده می‌کنم؛ و از آنچه می‌خورید، و در خانه‌های خود ذخیره می‌کنید، به شما خبر می‌دهم؛ مسلمان در اینها، نشانه‌ای برای شماست، اگر ایمان داشته باشید!

ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِ الْقُمَّ أَمْنَةً نُعَاصِي طَائِفَةً نِئْكُمْ وَطَائِفَةً قَدْ أَهْمَمْهُمْ أَنْفُسَهُمْ يُظْنَوْنَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَ الْجَاهِلِيَّةِ يَقُولُونَ هَلْ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ مِنْ شَيْءٍ قُلْ إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ يَحْفُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ مَا لَمْ يَبْدُوْنَ لَكَ يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَا قُتِلْنَا هَاهُنَا قُلْ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَّ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَى مَضَاجِعِهِمْ وَلِيُنَتَّلِي اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلِيَمْحَصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (آل عمران/۱۵۴)

سپس بدنبال این غم و اندوه، آرامشی بر شما فرستاد. این آرامش، بصورت خواب سبکی بود که (در شب بعد از حادثه احمد)، گروهی از شما را فرا گرفت؛ اما گروه دیگری در فکر جان خویش بودند؛ (و خواب به چشمانشان نرفت). آنها گمانهای نادرستی - همچون گمانهای دوران جاهلیت - درباره خدا داشتند؛ و می‌گفتند: «آیا چیزی از پیروزی نصیب ما می‌شود؟!» بگو: «همه کارها (و پیروزیها) به دست خداست!» آنها در دل خود، چیزی را پنهان می‌دارند که برای تو آشکار نمی‌سازند؛ می‌گویند: «اگر ما سهمی از پیروزی داشتیم، در اینجا کشته نمی‌شیم!» بگو: «اگر هم در خانه‌های خود بودید، آنها بی کشته شدن بر آنها مقرر شده بود، قطعاً به سوی آرامگاههای خود، بیرون می‌آمدند (و آنها را به قتل می‌رسانند). و اینها برای این است که خداوند، آنچه در سینه‌هایتان پنهان دارید، بیازماید؛ و آنچه را در دلهای شما (از ایمان) است، خالص گرداند؛ و خداوند از آنچه در درون سینه‌هاست، با خبر است.

وَاللَّتِي يَأْتِينَ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِنْكُمْ فَإِنْ شَهَدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّىٰ يَتَوَفَّاهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا(النساء/۱۵)

و کسانی از زنان شما که مرتكب زنا شوند، چهار نفر از مسلمانان را بعنوان شاهد بر آنها بطلبیدا اگر گواهی دادند، آنان [= زنان] را در خانه های (خود) نگاه دارید تا مرگشان فرارسد؛ یا اینکه خداوند، راهی برای آنها قرار دهد.

وَأَذْكُرُوا إِذْ جَعَلْكُمْ خُلْقَاءَ مِنْ بَعْدِ عَادٍ وَّوَوَّأَكُمْ فِي الْأَرْضِ تَتَحَذَّدُونَ مِنْ سُهُولِهَا قُصُورًا وَتَنْحِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا فَادْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ وَلَا تَعْثُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ(الأعراف/۷۴)

و به خاطر بیاورید که شما را جانشینان قوم «عاد» قرار داد، و در زمین مستقر ساخت، که در دشتهایش، قصرها برای خود بنا می کنید؛ و در کوهها، برای خود خانه ها می تراشید! بنابر این، نعمتهای خدا را متذکر شوید! و در زمین، به فساد نکوشید!«

وَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى وَأَخِيهِ أَنْ تَبْوَأْ لِقَوْمَكُمَا بِمِصْرَ بُيُوتًا وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ(يونس/۸۷)

و به موسی و برادرش وحی کردیم که: «برای قوم خود، خانه هایی در سرزمین مصر انتخاب کنید؛ و خانه هایتان را مقابل یکدیگر (و مرکز) قرار دهید! و نماز را برپا دارید! و به مؤمنان پیشتر ده (که سرانجام پیروز می شوند!)»

وَكَانُوا يُنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا أَمِينِينَ(الحجر/۸۲)
آنها خانه های امن در دل کوهها می تراشیدند.

وَأَوْحَى رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يُعْرِشُونَ(النحل/۶۸)

و پروردگار تو به زنبور عسل «وحی» (و الهام غریزی) نمود که: «از کوهها و درختان و داریستهایی که مردم می سازند، خانه هایی برگزین!»

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ جَلُودِ الْأَنْغَامِ بُيُوتًا شَسْتَخِفُونَهَا يَوْمَ طَغْيَنَّكُمْ وَيَوْمَ إِقَامَتِكُمْ وَمِنْ أَصْوَافِهَا وَأَوْبَارِهَا وَأَشْعَارِهَا أَنَّا وَمَتَاعًا إِلَى حِينِ(النحل/۸۰)
و خدا برای شما از خانه هایتان محل سکونت (و آرامش) قرار داد؛ و از پوست چهارپایان نیز برای شما خانه هایی قرار داد که روز کوچ کردن و روز اقامتنان، به آسانی

می توانید آنها را جا به جا کنید؛ و از پشم و کرک و موی آنها، برای شما اثاث و متعاع (و سایل مختلف زندگی) تا زمان معینی قرار داد.

نگارنده : به زیبایی زندگی عشاپری و سازوکارش که هزاران سال بشر با آن روزگار می گذراند در این آیه به عنوان تائید آمده است واقعاً اگر با این نگاه به زندگی در دنیا نگاه کنیم پول و وام و هزار جور سختی برای تهیه یک خانه رخت بر می بندد . و مشکلات آن بخش حل می شود . نگاه خداوند به بیت ، بیت باید محل سکونت و آرامش باشد . عنوانی که امروز روی ساختمان محل زندگی گذارده اند با نام مسکن غلط است بانکی که به اسم بانک مسکن نام نهاده اند غلط است آیا آن بانک محلی برای سکونت و آرامش است یا استرس و فشار روحی وارد می کند . ساختمانهای فعلی با تخفیف زیاد نهایتاً بیت هستند حال اگر در این بیت واقعاً سکونت و آرامش به دست می آورد ، می توان صفت مسکن را به آن بیت داد . و اگرنه خیر یا أَيْهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّىٰ تَسْتَأْنِسُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ(النور/۲۷)

ای کسانی که ایمان آوردهاید! در خانههایی غیر از خانه خود وارد نشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن خانه سلام کنید؛ این برای شما بهتر است؛ شاید متذکر شوید! لَيْسَ عَلَيْكُمْ جَنَاحٌ أَنْ تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ مَسْكُونَةٍ فِيهَا مَتَاعٌ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدِونَ وَمَا تَكْتُمُونَ(النور/۲۹)

(ولی) گناهی بر شما نیست که وارد خانههای غیر مسکونی بشوید که در آن متعلقی متعلق به شما وجود دارد؛ و خدا آنچه را آشکار می کنید و آنچه را پنهان می دارد!

فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيَدْكُرَ فِيهَا اسْمُهُ يَسْبِحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِ وَالْأَصَالِ(النور/۳۶)
(این چراغ پر فروغ) در خانههایی قرار دارد که خداوند اذن فرموده دیوارهای آن را بالا برند (تا از دستبرد شیاطین و هوسیازان در امان باشد)؛ خانههایی که نام خدا در آنها برده می شود، و صبح و شام در آنها تسبيح او می گويند...

لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى خَرَجٌ وَلَا عَلَى الْأَغْرَجِ خَرَجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ خَرَجٌ وَلَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ بُيُوتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ آبَائِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَمَهَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ إِخْوَانِكُمْ أَوْ

بُيُوتِ أَخْوَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَعْمَامِكُمْ أَوْ بُيُوتِ عَمَّاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ إِخْوَالِكُمْ أَوْ بُيُوتِ خَالَاتِكُمْ أَوْ مَا مَلَكْتُمْ مَفَاتِحَهُ أَوْ صَدِيقِكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَأْكُلُوا جَمِيعًا أَوْ أَشْتَأْتًا فَإِذَا دَحْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَى أَنفُسِكُمْ تَحْيَةً مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةً طَيِّبَةً كَذَلِكَ يَبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ(النور/۶۱)

بر نابینا و افراد لنگ و بیمار گناهی نیست (که با شما هم غذا شوند)، و بر شما نیز گناهی نیست که از خانه‌های خودتان [خانه‌های فرزندان یا همسران] که خانه خود شما محسوب می‌شود بدون اجازه خاصی^۱ غذا بخورید؛ و همچنین خانه‌های پدرانتان، یا خانه‌های مادرانتان، یا خانه‌های برادرانتان، یا خانه‌های خواهرانتان، یا خانه‌های عموهایتان، یا خانه‌های عمه‌هایتان، یا خانه‌های داییهایتان، یا خانه‌های خاله‌هایتان، یا خانه‌ای که کلیدش در اختیار شماست، یا خانه‌های دوستانانتان، بر شما گناهی نیست که بطور دسته جمعی یا جداگانه غذا بخورید؛ و هنگامی که داخل خانه‌ای شدید، بر خویشن سلام کنید، سلام و تحيیتی از سوی خداوند، سلامی پربرکت و پاکیزه! این گونه خداوند آیات را برای شما روش می‌کند، باشد که بیندیشید!

وَتَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا فَارِهِينَ(الشعراء/۱۴۹)

و از کوهها خانه‌هایی می‌تراشید، و در آن به عیش و نوش می‌پردازید!
فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةٌ بِمَا ظَلَمُوا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ(الملم/۵۲)
 این خانه‌های آنهاست که بخاطر ظلم و ستمشان خالی مانده؛ و در این نشانه روشنی است برای کسانی که آگاهند!

مَثَلُ الدِّينِ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أُولِيَاءَ كَمَثَلُ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أُوهَنَّ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ(العنكبوت/۴۱)

مثل کسانی که غیر از خدا را اولیای خود برگزیدند، مثل عنکبوت است که خانه‌ای برای خود انتخاب کرده؛ در حالی که سیسترتین خانه‌های خانه عنکبوت است اگر می‌دانستند!

وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يَا أَهْلَ يَرْبَبِ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجُعوا وَبِسْتَأْذِنْ فَرِيقٌ مِنْهُمُ النَّبِيِّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِنْ يَرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا(الأحزاب/۱۳)

و (نیز) به خاطر آورید زمانی را که گروهی از آنها گفتند: «ای اهل یترب (ای مردم مدنیه) اینجا جای توقف شما نیست؛ به خانه‌های خود بازگردید!» و گروهی از آنان از پیامبر اجازه بازگشت می‌خواستند و می‌گفتند: «خانه‌های ما بی‌حفظ است!»، در حالی که بی‌حفظ نبود؛ آنها فقط می‌خواستند (از جنگ) فرار کنند.

وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَاتَّبِعْنَ الرَّكَاءَ وَأَطْعِنْ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيذِهَبَ عَنْكُمُ الرِّجْسُ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيَطْهِرُكُمْ تَطْهِيرًا (الأحزاب/۳۳)

و در خانه‌های خود بمانید، و همچون دوران جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید، و نماز را برپا دارید، و زکات را بپردازید، و خدا و رسولش را اطاعت کنید؛ خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.

وَإِذْكُرْنَ مَا يَتْلَى فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا (الأحزاب/۳۴)

آنچه را در خانه‌های شما از آیات خداوند و حکمت و دانش خوانده می‌شود یاد کنید؛ خداوند لطیف و خبیر است!

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرَ نَاطِرِينَ إِنَّمَا وَلَكُنْ إِذَا دُعِيْتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعَمْتُمْ فَأَنْتُشِرُوا وَلَا مُسْتَأْنِسِينَ لِحَدِيثٍ إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ يُؤْذِي النَّبِيَّ فَيُسْتَحْيِي مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أُطْهَرُ لِقَلْوَبِكُمْ وَقَلْوَبِهِنَّ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذِنُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تُنْكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبْدًا إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ غَظِيمًا (الأحزاب/۵۳)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در خانه‌های پیامبر داخل نشوید مگر به شما برای صرف غذا اجازه داده شود، در حالی که (قبل از موعد نیایید) در انتظار وقت غذا نشینید؛ اما هنگامی که دعوت شدید داخل شوید؛ و وقتی غذا خوردید پراکنده شوید، و (بعد از صرف غذا) به بحث و صحبت نشینید؛ این عمل، پیامبر را ناراحت می‌نماید، ولی از شما شرم می‌کند (و چیزی نمی‌گوید)؛ اما خداوند از (بیان) حق شرم ندارد! و هنگامی که چیزی از وسائل زندگی را (بعنوان عاریت) از آنان [= همسران پیامبر] می‌خواهید از پشت پرده بخواهید؛ این کار برای پاکی دلهای شما و آنها بهتر است! و شما حق

ندارید رسول خدا را آزار دهید، و نه هرگز همسران او را بعد از او به همسرى خود درآورید که این کار نزد خدا بزرگ است!

وَلَوْلَا أَنْ يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَجَعَلْنَا لِمَنْ يَكُفُّرُ بِالرَّحْمَنِ لِبِيُوتِهِمْ سُقْفًا مِنْ فِضَّةٍ
وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ(الزخرف/۳۳)

اگر (تمکن کفار از مواهب مادی) سبب نمی‌شد که همه مردم امت واحد (گمراهی) شوند، ما برای کسانی که به (خداؤند) رحمان کافر می‌شند خانه‌هایی قرار می‌دادیم با سقنهایی از نقره و نربانهایی که از آن بالا روند،

وَلِبِيُوتِهِمْ أَبْوَابًا وَسُرُرًا عَلَيْهَا يَتَكَبُّونَ(الزخرف/۳۴)

و برای خانه‌هایشان درها و تختهایی (زیبا و نقره‌ای) قرار می‌دادیم که بر آن تکیه کنند؛

هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أُهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوْلَ الْحَشْرِ مَا ظَنَّتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَطَنُوا أَنَّهُمْ مَا يَعْتَهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَاتَّاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَدْ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّغْبَةُ يَخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاقْتَرَبُوا يَا أُولَى الْأَبْصَارِ(الحشر/۲)

او کسی است که کافران اهل کتاب را در نخستین برخورد (با مسلمانان) از خانه‌هایشان بیرون راند! گمان نمی‌کردید آنان خارج شوند، و خودشان نیز گمان می‌کردند که دژهای محکم‌شان آنها را از عذاب الهی مانع می‌شود؛ اما خداوند از آنجا که گمان نمی‌کردند به سراغشان آمد و در دلهایشان ترس و وحشت افکند، بگونه‌ای که خانه‌های خود را با دست خویش و با دست مؤمنان ویران می‌کردند؛ پس عبرت بکیرید ای صاحبان چشم!

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعِدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ وَأَنْقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ وَتَلَكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهُ يَحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أُمُراً(الطلاق/۱)

ای پیامبر! هر زمان خواستید زنان را طلاق دهید، در زمان عده، آنها را طلاق گویید [= زمانی که از عادت ماهانه پاک شده و با همسران نزدیکی نکرده باشند آ، و حساب عده را نگه دارید؛ و از خدایی که پروردگار شماست بپرهیزید؛ نه شما آنها را از

خانه‌هایشان بیرون کنید و نه آنها (در دوران عده) بیرون روند، مگر آنکه کار زشت آشکاری انجام دهنده، این حدود خداست، و هر کس از حدود الهی تجاوز کند به خویشن ستم کرده؛ تو نمی‌دانی شاید خداوند بعد از این، وضع تازه (و وسیله اصلاحی) فراهم کند!

سجد و مشتقاتش در قرآن

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِأَدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ (البقرة/٣٤)

(یاد کن) هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده و خضوع کنیدا» همگی سجده کردند؛ جز ابلیس که سر باز زد، و تکبر ورزید، (و به خاطر نافرمانی و تکبرش) از کافران شد.

وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْفَرِيْةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُولُوا حِلَّةً نَعْفُرْ لَكُمْ خَطَّايَا كُمْ وَسَرَّيْدُ الْمُحْسِنِينَ (البقرة/٥٨)

و (به خاطر بیاورید) زمانی را که گفتیم: «در این شهر [= بیت المقدس] وارد شوید! و از نعمتهای فراوان آن، هر چه می‌خواهید بخورید! و از در (معبد بیت المقدس) با خضوع و خشوع وارد گردید! و بگویید: «خداؤندا! گناهان ما را بریز!» تا خطاهای شما را ببخشیم؛ و به نیکوکاران پاداش بیشتری خواهیم داد.»

فَذَرَى تَقْلِبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلَّيْنَكَ قِبَلَةً تَرْضَاهَا فَوْلٌ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوْلُوا وُجُوهُكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ (البقرة/٤٤)

نگاه‌های انتظارآمیز تو را به سوی آسمان (برای تعیین قبله نهایی) می‌بینیم! اکنون تو را به سوی قبله‌ای که از آن خشنود باشی، باز می‌گردانیم. پس روی خود را به سوی مسجد الحرام کن! و هر جا باشید، روی خود را به سوی آن بگردانید! و کسانی که کتاب آسمانی به آنها داده شده، بخوبی می‌دانند این فرمان حقی است که از ناحیه پروردگارشان صادر شده؛ (و در کتابهای خود خوانده‌اند که پیغمبر اسلام، به سوی دو قبله، نماز می‌خواند). و خداوند از اعمال آنها (در مخفی داشتن این آیات) غافل نیست!

وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوْلٌ وَجْهَكَ شَطْرُ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِنَّهُ لِلْحَقِّ مِنْ رَبِّكَ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (البقرة/۱۴۹)

از هر جا (و از هر شهر و نقطه‌ای) خارج شدی، (به هنگام نماز)، روی خود را به جانب «مسجد الحرام» کن! این دستور حقی از طرف پروردگار توست! و خداوند، از آنچه انجام می‌دهید، غافل نیست!

وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوْلٌ وَجْهَكَ شَطْرُ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوْلُوا وَجُوْهَكُمْ شَطْرَهُ إِنَّا يَكُونُ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ فَلَا تَخْشُوهُمْ وَاحْشُوْتَهُمْ وَلَأَتَمَّ نِعْمَتِي عَلَيْكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (البقرة/۱۵۰)

و از هر جا خارج شدی، روی خود را به جانب مسجد الحرام کن! و هر جا بودید، روی خود را به سوی آن کنید! تا مردم، جز ظالمان (که دست از لجاجت برنمی‌دارند)، دلیلی بر ضد شما نداشته باشند؛ (زیرا از نشانه‌های پیامبر، که در کتب آسمانی پیشین آمده، این است که او، به سوی دو قبله، نماز می‌خواند). از آنها نترسیدا و (تنها) از من بترسیدا! (این تغییر قبله، به خاطر آن بود که) نعمت خود را بر شما تمام کنم، شاید هدایت شوید!

وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرُجُوهُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدُ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّىٰ يَقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِنْ قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذِلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ (البقرة/۱۹۱)

و آنها را [=] بت پرستانی که از هیچ گونه جنایتی ابا ندارند] هر کجا یافتید، به قتل برسانید! و از آن جا که شما را بیرون ساختند [= مکه]، آنها را بیرون کنید! و فتنه (و بت پرستی) از کشتار هم بدتر است! و با آنها، در نزد مسجد الحرام (در منطقه حرم)، جنگ نکنید! مگر اینکه در آن جا با شما بجنگند. پس اگر (در آن جا) با شما پیکار کردند، آنها را به قتل برسانیدا چنین است جزای کافران!

وَأَتَمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أَخْرِصْتُمْ فَمَا اسْتَيْسِرَ مِنَ الْهَدْيٍ وَلَا تَخْلِقُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْهَدْيٌ مَحِلَّهُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذْيَ مِنْ رَأْسِهِ فَفِدِيَهُ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ إِذَا أَمْنَتُمْ فَمَنْ تَمَّتَعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجَّ فَمَا اسْتَيْسِرَ مِنَ الْهَدْيٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامٌ ثَلَاثَةُ أَيَّامٍ فِي الْحَجَّ وَسَبْعَةٌ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشَرَةً كَامِلَهُ ذَلِكَ لِمَنْ يَكُنْ أَهْلَهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَغْلُمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (البقرة/۱۹۶)

و حج و عمره را برای خدا به اتمام برسانید! و اگر محصور شدید، (و مانعی مانند ترس از دشمن یا بیماری، اجازه نداد که پس از احرام بستن، وارد مکه شوید)، آنچه از قربانی فراهم شود (ذبح کنید، و از احرام خارج شوید)! و سرهای خود را نتراشید، تا قربانی به محلش برسد (و در قربانگاه ذبح شود)! و اگر کسی از شما بیمار بود، و یا ناراحتی در سر داشت، (و ناچار بود سر خود را بتراشد)، باید فدیه و کفاره‌ای از قبیل روزه یا صدقه یا گوسفندی بدهد! و هنگامی که (از بیماری و دشمن) در امان بودید، هر کس با ختم عمره، حج را آغاز کند، آنچه از قربانی برای او میسر است (ذبح کند)! و هر که نیافت، سه روز در ایام حج، و هفت روز هنگامی که باز می‌گردید، روزه بدارد! این، ده روز کامل است. (البته) این برای کسی است که خانواده او، نزد مسجد الحرام نباشد [=

اَهْلُكَ وَ اطْرَافُ آن نباشد]. و از خدا بپرهیزید! و بدانید که او، سخت‌کیفر است!
 يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قَتَالٍ فِيهِ قُلْ قَتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَ صَدُّ عَنْ سَبِيلِ اللهِ وَ كُفُرٌ بِهِ
وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجِ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللهِ وَالْفِتْنَهُ أَكْبَرُ مِنَ القَتْلِ وَلَا يَرَأُونَ
 يَقِيلُونَكُمْ حَتَّىٰ يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنْ اسْتَطَاعُوا وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيُمُتْ وَهُوَ
 كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطْتُ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالآخِرَهِ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا
 خَالِدُونَ (البقرة/۲۱۷)

از تو، در باره جنگ کردن در ماه حرام، سؤال می‌کنند؛ بگو: «جنگ در آن، (گناهی) بزرگ است؛ ولی جلوگیری از راه خدا (و گرایش مردم به آیین حق) و کفر ورزیدن نسبت به او و هتك احترام مسجد الحرام، و اخراج ساکنان آن، نزد خداوند مهمتر از آن است؛ و ایجاد فتنه، (و محیط نامساعد، که مردم را به کفر، تشویق و از ایمان بازمی‌دارد) حتی از قتل بالاتر است. و مشرکان، پیوسته با شما می‌جنگند، تا اگر بتوانند شما را از آیینتان برگردانند؛ ولی کسی که از آیینش برگردد، و در حال کفر بمیرد، تمام اعمال نیک (گذشته) او، در دنیا و آخرت، برپاد می‌رود؛ و آنان اهل دوز خند؛ و همیشه در آن خواهند بود.

يَا مَرِيمُ اقْنُتِي لِرِيْكِ وَاسْجُدْيِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ (آل عمران/۴۳)
 ای مریم! (به شکرانه این نعمت) برای پروردگار خود، خضوع کن و سجده بجا آور! و با رکوع کنندگان، رکوع کن!

لَيَسُوا سَوَاءٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ (آل عمران/۱۱۳)

آنها همه یکسان نیستند؛ از اهل کتاب، جمعیتی هستند که (به حق و ایمان) قیام می‌کنند؛ و پیوسته در اوقات شب، آیات خدا را می‌خوانند؛ در حالی که سجده می‌نمایند.

وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقْمِتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلَتَقْرُبُ طَائِفَةً مِنْهُمْ مَعَكَ وَلَيَأْخُذُوا أُسْلِحَتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا فَلَيُكُونُوا مِنْ وَرَائِكُمْ وَلَتَأْتِ طَائِفَةً أُخْرَى لَمْ يَصَّلُوا فَلَيُصَلِّوا مَعَكَ وَلَيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأُسْلِحَتَهُمْ وَدَدَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَعْفَلُونَ عَنْ أُسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتَقِنَتِكُمْ فَيَمْبَلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ كَانَ بِكُمْ أَدَى مِنْ مَطْرٍ أُوْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَنْ تَضَعُوا أُسْلِحَتَكُمْ وَخُدُوا حِذْرَكُمْ إِنَّ اللَّهَ أَعْدَ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا (النساء/۱۰۲)

و هنگامی که در میان آنها باشی، و (در میدان جنگ) برای آنها نماز را برپا کنی، باید دسته‌ای از آنها با تو (به نماز) برخیزند، و سلاحهایشان را با خود برگیرند؛ و هنگامی که سجده کردند (و نماز را به پایان رسانند)، باید به پشت سر شما (به میدان نبرد) بروند، و آن دسته دیگر که نماز نخوانده‌اند (و مشغول پیکار بوده‌اند)، بیایند و با تو نماز بخوانند؛ آنها باید وسایل دفاعی و سلاحهایشان (را در حال نماز) با خود حمل کنند؛ (زیرا) کافران آرزو دارند که شما از سلاحها و متعاهدی خود غافل شوید و یکباره به شما هجوم آورند. و اگر از باران ناراحتید، و یا بیمار (و مجروح) هستید، منعی ندارد که سلاحهای خود را بر زمین بگذارید؛ ولی وسایل دفاعی (مانند زره و خود را) با خود بردارید خداوند، عذاب خوارکننده‌ای برای کافران فراهم ساخته است.

وَرَقَّنَا فَوْقَهُمُ الطُّورَ بِمِيَاثِقِهِمْ وَقَنَّا لَهُمُ اذْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقَنَّا لَهُمْ لَا تَعْدُوا فِي السَّبْتِ وَأَخْذَنَا مِنْهُمْ مِيثَاقًا غَلِيلًا (النساء/۱۵۴)

و کوه طور را بر فراز آنها برافراشتم؛ و در همان حال از آنها پیمان گرفتیم، و به آنها گفتیم: «(برای توبه)، از در (بیت المقدس) با خصوص درآیدی!» و (نیز) گفتیم: «روز شنبه تعدی نکنید (و دست از کار بکشید!)» و از آنان (در برابر همه اینها)، پیمان محکمی گرفتیم.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُحَلِّوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا آمِنَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنْ رَبِّهِمْ وَرِضْوَانًا وَإِذَا حَلَّتُمْ فَاصْطَادُوا وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَرَانٌ

قَوْمٌ أُنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أُنْ تَعْنَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالْتَّقْوَى وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعَدْوَانِ وَأَنْفَوْا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ(المائدة/۲)

ای کسانی که ایمان آورده اید! شعائر و حدود الهی (و مراسم حج را محترم بشمرید!) و مخالفت با آنها) را حلال ندانیدا و نه ماه حرام را، و نه قربانیهای بی نشان و نشاندار را، و نه آنها را که به قصد خانه خدا برای به دست آوردن فضل پروردگار و خشنودی او می آیند! اما هنگامی که از احرام بیرون آمدید، صید کردن برای شما مانع ندارد. و خصوصت با جمعیتی که شما را از آمدن به مسجد الحرام (در سال حدبیبه) بازداشتند، نباید شما را وادار به تعدی و تجاوز کند! و (همواره) در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاوون کنید! و (هرگز) در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید! و از (مخالفت فرمان) خدا پرھیزید که مجازات خدا شدید است!

وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَيْهِ إِنَّلِيَسَ لَمْ يَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ(الأعراف/۱۱)

ما شما را آفریدیم؛ سپس صورت بندی کردیم؛ بعد به فرشتگان گفتیم: «برای آدم خضوع کنید!» آنها همه سجده کردند؛ جز ابلیس که از سجده کنندگان نبود.

قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَا تَسْجُدَ إِذْ أَمْرَتْكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ(الأعراف/۱۲)

(خداؤند به او) فرمود: «در آن هنگام که به تو فرمان دادم، چه چیز تو را مانع شد که سجده کنی؟» گفت: «من از او بهترم؛ مرا از آتش آفریده ای و او را از گل!»

فَلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهُكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَأَذْعُوهُ مُحْلِصِينَ لَهُ الدِّينِ كَمَا بَدَأْكُمْ تَعُودُونَ(الأعراف/۲۹)

بگو: «پروردگارم امر به عدالت کرده است؛ و توجه خویش را در هر مسجد (و به هنگام عبادت) به سوی او کنید! و او را بخوانید، در حالی که دین (خود) را برای او خالص گردانید! (و بدانید) همان گونه که در آغاز شما را آفرید، (بار دیگر در رستاخیز) بازمی گردید!

يَا بَنِي آدَمَ حُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَيْحَبُّ الْمُسْرِفِينَ(الأعراف/۳۱)

ای فرزندان آدم! زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد، با خود بردارید! و (از نعمتهاي الهى) بخوريد و بياشاميده، ولی اسراف نکنيد که خداوند مسروfan را دوست نمی داردا
 وَإِذْ قَبَلَ لَهُمْ اسْكُنُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ وَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ وَقُولُوا حِطَّةً وَادْخُلُوا الْبَابَ
سُجَّدًا نَغْرِ لَكُمْ خَطِيبَاتِكُمْ سَنَرِيْدُ الْمُحْسِنِينَ(الأعراف/١٦١)

و (به خاطر بياوريده) هنگامي را که به آنها گفته شد: «در اين شهر [= بيت المقدس] ساكن شويده، و از هر جا (و به هر كيفيت) بخواهيد، از آن بخوريد (و بهره گيريد)! و بگوييد: خداوندا! گناهان ما را بريزا و از در (بيت المقدس) با تواضع وارد شويدي! که اگر چنین کنيد، گناهان شما را می بخشم؛ و نيكوکاران را پاداش بيشتر خواهيم داد.»
إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ لَا يَسْتَكِبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيَسْبِحُونَهُ وَلَهُ يَسْجُدُونَ(الأعراف/٢٠٦)

آنها که (در مقام قرب) نزد پروردگار تو هستند، (هيج گاه) از عبادتش تكبر نمی ورزند، و او را تسبيح می گويند، و بر ايش سجده می کنند.

وَمَا لَهُمْ أَلَا يَعْبُدُهُمُ اللَّهُ وَهُمْ يَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَا كَانُوا أُولَيَاءُ إِنْ أُولَيَاءُهُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ(الأنفال/٣٤)

چرا خدا آنها را مجازات نکند، با اينکه از (عبادت موحدان در کنار) مسجد الحرام جلوگيري می کنند در حالی که سرپرست آن نیستند؟! سرپرست آن، فقط پرهيزگاراند؛ ولی بيشتر آنها نمی دانند.

كيف يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ رَسُولِهِ إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدُتُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ(التوبه/٧)
 چگونه برای مشرکان پیمانی نزد خدا و رسول او خواهد بود (در حالی که آنها همواره آماده شکستن پیمانشان هستند)!؟ مگر کسانی که نزد مسجد الحرام با آنان پیمان بستيده؛ (و پیمان خود را محترم شمردند)؛ تا زمانی که در برابر شما وفادار باشند، شما نيز وفاداري کنيد، که خداوند پرهيزگاران را دوست دارد!
أَجْعَلْتُمْ سِقَاعَةَ الْحَاجَ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ أَمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ(التوبه/١٩)

آیا سیراب کردن حجاج، و آباد ساختن مسجد الحرام را، همانند (عمل) کسی قرار دادید که به خدا و روز قیامت ایمان آورده، و در راه او جهاد کرده است؟! (این دو)، نزد خدا مساوی نیستند! و خداوند گروه ظالمان را هدایت نمی‌کند!

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آتَيْنَا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجْسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَةِ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا
وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يَغْنِيْكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ(التوبه/۲۸)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! مشرکان ناپاکند؛ پس نباید بعد از امسال، نزدیک مسجد الحرام شوند! و اگر از فقر می‌ترسید، خداوند هرگاه بخواهد، شما را به کرمش بینیاز می‌سازد؛ (و از راه دیگر جبران می‌کند؛) خداوند دانا و حکیم است.

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضَرَارًا وَكُفُرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ
وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلٍ وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَى الْحُسْنَى وَاللَّهُ يَشْهُدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ(التوبه/۱۰۷)

(گروهی دیگر از آنها) کسانی هستند که مسجدی ساختند برای زیان (به مسلمانان)، و (تقویت) کفر، و تفرقه‌افکنی میان مؤمنان، و کمینگاه برای کسی که از پیش با خدا و پیامبرش مبارزه کرده بود؛ آنها سوگند یاد می‌کنند که: «جز نیکی (و خدمت)، نظری نداشته‌ایم!» اما خداوند گواهی می‌دهد که آنها دروغگو هستند!

لَا تَقْمِ فِيهِ أَبَدًا لَمَسْجِدٌ أَسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِحَالٌ
يَحِيُّونَ أَنْ يَظْهَرُوا وَاللَّهُ يَحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ(التوبه/۱۰۸)

هرگز در آن (مسجد به عبادت) نایست! آن مسجدی که از روز نخست بر پایه تقوا بنا شده، شایسته‌تر است که در آن (به عبادت) بایستی؛ در آن، مردانی هستند که دوست می‌دارند پاکیزه باشند؛ و خداوند پاکیزگان را دوست داردا!

وَرَفَعَ أَبْوَيْهِ عَلَى الْعَرْشِ وَخَرُّوا لَهُ سُجَّدًا وَقَالَ يَا أَبْتِ هَذَا تَأْوِيلُ رُؤْيَايِ مِنْ قَبْلُ قَدْ
جَعَلَهَا رَبِّي حَقًّا وَقَدْ أَخْسَنَ بِي إِذْ أَخْرَجَنِي مِنَ السَّجْنِ وَجَاءَ بِكُمْ مِنَ الْبَدْوِ مِنْ بَعْدِ أَنْ
نَزَغَ الشَّيْطَانُ بَيْنِي وَبَيْنَ إِخْوَتِي إِنَّ رَبِّي لَطِيفٌ لِمَا يَشَاءُ إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ
الْحَكِيمُ(یوسف/۱۰۰)

و پدر و مادر خود را بر تخت نشاند؛ و همگی بخارط او به سجده افتادند؛ و گفت: «پدر! این تعبیر خوابی است که قبله دیدم؛ پروردگارم آن را حق قرار دادا و او به من نیکی کرد هنگامی که مرا از زندان بیرون آورد، و شما را از آن بیابان (به اینجا) آورد بعد از

آنکه شیطان، میان من و برادرانم فساد کرد. پروردگارم نسبت به آنچه می‌خواهد (و شایسته می‌داند)، صاحب لطف است؛ چرا که او دانا و حکیم است!

وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طُوعًا وَكَرْهًا وَظِلَالُهُمْ بِالْغُدُوِّ وَالآصَالِ(الرعد/۱۵)

تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند -از روی اطاعت یا اکراه- و همچنین سایه‌هایشان، هر صبح و عصر برای خدا سجده می‌کنند.

فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ(الحجر/۳۰)

همه فرشتگان، بی استثنای سجده کردن...

قالَ لَمْ أَكُنْ لِأَسْجُدَ لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَّاً مَسْنُونٍ(الحجر/۳۳)

گفت: «من هرگز برای بشری که او را از گل خشکیده‌ای که از گل بدبویی گرفته شده است آفریده‌ای، سجده نخواهم کرد!»

أَوْلَمْ يَرَوَا إِلَى مَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ يَتَفَيَّأُ ظِلَالُهُ عَنِ الْيَمِينِ وَالشَّمَائِلِ سُجَّدًا لِلَّهِ وَهُمْ ذَاخِرُونَ(النحل/۴۸)

ایا آنها مخلوقات خدا را ندیدند که سایه‌هایشان از راست و چپ حرکت دارند، و با خضوع برای خدا سجده می‌کنند؟!

وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ ذَابِثٍ وَالْمَلَائِكَةُ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ(النحل/۴۹)

(نه تنها سایه‌ها، بلکه) تمام آنچه در آسمانها و زمین از جنبندگان وجود دارد، و همچنین فرشتگان، برای خدا سجده می‌کنند و تکبر نمی‌ورزند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سُبْخَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيهِ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ(الإسراء/۱)

پاک و منزه است خدایی که بندهاش را در یک شب، از مسجد الحرام به مسجد الاقصی -که گردآگردش را پربرکت ساخته‌ایم- برد، تا برخی از آیات خود را به او نشان دهیم؛ چرا که او شنوا و بیناست.

إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيُسُوءُوا وُجُوهُكُمْ وَلِيُدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أُولَئِكَ مَنْ تَبَرَّأُوا مَا غَلَوْا تَبَرِّهَا(الإسراء/۷)

اگر نیکی کنید، به خودتان نیکی می‌کنید؛ و اگر بدی کنید باز هم به خود می‌کنید. و هنگامی که وعده دوم فرا رسد، (آنچنان دشمن بر شما سخت خواهد گرفت که) آثار غم و اندوه در صورتهایتان ظاهر می‌شود؛ و داخل مسجد (الاقصی) می‌شوند همان گونه که بار اول وارد شدند؛ و آنچه را زیر سلطه خود می‌گیرند، در هم می‌کویند.

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِإِدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ قَالَ أُسْجُدُ لِمَنْ خَلَقْتَ طِينًا (الإسراء ٦١)

(به یاد آورید) زمانی را که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده کنید!» آنها همگی سجده کردند، جز ابلیس که گفت: «آیا برای کسی سجده کنم که او را از خاک آفریده‌ای؟!»

فَلْ أَمِنُوا بِهِ أُولَئِكُمُ تُؤْمِنُوا إِنَّ الَّذِينَ أَوْتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يَتَلَقَّلُ عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا (الإسراء ٧٠)

بگو: «خواه به آن ایمان بیاورید، و خواه ایمان نیاورید، کسانی که پیش از آن به آنها دانش داده شده، هنگامی که (این آیات) بر آنان خوانده می‌شود، سجده‌کنان به خاک می‌افتدند...

وَكَذَلِكَ أَغْرَنَنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا إِذْ يَتَنَازَعُونَ بَيْنَهُمْ أُمْرَهُمْ فَقَالُوا أَبْنُوا عَلَيْهِمْ بُنْيَانًا رَبَّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أُمْرِهِمْ لَنَتَخَذِّنَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا (الكهف ٢١)

و اینچنانین مردم را متوجه حال آنها کردیم، تا بدانند که وعده خداوند (در مورد رستاخیز) حق است؛ و در پایان جهان و قیام قیامت شکی نیست! در آن هنگام که میان خود درباره کار خویش نزاع داشتند، گروهی می‌گفتند: «بنایی بر آنان بسازید (تا برای همیشه از نظر پنهان شوند! و از آنها سخن نگویید که) پروردگارشان از وضع آنها آگاهتر است!» ولی آنها که از رازشان آگاهی یافته‌اند (و آن را دلیلی بر رستاخیز دیدند) گفتند: «ما مسجدی در کنار (مدفن) آنها می‌سازیم (تا خاطره آنان فراموش نشود).»

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِإِدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أُمْرِ رَبِّهِ أَفْتَخِذُونَهُ وَدَرِيَتَهُ أُولِيَاءِ مِنْ دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا (الكهف ٥٠)

به یاد آرید زمانی را که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده کنید!» آنها همگی سجده کردند جز ابلیس -که از جن بود- و از فرمان پروردگارش بیرون شد آیا (با این

حال، او و فرزندانش را به جای من اولیای خود انتخاب می‌کنید، در حالی که آنها دشمن شما هستند؟! (فرمانبرداری از شیطان و فرزندانش به جای اطاعت خدا، چه جایگزینی بدی است برای ستمکاران!

أَوْلَئِكَ الَّذِينَ أَعْمَلُوا لِلَّهِ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّنَ مِنْ ذُرْيَةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِنْ ذُرْيَةِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَائِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُوا سُجَّدًا وَبَكَيْا (مریم/۵۸)

آنها پیامبرانی بودند که خداوند مشمول نعمتشان قرار داده بود، از فرزندان آدم، و از کسانی که با نوح بر کشتی سوار کردیم، و از دودمان ابراهیم و یعقوب، و از کسانی که هدایت کردیم و برگزیدیم. آنها کسانی بودند که وقتی آیات خداوند رحمان بر آنان خوانده می‌شد به خاک می‌افتدند، در حالی که سجده می‌کردند و گربان بودند.

فَالْقَوْيِ السَّحْرَةِ سُجَّدًا قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَمُوسَى (طه/۷۰)

(موسی عصای خود را افکند، و آنچه را که آنها ساخته بودند بلعید). ساحران همگی به سجده افتادند و گفتند: «ما به پروردگار هارون و موسی ایمان آوردیم!»
وَإِذْ قُلْنَا لِلْمُلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَتَى (طه/۱۱۶)
و به یاد آور هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده کنید!» همگی سجده کردند؛ جز ابلیس که سرباز زد (و سجده نکرد)!

أَلْمَ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنَّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوَابُ وَكَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقٌّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ وَمَنْ يَهِنَ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ إِنَّ اللَّهَ يَفْعُلُ مَا يَشَاءُ (الحج/۱۸)

ایا ندیدی که تمام کسانی که در آسمانها و کسانی که در زمینند برای خدا سجده می‌کنند؟! و (همچنین) خورشید و ماه و ستارگان و کوهها و درختان و جنبندگان، و بسیاری از مردم! اما بسیاری (ایا دارند، و) فرمان عذاب درباره آنان حتمی است؛ و هر کس را خدا خوار کند، کسی او را گرامی نخواهد داشت! خداوند هر کار را بخواهد (و صلاح بداند) انجام می‌دهد!

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصْنَعُونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْأَبَادِ وَمَنْ يَرِدُ فِيهِ بِالْحَادِ بِظُلْمٍ نُدْفَهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ (الحج/۲۵)

کسانی که کافر شدند، و مؤمنان را از راه خدا بازداشتند، و (همچنین) از مسجد الحرام، که آن را برای همه مردم، برابر قرار دادیم، چه کسانی که در آنجا زندگی می‌کنند یا از نقاط دور وارد می‌شوند («مستحق عذابی درداکنند»؛ و هر کس بخواهد در این سرزمین از راه حق منحرف گردد و دست به ستم زند، ما از عذابی درداک به او می‌چشانیم!

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا رَبُّكُمْ وَاعْلُمُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ(الحج ۷۷)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! رکوع کنید، و سجود بجا آورید، و پروردگارتان را عبادت کنید، و کار نیک انجام دهید، شاید رستگار شوید!

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَنِ قَالُوا وَمَا الرَّحْمَنُ أَنْسِجَدُ لِمَا تَأْمُرُنَا وَرَادُهُمْ نُفُورًا(الفرقان ۶۰)

و هنگامی که به آنان گفته شود: «برای خداوند رحمان سجده کنید!» می‌گویند: «رحمان چیست؟! (ما اصلاً رحمان را نمی‌شناسیم) آیا برای چیزی سجده کنیم که تو به ما دستور می‌دهی؟!» (این سخن را می‌گویند) و بر نفرتشان افزوده می‌شود!

وَالَّذِينَ بِيَقِنَّةٍ لِرَبِّهِمْ سُجَّدُوا وَقِيَامًا(الفرقان ۶۴)

کسانی که شبانگاه برای پروردگارشان سجده و قیام می‌کنند؛

وَجَدَتُهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَرَئَنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ(النمل ۲۴)

او قومش را دیدم که برای غیر خدا -خورشید- سجده می‌کنند؛ و شیطان اعمالشان را در نظرشان جلوه داده، و آنها را از راه بازداشتند؛ و از این رو هدایت نمی‌شوند!»

أَلَا يَسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي يَخْرِجُ الْخَبَأَ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُحْكُمُ وَمَا تُعْلِمُونَ(النمل ۲۵)

چرا برای خداوندی سجده نمی‌کنند که آنچه را در آسمانها و زمین پنهان است خارج (و آشکار) می‌سازد، و آنچه را پنهان می‌دارید یا آشکار می‌کنید می‌داند؟!

إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِرُوا بِهَا حَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يُشَتَّبِهُونَ (السجدة/١٥)

تنها کسانی که به آیات ما ایمان می‌آورند که هر وقت این آیات به آنان یادآوری شود به سجده می‌افتد و تسبیح و حمد پروردگارشان را بجا می‌آورند، و تکبر نمی‌کنند.

فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ (ص/٧٣)

در آن هنگام همه فرشتگان سجده کردند،

قَالَ يَا إِلَيَّسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتَ بِيَدِي أَسْتَكْبِرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالَمِينَ (ص/٧٥)

گفت: «ای ابلیس! چه چیز مانع تو شد که بر مخلوقی که با قدرت خود او را آفریدم سجده کنی؟! آیا تکبر کردی یا از برترینها بودی؟! (برتر از اینکه فرمان سجود به تو داده شود!)»

وَمِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالقَمَرُ لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِنْ كُنْتُمْ إِيمَانًا تَعْبُدُونَ (فصلت/٣٧)

و از نشانه‌های او، شب و روز و خورشید و ماه است؛ برای خورشید و ماه سجده نکنید، برای خدایی که آفریننده آنهاست سجده کنید اگر می‌خواهید او را ببرستید!

هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَنَدُوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهُدْيٌ مَعْكُوفٌ أَنْ يَبْلُغَ مَحْلَهُ وَلَوْلَا رِحَالٌ مُؤْمِنُونَ وَنِسَاءٌ مُؤْمِنَاتٌ لَمْ تَأْتِهِمْ فَتُصْبِيَكُمْ مِنْهُمْ مَعَرَّةٌ بِغَيْرِ عِلْمٍ لِيُدْخِلَ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ لَوْ تَرَيْلُوا لَعَذَبَنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (الفتح/٢٥)

آنها کسانی هستند که کافر شدند و شما را از (زيارت) مسجد الحرام و رسیدن قربانیه‌ایتان به محل قربانگاه بازداشتند؛ و هرگاه مردان و زنان با ایمانی در این میان بدون آگاهی شما، زیر دست و پا، از بین نمی‌رفتند که از این راه عیب و عاری ناآگاهانه به شما می‌رسید، (خداؤند هرگز مانع این جنگ نمی‌شد)! هدف این بود که خدا هر کس را می‌خواهد در رحمت خود وارد کند؛ و اگر مؤمنان و کفار (در مکه) از هم جدا می‌شدند، کافران را عذاب دردنگی می‌کردیم!

لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولُهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلُنَ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ أَمِينٌ
مُحَلَّقِينَ رُءُوسَكُمْ وَمَقْصِرِينَ لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَلِكَ فَتْحًا
فَرِيْبِيَا(الفتح) (۲۷)

خداؤند آنچه را به پیامبرش در عالم خواب نشان داد راست گفت؛ بطور قطع همه شما بخواست خدا وارد مسجد الحرام می شوید در نهایت امنیت و در حالی که سرهای خود را تراشیده یا کوتاه کرده اید و از هیچ کس ترس و وحشتی ندارید؛ ولی خداوند چیزهایی را می دانست که شما نمی دانستید (و در این تأخیر حکمتی بود)؛ و قبل از آن، فتح نزدیکی (برای شما) قرار داده است.

مُحَمَّدُ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أُشْدِئُوا عَلَى الْكُفَّارِ رُحْمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا
يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أُثْرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثْلُهُمْ فِي
الْتَّوْرَأِ وَمَثْلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَرَزَعٌ أَخْرَجَ شَطَأً فَآرَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يَعْجِبُ
الرُّزْاعَ لِيغَيِّطَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا
عَظِيمًا(الفتح) (۲۹)

محمد (ص) فرستاده خدادست؛ و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند؛ پیوسته آنها را در حال رکوع و سجود می بینی در حالی که همواره فضل خدا و رضای او را می طلبند؛ نشانه آنها در صورتشان از اثر سجده نمایان است؛ این توصیف آنان در تورات و توصیف آنان در انجیل است، همانند زراعتی که جوانه های خود را خارج ساخته، سپس به تقویت آن پرداخته تا محکم شده و بر پای خود ایستاده است و بقدرتی نمو و رشد کرده که زارعان را به شگفتی وامی دارد؛ این برای آن است که کافران را به خشم آورد (ولی) کسانی از آنها را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، خداوند وعده آمرزش و اجر عظیمی داده است.

فَاسْجُدُوا لِلَّهِ وَاغْبُدُوا(النجم/۶۲)

حال که چنین است همه برای خدا سجده کنید و او را بپرستید!
وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدُانِ(الرحمن/۶)
و گیاه و درخت برای او سجده می کنند!

وَمِنَ الْلَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبَّحَ لَيْلًا طَوِيلًا(الإنسان/۲۶)

و در شبانگاه برای او سجده کن، و مقداری طولانی از شب، او را تسبیح گوی!

إِذَا فَرِيَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ(الاشتقاق/۲۱)

و هنگامی که قرآن بر آنها خوانده می شود سجده نمی کنند؟!

كَلَّا لَا تُطِعْنَهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ(العلق/۱۹)

چنان نیست (که آن طغیانگر می پندارد)، هرگز او را اطاعت مکن، و سجده نما و (به خدا) تقرب جوی!

مسجد در کلام الله

فَدَنَرَى تَقْلِبَ وَجْهَكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوْلِينَكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلَّ وَجْهَكَ شَطَرَ الْمَسْجِدِ
الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُوا وَجْهَكُمْ شَطَرَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ
مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ(البقرة/۱۴۴)

نگاههای انتظارآمیز تو را به سوی آسمان (برای تعیین قبله نهایی) می بینیم! اکنون تو را به سوی قبله ای که از آن خشنود باشی، باز می گردانیم. پس روی خود را به سوی مسجد الحرام کن! و هر جا باشید، روی خود را به سوی آن بگردانید! و کسانی که کتاب آسمانی به آنها داده شده، بخوبی می دانند این فرمان حقی است که از ناحیه پروردگارشان صادر شده؛ (و در کتابهای خود خوانده اند که پیغمبر اسلام، به سوی دو قبله، نماز می خواند). و خداوند از اعمال آنها (در مخفی داشتن این آیات) غافل نیست!
وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلَّ وَجْهَكَ شَطَرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِنَّهُ لِلْحَقِّ مِنْ رَبِّكَ وَمَا اللَّهُ
بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ(البقرة/۱۴۹)

از هر جا (و از هر شهر و نقطه ای) خارج شدی، (به هنگام نماز)، روی خود را به جانب «مسجد الحرام» کن! این دستور حقی از طرف پروردگار توست! و خداوند، از آنچه انجام می دهید، غافل نیست!

وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلَّ وَجْهَكَ شَطَرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُوا
وَجْهَكُمْ شَطَرَهُ لِنَلَا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حَجَّ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ فَلَا تَخْشُوْهُمْ
وَأَخْشُوْنِي وَلَا تَمَّ نِعْمَتِي عَلَيْكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ(البقرة/۱۵۰)

و از هر جا خارج شدی، روی خود را به جانب مسجد الحرام کن! و هر جا بودید، روی خود را به سوی آن کنیدا تا مردم، جز ظالمان (که دست از لجاجت برنمی‌دارند)، دلیلی بر ضد شما نداشته باشند؛ (زیرا از نشانه‌های پیامبر، که در کتب آسمانی پیشین آمده، این است که او، به سوی دو قبله، نماز می‌خواند). از آنها نترسیدا و (تنها) از من بترسید! (این تغییر قبله، به خاطر آن بود که) نعمت خود را بر شما تمام کنم، شاید هدایت شوید!

وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ شَقِّيْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تُفَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يَقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِنْ قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ (البقرة/۱۹۱)

و آنها را [= بت پرستانی که از هیچ گونه جنایتی ابا ندارند] هر کجا یافتید، به قتل برسانید! و از آن جا که شما را بیرون ساختند [= مکه]، آنها را بیرون کنید! و فتنه (و بت پرستی) از کشتار هم بدتر است! و با آنها، در نزد مسجد الحرام (در منطقه حرم)، جنگ نکنید! مگر اینکه در آن جا با شما بجنگند. پس اگر (در آن جا) با شما پیکار کردند، آنها را به قتل برسانیدا چنین است جزای کافران!

وَأَتَيْمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أَخْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسِرَ مِنَ الْهَدْيِ وَلَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّى يُبْلِغَ الْهَدْيُ مَحِلَّهُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ إِلَيْهِ أَدْبَرَ مِنْ رَأْسِهِ فَفِدِيَّةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ فَإِذَا أَمْنَتُمْ فَمَنْ تَمَّتَعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجَّ فَمَا اسْتَيْسِرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامٌ ثَلَاثَةُ أَيَّامٍ فِي الْحَجَّ وَسَعْيٌ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشَرَةً كَامِلَةً ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلَهُ
خاصِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْمَلُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (البقرة/۱۹۶)

و حج و عمره را برای خدا به اتمام برسانیدا و اگر محصور شدید، (و مانعی مانند ترس از دشمن یا بیماری، اجازه نداد که پس از احرام بستن، وارد مکه شوید)، آنچه از قربانی فراهم شود (ذبح کنید، و از احرام خارج شوید)! و سرهای خود را نتراشید، تا قربانی به محلش برسد (و در قربانگاه ذبح شود)! و اگر کسی از شما بیمار بود، و یا ناراحتی در سر داشت، (و ناچار بود سر خود را بتراشد)، باید فدیه و کفاره‌ای از قبیل روزه یا صدقه یا گوسفندنی بدهد! و هنگامی که (از بیماری و دشمن) در امان بودید، هر کس با ختم عمره، حج را آغاز کند، آنچه از قربانی برای او میسر است (ذبح کند)! و هر که نیافت، سه روز در ایام حج، و هفت روز هنگامی که باز می‌گردید، روزه بدارد! این، ده روز

کامل است. (البته) این برای کسی است که خانواده او، نزد مسجد الحرام نباشد [= اهل مکه و اطراف آن نباشد]. و از خدا پرھیزیدا و بدانید که او، سخت کیفر است! یسأّلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٌ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدٌّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ
وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجٌ أهْلَهُ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ وَالْفِتْنَهُ أَكْبَرُ مِنَ القُتْلِ وَلَا يَرَأُونَ
يَقَاتِلُونَكُمْ حَتَّىٰ يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِّي أَسْتَطَاعُو وَمَنْ يُرْتَدِّدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيُمَتَّ وَهُوَ
كَافِرٌ فَأَوْلَئِكَ حَيْطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَهِ وَأَوْلَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا
خَالِدُونَ (البقرة/۲۱۷)

از تو، در باره جنگ کردن در ماه حرام، سؤال می‌کنند؛ بگو: «جنگ در آن، (گناهی) بزرگ است؛ ولی جلوگیری از راه خدا (و گرایش مردم به آیین حق) و کفر ورزیدن نسبت به او و هتك احترام مسجد الحرام، و اخراج ساکنان آن، نزد خداوند مهمتر از آن است؛ و ایجاد فتنه، (و محیط نامساعد، که مردم را به کفر، تشویق و از ایمان بازمی‌دارد) حتی از قتل بالاتر است. و مشرکان، پیوسته با شما می‌جنگند، تا اگر بتوانند شما را از آیینتان برگردانند؛ ولی کسی که از آیینش برگردد، و در حال کفر بمیرد، تمام اعمال نیک (گذشته) او، در دنیا و آخرت، برباد می‌رود؛ و آنان اهل دوزخند؛ و همیشه در آن خواهند بود.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُحِلُّوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرُ الْحَرَامُ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا أَمْيَنَ
الْبَيْتُ الْحَرَامُ يَنْتَغِيْنَ فَضْلًا مِنْ رَبِّهِمْ وَرَضُوا إِنَّا حَلَّتُمُ فَاصْطَادُوا وَلَا يَجِرْمَنَكُمْ شَنَآنُ
قَوْمٌ أَنْ صَدُوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا وَتَعَاوِنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالْتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوِنُوا
عَلَى الْإِثْمِ وَالْعَدْوَانِ وَأَنْقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (المائدہ/۲)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شاعر و حدود الهی (و مراسم حج را محترم بشمریدا و مخالفت با آنها) را حلال ندانید! و نه ماه حرام را، و نه قربانیهای بی‌نشان و نشاندار را، و نه آنها را که به قصد خانه خدا برای به دست آوردن فضل پروردگار و خشنودی او می‌آیند! اما هنگامی که از احرام بیرون آمدید، صید کردن برای شما مانع ندارد. و خصومت با جمعیتی که شما را از آمدن به مسجد الحرام (در سال حدبیه) بازداشتند، نباید شما را وادار به تعدی و تجاوز کنند! و (همواره) در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاوون کنید! و (هرگز) در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید! و از (مخالفت فرمان) خدا پرھیزید که مجازات خدا شدید است!

قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وَجْهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَإذْهُوَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ
كَمَا بَدَأْكُمْ تَعْوِذُونَ(الأعراف/۲۹)

بغو: «پروردگارم امر به عدالت کرده است؛ و توجه خویش را در هر مسجد (و به هنگام
عبادت) به سوی او کنید! و او را بخوانید، در حالی که دین (خود) را برای او خالص
گردانید! (و بدانید) همان گونه که در آغاز شما را آفرید، (بار دیگر در رستاخیز)
بازمی گردید!

يَا بَنِي آدَمَ حَذُّوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرُبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَآ يِحِبُّ
الْمُسْرِفِينَ(الأعراف/۳۱)

ای فرزندان آدم! زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد، با خود بردارید! و (از نعمتهای
اللهی) بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست نمی دارد!
وَمَا لَهُمْ أَلَا يَعْدِهُمُ اللَّهُ وَهُمْ يَصْدُونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَا كَانُوا أُولَيَاءً إِنْ أُولَيَاؤُهُ
إِلَّا الْمُتَّقُونَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ(الأنفال/۳۴)

چرا خدا آنها را مجازات نکند، با اینکه از (عبادت موحدان در کنار) مسجد الحرام
جلوگیری می کنند در حالی که سرپرست آن نیستند؟! سرپرست آن، فقط
پرهیز گاراند؛ ولی بیشتر آنها نمی دانند.

كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ رَسُولِهِ إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدُتُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ
الْحَرَامِ فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَأَسْتَقِيمُوا لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ يِحِبُّ الْمُتَّقِينَ(التوبه/۷)

چگونه برای مشرکان پیمانی نزد خدا و رسول او خواهد بود (در حالی که آنها همواره
آماده شکستن پیمانشان هستند)؟! مگر کسانی که نزد مسجد الحرام با آنان پیمان
بستید، (و پیمان خود را محترم شمردنند)؛ تا زمانی که در برابر شما وفادار باشند، شما
نیز وفاداری کنید، که خداوند پرهیز گاران را دوست دارد!

أَجْعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجَّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي
سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْفُؤَادَ الظَّالِمِينَ(التوبه/۱۹)

آیا سیراب کردن حاج، و آباد ساختن مسجد الحرام را، همانند (عمل) کسی قرار
دادید که به خدا و روز قیامت ایمان آورده، و در راه او جهاد کرده است؟!(این دو)، نزد
خدا مساوی نیستند! و خداوند گروه ظالمان را هدایت نمی کندا

يا أيها الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا
وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يَعْنِيْكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ(التوبه/۲۸)

ای کسانی که ایمان آورده اید! مشرکان ناپاکند؛ پس نباید بعد از امسال، نزدیک مسجد الحرام شوند! و اگر از فقر می ترسید، خداوند هرگاه بخواهد، شما را به کرمش بیناز می سازد؛ (و از راه دیگر جبران می کند؛) خداوند دانا و حکیم است.

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضَرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ خَارَبَ اللَّهَ
وَرَسُولُهُ مِنْ قَبْلٍ وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدُهَا إِلَّا الْحُسْنَى وَاللَّهُ يَشْهُدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ(التوبه/۱۰۷)

(گروهی دیگر از آنها) کسانی هستند که مسجدی ساختند برای زیان (به مسلمانان)، و (تقویت) کفر، و تفرقه افکنی میان مؤمنان، و کمینگاه برای کسی که از پیش با خدا و پیامبرش مبارزه کرده بود؛ آنها سوگند یاد می کنند که: «جز نیکی (و خدمت)، نظری نداشته ایم!» اما خداوند گواهی می دهد که آنها دروغگو هستند!

لَا تَقْمِ فِيهِ أَبَدًا لَمَسْجِدٌ أَسْسَنَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ رِجَالٌ
يَحْبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يَحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ(التوبه/۱۰۸)

هرگز در آن (مسجد به عبادت) نایست! آن مسجدی که از روز نخست بر پایه تقوا بنا شده، شایسته تر است که در آن (به عبادت) بایستی؛ در آن، مردانی هستند که دوست می دارند پاکیزه باشند؛ و خداوند پاکیزگان را دوست دارند!

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعْنَدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى
الْمَسْجِدِ الْأَقصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيهِ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ(الإسراء/۱)
پاک و منزه است خدایی که بندهاش را در یک شب، از مسجد الحرام به مسجد الاقصی -که گردآگردش را پریرکت ساخته ایم- برد، تا برخی از آیات خود را به او نشان دهیم؛ چرا که او شنوا و بیناست.

إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيُسُوءُوا وُجُوهُكُمْ
وَلِيُدْخِلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلَيُتَبَرَّوْ مَا عَلَوْا تَتْبِيرًا(الإسراء/۷)

اگر نیکی کنید، به خودتان نیکی می کنید؛ و اگر بدی کنید باز هم به خود می کنید. و هنگامی که وعده دوم فرا رسد، (آنچنان دشمن بر شما سخت خواهد گرفت که) آثار

غم و اندوه در صورتهایتان ظاهر می‌شود؛ و داخل مسجد (الاقصی) می‌شوند همان گونه که بار اول وارد شدند؛ و آنچه را زیر سلطه خود می‌گیرند، در هم می‌کویند.
 وَكَذِلِكَ أَعْثَرَنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا إِذْ يَتَّسَعُونَ
 بَيْنَهُمْ أَمْرُهُمْ فَقَالُوا أَبْنُوا عَلَيْهِمْ بُنْيَانًا رَبْهُمْ أَغْلَمْ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ عَلَيْهِمْ أَمْرِهِمْ
 لَنَتَخَذِّنَ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا (الكهف/ ۲۱)

و اینچنان مردم را متوجه حال آنها کردیم، تا بدانند که وعده خداوند (در مورد رستاخیز) حق است؛ و در پایان جهان و قیام قیامت شکی نیست! در آن هنگام که میان خود درباره کار خویش نزاع داشتند، گروهی می‌گفتند: «بنایی بر آنان بسازید (تا برای همیشه از نظر پنهان شوند) و از آنها سخن نگویید که پروردگارشان از وضع آنها آگاهتر است!» ولی آنها که از رازشان آگاهی یافتند (و آن را دلیلی بر رستاخیز دیدند) گفتند: «ما مسجدی در کنار (مدفن) آنها می‌سازیم (تا خاطره آنان فراموش نشود).»
 إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَا لِلنَّاسِ سَواءً
 الْعَاكِفِ فِيهِ وَالْبَادِ وَمَنْ يَرِدْ فِيهِ بِالْخَادِ يُظْلَمُ نُدْقَهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ (الحج/ ۲۵)
 کسانی که کافر شدند، و مؤمنان را از راه خدا بازداشتند، و (همچنین) از مسجد الحرام، که آن را برای همه مردم، برابر قراردادیم، چه کسانی که در آنجا زندگی می‌کنند یا از نقاط دور وارد می‌شوند («مستحق عذابی در دنگند»؛ و هر کس بخواهد در این سرزمین از راه حق منحرف گردد و دست به ستم زند، ما از عذابی در دنگ به او می‌چشانیم!

هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهَدْيُ مَعْكُوفًا أَنْ يَبْلُغَ مَحْلَهُ وَلَوْا
 رِجَالٌ مُؤْمِنُونَ وَنِسَاءٌ مُؤْمِنَاتٌ لَمْ تَعْلَمُوهُمْ أَنْ تَطْئُوهُمْ فَتُصْبِيَنَّكُمْ مِنْهُمْ مَغَرَّةً بِغَيْرِ عِلْمٍ
 لِيدْخُلَ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ لَوْ تَرَيَلُوا لَعَذَبَنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا
 أَلِيمًا (الفتح/ ۲۵)

آنها کسانی هستند که کافر شدند و شما را از (زيارت) مسجد الحرام و رسیدن قربانیهایتان به محل قربانگاه بازداشتند؛ و هرگاه مردان و زنان با ایمانی در این میان بدون آگاهی شما، زیر دست و پا، از بین نمی‌رفتند که از این راه عیب و عاری ناآگاهانه به شما می‌رسید، (خداآند هرگز مانع این جنگ نمی‌شد)! هدف این بود که خدا هر

کس را می خواهد در رحمت خود وارد کند؛ و اگر مؤمنان و کفار (در مکه) از هم جدا می شدند، کافران را عذاب در دنای کسی می کردیم!

لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولُهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلُنَ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ أَمِينٌ
مُّحَكَّمٌ رُّؤُوسَكُمْ وَمُّقْصَرِينَ لَا تَخَافُونَ فَعَلِمْ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذِكْرٍ فَتْحًا
فَرِيئِيَا (الفتح/۲۷)

خداؤند آنچه را به پیامبرش در عالم خواب نشان داد راست گفت؛ بطور قطع همه شما بخواست خدا وارد مسجد الحرام می شوید در نهایت امنیت و در حالی که سرهای خود را تراشیده یا کوتاه کرده اید و از هیچ کس ترس و وحشتی ندارید؛ ولی خداوند چیزهایی را می دانست که شما نمی دانستید (و در این تأخیر حکمتی بود)؛ و قبل از آن، فتح نزدیکی (برای شما) قرار داده است.

مسجد در کلام الله

وَمَنْ أَطْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَى فِي خَرَابِهَا أَوْلَئِكَ مَا
كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْنٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ
غَلِظٌ (البقرة/۱۴)

کیست ستمکارتر از آن کس که از بردن نام خدا در مساجد او جلوگیری کرد و سعی در ویرانی آنها نمود؟! شایسته نیست آنان، جز با ترس و وحشت، وارد این (کانونهای عبادت) شوند. بهره آنها در دنیا (فقط) رسوایی است و در سرای دیگر، عذاب عظیم !! (الهی)

أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَانِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ عِلْمَ اللَّهِ أَنَّكُمْ
كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ
وَكُلُّوا وَاشْرُبُوا حَتَّى يَبَيِّنَ لَكُمُ الْحَيْطُ الْأَبِيْضُ مِنَ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَيْمُّوا
الصِّيَامَ إِلَى الْلَّيْلِ وَلَا تَبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا
تَقْرَبُوهَا كَذِلِكَ يَبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقَوْنَ (البقرة/۱۸۷)

امیزش جنسی با همسرانتان، در شب روزهایی که روزه می گیرید، حلال است. آنها لباس شما هستند؛ و شما لباس آنها (هر دو زینت هم و سبب حفظ یکدیگرید). خداوند می دانست که شما به خود خیانت می کردید؛ (و این کار منعو را انجام می دادید)، پس توبه شما را پذیرفت و شما را بخشید. اکنون با آنها آمیزش کنید، و

آنچه را خدا برای شما مقرر داشته، طلب نمایید! و بخورید و بیاشامید، تا رشته سپید صبح، از رشته سیاه (شب) برای شما آشکار گردد! سپس روزه را تا شب، تکمیل کنید! و در حالی که در مساجد به اعتکاف پرداخته اید، با زنان آمیزش نکنید! این، مرزهای الهی است؛ پس به آن نزدیک نشوید! خداوند، این چنین آیات خود را برای مردم، روشن می سازد، باشد که پرهیز کار گردند!

مَا كَانَ لِّلْمُسْرِكِينَ أَنْ يَعْمَرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ بِالْكُفْرِ أُولَئِكَ حَبَطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ (التوبه/ ۱۷)

بشرکان حق ندارند مساجد خدا را آباد کنند در حالی که به کفر خویش گواهی می دهند! آنها اعمالشان نابود (و بی ارزش) شده؛ و در آتش (دوزخ)، جاودانه خواهند ماند!

إِنَّمَا يَعْمَرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَوةَ وَلَمْ يَخْشِ إِلَّا اللَّهُ فَعَسَى أُولَئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ (التوبه/ ۱۸)

مساجد خدا را تنها کسی آباد می کند که ایمان به خدا و روز قیامت آورده، و نماز را برپا دارد، و زکات را پردازد، و جز از خدا نترسد؛ امید است چنین گروهی از هدایت یافتگان باشند.

الَّذِينَ أَخْرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهُدِّمَتْ صَوَامِعٍ وَبَيْعٍ وَصَلَوَاتٍ وَمَسَاجِدٍ يُذْكُرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيُنَصَّرَنَّ اللَّهُ مَنْ يُنَصِّرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوْيٌ عَزِيزٌ (الحج/ ۴۰)

همانها که از خانه و شهر خود، به ناحق رانده شدند، جز اینکه می گفتند: «پروردگار ما، خدای یکتاست!» و اگر خداوند بعضی از مردم را بوسیله بعضی دیگر دفع نکند، دیرها و صومعه ها، و معابد یهود و نصارا، و مساجدی که نام خدا در آن بسیار بردہ می شود، ویران می گردد! و خداوند کسانی را که یاری او کنند (و از آیینش دفاع نمایند) یاری می کند؛ خداوند قوی و شکست ناپذیر است.

وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا (الجن/ ۱۸)

و اینکه مساجد از آن خداست، پس هیچ کس را با خدا نخوانید!

ساجد در کلام الله

وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قَلَّا لِلْمُلَائِكَةِ اسْجَدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ يَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ (الأعراف/١١)

ما شما را آفریدیم؛ سپس صورت بندی کردیم؛ بعد به فرشتگان گفتیم: «برای آدم خصوع کنید!» آنها همه سجده کردند؛ جز ابلیس که از سجده کنندگان نبود.

وَأَلْقَى السَّحْرَةِ سَاجِدِينَ (الأعراف/١٢٠)
و ساحران (بی اختیار) به سجده افتادند.

الثَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْخَامِدُونَ السَّائِخُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْأَمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ
وَالنَّاهِوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَاضِفُونَ لِحَدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ (التوبه/١١٢)
تبوه کنندگان، عبادت کاران، سپاسگویان، سیاحت کنندگان، رکوع کنندگان، سجده آوران، أمران به معروف، نهی کنندگان از منکر، و حافظان حدود (و مرزهای الهی، (مؤمنان حقیقی اند)، و بشارت ده به (اینچنین) مؤمنان!
إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبْتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكِيَّا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لَى سَاجِدِينَ (يوسف/٤)

(به خاطر بیاور) هنگامی را که یوسف به پدرش گفت: «پدرم! من در خواب دیدم که یازده ستاره، و خورشید و ماه در برابر سجده می کنند!»

فَإِذَا سَوَّبَتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ (الحجر/٣٩)

هنگامی که کار آن را به پایان رساندم، و در او از روح خود (یک روح شایسته و بزرگ) دمیدم، همگی برای او سجده کنید!»

إِلَّا إِبْلِيسَ أَنِّي أَنْ يَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ (الحجر/٣١)

جز ابلیس، که ابا کرد از اینکه با سجده کنندگان باشد.

فَالَّا يَأْلِمُ مَا لَكَ أَلَا تَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ (الحجر/٣٢)

(خداؤند) فرمود: «ای ابلیس! چرا با سجده کنندگان نیستی؟!»

فَسَبَّبَ حِبْمَدِ رَبِّكَ وَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ (الحجر/٩٨)

(برای دفع ناراحتی آنان) پروردگارت را تسبیح و حمد گو! و از سجده کنندگان باش!

الَّذِينَ أَخْرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ
بِبَعْضٍ لَهُدِّمَتْ صَوَامِعٍ وَبَيْعٍ وَصَلَوَاتٍ وَمَسَاجِدٍ يَذْكُرُ فِيهَا اسْمَ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيُنْصُرَنَّ اللَّهُ
مَنْ يُنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوْيٌ عَزِيزٌ(الحج١٤٠)

همانها که از خانه و شهر خود، به ناحق رانده شدند، جز اینکه می‌گفتند: «پروردگار ما،
خدای یکتاست!» و اگر خداوند بعضی از مردم را بوسیله بعضی دیگر دفع نکند، دیرها
و صومعه‌ها، و معابد یهود و نصارا، و مساجدی که نام خدا در آن بسیار بردہ می‌شود،
ویران می‌گردد! و خداوند کسانی را که یاری او کنند (و از آیینش دفاع نمایند) یاری
می‌کند؛ خداوند قوی و شکست ناپذیر است.

فَأَلْقَى السَّحْرَةُ سَاجِدِينَ(الشعراء٤٦)

فوراً همه ساحران به سجده افتادند.

وَتَقَلَّبَكَ فِي السَّاجِدِينَ(الشعراء٢١٩)

و (نیز) حرکت تو را در میان سجده کنندگان!

فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَحْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ(ص٧٢)

هنگامی که آن را نظام بخشیدم و از روح خود در آن دمیدم، برای او به سجده افتید!

أَمْنٌ هُوَ قَاتِنٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَخْذُرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هُلْ يَسْتَوِي

الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ(الزمر٩)

(آیا چنین کسی با ارزش است) یا کسی که در ساعات شب به عبادت مشغول است و

در حال سجده و قیام، از عذاب آخرت می‌ترسد و به رحمتپروردگارش امیدوار است؟!

بگو: «آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟! تنها خردمندان متذکر

می‌شوند!

عمره و مشتقاش در قرآن

وَأَتَمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أَخْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَلَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّىٰ
يَبْلُغَ الْهَدْيِ مَحِلَّهُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذْيَى مِنْ رَأْسِهِ فَفَدِيَّةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ
أَوْ نُسُكٍ فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَمَنْ تَمَّتَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجَّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ

**فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجَّ وَسَبَعَةٌ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشَرَةً كَامِلَةً ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلَهُ
خَاصِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَأَتَقْوَ اللَّهَ وَأَغْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ(البقرة ۱۹۶)**

و حج و عمره را برای خدا به اتمام برسانید! و اگر محصور شدید، (و مانعی مانند ترس از دشمن یا بیماری، اجازه نداد که پس از احرام بستن، وارد مکه شوید)، آنچه از قربانی فراهم شود (ذبح کنید، و از احرام خارج شوید)! و سرهای خود را نتراشید، تا قربانی به محلش برسد (و در قربانگاه ذبح شود)! و اگر کسی از شما بیمار بود، و یا ناراحتی در سر داشت، (و ناچار بود سر خود را بتراشد)، باید فدیه و کفاره‌ای از قبیل روزه یا صدقه یا گوسفنده بدهد! و هنگامی که (از بیماری و دشمن) در امان بودید، هر کس با ختم عمره، حج را آغاز کند، آنچه از قربانی برای او میسر است (ذبح کند) و هر که نیافت، سه روز در ایام حج، و هفت روز هنگامی که باز می‌گردید، روزه بدارد! این، ده روز کامل است. (البته) این برای کسی است که خانواده او، نزد مسجد الحرام نباشد [= اهل مکه و اطراف آن نباشد]. و از خدا بپرهیزید! و بدانید که او، سخت‌کیفر است!

**مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمَرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَى أَنفُسِهِمْ بِالْكُفْرِ أُولَئِكَ
حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ(التوبه ۱۷)**

بشرکان حق ندارند مساجد خدا را آباد کنند در حالی که به کفر خویش گواهی می‌دهند! آنها اعمالشان نابود (و بی‌ارزش) شده؛ و در آتش (دوزخ)، جاودانه خواهند ماند!

**إِنَّمَا يَعْمَرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مِنْ أَمْنَ بِاللَّهِ وَأَلْيَومَ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاءَ وَلَمْ يَخْشِ
إِلَّا اللَّهُ فَعَسَى أُولَئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهَتَّدِينَ(التوبه ۱۸)**

مسجد خدا را تنها کسی آباد می‌کند که ایمان به خدا و روز قیامت آورده، و نماز را برپا دارد، و زکات را بپردازد، و جز از خدا نترسد؛ امید است چنین گروهی از هدایت‌یافتنگان باشند.

**فَلْ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا تَأْوِلُتُهُ عَلَيْكُمْ وَلَا أَذْرَاكُمْ بِهِ فَقَدْ لَبِثْتُ فِيْكُمْ عُمْرًا مِنْ قَبْلِهِ أَفَلَا
تَعْقِلُونَ(یونس ۱۶)**

بگو: «اگر خدا می‌خواست، من این آیات را بر شما نمی‌خواندم؛ و خداوند از آن آگاهتان نمی‌کرد؛ چه اینکه مدت‌ها پیش از این، در میان شما زندگی نمودم؛ (و هرگز آیه‌ای نیاوردم؛ آیا نمی‌فهمید؟!»

وَإِلَىٰ ثُمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَأَسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَأَسْتَغْفِرُهُ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّيٍّ قَرِيبٌ مُجِيبٌ(هود/٤١)

و بسوی قوم «ثُمُود»، برادرشان «صالح» را (فرستادیم)؛ گفت: «ای قوم من! خدا را پرسش کنید، که معبدی جز او برای شما نیست! اوست که شما را از زمین آفرید، و آبادی آن را به شما واگذاشت! از او آمرزش بطلبید، سپس به سوی او بازگردید، که پروردگارم (به بندگان خود) نزدیک، و اجابت کننده (خواسته‌های آنها) است!»

لَعْمَرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سُكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ(الحجر/٧٢)

به جان تو سوگند، اینها در مستی خود سرگردانند (و عقل و شعور خود را از دست داده‌اند)!

وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ يَتَوَفَّكُمْ وَمِنْكُمْ مَنْ يَرَدُّ إِلَى أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْ لَا يَعْلَمَ بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ قَدِيرٌ(النحل/٧٠)

خداؤند شما را آفرید؛ سپس شما را می‌میراند؛ بعضی از شما به نامطلوب‌ترین سنین بالای عمر می‌رسند، تا بعد از علم و آگاهی، چیزی ندانند (و همه چیز را فراموش کنند)؛ خداوند دانا و تواناست!

بَلْ مَتَّعْنَا هُؤُلَاءِ وَآبَاءُهُمْ حَتَّىٰ طَالَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ أَفَلَا يَرَوْنَ أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا أَفَهُمُ الْغَالِبُونَ(الأنبیاء/٤٤)

ما آنها و پدرانشان را (از نعمتها) بهرمند ساختیم، تا آنجا که عمر طولانی پیدا کردند (و مایه غرور و طغیانشان شد)؛ آیا نمی‌بینند که ما پیوسته به سراغ زمین آمده، و از آن (و اهلش) می‌کاهیم؟! آیا آنها غالبند (یا ما)؟!

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مُضْعَةٍ مُخْلَقَةٍ وَغَيْرُ مُخْلَقَةٍ لِتُبَيِّنَ لَكُمْ وَتُقْرَرُ فِي الْأَرْخَامِ مَا نَشَاءُ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى ثُمَّ نُحْرِجُكُمْ طِلْلًا ثُمَّ لَيَبْلُغُوا أَشْدَكَهُمْ وَمِنْكُمْ مَنْ يَتَوَفَّى وَمِنْكُمْ مَنْ يَرَدُّ إِلَى أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلًا يَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَرَّتْ وَرَبَّتْ وَأَنْبَتْتْ مِنْ كُلِّ رَوْجٍ بَهِيجٍ(الحج/٥)

ای مردم! اگر در رستاخیز شک دارید، (به این نکته توجه کنید که) ما شما را از خاک آفریدیم، سپس از نطفه، و بعد از خون بسته شده، سپس از «مضغه» [= چیزی شبیه

گوشت جویده شده‌آ، که بعضی دارای شکل و خلقت است و بعضی بدون شکل؛ تا برای شما روش سازیم (که بر هر چیز قادریم)! و جنین‌هایی را که بخواهیم تا مدت معینی در رحم (مادران) قرارمی‌دهیم؛ (و آنچه را بخواهیم ساقط می‌کنیم؛) بعد شما را بصورت طفل بیرون می‌آوریم؛ سپس هدف این است که به حد رشد و بلوغ خویش برسید. در این میان بعضی از شما می‌میرند؛ و بعضی آن قدر عمر می‌کنند که به بدترین مرحله زندگی (و پیری) می‌رسند، آنچنان که بعد از علم و آگاهی، چیزی نمی‌دانند! (از سوی دیگر)، زمین را (در فصل زمستان) خشک و مرده می‌بینی، اما هنگامی که آب باران بر آن فرو می‌فرستیم، به حرکت درمی‌آید و می‌روید؛ و از هر نوع گیاهان زیبا می‌رویاند!

قالَ اللَّمْ نُرْبِكَ فِينَا وَلَيْدًا وَلَبِثْتَ فِينَا مِنْ عُمُرٍ كَسِينِينَ (الشعراء/۱۸)

(فرعون) گفت: «آیا ما تو را در کودکی در میان خود پرورش ندادیم، و سالهایی از زندگیت را در میان ما نبودی؟!

وَلَكِنَّا أَنْشَأْنَا قُرُونًا فَتَطَاوَلَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ وَمَا كُنْتَ ثَاوِيَا فِي أَهْلِ مَدْيَنَ تَنْلُو عَلَيْهِمْ
وَلَكِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ (القصص/۴۵)

ولی ما اقوامی را در اعصار مختلف خلق کردیم، و زمانهای طولانی بر آنها گذشت (که آثار انبیا از دلهایشان محو شد؛ پس تو را با کتاب آسمانیت فرستادیم)! تو هرگز در میان مردم مدين اقامت نداشتی تا (از وضع آنان آگاه باشی و) آیات ما را برای آنها [= مشرکان مکه] بخوانی، ولی ما بودیم که تو را فرستادیم (و این آیات را در اختیارت قرار دادیم)!

أَوْلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الدِّينِ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً
وَأَثَارُوا الْأَرْضَ وَعَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ
لِيظْلِمُهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (الروم/۹)

آیا در زمین گردش نکردن تا ببینند عاقبت کسانی که قبل از آنان بودند چگونه بود؟! آنها نیرومندتر از اینان بودند، و زمین را (برای زراعت و آبادی) بیش از اینان دگرگون ساختند و آباد کردند، و پیامبرانشان با دلایل روشن به سراغشان آمدند (اما آنها انکار کردند و کیفر خود را دیدند)، خداوند هرگز به آنان ستم نکرد، آنها به خودشان ستم می‌کردند!

وَاللَّهُ خَلَقَكُم مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْواجًا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَى وَلَا تَضَعُ إِلَّا
يَعْلَمُهُ وَمَا يَعْمَرُ مِنْ مُعَمَّرٍ وَلَا يَنْقُصُ مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ
بِسِيرٌ(فاطر/۱۱)

خداؤند شما را از خاکی آفرید، سپس از نطفه‌ای؛ سپس شما را بصورت زوجه‌ای قرار داد؛ هیچ جنس ماده‌ای باردار نمی‌شود و وضع حمل نمی‌کند مگر به علم او، و هیچ کس عمر طولانی نمی‌کند، یا از عمرش کاسته نمی‌شود مگر اینکه در کتاب (علم خداوند) ثبت است؛ اینها همه برای خداوند آسان است.

وَهُمْ يَصْطَرِخُونَ فِيهَا رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلُ صَالِحًا غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ أَوْلَمْ نَعْمَرْ كُمْ مَا
يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَنْ تَذَكَّرَ وَجَاءَكُمُ النَّذِيرُ فَدُوْقُوا فَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ(فاطر/۳۷)
آنها در دوزخ فریاد می‌زنند: «پروردگار! ما را خارج کن تا عمل صالحی انجام دهیم غیر از آنچه انجام می‌دادیم!» (در پاسخ به آنان گفته می‌شود): آیا شما را به اندازه‌ای که هر کس اهل تذکر است در آن متذکر می‌شود عمر ندادیم، و انذارکننده (الله) به سراغ شما نیامد؟! اکنون بچشید که برای ظالمان هیچ یاوری نیست!

وَمَنْ نُعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْقِلُونَ(یس/۶۸)

هر کس را طول عمر دهیم، در آفرینش واژگونه‌اش می‌کنیم (و به ناتوانی کودکی باز می‌گردانیم)، آیا اندیشه نمی‌کنند؟!

وَمَرْءِيمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا
وَكُتُبِهِ وَكَانَتْ مِنَ الْقَانِتِينَ(التحریم/۱۲)

و همچنین به مریم دختر عمران که دامان خود را پاک نگه داشت، و ما را از روح خود در آن دمیدیم؛ او کلمات پروردگار و کتابهایش را تصدیق کرد و از مطیعان فرمان خدا بود!

سقف در کلام الله

قَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَأَتَى اللَّهُ بُنْيَاهُمْ مِنَ الْقَوَاعِدِ فَحَرَّ عَلَيْهِمُ السَّقْفُ مِنْ فَوْقِهِمْ
وَأَنَّاهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ(النحل/۲۶)

کسانی که قبل از ایشان بودند (نیز) از این توطئه‌ها داشتند؛ ولی خداوند به سراغ شالوده (زندگی) آنها رفت؛ و آن را از اساس ویران کرد؛ و سقف از بالا بر سرشان فرو ریخت؛ و عذاب (الله) از آن جایی که نمی‌دانستند به سراغشان آمد!

وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُظًا وَهُمْ عَنْ آيَاتِهَا مُغَرِّضُونَ (الأَبْيَاءُ ۳۲)

و آسمان را سقف محفوظی قرار دادیم؛ ولی آنها از آیات آن روی گردانند.

وَلَوْلَا أَنْ يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِبَيْوِتِهِمْ سُقْفًا مِنْ فِضَّةٍ وَمَعَارِجٍ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ (الزخرف ۳۳)

اگر (تمکن کفار از موهاب مادی) سبب نمی‌شد که همه مردم امت واحد (گمراهی) شوند، ما برای کسانی که به (خداوند) رحمان کافر می‌شدند خانه‌هایی قرار می‌دادیم با سقنهایی از نقره و نربانهایی که از آن بالا روند،

وَالسَّقْفِ الْمَرْفُوعِ (الطور ۵)

و سقف برافراشته،

نصر در کلام الله

وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نَصِيرَ عَلَى طَغَامٍ وَاحِدٍ فَأَدْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُتْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقِيَّهَا وَقَثَائِيَّهَا وَفُؤُمَّهَا وَعَدَسَيَّهَا وَبَصَلَّهَا قَالَ أَتَسْتَبِدُلُونَ الَّذِي هُوَ أَنَّى بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ أَهْبِطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُمْ مَا سَأَلْتُمْ وَضَرِبْتَ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَبَاءُوا بِعَصَبٍ مِنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِإِنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ التَّبِيَّنَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ (البقرة ۶۱)

و (نیز به خاطر بیاورید) زمانی را که گفتید: «ای موسی! هرگز حاضر نیستیم به یک نوع غذا اکتفا کنیم! از خدای خود بخواه که از آنچه زمین می‌رویاند، از سبزیجات و خیار و سیر و عدس و پیازش، برای ما فراهم سازد.» موسی گفت: «آیا غذای پستتر را به جای غذای بهتر انتخاب می‌کنید؟! (اکنون که چنین است، بکوشید از این بیابان) در شهری فرود آئید؛ زیرا هر چه خواستید، در آنجا برای شما هست.» و (مهر) ذلت و نیاز، بر پیشانی آنها زده شد؛ و باز گرفتار خشم خدائی شدند؛ چرا که آنان نسبت به آیات الهی، کفر می‌ورزیدند؛ و پیامبران را به ناحق می‌کشتند. اینها به خاطر آن بود که گناهکار و متتجاوز بودند.

وَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى وَأَخِيهِ أَنْ تَبُوا لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ يَبْوَا وَاجْعَلُوا يُبْوَتُكُمْ قِبْلَهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ (یونس/۸۷)

و به موسی و برادرش وحی کردیم که: «برای قوم خود، خانه‌هایی در سرزمین مصر انتخاب کنید؛ و خانه‌هایتان را مقابل یکدیگر (و متمرکر) قرار دهید! و نماز را بربا دارید! و به مؤمنان بشارت ده (که سرانجام پیروز می‌شوند!)»

وَقَالَ اللَّهُ أَذْنِي اشْتَرَاهُ مِنْ مِصْرَ لِمَرْأَتِهِ أَكْرِمِي مَثْوَاهُ عَسَى أَنْ يَنْفَعَنَا أُو نَتَخَذَهُ وَلَدًا وَكَذَلِكَ مَكَنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ وَلِتَعْلَمَ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَخَادِيثِ وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَى أُمُّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (یوسف/۲۱)

و آن کس که او را از سرزمین مصر خرید [= عزیز مصر]، به همسرش گفت: «مقام وی را گرامی دار، شاید برای ما سودمند باشد؛ و یا او را بعنوان فرزند انتخاب کنیم!» و اینچنین یوسف را در آن سرزمین متمکن ساختیم! (ما این کار را کردیم، تا او را بزرگ داریم؛ و) از علم تعبیر خواب به او بیاموزیم؛ خداوند بر کار خود پیروز است، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند!

فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَى يُوسُفَ آوَى إِلَيْهِ أُبُوِيهِ وَقَالَ ادْخُلُوا مِصْرَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ أَمْنِينَ (یوسف/۹۹)

و هنگامی که بر یوسف وارد شدند، او پدر و مادر خود را در آغوش گرفت، و گفت: «همگی داخل مصر شوید، که انشاء الله در امن و امان خواهید بود!»

وَنَادَى فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمَ الْيَسَرِ لَيْ مُلْكُ مِصْرَ وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِنْ تَحْتِي أَفْلَأْ تُبَصِّرُونَ (الزخرف/۵۱)

فرعون در میان قوم خود ندا داد و گفت: «ای قوم من! آیا حکومت مصر از آن من نیست، و این نهرها تحت فرمان من جریان ندارد؟ آیا نمی‌بینید؟

قصر

فَكَائِنُ مِنْ قَرِيْهِ أَهْلَكَنَا هَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ فَهِيَ خَاوِيَّهُ عَلَى عُرُوشِهَا وَبِشِرٍ مُعَطَّلِهِ وَقَصْرٍ مَشِيدِ (الحج/۴۵)

چه بسیار شهرها و آبادیهایی که آنها را نابود و هلاک کردیم در حالی که (مردمش) ستمگر بودند، بگونه‌ای که بر سقفهای خود فروریخت! (نخست سقفها ویران گشت؛ و

بعد دیوارها بر روی سقفهای! و چه بسیار چاه پر آب که بی‌صاحب ماند؛ و چه بسیار
قصرهای محکم و مرتفع!

إِنَّهَا تَرْمِي بِشَرَرِ كَالْقَصْرِ (المرسلات/٣٢)

شارههایی از خود پرتاب می‌کند مانند یک کاخ!

صور

وَأَذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلْفَاءَ مِنْ بَعْدِ عَادٍ وَّبَوْكُمْ فِي الْأَرْضِ تَتَحَذَّلُونَ مِنْ سُهُولِهَا فُصُورًا
وَتَنْحِتُونَ الْجِبَالَ بِبُيُوتٍ فَأَذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ وَلَا تَغُشاً فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (الأعراف/٧٤)
و به خاطر بیاورید که شما را جانشینان قوم «عاد» قرار داد، و در زمین مستقر ساخت،
که در دشتهایش، قصرها برای خود بنا می‌کنید؛ و در کوهها، برای خود خانه‌ها می‌
تراشید! بنابر این، نعمتهای خدا را متذکر شوید! و در زمین، به فساد نکوشید!»
تبارک‌الذی إِنْ شَاءَ جَعَلَ لَكَ خَيْرًا مِنْ ذِلِكَ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَيَجْعَلُ
لَكَ فُصُورًا (الفرقان/١٠)

زوال ناپذیر و بزرگ است خدایی که اگر بخواهد برای تو بهتر از این قرار می‌دهد:
باغهایی که نهرها از زیر درختانش جاری است، و (اگر بخواهد) برای تو کاخهایی مجلل
قرار می‌دهد.

وسائل منزل

مُتَكَبِّئِينَ عَلَى رَفَرَفٍ خُضْرٍ وَعَبْقَرِي حِسَانٍ (الرحمن/٧٦)

این در حالی است که بهشتیان بر تختهایی تکیه زده‌اند که با بهترین و زیباترین
پارچه‌های سبزرنگ پوشانده شده است.

اعضاء خانواده علم

وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ غِلْمَانٌ لَهُمْ كَانَهُمْ لُؤْلُؤٌ مَكْنُونٌ (الطور/٢٤)

و پیوسته بر گردشان نوجوانانی برای (خدمت) آنان گردش می‌کنند که همچون
مرواریدهای درون صدفند!

غلام

قالَ رَبِّ أَنِّي يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَقَدْ بَلَغْنِي الْكِبَرُ وَأَمْرَأَتِي عَاقِرٌ قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يُفْعِلُ مَا يُشَاءُ (آل عمران / ۴۰)

او عرض کرد: «پروردگار! چگونه ممکن است فرزندی برای من باشد، در حالی که پیری به سراغ من آمده، و همسرم ناز است؟!» فرمود: «بدین گونه خداوند هر کاری را بخواهد انجام می‌دهد.»

وَجَاءَتْ سِيَارَةٌ فَأَرْسَلُوا وَارِدَهُمْ فَأَدَلَى دُلُوَةً فَالَّتِي يَا بُشْرَى هَذَا غُلَامٌ وَأَسَرُوهُ بِضَاعَةً وَاللَّهُ عَلِيهِ بِمَا يَعْمَلُونَ (یوسف / ۱۹)

و (در همین حال) کاروانی فرا رسید؛ و مأمور آب را (به سراغ آب) فرستادند؛ او دلو خود را در چاه افکند؛ (ناگهان) صدا زد: «مزده بادا این کودکی است (زیبا و دوست داشتنی!)» و این امر را بعنوان یک سرمایه از دیگران مخفی داشتند. و خداوند به آنچه آنها انجام می‌دادند، آگاه بود.

فَأَلْوَا لَا تَوْجِلْ إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ عَلِيهِ (الحجر / ۵۳)

گفتند: «نترس، ما تو را به پسری دانا بشارت می‌دهیم!»

فَأَنْظَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا لَقِيَا غُلَامًا فَقَتَلُهُ قَالَ أَقْتَلْتَ نَفْسًا زَكِيَّةً بِغَيْرِ نَفْسٍ لَقَدْ جِئْتَ شَيئًا نُكْرًا (الكهف / ۷۴)

باز به راه خود ادامه دادند، تا اینکه نوجوانی را دیدند؛ و او آن نوجوان را کشت. (موسی) گفت: «آیا انسان پاکی را، بی آنکه قتلی کرده باشد، کشته؟! براستی کار رشته انجام دادی!»

وَأَمَّا الْغُلَامُ فَكَانَ أَبُوهُهُ مُؤْمِنَيْنِ فَخَشِينَا أَنْ يُرْهِقَهُمَا طُغْيَانًا وَكُفْرًا (الكهف / ۸۰)

و اما آن نوجوان، پدر و مادرش با ایمان بودند؛ و بیم داشتیم که آنان را به طغیان و کفر و اداردا!

وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِعَالَمِينَ يَتِيمٌ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغا أَشْدَهُمَا وَيَسْتَخْرُجَا كَنْزَهُمَا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ وَمَا فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِي ذَلِكَ تَأْوِيلٌ مَا لَمْ تَسْطِعْ عَلَيْهِ صَبَرًا(الكهف/۸۲)

و اما آن دیوار، از آن دو نوجوان یتیم در آن شهر بود؛ و زیر آن، گنجی متعلق به آن دو وجود داشت؛ و پدرشان مرد صالحی بود؛ و پروردگار تو می خواست آنها به حد بلوغ برسند و گنجشان را استخراج کنند؛ این رحمتی از پروردگارت بود؛ و من آن (کارها) را خودسرانه انجام ندادم؛ این بود راز کارهایی که نتوانستی در برابر آنها شکیبایی به خرج دهی!»

يَا زَكَرِيَا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَى لَمْ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلٍ سَمِيَا(مریم/۷)
ای زکریا! ما تو را به فرزندی بشارت می دهیم که نامش «یحیی» است؛ و پیش از این، همنامی برای او قرار ندادهایم!

قَالَ رَبِّ أَنِّي يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا وَقَدْ بَلَغْتُ مِنَ الْكِبَرِ عِتِيَا(مریم/۸)
گفت: «پروردگار!! چگونه برای من فرزندی خواهد بود؟! در حالی که همسرم ناز و عقیم است، و من نیز از شدت پیری افتاده شده‌ام!»

قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولٌ رَّبِّكَ لِأَهْبَطَ لَكِ غُلَامًا زَكِيَا(مریم/۱۹)
گفت: «من فرستاده پروردگار توام؛ (آمده‌ام) تا پسرا پاکیزه‌ای به تو ببخشم!»
قَالَتِ أَنِّي يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيَا(مریم/۲۰)
گفت: «چگونه ممکن است فرزندی برای من باشد؟! در حالی که تاکنون انسانی با من تماس نداشته، و زن آلوهای هم نبوده‌ام!»

فَبَشَّرَنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ(الصافات/۱۰)
ما او [=ابراهیم] را به نوجوانی بردبار و صبور بشارت دادیم!
فَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً فَأَلْوَأَ لَا تَحْفَ وَبَشَّرَهُ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ(الذاریات/۲۸)
و از آنها احساس وحشت کرد، گفتند: «نترس (ما رسولان و فرشتگان پروردگار توایم)!» و او را بشارت به تولد پسری دانا دادند.

حول

مَثْهُمْ كَمَلٌ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يُبَصِّرُونَ(البقرة/١٤)

آنان [= منافقان] همانند کسی هستند که آتشی افروخته (تا در بیابان تاریک، راه خود را پیدا کند)، ولی هنگامی که آتش اطراف او را روشن ساخت، خداوند (طوفانی می‌فرستد) و آن را خاموش می‌کند؛ و در تاریکیهای وحشتناکی که چشم کار نمی‌کند، آنها را رها می‌سازد.

وَالْوَالِدَاتِ يُرْضِعُنَ أُولَادَهُنَ حَوْلَيْنِ كَمِيلِينِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يَتَمَ الرَّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكَسُوتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تَكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وَسْعَهَا لَا تُضَارَّ وَالْدَّةُ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودُ لَهُ بِوَلَدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضِيْ مِنْهُمَا وَتَشَوَّرُ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أُولَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَمْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ(البقرة/٢٣٣)

مادران، فرزندان خود را دو سال تمام، شیر می‌دهند. (این) برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند. و بر آن کس که فرزند برای او متولد شده [= پدر]، لازم است خوراک و پوشاش مادر را به طور شایسته (در مدت شیر دادن بپردازد؛ حتی اگر طلاق گرفته باشد). هیچ کس موظف به بیش از مقدار توانایی خود نیست! نه مادر (به خاطر اختلاف با پدر) حق ضرر زدن به کودک را دارد، و نه پدر. و بر وارث او نیز لازم است این کار را انجام دهد [= هزینه مادر را در دوران شیرخوارگی تأمین نماید]. و اگر آن دو، با رضایت یکدیگر و مشورت، بخواهند کودک را (زودتر) از شیر بازگیرند، گناهی بر آنها نیست. و اگر (با عدم توانایی، یا عدم موافقت مادر) خواستید دایه‌ای برای فرزندان خود بگیرید، گناهی بر شما نیست؛ به شرط اینکه حق گذشته مادر را به طور شایسته بپردازید. و از (مخالفت فرمان) خدا پپرهیزید! و بدانید خدا، به آنچه انجام می‌دهید، بیناست!

وَالَّذِينَ يَتَوَفَّونَ مِنْكُمْ وَيَدْرُونَ أَرْوَاجًا وَصِيَّةً لِأَرْوَاجِهِمْ مَتَأْغَى إِلَى الْحَوْلِ غَيْرَ إِخْرَاجٍ فَإِنْ خَرَجْنَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ مِنْ مَعْرُوفٍ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ(البقرة/٢٤٠) و کسانی که از شما در آستانه مرگ قرارمی‌گیرند و همسرانی از خود به جا می‌گذارند، باید برای همسران خود وصیت کنند که تا یک سال، آنها را (با پرداختن هزینه زندگی) بهره‌مند سازند؛ به شرط اینکه آنها (از خانه شوهر) بیرون نروند (و اقدام به ازدواج مجدد نکنند). و اگر

بیرون روند، (حقی در هزینه ندارند؛ ولی) گناهی بر شما نیست نسبت به آنچه در باره خود، به طور شایسته انجام می‌دهند. و خداوند، توانا و حکیم است.

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنَتَّ لَهُمْ وَأَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظًا الْقُلْبَ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ
وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَأْوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَرَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ (آل
عمران/۱۵۹)

به (برکت) رحمت الهی، در برابر آنان [= مردم] نرم (و مهربان) شدی! و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می‌شدند. پس آنها را بخش و برای آنها آمرزش بطلب! و در کارها، با آنان مشورت کن! اما هنگامی که تصمیم گرفتی، (قاطع باش!) و بر خدا توکل کن! زیرا خداوند متوکلان را دوست دارد.

وَهَذَا كِتَابٌ أَنزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُصَدَّقٌ الَّذِي بَيْنَ يَدِيهِ وَلِتُنْذِرَ أُمَّ الْقَرَى وَمَنْ حَوْلَهَا وَالَّذِينَ
يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يَؤْمِنُونَ بِهِ وَهُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يَحْفَظُونَ (الأنعام/۹۲)

و این کتابی است که ما آن را نازل کردیم؛ کتابی است پربرکت، که آنچه را پیش از آن آمده، تصدیق می‌کند؛ (آن را فرستادیم تا مردم را به پادشاهی الهی، بشارت دهی)، و تا (اهل) ام القری [= مکه] و کسانی را که گرد آن هستند، بترسانی! (یقین بدان) آنها که به آخرت ایمان دارند، و به آن ایمان می‌آورند؛ و بر نمازهای خویش، مراقبت می‌کنند!

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِبُو لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحِبُّكُمْ وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحْوِلُ بَيْنَ
الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُخْشَرُونَ (الأنفال/۲۴)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دعوت خدا و بیامبر را اجابت کنید هنگامی که شما را به سوی چیزی می‌خواند که شما را حیات می‌بخشد! و بدانید خداوند میان انسان و قلب او حاصل می‌شود، و همه شما (در قیامت) نزد او گردآوری می‌شوید!

وَمِنْ حَوْلَكُمْ مِّنَ الْأَغْرَابِ مُنَافِقُونَ وَمِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَى النَّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ
نَعْلَمُهُمْ سَنُعَذِّبُهُمْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ يَرَدُونَ إِلَى عَذَابٍ عَظِيمٍ (التوبه/۱۰۱)

و از (میان) اعراب بادیهنشین که اطراف شما هستند، جمعی منافقند؛ و از اهل مدینه (نیز)، گروهی سخت به نفاق پای بندند. تو آنها را نمی‌شناسی، ولی ما آنها را می‌شناسیم. بزوی آنها را دو بار مجازات می‌کنیم (مجازاتی با رسوایی در دنیا، و مجازاتی به هنگام مرگ); سپس بسوی مجازات بزرگی (در قیامت) فرستاده می‌شوند.

مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلُهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا يَرْجِعُوا بِأَنفُسِهِمْ عَنْ نَفْسِهِمْ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يَصِيبُهُمْ ظَلَماً وَلَا نَصْبٌ وَلَا مُخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَطْهُونَ مَوْطِنًا يُغَيِّظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنْتَلُونَ مِنْ عَدُوٍّ نَيْلًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ (التوبه/۱۲۰)

سزاوار نیست که اهل مدینه، و بادیهنشیانی که اطراف آنها هستند، از رسول خدا تخلف جویند؛ و برای حفظ جان خویش، از جان او چشم بپوشند! این بخاطر آن است که هیچ تشنگی و خستگی، و گرسنگی در راه خدا به آنها نمی‌رسد و هیچ گامی که موجب خشم کافران می‌شود برنمی‌دارند، و ضربه‌ای از دشمن نمی‌خورند، مگر اینکه به خاطر آن، عمل صالحی برای آنها نوشته می‌شود؛ زیرا خداوند پاداش نیکوکاران را تباہ نمی‌کنند!

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكَنَا حَوْلَهُ لِنُرْيِهِ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (الإسراء/۱)

پاک و منزه است خدایی که بندهاش را در یک شب، از مسجد الحرام به مسجد الاقصی -که گردآگردن را پربرکت ساخته‌ایم- برده، تا برخی از آیات خود را به او نشان دهیم؛ چرا که او شنوا و بیناست.

خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَبْعُونَ عَنْهَا حِوْلًا (الكهف/۱۰۸)

آنها جاودانه در آن خواهند ماند؛ و هرگز تقاضای نقل مکان از آن جا نمی‌کنند!

فَوَرَّبَكَ لَنْحَسِنَهُمْ وَالشَّيَاطِينَ ثُمَّ لَنْخَضِرَنَهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيَا (مریم/۶۸)

سوگند به پروردگارت که همه آنها را همراه با شیاطین در قیامت جمع می‌کنیم؛ سپس همه را -در حالی که به زانو درآمده‌اند- گردآگرد جهنم حاضر می‌سازیم.

قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْتَعْمُونَ (الشعراء/۲۵)

(فرعون) به اطرافیانش گفت: «آیا نمی‌شنوید (این مرد چه می‌گوید)!؟»

قَالَ لِلْمُلْمَلِ حَوْلَهُ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ غَلِيمٌ (الشعراء/۳۴)

(فرعون) به گروهی که اطراف او بودند گفت: «این ساحر آگاه و ماهری است!

فَلَمَّا جَاءَهَا نُودِي أَنْ بُوْرَكَ مَنْ فِي النَّارِ وَمَنْ حَوْلُهَا وَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (النمل/۸)

هنگامی که نزد آتش آمد، ندایی برخاست که: «مبارک باد آن کس که در آتش است و کسی که در اطراف آن است [= فرشتگان و موسی] و منزه است خداوندی که پروردگار جهانیان است!

أَوْلَمْ يَرَوْا أَنَا جَعَلْتُنَا حَرَمًا آمِنًا وَيَتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ أَقْبَلَ الْبَاطِلُ يُؤْمِنُونَ وَيُنَعِّمُهُ اللَّهُ يَكْفُرُونَ (العنکبوت ۶۷)

آیا ندیدند که ما حرم امنی (برای آنها) قرار دادیم در حالی که مردم را در اطراف آنان (در بیرون این حرم) می‌ربایند؟ آیا به باطل ایمان می‌آورند و نعمت خدا را کفران می‌کنند؟! وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يَسْبَحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَقَضَى بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَقَيْلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (آل‌الزمر ۷۵)

(در آن روز) فرشتگان را می‌بینی که بر گرد عرش خدا حلقه زده‌اند و با ستایش پروردگارشان تسبیح می‌گویند؛ و در میان بندگان بحق داوری می‌شود؛ و (سرانجام) گفته خواهد شد: «حمد مخصوص خدا پروردگار جهانیان است!»

الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يَسْبَحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسَعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَيِّلَكَ وَقَهْمَ غَدَابَ الْجَحِيمِ (غافر ۷)

فرشتگانی که حاملان عرشند و آنها که گردآگرد آن (طواف می‌کنند) تسبیح و حمد پروردگارشان را می‌گویند و به او ایمان دارند و برای مؤمنان استغفار می‌کنند (و می‌گویند): پروردگار!! رحمت و علم تو همه چیز را فراگرفته است؛ پس کسانی را که توبه کرده و راه تو را پیروی می‌کنند بیامز، و آنان را از عذاب دورخ نگاه دار!

وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا غَرِيبًا لِتُتَذَرَّأَ أَمَّا الْقَرَى وَمَنْ حَوْلَهَا وَتَنْذِرَ يَوْمَ الْجَمْعِ لَا رَيْبَ فِيهِ فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ (شوری ۷)

و این گونه قرآنی عربی [= فصیح و گویا] را بر تو وحی کردیم تا «ام‌القری» [= مکه] و مردم پیرامون آن را انذار کنی و آنها را از روزی که همه خلائق در آن روز جمع می‌شوند و شک و تردید در آن نیست بترسانی؛ گروهی در بهشتند و گروهی در آتش سوزان!

وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا مَا حَوْلَكُمْ مِنَ الْقَرَى وَصَرَفْنَا الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (الأحقاف ۲۷)

ما آبادیهایی را که پیرامون شما بودند نابود ساختیم، و آیات خود را بصورتهای گوناگون (برای مردم آنها) بیان کردیم شاید بازگردند!

ایلاف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا يَلَافِ فَرَيْشِ (قریش ۱)

(کیفر لشکر فیل سواران) بخاطر این بود که قریش (به این سرزمین مقدس) الفت گیرند (و زمینه ظهور پیامبر فراهم شود)!

إِيَّا فِيهِمْ رِحْلَةُ الشَّتَاءِ وَالصَّيفِ (قریش/۲)

الفت آنها در سفرهای زمستانه و تابستانه (و بخاطر این الفت به آن بازگردند)!

آباء

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَتَبِعُوا مَا أُنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَبِعُ مَا أُفْيَنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ (البقرة/۱۷۰)

و هنگامی که به آنها گفته شود: «از آنچه خدا نازل کرده است، پیروی کنید!» می‌گویند: «نه، ما از آنچه پدران خود را بر آن یافتیم، پیروی می‌نماییم.» آیا اگر پدران آنها، چیزی نمی‌فهمیدند و هدایت نیافتند (باز از آنها پیروی خواهند کرد؟)؟!

فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَاسِكَكُمْ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا فَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتَنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ حَلَاقٍ (البقرة/۲۰۰)

و هنگامی که مناسک (حج) خود را انجام دادید، خدا را یاد کنید، همانند یادآوری از پدرانتان (آن‌گونه که رسم آن زمان بود) بلکه از آن هم بیشتر! (در این مراسم ، مردم دو گروهند: بعضی از مردم می‌گویند: «خدواند! به ما در دنیا، (*نیکی*) عطا کن!» ولی در آخرت، بهره‌ای ندارند.

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا أُنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ قَالُوا حَسِبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ (المائدہ/۱۰۴)

و هنگامی که به آنها گفته شود: «به سوی آنچه خدا نازل کرده، و به سوی پیامبر بیایید!»، می‌گویند: «آنچه از پدران خود یافته‌ایم، ما را بس است!؛ آیا اگر پدران آنها چیزی نمی‌دانستند، و هدایت نیافته بودند (باز از آنها پیروی می‌کنند؟)؟!

وَإِذَا فَعَلُوا فَاجِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَاللَّهُ أَمْرَنَا بِهَا قُلْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ أَنْقُلُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (الأعراف/۲۸)

و هنگامی که کار زشتی انجام می‌دهند می‌گویند: «پدران خود را بر این عمل یافته‌یم؛ و خداوند ما را به آن دستور داده است!» بگو: «خداوند (هرگز) به کار زشت فرمان نمی‌دهد! آیا چیزی به خدا نسبت می‌دهید که نمی‌دانید؟!»

ثُمَّ بَدَّلَنَا مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحَسَنَةَ حَتَّىٰ عَفَوْا وَقَالُوا قَدْ مَسَّ آبَاءَنَا الصَّرَاءُ وَالسَّرَّاءُ فَأَخَذْنَاهُمْ بَعْتَهُ وَهُمْ لَا يُشَعِّرُونَ (الأعراف/۹۵)

سپس (هنگامی که این هشدارها در آنان اثر نگذاشت)، نیکی (و فراوانی نعمت و رفاه) را به جای بدی (و ناراحتی و گرفتاری) قرار دادیم؛ آنچنان که فزونی گرفتند، (و همه‌گونه نعمت و برکت یافتند، و مغور شدند)، و گفتند: «(تنها ما نبودیم که گرفتار این مشکلات شدیم؛) به پدران ما نیز ناراحتیهای جسمی و مالی رسید.» چون چنین شد، آنها را ناگهان (به سبب اعمالشان) گرفتیم (و مجازات کردیم)، در حالی که نمی‌فهمیدند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَخَذُوا آبَاءَكُمْ وَإِخْوَانَكُمْ أُولَيَاءَ إِنِّي اسْتَحْبِبُ الْكُفَّارَ عَلَى الْإِيمَانِ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (التوبه/۲۳)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هرگاه پدران و برادران شما، کفر را بر ایمان ترجیح دهند، آنها را ولی (و یار و نکیه‌گاه) خود قرار ندهید! و کسانی از شما که آنان را ولی خود قرار دهند، ستمگرند!

قَالُوا جِئْنَتَنَا لِتَلْفِتَنَا عَمَّا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا وَتَكُونَ لَكُمَا الْكِبْرِيَاءُ فِي الْأَرْضِ وَمَا نَحْنُ لَكُمَا بِمُؤْمِنِينَ (يونس/۷۸)

گفتند: «آیا آمده‌ای که ما را، از آنچه پدرانمان را بر آن یافته‌یم، منصرف سازی؛ و بزرگی (و ریاست) در روی زمین، از آن شما دو تن باشد؟! ما (هرگز) به شما ایمان نمی‌آوریم!»
بَلْ مَتَعْنَا هَؤُلَاءِ وَآبَاءَهُمْ حَتَّىٰ طَالَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ أَفَلَا يَرَوْنَ أَنَّا نَأْتَيْنَا الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا أُفَهِّمُ الْغَالِبُونَ (الأنبياء/۴۴)

ما آنها و پدرانشان را (از نعمتها) بهره‌مند ساختیم، تا آنجا که عمر طولانی پیدا کردند (و مایه غرور و طغیانشان شد)؛ آیا نمی‌بینند که ما پیوسته به سراغ زمین آمده، و از آن (و اهلش) می‌کاهیم؟! آیا آنها غالبند (یا ما)؟!

قَالُوا وَجَدْنَا آبَاءَنَا لَهَا عَابِدِينَ (الأنبياء/۵۳)

گفتند: «ما پدران خود را دیدیم که آنها را عبادت می‌کنند.»

أَفَلَمْ يَدْبَرُوا الْقَوْلَ أَمْ جَاءَهُمْ مَا لَمْ يَأْتِ آبَاءَهُمُ الْأُولَئِينَ (المؤمنون/۶۸)

آیا آنها در این گفتار نیندیشیدند، یا اینکه چیزی برای آنان آمده که برای نیاکانشان نیامده است؟!

وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْصُمْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَخْفَضْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلِيُضْرِبُنَّ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيوبِهِنَّ وَلَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبَعْوَلَتِهِنَّ أَوْ آبَاءِهِنَّ أَوْ مَلَكَتْهُنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءَ بُعْوَلَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخْوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكْتِهِنَّ أَيْمَانِهِنَّ أَوِ النَّاعِيْنَ غَيْرَ أُولَى الْإِرَابِهِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطَّفْلِ الْذِيْنَ لَمْ يَظْهِرُوا عَلَى عُورَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يُضْرِبُنَّ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيَعْلَمَ مَا يَخْفِيْنَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيْهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ(النور/۳۱)

و به آنان با ایمان بگو چشمهاخ خود را (از نگاه هوس‌آلود) فروگیرند، و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را -جز آن مقدار که نمایان است- آشکار ننمایند و (اطراف) روسربی‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود)، و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پدر شوهرانشان، یا پسرانشان، یا پسران همسرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان هم‌کیشان، یا بردگانشان [کنیزانشان]، یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند، یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند؛ و هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانیشان دانسته شود (و صدای خلخال که برپا دارند به گوش رسد). و همگی بسوی خدا بازگردید ای مؤمنان، تا رستگار شویدا!

فَالْوَا سُبْحَانَكَ مَا كَانَ يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَتَحْدِدَ مِنْ دُونِكَ مِنْ أُولَيَاءِ وَلَكِنْ مَتَعْتَهُمْ وَآبَاءَهُمْ حَتَّى
سَوْءُ الْذِكْرُ وَكَانُوا قَوْمًا بُورًا(الفرقان/۱۸)

(در پاسخ) می‌گویند: «منزه‌ی تو! برای ما شایسته نبود که غیر از تو اولیایی برگزینیم، ولی آنان و پدرانشان را از نعمتها برخوردار نمودی تا اینکه (به جای شکر نعمت) یاد تو را فراموش کردند و تباہ و هلاک شدند.»

فَالْوَا بَلْ وَجَدْنَا آبَاءَنَا كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ(الشعراء/۷۴)

گفتن: «ما فقط نیاکان خود را یافتیم که چنین می‌کنند.»

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَتَبْعَوْا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَالْوَا بَلْ تَنَبَّعَ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْلَوْ كَانَ الشَّيْطَانُ
يَدْعُوهُمْ إِلَى عَذَابِ السَّعِيرِ(للمان/۲۱)

و هنگامی که به آنان گفته شود: «از آنچه خدا نازل کرده پیروی کنید!»، می‌گویند: «نه، بلکه ما از چیزی پیروی می‌کنیم که پدران خود را بر آن یافتیم!» آیا حتی اگر شیطان آنان را دعوت به عذاب آتش فروزان کند (باز هم تبعیت می‌کنند)؟

ادْعُوهُمْ لِآبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ فَإِنْ لَمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَمَوَالِيْكُمْ وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَلْتُمْ بِهِ وَلَكِنْ مَا شَعَمْتُمْ قُلُوبُكُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا (الأحزاب/۵)

آنها را به نام پدرانشان بخوانید که این کار نزد خدا عادلانه‌تر است؛ و اگر پدرانشان را نمی‌شناسید، آنها برادران دینی و موالی شما هستند؛ اما گناهی بر شما نیست در خطاهایی که از شما سرمی‌زنند (و بی‌توجه آنها را به نام دیگران صدا می‌زنید)، ولی آنچه را از روی عمد می‌گویید (مورد حساب قرار خواهد داد)؛ و خداوند آمرزنده و رحیم است.

إِنَّهُمْ أَلْفَوْا آبَاءَهُمْ ضَالَّيْنَ (الصفات/۶۹)

چرا که آنها پدران خود را گمراه یافتند،

بَلْ قَالُوا إِنَا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَى أُمَّةٍ وَإِنَا عَلَى آثَارِهِمْ مُهَمَّدُونَ (الزخرف/۲۲)

بلکه آنها می‌گویند: «ما نیاکان خود را بر آئینی یافتیم، و ما نیز به پیروی آنان هدایت یافته‌ایم.»

وَكَذَلِكَ مَا أُرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْبَةِ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتَرْفَهَا إِنَا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَى أُمَّةٍ عَلَى آثَارِهِمْ مُقْتَدُونَ (الزخرف/۲۳)

و این‌گونه در هیچ شهر و دیاری پیش از تو پیامبر انذار کننده‌ای نفرستادیم مگر اینکه ثروتمندان مست و مغورو آن گفتند: «ما پدران خود را بر آئینی یافتیم و به آثار آنان اقتداء کنیم.»

قَالَ أُولَوْ جِئْتُكُمْ بِأَهْدَى مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ آبَاءَكُمْ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ (الزخرف/۲۴)

(پیامبران) گفت: «آیا اگر من آیینی هدایت‌بخش‌تر از آنچه پدرانتان را بر آن یافتید آورده باشم (باز هم انکار می‌کنید)!؟» گفتند: «(آری)، ما به آنچه شما به آن فرستاده شده‌اید کافریم!»

بَلْ مَتَّعْتُ هَؤُلَاءِ وَآبَاءَهُمْ حَتَّى جَاءَهُمُ الْحَقُّ وَرَسُولٌ مُبِينٌ (الزخرف/۲۹)

ولی من این گروه و پدراشان را از موهاب دنیا بهره‌مند ساختم تا حق و فرستاده آشکار (اللهی) به سragاشان آمد؛

لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يَوَادُونَ مَنْ حَادَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أَوْ لَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ وَيَدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أَوْ لَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (المجادلة ۲۲)

هیچ قومی را که ایمان به خدا و روز رستاخیز دارند نمی‌یابی که با دشمنان خدا و رسولش دوستی کنند، هر چند پدران یا فرزندان یا برادران یا خویشاوندانشان باشند؛ آنان کسانی هستند که خدا ایمان را بر صفحه دلهایشان نوشته و با روحی از ناحیه خودش آنها را تقویت فرموده، و آنها را در باغهایی از بهشت وارد می‌کند که نهرها از زیر (درختانش) جاری است، جاودانه در آن می‌مانند؛ خدا از آنها خشنود است، و آنان نیز از خدا خشنودند؛ آنها «حزب الله»‌اند؛ بدانید «حزب الله» پیروزان و رستگارانند.

ابی

فَلَمَّا أَسْتَيَاسُوا مِنْهُ حَلَصُوا نَجِيَا قَالَ كَبِيرُهُمْ أَلَمْ تَعْلَمُوا أَنَّ أَبِاكُمْ قَدْ أَخْذَ عَلَيْكُمْ مَوْتِنَا مِنَ اللَّهِ وَمِنْ قَبْلِ مَا فَرَّطْتُمْ فِي يَوْسُفَ فَلَنْ أُبَرِّأَ الْأَرْضَ حَتَّى يَأْدَنَ لِي أَبِي أَوْ يَحْكُمَ اللَّهُ لِي وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ (یوسف ۸۰)

هنگامی که (برادران) از او مأیوس شدند، به کناری رفتند و با هم به نجوا پرداختند؛ (برادر) بزرگشان گفت: «آیا نمی‌دانید پدرتان از شما پیمان الهی گرفته؛ و پیش از این درباره یوسف کوتاهی کردید؟! من از این سرزمین حرکت نمی‌کنم، تا پدرم به من اجازه دهد؛ یا خدا درباره من داوری کند، که او بهترین حکم کنندگان است!

اذْهَبُوا بِقَمِيصِي هَذَا فَأَلْقُوهُ عَلَى وَجْهِ أَبِي يَأْتِ بَصِيرًا وَأَتُونِي بِأَهْلِكُمْ أَخْمَعِينَ (یوسف ۹۳) این پیارهان مرا ببرید، و بر صورت پدرم بیندازید، بینا می‌شود! و همه نزدیکان خود را نزد من بیاورید!»

فَجَاءَتُهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِخِياءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيُجْزِيكَ أَخْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقَصَصَ قَالَ لَا تَخْفِ نَجْوَتْ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (القصص ۲۵)

نگاهان یکی از آن دو (زن) به سراغ او آمد در حالی که با نهایت حیا گام برمی‌داشت، گفت: «پدرم از تو دعوت می‌کند تا مزد آب دادن (به گوسفندان) را که برای ما انجام دادی به تو پردازد.» هنگامی که موسی نزد او [= شعیب] آمد و سرگذشت خود را شرح داد، گفت: «ترس، از قوم ظالم نجات یافته!»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ (المسد/۱)
بریده باد هر دو دست ابولهب (و مرگ بر او باد)!

ابوی

بِوَصِيْكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلَّدَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأَنْشَيْنِ فَإِنْ كُنْ يَسْأَءُ فَوْقَ أَثْنَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلَّتَا مَا تَرَكَ
وَإِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ وَلِأَبْوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا السَّدُّسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ فَإِنْ لَمْ
يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَوَرَثَهُ أَبُواهُ فَلِأَمَّهِ الْثُلُثُ فَإِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأَمَّهِ السَّدُّسُ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّهِ يَوْصِي بِهَا
أَوْ دِينِ أَبَاوَكُمْ وَأَبْنَاؤَكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيْهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ نَفْعًا فَرِيْضَةً مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا
حَكِيمًا (النساء ۱۱/۱)

خدواند در باره فرزنداتان به شما سفارش می‌کند که سهم (میراث) پسر، به اندازه سهم دو دختر باشد؛ و اگر فرزندان شما، (دو دختر و) بیش از دو دختر باشند، دو سوم میراث از آن آنهاست؛ و اگر یکی باشد، نیمی (از میراث)، از آن اوست. و برای هر یک از پدر و مادر او، یک ششم میراث است، اگر (میت) فرزندی داشته باشد؛ و اگر فرزندی نداشته باشد، و (تمها) پدر و مادر از او ارث برنده، برای مادر او یک سوم است (و بقیه از آن پدر است)؛ و اگر او برادرانی داشته باشد، مادرش یک ششم می‌برد (و پنج ششم باقیمانده، برای پدر است). (همه اینها، بعد از انجام وصیتی است که او کرده، و بعد از ادائی دین است -شما نمی‌دانید پدران و مادران و فرزنداتان، کدامیک برای شما سودمندترند!- این فریضه الهی است؛ و خداوند، دانا و حکیم است.

يَا بَنِي آدَمَ لَا يَقْتِنَنُكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبُو يَكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ يُنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيَرِيهِمَا سَوْآتِهِمَا إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلَهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أُولِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ (الأعراف ۲۷)

ای فرزندان آدم! شیطان شما را نفریبد، آن گونه که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد، و لباسشان را از تنشان بیرون ساخت تا عورتشان را به آنها نشان دهد! چه اینکه او و همکارانش

شما را می‌بینند از جایی که شما آنها را نمی‌بینید؛ (اما بدانید) ما شیاطین را اولیای کسانی قرار دادیم که ایمان نمی‌آورند!

وَكَذِلِكَ يَجْتَبِيَكَ رَبُّكَ وَيَعْلَمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَخَادِيثِ وَيَتَمَّ نِعْمَةُ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ أَلٍ يَعْقُوبَ كَمَا أَنَّمَّهَا عَلَىٰ أَبْوَيْكَ مِنْ قَبْلٍ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبَّكَ عَلِيهِمْ حَكِيمٌ (یوسف/۶)

و این گونه پروردگارت تو را بر می گریند؛ و از تعبیر خوابها به تو می آموزد؛ و نعمتش را بر تو و بر خاندان یعقوب تمام و کامل می کند، همان گونه که پیش از این، بر پدرانت ابراهیم و اسحاق تمام کرد؛ به یقین، پروردگار تو دانا و حکیم است!»

فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَىٰ يُوسُفَ أَوَىٰ إِلَيْهِ أَبْوَيْهِ وَقَالَ ادْخُلُوا مِصْرَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ أَمْنِينَ (یوسف/۹۹) و هنگامی که بر یوسف وارد شدند، او پدر و مادر خود را در آغوش گرفت، و گفت: «همگی داخل مصر شوید، که انشاء الله در امن و امان خواهید بود!»

وَرَفَعَ أَبْوَيْهِ عَلَىٰ الْعَرْشِ وَخَرَّوَا لَهُ سُجَّدًا وَقَالَ يَا أَبْتِ هَذَا تَأْوِيلُ رُؤْيَايِّي مِنْ قَبْلُ قَدْ جَعَلَهَا رَبِّي حَقًّا وَقَدْ أَخْسَنَ بِي إِذْ أَخْرَجَنِي مِنَ السَّجْنِ وَجَاءَ بِكُمْ مِنَ الْبَدْوِ مِنْ بَعْدِ أَنْ نَزَغَ الشَّيْطَانُ بَيْنِي وَبَيْنِ إِخْوَتِي إِنَّ رَبِّي لَطِيفٌ لِمَا يَشَاءُ إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ (یوسف/۱۰۰)

و پدر و مادر خود را بر تخت نشاند؛ و همگی باطری او به سجده افتادند؛ و گفت: «پدر! این تعبیر خوابی است که قبله دیدم، پروردگارم آن را حق قرار داد! و او به من نیکی کرد هنگامی که مرا از زندان بیرون آورد، و شما را از آن بیابان (به اینجا) آورد بعد از آنکه شیطان، میان من و برادرانم فساد کرد. پروردگارم نسبت به آنچه می خواهد (و شایسته می داند)، صاحب لطف است؛ چرا که او دانا و حکیم است!

بعض

فَأَرَأَهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهُمَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقْرٌ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينِ (البقرة/۳۶)

پس شیطان موجب لغزش آنها از بهشت شد؛ و آنان را از آنچه در آن بودند، بیرون کرد. و (در این هنگام) به آنها گفتیم: «همگی (به زمین) فرود آید! در حالی که بعضی دشمن دیگری خواهید بود. و برای شما در زمین، تا مدت معینی قرار گاه و وسیله بهره برداری خواهد بود.»

فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا كَذِلِكَ يَحْيَى اللَّهُ الْمَوْتَىٰ وَيَرِيْكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (البقرة/۷۳)

سپس گفتیم: «قسمتی از گاو را به مقتول بزنید! (تا زنده شود، و قاتل را معرفی کند). خداوند این گونه مردگان را زنده می‌کند؛ و آیات خود را به شما نشان می‌دهد؛ شاید اندیشه کنید!»

وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا حَلَّا بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ قَالُوا أُتَحِدُّنُهُمْ بِمَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ لِيَحْاجُوْكُمْ بِهِ عِنْدَ رَبِّكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (البقرة/۷۶)

و هنگامی که مؤمنان را ملاقات کنند، می‌گویند: «ایمان آورده‌ایم.» ولی هنگامی که با یکدیگر خلوت می‌کنند، (بعضی به بعضی دیگر اعتراض کرده)، می‌گویند: «چرا مطالبی را که خداوند (در باره صفات پیامبر اسلام) برای شما بیان کرد، به مسلمانان بازگو می‌کنید تا (روز رستاخیز) در پیشگاه خدا، بر ضد شما به آن استدلال کنند؟! آیا نمی‌فهمید؟!»

ثُمَّ أَنْتُمْ هُؤُلَاءِ تَقْتَلُونَ أَنفُسَكُمْ وَتَخْرُجُونَ فَرِيقًا مِنْكُمْ مِنْ دِيَارِهِمْ تَظَاهِرُونَ عَلَيْهِمْ بِالْأَئْمَنِ وَالْعَدُوَانِ وَإِنْ يَأْتُوكُمْ أَسَارَى تُفَادُوهُمْ وَهُوَ مُحَرَّمٌ إِخْرَاجُهُمْ أَفْتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَمَا جَرَاءَ مِنْ يَفْعُلُ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِرْزٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَرَدُونَ إِلَى أَشَدِ الْعَذَابِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (البقرة/۸۵)

اما این شما هستید که یکدیگر را می‌کشید و جمعی از خودتان را از سرزمینشان بیرون می‌کنید؛ و در این گناه و تجاوز، به یکدیگر کمک می‌نمایید؛ (و اینها همه نقض پیمانی است که با خدا بسته‌اید) در حالی که اگر بعضی از آنها به صورت اسیران نزد شما آیند، فدیه می‌دهید و آنان را آزاد می‌سازید! با اینکه بیرون ساختن آنان بر شما حرام بود. آیا به بعضی از دستورات کتاب آسمانی ایمان می‌آورید، و به بعضی کافر می‌شوید؟! برای کسی از شما که این عمل (تبیعیض در میان احکام و قوانین الهی) را انجام دهد، جز رسوایی در این جهان، چیزی نخواهد بود، و روز رستاخیز به شدیدترین عذابها گرفتار می‌شوند. و خداوند از آنچه انجام می‌دهید غافل نیست.

وَلَئِنْ أَتَيْتَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ بِكُلِّ أَيْهٖ مَا تَبِعُوا قِبْلَتَكَ وَمَا أَنْتَ بِتَابِعٍ قِبْلَتَهُمْ وَمَا بَعْصُهُمْ بِتَابِعٍ قِبْلَةَ بَعْضٍ وَلَئِنْ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّكَ إِذَا لَمْنَ الظَّالِمِينَ (البقرة/۱۴۵)

سوگند که اگر برای (این گروه از) اهل کتاب، هرگونه آیه (و نشانه و دلیلی) بیاوری، از قبله تو پیروی نخواهد کرد؛ و تو نیز، هیچ‌گاه از قبله آنان، پیروی نخواهی نمود. (آنها نباید تصور کنند که بار دیگر، تغییر قبله امکان‌پذیر است!) و حتی هیچ‌یک از آنها، پیروی از قبله دیگری نخواهد کرد! و اگر تو، پس از این آگاهی، متابعت هوسهای آنها کنی، مسلماً از ستمگران خواهی بود!

فَهَرَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُودَ جَالُوتَ وَأَتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلِمَ مِمَّا يَشَاءُ وَلَوْلَا دُفِعَ إِلَيْهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ (آل‌بقرة/۲۵۱)

[۱۵۲] سپس به فرمان خدا، آنها سپاه دشمن را به هزیمت واداشتند. و «داوود» (نوجوان نیرومند و شجاعی که در لشکر «طالوت» بود)، «جالوت» را کشت؛ و خداوند، حکومت و دانش را به او بخشید؛ و از آنچه می‌خواست به او تعلیم داد. و اگر خداوند، بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نمی‌کرد، زمین را فساد فرامی‌گرفت، ولی خداوند نسبت به جهانیان، لطف و احسان دارد.

تِلْكَ الرَّسُولُ فَضَلَّنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ مِنْهُمْ مَنْ كَلَمَ اللَّهُ وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ وَآتَيْنَا عِيسَى ائِنَّ مَرِيَمَ الْبَيْنَاتِ وَأَيَّدَنَا بِرُوحِ الْقُدْسِ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا افْتَلَ الَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاهَتْهُمُ الْبَيْنَاتُ وَلَكِنِ اخْتَلَفُوا فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ وَمِنْهُمْ مَنْ كَفَرَ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا افْتَلُوكُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَرِيدُ (آل‌بقرة/۲۵۳)

بعضی از آن رسولان را بر بعضی دیگر برتری دادیم؛ برخی از آنها، خدا با او سخن می‌گفت؛ و بعضی را درجاتی برتر داد؛ و به عیسی بن مريم، نشانه‌های روشن دادیم؛ و او را با «روح القدس» تأیید نمودیم؛ (ولی فضیلت و مقام آن پیامبران، مانع اختلاف امتها نشد). و اگر خدا می‌خواست، کسانی که بعد از آنها بودند، پس از آن همه نشانه‌های روشن که برای آنها آمد، جنگ و ستیز نمی‌کردند؛ (اما خدا مردم را مجبور نساخته؛ و آنها را در پیمودن راه سعادت، آزاد گذارده است)؛ ولی این امتها بودند که با هم اختلاف کردند؛ بعضی ایمان آورند و بعضی کافر شدند؛ (و جنگ و خونریزی بروز کرد. و باز) اگر خدا می‌خواست، با هم پیکار نمی‌کردند؛ ولی خداوند، آنچه را می‌خواهد، (از روی حکمت) انجام می‌دهد (و هیچ‌کس را به قبول چیزی مجبور نمی‌کند).

أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى غُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَّا تَهْوِيَةُ اللَّهِ مِائَةً عَامٍ ثُمَّ بَعْثَةُهُ فَأَلَّا كَمْ لَبِثَتْ قَالَ كَمْ لَبِثَتْ يَوْمًا أَوْ بَعْضًا يَوْمٌ قَالَ بَلْ لَبِثَتْ مِائَةً عَامٍ فَانْظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهُ وَانْظُرْ إِلَى حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ أَيْهَةً لِلنَّاسِ وَانْظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنْشِرُهَا ثُمَّ نَكْسُوْهَا لَحْمًا قَلَمًا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَغَمَّ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (آل‌بقرة/۲۵۹)

یا همانند کسی که از کنار یک آبادی (ویران شده) عبور کرد، در حالی که دیوارهای آن، به روی سقفها فرو ریخته بود، (و اجساد و استخوانهای اهل آن، در هر سو پراکنده بود؛ او با خود) گفت: «چگونه خدا اینها را پس از مرگ، زنده می‌کند؟!» (در این هنگام)، خدا او را یکصد سال میراند؛ سپس زنده کرد؛ و به او گفت: «چه قدر درنگ کردی؟» گفت: «یک روز؛ یا

بخشی از یک روز.» فرمود: «نه، بلکه یکصد سال درنگ کردی! نگاه کن به غذا و نوشیدنی خود (که همراه داشتی، با گذشت سالها) هیچ‌گونه تغییر نیافته است! (خدایی که یک چنین مواد فاسدشدنی را در طول این مدت، حفظ کرده، بر همه چیز قادر است!) ولی به الاغ خود نگاه کن (که چگونه از هم متلاشی شده! این زنده شدن تو پس از مرگ، هم برای اطمینان خاطر توست، و هم) برای اینکه تو را نشانه‌ای برای مردم (در مورد معاد) قرار دهیم. (اکنون) به استخوانها‌ی مرکب سواری خود نگاه کن که چگونه آنها را برداشت، به هم پیوند می‌دهیم، و گوشت بر آن می‌بوشانیم!» هنگامی که (این حقایق) بر او آشکار شد، گفت: «می‌دانم خدا بر هر کاری توانا است.»

وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَى سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهَانً مَقْبُوضَةً فَإِنْ أَمِنْ بَعْضُكُمْ بَعْضًا فَلْيَؤَدِّ الَّذِي أُوتُمْ أَمَانَتَهُ وَلَيَتَقَرَّ اللَّهُ رَبَّهُ وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ عَلِيهِمْ (البقرة ۲۸۳)

و اگر در سفر بودید، و نویسنده‌ای نیافتید، گروگان بگیرید! (گروگانی که در اختیار طلبکار قرار گیرد). و اگر به یکدیگر اطمینان (کامل) داشته باشید، (گروگان لازم نیست، و) باید کسی که امین شمرده شده (و بدون گروگان، چیزی از دیگری گرفته)، امانت (و بدھی خود را بموقع) بپردازد؛ و از خدایی که پروردگار اوست. بپرهیز! و شهادت را کتمان نکنید! و هر کس آن را کتمان کند، قلبش گناهکار است. و خداوند، به آنچه انجام می‌دهید، داناست.

ذَرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيهِمْ (آل عمران ۳۴)

آنها فرزندان و (دودمانی) بودند که (از نظر پاکی و تقوا و فضیلت)، بعضی از بعض دیگر گرفته شده بودند؛ و خداوند، شنوا و داناست (و از کوششهای آنها در مسیر رسالت خود، آگاه می‌باشد).

وَمُصَدَّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيِ مِنَ التُّورَاءِ وَلِأَحَلَّ كُلُّ بَعْضِ الَّذِي حُرِّمَ عَلَيْكُمْ وَجِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رِبِّكُمْ فَأَتَتُّهُمُ اللَّهُ أَطْبِعُونَ (آل عمران ۵۰)

و آنچه را پیش از من از تورات بوده، تصدیق می‌کنم؛ و (آمدہام) تا پاره‌ای از چیزهایی را که (بر اثر ظلم و گناه)، بر شما حرام شده، (مانند گوشت بعضی از چهارپایان و ماهیها)، حلال کنم؛ و نشانه‌ای از طرف پروردگار شما، برایتان آوردهام؛ پس از خدا بترسید، و مرا اطاعت کنید!

فَلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلْمَةٍ سُوَاءٍ يَبْيَنَنَا وَبِيَنْكُمْ إِلَّا اللَّهُ وَلَا نُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَئْخُذْ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلُوا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ(آل عمران/۶۴)

بغو: «ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است؛ که جز خداوند یگانه را نپرسیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم؛ و بعضی از ما، بعضی دیگر را غیر از خدای یگانه - به خدایی نپذیرد.» هرگاه (از این دعوت)، سرباز زنند، بگویید: «گواه باشید که ما مسلمانیم!»

إِنَّ الَّذِينَ تَوَلُوا مِنْكُمْ يُوْمَ النَّقْيَ الْجَمِيعَانِ إِنَّمَا اسْتَرْلَهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضٍ مَا كَسَبُوا وَلَقَدْ عَفَ اللَّهُ عَنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ حَلِيمٌ(آل عمران/۱۵۵)

کسانی که در روز روبرو شدن دو جمعیت با یکدیگر (در جنگ احمد)، فرار کردند، شیطان آنها را بر اثر بعضی از گناهانی که مرتکب شده بودند، به لغزش انداخت؛ و خداوند آنها را بخشید. خداوند، آمرزند و بربار است.

فَأَسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَتَى لَا أَضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأَخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَوْدُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأَكْفَرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأَذْحَلِنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ تَوَابًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ التَّوَابِ(آل عمران/۱۹۵)

خداوند، درخواست آنها را پذیرفت؛ (و فرمود): من عمل هیچ عمل کننده‌ای از شما را، زن باشد یا مرد، ضایع نخواهم کرد؛ شما همنوعید، و از جنس یکدیگر! آنها که در راه خدا هجرت کردند، و از خانه‌های خود بیرون رانده شدند و در راه من آزار دیدند، و جنگ کردند و کشته شدند، بیقین گناهانشان را می‌بخشم؛ و آنها را در باغهای بهشتی، که از زیر درختانش نهرها جاری است، وارد می‌کنم. این پاداشی است از طرف خداوند؛ و بهترین پاداشها نزد پروردگار است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرْهًا وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَنْهَبُو بِبَعْضٍ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبِينَةٍ وَغَاسِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكُرْهُوَا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا(النساء/۱۹)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! برای شما حلال نیست که از زنان، از روی اکراه (و ایجاد نژاحتی برای آنها)، ارث ببریدا و آنان را تحت فشار قرار ندهید که قسمتی از آنچه را به آنها داده‌اید (از مهر)، تملک کنیدا مگر اینکه آنها عمل زشت آشکاری انجام دهند. و با آنان، بطور

شایسته رفتار کنید! و اگر از آنها، (بجهتی) کراحت داشتید، (فوراً تصمیم به جدایی نگیرید!) چه بسا چیزی خوشایند شما نباشد، و خداوند خیر فراوانی در آن قرار می‌دهد!

وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَأَخْذُنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا (النساء/۲۱)

و چگونه آن را باز پس می‌گیرید، در حالی که شما با یکدیگر تماس و آمیزش کامل داشته‌اید؟ (از این گذشته)، آنها (هنگام ازدواج)، از شما پیمان محکمی گرفته‌اند!

وَمَنْ لَمْ يُسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يُنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ فَتَيَاتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُمْ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَانْكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَأَنْوَهُنَّ أُجُورُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرَ مُسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتٍ أَخْدَانٍ فَإِذَا أَحْصَنْ فَإِنْ أُتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَقَاتِلُهُنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ ذَلِكَ لِمَنْ حَشِيَ الْعَنْتَ مِنْكُمْ وَأَنْ تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَكُمْ وَاللَّهُ أَعْفُرُ رَحِيمٌ (النساء/۲۵)

و آنها که توانایی ازدواج با زنان (آزاد) پاکدامن با ایمان را ندارند، می‌توانند با زنان پاکدامن از بردهگان با ایمانی که در اختیار دارید ازدواج کنند - خدا به ایمان شما آگاهتر است؛ و همگی اعضای یک پیکرید- آنها را با اجازه صاحبان آنان تزویج نمایید، و مهرشان را به خودشان بدھید؛ به شرط آنکه پاکدامن باشند، نه بطور آشکار مرتكب زنا شوند، و نه دوست پنهانی بگیرند. و در صورتی که «محضنه» باشند و مرتكب عمل منافي عفت شوند، نصف مجازات زنان آزاد را خواهند داشت. این (اجازه ازدواج با کنیزان) برای کسانی از شمامست که بترسند (از نظر غریزه جنسی) به رحمت بیفتند؛ و (با این حال نیز) خودداری (از ازدواج با آنان) برای شما بهتر است. و خداوند، آمرزند و مهربان است.

وَلَا تَسْمَئُوا مَا أَصَلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبْنَ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا (النساء/۳۲)

برتریهایی را که خداوند برای بعضی از شما بر بعضی دیگر قرار داده آرزو نکنید! (این تفاوت‌های طبیعی و حقوقی، برای حفظ نظام زندگی شما، و بر طبق عدالت است. ولی با این حال،) مردان نصیبی از آنچه به دست می‌آورند دارند، و زنان نیز نصیبی؛ (و نباید حقوق هیچ یک پایمال گردد). و از فضل (و رحمت و برکت) خدا، برای رفع تنگناها طلب کنید! و خداوند به هر چیز داناست.

الرِّجَالُ قَوْمٌ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أُمُولِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَاتِلَاتٌ حَافِظَاتٌ لِلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّتِي تَخَافُونَ نُشُورَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطْعَنْتُمُوهُنَّ فَلَا تَبْعُدُوهُنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْهِ كَبِيرًا (النساء/۳۴) مردان، سرپرست و نگهبان زنانند، باخاطر برتریهایی که خداوند (از نظر نظام اجتماع) برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است، و باخاطر انفاقهایی که از اموالشان (در مورد زنان) می‌کنند. و زنان صالح، زنانی هستند که متواضعند، و در غیاب (همسر خود)، اسرار و حقوق او را، در مقابل حقوقی که خدا برای آنان قرار داده، حفظ می‌کنند. و (اما) آن دسته از زنان را که از سرکشی و مخالفتشان بیم دارید، پند و اندرز دهید! (و اگر مؤثر واقع نشد)، در بستر از آنها دوری نمایید! و (اگر هیچ راهی جز شدت عمل، برای وادار کردن آنها به انجام وظایفشان نبود)، آنها را تنبیه کنید! و اگر از شما پیروی کردند، راهی برای تعدی بر آنها نجویید! (بدانید) خداوند، بلندمرتبه و بزرگ است. (و قدرت او، بالاترین قدرتهاست).

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَيَرِيدُونَ أَنْ يَقْرَفُوا بَيْنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَبِرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا (النساء/۱۵۰)

کسانی که خدا و پیامبران او را انکار می‌کنند، و می‌خواهند میان خدا و پیامبرانش تبعیض قائل شوند، و می‌گویند: «به بعضی ایمان می‌آوریم، و بعضی را انکار می‌کنیم» و می‌خواهند در میان این دو، راهی برای خود انتخاب کنند...

وَأَنِ الْحُكْمُ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرُهُمْ أَنْ يُفْتَنُوكُمْ عَنْ بَعْضٍ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ فَإِنْ تَوَلُّوْا فَأَعْلَمُ أَنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ أَنْ يَصِيبَهُمْ بِبَعْضٍ ذُنُوبِهِمْ وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ (المائدة/۴۹)

و در میان آنها [= اهل کتاب]، طبق آنچه خداوند نازل کرده، داوری کن! و از هوسهای آنان پیروی مکن! و از آنها برحذر باش، مبادا تو را از بعض احکامی که خدا بر تو نازل کرده، منحرف سازندا! و اگر آنها (از حکم و داوری تو)، روی گردانند، بدان که خداوند می‌خواهد آنان را باخاطر پاره‌ای از گناهانشان مجازات کند؛ و بسیاری از مردم فاسقدند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا أَهْيَهُدَ وَالنَّصَارَى أُولَيَاءَ بَعْضَهُمْ أُولَيَاءَ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَهَّمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (المائدة/۵۱)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! یهود و نصاری را ولی (و دوست و تکیه‌گاه خود)، انتخاب نکنید! آنها اولیای یکدیگرند؛ و کسانی که از شما با آنان دوستی کنند، از آنها هستند؛ خداوند، جمعیت ستمکار را هدایت نمی‌کند

وَكَذِلِكَ فَتَّأَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لِيَقُولُوا أَهُؤُلَاءِ مَنَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنْ بَيِّنِنَا أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ
بِالشَّاكِرِينَ (الأَنْعَامَ ۵۳)

و این چنین بعضی از آنها را با بعض دیگر آزمودیم (توانگران را بوسیله فقیران)، تا بگویند: «آیا اینها هستند که خداوند از میان ما (برگزیده، و) بر آنها منت گذارده (و نعمت ایمان بخشیده است؟!» آیا خداوند، شاکران را بهتر نمی‌شناسد؟!

قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِنْ فُوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يُلْبِسَكُمْ شَيْئًا
وَيَذِيقَ بَعْضَكُمْ بِأَسْبَابٍ بَعْضٍ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِعَاهِمٍ يَقْهَمُونَ (الأَنْعَامَ ۶۵)

بگو: «او قادر است که از بالا یا از زیر پای شما، عذابی بر شما بفرستد؛ یا بصورت دسته‌های پراکنده شما را با هم بیامیزد؛ و طعم جنگ (و اختلاف) را به هر یک از شما بوسیله دیگری پوشاند.» بین چگونه آیات گوناگون را (برای آنها) بازگو می‌کنیم! شاید بفهمند (و بازگردد)! وَكَذِلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسَنَ وَالْجِنِّ يَوْحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ رُّخْرُفَ الْقَوْلِ
غُرُورًا وَأَوْ شَاءَ رَبِّكَ مَا فَعَلُوهُ فَدَرْهُمٌ وَمَا يَفْتَرُونَ (الأَنْعَامَ ۱۱۲)

اینچنین در برابر هر پیامبری، دشمنی از شیاطین انس و جن قراردادیم؛ آنها بطور سری (و درگوشی) سخنان فریبند و بی‌اساس (برای اغفال مردم) به یکدیگر می‌گفتند؛ و اگر بپروردگارت می‌خواست، چنین نمی‌کردند؛ (و می‌توانست جلو آنها را بگیرد؛ ولی اجراء سودی ندارد). بنابر این، آنها و تهمتها یشان را به حال خود واگذار!

وَيَوْمَ يُحْشِرُهُمْ جَمِيعًا يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ قَدْ اسْتَثْرِثْتُمْ مِنَ الْإِنْسَنِ وَقَالَ أُولَيَاؤُهُمْ مِنَ الْإِنْسَنِ رَبَّنَا
اسْتَمْتَعْ بَعْضُنَا بِبَعْضٍ وَلَبَعْنَا أَجْلَنَا الَّذِي أَجْلَتْ لَنَا قَالَ النَّارُ مَثْوَكُمْ حَالِدِينَ فِيهَا إِلَّا مَا شَاءَ
اللَّهُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ (الأَنْعَامَ ۱۲۸)

در آن روز که (خدا) همه آنها را جمع و محشور می‌سازد، (می‌گوید): ای جمعیت شیاطین و جن! شما افراد زیادی از انسانها را گمراه ساختید! دوستان و پیروان آنها از میان انسانها می‌گویند: «پروردگار!! هر یک از ما دو گروه [= پیشوایان و پیروان گمراه] از دیگری استفاده کردیم؛ (ما به لذات هوس آلود و زودگذر رسیدیم؛ و آنها بر ما حکومت کردند)؛ و به اجلی که

برای ما مقرر داشته بودی رسیدیم.» (خداوند) می‌گوید: «آتش جایگاه شماست؛ جاودانه در آن خواهید ماند، مگر آنچه خدا بخواهد» پروردگار تو حکیم و داناست.

وَكَذَلِكَ نُولَى بَعْضَ الظَّالِمِينَ بَعْضًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (الأَنْعَام/١٢٩)

ما این‌گونه بعضی از ستمگران را به بعضی دیگر وامی گذاریم به سبب اعمالی که انجام می‌دادند.

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أُنْ تَأْتِيهِمُ الْمَلَائِكَةُ أُو يَأْتِي رَبُّكَ أُو يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أُو كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظَرُونَ (الأَنْعَام/١٥٨)

آیا جز این انتظار دارند که فرشتگان (مرگ) به سراغشان آیند، یا خداوند (خدوش) به سوی آنها بیاید، یا بعضی از آیات پروردگارت (و نشانه‌های رستاخیز)؟! اما آن روز که بعضی از آیات پروردگارت تحقق پذیرد، ایمان آوردن افرادی که قبل ایمان نیاورده‌اند، یا در ایمانشان عمل نیکی انجام نداده‌اند، سودی به حالشان نخواهد داشت! بگو: «اکنون که شما چنین انتظارات نادرستی دارید، انتظار بکشید ما هم انتظار (کیفر شما را) می‌کشیم!»

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَرَفِعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيُبْلُوكُمْ فِي مَا آتَكُمْ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْيَقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ (الأَنْعَام/١٦٥)

و او کسی است که شما را جانشینان (و نمایندگان) خود در زمین ساخت، و درجات بعضی از شما را بالاتر از بعضی دیگر قرار داد، تا شما را به وسیله آنچه در اختیارتان قرار داده بیازماید؛ به یقین پروردگار تو سریع العقاب و امرزنده مهربان است. (کیفر کسانی را که از بوته امتحان نادرست درآیند، زود می‌دهد؛ و نسبت به حق پویان مهربان است).

قَالَ اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقْرٌ وَمَتَاعٌ إِلَيْ حِينٍ (الأعراف/٢٤)

فرمود: «(از مقام خویش)، فرود آیید، در حالی که بعضی از شما نسبت به بعض دیگر، دشمن خواهید بود! (شیطان دشمن شماست، و شما دشمن او!) و برای شما در زمین، قرارگاه و وسیله بهره‌گیری تا زمان معینی خواهد بود.»

لِيُمِيزَ اللَّهُ الْخَيْثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَيَجْعَلَ الْخَيْثَ بَعْضَهُ عَلَى بَعْضٍ فَيُرْكَمُهُ جَمِيعًا فَيُجْعَلَهُ فِي جَهَنَّمَ أَوْلَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (الأనقَال/٣٧)

(اینها همه) بخاطر آن است که خداوند (می‌خواهد) ناپاک را از پاک جدا سازد، و ناپاکها را روی هم بگذارد، و همه را متراکم سازد، و یکجا در دوزخ قرار دهد؛ و اینها هستند زیانکاران!

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهُدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آتُوا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أُولَيَاءُ بَعْضٍ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلَائِتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ يَهَاجِرُوا وَإِنْ اسْتَنْصَرُو كُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ إِلَّا عَلَىٰ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيَانَقٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ(الأنفال/۷۲)

کسانی که ایمان آوردن و هجرت نمودند و با اموال و جانهای خود در راه خدا جهاد کردند، و آنها که پناه دادند و یاری نمودند، آنها یاران یکدیگرند؛ و آنها که ایمان آوردن و مهاجرت نکردند، هیچ گونه ولایت [= دوستی و تعهدی] در برابر آنها ندارید تا هجرت کنند! و (تنها) اگر در (حفظ) دین (خود) از شما یاری طلبند، بر شمامت که آنها را یاری کنید، جز بر ضد گروهی که میان شما و آنها، پیمان (ترک مخاصمه) است؛ و خداوند به آنچه عمل می کنید، بیناست!

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أُولَيَاءُ بَعْضٍ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ(الأنفال/۷۳)

کسانی که کافر شدند، اولیاء (و یاوران و مدافعان) یکدیگرند؛ اگر (این دستور را) انجام ندهید، فتنه و فساد عظیمی در زمین روی می دهد.

وَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْ بَعْدٍ وَهَاجَرُوا وَجَاهُدُوا مَعَكُمْ فَأُولَئِكَ مِنْكُمْ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أُولَى بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ(الأنفال/۷۵)

و کسانی که بعد ایمان آوردن و هجرت کردند و با شما جهاد نمودند، از شما هستند؛ و خویشاوندان نسبت به یکدیگر، در احکامی که خدا مقرر داشته، (از دیگران) سزاوارترند؛ خداوند به همه چیز دانست.

الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيهِمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ(التوبه/۶۷)

مردان منافق و زنان منافق، همه از یک گروهند! آنها امر به منکر، و نهی از معروف می کنند؛ و دستهایشان را (از انفاق و بخشش) می بندند؛ خدا را فراموش کردند، و خدا (نیز) آنها را فراموش کرد (و رحمتش را از آنها قطع نمود)؛ به یقین، منافقان همان فاسقانند!

وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أُولَيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيَؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيَطْبِعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيِّرْ حَمْهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ(التوبه/۷۱)

مردان و زنان بایمان، ولی (و یار و یاور) یکدیگرند؛ امر به معروف، و نهی از منکر می‌کنند؛ نماز را برپا می‌دارند؛ و زکات را می‌پردازند؛ و خدا و رسولش را اطاعت می‌کنند؛ بزودی خدا آنان را مورد رحمت خویش قرارمی‌دهد؛ خداوند توانا و حکیم است!

وَإِذَا مَا أَنْزَلْتُ سُورَةً نَظَرَ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ هُلْ يَرَكُمْ مِنْ أَحَدٍ ثُمَّ أَنْصَرَهُمْ صَرَفَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَقْعُدُهُنَّ (التوبه/۱۲۷)

و هنگامی که سوره‌ای نازل می‌شود، بعضی از آنها [= منافقان] به یکدیگر نگاه می‌کنند و می‌گویند: «آیا کسی شما را می‌بیند؟ (اگر از حضور پیامبر بیرون رویم، کسی متوجه ما نمی‌شود!)» سپس منصرف می‌شوند (و بیرون می‌روند)؛ خداوند دلهایشان را (از حق) منصرف ساخته؛ چرا که آنها، گروهی هستند که نمی‌فهمند (و بی‌دانند)!

وَإِمَّا نُرِينَكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّينَكَ فَإِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ اللَّهُ شَهِيدٌ عَلَى مَا يَفْعَلُونَ (یونس/۴۶)

اگر ما، پاره‌ای از مجازاتهایی را که به آنها وعده داده‌ایم، (در حال حیات تو (به تو نشان دهیم، و یا) پیش از آنکه گرفتار عذاب شوند)، تو را از دنیا ببریم، در هر حال، بازگشتشان به سوی ماست؛ سپس خداوند بر آنچه آنها انجام می‌دادند گواه است!

فَلَعْلَكَ تَارِكٌ بَعْضَ مَا يَوْحَى إِلَيْكَ وَضَائِقٌ بِهِ صَدْرُكَ أَنْ يَقُولُوا لَوْلَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ كَثْرًا أَوْ جَاءَ مَعَهُ مَلَكٌ إِنَّمَا أَنْتَ نَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ (هود/۱۲)

شاید (ابلاغ) بعض آیاتی را که به تو وحی می‌شود، (بخاطر عدم پذیرش آنها) ترک کنی (و به تأخیر اندازی)؛ و سینه‌های از این جهت تنگ (و ناراحت) شود که می‌گویند: «چرا گنجی بر او نازل نشده؟! و یا چرا فرشته‌ای همراه او نیامده است؟!» (ابلاغ کن، و نگران و ناراحت مباش! چرا که) تو فقط بیم دهنده‌ای؛ و خداوند، نگاهبان و ناظر بر همه چیز است (و به حساب آنان می‌رسد)!

إِنْ نَقُولُ إِلَّا اعْتَرَاكَ بَعْضُ آلِهَتِنَا بِسُوءِ قَالَ إِنِّي أُشْهِدُ اللَّهَ وَاسْتَهْدُوا أَنِّي بِرِيءٍ مِّمَّا تُّشْرِكُونَ (هود/۵۴)

ما (درباره تو) فقط می‌گوییم: بعضی از خدایان ما، به تو زیان رسانده (و عقلت را ربوده) اند!» (هود) گفت: «من خدا را به شهادت می‌طلبم، شما نیز گواه باشید که من بیزارم از آنچه شریک (خدا) قرارمی‌دهید...

قالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ لَا تَقْتُلُوا يُوسُفَ وَاللَّوْقُوهُ فِي عِيَاتِ الْجُبَّ يُلْتَقِطُهُ بَعْضُ السَّيَارَةِ إِنْ كُنْتُمْ فَأَعْلَمُينَ(یوسف/۱۰)

یکی از آنها گفت: «یوسف را نکشید! و اگر می خواهید کاری انجام دهید، او را در نهانگاه چاه بیفکنید؛ تا بعضی از قافله‌ها او را برگیرند (و با خود به مکان دوری ببرند)» وَفِي الْأَرْضِ قِطْعٌ مُسْتَجَاوِرَاتٌ وَجَنَّاتٌ مِنْ أَعْنَابٍ وَرَزْعٍ وَخَيْلٌ صِنْوَانٌ وَغَيْرُ صِنْوَانٍ يَسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَتُفَضِّلُ بَعْضَهَا عَلَى بَعْضِهَا فِي الْأَكْلِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ(الرعد/۴) و در روی زمین، قطعاتی در کنار هم قرار دارد که با هم متفاوتند؛ و (نیز) باعهایی از انگور و زراعت و نخلها، (و درختان میوه گوناگون) که گاه بر یک پایه می رویند و گاه بر دو پایه؛ (و عجیب‌تر آنکه) همه آنها از یک آب سیراب می شوند و با این حال، بعضی از آنها را از جهت میوه بر دیگری برتری می دهیم؛ در اینها نشانه‌هایی است برای گروهی که عقل خویش را به کار می گیرند!

وَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَفْرَحُونَ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَمِنَ الْأَحْزَابِ مَنْ يُنْكِرُ بَعْضَهُ قُلْ إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ وَلَا أُشْرِكَ بِهِ إِلَيْهِ أَدْعُو وَإِلَيْهِ مَأْبِ(الرعد/۳۶)

کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده‌ایم، از آنچه بر تو نازل شده، خوشحالند؛ و بعضی از احزاب (و گروه‌ها)، قسمتی از آن را انکار می کنند؛ بگو: «من مأمور که «الله» را بپرسم؛ و شریکی برای او قائل نشوم! به سوی او دعوت می کنم؛ و بازگشت من بسوی اوست!»

وَإِنْ مَا نُرِينَكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ تَنَوَّقِينَكَ فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَعَلَيْنَا الْحِسَابُ(الرعد/۴۰) و اگر پارهای از مجازات‌ها را که به آنها وعده می دهیم به تو نشان دهیم، یا (بیش از فراسیدن این مجازات‌ها) تو را بمیرانیم، در هر حال تو فقط مأمور ابلاغ هستی؛ و حساب (آنها) بر ماست.

وَاللَّهُ فَصَلَ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ فَمَا الَّذِينَ فُضِّلُوا بِرَأْدِي رِزْقِهِمْ عَلَى مَا مَلَكُوكُمْ أَيْمَانُهُمْ فَهُمْ فِيهِ سَوَاءٌ أَفْبِعْمَةُ اللَّهِ يَجْحَدُونَ(النحل/۷۱)

خداؤند بعضی از شما را بر بعضی دیگر از نظر روزی برتری داد (چرا که استعدادها و تلاشهایتان متفاوت است)! اما آنها که برتری داده شده‌اند، حاضر نیستند از روزی خود به بردگانشان بدنهند و همگی در آن مساوی گردند؛ آیا آنان نعمت خدا را انکار می نمایند (که شکر او را ادا نمی کنند)؟!

انظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَلَلآخرَةُ أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ وَأَكْبَرُ تَفْضِيلًا(الإسراء/۲۱)

بین چگونه بعضی را (در دنیا بخاطر تلاششان) بر بعضی دیگر برتری بخشیده ایم؛ درجات آخرت و برتری هایش، از این هم بیشتر است!

وَرَبِّكَ أَعْلَمُ بِمَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَقَدْ فَصَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّنَ عَلَى بَعْضٍ وَآتَيْنَا دَاؤُدَ زُبُورًا (الإسراء/۵۵)

پروردگار تو، از حال همه کسانی که در آسمانها و زمین هستند، آگاهتر است؛ و (اگر تو را بر دیگران برتری دادیم، بخاطر شایستگی توست)، ما بعضی از پیامبران را بر بعضی دیگر برتری دادیم؛ و به داود، زبور بخشیدیم.

قُلْ لَئِنِ الْجَمْعَةِ إِلَّا نُسُكُ وَالْحِنْ عَلَى أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا (الإسراء/۸۸)

بگو: «اگر انسانها و پریان (جن و انس) اتفاق کنند که همانند این قرآن را بیاورند، همانند آن را نخواهند آورد؛ هر چند یکدیگر را (در این کار) کمک کنند.

وَكَذِلِكَ بَعْثَاهُمْ لِيَسْتَأْلُوا بَيْنَهُمْ قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ كَمْ لَيْشْتُمْ قَالُوا لَيْشْنَا يَوْمًا أُوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالُوا رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا لَيْشْتُمْ فَأَبْعَثُوا أَحَدَكُمْ بِوَرِقْكُمْ هَذِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ فَلَيُنْظَرْ أَيْهَا أَرْكَي طَعَامًا فَلِيَأْتِكُمْ بِرْزَقٍ مِنْهُ وَلَيُتَلَطَّفُ وَلَا يَشْعِرُنَّ بِكُمْ أَحَدًا (الكهف/۱۹)

این گونه آنها را (از خواب) برانگیختیم تا از یکدیگر سوال کنند؛ یکی از آنها گفت: «چه مدت خوابیدید؟!» گفتند: «یک روز، یا بخشی از یک روز!» (و چون نتوانستند مدت خوابشان را دقیقاً بدانند) گفتند: «پروردگار تان از مدت خوابتان آگاهتر است؛ اکنون یک نفر از خودتان را با این سکه‌ای که دارید به شهر بفرستید، تا بنگرد کدام یک از آنها غذای پاکیزه‌تری دارند، و مقداری از آن برای روزی شما بیاورد. اما باید دقت کند، و هیچ کس را از وضع شما آگاه نسازد...»

وَتَرَكُنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَيْدِ يَمْوَجُ فِي بَعْضٍ وَنُفَخَ فِي الصُّورِ فَجَمَنَاهُمْ جَمِيعًا (الكهف/۹۹)

و در آن روز (که جهان پایان می‌گیرد)، ما آنان را چنان رها می‌کنیم که درهم موج می‌زنند؛ و در صور [=شیپور] دمیده می‌شود؛ و ما همه را جمع می‌کنیم!

قَالَ اهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فَإِمَا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدَى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَى فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى (طه/۱۲۳)

(خداؤند) فرمود: «هر دو از آن (بهشت) فرود آید، در حالی که دشمن یکدیگر خواهید بود! ولی هرگاه هدایت من به سراغ شما آید، هر کس از هدایت من پیروی کند، نه گمراه می‌شود، و نه در رنج خواهد بود!

الَّذِينَ أَخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بِعَضَهُمْ بِعَضٌ لَهُدَمَتْ صَوَامِعُ وَبَيْعَ وَصَنَوَاتٍ وَمَسَاجِدٌ يَذْكُرُ فِيهَا اسْمَ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيُنْصَرِّنَ اللَّهُ مَنْ يُنْصَرِّهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوْيٌ عَزِيزٌ(الحج/٤٠)

همانها که از خانه و شهر خود، به ناحق رانده شدند، جز اینکه می‌گفتند: «پروردگار ما، خدای یکتاست!» و اگر خداوند بعضی از مردم را بوسیله بعضی دیگر دفع نکند، دیرها و صومعه‌ها، و معابد یهود و نصارا، و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می‌شود، ویران می‌گردد! و خداوند کسانی را که یاری او کنند (و از آیینش دفاع نمایند) یاری می‌کند؛ خداوند قوی و شکست ناپذیر است.

ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتَرَى كُلَّ مَا جَاءَ أَمَّةً رَسُولُهَا كَذَبُوهُ فَأَتَبْعَنَا بَعْضَهُمْ بَعْضًا وَجَعَلْنَاهُمْ أَخَادِيثَ فَبَعْدًا لِقَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ(المؤمنون/٤٤)

سپس رسولان خود را یکی پس از دیگری فرستادیم؛ هر زمان رسولی برای (هدایت) قومی می‌آمد، او را تکذیب می‌کردند؛ ولی ما این امتهای سرکش را یکی پس از دیگری هلاک نمودیم، و آنها را احادیثی قرار دادیم (چنان محو شدند که تنها نام و گفتگویی از آنان باقی ماند). دور باد (از رحمت خدا) قومی که ایمان نمی‌آورند!

مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِنْ وَلَدٍ وَمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ إِلَهٍ إِذَا لَدَهُبَ كُلُّ إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ وَأَعْلَمَ بَعْضَهُمْ غَلَى بَعْضٌ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يصِفُونَ(المؤمنون/٩١)

خدا هرگز فرزندی برای خود انتخاب نکرده؛ و معبد دیگری با او نیست؛ که اگر چنین می‌شد، هر یک از خدایان مخلوقات خود را تدبیر و اداره می‌کردند و بعضی بر بعضی دیگر برتری می‌جستند (و جهان هستی به تباہی کشیده می‌شد)؛ منزه است خدا از آنچه آنان توصیف می‌کنند!

فَالْلُّهُمَا يَوْمًا أُو بَعْضَ يَوْمٍ فَلَسْأَلِ الْعَادِيْنَ(المؤمنون/١١٣)

(در پاسخ) می‌گویند: «تنها به اندازه یک روز، یا قسمتی از یک روز! از آنها که می‌توانند بشمارند بپرس!»

أو كَظُلْمَاتٍ فِي بَحْرٍ لَجْجِي يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ سَخَابٌ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكُدْ يَرَاهَا وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ(النور/٤٠)

يا همچون ظلماتی در یک دریای عمیق و پهناور که موج آن را پوشانده، و بر فراز آن موج دیگری، و بر فراز آن ابری تاریک است؛ ظلمتهاهی است یکی بر فراز دیگری، آن گونه که هر گاه دست خود را خارج کند ممکن نیست آن را ببیند! و کسی که خدا نوری برای او قرار نداده، نوری برای او نیست!

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنُكُمُ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلْمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثَيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يَبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ(النور/٥٨)

ای کسانی که ایمان آوردهاید! بردگان شما، و همجنین کودکانتان که به حد بلوغ نرسیده‌اند، در سه وقت باید از شما اجازه بگیرند: پیش از نماز صبح، و نیمروز هنگامی که لباسهای (معمولی) خود را بیرون می‌آورید، و بعد از نماز عشا؛ این سه وقت خصوصی برای شمامت؛ اما بعد از این سه وقت، گناهی بر شما و بر آنان نیست (که بدون اذن وارد شوند) و بر گرد یکدیگر بگردید (و با صفا و صمیمیت به یکدیگر خدمت نمایید). این گونه خداوند آیات را برای شما بیان می‌کند، و خداوند دانا و حکیم است!

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَى أُمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّى يَسْتَأْذِنُوهُ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُوكُمْ أَوْلَئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِذَا اسْتَأْذَنُوكُمْ لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأَذِنُ لِمَنْ شِئْتَ مِنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ(النور/٦٢)

مؤمنان واقعی کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان آورده‌اند و هنگامی که در کار مهمی با او باشند، بی‌اجازه او جایی نمی‌روند؛ کسانی که از تو اجازه می‌گیرند، براستی به خدا و پیامبرش ایمان آورده‌اند! در این صورت، هر گاه برای بعضی کارهای مهم خود از تو اجازه بخواهند، به هر یک از آنان که می‌خواهی (و صلاح می‌بینی) اجازه ده، و برایشان از خدا آمرزش بخواه که خداوند آمرزنه و مهربان است!

لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ يَتَسَلَّلُونَ مِنْكُمْ لِوَادِأْ فَلَيَحْذِرُ الَّذِينَ يَخْالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةً أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ(النور/٦٣)

صدا کردن پیامبر را در میان خود، مانند صدا کردن یکدیگر قرار ندهی؛ خداوند کسانی از شما را که پشت سر دیگران پنهان می‌شوند، و یکی پس از دیگری فرار می‌کنند می‌داند! پس آنان که فرمان او را مخالفت می‌کنند، باید بترسند از اینکه فتنه‌ای دامنشان را بگیرد، یا عذابی دردنگی به آنها برسد!

وَمَا أُرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا إِنَّهُمْ لَيَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَيَمْسُحُونَ فِي الْأَسْوَاقِ وَجَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَتَصِرِّبُونَ وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيرًا (الفرقان/۲۰)

ما هیچ یک از رسولان را پیش از تو نفرستادیم مگر اینکه غذا می‌خوردند و در بازارها راه می‌رفتند؛ و بعضی از شما را وسیله امتحان بعضی دیگر قراردادیم، آیا صبر و شکیبایی می‌کنید (و از عهده امتحان برمنی آیدی؟)؟ و پروردگار تو همواره بصیر و بینا بوده است.

وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَىٰ بَعْضِ الْأَغْجَمِينَ (الشعراء/۱۹۸)

هرگاه ما آن را بر بعضی از عجم [= غیر عرب]‌ها نازل می‌کردیم...

قُلْ عَسَىٰ أَنْ يَكُونَ رَدِيفَ لَكُمْ بَعْضُ الَّذِي تَسْتَعْجِلُونَ (النمل/۷۲)

بغو: «شاید پاره‌ای از آنچه درباره آن شتاب می‌کنید، نزدیک و در کنار شما باشد!»

وَقَالَ إِنَّمَا اتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا مَوَدَّةً بَيْنَكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُكَفَّرُ

بَعْضُكُمْ بِعَضٍ وَيُلْعَنُ بَعْضُكُمْ بَعْضًا وَمَا أَوْكَمُ النَّارَ وَمَا لَكُمْ مِنْ نَاصِرِينَ (العنکبوت/۲۵)

(ابراهیم) گفت: «شما غیر از خدا بتنهایی برای خود انتخاب کرده‌اید که مایه دوستی و محبت

میان شما در زندگی دنیا باشد؛ سپس روز قیامت از یکدیگر بیزاری می‌جویید و یکدیگر را

لعن می‌کنید؛ و جایگاه (همه) شما آتش است و هیچ یار و یاوری برای شما نخواهد بود!»

ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيَذِيقُهُمْ بَعْضُ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (الروم/۴۱)

فساد، در خشکی و دریا بخاطر کارهایی که مردم انجام داده‌اند آشکار شده است؛ خدا می‌خواهد نتیجه بعضی از اعمالشان را به آنان بچشاند، شاید (بسوی حق) بازگردد!

النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَرْوَاحُهُمْ أَمَّهَا تَهُمْ وَأَوْلُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي

كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ تَفْعُلُوا إِلَىٰ أُولَائِكُمْ مَعْرُوفًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ

مَسْطُورًا (الأحزاب/۶)

پیامبر نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است؛ و همسران او مادران آنها [= مؤمنان] محسوب می‌شوند؛ و خویشاوندان نسبت به یکدیگر از مؤمنان و مهاجران در آنچه خدا مقرر

داشته اولی هستند، مگر اینکه بخواهید نسبت به دوستانتان نیکی کنید (و سهمی از اموال خود را به آنها بدهید)؛ این حکم در کتاب (الهی) نوشته شده است.

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ نُؤْمِنَ بِهَذَا الْقُرْآنَ وَلَا بِالَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلَوْ تَرَى إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ
عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ الْقَوْلَ يَقُولُ الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لَوْلَا أَنْتَمْ
لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ (سپا ۳۱)

کافران گفتند: «ما هرگز به این قرآن و کتابهای دیگری که پیش از آن بوده ایمان نخواهیم آورد!» اگر بینی هنگامی که این ستمگران در پیشگاه پروردگارشان (برای حساب و جزا) نگه داشته شده‌اند در حالی که هر کدام گناه خود را به گردن دیگری می‌اندازد (از وضع آنها تعجب می‌کنی)! مستضعفان به مستکبران می‌گویند: «اگر شما نبودید ما مؤمن بودیم!»

فَالْيَوْمَ لَا يَمْلِكُ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا وَنَقُولُ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا دُوْقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّتِي
كُنْنُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ (سپا ۴۲)

(آری) امروز هیچ یک از شما نسبت به دیگری مالک سود و زیانی نیست! و به ظالمان می‌گوییم: «بچشید عذاب آتشی را که تکذیب می‌کردید!»

فَلْ أَرَأَيْتُمْ شُرَكَاءَكُمُ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَرْوَنِي مَاذَا حَلَّفُوا مِنَ الْأَرْضِ أُمْ لَهُمْ شُرُكٌ فِي
السَّمَاوَاتِ أُمْ آتَيْنَاهُمْ كِتَابًا فَهُمْ عَلَى بَيِّنَتٍ مِنْهُ بَلْ إِنْ يَعِدُ الظَّالِمُونَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا إِلَّا
غُرُورًا (فاتر / ۴۰)

بنگو: «این معبدانی را که جز خدا می‌خوانید به من نشان دهید چه چیزی از زمین را آفریده‌اند، یا اینکه شرکتی در (آفرینش و مالکیت) آسمانها دارند؟! یا به آنان کتابی (آسمانی) داده‌ایم و دلیلی از آن برای (شرک) خود دارند؟!» نه هیچ یک از اینها نیست، ظالمان فقط وعده‌های دروغین به یکدیگر می‌دهند!

وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ (الصفات / ۲۷)

(و در این حال) رو به یکدیگر کرده و از هم می‌پرسند...

فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ (الصفات / ۵۰)

(در حالی که آنها غرق گفتگو هستند) بعضی رو به بعضی دیگر کرده می‌پرسند...

إِذْ دَخَلُوا عَلَى دَاوُودَ فَقَرِعَ مِنْهُمْ قَالُوا لَا تَحْفَ خَصْمَانِ بَتَّى بَعْضُنَا عَلَى بَعْضٍ فَاحْكُمْ بَيْنَنَا
بِالْحَقِّ وَلَا تُشْطِطْ وَاهْدِنَا إِلَى سَوَاءِ الصِّرَاطِ (ص / ۲۲)

در آن هنگام که (بی مقدمه) بر او وارد شدند و او از دیدن آنها وحشت کرد؛ گفتند: «نترس، دو نفر شاکی هستیم که یکی از ما بر دیگری ستم کرده؛ اکنون در میان ما بحق داوری کن و ستم روا مدار و ما را به راه راست هدایت کن!»

قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكُمْ بِسُؤَالٍ نَعْجَتِكَ إِلَى نِفَاجِهِ وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْخُلَطَاءِ لَيُبْغِي بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَا هُمْ وَظَنَّ دَاؤُودُ أَنَّمَا فَتَنَاهُ فَاسْتَغْفِرَ رَبَّهُ وَخَرَّ رَأِيكَعًا وَأَنَابَ (ص ۲۴)

(داود) گفت: «مسلمما او با درخواست یک میش تو برای افزودن آن به میشهایش، بر تو ستم نموده؛ و بسیاری از شریکان (و دوستان) به یکدیگر ستم می‌کنند، مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند؛ اما عده آنان کم است!» داود دانست که ما او را (با این ماجرا) آزموده‌ایم، از این رو از پروردگارش طلب آمرزش نمود و به سجده افتاد و توبه کرد.

وَقَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يُكْتُمُ إِيمَانَهُ أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَقَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ وَإِنْ يُكَذِّبَا فَعَلَيْهِ كَذِبَهُ وَإِنْ يَكُ صَادِقًا يَصِبِّكُمْ بَعْضُ الَّذِي يَعِدُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَابٌ (غافر/ ۲۸)

و مرد مؤمنی از آل فرعون که ایمان خود را پنهان می‌داشت گفت: «آیا می‌خواهید مردی را بشکید بخارطه اینکه می‌گوید: پروردگار من «الله» است، در حالی که دلایل روشنی از سوی پروردگار تان برای شما آورده است؟! اگر دروغگو باشد، دروغش دامن خودش را خواهد گرفت؛ و اگر راستگو باشد، (لاقل) بعضی از عذابهایی را که وعده می‌دهد به شما خواهد رسید؛ خداوند کسی را که اسرافکار و بسیار دروغگوست هدایت نمی‌کند.

فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَمَّا نُرِيَنَكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَنْوَقِيَنَكَ فَإِلَيْنَا يَرْجِعُونَ (غافر/ ۷۷)
پس (ای پیامبر) صبر کن که وعده خدا حق است؛ و هرگاه قسمتی از مجازاتهایی را که به آنها وعده داده‌ایم در حال حیاتت به تو ارائه دهیم، یا تو را (پیش از آن) از دنیا ببریم (مهم نیست)؛ چرا که همه آنان را تنها بسوی ما باز می‌گردانند!

أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسْمَنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْخِيَاءِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيَا وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِمَّا يَخْمَعُونَ (الزخرف/ ۳۲)

آیا آنان رحمت پروردگارت را تقسیم می‌کنند؟! ما معیشت آنها را در حیات دنیا در میانشان تقسیم کردیم و بعضی را بر بعضی برتری دادیم تا یکدیگر را مسخر کرده (و با هم تعاون نمایند)؛ و رحمت پروردگارت از تمام آنچه جمع‌آوری می‌کنند بهتر است!

وَلَمَّا جَاءَ عِيسَىٰ بِالْبَيْنَاتِ قَالَ قُدْسُ جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ وَلِأَبْيَنَ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلِفُونَ فِيهِ فَأَنْتُمْ قَوْمٌ أَطْبَاعُونَ(الزخرف/۶۳)

و هنگامی که عیسی دلایل روشن (برای آنها) آورد گفت: «من برای شما حکمت آورده‌ام، و آمده‌ام تا برخی از آنچه را که در آن اختلاف دارید روشن کنم؛ پس تقوای الهی پیشه کنید و از من اطاعت نمایید!

الْأَخْلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِيَعْضُّ عَدُوًّا إِلَّا الْمُتَّقِينَ(الزخرف/۶۷)

دوستان در آن روز دشمن یکدیگرند، مگر پرهیزگاران!

إِنَّهُمْ لَنْ يَغْنُوا عَنْكَ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَإِنَّ الظَّالِمِينَ بَعْضُهُمْ أُولَيَاءُ بَعْضٍ وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُتَّقِينَ(الجاثیة/۱۹)

آنها هرگز نمی‌توانند تو را در برابر خداوند بینیاز کنند (و از عذابش برهانند)؛ و ظالمان یار و یاور یکدیگرند، اما خداوند یار و یاور پرهیزگاران است!

فَإِذَا لَقِيْتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضْرِبُ الرِّقَابَ حَتَّىٰ إِذَا أُثْخَنْتُمُوهُمْ فَشَدَّوْا الْوَثَاقَ فَإِمَّا مَنَّا بَعْدُ وَإِمَّا فِدَاءً حَتَّىٰ تَضَعَ الْخُرْبُ أَوْ زَارُهَا ذَلِكَ وَلَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَأَنْتَصَرَ مِنْهُمْ وَلَكِنْ لِيَبْرُو بَعْضَكُمْ بِبَعْضٍ وَالَّذِينَ قَتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يَضِلَّ أَعْمَالَهُمْ(محمد/۴)

و هنگامی که با کافران (جنایت‌پیشه) در میدان جنگ روبرو شدید گردنها یاشان را بزنید، (و این کار را همچنان ادامه دهید) تا به اندازه کافی دشمن را در هم بکوبید؛ در این هنگام اسیران را محکم بیندید؛ سپس یا بر آنان منت گذارید (و آزادشان کنید) یا در برابر آزادی از آنان فدیه [= غرامت] بگیرید؛ (و این وضع باید همچنان ادامه یابد) تا جنگ بار سنگین خود را بر زمین نهد، (آری) برنامه این است! و اگر خدا می‌خواست خودش آنها را مجازات می‌کرد، اما می‌خواهد بعضی از شما را با بعضی دیگر بیازماید؛ و کسانی که در راه خدا کشته شدند، خداوند هرگز اعمالشان را از بین نمی‌برد!

ذَلِكَ بِإِنَّهُمْ قَالُوا لِلَّذِينَ كَرِهُوا مَا نَزَّلَ اللَّهُ سُنْطِيعُكُمْ فِي بَعْضِ الْأَمْرِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِسْرَارَهُمْ(محمد/۲۶)

این بخاطر آن است که آنان به کسانی که نزول وحی الهی را کراحت داشتند گفته‌ند: «ما در بعضی از امور از شما پیروی می‌کنیم؟» در حالی که خداوند پنهانکاری آنان را می‌داند.

یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتُكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرٍ بَعْضِكُمْ

لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبِطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ(الحجرات/۲)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! صدای خود را فراتر از صدای پیامبر نکنید، و در برابر او بلند سخن مگویید (و داد و فریاد نزنید) آن گونه که بعضی از شما در برابر بعضی بلند صدا می‌کنند، مبادا اعمال شما نابود گردد در حالی که نمی‌دانید!

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِنَ الطَّنَّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا يَجْسِسُوا وَلَا يَعْتَبْ بَعْضُكُمْ
بَعْضًا أَيْحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيَّتًا فَكَرِهَتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَابُ
رَحِيمٌ(الحجرات/۱۲)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از گمانها بپرهیزید، چرا که بعضی از گمانها گناه است؛ و هرگز (در کار دیگران) تجسس نکنید؛ و هیچ یک از شما دیگری را غیبت نکند، آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرد خود را بخورد؟! (به یقین) همه شما از این امر کراحت دارید، تقوای الهی پیشه کنید که خداوند توبه‌پذیر و مهربان است!

وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ(الطور/۲۵)

در این هنگام رو به یکدیگر کرده (از گذشته) سؤال می‌نمایند؛

وَإِذَا أَسْرَ النَّبِيِّ إِلَى بَعْضِ أَرْوَاجِهِ خَدِيشًا فَلَمَّا نَبَأْتُ بِهِ وَأَظْهَرَ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَفَ بَعْضَهُ وَأَغْرَضَ
عَنْ بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَأْهَا بِهِ قَالَ تَبَّانِي الْعَلِيمُ الْخَيْرُ(التحريم/۳)

(به خاطر بیاورید) هنگامی را که پیامبر یکی از رازهای خود را به بعضی از همسرانش گفت، ولی هنگامی که وی آن را افشا کرد و خداوند پیامبرش را از آن آگاه ساخت، قسمتی از آن را برای او بازگو کرد و از قسمت دیگر خودداری نمود؛ هنگامی که پیامبر همسرش را از آن خبر داد، گفت: «چه کسی تو را از این راز آگاه ساخت؟» فرمود: «خداوند عالم و آگاه مرا باخبر ساخت!»

فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَلَاؤْمُونَ(القلم/۳۰)

سپس رو به یکدیگر کرده به ملامت هم پرداختند،

وَلُوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ(الحاقة/۴۴)

اگر او سخنی دروغ بر ما می‌بست،

نسل

وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيَهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يَحِبُّ الْفَسَادَ (البقرة/٢٠٥)

(نشانه آن، این است که) هنگامی که روی برمی‌گردانند (و از نزد تو خارج می‌شوند)، در راه فساد در زمین، کوشش می‌کنند، و زراعتها و چهارپایان را نابود می‌سازند؛ (با اینکه می‌دانند) خدا فساد را دوست نمی‌دارد.

حُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ (السجده/٨)

سپس نسل او را از عصارهای از آب ناچیز و بی‌قدر آفرید.